۹۸

ترجمہ

بحار الانوار

الجامعۃ لدرر اخبار الائمۃ الاطہار

از محدث کبیر شیخ علامہ محمد باقر مجلسی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمه بحارالانوار جلد 98: تکمله کتاب زیارت

مشخصات کتاب

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، 1037 - 1111ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، 1392 -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : 978-600-7150-66-5 ؛ ج.1 : 978-600-7150-67-2 ؛ ج.2 : 978-600-7150-68-9 ؛ ج.3 : 978-600-7150-69-6 ؛ ج.4 : 978-600-715070-2 ؛ ج.5 978-600-7150-71-9 : ؛ ج.6 978-600-7150-72-6 : ؛ ج.7 978-600-7150-73-3 : ؛ ج.8 : 978-600-7150-74-0 ؛ ج.10 978-600-7150-76-4 : ؛ ج.11 978-600-7150-83-2 : ؛ ج.12 978-600-7150-66-5 : ؛ ج.13 978-600-7150-85-6 : ؛ ج.14 978-600-7150-86-3 : ؛ ج.15 978-600-7150-87-0 : ؛ ج.16:978-600-7150-88-7 ؛ ج.17:978-600-7150-89-4 ؛ ج.18: 978-600-7150-90-0 ؛ ج.19:978-600-7150-91-7 ؛ ج.20:978-600-7150-92-4 ؛ ج.21: 978-600-7150-93-1 ؛ ج.22:978-600-7150-94-8 ؛ ج.23:978-600-7150-95-5

مندرجات : ج.1. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.2. کتاب توحید.- ج.3. کتاب عدل و معاد.- ج.4. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. 5. تاریخ پیامبران.- ج.6. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.7. کتاب امامت.- ج.8. تاریخ امیرالمومنین.- ج.9. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.10. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.11. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.12. کتاب آسمان و جهان - 1.- ج.13. آسمان و جهان - 2.- ج.14. کتاب ایمان و کفر.- ج.15. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.16. کتاب مواعظ و حکم.- ج.17. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.18. کتاب ادعیه.- ج.19. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.20.

کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.2 - 8 و 10 - 16 (چاپ اول: 1392) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن 11ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP135/م3ب3042167 1392

رده بندی دیویی : 297/212

شماره کتابشناسی ملی : 3348985

ص: 1

اشاره

ص: 2

ترجمه

بحار الانوار

جلد 98

تکمله کتاب زیارت

ترجمه: گروه مترجمان

ص: 3

نام کتاب: ترجمه بحارالانوار، جلد 98

مولف: علامه محمد باقر مجلسی

مترجم: گروه مترجمان

ناشر: نهاد کتابخانه های عمومی کشور

تمام حقوق این اثر برای نهاد کتابخانه های عمومی کشور محفوظ است

آدرس نهاد: تهران - بلوارکشاورز - خیابان فلسطین - کوچه شهید ذاکری

ص: 4

فهرست

باب اول: واجب حتمی و امر مؤکد بودن زیارت امام حسین علیه السلام و ذکر نکوهشها و سرزنشها و هشدارها نسبت به ترک آن و اینکه به خاطر ترس نباید ترک شود..... 9

باب دوم: کمترین حد زیارت امام حسین علیه السلام و بیشترین حد جایز در تأخیر از زیارتش..... 20

باب سوم: خلوص نیت در زیات امام حسین علیه السلام و اشتیاق به وی..... 26

باب چهارم: زیارت امام حسین علیه السلام موجب آمرزش گناهان و ورود به بهشت و رهایی از دوزخ و فروریختن بدیها و بالا رفتن درجات و برآورده شدن دعاهاست..... 30

باب پنجم: زیارت امام حسین علیه السلام برابر با حج و عمره و جهاد و آزاد کردن بنده است..... 37

باب ششم: زیارت امام حسین علیه السلام موجب طول عمر و حفظ جان و مال و فراوانی روزی و گشایش اندوه ها و برآمدن آرزوهاست..... 53

باب هفتم: زیارت امام حسین علیه السلام بهترین اعمال است..... 57

باب هشتم: فضیلت انفاق کردن در راه زیارت امام حسین علیه السلام و ثواب کسی که مردی را به زیارت وی

فرستد..... 58

باب نهم: پیامبران و رسولان و امامان و فرشتگان صلی الله علیهم، به زیارت امام حسین علیه السلام میآیند و برای زائرانش دعا میکنند و ایشان را به خیر نوید میدهند و خوشبین به آینده شان، شادمانی میکنند..... 60

باب دهم: جامع سخنان در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و نوادر روایات..... 77

باب یازدهم: فضیلت نماز نزد امام حسین علیه السلام و شیوه آن..... 90

باب دوازدهم: فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه یا دو عید فطر و قربان..... 94

باب سیزدهم: فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در ماه رجب و شعبان و رمضان و دیگر ایام مخصوص..... 101

باب چهاردهم: فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا و اعمال این روز و فضیلت زیارت اربعین..... 110

باب پانزدهم: حرم و فضیلت آن و مقداری که از خاک مبارک آن بردارند و فضیلت کربلا و ماندن در آن..... 115

باب شانزدهم: تربت امام حسین علیه السلام و فضیلت و آداب و احکام آن..... 127

باب هفدهم: در آداب زیارت امام امام حسین علیه السلام چون غسل و نظیر آن..... 151

باب هجدهم: زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام و آن چند زیارت است که برخی با ذکر سند است و برخی برگرفته از کتب اصحاب و بدون اسناد

است..... 159.....

باب نوزدهم: زیارتی برای شهیدان که مشتمل بر نامهای شریف ایشان است..... 304.....

باب بیستم: زیارت حضرت عباس علیه السلام چنان که از ائمه علیهم السلام روایت شده است..... 313

باب بیست و یکم: زیارتهای مخصوص وداع..... 317

باب بیست و دوم: زیارت در تقیّه و تجویز انشای متن زیارت..... 322 .....

باب بیست و سوم: آنچه که از استخاره و نماز و غیر آن در کنار قبر امام حسین علیه السلام مستحب است..... 323

باب بیست و چهارم: چگونگی زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا..... 330

باب بیست و پنجم: زیارت اربعین 375

باب بیست و ششم: زیارت امام حسین علیه السلام در روز و شب اول رجب و نیمه شعبان..... 383

باب بیست و هفتم: زیارت امام حسین علیه السلام شب نیمه رجب و روز آن که فضیلت آن پیش از این بیان گشت..... 393

باب بیست و هشتم: زیارت امام حسین علیه السلام در روز میلادش.... 396

باب بیست و نهم: زیارتهای شبهای ماه رمضان و اعمال مخصوص آن در این مکان..... 399

باب سی ام: زیارت امام حسین علیه السلام در دو شب عید فطر و عید قربان..... 403

باب سی و یکم: زیارت امام حسین علیه السلام در شب عرفه و روز عرفه..... 412

باب سی و دوم: زیارت امام حسین و دیگر امامان علیهم السلام در حال حیاتشان و پس از مرگ، از راه دور.....419

ص: 8

باب اول : واجب حتمی و امر مؤکد بودن زیارت امام حسین علیه السلام و ذکر نکوهشها و سرزنشها و هشدارها نسبت به ترک آن و اینکه به خاطر ترس نباید ترک شود

روایات:

1. امالی صدوق: ابو جعفر امام باقر علیه السلام: شیعه ما را به زیات حسین بن علی علیه السلام امر کنید که زیارت وی ویرانی و غرق شدن و آتش سوزی و حمله درندگان را دفع میکند و زیارت او بر هر که به امامت حسین از سوی خداوند عز و جل اعتراف دارد، واجب است. (1)

2. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: مقبره حسین علیه السلام را زیارت کنید و از آن رویگردان نشوید که او سرور جوانان اهل بهشت از میان مردمان است و سرور شهیدان جوان است. (2)

3. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: حسین علیه السلام را هر چند سال یکبار، زیارت کنید؛ زیرا هر که با آگاهی به حق او و بدون انکار، نزد وی آید پاداشی جز بهشت نخواهد داشت و روزی گسترده خواهد یافت و خداوند وی را گشایشی عاجل عطا خواهد کرد. خدای تعالی چهار هزار فرشته را بر قبر حسین علیه السلام مامور و موکل گردانده که بر وی میگریند و زائران وی را تا به نزد خانواده همراهی میکنند و اگر بیمار گردد عیادتش میکنند و اگر جان بسپارد با طلب مغفرت و رحمت بر وی، در تشییع جنازهاش حاضر می شوند. (3)

1- . أمالی الصدوق : 143
2- . کامل الزیارات : 109
3- . کامل الزیارات : 85

4. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

5. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: در حدیثی طولانی، حلبی خطاب به امام گوید: فدایت گردم، درباره آنکه قادر به زیارت حسین علیه السلام است و تارک زیارت وی میگردد، چه میفرمایید؟ فرمود: به راستی که وی لطف و احسان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و احسان و اطاعت ما را ترک گفته و امری که به نفع خود اوست را کوچک شمرده و هر که وی را زیارت کند، خداوند پشتیبان و برآورنده حاجات اوست و او را در مهمترین امور دنیوی اش بسنده باشد و به راستی که در روزی را بر آن بنده میگشاید و آنچه که هزینه کرده را دراموال او باقی نگاه میدارد و گناهان پنجاه سالش را میبخشد و چون به نزد اهلش بازگردد، هیچ بار گناه و خطاکاری بر او نیست مگر آنکه از صفحه اعمالش پاک گشته باشد و اگر در سفرش درگذرد، فرشتگان بر وی نازل گشته و او را غسل میدهند و دری به سوی بهشت بر وی گشوده می شود و روح وی بدان وارد شود تا آنکه رستاخیز یابد و اگر سالم بماند، دری بر وی گشوده می شود که از آن بر وی روزی فرود آید و در برابر هر درهمی که هزینه کرده، ده هزار درهم پاداش مییابد که برای وی ذخیره میگردد و چون در روز قیامت محشور گردد، به او خواهند گفت که در برابر هر درهم، ده هزار درهم کسب کرده و خداوند آن را به این روز موکول نمود و ارزش آن را برای تو نزد خود انباشت. (2)

6. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

7. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

توضیح: گفته حضرت: بأمر هو له: برای او نافع است یا آنکه لام به معنای علی است، یعنی بر او لازم است.

1- . کامل الزیارات : 86
2- . کامل الزیارات : 127
3- . کامل الزیارات : 337 ذیل حدیث

4- . التهذيب 6 : 45

8. کامل الزیارات: ابا جعفر امام باقر علیه السلام: پیروان ما را به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام امر کنید که حضور در بارگاه او بر هر مومنی که به امامت حسین علیه السلام از سوی خداوند عز و جل اقرار دارد، واجب است. (1)

9. کامل الزیارات: ام سعیده احمسیه از ابو عبدالله علیه السلام روایت کرد که ایشان به وی فرمود: ای ام سعیده، آیا مزار حسین علیه السلام را زیارت میکنی؟ گوید: گفتم آری. ایشان فرمود: ای ام سعیده، به زیارت او برو که زیارت حسین بر هر زن و مردی واجب است. (2)

10. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: اگر کسی از شما در طول عمر خود به حج برود و به زیارت حسین بن علی علیه السلام نرود، حقی از حقوق رسول خدا صلی الله علیه و آله را نادیده گرفته است، چرا که حق حسین از سوی خداوند فریضه گشته و بر هر مسلمانی واجب است. (3)

11. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است.

12. کامل الزیارات: ابا جعفر علیه السلام: پیروان ما را به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام امر نمایید که آمدن به بارگاه او روزی را زیاد کرده و عمر را افزون میگرداند و سرنوشتهای شوم را دور میکند و زیارت او بر هر مومنی که به امامت حسین از سوی خدا اعتراف دارد، واجب است. (4)

13. کامل الزیارات: اباجعفر علیه السلام: هر که از شیعه ما به زیارت مزار حسین علیه السلام نیاید، ایمان و دینش ناقص است. (5)

14. التهذیب (6)

و کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که به مزار حسین علیه السلام مشرف نشود تا آنکه درگذرد، دین و ایمانش ناقص باشد و اگر به بهشت وارد شود، در آنجا مقامی فرودست تر از مومنان در بهشت خواهد داشت. (7)

1- . کامل الزیارات : 121

2- . کامل الزیارات : 122
3- . کامل الزیارات : 122
4- . کامل الزیارات : 150
5- . کامل الزیارات : 193 و در پایان آن آمده «و اگر وارد بهشت شود، از مومنان در بهشت فرودست تر باشد»
6- . التهذیب 6 : 42
7- . کامل الزیارات : 193

15. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که تا زمان مرگش به زیارت قبر حسین علیه السلام نیاید، در حالی که مدعی بوده از پیروان ماست، از شیعیان ما به شمار نیامده و اگر وارد بهشت شود، تنها مهمان اهل بهشت خواهد بود. (1)

16. کامل الزیارات: ابا جعفر امام باقر علیه السلام میفرمود: هر که خواهد به یقین بداند که از اهل بهشت است، محبت ما را به قلبش عرضه کند، پس اگر آن را پذیرفت، مومن است و هر که محبت ما را در دل دارد، باید که به زیارت مزار حسین علیه السلام نیز مشتاق باشد و هر که پیاپی به زیارت حسین علیه السلام رود، او را از محبان اهل بیت میشناسیم و او اهل بهشت خواهد بود. و هر که پیاپی به زیارت حسین علیه السلام نرود، ایمانش ناقص است. (2)

17. کامل الزیارات: ابن خارجه گوید از امام صادق علیه السلام درباره کسی که زیارت مزار حسین علیه السلام را بی دلیل و مشکلی ترک گوید، پرسیدم. فرمود: چنین کسی اهل دوزخ است.(3)

18. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: اگر کسی از شما هزار بار به حج برود و یک بار برای زیارت مقبره حسین بن علی نیاید، حقی از حقوق خداوند را ترک گفته باشد. از حضرت درباره این قضیه پرسیدند و فرمود: حق حسین علیه السلام بر هر مسلمانی واجب و مفروض است. (4)

19. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: در حدیثی طولانی آمده که مردی به نزد حضرت آمد و پرسید که آیا مردم باید به زیارت پدر شما روند؟ فرمود: آری. گفت: پاداش آنکه چنین کند چیست؟ فرمود: بهشت، اگر به امامت او باور داشته باشد. گفت: کسی که به خاطر بی میلی و اعراض، به زیارت او نیاید، چه

1- . کامل الزیارات : 193
2- . کامل الزیارات : 193
3- . کامل الزیارات : 193
4- . کامل الزیارات : 194

جزایی خواهد گرفت؟ فرمود: حسرت در روز حسرت (قیامت)... و حدیث را تا پایان ذکر میکند.(1)

20. کامل الزیارات: از یکی از یاران علی بن حکم روایت شده که ابا جعفر امام باقر علیه السلام از او پرسید: میان شما و قبر حسین علیه السلام چقدر فاصله هست؟ گوید: گفتم شانزده فرسخ. فرمود آیا به زیارت وی میروید؟ گوید: گفتم نه. فرمود: چه بی محبت و سنگین دل هستید! (2)

21. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر از ابا جعفر علیه السلام روایت شده است.(3)

22. کامل الزیارات: حنان بن سدیر از امام صادق علیه السلام روایت میکند که از او پرسیدم، درباره زیارت حسین علیه السلام چه میفرمایید؟ فرمود: به زیارت او برو و جفاکاری نکن که او سرور شهیدان و سرور جوانان اهل بهشت است و شبیه یحیی پسر زکریا است و آسمان و زمین، تنها بر آن دو گریستند. (4)

23. کامل الزیارات: امیر المؤمنین علی علیه السلام: پدر و مادرم به فدای مقتول دشت کوفه که گویی انواعی از حیوانات وحشی را میبینم که به سوی مقبره وی گردن فرو افکنده و بر او میگریند و دلسوخته از شب تا به صبح بر وی شیون و مرثیه گویی میکنند و اگر چنین است، پس هشدار باد شما را! اگر جفا و بی مهری کنید. (5)

توضیح: «جفاء» یعنی دوری و ترک ارتباط، و نیکی و خشونت طبع، و معنای میانه در اینجا روشنتر است.

24. کامل الزیارات: حنان بن سدیر روایت کند که اباعبدالله علیه السلام به پدرم گفت: ای سدیر، آیا هر روز به زیارت قبر حسین علیه السلام میروی؟ گفتم نه. فرمود: چه بی مهرید! فرمود: آیا هر جمعه به زیارتش میروی؟ گفتم نه. فرمود

1- . کامل الزیارات : 194
2- . کامل الزیارات : 290

3- . كامل الزيارات : 290
4- . كامل الزيارات : 291
5- . كامل الزيارات : 291

هر ماه به زیارت او میروی؟ گفتم نه. فرمود: آیا هر سال یک بار به زیارت او میروی؟ گفتم تقریباً چنین است. فرمود: ای سدیر، چقدر بر حسین علیه السلام جفاکارید و بی مهری میکنید! آیا نمیدانید که خداوند را هزار فرشته است که غبارین روی و آشفته موی بر حسین میگریند و مرثیه میگویند و همچنان در زیارت قبر حسین علیه السلام در رفت و آمدند و ثواب ایشان از آن کسی است که حسین را زیارت کند... تا آخر خبر. (1)

25. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر نقل شده است.

26. کامل الزیارات: حنان بن سدیر گوید: نزد اباجعفر علیه السلام بودم که مردی بر وی وارد گشت و بر او سلام کرد و نشست. ابوجعفر علیه السلام فرمود: اهل کدام شهری؟ گوید آن مرد گفت: اهل کوفه ام و دوستدار و پیرو شمایم. گوید ابوجعفر علیه السلام فرمود: پس آیا هر جمعه به زیارت حسین بن علی علیه السلام میروی؟ گفت: خیر. فرمود: هر ماه؟ گفت نه. فرمود: هر سال؟ گفت: نه. پس ابوجعفر علیه السلام فرمود: تو از خیر محروم هستی ...تا آخر خبر.(2)

27. کامل الزیارات: فضیل گوید که اباعبدالله علیه السلام فرمود: ای فضیل، چقدر بی محبتید که به زیارت حسین علیه السلام نمیروید. آیا نمیدانید که چهار هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی تا روز قیامت بر حسین علیه السلام میگریند؟. (3)

28. کامل الزیارات: سلیمان بن خالد گوید شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: شگفتا از مردمانی که مدعی هستند که شیعه مایند. شنیده ام که برخی ایشان تمام عمرشان سپری می شود و از سر جفاکاری و بی تفاوتی و بی همتی و سست عنصری عازم زیارت حسین علیه السلام نمی گردد. به خدا که اگر میدانستند که این امر چه فضل و برکتی دارد، هرگز سستی و تنبلی نمیکردند. گفتم: جانم به فدایت! چه فضل و ارزشی دارد؟ فرمود: فضل و خیر بسیار. هان بدانید که نخستین پاداشی

1- . کامل الزیارات : 291
2- . کامل الزیارات : 291
3- . کامل الزیارات : 292

که بدان دست مییابد آن است که تمام گناهان پیشین وی بخشیده شود و به او گفته شود: دفتر اعمالت را از نو آغاز کن. (1)

29. کامل الزیارات: ابان بن تغلب روایت کند که جعفر بن محمد علیه السلام به من گفت: ای ابان، آخرین بار چه وقت مزار حسین را زیارت کرده ای؟ گفتم نه ای فرزند رسول خدا، مدت زمان زیادی است که آن را زیارت نکرده ام. فرمود: پاک و منزه است پروردگار بزرگ و ستایش او راست، حسین را ترک میکنی و به زیارت او نمیروی حال آنکه از بزرگان شیعه هستی؟ هر که حسین را زیارت کند، خداوند در برابر هر گام او، برایش یک کردار پسندیده مینویسد و در برابر هر گام، یک کردار ناپسند او را (از دفتر عملش) میسترد و گناهان گذشته و نیز آینده او را میبخشد. ای ابان بن تغلب! حسین که صلوات خدا بر او باد، شهید شد و هفتاد هزار فرشته از آسمان بر قبر وی فرود آمده و آشفتهموی و غبار آلوده، بر وی میگریند و تا روز قیامت بر وی نوحه گری و زاری میکنند.(2)

30. کامل الزیارات: معاویه بن وهب گوید: امام صادق علیه السلام در نمازگاه خود نشسته بود، که بر وی وارد شده و نزد او نشستم تا آنکه نمازش را به پایان رساند و شنیدم که با خدایش نیایش میکرد و میگفت: ای آنکه ما را امتیاز کرامت بخشید و شفاعت را به ما وعده داد و رسالت را بر عهده ما نهاد و ما را میراث دار پیامبران کرد و امتهای پیشین را به ما خاتمه بخشید و وصی و جانشین شدن را مختص ما گرداند و دانش گذشته ها و آینده را به ما هبه کرد و دلهای مردمانی را شیفته ما گرداند، من و برادرانم و زوّار مزار پدرم حسین بن علی - صلوات الله علیهما - را بیامرز. که دارایی شان را هزینه کردند و بدنهاشان را از شوق مهربانی و نیکی به ما و به امید پاداشی که با اتصال با ما از تو در میابند و به امید سروری که به دل رسولت محمد صلی الله علیه و آله وارد میکنند و در پاسخ به دستور ما و به جهت خشمی که به دل دشمنانمان وارد کنند، به سفر گماردند. بدین سان در پی رضوان و خشنودی تو بودهاند، پس از سوی ما ایشان را به خشنودیات

1- . کامل الزیارات : 292
2- . کامل الزیارات : 331

بهرمند ساز و روز و شب ایشان را محفوظ دار و اهل و خانواده ایشان را که پشت سر باقی نهادهاند، به بهترین وجهی نگاهبان باش و یاور همپای ایشان باش و آنان را از شر هر طغیانگر سرکشی و از هر ضعیف و قوی دستی از آفریدگانت و از شر شیاطین انس و جن در امان دار و بهترین آرزوهایشان را که دور از کاشانهشان از تو درخواست کردند، مادام که ما را بر فرزندان و خاندان و نزدیکانشان ترجیح داده اند، نصیبشان گردان. خداوندا دشمنان ما ایشان را به خاطر این سفرشان نکوهش کردند ولی این امر ایشان را در مخالفت با ایشان، از برخاستن و روانه شدن به سوی ما، باز نداشت. پروردگارا رحم آور بر این صورتهایی که به حرارت آفتاب سوخته و آن صورتهایی که هر دو گونه آن پیاپی بروی قبر ابا عبد الله الحسین علیه السلام گذاشته شده و رحمت نما بر آن چشمهایی که از سر رحمت و دلسوزی بر ما اشکها رانده و آن دلهایی که بی تاب گشته و به خاطر ما سوزش و گدازش بسیار یافته و رحم آور بر آن فریادها که در ماتم ما برخاسته است. خداوندا آن جانها را و آن تن ها را به امان تو میسپارم تا آنکه در روز عطش، از حوض کوثر سیرابشان سازی - و همچنان حضرت که درود و صلوات خدا بر او باد، این دعا را در سجده میخواند تا آنکه از نیایش فارغ گشت - به ایشان گفتم: فدایت شوم! اگر این دعایی که شنیدم در حق کسی بود که خدا را نشناخته، بی شک گمان میکردم که آتش دوزخ ذرهای از وجود او را هرگز نخواهد آزرد. به خدا که آرزو میکنم ای کاش او را زیارت کرده بودم و به حج نرفته بودم. پس حضرت فرمود: بس نزدیک هستی به او، چه چیز تو را از زیارت او باز میدارد؟! ای معاویه، این امر را رها مکن! گفتم: فدایت شوم، نمیدانستم که این امر چنین ارزشی دارد. فرمود: ای معاویه! کسانی که برای زائران حسین در آسمان دعا میکنند، بیش از کسانی هستند که در زمین برایشان دعا میکنند. به خاطر ترس از کسی، زیارت امام حسین علیه السلام را ترک مکن؛ چرا که هر کس او را به خاطر ترس ترک نماید، چندان حسرت خورد که آرزو کند ای کاش با دست خود قبر خود را میکند. آیا دوست نداری که خداوند شخص تو و وجود تو را در میان کسانی که رسول الله صلی الله علیه و آله برای ایشان دعا میکند، ببیند؟ آیا دوست نداری که فردا از کسانی باشی که فرشتگان با او مصافحه

میکنند؟ آیا نمیخواهی فردا در میان کسانی باشی که (به پهنه رستاخیز) میآیند حال آنکه هیچ گناهی ندارند که به سبب آن مجازات گردند؟ آیا دوست نداری که فردا از جمله کسانی باشی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله مصافحه مینمایند؟. (1)

توضیح: گفته حضرت: «ما یتمنی أن قبره کان بیده» یعنی آرزو میکرد در حالی به زیارت ایشان میرفت که به مرگ خویش اطمینان داشت و خودش قبر خودش را حفر میکرد؛ یا شاید کنایه از این باشد که زیارت آن حضرت علیه السلام عامل قتل نفس وی باشد؛ یا به این معنا باشد که آرزو میکرد خروج از قبر به اختیار خودش بود و بیرون میآمد و زیارت میکرد. در برخی نسخهها «نبذه» با نون و باء و ذال است یعنی آن را دور انداخت. بهتر این است که بگوییم تصحیف دارد چنان که بعداً با اسنادهای متعدد میآید؛ یعنی آرزو میکرد که به خاطر زیارت آن حضرت کشته و در کنار وی دفن میشد یا آن که قبر نزد او حاضر بود و در آن حالت آن را زیارت میکرد که وجه اول بهتر است.

31. کامل الزیارات: معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام روایت کرد که حضرت فرمود: ای معاویه، زیارت مقبره حسین علیه السلام را به خاطر ترس رها مکن؛ زیرا هر که از این کار رویگردان شود، چندان حسرت خواهد برد که آرزو خواهد کرد ای کاش قبرش نزد او بود. آیا دوست نداری که خداوند حضور و وجود تو را در میان کسانی که رسول الله و علی و فاطمه و ائمه علیهم الصلاه و السلام برای ایشان دعا میکنند، ببیند. (2)

32. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

33. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

34. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

1- . کامل الزیارات : 116 صدر این روایت و ذیل آن در روایتی مستقل در
: 117 آمده است
2- . کامل الزیارات : 116 با تفاوتی در سند
3- . کامل الزیارات : 117
4- . کامل الزیارات : 126
5- . کامل الزیارات : 118

35. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

36. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

37. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

توضیح: شاید این روایت با آن سندهای فراوان، حمل بر ترس و خوف اندک باشد که همراه با گمان سلامتی و یا حمل بر ترس از دست دادن عزت و مقام و از دست دادن اموال و نه به هلاکت رسیدن یا بی آبرویی باشد و این به دلیل عمومهای تقیه و نهی از به معرض هلاکت انداختن خود است. والله اعلم. و نیز بدان که بیشتر روایات این باب و بسیاری از روایات بابهای آتی، بیان واجب بودن زیارت حضرت صلوات الله علیه، بلکه از بزرگترین و حتمیترین فرایض بودن آن است و قول واجب بودن آن برای یک بار در طول عمر در صورت توانایی، غریب نیست و پدر علامهام که خدا ضریحش را نور باران کند، چنین نظری داشت و تفصیل حد و مرز زیارت برای افراد نزدیک و دور ذکر خواهد شد و باور این سخن نیز بعید نیست؛ و الله اعلم.

38. کامل الزیارات: زراره روایت میکند: به ابا جعفر علیه السلام گفتم: درباره کسی که با وجود ترس و بیمناکی به زیارت پدرتان برود، چه میفرمایید؟ فرمود: خداوند او را در روز بزرگترین هراس (رستاخیز) در امن نگاه میدارد و فرشتگان با مژده و بشارت با وی رویارو میگردند و به او گفته می شود که بیم مخور و اندوهگین مباش. امروز روز توست که در آن پیروزمندی. (4)

39. کامل الزیارات: ابن بُکَیر روایت کند که به اباعبدالله علیه السلام گفتم: من ساکن ارّجان فارس هستم و دلم همواره مشتاق قبر پدر گرامیتان است و چون روانه راه گردم، تا آنگاه که برگردم، از ترس سلطان و سخن چینان و سلاح داران، دل نگران و بیمناک هستم. فرمود: ای ابن بکیر، آیا دوست نداری که خداوند تو را در

1- . كامل الزيارات : 118
2- . كامل الزيارات : 118
3- . كامل الزيارات : 118
4- . كامل الزيارات : 125

میان ما بیمناک ببیند؟ آیا نمیدانی هر کس به خاطر ما دچار بیمناکی شود خداوند او را در سایه عرش خود نگاه دارد و حسین علیه السلام در زیر عرش با او همسخن باشد و خداوند او را از هول و هراس قیامت در امان دارد؟ مردم ترسان باشند و او نترسد و اگر بترسد فرشتگان او را اطمینان بخشند و دل او را به مژده ها آرام کنند. (1)

40. کامل الزیارات: محمد بن مسلم در روایتی طولانی روایت کرد که ابا جعفر محمد بن علی علیه السلام به من فرمود: آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام میروی؟ گفتم آری، با بیم و هراس بسیار. فرمود: هر چه این ترس شدیدتر باشد، ثواب آن به اندازه آن ترس است و هر که در این زیارت رفتنش بیمناک گردد، آنگاه که مردمان در محضر رب العالمین بایستند، خداوند دلنگرانی او را به احساس امنیت بدل کند و او با مغفرت الهی به راه خود رود و فرشتگان بر او درود فرستند و پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار او آید و برایش دعا کند و او با نعمت خداوند و بخشایشی که هیچ تباهی در آن نیالوده، بازگردد و در پی خشنودی پروردگار روانه شود... تا آخر خبر. (2)

1- . کامل الزیارات : 125
2- . کامل الزیارات : 126

باب دوم : کمترین حد زیارت امام حسین علیه السلام و بیشترین حد جایز در تأخیر از زیارتش

روایات:

1. کامل الزیارات: علی بن میمون صائغ روایت کرد که امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای علی، خبردار شده ام که برخی از شیعیان ما یک سال یا دو سال بر ایشان میگذرد ولی به زیارت حسین علیه السلام نمیروند. گفتم فدایت شوم، من مردم بسیاری را بر این حال می شناسم. فرمود: به خدا سوگند بدان که حظ و نصیب خود را اشتباه گرفته اند و از ثواب الهی منحرف گشته اند و از همسایگی با محمد بس دوری جسته اند. گفتم فدایت شوم! چقدر باید به زیارت رفت؟ فرمود: ای علی، اگر توانستی هر ماه زیارت کنی، چنین کن. گفتم: توان آن را ندارم چرا که من حرفهای دارم که کارهای مردم در دستم است و نمیتوانم حتی یک روز هم در محل کارم حاضر نباشم. فرمود: تو معذور هستی و نیز هر کس که چنین اعمال هر روزهای دارد، منظورم تنها کسانی بود که کار یدی ندارد و اگر هر جمعه پای بر راه سفر نهد، او را دشوار نیاید. هان بدان! که او را در روز قیامت نزد خداوند هیچ عذری نیست و نزد رسول خدا نیز بهانهای ندارد. گفتم، اگر به جای خود مردی را بفرستد، جایز است. فرمود: آری و به زیارت رفتن خودش اجر و برکت بیشتری نزد خداوند برای او خواهد داشت، آن گونه که خداوند او را میبیند که شب زنده داری کرده، حال آنکه خستگی روز را با خود دارد، خداوند به او نظری میکند که فردوس برین را به همراه محمد و اهل بیت او علیهم السلام بر وی واجب میکند. پس در این امر بر هم پیشی جویید و خود را اهل و شایسته آن گردانید. (1)

1- . کامل الزیارات : 295

2. کامل الزیارات: ابا عبد الله علیه السلام: بر عهده ثروتمند است که هر سال دو مرتبه به زیارت مزار حسین علیه السلام بیاید و فقیر نیز وظیفه دارد که سالی یک بار به زیارت وی بیاید. (1)

3. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

4. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است.(3)

5. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر سال یک بار به زیارت مزار حسین علیه السلام بیایید. (4)

6. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

7. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

8. کامل الزیارات: حلبی روایت کند که از امام صادق علیه السلام درباره زیارت بارگاه حسین علیه السلام پرسیدم. فرمود: سالی یک بار، من پرآوازگی را خوش ندارم. (7)

9. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (8)

10. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (9)

11. کامل الزیارات: ابا الحسن علیه السلام: به وی بی مهری نکنید، دارا هر چهار ماه به زیارت وی بیاید و فقیر را «لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها»، {و خداوند هیچ کس را جز به اندازه تواناییاش تکلیف نمیکند.}(10)

1- . کامل الزیارات : 293
2- . کامل الزیارات : 294 با تفاوت اندک

3- . التهذیب 6 : 42 و نشانه موجود در متن تهذیب، به کامل الزیارات اشاره دارد.
4- . کامل الزیارات : 294
5- . کامل الزیارات : 294
6- . کامل الزیارات : 295
7- . کامل الزیارات : 294
8- . کامل الزیارات : 294
9- . کامل الزیارات : 294
10- . کامل الزیارات : 294

12. کامل الزیارات: عیص گوید: از ابا عبد الله علیه السلام پرسیدم، آیا زیارت مقبره نیایش خاصی دارد؟ فرمود: آن را دستوری معیّن نیست. و گوید پرسیدم، هر چند روز باید زیارت نمود؟ فرمود: هر چند روز که خواستی. (1)

13. کامل الزیارات: صفوان جمال در حدیثی طولانی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: کسی که به زیارت میآید و باز میگردد، چه زمانی باید بار دیگر به زیارت آید و در طی چه مهلتی باز آید و مردم چه مدت میتوانند زیارت نکنند؟ فرمود: بیش از یک ماه نباید ترک گویند، ولی آنکه خانه اش دور است هر سه سال و کسی که از سه سال بگذرد و به زیارت نیاید، براستی که به حق رسول خدا صلی الله علیه و آله کم لطفی کرده و به او بی حرمتی کرده، مگر اینکه بیماری یا مشکلی در بین باشد. (2)

14. کامل الزیارات: صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام در حالی که در راه مدینه میرفتیم و او به مکه میرفت پرسیدم، ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله ،چه شده که شما را اندوهگین و دل آزرده و شکستهپر میبینم؟ فرمود: اگر تو نیز آنچه من می شنیدم را می شنیدی، چنین سؤالی نمیکردی. گفتم مگر چه می شنوید؟ فرمود: نیایش پرگدازش فرشتگان به درگاه خدای تعالی و دعا بر نزول لعنت بر قاتلان امیر المومنین و قاتلان حسین و نوحه گری جنیان بر آن دو و شیون فرشتگان گرداگرد حرم او و شدت اندوه ایشان بر وی. چه کسی با این حال خوراک یا نوشیدنی یا خواب را گوارا مییابد؟ گفتم: کسی که به زیارت میآید و باز میگردد، چه زمان باید بار دیگر به زیارت آید و مردم چه مدت میتوانند زیارت نکنند؟ فرمود: آنکه نزدیک است نباید بیش از یک ماه ترک زیارت گوید و آنکه خانه اش دور است، هر سه سال یک بار زیارت میکند و اگر از سه سال بگذرد، به رسول خدا صلی الله علیه و آله بی مهری کرده و دوستی و احسان به او را نادیده گرفته، مگر اینکه از سر علت یا مرضی باشد. و زائر حسین علیه السلام اگر بداند که چه فرج و شادمانی به دل رسول خدا و امیر المومنین و فاطمه و ائمه و شهیدان اهل

1- . کامل الزیارات : 295
2- . کامل الزیارات : 296

بیت وارد می شود و چه دعاهایی از ایشان به واسطه این زیارت به حساب اعمال وی افزون می شود و چه ثوابی در دنیا و آخرت کسب میکند و نزد خدای تعالی برای وی ذخیره میگردد، به حق دوست داشت که تا وقتی زنده است همانجا ساکن می شد.

به راستی که زائر حسین با ساز و برگ سفر رهسپار می شود و دست بر هیچ یک از آنها نمیبرد مگر آنکه آن شیء برای او دعا میکند و چون پرتو آفتاب بر وی افتد، گناهانش را بسوزاند همچنان که آتش هیزم را، و چیزی از گناهان او را باقی نمی گذارد تا آنکه در حالی باز میگردد که هیچ گناهی با او نیست و درجات و مراتبی را بالا میرود که غلتیدگان در خون خود در راه خدا بدان دست نمییابند و فرشتهای مامور به کار وی شده و در جای او نشسته و تا زمانی که به زیارت باز گردد برای او طلب آمرزش میکند، مگر اینکه سه سال بگذرد و .. ادامه حدیث را نیز بیان کرد. (1)

توضیح: «لأحب أن یکون ماثمّ داره» یعنی خانهاش نزد آن حضرت باشد و از او جدا نشود. در بعضی نسخهها «ماتمّ و ما استقرّ فی داره» آمده است؛ یعنی زیارتش تمام نمیشد و در خانه خود استقرار نمییافت.

15. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

16. کامل الزیارات: عبید الله حلبی روایت کند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، ما هر سال دو یا سه بار به زیارت مقبره حسین علیه السلام میرویم. فرمود: خوش ندارم که بیش از حد روانه زیارت وی شوید، سالی یک بار زیارت کنید. عرض کردم چگونه بر او درود و صلوات فرستم؟ فرمود: پشت سر او در محل دو کتف او میایستی و آنگاه بر نبی خدا صلی الله علیه و آله صلوات میفرستی و بر حسین که درود خدا بر او باد، سلام و صلوات میفرستی.(3)

1- . کامل الزیارات : 297
2- . کامل الزیارات : 298
3- . کامل الزیارات : 296

17. کامل الزیارات: ابا عبد الله علیه السلام: چهار هزار فرشته از سپیده دم تا هنگام غروب نزد مقبره حسین علیه السلام بر وی درود و صلوات میفرستند. آنگاه به آسمان رفته و فرشتگانی به همین تعداد فرود میآیند و تا سپیده دم بر او درود و سلام میفرستند. پس شایسته نیست که مسلمان بیش از چهار سال از زیارت مزار او باز ماند. (1)

18. کامل الزیارات: ابو ناب از امام صادق علیه السلام روایت کرد که از حضرت درباره زیارت مزار حسین علیه السلام پرسیدم، فرمود: آری ثواب یک عمره را دارد و شایسته نیست که بیش از چهار سال از آن باز مانند. (2)

توضیح: میتوان سه سال را بر فاصله میانه و چهار سال را بر دورتر از این حد و یا بر تفاوت مردمان در توانایی، حمل نمود.

19. فلاح السائل: محمد بن احمد بن داود بن عقبه گوید که همسایهای به نام علی بن محمد داشتم که میگفت: هر ماه یک بار به زیارت حسین علیه السلام میرفتم. سپس سالخورده شدم و جسمم ناتوان گشت و یک بار از زیارت حسین علیه السلام باز ماندم، سپس پیاده به زیارت او رفتم و پس از چند روز رسیدم و سلام دادم و دو رکعت نماز زیارت خواندم و چون خوابیدم، حسین علیه السلام را دیدم که از مزارش برخاسته و به من گفت: ای علی، چرا تو که پیش از این مهربان بودی، بی مهری کردی؟ گفتم سرورم، پیکرم ناتوان گشته و گامهایم سست و پنداشتم که آخر عمرم است پس چند روزی طول کشید تا به نزد تو آمدم. سخنی از شما به روایت شنیدم که دوست دارم از خود شما بشنوم. حضرت فرمود: بگو. گفتم از شما روایت است که فرمودید: هر که مرا در حیاتش زیارت کند، پس از وفاتش به دیدار او میآیم. فرمود: آری چنین گفتم و اگر او را در آتش بیابم، وی را خارج خواهم ساخت. (3)

1- . کامل الزیارات : 296
2- . کامل الزیارات : 297
3- . فلاح السائل

20. ثواب الاعمال: ابو جارود گوید: ابا جعفر امام باقر علیه السلام از من پرسید: بین شما و مزار حسین علیه السلام چقدر راه است؟ عرض کردم، یک روز برای سواره و یک روز و نیم برای پیاده. پرسید: آیا هر جمعه به زیارت میآیی؟ گفتم نه، تنها هر وقت فرصت کنم میآیم. فرمود: چه بی مهر هستی. بدان که اگر به ما نزدیک بود، این سفر را به هجرت بدل میکردیم، یعنی به سوی او هجرت مینمودیم.(1)

21. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

22. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

23. التهذیب: ابو الحسن علیه السلام: هر که در سال سه بار به زیارت حسین علیه السلام بیاید، از تنگدستی در امان خواهد بود. (4)

24. مولف المزار الکبیر روایت کند که داود بن فرقد گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم، کسی که هر ماه به زیارت امام حسین علیه السلام برود، چه ثوابی خواهد داشت؟ فرمود: ثوابی برابر ثواب صد هزار شهید از شهدای بدر. (5)

1- . ثواب الاعمال: : 80
2- . کامل الزیارات : 293
3- . کامل الزیارات : 293
4- . التهذیب 6 : 48
5- . المزار الکبیر : 114

باب سوم: خلوص نیت در زیات امام حسین علیه السلام و اشتیاق به وی

روایات:

1. کامل الزیارات: محمد بن مسلم از ابا جعفر امام باقر علیه السلام روایت کرد که اگر مردم میدانستند که زیارت حسین علیه السلام چه فضل و ارزشی دارد، از شوق به آن جان میسپردند و دلهاشان در حسرت وی پاره پاره میگشت. گوید پرسیدم: چه ارزشی؟ فرمود: هر که از سر اشتیاق به زیارت وی آید،، خداوند برای او هزار حج مقبول و هزار عمره بی خدشه و شبهه و اجر هزار شهید از شهدای بدر و هزار روزه دار و ثواب هزار صدقه پذیرفته و پاداش آزاد کردن هزار انسان برای کسب رضایت خدا را مینویسد و در آن سال همواره از هر آفتی در امان است که کمترین آن شیطان باشد، و یک فرشته بلندپایه مامور به وی گشته و او را از پیش رو و پشت سر و از راست و چپ و از بالای سر و زیر پایش نگاهبان میگردد و اگر در آن سال درگذرد، فرشتگان رحمت بر وی فرود آمده و در غسل و کفن کردن و طلب مغفرت برای وی حاضر میگردند و با استغفار وی را تا قبرش همراهی میکنند و قبرش تا افق نگاهش برای او گشاده می شود و خدا او را از فشار قبر و هول و هراس از نکیر و منکر در امان میدارد و دری از بهشت به رویش گشاده می شود و نامه اعمالش به دست راستش داده می شود و در روز قیامت نوری مییابد که از پرتو آن پهنه میان مشرق و مغرب نورانی می شود و منادی ندا در میدهد که این از

زائران دلشیفته مقبره حسین است؛ و در این روز همگان در عرصه قیامت آرزو میکنند که ای کاش از زائران حسین بن علی علیه السلام بودند. (1)

2. کامل الزیارات: محمد بن مسلم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که پاداش زائر حسین چیست؟ فرمود: هر که از سر شوق به زیارت حسین علیه السلام بیاید، از بندگان اکرام شده خداوند است و زیر پرچم حسین بن علی علیه السلام خواهد بود تا آنکه خداوند وی را همراه با حسین علیه السلام وارد بهشت گرداند. (2)

3. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که برای کسب اجر اخروی (و نه دنیوی) و نه از سر خودنمایی و سرخوشی مغرورانه و شهرت طلبی به زیارت حسین علیه السلام برود، همان گونه که لباسی در آب شسته می شود و هیچ چرکی بر آن نمیماند، تمام گناهانش از وی سترده می شود و در برابر هر گام، برای او یک حج و چون گام از زمین بردارد، یک عمره نوشته می شود.(3)

توضیح: «المضمضه» یعنی شستن ظرف و غیره.

4. کامل الزیارات: هارون بن خارجه روایت کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! کسی که مزار حسین علیه السلام را با آگاهی از حق وی و در راه خشنودی خدا و ثواب اخروی زیارت کند، چه پاداشی خواهد داشت؟ فرمود: ای هارون، هر کس مزار حسین علیه السلام را آگاه به حق وی و در راه خشنودی خدا و ثواب اخروی زیارت کند، خداوند تمام گناهان گذشته و آینده او را میبخشد. آنگاه سه بار تکرار کرد: آیا سوگند یاد نکردم؟ آیا سوگند یاد نکردم؟ آیا سوگند یاد نکردم؟. (4)

توضیح: شاید لفظ سوگند خوردن امام توسط راوی یا نسخه نویسان افتاده و یا در سخنی غیر از این بیان شده بوده است.

1- . کامل الزیارات : 142
2- . کامل الزیارات : 143
3- . کامل الزیارات : 144
4- . کامل الزیارات : 144

5. کامل الزیارات: عبدالله بن مسکان گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که گروهی از اهل خراسان نزد وی آمده و درباره زیارت مزار امام حسین بن علی علیه السلام و فضل آن پرسیدند. امام فرمود: پدرم از پدربزرگم چنین روایت کرد که هر کس وی را برای رضای خدا زیارت کند، خداوند او را همچون نوزادی که از مادر زاده شده، از گناهانش پاک میکند و فرشتگان او را در راهش همراهی میکنند و بر بالای سر او پرواز میکنند و تا آن هنگام که به نزد خانواده اش بازگردد، با بالهای خود بر فراز سرش صف میکشند و از خدای او برایش طلب آمرزش میکنند و رحمت از اعماق آسمانها وی را در بر میگیرد و فرشتگان فریاد بر میآورند که پاک و نیکو گردی تو و آن که زیارتش نمودی، و در میان اهل و اطرافیانش محفوظ باشد. (1)

6. کامل الزیارات: قداح روایت کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: پاداش کسی که با شناخت حق حسین بن علی علیه السلام و بدون رویگردانی و خودبزرگ بینی وی را زیارت کند چیست؟ فرمود: برای او هزار حج پذیرفته و هزار عمره بی خدشه برای وی نوشته شود و اگر شقاوتمند باشد، در شمار سعادتمندان به حساب آید و همچنان در رحمت الهی غوطه ور باشد. (2)

7. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که برای کسب رضای خدای تعالی به زیارت مزار حسین علیه السلام برود، جبرئیل و میکائیل و اسرافیل وی را مشایعت میکنند تا آنکه به خانهاش پای نهد. (3)

8. کامل الزیارات: معمر بن خیثم گوید: شنیدم که زید بن علی میگفت: هر کس تنها از سر کسب رضای خدا مزار حسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند همه گناهان او را حتی اگر به انداز کف دریا باشد، برایش میبخشد، پس بسیار به زیارت او بروید تا خداوند گناهانتان را ببخشد. (4)

1- . کامل الزیارات : 145
2- . کامل الزیارات : 144
3- . کامل الزیارات : 145
4- . کامل الزیارات : 145

9. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که برای خشنودی خدا و در راه خدا به زیارت حسین علیه السلام برود، خداوند او را از آتش عذاب آزاد کند و در روز فزع اکبر (قیامت) وی را در امان دارد و چیزی از حوائج دنیا و آخرت از خدا طلب نکند، مگر آنکه به وی عطا گردد. (1)

10. امالی شیخ طوسی: حمران گوید: به زیارت مزار حسین علیه السلام رفتم و چون بازگشتم، ابا جعفر امام باقر محمد بن علی و عمر بن علی بن عبدالله بن علی نزد من آمدند و ابا جعفر امام باقر علیه السلام فرمود: مژده باد ای حمران که هر که به زیارت شهدای آل محمد علیهم السلام برود و با این کار، تنها خشنودی خدا و پیوند با نبی خدا را بجوید، همچون روزی که از مادرش زاده شده، از گناهانش پاک میگردد. (2)

11. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون روز رستاخیز فرارسد، منادی فریاد برمیآورد: کجایند زائران حسین بن علی علیه السلام؟ پس گروهی از مردمان بر میخیزند که جز خدای تعالی کسی ایشان را شماره نتوان کرد و ایشان را گوید که مقصود شما از زیارت حسین علیه السلام چه بود؟ پس گویند: خداوندا، تنها از سر محبتمان به رسول خدا صلی الله علیه و آله و محبت به علی و فاطمه و به خاطر دلسوزی بر او پس از جنایتی که بر وی رفت. پس به ایشان گفته می شود که این محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین! به ایشان ملحق شوید که شما با ایشان در مرتبه عالیشان همراهید. به زیر پرچم رسول الله علیه السلام که در دست علی علیه السلام است، در میآیند و در سایه آن هستند تا آنکه همگی به بهشت پای مینهند و در جلو و پشت پرچم و در سمت چپ و راست آن جای میگیرند.(3)

1- . کامل الزیارات : 145
2- . أمالی الطوسیّ 2 : 28 چاپ نجف
3- . کامل الزیارات : 141

باب چهارم : زیارت امام حسین علیه السلام موجب آمرزش گناهان و ورود به بهشت و رهایی از دوزخ و فروریختن بدیها و بالا رفتن درجات و برآورده شدن دعاهاست

روایات:

1. ثواب الاعمال:، امالی صدوق: ابو الحسن موسی علیه السلام: هر که آگاه به حق حسین صلوات الله علیه به زیارت مزار وی شتابد، خداوند همه گناهان گذشته و آینده او را میبخشد. (1)

2. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

3. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

4. امالی صدوق: زید بن علی: هر که با شناخت حق حسین علیه السلام به زیارت وی آید، خداوند همه گناهان گذشته و آینده او را میبخشد. (4)

5. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر از ابی عبدالله علیه السلام روایت شده است.(5)

6. ثواب الاعمال:، نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

7. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر از ابی الحسن امام موسی کاظم علیه السلام روایت شده است. (7)

1- . ثواب الاعمال: : 77 أمالی الصدوق : 142
2- . کامل الزیارات : 138
3- . کامل الزیارات : 139
4- . أمالی الصدوق : 237
5- . کامل الزیارات : 138
6- . ثواب الاعمال: : 78
7- . کامل الزیارات : 138

8. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

9. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر از امام صادق علیه السلام روایت شده است.(2)

10. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر از ابی الحسن اول، موسی بن جعفر علیه السلام روایت شده است. (3)

11. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر از ابی عبدالله علیه السلام روایت شده است. (4)

12. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر از عبیدالله بن عبدالله و علی بن الحسین از پدرش علیه السلام روایت شده است.

13. به همین سند از صالح بن عقبه از یحیی بن علی از ابی عبدالله علیه السلام روایت شده است. (5)

14. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر از ابی عبدالله روایت شده است. (6)

15. امالی صدوق: عبدالله بن فضل گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی از اهل طوس وارد شد و گفت: ای پسر رسول خدا! پاداش کسی که به زیارت مزار ابی عبدالله حسین بن علی علیه السلام برود چیست؟ فرمود: ای مرد طوسی، هر که به زیارت حسین بن علی علیه السلام بیاید در حالی که میداند اطاعت از این امام بر مردمان واجب است، خداوند تمام گناهان گذشته و آینده او را میبخشد و

1- . کامل الزیارات : 140
2- . کامل الزیارات : 139
3- . کامل الزیارات : 139
4- . کامل الزیارات : 140
5- . کامل الزیارات : 139
6- . کامل الزیارات : 139

شفاعت او در حق هفتاد گنهکار را میپذیرد و او بر مزار این امام هیچ حاجتی از خداوند درخواست نمیکند، مگر اینکه خداوند آن را برآورده میسازد. (1)

16. ثواب الاعمال: هارون بن خارجه گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم، گفته می شود هر که به زیارت مزار حسین علیه السلام برود ثواب یک حج و عمره را برده است. فرمود: به خدا که هر که با آگاهی از حق او زیارتش کند، خداوند همه گناهان گذشته و آینده او را میبخشد. (2)

17. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

18. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

19. ثواب الاعمال: ابو الحسن امام رضا علیه السلام: کمترین چیزی که به زائر ابا عبد الله الحسین علیه السلام در کنار رود فرات داده میشود، اگر که حق و حرمت و ولایت وی را شناخته و پذیرفته باشد، آن است که همه گناهان گذشته و آینده او بخشیده می شود. (5)

20. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

21. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: همانا انسان به زیارت مزار حسین علیه السلام رهسپار می شود و چون از نزد خانواده اش بیرون میآید، با نخستین گامش گناهانش بخشیده می شود و همچنان به هر گامش مبارک و مطهر میگردد تا آنگاه که به مزار رسد. و چون به زیارت آید، خداوند به وی الهام کند که ای بنده من! درخواست کن تا به تو عطا کنم، مرا بخوان تا تو را اجابت کنم، از من بخواه تا به تو ببخشم، از من تقاضایی کن تا آن را برآورده سازم. امام صادق علیه

1- . أمالی الصدوق : 587 ابتدای روایت
2- . ثواب الاعمال: : 78

3- . كامل الزيارات : 138
4- . كامل الزيارات : 138
5- . ثواب الاعمال: : 78
6- . كامل الزيارات : 138

السلام افزود: و سزاست خدای را که تا وقتی وی (از جان و مال خود) بذل میکند، به وی عطا نماید. (1)

22. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

23. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

24. کامل الزیارات: علی بن میمون صائغ از امام صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود: ای علی، به زیارت حسین علیه السلام برو و او را رها مکن. گوید گفتم، کسی که به زیارت برود چه ثوابی میبرد؟ فرمود: هر که پیاده به زیارت آید، خداوند به هر گام او برایش یک نیکی (حسنه) بنویسد و یک کار ناپسند (سیئه) از وی پاک نماید و او را یک درجه بالا برد، و چون بیاید، خداوند دو فرشته را مامور میکند که هر سخن پسندیده ای که از دهانش خارج می شود را مینویسند و اگر سخن ناپسند یا شبیه آن گوید، نمینویسند و چون به سوی اهلش روی کند، وی را تودیع نمایند و گویند که ای دوست خدا! بخشیده شده ای، تو از حزب خدا هستی و حزب رسول خدا و حزب اهل بیت رسول او و به خدا سوگند که آتش را به چشم خود نمیبینی و آتش نیز تو را نبیند و هرگز طعمه آن نگردی. (4)

25. کامل الزیارات: سدیر صیرفی روایت کرد: نزد ابی جعفر علیه السلام بودیم که جوانی سخن از مزار حسین علیه السلام به میان آورد و ابا جعفر امام باقر علیه السلام به وی فرمود: هیچ بنده ای به نزد وی نرفت و در راه او قدم از قدم برنداشت مگر آنکه برای او یک کار پسندیده نوشته شود و یک کار ناپسند (از نامه عملش) پاک گردد. (5)

26. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر یک از شیعه ما که به زیارت حسین علیه السلام بیاید، باز نگردد مگر اینکه همه گناهانش بخشیده شده باشد و به هر گامی که برداشته و با هر قدمی که مرکبش پیش رفته، برای او هزار کار نیک

1- . ثواب الاعمال: : 82

2- . كامل الزيارات : 132
3- . كامل الزيارات : 139
4- . كامل الزيارات : 133
5- . كامل الزيارات : 134

نوشته می شود و هزار کار ناپسند از وی پاک میگردد و جایگاهش هزار درجه فراتر میرود. (1)

27. کامل الزیارات: عبدالله بن نجار گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید: برای زیارت حسین علیه السلام بر کشتی مینشینید؟ گفتم آری. فرمود: آیا میدانستی که اگر در آب بیفتید، ندایی میآید که میگوید، هان نیک روزگار باشید و بهشت شما را خوش باشد. (2)

توضیح: گفته آن حضرت: «إذا انکفت بکم» مخفف از مهموز است، از این گفته: «کفأت الإناء» یعنی آن را ریختم و واژگون کردم.

28. کامل الزیارات: فائد حنّاط گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم که مردمان با نوحه گری و با غذا به کنار مزار حسین علیه السلام میآیند. فرمود شنیدهام. گوید پس فرمود: ای فائد، هر که آگاه از حق حسین علیه السلام به زیارت وی آید، گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود.(3)

29. کامل الزیارات: فائد از بنده صالح(امام موسی کاظم علیه السلام) روایت کرد: بر وی وارد شدم و گفتم فدایت شوم! مردمان چه آنکه قضیه حسین علیه السلام را به حق میداند و چه آنکه آن را انکار میکند، به زیارت وی میآیند و زنان نیز سوار بر مرکب به سوی مزار او روانه شدهاند و وضعیت اشتهار این مزار حادث گشته و من از این وضع به خاطر اشتهار مزار حسین (و احتمال خطر) دل آزردهام. گوید مدتی را درنگ کرد و پاسخ نمیگفت، آنگاه روی کرد و فرمود: ای عراقی، اگر ایشان خود را علنا نشان داده و افشا کردند، تو خود را (در برابر چشم دشمنان) افشا مگردان؛ چه آنکه به خدا سوگند، هر که آگاه از حق حسین علیه السلام به زیارت وی آید، گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود. (4)

1- . کامل الزیارات : 134
2- . کامل الزیارات : 135
3- . کامل الزیارات : 139
4- . کامل الزیارات : 140

30. کامل الزیارات: عبید بن زراره گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: همانا زائران حسین علیه السلام در روز قیامت بر دیگران برتری دارند. گفتم برتری ایشان به چیست؟ فرمود: چهل سال زودتر از دیگران و در حالی که دیگران هنوز درگیر محاسبه و توقف (در محشر) هستند، به بهشت وارد می شوند. (1)

31. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که با شیفتگی به حسین به زیارت وی آید، خداوند وی را در شمار امنیت یافتگان در روز قیامت قرار میدهد و نامه اعمالش به دست راستش داده شده و زیر پرچم حسین بن علی علیه السلام میایستد تا آنکه به بهشت وارد شده و خداوند وی را در همان رتبه و درجه وی قرار میدهد. آری، خداوند توانا و حکیم است. (2)

32. ثواب الاعمال، کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا زائر حسین علیه السلام، گناهان خود را چون پلی بر در خانه اش نهاده و همچنان که هر یک از شما چون از پل عبور میکنید و آن را پشت سر میگذارید، از آن عبور میکند. (3)

33. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر کس بخواهد که در روز قیامت کرامت الهی و شفاعت نبوی شامل حالش شود، پس زائر حسین گردد که به بهترین گرامی داشت و برترین پاداش دست مییابد و خداوند از هیچ گناه او در زندگی دنیایش، حتی اگر به عدد دانه های شن بیابان عالج و کوههای تهامه و کفهای دریا باشد، نمیپرسد. همانا که حسین بن علی علیه السلام با جانی بس ستم کشیده، مظلوم کشته شد و خودش و اهل بیتش و یارانش همگی تشنه لب شهید شدند. (4)

34. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: در روز قیامت منادی فریاد بر میآورد که کجایید شیعه آل محمد! پس ردیفی از مردم که تنها خدا شمار آنان داند برمیخیزند و جدا از مردمان میایستند. آنگاه منادی فریاد میزند: کجایند زائران مزار حسین علیه السلام؟ پس شمار بسیاری از مردم برمیخیزند و به ایشان گفته می

1- . کامل الزیارات : 137
2- . کامل الزیارات : 142

3- . كامل الزيارات : 152 و ثواب الاعمال: : 82
4- . كامل الزيارات : 153

شود: دست هر کس که خواهید بگیرید و او را به سوی بهشت ببرید و هر یک از ایشان هر که را دوست دارد با خود برمی گیرد، به گونه ای که مردم به هر یک از این مردمان میگویند، ای فلانی! آیا مرا نمیشناسی؟ من همانم که فلان روز برایت فلان کار را کردم؛ پس او وی را با خود به بهشت وارد میکند و نه پس رانده می شود و نه باز داشته می شود. (1)

35. کامل الزیارات: سلیمان بن خالد گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام میگفت: همانا خداوند در هر شب و روزی صد هزار بار بر زمین مینگرد و هر که را خواهد در زمین ببخشاید و هر که را خواهد در آن، عذاب نماید. و بخصوص زائران مزار حسین بن علی علیه السلام و خانواده های ایشان و هر آن کس را - هر که خواهد باشد - که وی (حسین) برای او شفاعت کند، مورد مغفرت قرار میدهد. گوید پرسیدم: حتی اگر مردی باشد که مستحق آتش دوزخ باشد؟ فرمود: حتی اگر چنین باشد، مادام که ناصبی نباشد.(2)

36. ثواب الاعمال: حسین بن ثویر بن ابی فاخته گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای حسین! همانا کسی که برای زیارت مزار حسین بن علی علیه السلام از خانهاش خارج شود، اگر پیاده باشد، با هر گامی برای او کار نیکی نوشته می شود و گناهی از وی پاک میگردد و اگر سواره باشد، به هر گام (مرکبش) برای او کار نیکی نوشته شود و گناهی پاک شود، به طوری که (چون در راه) به حرم حسین وارد شود، خداوند وی را از رستگاران نجات یافته بنویسد، و چون آیین زیارتش را سپری کرد، خداوند وی را در شمار پیروزمندان نویسد، و چون گاه بازگشت فرا رسد، فرشته ای بر وی نازل شده و میگوید: رسول خدا بر تو سلام میرساند و زندگی از سر گیر که خداوند گناهان گذشته ات را آمرزید. (3)

37. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر آمده است. (4)

1- . کامل الزیارات : 166
2- . کامل الزیارات : 166
3- . ثواب الاعمال: : 82
4- . التهذیب 6 : 43

باب پنجم : زیارت امام حسین علیه السلام برابر با حج و عمره و جهاد و آزاد کردن بنده است

روایات:

1. کامل الزیارات: بزنطی گوید: یکی از یاران ما از ابا الحسن امام رضا علیه السلام درباره کسی که به زیارت امام حسین علیه السلام برود پرسید، فرمود: با یک عمره برابر است. (1)

2. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

3. کامل الزیارات: ابی سعید مدائنی گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و عرض کردم، فدایت شوم! آیا به زیارت مزار حسین بیایم؟ فرمود آری ای ابا سعید، به زیارت مزار حسین پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، پاک ترین پاکان و نیک ترین نیکان و صالح ترین صالحان بیا و چون وی را زیارت کنی، برای تو ثواب بیست و دو حج نوشته می شود. (3)

4. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

5 کامل الزیارات: علی بن موسی الرضا علیه السلام: زیارت مزار حسین صلوات الله علیه برابر یک عمره پذیرفته و بی خدشه است. (5)

6. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

1- . کامل الزیارات : 154
2- . ثواب الاعمال: : 78
3- . کامل الزیارات : 154 و در این کتاب به جای حج ، عمره ذکر شده است.
4- . ثواب الاعمال: : 79
5- . کامل الزیارات : 155
6- . ثواب الاعمال: : 78

7. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

8. کامل الزیارات: حسن بن جهم گوید: خدمت ابی الحسن علیه السلام عرض کردم، درباره زیارت مزار حسین علیه السلام چه میفرمایید؟ فرمود: همان چه که شما میدانید. گفتم برخی از ما میگوید یک حج و برخی دیگر میگوید یک عمره. فرمود: برابر با یک عمره پذیرفته است. (2)

9. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت و تنها با اختلاف لفظ بی خدشه به جای پذیرفته، به سندی دیگر آمده است.(3)

10. کامل الزیارات: ابی بلاد روایت میکند که از ابا الحسن علیه السلام درباره زیارت مزار حسین علیه السلام پرسیدم و فرمود: همان چه که شما میدانید. عرض کردم، ما میگوییم یک حج و یک عمره. فرمود: برابر یک عمره بی خدشه است. (4)

11. کامل الزیارات: صفوان گوید: از امام رضا علیه السلام درباره زیارت مقبره حسین علیه السلام پرسیدم که چه فضلی دارد؟ فرمود: برابر یک عمره است.

12. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

13. کامل الزیارات: از یکی از ائمه علیه السلام روایت شده که چهار عمره برابر است با یک حج تمتع، و زیارت مزار حسین برابر است با یک عمره. (6)

14. کامل الزیارات: ابی ناب گوید: از امام صادق علیه السلام درباره زیارت مزار حسین علیه السلام پرسیدم، فرمود: برابر یک عمره است و شایسته نیست که بیش از چهار سال در این کار درنگ نمایند. (7)

1- . کامل الزیارات : 155
2- . کامل الزیارات : 155
3- . ثواب الاعمال: : 78

4- . كامل الزيارات : 155
5- . كامل الزيارات : 155
6- . كامل الزيارات : 155
7- . كامل الزيارات : 156

15. کامل الزیارات: ابا جعفر علیه السلام: زیارت مزار رسول خدا صلی الله علیه و آله و زیارت مقبره شهیدان و زیارت مزار حسین بن علی علیه السلام برابر با یک حج بی خدشه به همراه رسول الله صلی الله علیه و آله است. (1)

16. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

17. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

18. کامل الزیارات: ابا الحسن رضا علیه السلام: هر که به زیارت حسین علیه السلام بیاید، خداوند برای او یک حج بی خدشه مینویسد. (4)

19. کامل الزیارات: عبدالله بن عبید انباری گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شوم! هر ساله آنقدر سرمایه به دست نمیآورم که بتوانم با آن به حج روم. فرمود: اگر اراده حج نمودی و فرصت آن برایت فراهم نشد، به زیارت حسین بیا، چرا که ثواب یک حج برایت نوشته می شود. و اگر قصد عمره رفتن کردی و فراهم نگشت، به زیارت حسین علیه السلام بیا که برایت یک عمره نوشته می شود. (5)

20. مصباح الطوسی، نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

21. کامل الزیارات: عبدالکریم بن حسان گوید: نزد امام صادق علیه السلام، آنچه گفته می شود مبنی بر اینکه زیارت مزار حسین علیه السلام برابر یک حج و عمره است را بیان کردم. گوید: پس فرمود: بلکه حج و عمره همینجاست و اگر کسی قصد حج کند و برایش ممکن نگردد و او به زیارت حسین آید، یک حج برای او نوشته می شود؛ و اگر کسی قصد عمره کند و برایش ممکن نگردد، برایش یک عمره نوشته می شود. (7)

1- . کامل الزیارات : 157
2- . کامل الزیارات : 157

3- . كامل الزيارات : 157
4- . كامل الزيارات : 156
5- . كامل الزيارات : 156
6- . مصباح الطوسىّ : 498
7- . كامل الزيارات : 156

22. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

23. کامل الزیارات: ابا جعفر علیه السلام: زیارت مزار حسین علیه السلام برابر است با یک حج بی خدشته به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله. (2)

24. کامل الزیارات: از امام باقر و صادق علیهما السلام: زیارت مزار رسول خدا صلی الله علیه و آله و زیارت مزار حسین علیه السلام برابر یک حج به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله است.(3)

25. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: اگر کسی قصد حج کند و برایش فراهم نیاید و نزد حسین علیه السلام آید و روز عرفه نزد حضرت باشد این امر برای او برابر با حج خواهد بود.(4)

26. کامل الزیارات: ابراهیم بن عقبه گوید: به بنده صالح(امام موسی کاظم) علیه السلام نامه ای نوشتم که اگر سرورم صلاح دید، درباره بهترین سخنی که در باب زیارت ابی عبدالله حسین بن علی علیه السلام ذکر شده و اینکه آیا برای کسی که حج برای او فراهم نیامده است، برابر با ثواب حج است، برایم بنویسد و حضرت نوشت: برابر با حج است، برای کسی که حج برایش ممکن نشده است. (5)

27. کامل الزیارات: ام سعید احمسیه گوید: از امام صادق علیه السلام درباره زیارت مزار حسین علیه السلام پرسیدم و فرمود: برابر با یک حج و عمره میباشد و خیری به این اندازه - و با دستانش آن اندازه بسیار را نشان داد -. (6)

28. در کتاب حسین بن عثمان از ام سعید نظیر همین روایت ذکر شده است. (7)

29. کامل الزیارات: هارون بن خارجه روایت کند که نزد امام صادق علیه السلام بودم که مردی پرسید: کسی که مزار حسین علیه السلام را زیارت کند چه

1- . كامل الزيارات : 158
2- . كامل الزيارات : 157
3- . كامل الزيارات : 157
4- . كامل الزيارات : 157
5- . كامل الزيارات : 157
6- . كامل الزيارات : 158
7- . كتاب حسين بن عثمان : 109 در ضمن اصول السته عشر

پاداشی دارد؟ و ایشان فرمود: همانا حسین! خداوند چهار هزار فرشته را آشفته موی و غبارین روی مامور کرده که تا روز قیامت بر وی بگریند. من گفتم، پدرم و مادرم فدایت گردند! از پدرتان درباره حج و عمره روایت شده است. فرمود: آری یک حج و یک عمره و تا ده (حج و عمره) نیز شمرد. (1)

30. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

31. کامل الزیارات: ابی خدیجه روایت کند که مردی از ابا جعفر علیه السلام درباره زیارت مزار حسین علیه السلام پرسید و ایشان فرمودند: برابر است با یک حج و عمره و با دستانش نشان داد، و این اندازه از خیر، و دستانش را تا حد ممکن باز نمود. (3)

32. کامل الزیارات: ام سعید احمسیه گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، در فضل زیارت مزار حسین علیه السلام چه میگویید؟ فرمود: ای ام سعید، درباره آن، فضل یک حج و عمره را بیان میکنیم و خیر ناشی از آن چنین است. و دستانش را کاملاً گشود و انگشتانش را به طرف پایین گرفت. (4)

33. کامل الزیارات: ابن ابی یعفور گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام به مردی از موالی خود میفرمود: ای فلانی! آیا به زیارت مزار حسین بن علی علیه السلام میروی؟ گفت آری هر سه سال یک بار وی را زیارت میکنم. امام به او

که زرد رو و رنگ پریده بود فرمود: هان! سوگند که اگر او را زیارت میکردی، حالت به از این بود. مرد گفت فدایت شوم، آیا تا این حد ارزش و اثر دارد. فرمود: به خدا که آری، اگر درباره ارزش زیارت وی و فضل مزار وی میگفتم، حج را یکسره رها میکردید و هیچ یک به حج نمیرفتید. ای وای بر تو! آیا نمیدانی که خداوند کربلا را پیش از آنکه مکه را به عنوان حرم خود گیرد، حرم امن و مبارک خود گرفته است؟ ابن ابی یعفور گوید: من عرض کردم که خداوند حج بیت الله الحرام را واجب

1- . كامل الزيارات : 158
2- . ثواب الاعمال: : 78
3- . كامل الزيارات : 158
4- . كامل الزيارات : 159

کرده و چیزی از زیارت مزار حسین بیان نکرده است. امام فرمود: هر چند که چنین است، اما این امری است که خداوند آن را چنین خواسته است. آیا این سخن پدرم امیر المومنین را نشنیدهای که میفرماید: همانا کف پا شایسته تر به مسح و شستن است از روی پا، ولی خداوند این را بر بندگان واجب کرده است؛ و آیا نمیدانی که اگر وقوف حاجیان در درون حرم بود، برای حرم ارزش بیشتری میآورد، ولی خداوند این امر را در غیر حرم (عرفات) قرار داده است. (1)

34. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: هر که آگاه از حق حسین به زیارت وی بیاید، همچون کسی است که به همراه رسول خدا صد حج تمتع گزارده باشد. (2)

35. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: هر که مزار ابا عبد الله الحسین علیه السلام را زیارت کند، خداوند برای او هشتاد حج درست و بی خدشه مینویسد. (3)

36. ثواب الاعمال: ابی سعید مدائنی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: فدایت گردم! آیا مزار حسین را زیارت کنم؟ فرمود: آری ای ابا سعید، به زیارت پسر رسول خدا، نیک ترین نیکان و پاک ترین پاکان و صالح ترین صالحان بیا و چون وی را زیارت کنی، خداوند ثواب آزاد کردن بیست و پنج بنده را برایت مینویسد.(4)

37. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

38. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

39. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: هر مومنی که با شناخت به حق حسین بن علی علیه السلام در روز غیر عید به زیارت وی رود، برای او بیست حج

1- . کامل الزیارات : 266

2- . ثواب الاعمال: : 84
3- . ثواب الاعمال::84
4- . ثواب الاعمال::83
5- . كامل الزيارات : 164
6- . كامل الزيارات : 165

تمتع و بیست عمره پذیرفته و بی خدشه و بیست غزوه به همراه پیامبری فروفرستاده و پیشوایی دادگر نوشته می شود. (1)

40. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

41. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

42. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: روزی حسین بن علی علیه السلام در دامان پیامبر بود و پیامبر با او بازی میکرد و او را میخنداند. عایشه گفت: ای رسول خدا، چقدر این کودک را دوست داری! فرمود: ای وای بر تو! چگونه او را دوست نداشته باشم و دلبسته او نباشم، در حالی که او میوه دلم و نور چشمم است. هان بدان که امت من او را خواهند کشت و هر که پس از درگذشتش وی را زیارت کند، خداوند ثواب یک حج از حجهای مرا برایش مینویسد. گفت ای رسول خدا، ثواب یکی از حجهای شما!؟ فرمود: آری و حتی دو حج از حجهای من. گفت: ای رسول خدا، ثواب دو حج شما؟ فرمود: آری و حتی چهار حج از حجهای من. گوید و همچنان عایشه در بالا رفتن عدد با پیامبر همراه بود و عدد همچنان بالا میرفت و هر بار دو برابر میگشت تا آنکه به نود حج از حجهای رسول خدا همراه با عمره های آن رسید. (4)

43. امالی شیخ طوسی: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

44. قرب الإسناد: حنان روایت میکند که به امام صادق علیه السلام گفتم، درباره زیارت مزار حسین صلوات الله علیه چه میفرمایید؟ چه آنکه از برخی از شما شنیدهایم که برابر با یک حج و عمره میباشد. فرمود: چه حدیث ضعیفی است این. با این همه برابری نمیکند ولی او را زیارت کنید و ترکش مگویید، چرا که او

1- . ثواب الاعمال: : 81
2- . کامل الزیارات : 183

3- . كامل الزيارات : 183
4- . كامل الزيارات : 68
5- . كامل الزيارات : 68

سرور جوانان شهید و سرور جوانان بهشت و شبیه به یحیی پسر زکریاست و آسمان و زمین، تنها بر این دو گریستند. (1)

توضیح: شاید منظور این است که با حج و عمره واجب برابر نیست و درست تر آنکه سخن امام را حمل بر تقیه کنیم.

45. کامل الزیارات: ام سعید احمسیه روایت کند که نزد امام صادق علیه السلام بودم و کسی را فرستاده بودم تا برای رفتن به مزار شهیدان برایم الاغی کرایه کند. پس امام فرمود: چرا به زیارت سید الشهداء نمیروی؟ گفتم: منظورتان چه کسی است؟ فرمود: حسین بن علی. گوید گفتم، ثواب کسی که او را زیارت کند چیست؟ فرمود: عمره و حجی درست و خیری به این اندازه، و دستانش را به نشانه بسیاری، سه بار باز و بازتر کرد.

46. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

47. کامل الزیارات: ام سعید احمسیه گوید به مدینه رفتم و الاغی برای زیارت کردن مزار شهیدان کرایه کردم و با خود گفتم: نه! ابتدا به فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله سر میزنم و به خانه اش میروم، پس کرایه دهنده را لختی معطل گذاشتم و او نام مرا فریاد زد و امام صادق علیه السلام فرمود: این کیست ای ام سعید؟ گفتم فدایت شوم! برای زیارت قبور شهداء الاغی کرایه کرده ام. فرمود: آیا میخواهی بدانی سرور شهیدان کیست؟ گفتم آری. فرمود: حسین بن علی علیه السلام. گفتم به حق، او سرور شهیدان است؟ فرمود: آری. گفتم هر که او را زیارت کند چه ثوابی میبرد؟ فرمود: یک حج و عمره و خیری اینچنین و اینچنین! (3)

48. کامل الزیارات: ابی سعید قاضی گوید: بر امام صادق علیه السلام که در اتاقی کوچک بود وارد شدم و مُرازم نزد وی بود، و شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: هر که پیاده به زیارت مقبره حسین علیه السلام بیاید، خداوند برای هر گامی که بر میدارد و بر زمین میگذارد، آزاد کردن یک اسیر از فرزندان اسماعیل

1- . قرب الإسناد : 48

2- . ثواب الاعمال: : 88
3- . كامل الزيارات : 110

علیه السلام را مینویسد. و هر که سوار بر لنج به زیارت وی آید و از روی لنج به دریا بیفتند، منادی از آسمان فریاد بر میآورد که نیک روزگار باشید و بهشت شما را گوارا باد. (1)

49. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که آگاه به حق حسین علیه السلام به زیارت وی بیاید، همچون کسی است که همراه با پیامبر صلی الله علیه و آله، سه بار حج گزارده باشد. (2)

50. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی پیش از نشستگان به میقات عرفات، بر زائران مزار حسین صلوات الله علیه نظر کرده و حاجات ایشان را بر آورده و گناهانشان را میبخشد و شفاعتشان را در مورد درخواستهایشان میپذیرد، آنگاه روی به اهل عرفات کرده و در حق ایشان نیز چنین میکند.(3)

51. کامل الزیارات: ابن فرقد گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، پاداش کسی که هر ماه امام حسین علیه السلام را زیارت کند، چیست ؟ فرمود: ثوابی برابر با صد هزار شهید از شهدای جنگ بدر خواهد داشت. (4)

52. ثواب الاعمال: موسی بن قاسم حضرمی گوید: امام صادق علیه السلام در آغاز حکومت ابی جعفر منصور به سوی نجف آمد و رخت اقامت افکند و فرمود: ای موسی، به جاده اصلی برو و بر سر راه بایست و بنگر که مردی از سوی منطقه قادسیه به سوی تو خواهد آمد و چون نزدیک آمد بگو، در اینجا مردی از نوادگان رسول الله صلی الله علیه و آله است که تو را فرا میخواند؛ پس وی با تو میآید. گوید رفتم و بر سر راه ایستادم و گرما شدید بود. همچنان ایستاده بودم، به حدی که نزدیک بود نافرمانی کنم و بازگردم و از آن مرد صرفنظر کنم که ناگهان چیزی شبیه مردی سوار بر شتر دیدم که پیش میآید و همچنان به او نگاه کردم تا

1- . کامل الزیارات : 134
2- . کامل الزیارات : 140
3- . کامل الزیارات : 165
4- . کامل الزیارات : 183

اینکه نزدیک شد. گفتم ای مرد، اینجا مردی است از فرزندان رسول خدا که تو را فرامیخواند، و وصف تو را برایم گفت. گفت مرا نزد وی ببر. گوید او را بردم تا آنکه شترش را در نزدیکی خیمه بر زمین نشاند. گوید، پس حضرت وی را صدا زد و مرد اعرابی وارد شد و من نزدیک شدم و بر در خیمه ایستادم و سخن ایشان را می شنیدم، ولی ایشان را نمیدیدم. پس امام صادق علیه السلام فرمود: از کجا آمده ای؟ گفت از دورترین نقطه یمن. فرمود: پس تو اهل فلان منطقه هستی. گفت آری من از منطقه فلان هستم. فرمود: برای چه به اینجا آمدهای؟ گفت: برای زیارت حسین علیه السلام آمدهام. پس امام صادق علیه السلام فرمود: بدون هیچ حاجتی و فقط برای زیارت آمده ای! گفت: برای هیچ حاجتی نیامده ام مگر اینکه نزد مقبره او نماز بگزارم و وی را زیارت کنم و سلام و درود بر او فرستم و به نزد خانواده ام بازگردم. امام صادق علیه السلام فرمود: چه روایتی در باب زیارت وی میدانید؟ گفت در روایت شنیده ایم که (با زیارت وی) برکت را در وجود خود و خانواده و فرزندان و اموال و زندگی خود و در برآورده شدن حاجاتمان میبینیم. گوید پس امام صادق علیه السلام فرمود: آیا نمیخواهی افزون بر این فضل، فضل دیگری را برایت بگویم ای مرد یمنی؟ مرد گفت: بازگو ای پسر رسول خدا. فرمود: زیارت امام صادق علیه السلام برابر با یک حج پذیرفته بی خدشه درست همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله است. مرد از این سخن در شگفت شد. حضرت فرمود: آری به خدا و حتی دو حج پذیرفته بی خدشه درست به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله. پس مرد بار دیگر تعجب کرد و همچنان امام صادق علیه السلام ثواب آن را افزون میکرد تا آنکه سی حج پذیرفته بی خدشه درست همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله را ذکر نمود. (1)

53. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

54. التهذیب: علی بن معمر از یکی از شیعیان روایت میکند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم که فلان شخص به من گفت، به شما عرض کرده که نوزده

1- . ثواب الاعمال: : 84

2- . كامل الزيارات : 162

بار به حج و نوزده بار به عمره رفته است و شما فرموده ای که یک حج و یک عمره دیگر به جای آر، برایت یک بار زیارت مزار حسین علیه السلام نوشته میشود. پس فرمود: کدام یک برای تو دوست داشتنی تر است؟ اینکه بیست حج و بیست عمره به جای آوری یا اینکه همراه با حسین علیه السلام محشور گردی؟ پس گفتم، بلکه دوست دارم با حسین علیه السلام محشور گردم. فرمود: پس ابا عبدالله حسین علیه السلام را زیارت کن. (1)

55. کامل الزیارات: حسن بن عطیه گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام میفرمود: هر که به زیارت حسین علیه السلام بیاید، خداوند برای او یک حج و عمره یا یک عمره و حج مینویسد... تا آخر خبر. (2)

56. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که به زیارت حسین علیه السلام بیاید، خداوند برای او یک حج و عمره مینویسد. (3)

57. کامل الزیارات: ابی خارجه در روایتی طولانی گوید: مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد و در پایان آن گفت: پدر و مادرم به فدایت! از پدرتان سخنی در باب (برابری زیارت حسین با) حج روایت کرده اند. فرمود: آری یک حج و عمره و حتی تا ده (حج و عمره) نیز شمرده است. (4)

58. کامل الزیارات: مالک جهنی درباره زیارت مزار حسین از امام صادق علیه السلام روایت کرد که فرمود: هر که آگاه از حق حسین علیه السلام به زیارت وی آید، خداوند برای او یک حج مینویسد و همچنان در حفظ الهی باشد تا بازگردد. گوید مالک در آن سال درگذشت و من به حج رفتم، پس به نزد امام صادق علیه السلام آمدم و گفتم، مالک روایتی از ابی جعفر علیه السلام درباره زیارت مقبره حسین علیه السلام برایم گفته است. فرمود: بازگو کن. پس آن روایت را باز گفتم و چون پایان یافت، فرمود: آری ای محمد، یک حج و یک عمره. (5)

1- . التهذیب 6 : 47
2- . کامل الزیارات : 159
3- . کامل الزیارات : 159

4- . كامل الزيارات : 160
5- . كامل الزيارات : 160

59. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: زیارت مزار حسین علیه السلام بسان حجی است و حجی پس از آن و عمره ای پس از حج واجب. (1)

60. کامل الزیارات: یونس از امام رضا علیه السلام روایت کرد که فرمود: هر که حسین علیه السلام را زیارت کند، همانا حج و عمره ای گزارده است. گوید گفتم: آیا حج واجب از عهده وی خارج می شود؟ فرمود: نه، این حج ضعیف است تا توانگر شود و به حج بیت الله الحرام برود. آیا نمیدانی که هر روز هفتاد هزار فرشته بر گرد بیت الحرام طواف میکنند تا اینکه شبهنگام به آسمان فراز می شوند و فرشتگان دیگری فرود آمده و تا صبح به گرد بیت الحرام میچرخند و به راستی که حسین نزد خداوند از کعبه گرانقدرتر است و در وقت هر نماز هفتاد هزار فرشته با موی آشفته و روی گردآلوده بر وی فرود میآیند و تا روز قیامت، نوبت به آنان نمیرسد. (2)

61. کامل الزیارات: فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خدای تعالی چهار هزار فرشته موی آشفته و روی غبارآلوده را بر مزار حسین علیه السلام مامور کرده که تا روز قیامت بر وی میگریند و زیارت وی برابر یک حج و عمره و (نیز برابر با)زیارت مزار شهیدان است. (3)

توضیح: یعنی زیارت مقبره شهیدان در مدینه نیز برابر حج و عمره است و هم طراز است؛ یا آن که زیارت مزار شهیدان نزد او نیز برابر یک حج و عمره است و ظاهراً این سخن از اضافات نسخه نویسان است.

62. کامل الزیارات: یزید بن عبدالملک گوید: با امام صادق علیه السلام بودم که گروهی سوار بر الاغهایی از پیش ما گذشتند. ابا عبدالله فرمود: اینان به کجا میروند؟ گفتم به مزار شهیدان. فرمود: پس چرا به زیارت شهید غریب نمیروند؟ مردی از اهل عراق به وی گفت: آیا زیارت او واجب است؟ فرمود: زیارت او بهتر از یک حج و عمره است و حتی تا بیست حج و عمره نیز برشمرد و سپس فرمود: حجهای پذیرفته بی خدشه. گوید به خدا که از نزد وی برنخاسته بودم که مردی نزد وی آمد

1- . كامل الزيارات : 158
2- . كامل الزيارات : 159
3- . كامل الزيارات : 159

و گفت که من نوزده حج گزارده ام، برایم دعا کن که بیست حج را روزی ام گرداند. فرمود: آیا مزار حسین را زیارت کرده ای؟ گفت خیر. فرمود: همانا زیارت او برتر از بیست حج است. (1)

63. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

64. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

65. کامل الزیارات: حسین بن مختار گوید: از امام صادق علیه السلام درباره زیارت مزار حسین علیه السلام پرسیدند، فرمود: ثواب یک حج و عمره در آن است. (4)

66. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: زیارت حسین علیه السلام برابر بیست حج و حتی برتر از بیست حج است. (5)

67. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

68. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (7)

69. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است با این تفاوت که فرمود: و برتر از بیست حج و عمره.(8)

70. کامل الزیارات: ابی سعید مدائنی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و گفتم فدایت گردم، آیا به زیارت مزار حسین علیه السلام بیایم؟ فرمود: آری ای ابا سعید، به زیارت مزار حسین پسر رسول خدا، پاک ترین پاکان و نیک ترین نیکان و صالح ترین صالحان بیا و چون وی را زیارت کنی، خداوند برای تو ثواب بیست و پنج حج را مینویسد. (9)

1- . کامل الزیارات : 160
2- . کامل الزیارات : 163

3- . ثواب الاعمال: : 85
4- . كامل الزيارات : 160
5- . كامل الزيارات : 161
6- . كامل الزيارات : 161
7- . ثواب الاعمال: : 83
8- . التهذيب 6 : 47
9- . كامل الزيارات : 161

71. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

72. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

73. کامل الزیارات: شهاب گوید: امام صادق علیه السلام از من پرسید: ای شهاب، چند بار به حج رفتهای؟ گفتم نوزده بار. پس فرمود: بیست حج را تکمیل میکنی و برایت یک زیارت حسین علیه السلام به شمار میآید. (3)

74. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است با این تفاوت که: برایت یک زیارت حسین علیه السلام نوشته می شود. (4)

75. کامل الزیارات: حذیفه بن منصور گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: چند بار به حج رفته ای؟ گفتم نوزده بار. گوید فرمود: اگر بیست و یک حج را تکمیل کنی، همچون کسی هستی که حسین علیه السلام را زیارت کرده است. (5)

76. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

77. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که آگاه به حق حسین علیه السلام به زیارت وی رود، همچون کسی است که صد بار با رسول خدا صلی الله علیه و آله حج گزارده باشد. (7)

78. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که به زیارت حسین علیه السلام رود، خداوند برایش هشتاد حج بی خدشه مینویسد. (8)

79. کامل الزیارات: محمد بن صدقه گوید: از امام صادق علیه السلام درباره کسی که مزار حسین را زیارت کند پرسیدم، فرمود: برای او حجی همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشته می شود. گوید به وی عرض کردم، فدایت گردم! حجی با رسول خدا صلی الله علیه و آله؟ فرمود: آری و حتی دو حج. گوید گفتم،

1- . کامل الزیارات : 161
2- . ثواب الاعمال: : 83
3- . کامل الزیارات : 161
4- . ثواب الاعمال: : 83 و نشانی در متن به کامل الزیارات اشاره دارد.
5- . کامل الزیارات : 162
6- . ثواب الاعمال: : 83
7- . کامل الزیارات : 162
8- . کامل الزیارات : 162

فدایت شوم! دو حج؟ فرمود: آری و حتی سه حج. و همچنان می شمرد تا آنکه به ده حج رسید. گوید گفتم، فدایت شوم! ده حج با رسول خدا صلی الله علیه و آله؟ فرمود: آری و حتی بیست حج. گفتم، فدایت شوم! بیست حج و همچنان می شمرد تا به پنجاه حج رسید و دیگر چیزی نیفزود. (1)

80. کامل الزیارات: قداح گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: کسی که آگاه به حق حسین علیه السلام و بدون رویگردانی مغرورانه و خودبزرگ بینی وی را زیارت کند، چیست؟ فرمود: برای او هزار حج پذیرفته و هزار عمره بی خدشه نوشته شود و اگر شقاوتمند باشد، در شمار سعادتمندان به حساب آید و همچنان در رحمت الهی غوطه ور باشد. (2)

81. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که آگاه از حق حسین علیه السلام به زیارت وی برود، خداوند برای او اجر کسی است که هزار اسیر آزاد کند و کسی که (ایشان را) بر هزار اسب زین و لجام شده در راه خدا سواره ببرد.(3)

82. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

83. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

توضیح: شاید اختلاف موجود در این اخبار در میزان فضل و ثواب، حمل بر تفاوت افراد و کارها و کم و زیاد بودن خطر و مسافت باشد، چرا که هر یک از اعمال خیر به اختلاف مراتب اخلاص و شناخت و پرهیزکاری و دیگر شرایطی که کمال عمل را فراهم میکند، ثوابی متفاوت دارد و حقیقت اینکه بنا بر بسیاری از اخبار، ائمه علیهم السلام احوال سؤال کننده را در ضعف و قوت ایمانش در نظر میگرفتند تا سبب انکار و کفر وی نگردد و با مردم به اندازه عقلشان سخن میگفتند.

84. [مؤلف: در مصباح شیخ ابی منصور روایت شده: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله به منزل فاطمه سلام الله علیها وارد شد و او برای حضرت غذایی از خرما

1- . كامل الزيارات : 163
2- . كامل الزيارات : 164
3- . كامل الزيارات : 164
4- . ثواب الاعمال: : 79
5- . كامل الزيارات : 164

و روغن حیوانی و نان فراهم آورد و حضرت با علی و فاطمه و حسن و حسین گرد سفره جمع شدند و چون غذا خوردند، رسول خدا صلی الله علیه و آله سجده کرد و بسیار سجده اش طولانی گشت و آنگاه گریست و سپس خندید و نشست؛ علی که جرأت بیشتری از بقیه ایشان در سخن گفتن داشت، فرمود: ای رسول خدا، امروز رفتاری از شما دیدیم که پیش از این ندیده بودیم. حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه که با شما غذا خوردم، شادمان شدم و از سلامتی و جمع گرم شما مسرور گشتم، پس برای شکر خدا به سجده افتادم؛ پس جبرئیل علیه السلام فرود آمد و گفت، آیا به خاطر شادمانی از سلامتی خانواده ات سجده نمودی؟ گفتم آری. پس گفت، آیا میخواهی از آنچه پس از تو بر ایشان میگذرد، با خبر شوی؟ گفتم آری ای برادرم جبرئیل. پس گفت: درباره دخترت، او نخستین فرد خانواده ات است که پس از آنکه به وی ظلم می شود و حقش از وی سلب می شود و از ارثش محروم میگردد و شوهرش مظلوم واقع می شود و استخوان دندهاش شکسته میشود، به تو میپیوندد. و اما پسر عمویت مورد ستم واقع می شود و حقش سلب می شود و کشته می شود. و اما حسن، مظلوم واقع می شود و حقش از او سلب می شود و با زهر کشته میشود. و اما به حسین ستم می شود و حقش سلب می شود و خاندانش کشته می شوند و زیر سم اسبان پایمال می شود و ساز و برگ کاروانش چپاول می شود و زنان و فرزندان خانواده اش اسیر می شوند و آغشته به خونش دفن می شود و غریبگان وی را به خاک میسپارند. پس گریستم و گفتم: آیا کسی به زیارت وی میرود؟ گفت غریبگان وی را زیارت میکنند. گفتم: پاداش کسی که به زیارت وی رود، چیست؟ گفت: برای او ثواب هزار حج و هزار عمره به همراه تو نوشته می شود، پس خندیدم.] (1)

1- . بین پرانتز در چاپ کمپانی موجود نبوده و در چاپ تبریز درج شده که از روی آن نقل کرده ایم.

باب ششم : زیارت امام حسین علیه السلام موجب طول عمر و حفظ جان و مال و فراوانی روزی و گشایش اندوه ها و برآمدن آرزوهاست

روایات:

1. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا در کنار شما قبری هست که هیچ غمدیده ای به زیارت آن نیاید مگر آنکه خداوند به خاطر اندوهش، در کارش گشایشی دهد و حاجتش را برآورده سازد.

توضیح: امکان دارد مراد از این قبر، مزار امیرالمؤمنین علیه السلام باشد.

2. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا در کنار شما قبری هست که هیچ غمدیده ای به زیارت آن نیاید مگر آنکه خداوند اندوهش را گشایشی در کار کند و حاجتش را برآورده سازد و نزد وی از زمانی که جان باخت، چهار هزار فرشته با موی آشفته و روی غبارین هست که تا روز قیامت بر وی میگریند و هر که به زیارت وی رود، وی را همراهی میکند و هر که بیمار گردد به عیادتش میروند و هر که درگذرد، جنازه اش را تشییع میکنند. (1)

3. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا حسین بلادیده شهید شد و شایسته است که هیچ غمدیده ای به درگاه وی نیاید، مگر آنکه خداوند او را شادمان بازگرداند. (2)

1- . کامل الزیارات : 167
2- . کامل الزیارات : 167

4. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا در ورای کوفه مقبره ای هست که هیچ غمدیده ای به زیارت آن نیاید مگر آنکه خداوند اندوهش را گشایشی در کار کند و منظور مزار حسین علیه السلام است.(1)

5. کامل الزیارات: ابی جعفر علیه السلام: به راستی که حسین، این ساکن کربلاء، بلا دیده و تشنه لب و با دلی پر حسرت شهید شد و خداوند عز و جل بر خود سوگند یاد کرد که هیچ حسرت کشیده و هیچ غمدیده و هیچ گنهکار وهیچ اندوهگین و هیچ تشنه لب و هیچ معلولی به نزد مقبره وی نیاید و نزد او دعا نکند و به واسطه حسین بن علی علیه السلام به خداوند عز و جل تقرب نجوید، مگر اینکه خداوند اندوه او را گشایشی حاصل کند و خواسته اش را به وی عطا کند و گناهش را بیامرزد و عمرش را دراز کند و روزی اش را افزون کند «فَاعْتَبِرُوا یا أُولِی الْأَبْصار». پس ای دیده وران عبرت گیرید.(2)

6. کامل الزیارات: ابا جعفر علیه السلام: ولایت ما بر اهل شهرها عرضه گردید و هیچ یک چون اهل کوفه آن را نپذیرفتند و این بدان جهت بود که مزار علی علیه السلام در آن است و در کنار آن مقبره دیگری هست (و منظور مقبره حسین صلوات الله علیهما است) و هیچ زائری به نزد وی نیاید و نزد او دو یا چهار رکعت نماز نگزارد و آنگاه از خدا حاجتی درخواست نکند مگر اینکه خداوند آن را برآورده سازد و به راستی که هر روز هزار فرشته مزار وی را در بر میگیرند. (3)

توضیح: «إلی لزقه» یعنی در کنارش.

7. کامل الزیارات: ابن ابی یعفور گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: اشتیاق به شما مرا بر آن داشت که دشواریها را برای رسیدن به تو تحمل کنم. پس فرمود که نزد پروردگارت گلایه نکن؛ چرا به زیارت کسی که بیش از من بر تو حق دارد، نیامدی؟ و این سخنش که چرا به زیارت کسی که بیش از من بر تو حق دارد، نیامدی، بر من دشوار تر از این سخنش بود که نزد پروردگارت گلایه نکن.

1- . کامل الزیارات : 168
2- . کامل الزیارات : 168

3- . كامل الزيارات : 168

گفتم چه کسی بر من حق بیشتری از شما دارد؟ فرمود: حسین بن علی، پس چرا به نزد حسین نمیروی و نزد وی خدا را نمیخوانی و حوائجت را نزد وی بازگو نمیکنی؟ ![(1)]

8. ثواب الاعمال: عبدالله بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم، کمترین پاداش زیارت مزار حسین علیه السلام چیست؟ فرمود: کمترین پاداش وی آن است که خداوند جان و مال او را تا آنگاه که نزد اهل و عیالش بازگردد، در امان دارد و چون روز قیامت فرارسد، خداوند بیش از پیش وی را در حفظ خود نگاه میدارد.

9. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. [(2)]

10. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: روزهای زائر حسین بن علی علیه السلام از روزهای زندگی به شمار نمیآید. [(3)]

11. کامل الزیارات: ابن حازم گوید: از امام شنیدم که فرمود: هر که یک سال بگذرد و به زیارت مزار حسین نرود، خداوند یک سال از عمرش میکاهد و اگر بگویم که برخی از شما سی سال پیش از فرا رسیدن اجلش جان میبازد، دروغ نگفتهام. زیرا که شما زیارت وی را ترک گفته اید؛ پس زیارت وی را ترک مگویید تا خداوند عمرتان را دراز کند و بر روزیتان بیفزاید؛ و اگر زیارت او را رها کنید خداوند از عمر و روزیتان میکاهد. در مورد زیارت او، نیرویتان را به کار گیرید و بر یکدیگر پیشی گیرید و از این امر صرفنظر نکنید، زیرا که حسین بن علی نزد خدا و رسول خدا و نزد علی و فاطمه علیهم السلام، گواه شماست. [(4)]

12. کامل الزیارات: عبدالملک خثعمی روایت کند که امام صادق علیه السلام مرا فرمود: ای عبدالملک، زیارت حسین بن علی را نادیده مگیر و اصحابت را به این کار امر کن که خداوند بر عمر تو میافزاید و روزیات را زیاد میکند و

1- . کامل الزیارات : 168
2- . کامل الزیارات : 133

3- . كامل الزيارات : 136
4- . كامل الزيارات : 151

خوشبخت زندگی میکنی و با حالی خوش درخواهی گذشت و نامت را در میان خوش بختان مینویسد.(1)

13. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: حتی اگر شده، سالی یک بار به زیارت حسین علیه السلام بروید، چرا که هر که آگاه از حق وی و بدون انکار آن به مزار وی آید، پاداشی جز بهشت نخواهد داشت و روزی فراوان یافته و خداوند از بابت وی، به زودی در کارش گشایشی حاصل میکند... تا آخر خبر. (2)

14. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

15. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که به زیارت مزار حسین علیه السلام نرود، خیر و برکت بسیاری را از دست داده و یک سال از عمرش کاسته می شود. (4)

16. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: حسین بن علی علیه السلام فرمود: من شهید اشک هستم و بلادیده شهید شدم و خدای را شاید که هیچ غمدیده ای به مزارم نیاید مگر اینکه در حالی برگردد که دلش شاد گشته است. (5)

17. التهذیب: ابا جعفر علیه السلام: شیعه ما را امر کنید که به زیارت مزار حسین علیه السلام بروند، چرا که شرفیاب شدن به مزار او روزی را افزایش میدهد و عمر را زیاد میکند و پیشامدهای ناگوار را دفع میکند و زیارت او بر هر مومنی که به امامت وی از سوی خدا اعتراف دارد، واجب است. (6)

1- . کامل الزیارات : 151
2- . کامل الزیارات : 151
3- . کامل الزیارات : 151
4- . کامل الزیارات : 151
5- . ثواب الاعمال: : 88
6- . التهذیب 6 : 42

باب هفتم : زیارت امام حسین علیه السلام بهترین اعمال است

روایات:

1. کامل الزیارات: ابی خدیجه گوید: از امام صادق علیه السلام درباره زیارت مزار حسین علیه السلام پرسیدم، فرمود: این بهترین اعمال است. (1)

2. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

3. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

4. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: از بهترین کارها زیارت مزار حسین علیه السلام است و برترین کارها نزد خداوند، شاد کردن دل مومن است و نزدیک ترین حالت بنده به خداوند، حالی است که در سجده گریه میکند. (4)

5. کامل الزیارات: ابی خدیجه گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که چه کاری به ارزش زیارت مزار حسین بن علی علیه السلام است؟ فرمود: بهترین کارها با آن برابر است. (5)

1- . کامل الزیارات : 146
2- . کامل الزیارات : 146
3- . کامل الزیارات : 146
4- . کامل الزیارات : 146
5- . کامل الزیارات : 146

باب هشتم : فضیلت انفاق کردن در راه زیارت امام حسین علیه السلام و ثواب کسی که مردی را به زیارت وی فرستد

اشاره

بسیاری از اخبار این باب در باب دعای پیامبران و فرشتگان در حق زائران حسین علیه السلام و دیگران بیان شد.

روایات:

1. کامل الزیارات: ابن سنان گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم فدایت شوم، پدرتان درباره حج میفرمودند که به هر درهمی که فرد در راه آن هزینه کند، هزار برابر پاداش مییابد. کسی که به سوی پدر بزرگوارتان حسین علیه السلام رهسپار میگردد، چه پاداش مییابد؟ پس فرمود: ای ابن سنان، برای هر درهمی که خرج میکند، هزار و هزار پاداش میگیرد و حتی تا ده هزار درهم شمرد، و نظیر همین نیز بر درجات وی افزوده میگردد و خرسندی خداوند برای او بهتر است و دعای محمد و دعای امیر المؤمنین و ائمه علیهم السلام برای وی بهتر است. (1)

2. کامل الزیارات: صفوان جمّال در روایتی بلند گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آن که نزد مزار وی یعنی حسین علیه السلام نماز گزارد، چه پاداشی خواهد داشت؟ فرمود: هر که نزد وی دو رکعت نماز گزارد، چیزی از خدا نخواهد مگر آنکه خداوند خواسته اش را به وی عطا نماید. گفتم: کسی که با آب فرات غسل کند و به زیارت وی آید چه پاداش میگیرد؟ فرمود: هر که به آب فرات و به قصد زیارت حسین غسل نماید، گناهانش چون روزی که از مادر زاده

1- . کامل الزیارات : 128

شده، از وی فرو ریزد. گفتم: کسی که برای زیارت وی آماده گشته ولی به خاطر مشکلی نتوانسته رهسپار شود چطور؟ فرمود: خداوند در برابر هر درهمی که خرج کند پاداشی برابر با حسناتی به اندازه کوه احد عطا کند و چندین برابر آنچه هزینه کرده است، برای وی جایگزین میکند و بلایی که نازل کرده را از وی باز میدارد و (از سر راه بلا) کنار نگاه داشته می شود و اموالش محفوظ میگردد...تا آخر خبر. (1)

3. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است و میافزاید: گفتم: پاداش کسی که برای سفر به سوی مزار او و نیز نزد مقبره او اموالی هزینه کند چیست؟ فرمود: هر درهم او هزار درهم پاداش میگیرد. (2)

4. التهذیب: علی بن میمون صائغ گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای علی، شنیدهام که گروهی از پیروان ما یک یا دو سال و یا بیشتر بر آنها میگذرد و به زیارت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام نمیروند. گفتم: فدایت شوم! مردمان بسیاری را به این حال می شناسم. فرمود: به خدا سوگند، بدان که بهره و نصیب خود را اشتباه گرفته اند و از ثواب الهی منحرف گشته اند و از همسایگی با محمد در بهشت بس دور شده اند. گفتم: اگر به جای خود مردی را بفرستد، پاداشی خواهد برد. فرمود: آری و به زیارت رفتن خودش اجر و برکت بیشتری دارد و نزد خداوند برای او بهتر است. (3)

1- . کامل الزیارات : 129
2- . کامل الزیارات : 128
3- . التهذیب 6 : 45

باب نهم : پیامبران و رسولان و امامان و فرشتگان صلی الله علیهم، به زیارت امام حسین علیه السلام می آیند و برای زائرانش دعا می کنند و ایشان را به خیر نوید می دهند و خوشبین به آینده شان، شادمانی می کنند

روایات:

1. کامل الزیارات: معاویه بن وهب گوید: از ابا عبدالله اذن ورود گرفتم و اجازه ورود داده شد و وارد شدم و او را در نمازگاهش در خانه دیدم و نشستم تا نمازش را به پایان رساند و شنیدم که با خدا نیایش میکرد و میگفت: ای آنکه ما را امتیاز کرامت بخشید و شفاعت را به ما وعده داد و وصیت (سفارش پیامبر در حق ائمه یا سفارش ایشان به پیروانشان) را مختص ما گرداند و دانش گذشته ها و آینده را به ما هبه کرد و دلهای مردمانی را شیفته ما گرداند. من و برادرانم و زوّار مزار پدرم حسین بن علی - درود خدا بر آن دو باد - را بیامرز که دارایی شان را هزینه کردند و بدنهاشان را از شوق مهربانی و نیکی به ما و به امید پاداشی که با اتصال با ما از تو در مییابند و به امید سروری که به دل رسولت محمد صلی الله علیه و آله وارد میکنند و در پاسخ به دستور ما و به جهت خشمی که به دل دشمنانمان وارد کردند، به رنج انداختند و در همه این احوال جویای خشنودی تو بوده اند، پس از سوی ما ایشان را به خشنودی ات بهرمند ساز و روز و شب ایشان را محفوظ دار و اهل و خانواده ایشان را که پشت سر باقی نهاده اند، به بهترین وجهی نگاهبان باش و همپای ایشان باش و آنان را از شر هر طغیانگر سرکش و از هر ضعیف و قوی دستی از آفریدگانت و از شر شیاطین انس و جن در امان دار و

بهترین آرزوهایشان را که دور از کاشانه شان از تو درخواست کردند، مادام که ما را بر فرزندان و خاندان و نزدیکانشان ترجیح داده اند، نصیبشان گردان. خداوندا دشمنان ما ایشان را به خاطر این سفرشان نکوهش کردند، ولی این امر ایشان را، به خاطر مخالفت ایشان با مخالفان ما، از برخاستن و روانه شدن به سوی ما باز نداشت. پروردگارا! رحم آور بر این صورتهایی که به حرارت آفتاب سوخته و آن صورتهایی که هر دو گونه آن پیاپی بر روی مقبره ابا عبد الله، حسین علیه السلام جا به جا شده و رحمت نما آن چشمهایی را که از سر رحمت و دلسوزی بر ما اشکها رانده و آن دلهایی که بی تاب گشته و به خاطر ما گدازش بسیار یافته و رحم آور بر آن فریادهایی که در ماتم ما برخاسته است. خداوندا! آن جانها را و آن تن ها را به پناه تو میسپارم تا آنکه در روز عطش بر حوض کوثر با ایشان دیدار کنیم. و همچنان حضرت این دعا را در سجده میخواند و چون از نیایش فارغ گشت، به ایشان گفتم: فدایت شوم! اگر این دعایی که شنیدم در حق کسی بود که خدا را نشناخته، بی شک گمان میکردم که آتش دوزخ ذره ای از وجود او را هرگز نخواهد بلعید. به خدا که آرزو میکنم ای کاش او را زیارت کرده بودم و به حج نرفته بودم. پس حضرت فرمود: بس نزدیک هستی به او، پس چه چیز تو را از زیارت او باز میدارد؟! ای معاویه، چرا این امر را نادیده میگیری! گفتم: فدایت شوم! نمیدانستم که این امر چنین ارزشی دارد. فرمود: ای معاویه، کسانی که در آسمان برای زائران وی دعا میکنند، بیش از کسانی هستند که در زمین برای ایشان دعا میکنند. (1)

2. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

3. کامل الزیارات: معاویه بن وهب گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای معاویه، زیارت مقبره حسین علیه السلام را به خاطر ترس رها مکن، زیرا هر که از این کار رویگردان شود، چندان حسرت خواهد برد که آرزو خواهد کرد ای کاش قبرش نزد او بود. آیا دوست نداری که خداوند حضور و وجود تو را در میان کسانی که رسول الله و علی و فاطمه و ائمه علیهم السلام برای ایشان دعا میکنند، ببیند؟

1- . کامل الزیارات : 116

2- . كامل الزيارات : 117

آیا دوست نداری از کسانی باشی که با آمرزش الهی به مسیر سرنوشت میروند و گناهان هفتاد سال به تو بخشیده شود؟ آیا دوست نداری از کسانی باشی که از دنیا خارج می شوند و بار هیچ گناهی را که با آن مجازات گردند، با خود ندارند؟ آیا دوست نداری فردا از جمله کسانی باشی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با ایشان مصافحه میکند؟ (1)

4. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

5. کامل الزیارات: معاویه بن وهب گوید: از محضر امام صادق علیه السلام اجازه ورود خواستم، و آنگاه همین روایت و دعا را برای زائران حسین علیه السلام را بیان نمود. (3)

6. کامل الزیارات: معاویه بن وهب گوید: از محضر امام صادق علیه السلام اجازه ورود خواستم، و آنگاه همین روایت و دعا را برای زائران حسین علیه السلام را بیان میکند. (4)

7. کامل الزیارات: معاویه بن وهب گوید: از محضر امام صادق علیه السلام اجازه ورود خواستم، و همین روایت را بیان میکند. (5)

8. التهذیب: معاویه روایت کند که امام صادق علیه السلام فرمود: معاویه، زیارت مقبره حسین علیه السلام را رها مکن، زیرا هر که چنین کند، چندان حسرت خواهد برد که آرزو میکند ای کاش قبرش نزد او بود... تا پایان این روایت. (6)

9. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی هفتاد هزار فرشته بر حسین علیه السلام مامور کرده که هر روز موی آشفته و غبارین روی بر

1- . کامل الزیارات : 117
2- . کامل الزیارات : 118
3- . کامل الزیارات : 118
4- . کامل الزیارات : 119 به اختصار

5- . كامل الزيارات : 118
6- . التهذيب 6 : 47

وی سلام و صلوات فرستاده و برای زائرانش دعا میکنند و میگویند: خداوندا! اینان زائران حسینند، به حال ایشان چنین و چنان کن. (1)

10. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

11. کامل الزیارات: معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام روایت کرد: زیارت حسین علیه السلام را ترک مکن، آیا دوست نداری از جمله کسانی باشی که فرشتگان برای ایشان دعا میکنند. (3)

12. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی هفتاد هزار فرشته بر حسین علیه السلام مامور کرده که از روز شهادت او تا وقتی خدا خواهد - و منظور از آن قیام حضرت قائم علیه السلام است - موی آشفته و غبارین روی بر وی سلام و صلوات میفرستند و برای زائرانش دعا میکنند و میگویند: خداوندا! اینان زائران حسینند، به حال ایشان چنین و چنان کن. (4)

13. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

14. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله بر زائران مقبره پسرش حسین علیه السلام حاضر می شود و برای ایشان طلب آمرزش میکند. (6)

15. کامل الزیارات: عنبسه گوید: از ابا عبدالله شنیدم که میفرمود: خداوند تبارک و تعالی هفتاد هزار فرشته بر مزار حسین علیه السلام مامور کرده که خدا را میپرستند و نماز هر یک از ایشان برابر با صد هزار نماز آدمیان است و ثواب نمازشان از آن زائران مزار حسین علیه السلام است و بر قاتلان او، لعنت خدا و فرشتگان و همه آدمیان تا ابد است. (7)

1- . کامل الزیارات : 119
2- . ثواب الاعمال: : 79
3- . کامل الزیارات : 119
4- . کامل الزیارات : 119

5- . التهذیب 6 : 47
6- . کامل الزیارات : 118 و در آن آمده که (و برای گناهانشان استغفار میکنند)
7- . کامل الزیارات : 121

16. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چهار هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی تا روز قیامت بر حسین علیه السلام میگریند و کسی به زیارت وی نمیرود مگر اینکه ایشان از وی استقبال کنند، و کسی از نزد او باز نمیگردد مگر اینکه وی را بدرقه میکنند، و کسی بیمار نمیگردد مگر اینکه از وی عیادت میکنند، و کسی نمیمیرد مگر اینکه بر بالین وی حاضر باشند. (1)

17. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

18. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

19. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

20. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا در کنار شما قبری هست که هیچ غمدیده ای به زیارت آن نیاید مگر آنکه خداوند اندوهش را گشایشی در کار کند و حاجتش را برآورده سازد و نزد وی از زمانی که جان باخت، چهار هزار فرشته با موی آشفته و روی غبارین هست که تا روز قیامت بر وی میگریند و هر که به زیارت وی رود، وی را همراهی کنند و هر که بیمار گردد به عیادتش میروند و هر که درگذرد، جنازه اش را تشییع میکنند. (5)

21. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: خدای تعالی چهار هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی را تا هنگامه رستاخیز بر قبر حسین علیه السلام مامور و موکل گردانده که زائران وی را همراهی میکنند و اگر بیمار گردد عیادتش میکنند و اگر جان بسپارد در تشییع جنازه اش حاضر می شوند. (6)

22. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا خدای تعالی چهار هزار فرشته آشفته روی و غبارین روی را بر مزار حسین علیه السلام مامور کرده که از سپیده دم تا هنگام غروب بر وی میگریند و چون خورشید غروب کرد، چهار هزار

1- . كامل الزيارات : 85
2- . كامل الزيارات : 85
3- . كامل الزيارات : 189
4- . ثواب الاعمال: : 79
5- . كامل الزيارات : 167
6- . كامل الزيارات : 190

فرشته بر فراز آسمان رفته و چهار هزار فرشته فرود میآیند و همچنان بر وی میگریند تا سپیده دم بردمد، و برای کسی که وی را زیارت کند، گواهی میدهند و او را تا نزد خانواده اش همراهی میکنند و اگر بیمار گردد عیادتش میکنند و اگر جان بسپارد بر جنازه اش نماز میگزارند. (1)

23. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: خداوند هفتاد هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی بر مقبره حسین علیه السلام مامور کرده که تا روز قیامت بر وی میگریند و نزد او نماز میگزارند و نماز هر یک از ایشان برابر با صد هزار نماز آدمیان است و ثواب نماز و اجر این کارشان از آن زائران مزار حسین است. (2)

24. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا خداوند فرشتگانی به تعداد چهار هزار فرشته را مامور به حسین علیه السلام کرده که بر وی میگریند و برای زائرانش طلب آمرزش میکنند و برای ایشان، خدای را میخوانند. (3)

25. اقبال الاعمال: حسین بن ابی حمزه روایت کرد: در آخرین روزهای بنی امیه به سوی مزار حسین علیه السلام رهسپار گشتم و به غاضریه رسیدم و چون مردمان خوابیدند غسل کردم و به سوی مزار حسین روانه گشتم و چون به باب حرم رسیدم، مردی بسیار خوش سیما و خوش بوی با لباسی بسیار سپید به سوی من آمد و گفت: بازگرد که تو نمیرسی. پس به سوی ساحل فرات بازگشتم و همانجا سر کردم تا نیمه شب فرا رسید و غسل کردم و به سوی مزار روانه گشتم و چون به حرم رسیدم، همان مرد به سوی من آمد و گفت: ای مرد بازگرد که به سوی وی راه نمیبری. بازگشتم و چون آخر شب بود غسل کردم و روی به سوی مزار کردم و چون به حرم رسیدم، همان مرد بار دیگر سر راهم آمد گفت: ای مرد به راستی که به وی نمیرسی. گفتم چرا به پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سرور جوانان اهل بهشت نمیرسم حال آنکه پیاده از کوفه آمده ام و اکنون شب جمعه است و بیم آن دارم که همین جا صبح کنم و نیزه داران بنی امیه مرا بکشند. مرد گفت بازگرد که

1- . کامل الزیارات : 191
2- . کامل الزیارات : 86

3- . كامل الزيارات : 86

راهی به وی نمی یابی. گفتم از چه رو نمیرسم؟ گفت: موسی بن عمران از خدای خود اذن گرفته تا به زیارت مزار حسین علیه السلام بیاید و خداوند به وی اجازه داده و او با هفتاد هزار فرشته به مزار او آمده است. اکنون بازگرد و چون به آسمان فراز گشتند بیا. من بازگشتم و به ساحل فرات آمدم و چون سپیده سر زد غسل کردم و به سوی مزار آمدم و وارد شدم و کسی را ندیدم، پس نماز صبح را نزد وی خواندم و به سوی کوفه روانه گشتم. (1)

26. مولف المزار الکبیر گوید: اعمش روایت کرد: در کوفه منزل داشتم و همسایه ای داشتم که بیشتر اوقات با او بودم. شب جمعه بود و گفتم نظرت درباره زیارت حسین علیه السلام چیست؟ گفت بدعت است و هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی راه به سوی آتش دارد. من که کوره خشم شده بودم، از پیش او برخاستم و به او گفتم، هنگام سحر نزد او میآیم و درباره فضایل امیر المومنین سخنانی خواهم گفت که به خواست خدا، دلش را پر درد و اندوه کند. نزد وی آمدم و در را کوبیدم و صدایی از پشت در گفت: وی سر شب به قصد زیارت رهسپار شد. پس شتابان به راه افتادم و به حرم رسیدم و ناگاه شیخ را دیدم که به سجده افتاده و از سجده و رکوع خسته نمیشود. به او گفتم: دیروز میگفتی که بدعت است و هر بدعتی ضلالت است و هر گمراهی و ضلالتی ره به آتش دوزخ دارد و امروز او را زیارت میکنی!؟ گفت: ای سلیمان، سرزنشم مکن که من به امامت این خاندان باور نداشتم تا آنکه شب گذشته خوابی دیدم که مرا ترساند. گفتم: چه دیدی ای شیخ؟ گفت: مردی نه بسیار بلند و نه کوتاه دیدم که از فرط نیکی و خوش چهرگی اش نمیتوانم او را وصف کنم و با او مردمانی بودند که تنگ، گرد او حلقه زده بودند و او را به اهتمام بسیار همراهی میکردند و پیش روی او سواری بود بر پشت اسبی با دمی بلند و بر سرش تاجی با چهار کنگره داشت و بر هر کنگره جواهری داشت که تا فاصله سه روز سیْر، میدرخشید. گفتم این کیست؟ گفتند که محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب. گفتم دیگری کیست؟ گفتند وصی و جانشین او علی بن ابیطالب علیه السلام است. آنگاه به دور دست نگریستم و ناگاه شتری از جنس نور با کجاوه ای از

1- . اقبال الاعمال: 38 چاپ سال 1314 هجری در ایران

نور در میان آسمان و زمین در پرواز دیدم. پرسیدم این شتر از آن کیست؟ گفتند از آن خدیجه بنت خویلد و فاطمه دخت نبی اکرم. پرسیدم این پسر کیست؟ گفتند حسن بن علی است و گفتم کجا میروند؟ گفتند که همگی به زیارت شهید به ستم کشته شده در کربلا، حسین بن علی علیه السلام میروند. آنگاه به سوی کجاوه رفتم و ناگاه رقعههای امان نامه را دیدم که از سوی خدای تعالی برای زائران حسین بن علی در شب جمعه از آسمان به زمین فرو میافتد. آنگاه ندایی فریاد بر آورد که هان! ما و پیروانمان در بالاترین مرتبه بهشت هستیم. سوگند به خدا ای سلیمان که هرگز این مکان را رها نمیکنم تا آنکه روحم از بدن جدا گردد. (1)

27. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هیچ پیامبری در آسمانها و زمین نیست مگر آنکه از خدای تعالی درخواست میکنند که به ایشان اذن زیارت حسین علیه السلام را بدهد، پس همچنان گروهی فرود میآیند و گروهی فرا میروند. (2)

28. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

29. کامل الزیارات: حسین پسر دختر ابی حمزه ثمالی گوید: در آخرین روزهای حکومت بنی مروان پنهان از چشم اهل شام به زیارت حسین بن علی علیه السلام رهسپار گشتم تا آنکه به کربلا رسیدم و در گوشه ای از آبادی مخفی شدم تا آنکه چون پاسی از شب گذشت، روانه مزار گشتم و چون به نزدیکی آن رسیدم مردی پیش آمد و گفت: بازگرد که راهی به مزار نمییابی و البته اجر گرفتهای. پس از ترس بازگشتم و چون نزدیک سپیده دم شد، به سمت مزار آمدم و چون نزدیک شدم، آن مرد پیش آمد و گفت: هان! تو راهی به مزار نداری. به او گفتم: خدا سلامتی ات دهد، چرا به وی راه ندارم حال آنکه از کوفه به اشتیاق زیارت او آمده ام؟ پس بین من و او جدایی میفکن و حالم چنان است که میترسم اگر تا صبح اینجا باشم اهل شام مرا دستگیر کرده و بکشند. گفت: اندکی صبر کن. چرا که موسی بن عمران علیه السلام از خداوند درخواست کرده که به او اذن زیارت مزار حسین

1- . المزار الکبیر : 107 با تفاوتی اندک
2- . کامل الزیارات : 111

3- . التهذیب 6 : 71 در ذیل روایتی طولانی

علیه السلام را بدهد و خداوند به او اذن داده و او با هزار فرشته از آسمان فرود آمده و ایشان از آغاز شب نزد او هستند و منتظر سپیده دم هستند تا به آسمان فراز شوند. گفتم که تو کیستی؟ خدا عمرت دهد! گفت: من از فرشتگانی هستم که مامور نگاهبانی از مقبره حسین علیه السلام و استغفار برای زائران وی هستم. پس در حالی که نزدیک بود به خاطر چیزهایی که از وی شنیدم، عقل از سرم بپرد، بازگشتم. گوید چون سپیده دمید بازآمدم و به سوی مزار او رفتم و کسی از پیش رفتنم جلوگیری نکرد. نزدیک شدم و به امام سلام دادم و لعنت خدا را بر قاتلان وی فرستادم و نماز صبح را به جای آوردم و از ترس شامیان، شتابان بازگشتم.

30. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

31. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

32. کامل الزیارات: صفوان جمال گوید: امام صادق علیه السلام چون به حیره (نام مرکز حکومت عربی قدیمی در حوالی کوفه) آمد، فرمود: آیا میخواهی به زیارت حسین علیه السلام بروی؟ گفتم: آیا شما او را زیارت میکنید؟ فرمود: چگونه او را زیارت نکنم حال آنکه خدای تعالی در هر شب جمعه ای او را زیارت میکند و به همراه فرشتگان و پیامبران و جانشینان پیامبران به نزد مزار وی میآید و محمد برترین پیامبران است و ما برترین جانشینان پیامبران. صفوان گفت: فدایت گردم! آیا ما هم هر جمعه به زیارت وی رویم تا زیارت خداوند را درک نماییم؟ فرمود: آری ای صفوان، بر این کار مداومت کن که زیارت مزار حسین علیه السلام برای تو نوشته می شود و این امر، برتری یافتن است. (3)

توضیح: زیارت خدای تعالی از او به معنی فرو فرستادن لطف و رحمتهای خاص خود بر حسین صلوات الله علیه و زائرانش است و منظور از "این امر"، زیارت خداوند است.

1- . کامل الزیارات : 113
2- . کامل الزیارات : 113

3- . كامل الزيارات : 112

33. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: مقبره حسین علیه السلام مساحت بیست ذرع در بیست ذرع است و باغی از باغهای بهشت است و در آن راه عروجی به سوی آسمان هست و هیچ فرشته مقرب و پیامبر فروفرستاده ای نیست مگر آنکه از خدای تعالی درخواست میکند که به زیارت وی آید، پس گروهی فرود میآیند و گروهی بالا میروند. (1)

34. کامل الزیارات: اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، فدایت گردم ای پسر رسول خدا! در شب عرفه در حرم بودم و حدود سه یا چهار هزار مرد خوش سیما و خوش عطر و بوی با جامه هایی بس سپید دیدم که تمام شب را نماز میگزاردند و میخواستم که به کنار مزار بیایم و بر آن بوسه زنم و دعاهایی بخوانم، ولی از فرط بسیاری زائران نمیتوانستم به آن برسم و چون سپیده دمید سجده ای کردم و چون سر بر داشتم، احدی از ایشان را ندیدم. امام صادق علیه السلام فرمود: آیا میدانی اینان که بودند؟ گفتم نه. پس فرمود: پدرم از پدرش چنین روایت کرد که چون حسین علیه السلام را شهید میکردند، چهار هزار فرشته از پیش روی او عبور کردند. ایشان به آسمان رفتند و خداوند به آنها وحی نمود که ای گروه فرشتگان، بر پسر حبیب و صفیّ من محمد صلی الله علیه و آله گذشتید حال آنکه وی را مظلوم و بی پناه مورد ستم قرار داده و به قتل میرساندند و شما او را یاری نکردید؟ پس اکنون به زمین به سوی مزار وی فرود آیید و تا روز قیامت با موهای پریشان و سر و روی خاک آلوده بر وی بگریید؛ و ایشان تا هنگامه رستاخیز نزد وی هستند. (2)

35. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است، با این اختلاف که در هر دو جا، پنجاه هزار فرشته ذکر شده است. (3)

1- . کامل الزیارات : 112
2- . کامل الزیارات : 115
3- . کامل الزیارات : 115

36. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هیچ فرشته ای در آسمانها نیست مگر آنکه از خدای تعالی درخواست میکند که به وی اجازه زیارت مزار حسین علیه السلام را بدهد، پس گروهی فرود میآیند و گروهی فراز میگردند. (1)

37. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

38. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: فاصله میان مزار حسین علیه السلام تا آسمان هفتم، محل آمد و شد فرشتگان است. (3)

39. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

40. کشف الیقین: رسول خدا صلی الله علیه و آله: خداوند هیچ مخلوقی را بیش از فرشتگان نیافریده است و هر شب هفتاد هزار فرشته از آسمان به زیر میآیند و تمام شب را بر گرد حرم الهی طواف میکنند و چون سپید بدمد به سوی مزار پیامبر صلی الله علیه و آله میروند و بر او سلام میدهند و آنگاه به مزار امیر المومنین آمده و بر وی سلام میدهند و به مزار حسن بن علی علیه السلام میآیند و بر وی سلام میدهند و سپس به مزار حسین علیه السلام میآیند و بر او سلام میفرستند و پیش از آنکه خورشید طلوع کند به آسمان عروج میکنند. آنگاه فرشتگان روز، به شمار هفتاد هزار، فرود میآیند و تمام روز را به گرد بیت الحرام طواف میکنند و چون خورشید غروب کند به سوی مقبره پیامبر صلی الله علیه و آله میروند و بر او سلام میدهند و آنگاه به مزار امیر المؤمنین آمده و بر وی سلام میدهند و به مزار حسن بن علی علیه السلام میآیند و بر وی سلام میدهند و سپس به مزار حسین علیه السلام میآیند و بر او سلام میفرستند و پیش از آنکه خورشید پنهان گردد، به آسمان فراز میگردند. و سوگند به آنکه این جانم در دست اوست، به راستی که پیرامون آرامگاه او چهار هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی هست که تا روز رستاخیز بر وی شیون میکنند و در روایتی آمده که خداوند تبارک و تعالی

1- . کامل الزیارات : 114

2- . ثواب الاعمال: : 87
3- . كامل الزيارات : 114
4- . ثواب الاعمال: : 87

هفتاد هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی را مامور به امر حسین کرده که هر روزه بر وی درود و صلوات میفرستند و برای زائرانش دعای خیر میکنند و رئیس ایشان فرشته ای است به نام منصور؛ و هیچ زائری به زیارت وی نیاید مگر اینکه به پیشواز وی روند و هیچ وداع کننده ای از وی خداحافظی نکند مگر آنکه وی را بدرقه نمایند و هیچ زائری بیمار نگردد مگر آنکه به عیادت وی آیند و هیچ یک نمیرد مگر آنکه بر جنازه اش نماز کنند و پس از مرگش برای او طلب آمرزش نمایند. (1)

41. المزار الکبیر: امام صادق علیه السلام: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است تا این جمله: تا آنکه خورشید غروب کند.

توضیح: ممکن است که آن هفتاد هزار فرشته، گونه ای دیگر غیر از آن چهار هزار فرشته باشند.

42. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: همانا چهار هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی بر کنار مزار حسین علیه السلام هست که تا روز رستاخیز بر وی میگریند و رئیس ایشان منصور نام دارد، و هیچ زائری به زیارت وی نیاید مگر اینکه به پیشواز وی روند و هیچ وداع کننده ای از وی خداحافظی نکند مگر آنکه وی را بدرقه نمایند و هیچ زائری بیمار نگردد مگر آنکه به عیادت وی آیند و هیچ یک نمیرد مگر آنکه بر جنازه اش نماز کنند و پس از مرگش برای او طلب آمرزش نمایند.(2)

43. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

44. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام: خدای تعالی چهار هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی را بر مزار حسین علیه السلام مامور کرد که تا روز رستاخیز بر وی میگریند و هر که آگاه به حق وی به زیارتش آید، وی را همراهی میکنند تا او را به پناه امنش رسانند و اگر بیمار گردد شب و روز به عیادت وی

1- . کشف الیقین : 67- 68 تالیف سید ابن طاووس چاپ نجف اشرف
2- . ثواب الاعمال: : 79

3- . کامل الزیارات : 192 با اندک تفاوتی

آیند و اگر جان سپارد در تشییع جنازه اش حاضر شوند و تا رستاخیز برای او طلب آمرزش نمایند. (1)

45. کامل الزیارات، نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

46. کامل الزیارات، نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

47. کامل الزیارات: ربعی گوید: در مدینه به امام صادق علیه السلام عرض کردم که مقبره شهیدان کجاست؟ فرمود: آیا بهترین شهیدان نزد شما، حسین نیست؟ و سوگند به آنکه جانم به دست اوست، پیرامون او چهار هزار آشفته موی و غبارین هست که تا روز رستاخیز بر وی میگریند. (4)

48. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

49. امالی شیخ طوسی: امام صادق علیه السلام: همانا حسین بن علی نزد پروردگار عز وجل به خیمه گاه خود و شهدایی که به همراه وی در آن فرود آمدند، و نیز به زائران خود مینگرد، و او پیش از آگاهی هر یک از شما به فرزندش، از نام ایشان و پدرانشان و شأن و درجه هر یک از ایشان نزد خداوند تبارک و تعالی آگاه است و به حق سوگند که او هر که را برای او میگرید میبیند و برای او طلب آمرزش میکند و از پدرانش میخواهد که برای او استغفار کنند و میگوید، اگر زائر من میدانست که خداوند برای او چه آماده کرده، شادمانی اش از این بی قراری اش بیشتر بود و به راستی که زائر او باز میگردد، حال آنکه هیچ گناهی بر عهده اش نمانده است. (6)

50. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا خداوند را فرشتگانی است که به مقبره حسین مأمور گشته اند و چون کسی قصد زیارت وی را کند، خداوند گناهان او را به ایشان میدهد و چون گام بردارد آنها را پاک میکنند و چون گامهای

1- . أمالى الصدوق : 142
2- . كامل الزيارات : 189
3- . أمالى الصدوق : 14 و ثواب الاعمال: : 79
4- . كامل الزيارات : 109
5- . ثواب الاعمال: : 88
6- . أمالى الطوسىّ 1 : 54

دیگری بردارد حسنات وی را دوچندان میکنند و همچنان حسنات وی دوچندان می شود تا آنکه بهشت را بر وی واجب میکند؛ سپس وی را در میان گرفته و تقدیس میکنند و فرشتگان آسمان را به فریاد میخوانند که زائران حبیب حبیب خدا را گرامی دارید؛ و چون غسل کنند، محمد صلی الله علیه و آله ایشان را ندا میدهد که مژده باد شما را به همراهی با من در بهشت. سپس امیر المومنین علیه السلام ایشان را ندا میزند که من برآورده شدن حاجات شما و دفع بلاها از شما در دنیا و آخرت را ضمانت میکنم و سپس نبی خدا صلی الله علیه و آله پیاپی به دیدارشان میآید تا آنکه به نزد خانواده شان بازگردند. (1)

51. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است، با این تفاوت که: و رفع بلاها از شما در دنیا و آخرت، و آنگاه ایشان را از سمت راستشان در بر گرفتند. (2)

52. کامل الزیارات: نظیر روایت صدوق به سندی دیگر آمده است. (3)

53. کامل الزیارات: مفضل بن عمر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که گویی فرشتگان را میبینم که راه را برای مومنین در مزار حسین علیه السلام تنگ کردهاند. گوید گفتم: آیا به چشم وی میآیند؟ فرمود: هرگز، هرگز به راستی که چنان در کنار مومنین قرار گرفته اند که صورت ایشان را به دست خود لمس میکنند. و خداوند شب و روز از طعام بهشت بر زائران حسین علیه السلام فرو میفرستد و فرشتگان پیشخدمت ایشانند و هیچ بنده ای حاجتی از حوائج دنیوی و اخروی نمی طلبد مگر آنکه خداوند آن را به وی میبخشد. گوید گفتم: به خدا که این کرامت است. فرمود: ای مفضل، میخواهی بیشتر برایت بگویم. گفتم: آری سرورم. فرمود: گویی تختی از نور میبینم که نهاده شده و گنبدی از یاقوت سرخ مزین گشته به جواهر، بر آن زده شده و گویی حسین بن علی علیه السلام را میبینم که بر این تخت نشسته و گرداگرد او نود هزار گنبد سبز است و گویی مومنان را

1- . کامل الزیارات : 132
2- . ثواب الاعمال: : 83
3- . کامل الزیارات : 152

میبینم که به زیارت وی آمده و بر او سلام و درود میگویند و خدای تعالی به ایشان میفرماید: ای اولیای من، از من طلب کنید که بس روزهاست که آزار دیده و خوار گشته و مورد ستم قرار گرفته اید و این روزی است که هیچ درخواستی از خواسته های دنیایی و آخرتی از من نکنید مگر آنکه برای شما برآورده سازم و خوراک و شرابشان همه از بهشت است و به خدا که این کرامتی است که هیچ چیزی نظیر آن نیست. (1)

توضیح: نازل شدن غذا در برزخ و گنبد زدن در هنگامه رجعت، به قرینه این کلام امام علیه السلام است که میفرماید: از حاجات دنیوی و اخروی.

54. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که خواهد همنشین پیامبر صلی الله علیه و آله و همنشین علی و فاطمه باشد، زیارت حسین بن علی علیه السلام را ترک نکند.(2)

55. کامل الزیارات: ابا بصیر گوید: از امام صادق یا امام باقر علیهما السلام شنیدم که فرمود: هر که دوست دارد منزلگاهش در بهشت و پناهگاهش بهشت باشد، زیارت مظلوم را ترک نگوید. گفتم: مظلوم کیست؟ فرمود: حسین بن علی، ساکن کربلا. هر که از سر اشتیاق و محبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و دوستی با فاطمه و امیر المومنین صلوات الله علیهم به زیارت وی آید، خداوند او را بر سر سفره های بهشت، همسفره ایشان میکند، در حالی که مردمان در حال حساب پس دادن هستند. (3)

56. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: خداوند تبارک و تعالی را فرشتگانی است مامور به مقبره حسین علیه السلام، و چون کسی قصد زیارت وی کند و غسل کند، محمد صلی الله علیه و آله ندا در دهد که ای گروه خدائیان، مژده باد شما را به همراهی من در بهشت ... و ادامه حدیث را روایت میکند. (4)

1- . کامل الزیارات : 135
2- . کامل الزیارات : 136
3- . کامل الزیارات : 137
4- . کامل الزیارات : 137

57. کامل الزیارات: عبد الله بن بکیر گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای ابن بکیر، خداوند از میان سرزمینهای جهان شش منطقه را برگزیده است. بیت الله الحرام و مقبره پیامبران و مقبره جانشینان پیامبران و مقتل شهیدان و مسجدهایی که نام خدا در آن جاری است. ابن بکیر، آیا میدانی پاداش کسی که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام، در زمانی که جاهلان قدر او را ندانند، بیاید چیست؟ هیچ صبحی نباشد مگر اینکه فریادگری از فرشتگان بر سر مقبره او ندا در میدهد: ای جوینده خیر! به سوی خاصه و برگزیده خدا بیا تا با کرامت بازگردی و از پشیمانی در امان مانی و همه اهل مشرق و مغرب جهان به جز آدمیان و جنیان این ندا را می شنوند و هیچ فرشته نگاهبانی نباشد مگر اینکه به هنگام خواب این بنده، به سوی این ندا روی کرده و خدا را نزد وی تسبیح گوید و خشنودی خدا را درخواست نماید و هیچ فرشته ای در آسمان نباشد مگر اینکه با تقدیس خداوند، به این ندا پاسخ گوید. پس صدای فرشتگان اوج گرفته و ساکنان آسمان پایین تر صدای ایشان را می شنوند و صدای فرشتگان و ساکنان دنیای پایین تر شدت گرفته، تا آنکه به اهل آسمان هفتم میرسد و پیامبران صدای ایشان را شنیده و بر حال ایشان رحم آورده، بر حسین علیه السلام سلام و درود فرستاده و برای زائران وی دعا میکنند. (1)

58. کامل الزیارات: جابر جعفی گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: چون از کنار مقبره حسین علیه السلام دور شوی، منادی ندایی در میدهد که اگر آن را می شنیدی، تمام عمرت را کنار مقبره حسین علیه السلام مقیم میگشتی. او میگوید: خوشا به حال تو ای بنده که بهرمند گشتی و از گزندها رستی و همه گناهان گذشته ات بخشیده شد، پس اکنون کار از سرگیر .. و ادامه این روایت بلند را بیان میکند. (2)

59. کامل الزیارات: امام موسی کاظم علیه السلام: هر که به قصد زیارت حسین بن علی علیه السلام از خانه اش بیرون آید، خداوند فرشته ای را مأمور وی میکند که انگشتش را برگردن وی مینهد و هر آنچه بر زبانش جاری می شود را مینویسد تا آنکه به حرم برسد و چون از حرم گذشت، فرشته دستش را بر وسط

1- . کامل الزیارات : 125

2- . كامل الزيارات : 153

سینه او مینهد و میگوید: هان ! بدان که هر آنچه گذشت را خداوند بخشید، پس اکنون عمل از سر گیر. (1)

60. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

61. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

62. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که به قصد زیارت حسین علیه السلام از خانه اش بیرون آید، هفتصد فرشته از بالای سر و زیر پا و از چپ و راست و پیش روی و پشت سر، وی را همراهی میکنند تا به محل امنش برسد و چون حسین علیه السلام را زیارت کند، منادی فریاد بر میآورد که خداوند تو را آمرزید، پس اکنون عمل از سر بگیر. سپس برای بدرقه او، به همراه وی تا خانه اش میآیند و چون به خانه اش رسید میگویند، تو را به خدا میسپاریم و همچنان تا روز مرگش به وی سر میزنند و هر روز مزار حسین علیه السلام را زیارت میکنند و ثواب آن نصیب وی میگردد. (4)

63. کامل الزیارات: محمد بن مضارب از مالک جهنی روایت کند که ابا جعفر علیه السلام به من فرمود: ای مالک، همانا خداوند تبارک و تعالی آنگاه که حسین علیه السلام جان سپرد، چهار هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی را بر مزار حسین علیه السلام مامور کرد که تا روز قیامت بر وی میگریند، و هر که آگاه از حق حسین علیه السلام به زیارت وی آید، گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده می شود و خداوند برای او یک حج مینویسد و همچنان در حصن الهی است تا به نزد خانواده اش بازگردد. گوید چون مالک درگذشت و ابا جعفر امام باقر علیه السلام نیز به رحمت خدا پیوست، بر امام صادق علیه السلام وارد شده و این روایت را نزد وی بیان کردم و چون یک حج را ذکر کردم، افزود: و یک عمره، ای محمد. (5)

1- . کامل الزیارات : 153
2- . کامل الزیارات : 191
3- . کامل الزیارات : 191

4- . كامل الزيارات : 190
5- . كامل الزيارات : 193

باب دهم : جامع سخنان در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و نوادر روایات

اشاره

توضیح: برخی از اخبار فضل زیارت حضرت، در باب فضل زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و باب فضل زیارت امیر المومنین علیه السلام ذکر شد.

روایات:

1. عیون اخبار الرضا: موسی کاظم علیه السلام: از امام صادق علیه السلام درباره زیارت مزار حسین علیه السلام پرسیدند، فرمود: پدرم علیه السلام مرا گفت که هر که آگاه به حق حسین علیه السلام به زیارت وی رود، خداوند نام او را در علیین مینویسد. سپس فرمود: هفتاد هزار فرشته آشفته موی و غبارین روی بر گرد مزار حسین علیه السلام هست که تا روز قیامت بر وی میگریند. (1)

2. امالی شیخ طوسی: محمد بن مسلم گوید: از ابا جعفر و جعفر بن محمد علیه السلام شنیدم که فرمودند: خدای تعالی حسین علیه السلام را در پاسخ شهید شدنش چنین عوض داد که امامت را در سلاله وی قرار داد و شفاء را در تربت وی و برآمدن دعا را در کنار مزار او، و اینکه روزهای زیارت او از هنگام روی آوردن تا پایان بازگشت، از روزهای عمر به حساب نمیآید. محمد بن مسلم گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، این خصال به واسطه حسین علیه السلام به فرد میرسد، خود آن حضرت چه پاداش میگیرد؟ فرمود: خداوند تبارک او را به رسول صلی الله علیه و آله ملحق نماید و او در درجه و جایگاه همپایه وی باشد. سپس امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت نمود: «الَّذِینَ آمَنُوا وَ اتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّیَّتُهُمْ بِإِیمانٍ

1- . عیون الأخبار 2 : 44

أَلْحَقْنا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ»،(1) {پس کسانی که گرویده و فرزندانشان در ایمان از ایشان پیروی کردند، فرزندانشان را به ایشان ملحق میگردانیم. }

3. ثواب الاعمال: رضا علیه السلام: هر که حسین علیه السلام را در کنار شط فرات زیارت کند، چون کسی است که خدا را بر روی عرش زیارت کرده باشد. (2)

توضیح: یعنی اینکه خدا را در آن جایگاه پرستش کند یا اینکه پیامبران و جانشینانشان را در آنجا زیارت کند که زیارت ایشان همچون زیارت خداست؛ یا اینکه درجه ای عالی از قرب الهی مییابد، همچون کسی که بر بالای تخت فرمانروا رفته و با او دیدار کند.

4. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

5. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: هر که آگاه به حق حسین علیه السلام به زیارت وی رود، خداوند نام او را در اعلی علیین مینویسد. (4)

6. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

7. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

8. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (7)

9. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: هر که آگاه به حق حسین علیه السلام به زیارت وی رود، خداوند نام او را در علیین مینویسد. (8)

10. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (9)

11. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (10)

1- . طور / 21
2- . ثواب الاعمال: : 77
3- . كامل الزيارات : 147
4- . ثواب الاعمال: : 77
5- . كامل الزيارات : 147
6- . كامل الزيارات : 148
7- . كامل الزيارات : 148
8- . ثواب الاعمال: : 77
9- . كامل الزيارات : 148
10- . كامل الزيارات : 148

12. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

13. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

14. کامل الزیارات: ام سعید احمسیه گوید: به نزد امام صادق علیه السلام آمدم و بر او وارد گشتم و کنیز آمد و گفت که مرکب را برایت آوردم. امام فرمود: ای ام سعید، این مرکب چیست؟ به کجا میخواهی بروی؟ گفتم به مزار شهیدان میروم. پس فرمود: آن روز را به تأخیر بینداز، عجیب مردمانی هستید شما مردمان عراق که از سفری دور و طولانی به زیارت شهیدان میآیید و سرور شهیدان را رها کرده و به زیارتش نمیروید! گفتم سرور شهیدان کیست؟ فرمود: حسین بن علی علیه السلام. گوید گفتم، من زن هستم. فرمود: مشکلی نیست که چون تویی (یعنی زنان) به زیارت وی رفته و زیارتش کنند. گفتم با زیارت او چه پاداشی میبابیم؟ فرمود: برابر با یک حج و عمره و دو ماه اعتکاف و روزه در مسجد الحرام و کار خوب در دو ماه؛ و چنین گوید که سه بار دستانش را کاملا باز کرد و به یکدیگر ملحق کرد. (3)

15. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است تا این سخن که میفرماید: و روزه آن دو ماه. (4)

16. کامل الزیارات: ام سعید احمسیه گوید: به مدینه وارد شدم و استری یا ماده استری کرایه کردم تا به مزار شهیدان بروم. گوید با خود گفتم، کسی شایسته تر از جعفر بن محمد علیه السلام نیست که با وی شروع کنم. گوید پس به نزد او رفتم و مدتی نزد وی درنگ کردم و صاحب استر فریاد برآورد که خدا خیرت دهد، ما را اینجا کاشته ای!

امام صادق علیه السلام فرمود: گویی کسی شما را فرا میخواند ای ام سعید. گفتم: آری فدایت گردم، استری کرایه کردهام تا به زیارت شهیدان روم. پس با خود

1- . کامل الزیارات : 148

2- . كامل الزيارات : 149
3- . كامل الزيارات : 110
4- . ثواب الاعمال: : 88

گفتم، هیچ کس برای زیارت و دیدار از جعفر بن محمد سزاوارتر نیست. فرمود: ای ام سعید، چه چیزی شما را باز میدارد از آنکه مزار سرور شهیدان را زیارت کنید؟ گوید، مشتاق گشتم که مرا به مقبره علی علیه السلام راهنمایی کند. گفتم: پدر و مادرم فدایت شوند، سرور شهیدان کیست؟ فرمود: حسین بن فاطمه علیه السلام. ای ام سعید، هر که با بینش و اشتیاق به او به زیارتش رود، برای او یک حج بی خدشه و یک عمره پذیرفته نوشته می شود و فضلی چنین و چنان خواهد برد. (1)

17. کامل الزیارات: حسین بن ثویر بن ابی فاخته گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای حسین، هر که به قصد زیارت حسین بن علی علیه السلام از خانه خارج شود، اگر پیاده باشد به هر گامی برایش یک کار نیکو نوشته می شود و یک کار بد از او محو میشود، و چون در حرم گام زند، خداوند او را از رستگاران و نجات یافتگان نویسد، و چون آیین زیارت را به جای آورد خداوند او را از پیروزمندان نویسد، و چون قصد بازگشت کند فرشته ای نزد او آید و گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو سلام میرساند و میفرماید که کار از سر بگیر که همه گذشتهات آمرزیده گشت. (2)

18. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هیچ کسی در روز قیامت نیست که با دیدن آن کرامتی که برای ایشان نزد خداوند در نظر گرفته می شود، آرزو نکند که ای کاش از زائران حسین بن علی علیه السلام میبود. (3)

19. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که دوست دارد که در روز قیامت بر سر سفره های نور بنشیند، از زائران حسین بن علی علیه السلام باشد. (4)

20. کامل الزیارات: ابا الحسن الرضا علیه السلام: هرکه حسین بن علی علیه السلام را آگاه به حق وی زیارت کند، از بندگانی خواهد بود که خداوند بروی عرش با ایشان سخن گوید. سپس این آیه را قرائت نمود: «إِنَّ الْمُتَّقِینَ فِی جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ فِی

1- . کامل الزیارات : 110

2- . كامل الزيارات : 132
3- . كامل الزيارات : 135
4- . كامل الزيارات : 135

مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ»،(1) {در حقیقت مردم پرهیزکار، در میان باغها و نهرها ، در قرارگاه صدق، نزد پادشاهی توانایند.} (2)

21. کامل الزیارات: عبدالله بن حماد بصری گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود که نزد شما یا در نزدیکی شما فضیلتی است که به هیچ کس نظیر آن عطا نشده است و گمان نمیکنم که شما ژرفای حقیقت آن را درک نمایید و بر آن مداومت نمیکنید و به آن نمیپردازید. آن را اهلی ویژه آن است که برای این فضیلت معین شدهاند و آن فضیلت نه به خاطر توانایی و دسترسی ایشان، بلکه به واسطه کرده خداوند در حق ایشان و سعادت و رحمت و رأفت و پیشکشی که به ایشان بخشیده، به آنها عطا گردیده است. گفتم: فدایت گردم ! این چیست که وصف آن را بیان داشتی و نام آن را نگفتی؟ فرمود: زیارت جدم حسین علیه السلام، چرا که او غریبی است در سرزمین غربت که زائرانش بر وی میگریند و کسانی که به زیارت او نرفته اند نیز بر او اندوه میخورند و کسانی که او را ندیده اند، در داغ او میگدازند و هر که به مقبره فرزندش در پایین پای او در آن زمین خشک بی آب بنگرد، حال آنکه هیچ دوست و آشنایی نزدیک او نیست، بر او رحمت میفرستد. آنگاه حقش از وی باز داشته شد و اهل ردّه (برگشتگان از اسلام) علیه او همدست شدند تا آنکه وی را به قتل رساندند و وجودش را تباه کردند و پیش دندان درندگان رها کردند و او را از نوشیدن آب فرات که سگها هم از آن محروم نیستند، باز داشتند و حق رسول الله صلی الله علیه و آله و سفارش وی در حق او و اهل بیتش را نادیده گرفتند و او شبانگاه، ستمدیده در گودال قتلگاهش ماند و در میان نزدیکان و یارانش در میان لایه های خاک افکنده گشت و آن حال نزدیکی اش (به رسول خدا و) در تنهایی و دوری از جدش، به بی کسی بدل گشت. در آن منزلگهی که تنها کسی به آن پای مینهد که خداوند دلش را برای ایمان آزموده و حق ما را به وی شناسانده است.

1- . قمر / 55
2- . کامل الزیارات : 141

پس به او گفتم: فدایت گردم! به زیارت وی میرفتم تا آنکه به (ستم) حاکم و نیز حفظ اموال مردمان که در میان ایشان (به امانتداری) معروف بودم گرفتار آمدم و زیارت او را به منظور تقیّه ترک گفتم، حال آنکه میدانم زیارت او چه ثواب و برکتی دارد. پس فرمود: آیا میدانی فضل زائر او و برکت بسیاری که از ما کسب میکند، چیست؟ گفتم: خیر. فرمود: اما فضل و ارزش او این است که فرشتگان آسمان به وی مباهات میکنند و آنچه از ما به او میرسد، رحمت فرستادن هر شب و روز است. و پدرم چنین فرمود که از وقتی که شهید گشت، مزار او از فرشته یا جنی یا آدمی یا حتی حیواناتی که بر وی درود فرستند، خالی نبوده و هیچ موجودی نیست مگر اینکه به زائر او غبطه میخورد و با دست و رو کشیدن به مزارش به وی تبرک جسته و در نگاه به مقبره او، امید خیر و برکت میبرد. آنگاه فرمود: شنیده ام که در نیمه شعبان مردمانی از اطراف کوفه و مردمانی غیر از ایشان به زیارت وی آمده و زنانی با ندبه گویی بر او شیون میکنند و از مردمان، یکی قرائت میکند و کسی حکایت وی میگوید و کسی ندبه گویی میکند و دیگری مرثیه خوانی میکند. گفتم: فدایت گردم! برخی از آنچه میگویی را دیده ام. پس فرمود: سپاس خدایی راست که مردمانی را آفرید که به سوی ما روانه گشته و ما را میستایند و برای ما مرثیه میگویند؛ و دشمن ما را چنان کرد که نزدیکان ما یا دیگران بر ایشان ننگ و نکوهش میکنند و به انتقامجویی کشته هایشان برنخاسته و کردار ایشان را زشت می شمرند. (1)

توضیح: ضمیر موجود در «من یطعن علیهم» به موصول در این گفته آن حضرت بازمیگردد: الحمد لله الذی... مایصنعون. «من یعد الینا». و گفته حضرت: «یحدرونهم» بر وزن یضرب و یکرم، یعنی «یبطلون دمهم»، خون آنان را باطل میدانند و در بعضی نسخه ها «یحذون بهم» با ذال آمده است؛ یعنی آنان را مسخره میکنند و با گفتار زشت آزار میدهند.

22. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: کمترین چیزی که زائر حسین علیه السلام بدان دست مییابد آن است که در هر کردار پسندیده اش هزار هزار

1- . کامل الزیارات : 324

کرده پسندیده و برای هر کار ناپسندش یک ناپسند درج می شود، و یک کجا و هزار هزار کجا! سپس فرمود: ای صفوان، مژده بده که خدای را فرشتگانی است با شاخههایی از نور که چون فرشتگان ناظر بر انسان بخواهند گناهی را بر زائر حسین بنویسند، آن فرشتگان به این ناظران گویند که بس کنید و آنها صرفنظر میکنند و چون کردار نیکی انجام دهد، به ایشان بگویند بنویسید که اینان هستند که «يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ»(1) {پس خداوند بدیهایشان را به نیکیها بدل میکند}.(2)

23. ثواب الاعمال: حنان بن سدیر گوید که اباعبدالله علیه السلام به من فرمود: او را - یعنی حسین علیه السلام را - زیارت کنید و به او جفا نکنید که او سرور شهیدان و سرور جوانان اهل بهشت است.(3)

24. در نوادر علی بن اسباط از بسیاری از اصحاب وی روایت شده که چون خبر شهادت ابا عبد الله حسین علیه السلام به اهالی شهرهای مختلف رسید، هر زن نازاده ای(4) به مزار وی آمد. و عرب از قدیم به زنان چنین میگفت که هرگز نمیزایی مگر آنکه بر سر مزار مردی بزرگوار حاضر شده باشی.

25. به همین سند از زراره از یکی از دو امام علیه السلام: ای زراره! هیچ زن مومنی در زمین نیست مگر آنکه بر او واجب است که فاطمه سلام الله علیها را با زیارت حسین علیه السلام خشنود سازد. آنگاه فرمود: ای زراره، چون روز رستاخیز فرا رسد، حسین علیه السلام در سایه عرش نشیند و خداوند زائران وی و پیروانش را گرد آورد تا شاهد کرامت و فیروزی و شادمانی و سرور از امری که تنها خدا وصف آن را داند، باشند و فرستادگان همسران ایشان از حوریان بهشتی به نزد ایشان آمده و میگویند: ما فرستاده همسران شماییم که میگویند، ما به راستی بس مشتاق شماییم و بس دیر کرده اید؛ و آن سرور و شادمانی که در آن به سر میبرند ایشان را

1- . فرقان / 70
2- . کامل الزیارات : 330
3- . ثواب الاعمال: : 87

4- . نزور: زنی است که هرگز نزاید مگر آنکه از کنار یا روی مقبره مردی بزرگوار بگذرد و چون مردمان با خبر شدند که حسین پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله نقش زمین گشته، صد هزار زن نزائیده، به سوی وی روانه گشته و همگی بچه دار شدند.

بر آن میدارد که به این فرستادگان بگویند: اگر خدا بخواهد، در آینده ای نه چندان نزدیک، به نزد شما میآییم. (1)

26. کامل الزیارات: ذریح محاربی گوید: خدمت امام صادق علیه السلام از رنجی که از فرزندان و اهل قبیله ام میکشم گلایه کردم که چون ایشان را از برکات زیارت مزار حسین علیه السلام خبر میدهم، مرا تکذیب کرده و میگویند که به جعفر بن محمد دروغ میبندی. امام فرمود: ای ذریح، بگذار مردمان به هر سو خواهند بروند! به خدا که خداوند به زائر حسین بن علی افتخار میکند و آنکه به محضر حسین رسیده، فرشتگان مقرب و حاملان عرش به محضرش میرسند، به نحوی که خداوند به ایشان میگوید: آیا زائران مزار حسین را نمیبینید که از سر اشتیاق به او و به فاطمه دختر رسول خدا محمد صلی الله علیه و آله به زیارت وی آمده اند؟ هان! به عزت و جلال و عظمتم که تکریم خود در حق ایشان را برایشان واجب میکنم و آنان را به بهشتی که برای اولیاء و انبیاء و رسولان و فرشتگانم آماده کرده ام، فرا میخوانم. اینان زائران مزار حسین، حبیب محمد فرستاده من هستند و محمد حبیب من است و هر که مرا دوست داشته باشد، حبیب مرا دوست دارد و هر که حبیب مرا دوست داشته باشد، آنکه او دوست دارد را نیز دوست دارد و هر که بغض و کینه حبیب مرا در دل گیرد و با من دشمنی پیشه کند، بر من است که او را به شدیدترین عذابم مجازات کنم و او را به حرارت آتش دوزخم بسوزانم و جهنم را منزلگاه و جایگاه همیشگی او قرار دهم و او را عذابی شدید کنم که هیچ یک از جهانیان را بسان آن عذاب ننمایم. (2)

27. کامل الزیارات: ابا عبدالله و ابا جعفر علیه السلام: هر که میخواهد منزلگاه و پناهگاهش بهشت باشد، زیارت مظلوم را ترک مگوید... تا پایان روایت. (3)

1- . نوادر علیّ بن اسباط : 123 در ضمن اصول السته عشر و بین پرانتز در حدیث اول از متن بحار حذف شده که آن را از منبع بدان افزودیم.
2- . کامل الزیارات : 143
3- . کامل الزیارات : 144 و حدیث مورد اشاره حدیث 55 از باب سابق است

28. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که خداوند خیر او را بخواهد، محبت حسین علیه السلام و عشق به زیارت او را در دلش اندازد؛ و هر که خداوند بدش را بخواهد، کینه به حسین و بیزاری از زیارت او را به دلش افکند. (1)

29. کامل الزیارات: زید شحام گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، ثواب کسی که حسین علیه السلام را زیارت کند چیست؟ فرمود: همچون کسی است که خدا را در عرشش زیارت کند. گفتم: ثواب کسی که یکی از امامان را زیارت کند چیست؟ فرمود: همچون ثواب کسی است که رسول الله صلی الله علیه و آله را زیارت کرده باشد. (2)

30. کامل الزیارات: رضا علیه السلام: کسی که مقبره پدرم در بغداد را زیارت کند، چون کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المومنین علیه السلام را زیارت کرده باشد جز اینکه رسول خدا و امیر المؤمنین فضل و ارزش خود را دارند. آنگاه مرا گفت، هر که مقبره پدرم ابا عبد الله الحسین علیه السلام در کنار شط فرات را زیارت کند، همچون کسی است که خدا را بر عرش خداییاش زیارت کرده باشد. (3)

31. کامل الزیارات: بشیر دهان گوید: هر سال به حج میرفتم و یک سال از حج رفتن بازماندم و چون سال بعد به حج رفتم و خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، به من فرمود: ای بشیر، سال گذشته چه چیز تو را از حج باز داشت. گوید عرض کردم، فدایت گردم، اموالی از من در دست مردمان مانده بود که ترسیدم از دست برود ولی روز عرفه نزد مزار امام حسین علیه السلام رسیدم. گوید پس امام فرمود: ای بشیر، هیچ قسمی از آنچه اهل میقات عرفات از آن برخوردار بودند، از دست ندادی. هر که آگاه به حق حسین علیه السلام به زیارت وی رود، چون کسی است که خدا را در عرش او زیارت کرده باشد. (4)

1- . کامل الزیارات : 142
2- . کامل الزیارات : 147
3- . کامل الزیارات : 148
4- . کامل الزیارات : 149

32. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

33. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

34. کامل الزیارات: هر که دوست دارد در روز قیامت به خدا بنگرد و سکرات موت و هول نخستین نگاه به ملک الموت بر وی آسان گردد، زیاد به زیارت حسین علیه السلام برود که زیارت او بسان زیارت مزار رسول الله صلی الله علیه و آله است. (3)

35. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: زائر حسین بن علی علیه السلام بسان زائر رسول الله صلی الله علیه و آله است. (4)

36. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: در روز قیامت به زائر حسین علیه السلام برای صد نفر که همگی از گنه پیشگان در دنیا بوده و آتش دوزخ بر ایشان واجب گشته، اجازه شفاعت داده می شود. (5)

37. کامل الزیارات: عبدالله بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، فدایت گردم! کمترین ثواب زائر حسین علیه السلام چیست؟ فرمود: ای عبدالله، کمترین پاداش وی آن است که خدای تعالی او را و دارایی اش را در پناه خود نگاه میدارد تا آنکه او را به نزد اهلش بازگرداند، و چون قیامت شود خداوند نگاهدار وی خواهد بود. (6)

38. کامل الزیارات: محمد بصری از امام صادق علیه السلام روایت کند که شنیدم، پدرم به یکی از موالی خود که درباره زیارت پرسیده بود، فرمود: زیارت چه کسی و به چه هدفی؟ گفت: زیارت حسین علیه السلام و به هدف خشنودی خدای تبارک و تعالی. پس فرمود: هر که پشت (مقبره) او یک نماز جهت خشنودی خدا بخواند، خداوند را در آن روز که با وی دیدار میکند، در حالی دیدار میکند که

1- . کامل الزیارات : 149
2- . کامل الزیارات : 149

3- . كامل الزيارات : 150
4- . كامل الزيارات : 150
5- . كامل الزيارات : 165
6- . كامل الزيارات : 133

نوری بر اوست که هر چیز را که میبیند، در برابر آن بی نور است و خداوند زائران وی را بزرگ میدارد و آتش را از آسیب رساندن به ایشان باز میدارد و زائر او را مکانی پایین تر از حوض کوثر نصیب نمیگردد، و امیر المومنین بر کنار حوض ایستاده و با وی دست میدهد و از آب حوض به او مینوشاند و هیچ کس در وارد شدن او بر حوض، بر او پیشی نمیگیرد تا او سیراب گشته و به سوی منزلگاهش در بهشت باز گردد، در حالی که فرشته ای از طرف امیر المومنین با او همراه است و صراط را امر میکند که زیر پای او رام و ذلیل باشد و آتش را امر میکند که ذره ای از زبانه هایش به وی آسیب نرساند تا آنکه از آن بگذرد، در حالی که فرستاده ای که امیر المومنین علیه السلام با او فرستاده، همراه اوست.(1)

39. کامل الزیارات: هشام بن سالم در حدیثی طولانی روایت کند که مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: ای پسر رسول خدا، آیا پدر شما را زیارت کنیم؟ فرمود آری و نزد وی نماز خوانده شود، و فرمود که پشت سر او نماز میخوانند و جلوتر از او به نماز نمیایستند. مرد گفت: پاداش کسی که او را زیارت کند چیست؟ فرمود: بهشت، اگر به امامت او باور داشته باشد. گفت: کسی که از سر بی میلی به او ، وی را ترک گوید چه جزا میگیرد؟ فرمود: حسرت در روز حسرت. گفت: پاداش آنکه نزد وی مقیم گردد چیست؟ فرمود: هر روز برابر با هزار ماه. گفت: پاداش آنکه برای سفر به سوی او و در کنار مزار او اموالش را خرج کند چیست؟ فرمود: هر درهم با هزار درهم پاداش مییابد. گفت: پاداش کسی که در سفر به سوی او جان بسپارد چه؟ فرمود: فرشتگان وی را تشییع میکنند و برایش کافور و کفن را از بهشت میآورند و چون کفن گشت بر او نماز میگزارند و بر روی کفنش کفنی میپوشانند و زیر او را با گل و ریحان فرش میکنند و زمین را پس میرانند تا از پیش روی او تا مسیر سه سنگ پرتاب فرو ریزد و از پشت سرش نیز نظیر همین، و از فراز سرش و از زیر پایش نیز بسان همین، و از بهشت دری به آرامگاه وی گشوده می شود و شمیم خوش و برکت بهشت تا هنگام رستاخیز بر او سرازیر میگردد. گفت: آن که نزد وی نماز بخواند چه؟ فرمود: هر که نزد او دو

1- . کامل الزیارات : 122

رکعت نماز بگزارد، چیزی از خدا نخواهد مگر آنکه به وی عطا کند. گفت: پاداش آن که از آب فرات غسل کرده و به زیارت وی آید چیست؟ فرمود اگر به قصد زیارت او، به آب فرات غسل کند، گناهانش بسان همان روز که از مادر زاده شده، از وی ساقط خواهد شد. گوید گفت: پاداش آنکه برای زیارت وی آماده شده و به خاطر مشکلی که دامنگیرش می شود، رهسپار نمیگردد؟ فرمود: خداوند به هر درهمی که خرج کند، به اندازه کوه احد حسنات میدهد و چندین برابر آنچه هزینه کرده، برای وی جایگزین می شود و بلایی که نازل شده تا او را نیز دچار کند، از او باز داشته شده و دفع میگردد و اموالش نیز محفوظ میگردد. گوید گفت: پاداش آنکه نزد وی کشته شود یا حاکمی بر او ستم کرده و او را بکشد چیست؟ فرمود: با ریختن اولین قطره خونش همه گناهانش بخشیده می شود و فرشتگان گل او را که از آن آفریده شده، شستشو میدهند تا همچون پیامبران مخلص، پاک و خالص گردد و آنچه از جنس گل اهل کفر با وجود وی درآمیخته، از وی زدوده می شود و دلش شسته می شود و شرح صدر داده می شود و از ایمان سرشار میگردد و خدای را در حالی دیدار میکند که از هر چه که به دلها و تنها درمیآمیزد، پاک گشته است و برای او شفاعت در حق خانواده اش و هزار تن از دوستانش نوشته می شود. نماز بر او را فرشتگان به همراه جبرئیل و عزرائیل علیه السلام عهده دار می شوند و کفن و کافور او از بهشت آورده شده و مقبره اش بر وی گسترده می شود و برایش درون قبر چراغهایی مینهند و دری از بهشت برای او گشوده می شود و فرشتگان برای او از بهشت تحفه ها میآورند و پس از هجده روز به حریم قدسی بهشت فرا برده می شود و همچنان در آنجا با اولیاء خدا همنشین خواهد بود تا آنکه نفخه اول که هیچ باقی نمیگذارد، وی را دچار نماید. و چون نفخه دوم دمیده شود و او از قبر برخیزد، نخستین کسی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین و جانشینان پیامبران با وی مصافحه میکنند و به او بشارت میدهند و به او میگویند: با ما بمان، و او را بر کنار حوض مینشانند و از آن مینوشد و هر که را خواهد بنوشاند. گفت: پاداش کسی که در راه آمدن به محضر او محبوس گردد چیست؟ فرمود: در برابر هر روزی که زندانی و اندوهگین گردد، شادمانی روز رستاخیز نصیبش میشود. گفت:

اگر پس از حبس در راه زیارت او کتک بخورد چه؟ فرمود: به جای هر ضربه ای که میخورد یک حوری پاداش میگیرد و در برابر هر دردی که به دلش وارد شود هزار هزار کردار نیک برایش نوشته می شود و هزار هزار کردار ناپسند از وی پاک میگردد و جایگاه او هزار هزار درجه فراتر رود و از مخاطبان رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود تا آنکه از محاسبه خلاصی یابد و حاملان عرش با وی مصافحه کنند و به او گفته شود که هر چه خواهی درخواست کن. و شکنجه گر او برای محاسبه آورده می شود و هیچ از وی نپرسند و ثواب هیچ کاری در دنیا به او داده نمیشود و از بالای بازوانش او را گرفته و پیش میرانند تا به فرشته ای میرسد که او را به شدت پیش میراند و به شرابی از حمیم (آب جوشان) و شرابی از غسلین (عرق تن دوزخیان) از او پذیرایی میکند و در جوششگاه هایی در آتش دوزخ افکنده می شود و به او گفته می شود که بچش، طعم آنچه که با دستانت بر سر این مضروب که از راهیان به سوی خدا و رسول خدا بود، آوردی و دستانت برایت پیش فرستاده است! آن شکنجه دیده را به پیش او در دوزخ آورند و گویند: بنگر حال شکنجه گرت و شکنجه هایی که دیده را! آیا داغ دلت آرام گرفت و از او قصاص گرفته شده است؟ و او گوید: سپاس خدایی راست که برای من و برای فرزند رسول خدا از او انتقام کشید. (1)

توضیح: گفته آن حضرت: «فتضوّر» از باب تفعل است که یک تای آن حذف شده یعنی سقوط میکنی و منهدم میشوی. گفته آن حضرت: «فیحیّزه الخیر» یعنی «السوق الشدید». در بعضی نسخهها «فیحبوه» از «حبوه» آمده، یعنی هدیهای که از روی تمسخر است، مثل این که بگوید: به او تحفه میدهد.

40. کامل الزیارات: صفوان جمال در روایتی طولانی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: چه اجری برای کسی است که نزد وی کشته شود و .. روایت را بسان روایت پیشین تا این مقطع پیش میبرد که: و هر که را خواهد مینوشاند. (2)

1- . کامل الزیارات 123
2- . کامل الزیارات : 165

باب یازدهم : فضیلت نماز نزد امام حسین علیه السلام و شیوه آن

روایات:

1. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: در کنار مقبره حسین علیه السلام نماز بگزار. (1)

2. کامل الزیارات: ابی یسع روایت کند که مردی از امام صادق علیه السلام پرسید و من می شنیدم که: آیا چون به مزار حسین علیه السلام آمدم و خواستم نماز بگزارم، او را قبله ام قرار دهم؟ فرمود: اینگونه (از مقابل مقبره)، به کناری دور شو. (2)

3. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون از سلام دادن بر شهیدان فارغ گشتی به نزد مقبره ابا عبدالله حسین علیه السلام بیا و آنگاه در برابر او بایست و هر قدر خواستی نماز بخوان. (3)

4. کامل الزیارات: عبید الله حلبی گوید: به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم، ما به زیارت حسین علیه السلام میرویم، چگونه بر وی صلوات فرستیم؟ فرمود: پشت سر او در کنار شانه هایش (بالای سر) میایستی سپس بر نبی صلی الله علیه و آله سلام و صلوات میفرستی و بعد بر حسین علیه السلام دعای خیر و صلوات میفرستی. (4)

5. کامل الزیارات: ابی یسع گوید: مردی از ابا عبدالله درباره غسل به هنگام مشرف شدن به مزار حسین علیه السلام پرسید و من می شنیدم. گوید مرد گفت: چون نماز میخوانم او را پیش روی قبله ام قرار میدهم. فرمود: اینگونه به سمت

1- . کامل الزیارات : 245 با اندک تفاوتی در آغاز
2- . کامل الزیارات : 245 با اندک تفاوتی در آغاز
3- . کامل الزیارات : 245 با اندک تفاوتی در آغاز
4- . کامل الزیارات : 245 با اندک تفاوتی در آغاز

گوشه ای از مقبره دور شو. گفت آیا از گل مقبره او بردارم تا برای تبرک با خود نگاه دارم؟ فرمود: آری، یا فرمود ایرادی ندارد. (1)

توضیح: شاید دستور به دور شدن، حمل بر تقیه کردن باشد و احتمال دارد که مراد، منع از سجده بر قبر امام باشد بلکه صحیح آن است که اندکی از مقبره دور گشته و پشت آن نماز بخواند و درباره این موضوع در باب احکام زیارتگاه ها سخن رفت.

6. کامل الزیارات: علی بن ابی حمزه گوید: از عبد صالح(امام موسی کاظم) علیه السلام درباره زیارت مزار حسین علیه السلام پرسیدم، فرمود: دوست ندارم که آن را ترک گویی. گفتم: درباره نماز نزد مقبره او در حالی که نمازم شکسته است چه میفرمایید؟ فرمود: در مسجد الحرام هر چه خواهی نماز مستحب بخوان و در مسجد الرسول هر چه خواهی نماز مستحب و نزد مقبره حسین علیه السلام نیز همچنین، چرا که این کار را دوست دارم. گوید و درباره نماز مستحب به هنگام روز در کنار مقبره وی پرسیدم و فرمود: آری. (2)

مؤلف: مانند این حدیث را با سندها در کتاب الصلاه در باب مواضع تخییر آوردیم.

7. کامل الزیارات: ابن ابی عمیر به نقل از مردی روایت میکند که ابا جعفر علیه السلام به شخصی فرمود: ای فلانی! چه چیز تو را باز میدارد از آنکه چون حاجت مند میگردی به مزار حسین علیه السلام بروی و نزد او چهار رکعت نماز بخوانی و آنگاه حاجت خود را بخواهی؟ چرا که نماز واجب نزد او برابر یک حج است و نماز نافله برابر یک عمره. (3)

8. کامل الزیارات: جابر جعفی در روایتی بلند درباره زیارت مزار حسین علیه السلام گوید: امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود: آنگاه به نمازت میپردازی و به هر رکعتی که نزد وی به جای آوری، همچون ثواب کسی که هزار

1- . کامل الزیارات : 246
2- . کامل الزیارات : 246

3- . كامل الزيارات : 251

حج و هزار عمره به جای آورده و هزار اسیر آزاد کرده را خواهی برد و گویی که همراه با پیامبری فروفرستاده، هزار بار در راه خدا جنگیده باشی. تا پایان روایت. (1)

9. کامل الزیارات: شعیب عقرقوفی گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم، اجر و ثواب آنکه به زیارت حسین علیه السلام آید چیست؟ فرمود: ای شعیب، احدی نزد وی نماز نگزارد مگر اینکه خداوند آن را از وی بپذیرد و کسی نزد او دعایی نکند مگر آنکه دیر یا زود برایش برآورده شود. گفتم فدایت گردم! بیشتر برایم بگو. فرمود: ای شعیب، کمترین چیزی که به زائر حسین علیه السلام گفته میشود این است که ای بنده خدا، خداوند تو را آمرزید، پس از امروز اعمالت را از نو آغاز کن. (2)

10. کامل الزیارات: محمد بصری گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت، ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، آیا پدر شما زیارت می شود؟ گوید پس فرمود: آری و نزد وی نماز گزارده می شود و فرمود که پشت سر او نماز میگزارند و از او جلوتر نمیایستند. گفتم: پاداش کسی که نزد او نماز گزارد چیست؟ فرمود: هر که نزد او دو رکعت نماز گزارد، چیزی از خدا نخواهد مگر آنکه به وی بخشیده شود .. و ادامه روایت. (3)

11. در المزار الکبیر به اسنادی از علی حرانی روایت است که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ثواب زائر حسین صلوات الله علیه چیست؟ فرمود: هر که نزد وی آمده و زیارتش کند و نزد او دو یا چهار رکعت نماز بخواند، برای او یک حج و عمره نوشته می شود. (4)

12. المزار الکبیر: امام صادق علیه السلام: نماز را در چهار جایگاه کامل میخوانی: در مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد کوفه و حرم حسین علیه السلام. (5)

1- . کامل الزیارات : 251
2- . کامل الزیارات : 252
3- . کامل الزیارات : 123
4- . المزار الکبیر : 115 و ابن قولویه در الکامل : 251 با اضافه ای در آخر روایت آن را به سند صحیح درج کرده است

5- . المزار الكبير : 115 و ابن قولويه در الكامل : 249 به سند صحيح آن را نقل كرده است

13. و به اسناد از زیاد قندی روایت کند که ابو الحسن علیه السلام فرمود: آنچه برای خود میپسندم برای تو نیز میپسندم و آنچه برای خود ناپسند می شمارم، برای تو نیز ناپسند میدانم. نماز را در حرمین و در مسجد کوفه و در مزار حسین علیه السلام کامل بخوان. (1)

14. و به اسناد از ابی شبل روایت کند که به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا مقبره حسین علیه السلام را زیارت کنم؟ فرمود: زیارت کن آن پاک سرشت را و نماز را در نزد او کامل بخوان. گفتم: نماز را کامل بخوانم؟ فرمود کامل بخوان. گفتم: برخی از یاران ما به شکسته بودن نماز معتقدند. فرمود: تنها ناتوانان چنین میکنند. (2)

1- . المزار الکبیر : 116 و ابن قولویه در الکامل : 250 به سند صحیح آن را نقل کرده است
2- . المزار الکبیر : 116 و ابن قولویه در الکامل : 248 سند آن را به صحت ذکر کرده است

باب دوازدهم : فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه یا دو عید فطر و قربان

روایات:

1. ثواب الاعمال و امالی صدوق: بشیر دهان گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، چه بسا که از حج باز میمانم و به محضر حسین علیه السلام در آرامگاهش مشرف میگردم. فرمود: آفرین بر تو ای بشیر. هر مومنی که آگاه به حق حسین باشد و در غیر روز عید به زیارت حسین علیه السلام بیاید، برای او بیست حج و بیست عمره پذیرفته و بی نقص و بیست غزوه به همراه پیامبر مرسل یا پیشوای دادگر نوشته می شود. گوید به حضرت عرض کردم: چگونه ثوابی نظیر توقف در عرفات را درک کنم؟ گوید پس بسان غضب کرده ای به من نگریست و فرمود: ای بشیر، مؤمن چون در روز عرفه به مزار حسین علیه السلام آید و به آب فرات غسل کند و به سوی او روانه گردد، خداوند عز و جل با هر گامش برای او یک حج با تمام مناسک آن مینویسد. و هنوز این را درنیافته و نمیدانم، مگر این را که فرمود: و غزوه ای. (1)

2. امالی شیخ طوسی: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

3. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

4. ثواب الاعمال و معانی الاخبار: علی بن اسباط از امام صادق علیه السلام روایت کرد: خدای تعالی حساب را با نگاه به زائران مزار حسین بن علی در شب

1- . ثواب الاعمال: : 81 و أمالی الصدوق : 143
2- . أمالی الطوسیّ 1 : 204
3- . کامل الزیارات : 169

عرفه آغاز میکند. گوید گفتم: حتی پیش از نگاه به اهل وقوف در عرفات؟ فرمود: آری. گفتم: چطور ممکن است؟ چرا که در میان ایشان زنازاده هست و در میان اینان زنازاده نیست. (1)

5. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

6. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

7. تهذیب الاحکام: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

8. ثواب الاعمال: داود رقی روایت کند که از صادق و کاظم و رضا صلوات الله علیهم شنیدم که فرمودند: هر که در روز عرفه به زیارت حسین علیه السلام آید، خداوند او را با دل آرام گرفته باز میگرداند.

9. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

توضیح: گفته آن حضرت علیه السلام: «ثلج الفؤاد» یعنی دارای دلی مطمئن و ایمانی استوار در عقائد ایمانی، یا شادمان از مغفرت و رحمت که غم و غصه از او دور گشته. در النهایه گفته است: «ثلجت نفسی بالامر» یعنی به آن آرام گرفتم و ثابت شدم و اعتماد پیدا کردم.

10. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: همانا خدای تبارک و تعالی پیش از اهل عرفات بر زائران حسین صلوات الله علیه نظر کرده و درخواستهای ایشان را برآورده و گناهانشان را بخشیده و در خواستهایشان در شفاعت ایشان را میپذیرد آنگاه در مرحله دوم به سراغ اهل عرفات رفته و با ایشان نیز چنین میکند. (6)

11. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (7)

12. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (8)

1- . ثواب الاعمال: : 81 و معانى الأخبار : 391
2- . كامل الزيارات : 170
3- . مصباح المتهجد : 497 و مصباح الكفعمىّ : 501
4- . التهذيب 6 : 50
5- . كامل الزيارات : 170
6- . ثواب الاعمال: : 82
7- . كامل الزيارات : 170
8- . مصباح الطوسى : 497 و مصباح الكفعمىّ : 501

13. کامل الزیارات: بشیر دهان گوید: امام صادق علیه السلام در حالی که در حیره اقامت کرده بود و گروهی از شیعیان در محضر او بودند، به من روی کرد و فرمود: ای بشیر، امسال به حج رفتی؟ عرض کردم: خیر فدایت گردم! ولی به مزار حسین علیه السلام رفتم و سلام دادم. فرمود: ای بشیر، به خدا که چیزی از آنچه سالکان راه مکه داشته اند، از دست نداده ای. گفتم: فدایت گردم، عرفات در آنجاست، معنی این سخن چیست؟ فرمود: ای بشیر، مردمانی از شما بر ساحل فرات غسل میکنند و آگاه به حق حسین علیه السلام به مزار وی میروند و خداوند به هر گامی که بردارد و بگذارد، صد حج مقبول و صد عمره بی خدشه و صد غزوه همراه پیامبر مرسل با بدترین دشمنان او، به وی عطا میکند. ای بشیر، این سخن بشنو و به هر که دلش پذیرای آن است برسان که هر کس حسین علیه السلام را در روز عرفه زیارت کند، چون کسی است که خدای تبار ک و تعالی را در عرش زیارت کند. (1)

14. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که روز عرفه در عرفات را از دست دهد و در کنار مزار حسین آن را درک نماید، آن را از دست نداده است و به راستی که خداوند تبارک و تعالی نخست و پیش از اهل عرفات، با اهل مزار حسین علیه السلام آغاز میکند و خود با ایشان سخن میگوید. (2)

15. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون روز عرفه باشد، خدای تعالی بر زائران حسین علیه السلام نگاهی میاندازد و میگوید عمل از نو آغاز کنید که شما را آمرزیدم، و آنگاه نگاه رحمتش را به اهل عرفات معطوف میکند. (3)

توضیح: گفته آن حضرت: «ثم یجعل اقامته علی اهل عرفات» یعنی سپس به آنها نگاه کرده و به اصلاح امور آنان و از بین بردن کژی آنان اقدام میکند.

16. کامل الزیارات: محمد بن حسن عرزمی گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام میفرمود: چون روز عرفه باشد، خداوند به زائران حسین بن علی علیه السلام

1- . كامل الزيارات : 171
2- . كامل الزيارات : 170
3- . كامل الزيارات : 171

نگاه میکند و به ایشان میفرماید: بازگردید که همه گناهان گذشته تان را بخشیدم. و هفتاد روز پس از بازگشتشان، گناه هیچ یک از ایشان نوشته نمیشود. (1)

17. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

18. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که مزار حسین علیه السلام را در روز عرفه زیارت کند، خدای تعالی هزار هزار حج به همراه حضرت قائم و هزار هزار عمره به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و آزادی هزار هزار بنده و بار هزار هزار اسب در راه خدا برای او بنویسد، و خداوند نام او را چنین برد که بنده راستگوی من به وعده من ایمان آورد و فرشتگان گویند که فلانی راستین است و خداوند از فراز عرش وی را پاک و وارسته کرده و در زمین، کرّوبی (سرآمد فرشتگان) نامیده شود.

19. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

توضیح: فیروز آبادی گفته: «کروبیون» یعنی بزرگان ملائکه.

20. کامل الزیارات: جعفر بن محمد علیه السلام: هر که مقبره حسین را آگاه به حق او در روز عرفه زیارت کند، خداوند برای او ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار غزوه با پیامبر مرسل بنویسد، و هر که در روز اول رجب به زیارت وی رود، خداوند بی شک وی را خواهد آمرزید. (4)

21. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که تهیدست باشد و امکان حج واجب برای او فراهم نگردد، به مزار ابا عبد الله حسین علیه السلام بیاید و با سلام به او به محضرش رسد که این امر به جای حج واجب، او را بسنده است. هان! نمیگویم که این کار میتواند جایگزین حج واجب شود، مگر برای تهیدست، ولی دارا چون حج واجب را به جای آورده باشد و بخواهد حج یا عمره مستحب به جای آورد و مشغله های دنیایی یا مشکلی او را از این کار باز دارد و در روز عرفه به

1- . کامل الزیارات : 171
2- . مصباح الطوسیّ : 498 مصباح الکفعمی : 501

3- . مصباح الطوسیّ : 497 مصباح الکفعمی: 501
4- . کامل الزیارات : 172

زیارت حسین علیه السلام بیاید، این زیارت برایش ثواب همان حج و عمره را دارد و خداوند ثواب آن را چندین و چند برابر افزون گرداند. گوید گفتم که برابر چند حج و عمره خواهد بود؟ فرمود: در شمار نیاید. گفتم: صد؟ فرمود: چه کسی آن را در شمار تواند کرد؟ گفتم: هزار؟ فرمود: و بیشتر و افزود :«وَ إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لا تُحْصُوها»،(1) {و اگر نعمتهای خداوند را در شماره کنید، نخواهید توانست آن را به شماره درآورید.} (2) براستی که خداوند بی کرانه و بخشنده است.

22. تهذیب الاحکام: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

23. کامل الزیارات: عبدالرحمن بن حجاج گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که مزار حسین علیه السلام را در یکی از سه شب زیارت کند، خداوند تمام گناهان گذشته و آینده او را میبخشد. گوید عرض کردم: کدام سه شب؟ فرمود: شب عید فطر، شب عید قربان و شب نیمه شعبان. (4)

24. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که در یک سال، حسین بن علی علیه السلام را در شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه زیارت کند، خداوند برای او هزار حج پذیرفته و هزار عمره بی خدشه نویسد و هزار حاجت دنیوی و اخروی او برآورده شود. (5)

25. کامل الزیارات: باقر علیه السلام: هر که شب عرفه را در سرزمین کربلا باشد و تا عید همان جا بماند و آنگاه بازگردد، خداوند او را از شر و آفت تمام آن سال در امان دارد. (6)

26. اقبال الاعمال: ابان گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که حسین علیه السلام را در یکی از سه شب زیارت کند، تمام گناهان گذشته و آینده اش بخشیده می شود، گفتم: کدام شبها؟ و حضرت به شب عید قربان اشاره کرد.

1- . نحل / 18
2- . کامل الزیارات : 173
3- . التهذیب 6 : 50

4- . كامل الزيارات : 180
5- . كامل الزيارات : 180
6- . كامل الزيارات : 269

27. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (1)

28. المصباحین: بشیر دهان روایت کند که امام صادق علیه السلام فرمود: هر که در روز عرفه به زیارت حسین آید و در آب فرات غسل نماید و سپس به سوی او رهسپار شود، خداوند به هر گامش، برای او یک حج با تمام مناسک مینویسد. - گوید و تردید دارم که - فرمود: و یک عمره.

29. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است، با این تفاوت که و نمیدانم مگر این که فرمود: و یک غزوه. (2)

30. المصباحین: امام صادق علیه السلام: هر که در روز عرفه به زیارت حسین علیه السلام آید، خدای تعالی او را در روز قیامت با دلی بی اندوه برانگیزد. (3)

31. مصباح طوسی: امام صادق علیه السلام: هر که در روز عرفه آگاه از حق حسین علیه السلام به زیارت وی رود، خداوند برای او هزار حج مقبول و هزار عمره پذیرفته بنویسد. (4)

32. المصباحین: رفاعه نحاس گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و امام فرمود: ای رفاعه، آیا امسال به حج نرفتهای؟ گفتم: فدایت گردم، امسال مالی نداشتم که با آن به حج روم ولی در روز عرفه به مزار حسین رفتهام. فرمود: ای رفاعه، از آنچه اهل منی به آن دست یافته اند، چیزی کم نداشته ای، و اگر نگران آن نبودم که مردم حج را رها کنند، حدیثی را برایت بیان میکردم که هرگز زیارت مزار حسین علیه السلام را ترک نمیگفتی. آنگاه با دست آرام بر زمین زد و مدتی سکوت اختیار کرد. سپس فرمود: پدرم چنین فرمود که هر کس آگاه به حق حسین و بدون انکار آن، روانه مزار حسین علیه السلام گردد، هزار فرشته از راست و هزار فرشته از سمت چپش وی را همراهی کرده و هزار حج و هزار عمره با پیامبری یا جانشین پیامبری برایش نوشته می شود. (5)

1- . مصباح الطوسی : 498 و مصباح الکفعمی : 499
2- . التهذیب 6 : 50
3- . مصباح الطوسی: 497 و مصباح الکفعمی: 501

4- . مصباح الطوسی: 497
5- . مصباح الطوسی: 498 و مصباح الکفعمی: 501

33. المصباحین: امام صادق علیه السلام: هر که عرفه را نزد مزار حسین علیه السلام باشد دست خالی باز نمیگردد بلکه با دستانی پر باز میگردد. (1)

34. مصباح الطوسی: باقر علیه السلام: هر که حسین علیه السلام را زیارت کند - یا فرمود: - هر که در شب عرفه سرزمین کربلا را زیارت کند و شب در آن بماند تا در آن عید کند و پس از آن باز گردد، خداوند او را از شرور آن سال در امان نگاه دارد. (2)

35. حنان بن سدیر گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای حنان، چون روز عرفه باشد، خدای تعالی به زوار حسین بن علی علیه السلام نگاهی میاندازد و به ایشان میفرماید که کار از نو بیاغازید که همه گناهانتان بخشیده شد. (3)

36. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

37. التهذیب: معاویه بن وهب گوید: حضرت امام صادق علیه السلام مرا فرمود: هر که نزد مزار حسین علیه السلام رفته و به محضرش رسد، به حق که عرفه را درک کرده است. (5)

38. مصباح طوسی: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

1- . مصباح الطوسی: 498
2- . مصباح الطوسی: 498
3- . مصباح الطوسی: 489
4- . التهذیب 6 : 51
5- . التهذیب 6 : 51
6- . مصباح الطوسی: 498

باب سیزدهم : فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در ماه رجب و شعبان و رمضان و دیگر ایام مخصوص

روایات:

1. کامل الزیارات: جعفر بن محمد علیه السلام: هر که حسین علیه السلام را در شب نیمه شعبان زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را میبخشد، و هر که در روز عرفه به زیارت او آید خداوند برای او ثواب هزار حج پذیرفته و هزار عمره بی خدشه برای او مینویسد، و هر که در روز عاشورا به زیارت وی آید گویی که خداوند را بر فراز عرشش زیارت کرده باشد. (1)

2. کامل الزیارات: امام سجاد و امام صادق علیهما السلام: هر که دوست داشته باشد که صد و بیست و چهار هزار پیامبر با او مصافحه کنند، در نیمه شعبان به زیارت ابا عبدالله حسین بن علی علیه السلام بیاید، چرا که روح پیامبران علیه السلام از خدا اذن زیارت وی را درخواست میکنند و به ایشان اجازه داده می شود که از جمله ایشان پنج تن اولوالعزم هستند. پرسیدیم: ایشان چه کسانی هستند؟ فرمود: نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین. گفتیم: معنی اولوالعزم چیست؟ فرمود: یعنی اینکه به شرق و غرب زمین و بر جن و انس مبعوث شده اند. (2)

3. اقبال الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

4. التهذیب: نظیر همین روایت تا گفته: و به ایشان اجازه داده میشود، به سندی دیگر روایت شده است. (4)

1- . کامل الزیارات : 182
2- . کامل الزیارات : 179
3- . اقبال الاعمال: 206
4- . التهذیب 6 : 48

5. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون نیمه شعبان فرا رسد منادی از افق اعلی خطاب به زائران حسین علیه السلام ندا میزند که بازگردید که بخشیده شدید و ثواب شما بر الله پروردگارتان و محمد پیامبرتان است. (1)

6. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون نیمه شعبان فرا رسد منادی فریاد بر آورد .. تا پایان روایت. (2)

7. امام صادق علیه السلام: هر که ابا عبد الله حسین علیه السلام را سه سال پیاپی و بدون فاصله در نیمه شعبان زیارت کند، گناهانش بخشیده می شود. (3)

8. امالی شیخ طوسی: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

9. کامل الزیارات: باقر علیه السلام: زائر حسین در نیمه شعبان، گناهانش بخشیده می شود و در آن سال برایش هیچ گناهی نوشته نشود تا اینکه سال بر او بگذرد و اگر در سال آینده نیز به زیارت رود، خداوند گناهانش را میبخشد.

10. کامل الزیارات: عبدالرحمن بن حجاج یا مردی به نام حسین از امام صادق علیه السلام روایت کند: هر که مزار حسین بن علی علیه السلام را در یکی از سه شب زیارت کند، خداوند تمام گناهان گذشته و آینده او را میبخشد. گوید عرض کردم، فدایت شوم! کدام سه شب؟ فرمود: شب عید فطر، شب عید قربان و شب نیمه شعبان. (5)

11. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که در یک سال، حسین بن علی علیه السلام را در شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عرفه زیارت کند، خداوند برای او هزار حج پذیرفته و هزار عمره بی خدشه نویسد و هزار حاجت دنیایی و اخروی او برآورده شود. (6)

1- . کامل الزیارات : 179
2- . کامل الزیارات : 180

3- . كامل الزيارات : 180
4- . أمالى الطوسىّ 1 : 46
5- . كامل الزيارات : 180
6- . كامل الزيارات : 180

12. کامل الزیارات: یونس بن یعقوب گوید: امام صادق علیه السلام مرا فرمود: ای یونس، هر مومنی که در شب نیمه شعبان مزار حسین علیه السلام را زیارت کند، همه گناهان گذشته اش بخشوده میشود و به وی گفته می شود، بار دیگر به عمل روی آورید. گوید گفتم: تمام اینها نصیب کسی میشود که در نیمه شعبان حسین علیه السلام را زیارت کند؟ فرمود: ای یونس، اگر مردم را از پاداشی که زائر حسین علیه السلام میبرد، آگاه میساختم، مردان مرد بر زینها و ارابه ها مینشستند. (1)

13. اقبال الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

توضیح: سید رحمه الله گوید: شاید معنی «لَقامت ذکور الرجال علی الخشب» آن باشد که از فرط عظمت آنچه در فضل زیارت حسین علیه السلام در نیمه شعبان روایت میکنند، مردان بر روی چوبها به دار کشیده میشدند. چرا که فضل عظیم خداوند و نعمتی بزرگ که در قیامت عطا میکند عقلهای ضعیف نمیتوانند آن را باور کنند[و انکار میکنند و روایت کنندگان را متهم به غلو و دروغگویی مینمایند]

مؤلف: بنا بر آنچه سید گفت، اضافه ذکور به رجال، برای مبالغه در توصیف رجولیت و شدت مورد نیاز آن و مبادرت بر امور خیر و سستی نکردن در آن است.

در النهایه(3)

در حدیث طارق غلام عثمان آمده است که چون ابن زبیر نقش زمین گشت، کسی گفت که زنان، مردتر از تو نزادهاند، یعنی (چون تو) کاردان و برنده در کارها. و یا گفته شده که مقصود، مبالغه در اهتمام دادن به امر زیارت است که در هنگام نبود مرکب، بر چوب و تنه درختان سوار می شدند. و نیزگفته شده که ایشان از فرط شنیدن وصف نکاح و دیگر امور شهوت برانگیز، آلتهاشان چون چوب سخت، برمیخیزد. یا آنکه چون فضائل آن را زیاد میشنوند به آن روی میآورند و بعد از انجام دادن آن زیارت، به انجام گناه جری میشوند و آلت آنان برای هر

1- . كامل الزيارات 181
2- . اقبال الاعمال: 207
3- . النهايه 2 : 49

چوبی برمیخیزد، چون جرأت دارند و لاابالی هستند. وجه بهتر همان است که سید رحمه الله بیان کرد.

14. کامل الزیارات: بزنطی گوید: از ابا الحسن رضا علیه السلام پرسیدم: در چه ماهی به زیارت حسین علیه السلام میروید؟ فرمود: در نیمه رجب و نیمه شعبان. (1)

15. کامل الزیارات: ابی الحسن رضا علیه السلام: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است، با این تفاوت که گفت: چه وقتی برای زیارت حسین علیه السلام بهتر است؟(2)

16. مصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

17. کامل الزیارات: داود بن فرقد از امام صادق علیه السلام روایت کرد: هر که مزار حسین را هر جمعه زیارت کند، بی شک آمرزیده می شود و در حالی که حسرتی از دنیا در دلش است از آن خارج نمیشود و منزلگاه او در بهشت در کنار حسین بن علی علیه السلام باشد. و سپس فرمود: ای داود، چه کسی دلش نمیخواهد که در بهشت همسایه حسین بن علی علیه السلام باشد؟ ! گفتم آنکه رستگار نگردد.(4)

18. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون شب قدر باشد «فِيها يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»،(5) {و در آن شب هر گونه کاری به نحوی استوار فیصله مییابد.} منادی در آن شب از درون دل عرش فریاد بر میآورد که خداوند آمرزید آن کس را که در این شب به زیارت حسین علیه السلام آمده است. (6)

19. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (7)

1- . کامل الزیارات : 182
2- . کامل الزیارات : 182
3- . مصباح الطوسی: 561
4- . کامل الزیارات : 183
5- . دخان / 4

6- . كامل الزيارات : 184
7- . التهذيب 6 : 49

20. کامل الزیارات: جعفر بن محمد علیه السلام: هر که مقبره حسین بن علی را در ماه رمضان زیارت کند و در این راه جان سپارد، اعمالش در روز حساب عرضه نگردد و مورد محاسبه قرار نگیرد و به او گفته شود که آسوده خاطر به بهشت وارد شو. (1)

21. کامل الزیارات: جعفر بن محمد علیه السلام: هر که در روز اول رجب به زیارت حسین علیه السلام رود، به حتم آمرزیده می شود. (2)

22. اقبال الاعمال، المصباحین و مصباح الزائر: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

23. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

24. اقبال الاعمال، بزنطی گوید: از ابا الحسن رضا علیه السلام پرسیدم که در چه ماهی به زیارت حسین علیه السلام برویم؟ فرمود: در نیمه رجب و نیمه شعبان. (5)

25. به اسناد خود از محمد بن داود قمی و اسناد او در کتابش الزیارات: بزنطی گوید: از ابا الحسن رضا علیه السلام پرسیدم که کدام زمان برای زیارت حسین علیه السلام بهتر است؟ فرمود: نیمه رجب و نیمه شعبان. (6)

26. اقبال الاعمال: امام صادق علیه السلام: چون روز اول شعبان فرا رسد منادی از زیر عرش الهی فریاد بر آورد که ای راهیان مزار حسین، در شب نیمه شعبان از زیارت حسین بی بهره نمانید که اگر میدانستید چه در آن هست، به راستی که سال بر شما بس دراز میآمد تا آنکه نیمه شعبان (سال بعد) باز آید.(7)

27. اقبال الاعمال: ابی عبدالله برقی گوید: از امام صادق علیه السلام سؤال شد که پاداش آنکه در نیمه شعبان به زیارت حسین علیه السلام برود چیست؟ امام

1- . کامل الزیارات : 330
2- . کامل الزیارات : 182

3- . مصباح الطوسی : 557 و مصباح الزائر : 154 و اقبال الاعمال: 134
4- . التهذیب 6 : 48
5- . اقبال الاعمال: 206
6- . اقبال الاعمال: 207
7- . اقبال الاعمال: 206

صادق علیه السلام فرمود: آنکه در نیمه شعبان به شوق آنچه نزد خدا هست، نه آنچه نزد مردمان است، به زیارت حسین علیه السلام برود، خداوند در همان شب گناهانش را میآمرزد، حتی اگر به اندازه موهای بزهای قبیله کلب باشد. آنگاه مرد گفت: فدایت گردم! آیا خداوند عز و جل همه گناهانش را میبخشد؟ فرمود: آیا این را برای زائر حسین علیه السلام زیاد میدانید؟ چگونه نمیبخشد! حال آنکه او در حد کسی است که خداوند عز و جل را در عرش او زیارت کرده باشد! (1)

28. در حدیث دیگری از صادق علیه السلام: خداوند گناهان گذشته و آینده زائر حسین در نیمه شعبان را میبخشد. (2)

توضیح: «مِعزی» به کسره، همان بز است و کلب نام قبیلهای است.

29. اقبال الاعمال: علی بن محمد بن فیض بن مختار از پدرش روایت میکند که از جعفر بن محمد علیه السلام درباره زیارت ابا عبدالله پرسیده شد و گفتند که آیا هیچ وقتی برای این کار بهتر از اوقات دیگر است؟ فرمود: وی صلوات الله علیه را در هر وقتی و فرصتی زیارت کنید که زیارت او بهترین کارها ست وهر که زیاد به آن پایبند باشد، به راستی که خیر و برکت بسیار را جسته است، و هر که کم کاری کند، خیر کمی عایدش می شود؛ و برای زیارت، اوقات شریفه را برگزینید چرا که کارهای نیکو در این اوقات دوچندان پاداش میگیرد و این اوقات، زمان فرود آمدن فرشتگان برای زیارت اوست. گوید از امام درباره زیارت وی در ماه رمضان پرسیدند، فرمود: هر که فروتن و آمرزش خواه و ثواب جوی به زیارت آمده و در یکی از سه شب اول و نیمه و آخر رمضان، بر مقبره امام علیه السلام حاضر شود، گناهان و خطاکاریهایی که مرتکب شده، از وی فروریخته شود، همچون برگهای خرد شده که باد طوفانی با خود میبرد، تا جایی که او نسبت به گناهانش، هیئتی چون آن روزی دارد که وی از مادرش زاده شد و علاوه بر آن، اجری برابر با کسی که در آن سال حج و عمره به جای آورده باشد، دارد. و دو فرشته، وی را آنگونه صدا میزنند که هر آفریده ای مگر جن و انس آن را می شنوند. یکی از آن دو میگوید: ای بنده

1- . اقبال الاعمال: 207

2- . اقبال الاعمال: 208

خدا پاکیزه گشتی، پس اکنون عمل از نو آغاز کن و دیگری گوید: ای بنده خدا دوستدار گشتی، پس اکنون مژده باد بر تو به آمرزش و بخششی از سوی خدا. (1)

30. اقبال الاعمال: جعفر بن محمد امام صادق علیه السلام درباره این آیه «فِیها یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ»،(2) {و در آن شب هر گونه کاری به نحوی استوار فیصله مییابد.} فرمود: این شب قدر است که در آن امور سال، چون حج یا عمره یا رزق یا حال و وضع یا مرگ یا سفر یا ازدواج یا فرزند، و هر چیز دیگری که به آدمیزاد مربوط می شود، مقدر می شود که یا به سود او یا به زیان او، برای باقی آن سال تا همین روز در سال آینده رقم میخورد، و این در دهه آخر رمضان است و هر که آن را درک نماید - یا فرمود: - در کنار مزار حسین علیه السلام حضور یابد و دو رکعت یا هر چه توانست نزد او نماز گزارد و از خدا بهشت را درخواست کند و از آتش به خدا پناه برد، آنچه درخواست کرده به وی عطا کند و از آنچه از آن پناه جسته، در امانش نگاه دارد. و همچنین اگر از خداوند آنچه را که در آن شب تقسیم کرده و به قضاء خود روزی مردمان کرده، درخواست کند، به وی عطا کند و او را از شر آنچه در این شب نوشته شده، یا اگر خدا را بخواند و از وجود مبارک و متعالی اش، امری که در آن گناهی نباشد را به التماس بخواهد، امید آن دارم که خواسته اش به وی داده شود و از شر محذوراتش حفظ گردد و شفاعت وی در حق ده تن از اهل خانواده اش که همگی مستوجب عذاب گشته اند، پذیرفته شود و خداوند برای بنده و خواهشگرش در امر خیر، بیشتر شتاب کند. (3)

31. اقبال الاعمال: ابو جعفر دوم، امام جواد علیه السلام: هر که در شب بیست و سوم رمضان یعنی شبی که امید بیشتری هست که شب قدر باشد، «وَ فِیها یُفْرَقُ کُلُّ أَمْرٍ حَکِیمٍ»، {و در آن شب هر گونه کاری به نحوی استوار فیصله می

1- . اقبال الاعمال: 238
2- . دخان / 4
3- . اقبال الاعمال: 440

یابد.} روح بیست و چهار هزار پیامبر که همگی در آن شب از خداوند اذن زیارت حسین علیه السلام را میجویند، با او مصافحه میکنند. (1)

32. اقبال الاعمال: امام صادق علیه السلام: چون شب قدر رسد که خدای تعالی هر امر حکمت آمیزی را قسمت کند، منادی از آسمان هفتم از دل عرش فریاد بر میآورد که خداوند عز و جل هر که را به زیارت حسین علیه السلام آمد، آمرزید.(2)

33. بشاره المصطفی: باقر علیه السلام: هر که در شب نیمه شعبان به زیارت حسین علیه السلام برود، گناهانش بخشیده میشود. (3)

34. المصباحین: زیارت حسین علیه السلام در شب عید فطر و روز آن مستحب است و فضل بسیاری درباره آن روایت شده است. (4)

35. مصباح الزائر: امام صادق علیه السلام: هر که در نیمه شعبان به زیارت حسین علیه السلام برود، خداوند عز و جل برای او هزار حج مینویسد. (5)

36. مصباح الزائر: کاظم علیه السلام: سه شب است که هر که در آنها حسین علیه السلام را زیارت کند، تمام گناهان گذشته و آینده اش بخشیده می شود: شب نیمه شعبان و شب بیست و سوم رمضان و شب عید قربان. (6)

مؤلف: زیارت حضرت صلوات الله علیه در روزهای عزیز و اوقات پر فضل و برکت، برتر و ارزشمندتر است؛ به ویژه در روزهای مخصوص به وی، روزهایی که فضل و کرامت وی در آن آشکار گشت، نظیر روز مباهله و روز نزول هل اتی و روز ولادت حضرت علیه السلام که به روایت مشهورتر، روز سوم شعبان است.

37. المصباح طوسی: به روایت از قاسم بن علاء همدانی وکیل ابا محمد علیه السلام: مولای ما حسین علیه السلام در روز پنج شنبه، سه روز گذشته از آغاز

1- . اقبال الاعمال: 441

2- . اقبال الاعمال: 441
3- . بشاره المصطفى : 77
4- . مصباح الطوسى : 363
5- . مصباح الزائر : 164
6- . مصباح الزائر : 173

شعبان به دنیا آمد، پس این روز را روزه بگیر و این دعا را بخوان: خداوندا، به حق مولود در این روز از تو مسألت میکنم ... تا پایان دعا. (1)

38. المصباح طوسی: جعفر بن محمد علیه السلام: حسین بن علی در پنجم شعبان سال چهارم هجری به دنیا آمد. (2)

همچنین مناسب است که وی را در روز انتقال یزید، قاتل وی، به اسفل السافلین دوزخ که چهاردهم ربیع الاول است، زیارت کنند.

1- . مصباح الطوسی : 574
2- . مصباح الطوسی: 593

باب چهاردهم : فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا و اعمال این روز و فضیلت زیارت اربعین

روایات:

1. علل الشرائع، امالی صدوق: ابا الحسن رضا علیه السلام: هرکه در روز عاشورا تلاش برای کارهای دنیایی را رها کند، خداوند حوائج دنیا و آخرت او را برآورده سازد و هر که روز عاشورا روز مصیبت و اندوه و گریه اش باشد، خداوند روز قیامت را روز شادمانی و سرور وی قرار داده و چشم او را در بهشت به ما منور میسازد و هر که روز عاشورا را روز برکت خود بداند و چیزی را برای خانه اش ذخیره کند، آنچه ذخیره کرده هیچ برکتی نخواهد یافت و در روز قیامت با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد، لعنت خدا بر ایشان باد، در اسفل السافلین آتش دوزخ محشور خواهد شد. (1)

2. عیون اخبار الرضا علیه السلام: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

3. عیون اخبار الرضا علیه السلام: ریان بن شبیب گوید: در روز اول محرم به محضر امام رضا علیه السلام رسیدم، فرمود: ای ابن شبیب، آیا روزه دار هستی؟ عرض کردم خیر. فرمود: امروز روزی است که زکریا پروردگارش عز و جل را به دعا خواند و گفت: «رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعاءِ»،(3) {پروردگارا از جانب خود فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن که تو

1- . علل الشرائع : 227 و أمالی الصدوق : 129
2- . عیون الأخبار 1 : 298
3- . آل عمران / 38

شنونده دعایی.} و خداوند دعایش را مستجاب کرد و به فرشتگان فرمان داد و زکریا را چنین ندا دادند: «هُوَ قائِمٌ یُصَلِّی فِی الْمِحْرابِ أَنَّ اللَّهَ یُبَشِّرُکَ بِیَحْیی»،(1) {و در حالی که او ایستاده و در محرابش دعا میکرد، فرشتگان او را ندا دردادند که خداوند تو را به ولادت یحیی مژده میدهد.} و هر که در این روز روزه بگیرد و خدای عز و جل را بخواند، خداوند خواسته اش را آنچنان که برای زکریا برآورد، برآورده سازد. آنگاه گفت ای ابن شبیب! محرم ماهی است که در گذشته، اهل جاهلیت هم ستمگری و کشتار را به خاطر حرام بودن این ماه، در آن حرام میدانستند ولی این امت حرمت آن را و احترام پیامبر خود صلوات الله علیه و آله را نادیده گرفتند. در این ماه سلاله او را از دم تیغ گذراندند و زنان خاندانش را به اسارت بردند و هر چه داشتند، چپاول کردند. خدا هیچگاه ایشان را نیامرزد.

ای ابن شبیب! اگر برای چیزی میگریی، بر حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام گریه کن، چرا که او بیرحمانه، آنسان که قوچی را سر برند، ذبح گردید و از خانواده اش هجده تن که همتای ایشان در تمام زمین نباشد، کشته شدند و هفت آسمان و زمین به خاطر کشته شدن او گریستند و چهار هزار فرشته برای یاری کردن او به زمین فرود آمدند، ولی او را کشته شده دیدند و ایشان تا زمان ظهور حضرت قائم عج، موی آشفته و غبارین روی بر کنار قبر او نشینند و در آن روز از یاران او خواهند بود و شعارشان یالثارات الحسین است.

ای ابن شبیب! پدرم از پدرش از جدّش علیهم السلام نقل کرد که چون جدّم حسین علیه السلام کشته شد، آسمان خون و خاک سرخ بارید. ای ابن شبیب! اگر چنان بر حسین علیه السلام گریه کنی که اشکهایت بر گونههایت بریزد، خداوند هر گناهی که کردهای، چه کوچک و چه بزرگ، چه اندک و چه زیاد را میبخشاید. ای ابن شبیب! اگر دوست داری خداوند را در حالی زیارت کنی که گناهی نداشته باشی، حسین علیه السلام را زیارت کن.

ای ابن شبیب! اگر دوست داری در غرفههای بنا شده در بهشت در کنار نبی اکرم و اهل بیت او علیهم السلام باشی، قاتلان حسین علیه السلام را لعنت کن. ای

1- . آل عمران / 39

ابن شبیب! اگر میخواهی ثوابی چون کشته شدگان با حسین علیه السلام ببری، هر وقت که نام وی بردی بگو: ای کاش که با ایشان بودم تا فوز عظیم (بهره هنگفت) میبردم. ای ابن شبیب! اگر دوست داری که با ما در مراتب عالی بهشت باشی، به اندوه ما غمخوار باش و از شادی ما شادمان شو و ولایت ما را بپذیر که اگر مردی ولایت یک سنگ را هم بپذیرد، خداوند در روز قیامت او را با آن برانگیزد.(1)

4. المصباحین، اقبال الاعمال، امام صادق علیه السلام: هر که شب عاشورا را در کنار مزار حسین علیه السلام سرکند، روز قیامت آغشته به خون وی باشد و گویی که به همراه وی در دشت کربلا شهید شده باشد. (2)

5. اقبال الاعمال: شیخ مفید در کتاب التواریخ الشرعیه روایت کرد: هر که حسین علیه السلام را زیارت کند و شب عاشورا را کنار مزارش بماند و صبح کند، خدای تعالی او را آغشته به خون حسین و در میان شهیدان همراه وی محشور گرداند. (3)

6. علل الشرائع: عبدالله بن فضل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، ای پسر رسول خدا، چگونه است که عامه مردم روز عاشورا را روز برکت نامیده اند. حضرت علیه السلام گریست و سپس فرمود: آنگاه که حسین علیه السلام کشته شد، مردم در شام به یزید تقرب جستند و برای او اخباری دروغین برده و از آن طریق اموال بسیاری پاداش گرفتند و از جمله اموری که برای او وضع کردند، شأن و حال این روز بود و اینکه عاشورا روز برکت است تا مردمان از بی تابی و شیون و نوحه گری و اندوه، به شادمانی و سرور و تبرک جستن و آمادگی برای چنین اموری در این روز، برگردند، خدا بین ما و ایشان حکم نماید. (4)

مؤلف: این روایت را به طور کامل همراه با دیگر روایات مرتبط، در ابواب تاریخ امام حسین علیه السلام آوردهایم.

1- . عیون الأخبار 1 : 299 و أمالی الصدوق : 129
2- . مصباح الطوسی : 538 و اقبال الاعمال: 28
3- . اقبال الاعمال: 28
4- . علل الشرائع : 226

7. کامل الزیارات: جابر جعفی گوید: در روز عاشورا بر جعفر بن محمد علیه السلام وارد شدم و ایشان فرمود: اینان زائران خدایند و بر زیارت شونده است که زیارت کننده را اکرام نماید. هر که در شب عاشورا در کنار مقبره حسین علیه السلام تا صبح بماند، در روز قیامت آغشته به خوی وی با خدا دیدار کند، گویی که در دوره او همراه با وی شهید شده و فرمود: هر که مقبره حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند یا شب نزد وی بماند، چون کسی است که در رکاب وی شهید شده باشد. (1)

8. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند، بهشت بر وی واجب میگردد. (2)

9. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

10. اقبال الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

11. التهذیب: امام صادق علیه السلام: هر که آگاه به حق حسین علیه السلام، وی را در روز عاشورا زیارت کند، چون کسی است که خدای تعالی را در عرش او زیارت کرده باشد. (5)

12. اقبال الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

13. کامل الزیارات: از یکی از ائمه علیه السلام: هر که حسین علیه السلام را در روز عاشورا زیارت کند، همچون کسی است که پیش چشم او در خون خود درغلتد. (7)

1- . کامل الزیارات : 173
2- . کامل الزیارات : 173
3- . التهذیب 6 : 51
4- . اقبال الاعمال: 38
5- . التهذیب 6 : 51 و کامل الزیارات : 174

6- . اقبال الاعمال: 38
7- . كامل الزيارات : 174

14. کامل الزیارات: محمد بن ابی سیار مدائنی به اسنادش گوید: هر که در روز عاشورا در کنار مزار حسین علیه السلام به مردم آب نوشاند، همچون کسی است که اهل اردوگاه وی را آب نوشانده و به همراه وی جنگیده است. (1)

15. کامل الزیارات: جعفر بن محمد علیه السلام: هر که حسین علیه السلام را در نیمه شعبان زیارت کند، خدای تعالی همه گناهان گذشته و آینده وی را ببخشاید و هر که در روز عرفه به زیارت وی رود، خداوند برای او ثواب هزار حج پذیرفته و هزار عمره بی خدشه را بنویسد و هر که در روز عاشورا زیارتش کند، گویی که خداوند را به روی عرشش زیارت کرده باشد. (2)

16. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

17. التهذیب: حسن بن علی عسکری علیه السلام: نشانه های مؤمن پنج چیز است: نماز پنجاه رکعتی، زیارت اربعین، انگشتر بر دست راست کردن، بر خاک نهادن پیشانی و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم.(4)

1- . کامل الزیارات : 174
2- . کامل الزیارات : 174
3- . کامل الزیارات : 174
4- . التهذیب 6 : 52

باب پانزدهم : حرم و فضیلت آن و مقداری که از خاک مبارک آن بردارند و فضیلت کربلا و ماندن در آن

روایات:

1. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: مقبره حسین بن علی علیه السلام بیست ذراع در بیست ذراع است و آن باغی است از باغ های بهشت و از آنجا فرازگاهی به آسمان هست و هیچ فرشته مقرّبی و پیامبر مرسلی نیست مگر آنکه از خدا طلب زیارت آن را می کند، از این رو همواره گروهی در حال فرود آمدن به سمت زمین هستند و گروهی در حال بالا رفتن. (1)

2. فرحه الغری: امام صادق علیه السلام: چهار منطقه از زمین بودند که در روزهای طوفان نوح به خداوندگار عالم گلایه و لابه کردند: بیت المعمور (زمینی در آسمان هفتم) که خداوند آن را به آسمان برد، الغریّ، کربلا و طوس. (2)

3. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: زمین کعبه به زبان آمد که کجا همچون منی یافت می شود که خانه خدا بر پشتم بنا شده و مردمان از هر راه ناهموار دوری رو به سوی من رهسپار میگردند و حرم الهی و محل امن وی قرار گرفته ام؟! پس خدا به او وحی نمود که بس کن و آرام بگیر! ارزش آنچه بدان فضل و برتری یافته ای، در برابر آنچه به زمین کربلا عطا شده، تنها همچون سوزنی است که در آب دریا فرو کنند و ذره ای از آب دریا را با خود برگیرد؛ و اگر خاک کربلا نبود تو را فضیلتی نمیبخشیدم و اگر آن که را زمین کربلا در دل گرفته نبود، هرگز تو را نمیآفریدم و آن خانه ای که بدان مباهات میکنی را هم خلق نمیکردم. پس

1- . کامل الزیارات : 112 با تفاوتی در ابتدای سند
2- . فرحه الغریّ : 70 چاپ نجف اشرف

آرام گیر و فرو بنشین و دنباله ای فروافتاده و خوار و زبون باش، بی سرکشی و بی خودبزرگ بینی در برابر زمین کربلا، وگرنه تو را به قعر زمین فرو میبرم و به آتش دوزخ پرتاب میکنم.(1)

4. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است.(2)

توضیح: «و الّا سختُ بک» یعنی به قعر زمین فرو بردن.

5. کامل الزیارات: ابی جعفر علیه السلام: خدای تبارک و تعالی زمین کربلا را بیست و چهار هزار سال پیش از زمین کعبه آفرید و آن را مقدس داشت و بر آن برکات نازل داشت و همچنان پیش از آفرینش مخلوقات، مقدس و مبارک بود و همچنان چنین ماند تا آنکه خداوند آن را بهترین زمین در بهشت قرار دهد و بهترین منزلگاه و سکونتگاهی که خداوند دوستداران خود در بهشت را در آن سکنی دهد. (3)

6. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به دو سند دیگر روایت شده است.(4)

7. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است.(5)

8. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

9. کتاب عباد العصفری: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است.(7)

10. کامل الزیارات: علی بن حسین علیه السلام: خداوند بیست و چهار هزار سال پیش از آنکه زمین کعبه را بیافریند و حرم خود قرار دهد، زمین کربلا را به عنوان حرم امن و مبارک خود برگزید و چون خداوند تبارک و تعالی زمین را به زلزله افکند و پهنه آن را به سیر و حرکت درآورد، کربلا همانطور که بوده، با تربتی نورانی و زلال، بر فراز آسمان رود و در بهترین بوستان از بوستانهای بهشت و در بهترین منزلگاه بهشت که تنها پیامبران و رسولان - و یا فرمود: - رسولان اولوالعزم

1- . کامل الزیارات : 267
2- . کامل الزیارات : 267
3- . کامل الزیارات : 268
4- . کامل الزیارات : 270
5- . کامل الزیارات : 270
6- . التهذیب 6 : 72
7- . کتاب عباد العصفری : 16 در ضمن اصول السته عشر

در آن ساکن شوند، نهاده شود؛ چرا که آن چونان ستاره مرواریدگون (کوکب درّی) که برای اهل زمین میدرخشد، درخشان خواهد بود و نور آن چشم همه اهل بهشت را میگیرد و این زمین فریاد بر میآورد که من آن زمین مقدس پاک مبارکی هستم که سرور شهیدان و سرور جوانان اهل بهشت را در دل خود داشتم. (1)

11. کتاب ابی سعید العصفری: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

12. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

13. امام باقر علیه السلام فرمود: غاضریه منطقه ای است که خداوند در آن با موسی بن عمران سخن گفت و در آن به گوش نوح نجوا نمود و گرانمایه ترین بقعه زمین نزد خداست و اگر چنین نبود، خداوند دوستدارانش و فرزندان پیامبر خود را به آن سرزمین نمیسپرد، پس مقابر ما در غاضریه را زیارت کنید.(4)

14. امام صادق علیه السلام فرمود: غاضریه از خاک بیت المقدس است. (5)

15. کامل الزیارات: امیرالمؤمنین علیه السلام: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود: فرزندم در سرزمینی به نام کربلا به خاک سپرده می شود که گنبد (زمین گنبدی) اسلام در آن قرار دارد که خدا مومنینی را که در طوفان به همراه نوح ایمان آوردند، بر روی آن نجات داد. (6)

16. کامل الزیارات: فضل بن یحیی از پدرش روایت کرد که امام صادق علیه السلام فرمود: کربلا را زیارت کنید و با آن قطع رابطه نکنید چرا که بهترین فرزندان پیامبران در دل آن به خاک سپرده شد. هان بدانید که فرشتگان هزار سال پیش از آنکه جدم حسین علیه السلام در آن آرام گیرد، آن را زیارت میکردند و هیچ شبی

1- . کامل الزیارات : 268

2- . كتاب عباد العصفرى : 17 در ضمن الأصول السته عشر
3- . كامل الزيارات : 268
4- . كامل الزيارات : 268
5- . كامل الزيارات : 269
6- . كامل الزيارات : 269

نمیگذرد مگر آنکه جبرئیل و میکائیل به زیارت آن میآیند، پس ای یحیی، بکوش تا از آن سرزمین به دور نمانی. (1)

17. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: همانا خداوند تبارک و تعالی زمینها و آبها را بر یکدیگر برتری داده و برخی از آنها مباهات کرده و برخی دیگر از آنها ستم پیشگی کرد. پس هیچ آب و هیچ زمینی نیست مگر آنکه به خاطر ترک فروتنی برای خدا، مجازات شده اند، به حدی که خداوند مشرکان را بر کعبه چیره گرداند و آبی شور را به سوی آب زمزم روانه نمود تا آنکه مزه اش تباه گشت. و همانا کربلا و آب فرات نخستین زمین و نخستین آبی هستند که خداوند تبارک و تعالی آن را مقدس نمود و برکت فرو فرستاد و به آن فرمود تا بدانچه خدا تو را فضل و برتری داده، سخن گوی - و فرمود: - آنگاه که زمینها و آبها بر یکدیگر مفاخرت نمودند، گفت که من زمین مقدس و مبارک خدا هستم و شفاء در آب و خاک من است و هیچ مباهاتی هم به آن نیست بلکه فروتن و ذلیل در برابر آنم که مرا چنین آفرید و هیچ فخری به کمتر از خود نمیفروشم بلکه خدا را شکر میگویم، پس خدا این زمین را گرامی داشت و آن را به خاطر تواضع و سپاسگزاری اش از خدا، به وجود حسین علیه السلام و یاران او افزون گرداند. سپس ابا عبدالله فرمود: هر که برای خدا فروتنی کند، خداوند او را والا گرداند و هر که تکبر و خودبزرگ بینی ورزد، خداوند او را فرودست گرداند. (2)

18. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: خداوند پیش از آنکه مکه را حرم خود گیرد، کربلا را به عنوان حرم امن و مبارک خود گرفت. (3)

19. کامل الزیارات: اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرد: همانا محل مقبره حسین علیه السلام را حرمت و احترامی مشخص است که هر که آن را بشناسد و بدان پناه جوید، نجات داده شود. گوید عرض کردم: فدایت گردم آن موضع را برایم وصف کنید! فرمود: امروز محل مقبره او را بسنج و و بیست و پنج

1- . کامل الزیارات : 269
2- . نفس المصدر : 270
3- . المصدر السابق : 267 ضمن حدیث

ذراع از سمت پاهایش و بیست و پنج ذراع از پشت سرش و بیست و پنج ذراع در برابر صورتش و بیست و پنج ذراع از طرف سر او اندازه گیر

و محل آرامگاه او از زمانی که در آن مدفون گشته، باغی از باغهای بهشت است و از درون آن فرازگاهی است که اعمال زائرانش به آسمان عروج داده می شود و هیچ فرشته و هیچ پیامبری در آسمانها نیست مگر آنکه از خداوند درخواست میکنند و او به ایشان اذن زیارت مقبره حسین علیه السلام را میدهد و همچنان گروهی در صعودند و گروهی در نزول.(1)

20. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

21. الکافی: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

22. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت تا آنجا که میفرماید: از طرف سر او... به سند دیگر. (4)

23. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: محل مقبره حسین بن علی صلوات الله علیهما از روزی که در آن دفن گردید، باغی از باغهای بهشت است و فرمود: محل مقبره حسین آبگاهی از آبگاههای بهشت است. (5)

24. ثواب الاعمال: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

25. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: حریم قبر حسین علیه السلام یک فرسخ در یک فرسخ از چهار طرف مقبره اوست. (7)

26. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (8)

1- . المصدر السابق : 272
2- . مصباح الطوسی: 509 و مصباح الکفعمی: 508
3- . الکافی 4 : 580
4- . ثواب الاعمال: : 85
5- . کامل الزیارات : 271
6- . ثواب الاعمال: : 85

7- . ثواب الاعمال: : 85
8- . مصباح الطوسى: 509

27. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: حریم مقبره حسین علیه السلام، پنج فرسخ از هر چهار طرف آن است. (1)

28. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

29. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: مقبره حسین علیه السلام بیست ذراع در بیست ذراع است و باغی از باغهای بهشت است و .. ادامه روایت. (3)

30. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

31. المصباحین، تهذیب الاحکام: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

مولف مصباح رحمه الله میگوید: وجه این اخبار متفاوت، رتبه بندی این محلها در فضل است و دورترین آن پنج فرسخ است و نزدیکترین آنها به مشهد، یک فرسخ و شریف ترین منطقه، فاصله بیست و پنج ذراعی گرد حرم و شریفترین این قسمت، فاصله بیست ذراعی است و شریفترین قسمت این بخش، آنچه بدان احاطه یافته یعنی خود مقبره است. نظیر این سخن در التهذیب نیز ذکر شده است.

مؤلف: روایات یک میل و هفتاد زراع و یک باع خواهد آمد؛ غافل مشو!

32. کامل الزیارات: ابو هاشم جعفری گوید: امام هادی علیه السلام به هنگام بیماریاش کسی را نزد من و محمد بن حمزه فرستاد و محمد بن حمزه پیش از من به وی رسید و وی چنین روایت کند که حضرت همچنان میفرمود: کسی را به حرم بفرستید، کسی را به حرم بفرستید. به محمد گفتم: آیا نگفتی که من به حرم میروم؟ سپس من به محضر حضرت رسیدم و گفتم: فدایت گردم! من به حرم میروم، و فرمود: خود درباره آن تدبیر کنید (به منظور تقیه، تا کسی از این تصمیم آگاه نگردد). سپس فرمود: محمد رازی را از زید بن علی مخفی نگاه نمیدارد و روا نمیدانم که با خبر شود. گوید پس این سخن را به علی بن بلال گفتم و او گفت: با حرم او را چه

1- . كامل الزيارات : 272
2- . مصباح الطوسى : 509
3- . كامل الزيارات : 272
4- . كامل الزيارات : 272
5- . مصباح الطوسى : 509 و التهذيب 6 : 72

کار، حال آنکه او خود حرم است؟ پس به سوی عسکر (اردوگاه امام عسکری) آمده و وارد شدم و چون میخواستم برخیزم به من فرمود: بنشین، و چون دیدم که به من لطف و عنایت دارد، سخن علی بن بلال را بازگو کردم و فرمود: آیا به او نگفتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به دور کعبه میگشت و حجر الاسود را میبوسید، حال آنکه حرمت نبی صلی الله علیه و آله و حرمت مؤمن بیشتر از حرمت بیت الله است؟ و خداوند او را امر نمود که در عرفه وقوف نماید. حقیقت آن است که این مکانها، محلهایی است که خداوند دوست دارد در آن ذکر و یادش گفته شود و من دوست دارم همانجا که خداوند دوست دارد او را بخوانند، برای من دعا شود و حرم از جمله این مکانهاست. (1)

توضیح: گفته آن حضرت: به حرم بفرستید، یعنی کسی را به حرم حسین علیه السلام بفرستید تا برای من دعا کند و شفای مرا از خدا بخواهد. گفته آن حضرت: «انظروا فی ذلک» یعنی تأمل و فکر کنید تا کسی متوجه نشود، به جهت تقیه. گفته آن حضرت: محمد ابن حمزه سرّ ندارد، یعنی اسرار را فاش میکند زیرا از پیروان زید است و به امامت ما اعتقادی ندارد. پس مِن تعلیلیه است یا معنا این است که او از اسرار زید و اعتقادی که به ما دارد بهرهای ندارد، زیرا زیدیه در این زمینه با او مخالفت کردند. شاید عامل افشای راز در هر دو صورت، حسادت بر ابوهاشم باشد، زیرا او فرستاده شده بود. لذا در ابتدا در نزد او تقیه نکرد، با این که ممکن است مراد از محمد اخیر، غیر از ابوحمزه باشد. محتمل است مراد از زید، کسی غیر از امام زیدیه باشد بلکه یکی از کسانی باشد که در آن روزگار بوده و امام از وی تقیه میکرده است. در این صورت معنا این گونه است که محمد چیزی را از زید مخفی نمیکند و من کراهت دارم زید این را بشنود.

33. کامل الزیارات: ابی هاشم جعفری گوید: من و محمد بن حمزه به قصد عیادت حضرت که بیمار بود، بر او وارد شدیم. فرمود: از اموال من، گروهی را به حرم گسیل کنید. چون از نزد وی مرخص گشتیم، محمد بن حمزه به من گفت که فرمان دهنده ما، ما را به حرم میفرستد حال آنکه او همانند کسی است که در حرم

1- . کامل الزیارات : 273

است (یعنی امام حسین علیه السلام). گوید پس بازگشتم و این سخن را خدمت امام عرض کردم و فرمود: اینگونه نیست. همانا خداوند را مکانهایی است که دوست دارد در آن پرستیده شود و حرم حسین علیه السلام از جمله این مکانهاست. (1)

34. کامل الزیارات: ابو هاشم جعفری گوید: ابا الحسن علی بن محمد علیه السلام تب کرده و بیمار بود که بر وی وارد شدم و حضرت فرمود: ای ابا هاشم، کسی از موالی ما را به حرم بفرست که نزد خدا برای من دعا کند. پس از نزد وی خارج شدم و علی بن بلال پیش رویم آمد و او را از سخن امام آگاه ساختم و خواستم او به حرم برود. گفت به روی چشم، ولی میگویم که امام از حرم برتر هستند چرا که ایشان همانند آن کسی که در حرم است (یعنی سید الشهداء) میباشند و دعای ایشان برای خودشان بسی بهتر از دعای من برای ایشان در حرم است. پس این سخن او را به امام صلوات الله علیه رساندم. ایشان به من فرمود: به او بگو رسول خدا از کعبه و حجر الاسود برتر بود ولی به گرد کعبه طواف میکرد و بر حجر الاسود دست میکشید و آن را میبوسید و به راستی که خداوند تبارک و تعالی را بقعه هایی است که دوست دارد در آن با وی نیایش کنند تا دعای نیایشگر را برآورده سازد و حرم از جمله این بقعه هاست.(2)

35. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: حریم مقبره حسین علیه السلام یک فرسخ در یک فرسخ در یک فرسخ در یک فرسخ است. (3)

توضیح: تکرار چهار باره فرسخ دلالت دارد بر این معنا که حریم آن از هر طرف یک فرسخ است، پس فی به معنای مع است.

36. صحیفه الرضا علیه السلام: علی بن حسین علیه السلام: گویی کاخها را میبینم که گرداگرد مقبره حسین علیه السلام بنا گشته و گویی بازارها را میبینم که

1- . کامل الزیارات : 273
2- . کامل الزیارات : 273
3- . کامل الزیارات : 282

پیرامون مزار او را فرا گرفته و هیچ شب و روزی نمیگذرد مگر آنکه از دورترین نقاط به سوی وی آیند و این پس از پایان ملک بنی مروان است. (1)

37. کامل الزیارات: هشام بن سالم در روایتی بلند گوید: پس به امام صادق علیه السلام عرض کردم، پاداش کسی که نزد وی یعنی امام حسین علیه السلام مقیم گردد، چیست؟ فرمود: هر روز برابر با هزار ماه. گفتم: پاداش کسی که برای روانه شدن به مزار او و کسی که در کنار مقبره اوست از مالش خرج کند چیست؟ فرمود: هر درهم با هزار درهم. (2)

38. کامل الزیارات: ام ایمن در روایتی بلند از نبی اسلام صلی الله علیه و آله نقل میکند: جبرئیل بیامد و به حسین علیه السلام اشاره کرد و گفت: این نوهات به همراه گروهی از سلاله و اهل بیتت و برترین های امتت در کناره رود فرات در زمینی به نام کربلا کشته خواهد شد و در این سرزمین، مصائب و بلایا بر دشمنان تو و دشمنان سلاله ات در روزی که اندوه دشوار آن سپری نگردد و حسرت آن را پایانی نباشد، زیاد گردد و این پاکترین بقعه های زمین و با حرمت ترین آنهاست و به راستی که از پهنه بهشت است.(3)

مؤلف: این حدیث با تفصیلی که داشت، در باب خبر دادن پیامبر از مظلومیت اهل بیتش علیهم السلام آمد.

39. التهذیب: ابی جارود گوید: ابا جعفر علیه السلام به من فرمود: فاصله شما با مزار حسین علیه السلام چقدر است؟ عرض کردم: یک روز و قدری از یک روز. پس فرمود: اگر برای ما هم همین قدر فاصله بود، سفر خود به سوی او را به هجرتی بدل میکردیم.(4)

توضیح: یعنی به آنجا هجرت میکردیم و ساکن میشدیم.

1- . صحیفه الرضا: 17 چاپ مصر سال 1340 ه
2- . کامل الزیارات : 128
3- . کامل الزیارات : 264 ضمن حدیثی بلند
4- . التهذیب: 6 : 46

40. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: چون به زیارت ابا عبد الله حسین علیه السلام روی، پس با دلی اندوهگین و مصیبت دیده نزد وی برو .. و روایت را تا بدانجا پیش میبرد که: و حاجات خود را از وی بطلب و بازگرد و در آن محل مقیم نگرد. (1)

توضیح: شاید نهی از اقامت در محل حرم به جهت تقیه و ترس از حاکمان باشد چنان که در آن دوران حال غالب شیعه چنین بود، و یا شاید نهی از توقف در کنار مقبره باشد نه پیرامون آن و محلهای اطراف، تا بدین معنی با اخبار گذشته و دعاهایی که در ادامه در باب اقامت نزد وی در بسیاری از زیارات میآید، در تناقض نباشد .

41. التهذیب: امام صادق علیه السلام: برکت از مقبره حسین علیه السلام تا ده میل (جاری) است. (2)

42. التهذیب: امام صادق علیه السلام: امیر المؤمنین علیه السلام (از کوفه) بیرون آمد، در حالی که مردم او را همراهی میکردند و چون به فاصله یک یا دو میل از کربلا رسیدند، از مردم جلوتر روانه گشت و چون به محل شهادت شهیدان رسید، فرمود: دویست نبیّ و دویست وصیّ و دویست نواده ایشان به همراه پیروانشان در این مکان شهید گشته اند. پس سوار بر استرش و در حالی که پاهایش را از رکاب به در آورده بود، در آن محل بگردید و میگفت: محل بارانداز مرکبهایشان و قتلگاه شهیدانشان، کسی از پیشینان بر ایشان پیشی نجوید و پسینیان به گرد پایشان نرسند. (3)

43. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

44. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: امیر المؤمنین علیه السلام همراه با گروهی از یارانش از کربلا گذشت و چون پای به آن سرزمین نهاد، چشمهایش از

1- . ثواب الاعمال: : 80
2- . التهذیب: 6 : 72

3- . التهذيب: 6 : 72
4- . كامل الزيارات : 270

اشک لبریز گشت و فرمود: اینجا محل زانو زدن شترانشان است و این محل رحل افکندنشان است و اینجا خونشان ریخته می شود. ای خوشا بر تو ای خاک، که خون جگرگوشه ها بر تو ریخته می شود. (1)

45. التهذیب: علی بن حسین علیه السلام: درباره این آیه شریفه «فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَکاناً قَصِیًّا»،(2) {پس مریم به او آبستن شد و با او به مکان دور افتاده ای پناه جست. } فرمود: وی از دمشق بیرون شد و به کربلا آمد و او را در محل مقبره حسین علیه السلام به دنیا آورد و همان شب بازگشت. (3)

تکمله سخن:

بدان که سخن اصحاب شیعه رحمهم الله درباره حد و مرز حرم متفاوت بوده و گفته شده که حد آن محدوده ایست که دیوارهای صحن آن را احاطه کردهاند و صحن با تمام زوایا و ساختمانهای متصل به قبّه منور و مسجدی که پشت آن است، در درون حرم جای دارد. و گفته شده که منظور تنها قبه شریفه است، و گفته اند که مرز آن شامل همه ساختمانهای متصل به قبه نظیر مسجد و مقتل و خزانه و غیر آن است و نظر نخست به خاطر مشهورتر بودنش به این وصف در میان ساکنان شهادتگاه کربلا، که آن را از پیشینیان خود به یاد دارند، معتبرتر است و نیز به خاطر آنچه از ظاهر کلام بیشتر اصحاب شیعه بر میآید.

ابن ادریس در السرائر(4) گوید که منظور از حرم منطقه ایست که دور شهادتگاه و مسجد را احاطه میکند چرا که این منطقه است که در واقع حرم است زیرا که حرم(حائر) در لغت عربی به معنی زمین استواری است که آب در آن فرو نرفته و روی زمین میچرخد. و شهید در الذکری(5) مینویسد که در این محل بود که وقتی متوکل دستور داد آب را بروی قبر حسین علیه السلام رها کنند تا آن را محو نماید، آب میچرخید و به مقبره نمیرسید. و سید فاضل امیر شرف الدین علی که مجاور

1- . کامل الزیارات : 269
2- . مریم / 22
3- . التهذیب: 6 : 73

4- . السرائر : 78
5- . الذكرى: فى اول صلاه السفر

مشهد الغروی قدس الله روحه بود و از مشایخ شیعه است، گوید: از پیرمردان فرتوت سالخورده از اهل محله مشرف به مزار شنیدم که حرم آن پهنه ایست که حصار بلندی از جانب قبله و از راست و چپ بر آن کشیده شده و اما از پشت، نمیدانیم که حدود آن تا کجاست؛ و گفتند که این چیزی است که ما از جماعتی پیش از خود شنیدیم. پایان. و در اینکه این منطقه شامل حجره های صحن نیز باشد، محل تردید است و بعید نیست که آن قسم از صحن شریف که ارتفاعی پست تر دارد داخل حرم باشد و قسم پیرامونی که بلندتر است خارج از آن باشد و برخی سخنان اصحاب شیعه بیانگر این نکته است، و الله اعلم.

ص: 126

باب شانزدهم : تربت امام حسین علیه السلام و فضیلت و آداب و احکام آن

روایات:

1. عیون اخبار الرضا: مسیب بن زهیر گوید که موسی بن جعفر علیه السلام پس از آنکه که به زهر مسموم گشت، مرا فرمود: چیزی از تربت مرا برای تبرک برنگیرید، چرا که هر خاکی جز تربت جدم حسین بن علی علیه السلام بر ما حرام گشته و خداوند آن را شفای شیعیان و دوستداران ما قرار داده است. و ادامه خبر.(1)

2. امالی طوسی: حارث بن مغیره گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که من مردی همیشه بیمار و پر درد و مرضم و هیچ دوایی نمانده که به آن چاره جویم. پس فرمود: چرا از تربت قبر حسین بن علی علیه السلام برنمیگیری که درمان هر دردی و ایمنی از هر نگرانی در آن است. چون آن را برداشتی این ذکر را بگو: خداوندا از تو به حق این تکه گل و به حق فرشته ای که آن را برگرفت و به حق پیامبری که آن را در مشت گرفت و به حق آن وصیّ پیامبر که بر آن فرود آمد، بر محمد و خاندان محمد و اهل بیت او درود فرست و چنین کن و چنان نما.. گوید سپس امام صادق علیه السلام به من گفت: اما فرشته ای که آن را برگرفت، جبرئیل بود و آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله نشان داد و گفت، این تربت فرزندت حسین است که امتت پس از تو وی را خواهند کشت و آن کس که آن را در مشت گرفت، محمد رسول خدا صلی الله علیه و آله بود و آن وصیّ که در آن بر نشست، حسین علیه السلام و شهداء کربلا رضی الله عنهم باشند. عرض کردم: فدایت گردم !!

1- . عیون أخبار الرضا: 1 : 104 ضمن روایتی طولانی

درمان هر درد را میفهمم چه سان است، اما ایمنی از هر خوف و نگرانی چگونه است؟ پس فرمود: چون از سلطانی یا غیر سلطانی هراسان باشی، از خانه خود بیرون مرو، مگر اینکه همراه خود از تربت قبر حسین علیه السلام داشته باشی و چنین میگویی: خداوندا من این تربت را از قبر ولی تو و فرزند ولیّ تو برگرفته ام، پس آن را برای من مایه امنیت و نگاهداشت از آنچه مرا میترساند و نمیترساند، قرار ده؛ چرا که این تربت، چه بسا آنچه را که انسان از آن نترسد دفع میکند حارث بن مغیره گوید چنان که فرمود از آن تربت برداشتم و آنچه فرمود را گفتم و بدنم سالم گشت و چنان که امام صادق علیه السلام فرمود، مایه امنیت من از هر آنچه از آن می ترسیدم و نمیترسیدم، گشت و با وجود آن به شکر خدا هیچ ناخوشایندی و ناپسندی ندیدم. (1)

3. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

4. امالی طوسی: ابی اسامه گوید: با شماری از یارانمان در محضر سرورمان امام صادق علیه السلام بودیم؛ ایشان رو به ما نمود و فرمود: خدای تعالی تربت جدم حسین علیه السلام را شفای از هر درد و ایمنی از هر ترس و نگرانی قرار داده و اگر کسی خواست از آن برگیرد، پس آن را ببوسد و بر چشمش نهد و بر دیگر اعضای جسمش عبور دهد و بگوید: خداوندا، به حق این تربت و به حق آنکه در آن فرود آمد و در آن مدفون گشت و به حق پدر و مادر و برادرش و امامان از نسل او و به حق فرشتگانی که پیرامون وی را فراگرفته اند، چنان کن که جز شفایم از هر بیماری و بهبودی از هر مرض و نجات از هر آفت و ایمنی از هر آنچه از آن بیمناکم و حذر میکنم، در آن نباشد و سپس آن را استفاده نماید. ابو اسامه گوید: من آن را از مدتها پیش چنان که امام صادق علیه السلام فرمود و توصیف نمود، استفاده میکنم و شکر خدا به هیچ امر ناخوشایندی دچار نشده ام. (3)

1- . أمالی الطوسی: 1 : 325 چاپ نجف اشر
2- . التهذیب: 6 : 74
3- . أمالی الطوسی: 1 : 326

5. مصباح الزائر: نظیر همین روایت هم از وی نقل شده است. (1)

6. مکارم الاخلاق: از امام صادق علیه السلام درباره کیفیت استفاده از تربت پرسیدند و حضرت فرمود: اگر کسی بخواهد تربت استفاده کند، با سر انگشت خود از آن بردارد و اندازه اش به میزان یک نخود باشد و آن را ببوسد و بر چشمانش گذارد ... تا پایان آن ذکر و دعایی که پیش از این گذشت. (2)

7. امالی طوسی: سعد بن سعد گوید: از امام رضا علیه السلام درباره تربتی خوردنی - تربتی که مردم میخورند - پرسیدم. فرمود: خوردن هر تربتی چون گوشت مردار و خون و هر آنچه که با ذکر نام غیر خدا ذبح شده باشد، حرام است مگر تربت قبر حسین علیه السلام، چرا که شفای هر دردی است. (3)

8. علل الشرائع: امام صادق علیه السلام: هر که تربت کوفه را بخورد، به حق که گوشت مردمان را خورده است، چرا که کوفه درختزاری بود و اطراف آن گورستان بود و امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که خاک بخورد، ملعون است. (4)

مؤلف: برخی اخبار در ابواب تاریخ حسین علیه السلام ذکر گشت.

9. کامل الزیارات: محمد بن مسلم گوید: به سمت مدینه روانه شدم و درد شدیدی داشتم. به امام باقر علیه السلام عرض کردند که محمد بن مسلم درد شدیدی دارد و حضرت علیه السلام به دست نوکرش، نوشیدنیای که با دستمالی پوشانده شده بود، برایم فرستاد و غلام آن را به من نوشاند و گفت: آن را بنوش که مرا دستور فرموده تا همچنان نزدت بمانم تا آن را بنوشی. پس آن را گرفتم و دیدم که بوی مشک از آن میآید و نوشیدنی گوارا و خوش طعم و خنکی است و چون آن را سر کشیدم، غلام به من گفت: سرورم فرمود: چون نوشیدی نزد ما بیا. و من به این سخن او میاندیشیدم و پیش از آن با کمک یک مرد توان برخاستن نداشتم، و چون

1- . مصباح الزائر : 137
2- . مکارم الأخلاق : 189 چاپ ایران به سال 1376

3- . أمالى الطوسى: 1 : 326
4- . علل الشرائع : 533

آن نوشیدنی در درونم جایگیر گشت، گویی که چون شتری از زانوبند رهایی یافته باشم، پس به در خانه اش آمده و اجازه خواستم و ایشان بلند فرمودند که تن سالم گشت، وارد شو. پس به حال گریه وارد شدم و بر او سلام داده و دست و سرش را بوسیدم و حضرت مرا فرمود که چرا گریه میکنی ای محمد!؟ گفتم: جانم به فدایت از غربت و دوری بسیار و کم توانی از سکونت در همسایگی شما تا نظر به روی شما داشته باشم. فرمود: درباره کم توانی، خداوند یاران و دوستداران ما را چنین سرشته و بلا را به ایشان نزدیک داشته است، و اما درباره غربتی که گفتی، بدان که مؤمن در این دنیا و میان این مردم وارونه حال، غریب است تا آنکه از این خانه به سایه رحمت الهی رخت بربندد، و اما درباره دوری بسیار، هان که تو را الگو امام حسین علیه السلام است که در سرزمینی دور از ما، در فرات است، و آنچه که درباره محبت به ما و نگریستن به ما و اینکه امکان آن را نداری، هان که خدا آنچه در دلت هست را میداند و پاداشت بر پایه همان است که دلت هست. سپس مرا گفت که آیا به مزار حسین میروی؟ گفتم: آری با ترس و دلهره. پس فرمود: هر چه این کار برایت سخت تر باشد، ثواب آن به میزان همان بیم و نگرانی اش است، پس هر که در راه آمدنش، با ترس و نگرانی مواجه شود، خداوند آن روز که مردمان در محضر پروردگار جهانیان بایستند ترس و هیبت ایشان را به ایمنی بدل سازد و با مغفرت از حسابرسی بازگردد و فرشتگان بر او درود گویند و پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار وی آید تا ببیند در چه حال است و برای او دعا میکند و او با نعمت و فضلی از جانب پروردگار که هیچ خدشه نپذیرد باز گردد و رضوان الهی را جویا گردد. سپس مرا گفت که آن نوشیدنی چطور بود؟ گفتم: گواهی میدهم که شما اهل بیت رحمت هستید و شما وصی اوصیاء هستید. به حق که غلام آنچه را فرستاده بودید آورد، حال آنکه من توان آن را نداشتم که بر پاهای خود برخیزم و از خود نومید شده بودم و او آن نوشیدنی را به من داد و آن را نوشیدم و هرگز بویی چون آن به مشامم نخورده بود و گواراتر از مزه و خنک تر از آن نچشیده بودم. و چون آن را نوشیدم، غلام گفت که وی مرا فرموده تا به تو بگویم که چون نوشیدی به سوی ما روانه گرد، حال آنکه شما شدت درد مرا میدانستید. پس گفتم به حتم که

به نزد او خواهم رفت، حتی اگر جانم از کف رود. پس به سوی شما روانه گشتم و گویی شتری که از زانوبند رها شده باشد، شتابان آمدم و حمد خدای راست که شما را رحمتی برای پیروانتان قرار داد. پس فرمود: ای محمد! در آنچه نوشیدی، از تربت پدرانم درآمیخته شده بود و این از بهترین داروهای شفابخش است و مپندار که هیچ دارویی با آن برابر است، که ما آن را به فرزندانمان و همسرانمان میخورانیم و تمام خیر را در آن دیده ایم. پس عرض کردم: فدایت گردم! ما هم از آن برگیریم و به آن شفا جوییم؟ فرمود: فرد آن را برداشته و از حرم بیرون میبرد، حال آنکه آن را پنهان نکرده و بر هیچ جن بیمار و علیلی و نه هیچ جانور و چیزی دیگری که آفتی دارد، نمیگذرد مگر آنکه آن را میبوید و برکت آن میرود و به دیگران میرسد و این تربتی که ما با آن خود را درمان میکنیم، چنین نیست؛ و اگر آنچه که ذکر کردم، در بین نباشد، به هیچ چیز مالیده نشود و چیزی از آن نوشیده نشود، مگر آنکه همان لحظه سلامتی یابد و این تربت دقیقاً همچون حجر الاسود است که معلولان و کافران و اهل جاهلیت به کنار آن میآمدند و احدی دست و سر به آن نمیمالید مگر آنکه به حال طبیعی و سلامتش بازمی گشت. فرمود: آن، چون سفیدی یاقوت بود و کم کم سیاه شد تا آنکه اینسان که میبینی گشت. گفتم فدایت گردم، چطور آن را استفاده کنم؟ فرمود: تو با آشکار کردن آن، همان کاری که دیگران میکنند را خواهی کرد. آن را کوچک شمرده و در خورجین و به میان چیزهای آلوده میاندازی و آنچه که تو بدان چشمداشت داری، از آن زدوده میگردد. عرض کردم: راست میگویی فدایت گردم. فرمود: کسی آن را با خود بر نمیگیرد مگر آنکه خود آگاه نیست که چه چیز با ارزشی برگرفته و بنابراین تقریباً کسی از مردم با آن سلامتی نمییابد. گفتم: فدایت گردم: چگونه باید آن را آنسان که شما برمیدارید، برگیرم؟ فرمود: قدری از آن به تو بدهم؟ گفتم: آری. فرمود: وقتی آن را برمیداری، چطور با آن برخورد میکنی؟ گفتم: آن را با خود میبرم. فرمود: آن را در چه ظرفی میگذاری؟ گفتم: در لباسم. فرمود: به همان رفتاری که قبلا میکردی، برگشتی. هر آنچه نیاز داری نزد ما بنوش و با خودت مبر، که در دست تو خالص نمیماند، پس مرا دو بار

از آن نوشاند تا احساس نمیکردم، چیزی از دردهایی که داشتم، باقی مانده است؛ تا آنکه بازگشتم. (1)

10. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: اگر بیماری از مؤمنین، حق ابا عبدالله حسین بن علی صلوات الله علیهما را شناخته و به حرمت و ولایت او اعتراف داشته باشد، از تربت قبر او به اندازه سرانگشتی بردارد، دوای دردش خواهد بود. (2)

11. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده و در پایان آن میافزاید: و شفاء.(3)

12. کامل الزیارات: ابن ابی یعفور گوید که به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فردی از تربت مقبره حسین علیه السلام بر میدارد و از آن بهره میبرد و دیگری برمیگیرد و بهره ای از آن نصیبش نمیگردد. فرمود: نه! به خدایی که جز او خدایی نیست، کسی آن را با باور به اینکه خداوند به واسطه آن او را بهره ای میرساند بر نمیگیرد، مگر آنکه خداوند او را بهرمند گرداند. (4)

13. مکارم الاخلاق: نظیر همین روایت به نقل از وی روایت شده است. (5)

14. الکافی: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

15. کامل الزیارات: ابی عبدالله برقی از یکی از شیعیان روایت میکند: زنی، نخی رشته شده را به من داد و گفت: آن را در مکه تحویل بده تا با آن پرده کعبه را بدوزند. گوید: نخواستم که آن را به دربانانی که ایشان را می شناختم بدهم و چون به مدینه رفتیم به نزد امام باقر علیه السلام رفته و عرض کردم: فدایت گردم، زنی نخ رشته ای را به من داد و گفت که در مکه تحویلش بده تا با آن پرده کعبه را بدوزند و من خوش نداشتم آن را به دربانان بدهم. فرمود: با آن عسل و زعفران بخر و از تربت قبر حسن علیه السلام بردار و آن را با آب باران درآمیز و قدری عسل و

1- . کامل الزیارات : 275

2- . كامل الزيارات : 277
3- . مصباح الطوسى : 510
4- . كامل الزيارات : 274
5- . مكارم الأخلاق : 189
6- . الكافى 4 : 588

زعفران در آن بریز و آن را میان شیعیان پخش کن تا بیمارانشان را به آن مداوا نمایند. (1)

16. المحاسن: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

17. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: تربت قبر حسین شفای هر مرضی است. (3)

18. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: در تربت قبر حسین علیه السلام شفای هر دردی است و این برترین داروست. (4)

19. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

20. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: در تربت قبر حسین علیه السلام، شفاست، حتی اگر با قبر یک میل (بیش از یک فرسخ) فاصله داشته باشد. (6)

21. مکارم الاخلاق: نظیر همین روایت از او علیه السلام روایت شده است. (7)

22. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که به بیماری دچار گردد و با تربت قبر حسین علیه السلام مداوا نماید، خداوند او را از آن بیماری شفا میبخشد مگر آنکه مرض مرگ باشد. (8)

توضیح: «السّام» یعنی مرگ.

23. کامل الزیارات: محمد بن عیسی از مردی روایت میکند که گفت: ابا الحسن، امام رضا علیه السلام از خراسان برایم لباسهایی بسته بندی شده فرستاد و میان آنها تربتی بود و من به فرستاده گفتم: این چیست؟ گفت: این تربت قبر حسین

1- . کامل الزیارات : 274
2- . المحاسن: 2 : 500 چاپ ایران
3- . کامل الزیارات : 275

4- . كامل الزيارات : 275
5- . مصباح الطوسى : 510
6- . كامل الزيارات : 275
7- . مكارم الأخلاق : 189
8- . كامل الزيارات : 275

علیه السلام است و وی تقریباً هیچ لباسی یا چیز دیگری نمیفرستد مگر آنکه در آن از این تربت میگذارد و میفرمود که این به اذن خدا ایمنی است. (1)

توضیح: فیروز آبادی گوید: «رزمه» با کسره، چیزی است که در یک پارچه بسته شده است.

24. کامل الزیارات: حسین بن ابی علاء گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: کام فرزندان خود را با تربت حسین بردارید که ایمنی است. (2)

25. المصباحین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

26. کامل الزیارات: ابی یسع روایت کرد که مردی از امام صادق علیه السلام سؤال نمود و من می شنیدم. گفت: از تربت قبر حسین برمیدارم و آن را نزد خود دارم و از آن برکت میجویم. فرمود: مشکلی ندارد.(4)

27. کامل الزیارات: محمد بن زیاد از عمه اش روایت میکند که گفت: شنیدم که امام صادق علیه السلام میفرمود: همانا در تربت حرم که حسین علیه السلام در آن آرمیده است، شفای هر بیماری و ایمنی از هر ترسی است. (5)

28. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

29. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: اگر برای بیماری از مومنان که به حق ابا عبدالله حسین بن علی و حرمت و ولایت وی اعتراف داشته باشد، قدری از تربت وی با فاصله یک میل تا قبر بردارند، برایش درمان و شفاء خواهد بود. (7)

30. کامل الزیارات: یونس بن رفیع از امام صادق علیه السلام روایت میکند که فرمود: همانا در کنار سر حسین بن علیه السلام تربتی سرخ است که در آن شفای هر مرضی هست مگر مرگ. گوید: پس از آنکه این حدیث را شنیدیم به کنار مزار

1- . كامل الزيارات : 278
2- . كامل الزيارات : 278
3- . مصباح الطوسى : 510
4- . كامل الزيارات : 278
5- . كامل الزيارات : 278
6- . كامل الزيارات : 279
7- . كامل الزيارات : 279

آمدم و در کنار سر حسین علیه السلام زمین را به اندازه یک ذراع حفر کردیم، که از کنار سر حضرت گلی شبیه گل رُسی، سرخ رنگ و به اندازه یک درهم، یافتیم و آن را به کوفه بردیم و آن را درآمیختیم (به آب و ..) و آن را به مردم دادیم و بیماریهاشان را با آن مداوا کردند. (1)

31. الکافی: نظیر همین روایت به سندی دیگر را روایت میکند. (2)

توضیح: فیروزآبادی گفته: «سِهله» یعنی خاک، مانند ریگی که با آب میآید.

32. کامل الزیارات: ثمالی از امام صادق علیه السلام روایت کند: در مکه بودم و حضرت این حدیث را ذکر نمود. عرض کردم: فدایت گردم، اصحاب شیعه را دیده ام که از تربت حسین برداشته و از آن شفاء میجویند، آیا شفایی که به آن باور دارند، در آن هست. گوید فرمود: از تربت میان مقبره او تا فاصله چهار میل، شفاء میجویند و همچنین از تربت مقبره جدم رسول خدا و همچنین تربت مزار حسن و علی و محمد علیهم السلام. پس از آن برگیر که شفای از هر درد و ناراحتی و سپری در برابر هر ترس و نگرانی است و هیچ چیز از جمله اموری که بدان شفاء جویند با آن برابری نمیکند مگر دعاء، و بدان که آنچه از ظرفش به آن درآمیزد، آن را تباه میسازد و نیز یقین اندک آن کس که بدان مداوا مینماید؛ ولی کسی که یقین دارد که تربت برای او شفاست، اگر با آن بیماریاش را معالجه کند، این تربت او را کفایت میکند و نیازی به مداوای دیگر چیزها ندارد. و شیاطین و جن اهل کفر که خود را به آن میمالند، آن را تباه میگردانند و بر هیچ چیز نمیگذرد مگر آنکه آن را میبوید و اما شیاطین و جنیان کافر، به خاطر آن بر بنی بشر حسادت ورزیده و خود را به آن میمالند، به طوری که تمام پاکی و نیکی آن از بین میرود و آن را از حرم خارج نکنند مگر آنکه تعداد بی شماری از ایشان برای تباه کردن آن آماده باشند و به خدا که این تربت حتی اگر در دست صاحبش هم باشد، ایشان خود را به آن میمالند ولی با وجود فرشتگان، نمیتوانند وارد حرم شوند و اگر چیزی از این تربت سالم بماند، کسی به آن مداوا ننماید مگر آنکه همان ساعت بهبودی یابد. و چون آن

1- . کامل الزیارات : 279
2- . الکافی: 4 : 588

را برداشتی، پنهانش کن و بسیار بر آن ذکر خدای عز و جل بگو و شنیدهام که برخی کسان که از آن برمیدارند، آن را کوچک شمرده و برخی آن را به درون توبره اسب و خر و شترشان و یا در ظرف غذا یا دستمالی که دستشان را از آلودگی غذا پاک میکنند و یا در خورجین و ظرف حصیری میاندازند، پس چگونه به آن شفاء جوید کسی که درباره آن چنین برخوردی میکند، بلکه قلب بی یقین کسی که آن را کم ارزش می شمارد، این عمل او را برایش تباه میسازد. (1)

توضیح: آنچه در این خبر از جواز شفاء یافتن با تربتی غیر تربت حسین علیه السلام آمده، مخالف دیگر اخبار و اعتقاد اصحاب شیعه است و شاید حمل بر شفاء یابی بدون خوردن باشد نظیر اینکه آن را به بدن مالند یا همراه خود داشته باشند.

33. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: اگر کسی از شما از تربت قبر حسین علیه السلام گرفت (تا بخورد)، باید بگوید: خداوندا، به حق فرشته ای که این تربت را بر دست گرفت و پیامبری که آن را فراهم نمود و آن وصیّ که در آن جای گرفت، آن را شفای از هر دردِ فلان و فلان قرار دهی و آن بیماری را نام میبرد. (2)

34. المصباحین: نظیر همین روایت را به سندی دیگر روایت نموده و در آن آمده: به حق فرشته ای که برداشت و پیامبری که فرو فرستاد. و روایت ابن قولویه درست تر است. (3)

35. کامل الزیارات: امام باقر علیه السلام: چون ترتب را برداشتی بگو: خداوندا به حق این تربت و به حق فرشته ای که مامور آن گشته و به حق فرشته ای که آن را زیر و رو نمود و به حق وصی ای که در آن است، بر محمد و خاندان محمد درود فرست و این تربت را شفای از هر دردی قرار ده و ایمنی از هر ترسی. و اگر چنین کند، به حتم برای او شفای از هر بیماری و ایمنی از هر ترسی خواهد بود. (4)

1- . کامل الزیارات : 280
2- . کامل الزیارات : 280
3- . مصباح الطوسی : 511

4- . كامل الزيارات : 280

توضیح: «کربها» یعنی آن را حفر کرد، از این گفته ایشان: «کربتُ الأرض» یعنی آن را برای شخم زدن واژگون کردم. ممکن است با تشدید راء باشد و باء برای تعدیه باشد، یعنی آن را گرفت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله باز گرداند، چنان که در سایر ادعیه هست.

36. الکافی، کامل الزیارات: محمد بن علی علیه السلام فرمود: ختم بر تربت حسین علیه السلام آن است که بر آن سوره (انا انزلناه فی لیله القدر) را بخوانند. (1)

37. و روایت شده که چون آن را برداشتی بگو: به نام خدا، پروردگارا به حق این تربت پاک و به حق این بقعه مبارکه طیب و طاهر و به حق وصیای که در آن مدفون گشته و به حق جدش و پدرش و برادرش و فرشتگانی که پیرامون وی را گرفتهاند و فرشتگانی که بر قبر ولیّ تو درنشسته اند و منتظر یاری نمودن وی، که درود بر همه ایشان باد، میباشند؛ شفای از هر دردی و ایمنی از هر ترسی و بی نیازی و غنا در برابر هر تهیدستی و فقری و سرفرازی و عزت در برابر هر خواری و ذلتی را در این تربت قرار ده و به واسطه آن روزی ام را گسترده گردان و بدنم را سالم گردان.1

38. مصباح الزائر: نظیر همین روایت به سندی دیگر را روایت نموده است. (2)

39. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: اگر خواستی که تربت مزار حسین علیه السلام را با خود برداری، فاتحه الکتاب و معوذتین و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیله القدر و یاسین و آیه الکرسی را بخوان و بگو: خداوندا به حق محمد، بنده و حبیب و نبیّ و رسول و امینت و به حق امیر المؤمنین علی بن ابی طالب بنده و برادر رسولت و به حق فاطمه دختر پیامبرت و همسر ولیّات و به حق حسن و حسین و به حق ائمه راشدین و به حق این تربت و به حق فرشته مامور به آن و به حق وصی ای که در آن است و به حق آن پیکری که در آن آرمیده و به حق نوه پیامبری که در آن جای گرفته و به حق همه فرشتگان و پیامبران و فرستادگانت، بر محمد و آل او درود فرست و این تربت را شفای من و

1- . الكافى: 4 : 588 و كامل الزيارات : 281
2- . مصباح الزائر : 137

هر که به آن شفاء میجوید، از هر درد و بیماری و مرضی و ایمنی از هر نگرانی قرار ده. خداوندا به حق محمد و اهل بیت او، آن را دانشی سودمند و روزی گسترده و شفای از هر بیماری و مرض و آفت و علیلی و هر دردی قرار ده که تو بر هر کاری توانایی.

و میگویی: خداوندا، ای پروردگار این خاک مبارک مطهر و خداوند فرشته ای که آن را فرود آورد و وصی ای که در آن آرمیده است، بر محمد و آل محمد درود و سلام فرست و مرا به آن بهرمند ساز که تو بر هر کاری توانایی. (1)

40. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: تربت مزار حسین علیه السلام شفای از هر دردی است و چون آن را خوردی بگو: بسم الله و بالله ، خداوندا آن را روزی گسترده و دانش سودمند و شفای از هر بیماری قرار ده که تو بر هر کاری توانایی. (2)

41. کامل الزیارات: محمد بن عیسی روایت نمود که حضرت علیه السلام فرمود: چون آن را خوردی میگویی: خداوندا، ای پروردگار این تربت مبارک و پروردگار این وصی که در دل این خاک است، بر محمد و آل محمد درود فرست و آن را دانشی سودمند و روزی گسترده و شفای از هر بیماری قرار ده. (3)

42. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون از تربت مظلوم برگرفتی و آن را در دهان نهادی، بگو: خداوندا به حق این تربت و به حق فرشته ای که آن را در مشت گرفت و پیامبری که آن را در حصن نگاهداشت خود قرار داد و امامی که در آن است، از تو درخواست میکنم که بر محمد و آل محمد درود فرست و در آن مرا شفایی سودمند و روزی گسترده و ایمنی از هر ترس و مرض قرار ده. و هر که این سخن را گوید، خداوند به او شفا و عافیت بخشد. (4)

1- . کامل الزیارات : 283
2- . کامل الزیارات : 284
3- . کامل الزیارات : 284
4- . کامل الزیارات : 284

43. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر تربتی چون گوشت خوک حرام است و هر کس خاک بخورد و به خاطر آن بمیرد، هرگز بر او نماز نمیگزارم، مگر تربت قبر حسین علیه السلام که شفای از هر بیماری است، و هر که به خاطر میل و اشتهاء از آن بخورد، در آن شفایی نیست. (1)

44. علل الشرائع: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

45. کامل الزیارات: سعد بن سعد گوید: از ابا الحسن علیه السلام درباره تربت پرسیدم و فرمود: خوردن تربت مثل خوردن مردار و گوشت خوک حرام است مگر آنکه تربت امام حسین علیه السلام باشد، چرا که در آن شفای از هر بیماری و ایمنی از هر ترسی است. (3)

46. کامل الزیارات: علی بن حسن بن فضال از پدرش از یکی از شیعیان از یکی از دو امام باقر یا صادق علیهما السلام روایت میکند که فرمود: خداوند تبارک و تعالی آدم را از خاک آفرید و خوردن خاک را بر فرزندانش حرام نمود. گوید: گفتم که درباره تربت مزار حسین علیه السلام چه میفرمایید؟ فرمود: خوردن گوشت مردمان بر ایشان حرام است و خوردن گوشت ما بر ایشان حلال است ولی به اندازه کمی، حدود یک نخود (از خاکِ آن). (4)

47. مصباح الزائر: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

48. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر خاکی بر انسان حرام است مگر تربت قبر امام حسین علیه السلام که هر که به خاطر دردی آن را بخورد، خداوند او را شفا میبخشد. (6)

49. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که تربت حسین علیه السلام را بفروشد، به راستی که گوشت حسین علیه السلام را فروخته و میخرد. (7)

1- . کامل الزیارات (نفس المصدر): 285

2- . علل الشرائع : 532 چاپ نجف اشرف
3- . كامل الزيارات : 285
4- . كامل الزيارات : 285
5- . مصباح الطوسىّ : 510 و مصباح الزائر : 136
6- . كامل الزيارات : 286
7- . كامل الزيارات : 286

50. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: تربت مزار حسین علیه السلام را از کنار قبر تا هفتاد ذراع آن طرف تر برمیگیرند. (1)

51. الکافی: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

52. المصباحین: نظیر همین روایت از وی علیه السلام نقل شده است. (3)

53. مصباح الزائر: نظیر همین روایت از وی نقل شده است. (4)

54. مصباح الزائر: در ادامه همین روایت میگوید و در حدیث دیگری روایت شده که: به مقدار چهار میل و روایت شده که یک فرسخ در یک فرسخ. (5)

55. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: تربت حسین علیه السلام را از کنار قبر او تا فاصله هفتاد باع در هفتاد باع بردارند. (6)

56. کامل الزیارات: ابی بکار گوید: از تربتی که کنار سر حسین بن علی علیه السلام است، گلی سرخ برداشتم و به نزد امام رضا علیه السلام رفتم و آن را به ایشان دادم و حضرت آن را در دست گرفت و بویید و گریست تا اشکهایش جاری گشت و سپس فرمود: این تربت جدم است. (7)

57. فقه الرضا علیه السلام. تربت قبر ابا عبد الله حسین علیه السلام شفای هر بیماری و ایمنی از هر ترسی است. (8)

58. و هم از وی علیه السلام روایت میکنم که فرمود: تربت قبر ابا عبد الله علیه السلام شفای هر مرضی است مگر سام، و سام همان مرگ است. (9)

1- . نفس المصدر : 279 و در آن به جای باع ذراع آمده است
2- . الکافی 4 : 588
3- . مصباح الطوسی : 510
4- . مصباح الزائر : 136
5- . مصباح الزائر : 136

6- . کامل الزیارات : 281. و هر باع برابر با اندازه فاصله بین سر انگشتان دست در حالت آغوش گشاده است
7- . کامل الزیارات : 283
8- . فقه الرضا(ع) : 46
9- . فقه الرضا(ع) : 46

59. طب الائمه: ابا جعفر امام باقر علیه السلام: تربت قبر حسین علیه السلام شفای هر بیماری و ایمنی از هر ترسی است و درمان هر آن چیزی است که به خاطرش آن را برگیرند. (1)

60. مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السلام: همانا که تربت قبر حسین علیه السلام مُشکی مبارک است که هر که از شیعه ما آن را بخورد، برایش شفای از هر بیماری باشد و هر که از دشمنانمان آن را بخورد، همچون پی که ذوب میشود، بدنش ذوب گردد. و چون از تربت قبر حسین علیه السلام خوردی، بگو: پروردگارا من به حق فرشته ای که آن را در مشت گرفت، و به حق پیامبری که آن را نزد خود نگه داشت و به حق وصی ای که در آن است، از تو مسألت میکنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و آن را برایم شفای از هر بیماری و عافیت از هر بلاء و ایمنی از هر ترسی قرار دهی. به لطف و رحمتت ای مهربانترین مهربانان و سلام و درود خدا بر محمد و آل محمد. و نیز میگویی: خداوندا من گواهی میدهم که این ترتب، تربت ولیّ تو صلوات الله علیه است و گواهی میدهم که این شفای از هر بیماری و ایمنی از هر ترسی است برای هر کس از خلقت که خواهی، و من به لطف و رحمتت گواهی میدهم که هر آنچه درباره ایشان گفته شده است، تنها همان حق از جانب تو است و راست گفتند فرستادگان. (2)

توضیح: گفته آن حضرت: «مسکه مبارکه»، فیروزآبادی گفته: «مُسکه: آن جیزی است که به آن متمسک میشوند و غذا و نوشیدنی که بدنها را نگاه میدارد و آنچه که با آن، این طعام و شراب به بدن میرسد. پایان گفته وی. میگویم: ممکن است با کسره هم خوانده شود، برای اشاره به خوشی رایحه آن.

61. التهذیب: حسن بن علی بن شعیب صائغ از یکی از یاران ابی الحسن امام موسی کاظم علیه السلام روایت کند که گفت: بر امام وارد شدم و حضرت فرمود: پیروان ما از چهار چیز بی نیاز نیستند: پارچه ای که بر آن نماز گزارند و انگشتری که بر دست کنند و مسواکی که با آن دهان شویند و تسبیحی از تربت ابا عبد الله

1- . طبّ الأئمّه : 52 چاپ نجف

2- . مكارم الأخلاق : 189

حسین علیه السلام که سی و سه دانه داشته باشد و زمانی که با گفتن ذکر خدا آن را میان دستش بچرخاند، برای او به هر دانه ای چهل حسنه نوشته می شود و چون بدون ذکر آن را در دست بگرداند، خداوند برای او بیست حسنه مینویسد. (1)

62. و هم از او از پدرش از محمد حمیری روایت میکند که گفت: به فقیه(منظور امام است که از روی تقیه چنین میگفتند) نامه ای نوشتم و پرسیدم، آیا جایز است انسان با تربت قبر حسین علیه السلام تسبیح گوید و آیا فضلی دارد. پس پاسخ فرمود و من نوشته امضاء شده حضرت را خواندم و از همان نقل نمودم که: با آن تسبیح میگویی و هیچ ذکر گفتنی از آن بهتر نخواهد بود و از فضل آن اینکه، تسبیح گوی، ذکر گفتنش را فراموش میکند و تسبیح را در دست میچرخاند و همان به عنوان ذکرگویی برایش نوشته می شود. (2)

63. گوید: و به وی نامه ای نوشتم و درباره تربت حسین علیه السلام که همراه با مرده در قبرش گذارند، پرسیدم که آیا این امر جایز است یا نه؟ جواب فرمودند و من نامه امضاء شده ایشان را خواندم و از همان نقل کردم که: به همراه میت در قبرش گذاشته می شود و با کافور او درآمیخته می شود، ان شاء الله. (3)

64. مولف المزار الکبیر به اسنادی از امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام روایت میکند که فرمود: همانا فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله، تسبیحی از نخ پشمین بافته شده گره خورده بر آن به شمار اللهاکبرها داشت و حضرت علیها السلام آن را در دست میگرداند و الله اکبر و سبحان الله میگفت تا آنکه حمزه بن عبدالمطلب کشته شد و او تربت وی را برگرفت و با آن تسبیح هایی ساخت و مردم نیز از تربت او تسبیح ساختند، و چون حسین صلوات الله علیه شهید شد، این امر به وی عدول داده شد و تربت او را به خاطر فضل و مزیتی که دارد، استفاده نمودند. (4)

1- . التهذیب 6 : 75
2- . التهذیب 6 : 75
3- . التهذیب 6 : 76

4- . المزار الكبير : 119

65. و به سندی دیگر از ابی الحسن امام رضا علیه السلام روایت میکند که فرمود: هر که تسبیح ساخته از تربت را در دست بگرداند و با هر دانه آن بگوید: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر، خداوند در برابر آن برایش شش هزار حسنه نویسد و شش هزار سیئه را بزداید و شش هزار درجه بر درجات وی بیفزاید و نظیر همین برایش شفاعت ثبت نماید. (1)

66. در کتاب حسن بن محبوب آمده است که از امام صادق علیه السلام درباره استفاده از هر دو تربت یعنی از قبر حمزه و از قبر حسین علیه السلام و برتری آنها بر یکدیگر پرسیدند و حضرت فرمود: تسبیحی که از تربت قبر حسین علیه السلام است، در دست فرد بدون آنکه لبش ذکرگو باشد، ذکر میگوید. گوید و گفت: امام صادق علیه السلام را دیدم که تسبیحی از تربت حسین علیه السلام در دستش بود و درباره آن (و علت برگزیدن آن بر تسبیح ساخته از تربت حمزه) از ایشان سؤال نمودند و فرمود: به این بیشتر عادت دارم. یا فرمود: این برایم آسان تر است. (2)

توضیح: گفته آن حضرت: «فی ذلک» یعنی پرسیده شد چرا گِل قبر حسین علیه السلام را بر حمزه ترجیح داده است؟ حضرت پاسخ داد به آن عادت بیشتری دارد یا بازگشتن به آن در صورت گم کردن، راحتتر است و یا آن که از روی تقیه فرموده است، برای من سبکتر است.

67. در المزار الکبیر گوید: و روایت شده که حوریان بهشتی چون ببینند که یکی از فرشتگان برای امری در حال فرود آمدن به سمت زمین است، از او تسبیح ها و تربتهایی از تربت قبر حسین علیه السلام به هدیه می طلبند. (3)

68. از امام صادق علیه السلام روایت شد که فرمود: تسبیح های آبی در دستان پیروان ما همچون نخهای آبی در لباسهای بنی اسرائیل است. خداوند عز و

1- . المزار الکبیر : 119
2- . المزار الکبیر : 119
3- . المزار الکبیر : 119

جل به موسی وحی نمود که به بنی اسرائیل دستور بده که در چهار گوشه لباسهاشان نخهای آبی رنگ را برنهند و با آن پروردگار آسمان را یاد کنند. (1)

توضیح: چنان که برمیآید، گویی دانه های تسبیح آبی باشد و شاید هم منظور آن است - چنان که گفته اند - نخهای آن آبی باشد.

69. المصباحین: محمد بن جمهور عمی از یکی از یارانش روایت میکند: از جعفر بن محمد علیه السلام درباره تربت ارمنی که برای شکسته بندی استفاده می شود، پرسیده شد که آیا استفاده از آن جایز است. فرمود: ایرادی ندارد، هان که آن از تربت قبر ذی القرنین است و تربت قبر حسین بن علی علیه السلام برتر از آن است. (2)

70. المصباحین: امام صادق علیه السلام: تربت قبر حسین علیه السلام شفای از هر بیماری است و چون خواستی از آن بخوری بگو: بسم الله و بالله. خداوندا آن را (مایه) روزی فراوان و دانش سودمند و شفاء از هر بیماری قرار ده که تو بر هر کاری توانایی. خدایا ای پروردگار این تربت مبارک و پروردگار این وصی که در این تربت نهان گشته، بر محمد و آل محمد درود فرست و این تربت را شفای از هر بیماری و ایمنی از هر ترسی قرار ده. (3)

71. مصباح، امام صادق علیه السلام: هر که بدون قصد شفا گرفتن از تربت قبر حسین علیه السلام بخورد، گویی که از گوشت تن ما خورده است و اگر کسی نیاز پیدا کرد که برای شفا یافتن از آن بخورد، پس بگوید: بسم الله و بالله، خدایا ای پروردگار این تربت مبارک مطهر و ای پروردگار نوری که در آن نازل فرمودی و ای پروردگار پیکری که در آن ساکن گشت و پروردگار فرشتگان مامور به آن، این تربت را برای من شفای از بیماری فلان و فلان قرار ده و پس از آن جرعه ای آب بنوش و بگو: خدایا آن را روزی گسترده و دانشی سودمند و شفای از هر بیماری و

1- . المزار الکبیر : 120
2- . مصباح الطوسی : 510
3- . مصباح الطوسی : 510

دردی قرار ده که خدای تعالی به واسطه آن هر درد و نگرانی و اندوهی که داری را ان شاء الله برطرف مینماید. (1)

72. مصباح الزائر: نظیر همین روایت هم از وی علیه السلام نقل شده است. (2)

73. مصباح الزائر، المصباحین: روایت شده که مردی از امام صادق علیه السلام پرسید: از شما شنیدم که فرمودید: تربت حسین علیه السلام از داروهای بی همتاست و بر هیچ بیماری نمیگذرد مگر آنکه آن را از بین برد. پس فرمود: چنین است یا چنین گفتم، باری تو را مقصود چیست؟ گفت: من از آن استفاده کردم ولی بهره ای نبردم. فرمود: هان که آن را دعایی است و هر که آن را استفاده کند و دعایش را نخواند، بعید است که از آن بهره ای برد. گفت: وقتی آن را استفاده میکنم چه بگویم؟ فرمود: پیش از هر کار بر آن بوسه میدهی و آن را بر چشمانت مینهی و بیش از اندازه یک نخود از آن نخور و اگر بیش از این اندازه از آن بخورید، گویی که از گوشت و خون ما خورده باشید. و چون خواهی آن را استفاده نمایی بگو: خداوندا به حق فرشته ای که آن را در مشت گرفت و به حق پیامبری که آن را بیانباشت و به حق وصی ای که در آن بیارامید، از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و این تربت را شفای از هر بیماری و ایمنی از هر ترس و نگاهداشتی از هر ناپسندی قرار دهی. و چون این را گفتی، آن را در چیزی بپیچ و بر آن سوره انا انزلناه فی لیله القدر را بخوان، چرا که دعایی که پیش از برگرفتن آن خواندی، جهت کسب اجازه برای برگرفتن آن بود و خواندن انا انزلناه خاتمه آن است.(3)

74. المصباحین: معاویه بن عمار روایت کند: امام صادق علیه السلام پارچه ابریشمین زرد رنگی داشت که در آن تربت امام حسین علیه السلام را نگاه میداشت و چون هنگام نماز می شد آن را بر سجاده اش میریخت و بر آن سجده مینمود.

1- . مصباح الطوسی: 510
2- . مصباح الزائر : 138
3- . مصباح الطوسی : 511 و مصباح الزائر : 136

سپس حضرت علیه السلام فرمود: سجده بر تربت حسین، حجابهای هفتگانه را برمیدرد. (1)

75. المصباحین: ابا الحسن امام کاظم علیه السلام: هیچ یک از شما وقتی که میتی را دفن میکند و بر او خاک میریزد، نیازی نیست مقابل صورتش و یا زیر سرش خشتی از تربت حسین علیه السلام بگذارد.(2)

76. المصباحین: ابا الحسن موسی کاظم علیه السلام: مومن از پنج چیز بی نیاز نیست: مسواک و شانه و سجاده و تسبیحی با سی و چهار دانه و یک انگشتری عقیق. (3)

77. المصباحین: امام صادق علیه السلام: هر که تسبیحی از تربت حسین علیه السلام را در دست بگرداند و یک بار استغفار نماید، خداوند برای او هفتاد بار مینویسد و اگر تسبیح را در دست نگاه داشته و ذکری نگوید، در هر دانه آن هفت بار استغفار برای او نوشته شود. (4)

78. دعوات الراوندی: روایت شده که وقتی علی بن حسین علیه السلام را پیش یزید لعنت الله علیه بردند، قصد نمود تا گردن وی را بزند، پس او را در برابر خود نگاه داشت، در حالی که با او سخن میگفت تا از او استنطاق کند و سخنی از او بشنود که به واسطه آن قتلش را واجب اعلام کند و علی علیه السلام در آنچه که میگفت، پاسخش را میداد، در حالی که در دستش تسبیحی کوچک بود که در حال سخن گفتن با انگشتان میچرخاند. یزید گفت: من با تو صحبت میکنم و تو در حالی که پاسخ میگویی، با انگشتانت تسبیح میچرخانی! چگونه چنین چیزی جایز است؟ پس فرمود: پدرم مرا از جدم حدیث گفت که وی چون نماز ظهر را میخواند و از آن فارغ میگشت، سخنی نمیگفت تا آنکه تسبیحی در دست میگرفت و میفرمود: خداوندا، صبح که بیدار شدم تو را به عدد گرداندن این تسبیحم، تسبیح و

1- . مصباح الطوسی : 511
2- . مصباح الطوسی : 511
3- . مصباح الطوسی: 512
4- . مصباح الطوسی : 512

تمجید و حمد و ثنا نمودم و لا اله الا الله گفتم و تسبیح را برداشته و آن را میچرخاند و سخن دیگری که میخواست - غیر از ذکر گفتن - بر زبان میراند و بیان نمود که این امر پاداش دارد و حرز و امان است تا آنکه به بسترش رود و چون به بستر رفت همان سخن را میگفت و تسبیحش را زیر سرش میگذاشت و هر از گاهی که چنین میکرد، ثوابش برای او محسوب میشد و من نیز در اقتداء به جدم چنین کردم. پس یزید علیه اللعنه به او گفت: با هیچ یک از شما سخن نمیگویم مگر آنکه سخنی میگوید که به نفع اوست و نظر او را ثابت میکند. پس از او درگذشت و بدرفتاری اش را بس نمود و دستور داد آزادش کنند.

79. المصباحین، مصباح الزائر: امام صادق علیه السلام: کام فرزندانتان را به تربت حسین علیه السلام بردارید که امان است. (1)

80. مصباح الزائر: درباره برگرفتن تربت روایت شده که اگر خواستی از آن برگیری، آخر شب برخیز و غسل نما و لباس پاکیزه بپوش و عطر سعد(2) به خود بزن و به حرم وارد شو و کنار سر امام بایست و چهار رکعت نماز بخوان که در اولی یک بار حمد و یازده بار اخلاص و در دومی یک بار حمد و یازده بار قدر و در سومی یک بار حمد و یازده بار اخلاص و در چهارمی یک بار حمد و دوازده بار اذا جاء نصر الله والفتح میخوانی و چون از نماز فارغ شدی به سجده برو و در سجده ات هزار بار بگو: خدایا شکر، خدایا شکر. سپس برمیخیزی و دست بر ضریح میآویزی و میگویی: ای سرور من، ای پسر رسول خدا، من به اذن تو از تربتت برمیگیرم. خداوندا، پس تو آن را برای من و همه مومنان شفای از هر دردی و عزت در برابر هر ذلتی و ایمنی از هر ترسی و بی نیازی در برابر هر تهیدستی قرار ده و با سه انگشت، سه بار برمیگیری و در تکه پارچه ای پاکیزه میگذاری و آن را با انگشتری نقره ای با نگین عقیق که نقش آن ما شاء الله لا قوه الا بالله استغفر الله باشد، مهر مینهی. و اگر خدای تعالی در این کار تو صدق نیت ببیند، با تو در آن سه برگرفتنت، هفت مثقال، نه کمتر و نه بیشتر، همراه میآید و آن را برای هر بیماری

1- . مصباح الطوسیّ : 510
2- . مترجم: گیاهی به نام مشک زمین، توزک، کولان، آبیار سلام

برمیگیری و به وقت نیاز، به اندازه یک نخود از آن به کار میبری و ان شاء الله بهبود خواهی یافت. (1)

81. و در روایت دیگری است: در اولی حمد و یازده بار قل یا ایها الکافرون و در دومی حمد و یازده بار قدر و قنوت میخواند و میگوید: خدایی جز الله نیست از سر عبودیت و بندگی، خدایی جز الله نیست به حق و به راستی، خدایی جز الله نیست و یکتای یکتاست، خدایی که وعده اش را محقق نمود و بنده اش را یاری نمود و احزاب را به تنهایی در هم شکست، پاک و منزه است فرمانروای آسمانهای هفتگانه و زمین های هفتگانه و آنچه میان آنهاست و آنچه در آنهاست و منزه است الله پروردگار عرش عظیم که بر محمد و خاندانش درود فرستد و درود بر فرستادگان، و حمد و ثنا از آن خداوند پروردگار جهانیان است.(2)

و سپس به رکوع و سجده میرود و دو رکعت دیگر را میخواند و در اولی حمد و یازده بار اخلاص و در دومی حمد و یازده بار اذا جاء نصر الله والفتح را خوانده و نظیر قنوت دو رکعت اول، قنوت میگیرد و به رکوع و سجده میرود و همانسان که در روایت اول ذکر شد، عمل میکند. (3)

82. الکتاب العتیق الغروی: چون خواستی از تربت برای مداوا و شفایافتن برداری، پس زاری کن و بگو: بسم الله و بالله به حق این تربت مبارک و به حق وصی ای که در آن آرمیده و به حق جدش و پدرش و مادرش و برادرش و به حق فرزندان راستگویش و به حق فرشتگان نشسته بر کنار قبر او به انتظار یاری کردن او، که بر همه ایشان درود فرست و در آن برای من و خانواده ام و فرزندانم و برادرانم و خواهرانم شفای از هر بیماری و ایمنی از هر نگرانی قرار ده و روزی ما را گسترده نما و تن هایمان را سالم نما که تو بر هر کاری توانایی و تو مهربانترین

1- . مصباح الزائر : 136
2- . (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَ رِقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ مَلِكِ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا فِيهِنَّ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ)

3- . مصباح الزائر : 137

مهربانانی. و خداوند بر محمد و خاندان پاکروان او درود و سلام فرستد. و اگر خواستی میگویی: خداوندا به حق این تربت و به حق فرشته ای که مامور آن است و به حق آن که در آن است و به حق پیامبری که آن را (در خزانه امنش) نگاه داشت، از تو درخواست میکنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و این تربت را ایمنی از هر ترس و شفای هر بیماری و مایه فراوانی روزی قرار دهی که تو بر هر کاری توانایی. و اگر خواستی میگویی: خداوندا به حق آن بالی که آن را برگرفت و دستی که آن را زیر و رو نمود و به حق امام مدفون در آن که بر محمد و آل محمد درود فرستی و آن را برای من مایه شفاء و ایمنی از هر نگرانی قرار دهی.

83. مولف المزار الکبیر از جابر جعفی روایت میکند که گفت: به محضر مولایمان ابی جعفر محمد بن علی باقر علیه السلام رسیدم و از دو بیماری متضاد گلایه نمودم که چون یکی را مداوا میکردم دیگری را مخالف میافتاد؛ کمر درد داشتم و همزمان دل درد. پس فرمود: باید که تربت حسین بن علی علیه السلام را استفاده کنی. گفتم: بسیار از آن استفاده میکنم و افاقه ای نمیکند. جابر گوید: پس در چهره سرور و مولایم متوجه خشم شدم و گفتم ای سرورم، پناه بر خدا میبرم از خشم شما! او برخاست و خشمگین به درون خانه رفت و به اندازه یک دانه در دستش آورد و آن را به من داد. سپس به من گفت که این را استفاده کن ای جابر، پس آن را به کار بردم و همان لحظه سلامت گشتم و گفتم ای مولای من! این که استفاده کردم و در لحظه عافیت یافتم چیست؟ فرمود: همان چیزی که گفتی در تو افاقه ای نکرد. پس گفتم ای مولای من، درباره آن دروغ نگفتم ولی گفتم شاید علمی نزد شما باشد که آن را از شما فراگیرم تا برایم از هر آنچه که خورشید بر آن میتابد، دوست داشتنی تر باشد. پس فرمود: اگر خواستی قدری از تربت برگیری، آخر شب قصد این کار نما و برای اینکار با آبی صاف غسل کن و پاکترین لباسهای پاکیزه ات را به تن کن و به سُعد(1)

خود را معطر کن و به حرم داخل شو و کنار سر امام بایست و چهار رکعت نماز گزار و در رکعت اول حمد و یازده بار قل یا ایها الکافرون و در دومی حمد و یازده بار انا انزلناه فی لیله القدر و قنوت میگیری و

1- . گیاهی به نام گیاه مشک زمین، توزک، کولان، آبیار سلام. [مترجم]

میگویی: خدایی جز الله نیست. حقیقتاً حقیقتاً خدایی جز الله نیست، از سر عبودیت و بندگی. خدایی جز الله نیست و یکتای یکتاست، خدایی که وعده اش را محقق نمود و بنده اش را یاری نمود و احزاب را به تنهایی در هم شکست. منزه است فرمانروای آسمانها و آنچه در آنهاست و در میان آنهاست. منزه است الله پروردگار صاحب عرش عظیم و حمد و ثنا از آن خدای پروردگار جهانیان است. سپس به رکوع و سجده میروی و دو رکعت دیگر را میخوانی و در اولی حمد و یازده بار قل هو الله احد و در دومی حمد و یازده بار اذا جاء نصر الله و الفتح را میخوانی و مثل دو رکعت اول قنوت میگیری و سپس به سجده شکر میروی و هزار بار شکر میگویی. سپس برمیخیزی و به کنار مقبره حضرت میروی و میگویی ای سرورم، ای فرزند رسول خدا، به اذن تو از تربتت بر میگیرم. خداوندا آن را شفای از هر بیماری و عزت در برابر هر ذلت و ایمنی از هر نگرانی و بی نیازی در برابر هر تهیدستی برای من و همه مردان و زنان مومن قرار ده. پس با سه انگشت سه مرتبه برمیداری و آن را در تکه پارچه ای تمیز یا شیشه ای میریزی و آن را با انگشتری عقیق که بر آن ذکر «ما شاء الله لا قوه الا بالله استغفر الله» باشد، مهر مینهی و اگر خداوند صدق نیت از تو بیند، به همراه انگشتانت در آن سه بار برداشتن، جز هفت مثقال بالا نمیآید و آن را برای هر مرضی با خود برمی گیری، و آن نظیر آنچه دیدی، خواهد بود. (1)

مؤلف: این روایت را از جابر رضی الله عنه به نقل از خط ابن سکون قدّس سرّه، یافتم و نیز در مجمع البحرین در مناقب سبطین به روایتی از او، و در قنوت آن چنین روایت نموده است: پاک و منزه است فرمانروای هفت آسمان و هفت زمین و هر آنکه در آن است و هر آنچه در میان آنهاست. منزه است پروردگار عرش عظیم و صلوات بر محمد و آل محمد و سلام و درود بر ایشان و درود بر فرستادگان و حمد و ثنا از آن الله، پروردگار جهانیان است.

1- . المزار الکبیر : 118- 119

باب هفدهم : در آداب زیارت امام امام حسین علیه السلام چون غسل و نظیر آن

روایات:

1. ثواب الاعمال: امام باقر علیه السلام: ولایت ما بر همه شهرها عرضه گشت و هیچ شهری همچون اهل کوفه آن را نپذیرفت، به این دلیل که مقبره علی علیه السلام در آن بود و در نزدیکی آن نیز قبری دیگر است (و منظور قبر حسین علیه السلام است) و هیچ کسی به نزد او نیاید و دو یا چهار رکعت نزد وی نماز نخواند و سپس از خدا حاجتی طلب نکند مگر آنکه خداوند آن را برآورده سازد و به راستی که هر روز هزار فرشته، پیرامون وی را فرامیگیرند. (1)

2. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: چون به زیارت امام حسین علیه السلام روی، به حال حزن و اندوه و با سر و روی ژولیده و آشفته و تشنه لب و گرسنه به زیارت برو، چرا که حسین علیه السلام اندوهگین و مصیبت دیده و آشفته موی و غبارین روی و تشنه لب و گرسنه کشته شد و از او حاجاتت را درخواست کن و از نزد او بازگرد و آنجا سکنی مگزین. (2)

3. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

4. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

1- . ثواب الاعمال : 80
2- . ثواب الاعمال : 80
3- . التهذیب 6 : 76
4- . کامل الزیارات : 131

5. ثواب الاعمال: ابو مضاء از اهالی رقه روایت کند که مردی مرا گفت، امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به زیارت مقبره حسین علیه السلام میآیید؟ گوید: گفتم آری. فرمود: آیا برای این کار سفره ای برمیدارید. گوید:گفتم آری. فرمود: هان که چون به زیارت پدران و مادران خودتان میروید، چنین نمیکنید! گوید: گفتم چه چیزی بخوریم. فرمود: نان با شیر. (1)

6. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده و در پایان آن میافزاید: گوید و خزام به امام صادق علیه السلام عرض کرد، گروهی به زیارت مزار حسین علیه السلام میآیند و این سفر را به خوشی و تفریح سپری میکنند. گوید: پس امام صادق علیه السلام فرمود: هان! که ایشان چون به زیارت قبر پدران خود روند، چنین نمیکنند. (2)

7. ثواب الاعمال: امام صادق علیه السلام: شنیده ام که گروهی از مردم چون به زیارت حسین علیه السلام میروند، با خود سفره میبرند که در آن گوشت بره و حلوای افروشه و مانند آن یافت میشود و چون به زیات قبرهای جگرگوشه های خود روند، این چیزها را با خود برنمیگیرند. (3)

8. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

9. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

10. کامل الزیارات: مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: اینکه زیارت کنید، بهتر از زیارت نکردن است و وقتی زیارت نمیکنید، بهتر از آنکه زیارت میکنید. گوید: گفتم با این سخن کمرم شکست. فرمود: سوگند به خدا که هر یک از شما اندوهگین و فسرده حال به زیارت قبر پدر خود میروید

1- . ثواب الاعمال : 80
2- . کامل الزیارات : 129
3- . ثواب الاعمال: : 80

4- . كامل الزيارات : 129
5- . كامل الزيارات : 130

حال آنکه در زیارت او با خود سفره ها میآورید، هرگز (زیارتتان قبول نیست) مگر آنکه آشفته موی و غبارین روی به زیارت او آیید. (1)

11. کامل الزیارات: محمد بن مسلم روایت کند که به ابا جعفر علیه السلام عرض کردم: چون به زیارت پدرت میرویم، آیا در حال حج نیستیم؟ فرمود: آری. گفتم: پس همان چیزی که بر حاجی لازم است بر ما نیز لازم میآید! فرمود: مثلا چه؟ عرض کردم: از چیزهایی که برای حاجی لازم است. فرمود: تو را همراهی نیک با همسفرت باید، و کم سخن گفتن مگر در راه خیر باید، و بسیار ذکر خدا گفتن باید، و تمیزی لباس باید، و غسل پیش از آمدن به حرم باید، و خشوع و نماز بسیار و صلوات بر محمد و آل محمد بایدت، و متانت و خودداری از برداشتن آنچه از آن تو نیست باید، و پاک نگاه داشتن نگاه باید، و تو را سر زدن به برادران نیازمندت باید اگر دیدی خبری از یکی از ایشان نیست؛ و بر تو باد دستگیری او و تو را باید که تقیه نمایی که قوام دینت به آن است و پرهیز از آنچه از آن نهی شده ای، و نیز از خصومت و بسیار سوگند خوردن و جدلی که در آن سوگند خوردن باشد باید پرهیز کنی. و اگر چنین نمودی، حج و عمره ات کامل میگردد و از قِبل آن کس که لطف و مرحمتش را با هزینه نمودن و دور گشتن از خانواده و میل نمودنت به مطلوب مورد نظرت طلب نموده ای، مستوجب آن خواهی گشت که با دست پر از رحمت و مغفرت و رضوان (الهی) بازگردی. (2)

12. کامل الزیارات: صالح بن سندی جمال از کسی به نقل از کرّام بن عمرو گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: اگر قصد زیارت قبر حسین صلوات الله علیه نمودی، او را اندوهگین و غمدیده و ژولیده سر و غبارین موی زیارت نما، چرا که حسین به حالی شهید شد که اندوهگین و غمدیده و ژولیده سر و غبارین روی و گرسنه و تشنه بود. (3)

1- . کامل الزیارات : 130
2- . کامل الزیارات : 130
3- . کامل الزیارات : 131

13. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که پیاده به زیارت حسین علیه السلام بیاید، خداوند برای او به هر گامی هزار حسنه بنویسد و هزار سیئه را بزداید و درجه او را هزار درجه بالا برد. و چون به کنار فرات رسیدی، غسل نما و پای پوشهایت را آویزان کن و پابرهنه راه برو و همچون بنده ای مسکین راه برو و چون به دروازه حرم رسیدی، چهار بار الله اکبر بگو و سپس اندکی راه برو و دوباره چهار بار الله اکبر بگو و سپس به بالا سر امام بیا و بایست و چهار بار الله اکبر بگو و نزد او نماز بگزار و حاجتت را درخواست کن. (1)

14. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که با آب فرات غسل کند و مزار حسین علیه السلام را زیارت کند، همچون روزی که از مادر زاده شده، خالی از هر گناهی، حتی اگر کبائر را مرتکب شده باشد، خواهد بود و اینطور میپسندیدند که چون کسی به زیارت حسین علیه السلام میآید، غسل نماید و چون باز میگردد، غسل نکند و چون وداع کند، دست بر صورت بکشد. (2)

15. کامل الزیارات: بشیر دهان گوید: در ضمن سخنی طولانی که با امام صادق علیه السلام داشتم امام علیه السلام فرمود: وای بر تو ای بشیر. مومن چون آگاه به حق او به زیارتش آید و در فرات غسل نماید، برای او به هر گامی یک حج و عمره مقبول و پذیرفته و غزوه ای با پیامبر یا پیشوایی دادگر نوشته می شود. (3)

16. کامل الزیارات: علی بن محمد عسکری علیه السلام: هر که از خانه اش روانه شده و به قصد زیارت حسین علیه السلام حرکت نماید و به فرات رسد و در آن غسل نماید، نامش از جمله رستگاران نوشته می شود و چون بر امام حسین علیه السلام سلام دهد، از جمله پیروزمندان نوشته می شود و چون از نمازش فارغ گردد، فرشته ای به نزد او آید و گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله به تو سلام میرساند و میفرماید که گناهانت بخشیده شد، عمل از سر بگیر. (4)

1- . کامل الزیارات : 133
2- . کامل الزیارات : 184
3- . کامل الزیارات : 184

4- . كامل الزيارات : 185

17. کامل الزیارات: عیص گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا بر کسی که به زیارت حسین بن علی میرود، غسل واجب است؟ فرمود: خیر.(1)

18. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

19. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

20. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (4)

21. کامل الزیارات: ابی یسع روایت کند که مردی از امام صادق درباره لزوم غسل برای زیارت مزار حسین علیه السلام پرسید و من می شنیدم و حضرت فرمود: خیر. (5)

22. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (6)

23. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (7)

24. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (8)

توضیح: شیخ در التهذیب مینویسد که منظور حضرت علیه السلام آن است که غسل واجب و حتمی ندارد که با ترک آن شخص مستحق مجازات گردد هر چند که غسلی دارد که مستحب و داوطلبانه است و در آن فضل بسیار است، پس تناقضی در این اخبار نیست.

25. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: اگر به وی نزدیک گشتی - منظور حضرت، حسین علیه السلام بود - اگر راهی به غسل پیدا کردی، پس غسل نما، وگرنه وضو بگیر و به نزد حضرت بیا. (9)

1- . کامل الزیارات : 187

2- . کامل الزیارات : 188
3- . کامل الزیارات : 187 و شیخ در التهذیب 6 : 53 سند آن را صحیح دانسته است
4- . کامل الزیارات : 187 و شیخ در التهذیب 6 : 53 سند آن را صحیح دانسته است
5- . کامل الزیارات : 187 و شیخ در التهذیب 6 : 53 سند آن را صحیح دانسته است
6- . التهذیب 6 : 53
7- . کامل الزیارات : 188
8- . کامل الزیارات : 188
9- . کامل الزیارات : 188

26. کامل الزیارات: حسن بن عطیه بن باب گوید: از امام صادق علیه السلام درباره غسل به هنگام آمدن به زیارت حسین علیه السلام پرسیدم. فرمود: خیر، غسلی بر تو نیست. (1)

27. کامل الزیارات: حسن بن زبرقان طبری با سندی که ذکر میکند، در روایتی از امام صادق علیه السلام میگوید: گفتم:گاهی به زیارت قبر حسین علیه السلام میآییم و غسل زیارت به خاطر سرما یا غیر آن برایمان دشوار میگردد. پس فرمود: هر که در فرات غسل نماید و به زیارت حسین علیه السلام رود، فضلی برایش نوشته شود که به شماره نیاید و چون به همان محل غسل بازگردد و وضو گیرد و حسین را زیارت نماید، همان ثواب برایش نوشته می شود. (2)

28. کامل الزیارات: هشام بن سالم در روایتی طولانی از امام صادق روایت کند که مردی نزد وی آمد و گفت: آیا پدرتان را زیارت

کنیم؟ فرمود: آری. گفت: ثواب آنکه در فرات غسل نماید و سپس به زیارتش رود چیست؟ فرمود: اگر به قصد زیارت وی علیه السلام در آب فرات غسل نماید، گناهانش از وی همچون روزی که از مادر زاده شود، میریزد و ادامه این روایت طولانی را ذکر میکند. (3)

29. کامل الزیارات: ابراهیم بن محمد ثقفی در روایتی که در سند به امام صادق علیه السلام میرسد، گوید: ... و حضرت پس از غسل زیارت، چون فارغ میگشت میگفت: خداوندا آن را برای من نور و پاکی و ایمنی و نگاهدارنده از هر بیماری و مرض و از هر آفت و علیلی قرار ده و قلبم را و اندامم را و گوشت و خون و مو و پوست و مغز و استخوانها و اعصابم را و هر چه از من بر زمین سنگینی میکند، به آن پاک گردان. و آن را در روز قیامت و در روز نیازمندی و تهیدستی و نداری ام، شاهد من قرار ده. (4)

30. التهذیب: همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

1- . کامل الزیارات : 188
2- . کامل الزیارات : 188
3- . کامل الزیارات : 185

4- . كامل الزيارات : 186
5- . التهذيب 6 : 54

31. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که به زیارت حسین بن علی آید و وضو گیرد و در فرات غسل نماید، قدم از زمین بر ندارد و به زمین نگذارد مگر آنکه خداوند برای او یک حج و عمره بنویسد. (1)

32. التهذیب: همین روایت به سندی دیگر آمده است. (2)

33. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون به زیارت مزار حسین بن علی علیه السلام آمدی، پس به کنار فرات بیا و در برابر قبر او غسل نما. (3)

34. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که آگاه از حق حسین علیه السلام به زیارت قبر وی رهسپار شود و در فرات غسل نماید، چون از آب خارج شود، همچون کسی خواهد بود که از گناهان به در آمده است و چون به سمت حرم حرکت کند، قدمی برندارد و نگذارد مگر آنکه خداوند برای او ده حسنه نویسد و ده سیئه از وی بزداید. (4)

35. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (5)

36. التهذیب: امام صادق علیه السلام: خداوند را فرشتگانی است که مامور به قبر حسین علیه السلام هستند و چون مردی قصد زیارت وی کند و غسل نماید، محمد صلی الله علیه و آله او را ندا دهد که ای گروه خدائیان، مژده باد شما را به همنشینی من در بهشت و امیر المومنین علیه السلام وی را ندا دهد که من برآورده شدن حاجات شما و دفع بلاء از شما در دنیا و آخرت را ضمانت میکنم. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام ایشان را از چپ و راستشان در بر میگیرند، تا آنکه به نزد خانواده خود بازگردند. (6)

37. التهذیب: حسین بن سعید گوید که از جعفر بن محمد علیه السلام درباره زائر قبر حسین علیه السلام پرسیدند و فرمود: هر که در فرات غسل نماید و سپس

1- . کامل الزیارات : 186
2- . التهذیب 6 : 52

3- . كامل الزيارات : 186
4- . كامل الزيارات : 187
5- . التهذيب 6 : 52
6- . التهذيب 6 : 53

به سوی قبر حسین علیه السلام گام زند، با هر قدمی که بر میدارد و میگذارد، برای او یک حج پذیرفته با تمام مناسک آن نوشته می شود. (1)

38. التهذیب: ابی بصیر روایت کند: امام صادق علیه السلام از من پرسیدند: چون به زیارت حسین میآیی چه میگویی؟ گفتم: چیزهایی که از راویان حدیث که از پدرتان شنیده اند، شنیده ام. فرمود: آیا میخواهی این خبر را از پدرم از جدم علی بن حسین علیه السلام بشنوی که در این هنگام چه میکرد؟ گفتم: آری فدایت گردم. فرمود: چون خواستی به سمت حسین علیه السلام روانه گردی، سه روز، روزهای چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه را روزه بگیر و چون جمعه را به شب رساندی، نماز شبت را بخوان سپس برخیز و نگاهت را به اطراف آسمان بدوز و همان شب پیش از مغرب غسل نما و به حال طهارت بخواب و چون قصد حرکت به سوی وی نمودی، غسل نما و عطر و روغن و سرمه ای استفاده نکن و به کنار مقبره بیا. (2)

1- . التهذیب 6 : 53
2- . التهذیب 6 : 76

باب هجدهم : زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام و آن چند زیارت است که برخی با ذکر سند است و برخی برگرفته از کتب اصحاب و بدون اسناد است

روایات:

1. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون به درون حرم آمدی، بگو: پروردگارا، این جایگاهی است که مرا به آن اکرام داشتی و شرافت بخشیدی، خداوندا پس درخواستم را در آن با حقیقت ایمانی که به تو و فرستادگانت دارم، عطا فرما. سلام بر تو ای فرزند رسول خدا و سلام فرشتگان معطر و پاکیزه در هر بامداد و شامگاه بر تو باد. و سلام بر فرشتگان مقرب پروردگار و سلام بر تایید کنندگان تو با دلهاشان که زبان به فضل تو گشایند. شهادت میدهم که تو راستگوی راستینمنشی و در آنچه که بدان دعوت نمودی، راست گفتی و در آنچه که آوردی، صادق بودی و هان که تو ثار الله (انتقام خداوند) بر زمین هستی، از خونی که انتقام آن در زمین کشیده نشود مگر به دست دوستدارانت. خداوندا دلم را دوستدار شهادتگاه ایشان و شهادت ایشان گردان تا آنکه مرا به ایشان ملحق نمایی و مرا در دنیا و آخرت ذخیره پیش فرستاده و پیرو ایشان قرار دهی. سپس اندکی راه میروی و هفت بار الل-ه اکبر میگویی و سپس در برابر قبر میایستی و میگویی: منزه است آنکه مُلک و ملکوت به تسبیح وی درنشست و همه آفریدگانش به تقدیس اسماء او مشغولند و منزه است آن فرمانروای بس پاکنهاد، پروردگار فرشتگان و روح القدس. خداوندا نام مرا در میان راهیانت به سوی بهترین بقعه ها و برترین مخلوقاتت بنویس. خداوندا سرکشان و طاغوتیان را لعنت فرست و پیروان و

وابستگانشان را نفرین نما، خداوندا مرا در همه آمدگاه های خیر و نیکی به همراه اهل بیت پیامبرت حاضر گردان. خداوندا مرا مسلمان بمیران و مرا همراهی با باقیماندگان و وارثانی عطا کن که زمین را از بندگان صالحت به ارث میبرند. سپس پنج بار الل-ه اکبر میگویی و اندکی جلوتر میروی و میگویی: خداوندا به تو ایمان دارم و به وعده ات یقین. پروردگارا برایم ایمانی مقرر فرما و آن را در دلم استوار گردان. خداوندا آنچه بر زبان میرانم، حقیقتش را بر دلم نِه و شریعتش را در کردارم. خداوندا مرا از استوارگامان با حسین علیه السلام قرار ده و از جمله شهیدان با وی بنویس. سپس سه بار الل-ه اکبر میگویی و دستت را بالا میبری و با هم بر قبر مینهی و میگویی: شهادت میدهم که تو پاکیِ پاک هستی. زاده از پاکیِ پاک و پاک و مطهر گشتی و این سرزمین برای تو پاک و مطهر گشت و زمینی که در آن هستی برای تو پاکیزه گشت و حرمش مطهر گردید. گواهی میدهم که تو به دادگری دستور فرمودی و به آن فراخواندی و تو ثار الله(1) هستی در زمین خدا تا آنکه همه مخلوقاتش را به انتقامجویی برای تو فراخواند. آنگاه دو طرف گونه هایت را بر قبر بنه و سپس بنشین و خدای را هر طور که خواستی ذکر بگو و در هر امری که خواهی به خدا روی نما و سپس باز میگردی و دستانت را بر محل پاهای حضرت میگذاری و میگویی: صلوات خدا بر روح تو و بر پیکر تو. راست گفتی و تنها تویی راستگوی راستین برشمرده و خداوند کسانی را که تو را به دست و زبانشان کشتند، نابود گرداند. و آنگاه به سوی پسرش علی روی نموده و هر آنچه خواهی میگویی، آنگاه برخاسته و به سمت قبرهای شهیدان کربلا میروی و میگویی: سلام و درود بر شما ای شهیدان، شما پیشتازان ما نزد خدایید و ما در پی شما روانه ایم. هان! شما را مژده به وعده الهی که هیچ خلاف وعده نکند، خداوند خواسته شما را دریابد و دشمن خود بر زمین را در چنگ گیرد. شما سروران شهیدان در دنیا و آخرت هستید. سپس پیش روی قبر قرار میگیری و هر آنقدر که خواهی نماز میگزاری و سپس میگویی: رهپویان، به قصد درگاه تو به سویت آمدم و در همه

1- . خون خدا، کسی که خدا خود انتقام وی را گیرد. یا اوست که برای خدا، انتقام همه فرستادگان و پیامبران را - با بازگشتش - خواهد گرفت.

حاجاتم از امر دنیا و آخرتم به آبروی تو نزد خداوند متوسل میگردم. توسل کنندگان به خدا در حاجات خود به تو متوسل میگردند و خونخواهان خواهش خود را نزد خداوند، به تو درمییابند. سپس یازده بار الل-ه اکبر پیاپی میگویی و شتاب هم نمیکنی، آنگاه چند گامی حرکت کرده و در برابر قبله میایستی و میگویی: حمد و ثنا خداوند یکتا راست که در همه امور یگانگی جسته و همه مخلوقات را آفرید و کمتر چیزی از امور ایشان از دانش وی پنهان نمانده و همه را به قدرت خود میداند. خون تو و انتقام تو ای پسر رسول خدا که صلوات خدا بر تو باد، در زمین و هر چه بر آن است، نهاده شده است. شهادت میدهم که هر آنچه که خداوند به تو از نصر و فتح وعده داده، در دستت خواهد بود و از سوی خدا آن وعده راستینش در هلاک نمودن دشمنانت و به پایان بردن پیمانش با تو، برای تو عملی خواهد گشت. گواهی میدهم، آنان که از تو پیروی کنند، راستگویانی هستند که خداوند تبارک و تعالی درباره ایشان فرموده است: «أُولئِکَ هُمُ الصِّدِّیقُونَ وَ الشُّهَداءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ »(1) {آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود و ایشان راست اجر و نورشان.} سپس هفت بار تکبیر بگو و اندکی پیش برو و به سمت قبله بایست و بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ خَلَقَ کُلَّ شَیْ ءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِیراً»، {حمد و ثنا خدایی راست که فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نبوده است و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اند اندازه گیری کرده است.} گواهی میدهم که تو به سوی خدا دعوت نمودی و رسول خدا و پیمان خدا را وفا نمودی و با کلمات خدا، برای او برخاستی و در راه او مجاهدت نمودی تا آنکه جان سپردی. خداوند لعنت کند امتی که تو را کشتند و خدا لعنت کند امتی را که تو را تنها گذاشتند و خدا لعنت کند امتی را که از یاری تو برکنار ماندند. خداوندا، گواهی میدهم که ولایت دار آنم که با وی موالات و یاری نمودی و فرستادگانت با او موالات نمودند و گواهی میدهم که برائت جستم از هر آنکه از ایشان برائت جستی و

1- . حدید / 19

فرستادگانت از ایشان برائت جستند. پروردگارا، هر آنکه فرستادگانت را تکذیب کردند و کعبه ات را ویران کردند و کتابت را سوزاندند و خون اهل بیت پیغمبرت را ریختند و در سرزمین تو فساد و تباهی افکندند و بندگانت را به خواری کشیدند را لعنت کن. پروردگارا، عذاب ایشان را در آنچه که در راهها و بیابانها و دریاها جاری است، دوچندان کن. خداوندا ایشان را در خلوتکده رازها در آسمانت و زمینت لعن و نفرین فرست. و هر گاه که به حرم وارد شدی سلام بده و صورتت را بر قبره بنه. (1)

توضیح: گفته آن حضرت علیه السلام: «و سلام علی ملائکته فیما تروح به الرائحات» یعنی سلام بر فرشتگان خدا در ضمن درودهایی که از خدا برایت میآید در وقت شام یا همیشه. در نتیجه، گفته آن حضرت: «لک و علیک» صفت است یا حال برای «رائحات». بهتر آنچه است که در بعضی نسخهها آمده یعنی: «و سلام ملائکته فیما تغتدی و تروح» و غدوه یعنی صبح زود و گفته میشود: «غدا علیه و اغتدی» یعنی زود آمد و «رواح» از زوال خورشید است تا شب. راح یروح رواحا یعنی درود فرشتگانش بر تو باد در آنچه که نزد تو میآیند، از اول روز تا آخر آن. گاه گفته میشود: راح یروح یعنی هر وقت که بیاید. بنابر نسخه اول، این مراد است. گفته آن حضرت علیه السلام: «إنک ثار الله فی الأرض» ثار یعنی خون و خونخواهی یعنی تو اهل ثارالله هستی و کسی که به امر خدا در رجعت خونخواهی او و اهل بیتش را میکند. گفته شده: تصحیف ثایر است یعنی کسی که چیزی را باقی نمیگذارد تا این که خونخواهی کند.

سپس بدان که آنچه در نسخههای دعا ضبط شده، بدون همزه است و از کتابهای لغت، ظاهر است که همزه دارد، شاید در استعمال مخفف شده است. گفته آن حضرت علیه السلام: «و شهادتکم» یعنی حضور شما، یا من شهید شوم همان طور که آنان شدند و قول اول بهتر است. گفته آن حضرت علیه السلام: «و تجعلنی لهم فَرَطا» یعنی کسی که پیشاپیش قوم میرود تا برایشان آب و سطل و طناب تهیه کند یعنی مرا خادم و انجام دهنده امور ایشان قرار بده. گفته آن حضرت علیه السلام: «من جمیع خلقه»: یعنی هر کسی که دخالتی در آن داشته، یعنی بنیانگذری و خذلان

1- . کامل الزیارات : 193

و خرسندی از آن در همه دورانها. «وتر» با کسره و فتحه و «تره» با کسره تاء و فتحه راء یعنی خونخواهی.

2. الکافی: امام علیه السلام فرمود: چون از سلام بر شهیدان فارغ گشتی به سوی قبر ابا عبد الل-ه الحسین علیه السلام بیا و در برابر آن قرار بگیر و سپس هر قدر دلت خواست نماز بخوان.(1)

3. کامل الزیارات: ثویر بن ابی فاخته گوید: من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمه سراج نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم و یونس که از همه ما بزرگسالتر بود سخن میگفت و به امام عرض کرد: فدایت گردم! من به مجالس این قوم یعنی فرزندان س ا ب ع - بنی عباس - حاضر می شوم، چه بگویم؟ فرمود: چون به نزد ایشان رفتی و نام ما را بردی، بگو: خداوندا به ما آسایش و شادمانی ببخش، چرا که تو هر چه را که خواهی به انجام رسانی. پس گفتم فدایت گردم! من بسیار حسین علیه السلام را یاد میکنم، چه ذکری بگویم؟ فرمود: بگو سلام بر تو ای ابا عبد الل-ه و این را سه بار تکرار میکنی، چرا که سلام از دور و نزدیک به او میرسد. سپس فرمود: همانا ابا عبد الل-ه علیه السلام زمانی که جان باخت، آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آن و میان آنهاست و هر آنکه از آفریدگان پروردگارمان که در بهشت یا دوزخ درآید و هر آنچه دیدنی است و نادیدنی، بر ابا عبد الل-ه علیه السلام گریست مگر سه چیز که بر او نگریست. عرض کردم فدایت گردم، چیست این سه چیز؟ فرمود: بصره بر او نگریست و دمشق و خاندان عثمان. گوید: عرض کردم فدایت گردم، میخواهم به زیارت او بروم، چه بگویم و چه آیینی رعایت کنم؟ فرمود: چون به زیارت ابا عبد الل-ه علیه السلام آیی، در ساحل فرات غسل نما و سپس بهترین لباسهای پاکیزه ات را بر تن کن و پیاده به راه بیفت، چرا که در یکی از حرمهای خدا و رسولش هستی، و بسیار الل-ه اکبر و لا اله الا الل-ه و تمجید و تعظیم الهی بر لب داشته باش و بر محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت او صلوات فرست تا به دروازه صحن حسین علیه السلام برسی. پس بگو: سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت خدا، سلام بر شما ای

1- . الکافی 4 : 578

فرشتگان و زائران قبر پسر پیامبر خدا. سپس ده گام پیش برو و الل-ه اکبر بگو و سپس بایست و سی الل-ه اکبر بگو و سپس جلو برو تا از پیش رویش به بارگاه رسی و رو در روی او بایست و قبله روبروی دو شانه ات باشد. سپس میگویی: سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت خدا. سلام بر تو ای کشته(1) خدا و پسر کشته خدا. سلام بر تو ای آنکه خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد، سلام بر تو ای انتقام خدا که در آسمانها و زمین به انتظار گرفتن انتقامش نشسته اند. شهادت میدهم که خون تو در بهشت جاودانگی برنشست و به خاطر آن سرادقها و طبقات عرش به لرزه افتاد و همه آفریدگان به گریه افتادند و هفت طبقه آسمان و هفته طبقه زمین و آنچه در آن و میان آن است و هر آنکه از خلق پروردگارمان میان بهشت و جهنم در نوسان است و هر آنچه دیدنی است و نادیدنی، برای او گریست. شهادت میدهم که تو حجت خدا و پسر حجت خدایی و شهادت میدهم که تو کشته خدا و پسر کشته خدایی و شهادت میدهم که تو خون خدا در زمین و پسر خون خدایی و شهادت میدهم که تو انتقام خدایی که (اهلش) در آسمانها و زمین در انتظار گرفتن آن نشسته اند. و شهادت میدهم که تو ابلاغ نمودی و اندرز دادی و وفا نموده و (به وعده گاه) آمدی و در راه پروردگارت مجاهدت نمودی و بر آن راه و رسالتی که داشتی، شهید و به شهادت گرفته شده و شاهد و شهادت داده شده به تو، ره سپردی. من بنده خدا و نوکر تو و در خدمت تو و سر سپرده کوی توام و نزد خداوند، التماس جایگاه بالنده را دارم و اینکه استواری گامم در هجرت به سوی تو و نیز آن راهی که در نبود تو، برای درآمدن به سایه کفالت تو که به آن امر شده ام، آشفته و نااستوار نگردد. هر که خدا را جوید، از شما آغاز نماید، هر که خدا را جوید، از شما آغاز نماید، هر که خدا را جوید، از شما آغاز نماید، و خداوند به واسطه شما دروغها را برملا کند و خداوند به واسطه شما زمانه پر هراس و جنون را دور نماید و خداوند به واسطه شما گشایش دهد و با شما خاتمه بخشد و به دست شما، خداوند هر آنچه را خواهد محو گرداند و با شما باقی نگاه میدارد و به دست شما بند ذلت را از گردن

1- . آنکه خدا خود انتقام خونش را گیرد؛ یا به معنی کشته شده در راه خدا، و اولی درست تر است.

ما میگشاید و به واسطه شما خداوند انتقام هر مومنی که در پی آن است را میگیرد و به لطف شماست که زمین درختانش را میرویاند و به خاطر وجود شماست که درختان میوه به سر میآورند و با وجود شماست که آسمان باران و روزی میبارد و به لطف شماست که خداوند مصیبت را زائل گرداند و با وجود لطف شماست که خداوند باران رحمتش را فرو میفرستد و به لطف وجود شماست که زمینی که بدنهاتان را در خود گرفته، خدای را تسبیح میگوید و کوههایش بر جاهای استوارش برپا میایستد. اراده خداوند در قضاء و تدبیر امورش به نزد شما فرود آمده و از خانه های شما (برای مردمان و آموزش ایشان) بیرون میآید و نیز هر حکم صادقی که برای مردم به تفصیل بیان شده است. لعنت باد بر امتی که شما را به قتل رساند و امتی که با شما به مخالفت برخاست و امتی که ولایت شما را انکار نمود و امتی که علیه شما به یاری کسان برخاست و امتی که شاهد بود و امتی که حاضر بود و شهید نگشت. حمد و ثنا خدایی راست که آتش را جایگاه ایشان قرار داد و بدترین محلی است که وارد شوندگان به آن درآیند و بدترین آبشخوریست که در آن پای نهند و حمد و ثنا از آن الل-ه پروردگار جهانیان است. و سه بار میگویی: صلی الل-ه علیک یا ابا عبد الل-ه. صلی الل-ه علیک یا ابا عبد الل-ه صلی الل-ه علیک یا ابا عبد الل-ه. من نزد خداوند از آنکه با تو مخالفت نمود، بریء و برکنارم، من نزد خداوند از آنکه با تو مخالفت نمود، بریء و برکنارم، من نزد خداوند از آنکه با تو مخالفت نمود، بریء و برکنارم. سپس برخاسته و به کنار مقبره پسرش علی علیه السلام میآیی که زیر پای او مدفون است و میگویی: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین و سلام بر تو ای پسر حسن و حسین، سلام بر تو ای پسر خدیجه و فاطمه، صلوات خدا بر تو باد، صلوات خدا بر تو باد، صلوات خدا بر تو باد، لعنت خدا بر آنکه تو را شهید کرد، لعنت خدا بر آنکه تو را شهید کرد، لعنت خدا بر آنکه تو را شهید کرد، من نزد خداوند از ایشان بریء و برکنارم، من نزد خداوند از ایشان بریء و برکنارم، من نزد خداوند از ایشان بریء و برکنارم، سپس برخاسته و با دستت به شهیدان اشاره میکنی و میگویی: سلام بر شما، سلام بر شما، سلام بر شما؛ به خدا که پیروزمند شدید، به خدا که پیروزمند

شدید، به خدا که پیروزمند شدید و ای کاش که من با شما بودم و همراه با شما به فوز عظیم نائل میآمد. سپس برمیگردی و مقبره ابا عبد الل-ه علیه السلام را چون امامی پیش رویت قرار داده، و شش رکعت نماز میگزاری و زیارتت اکنون پایان یافته است و اگر خواهی بمان و اگر خواهی میتوانی بروی.(1)

4. الکافی: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

توضیح: گفته وی: فرزندان س ا ب ع مقلوب عباس است که از روی تقیه چنین فرموده است. گفته آن حضرت: «یا قتیل الله» یعنی کسی که به خاطر خدا و در راه او کشته شده، یا کشتهای که نزد خدا از او خونخواهی شده. گفته آن حضرت علیه السلام: «وتر الله» یعنی فرد منفرد در کمال از نوع بشر در عصر آن حضرت، یا مراد ثار الله است چنان که گذشت، یعنی کسی که خدا طالب خون اوست. «موتور» یعنی کسی که کسی از او کشته شده ولی برای او خونخواهی نشده است. میگویی: «منه وتره یتره وترا وتره» و نیز «وتره حقه» یعنی حق او را کاست. جوهری گفت.

جزری گفت: در حدیث آمده است: «من فاتته صلاه العصر» پس گویی «وتر اهله و ماله» یعنی کم شد. گفته میشود: «وترته» وقتی آن را کم کنی، گویی آن را وتر قرار دادی، بعد از آن که زیاد بود. گفته شده: از وتر به معنای جنایت است که مرد بر دیگری انجام میدهد مانند کشتن و غارت و اسارت. پس کسی را که نماز عصرش قضا شده، به کسی که از نزدیکانش کشته شده یا خانوادهاش و مالش به غارت رفته، تشبیه شده است.

مؤلف: پس معنا این است که کسی که در راه خدا کشته شد و نزدیکانش کشته شدند و مالش به غارت رفت. گفته شده: «موتور» تاکید «وتر» است مانند «حجر محجور». گفته آن حضرت علیه السلام: «فی السماوات و الأرض» یعنی اهل آسمانها و زمین منتظر خونخواهیاش هستند، یا مصیبت وی در آنها زیاد است.

گفته آن حضرت علیه السلام: «واقشعرت له أظله العرش»: اظله جمع ظلال است و آن هر چیزی است که سایه اندازد، چون سقف و سایبان و غیر آن. مراد

1- . كامل الزيارات : 197
2- . الكافى 4 : 578

مافوق عرش یا طبقات و بطون عرش باشد، زیرا هر طبقه و بطن برای گروهی ظلی دارد، یا منظور اجزای عرش باشد، زیرا هر جزء آن سایهای است برای کسی که زیر آن ساکن است. و نیز ظلال ممکن است به افراد و اجسام لطیف و عالم ارواح اطلاق شود و ممکن است منظور عالم ارواح مقدسه و فرشتگان ساکن در عرش باشد. در برخی نسخهها ظُلّه العرش است، پس اضافه بیانیه میشود.

گفته آن حضرت علیه السلام: «و اشهد انک ثار الله» در برخی نسخههای کافی «ثائر الله فی الأرض و ابن ثائره» است. گفته آن حضرت علیه السلام: «وافیت» یعنی آمدم به سوی این ، برای بالابردن کلمه و اتمام حجت، و در این زمینه کوتاهی نکردم.

در اکثر نسخههای کافی و تهذیب «اوفیت» آمده، از این گفتار خدا: «فمن اوفی بما عاهد علیه الله» که تاکید برای سابق میشود یا یعنی «توفیه الحق کملا» یعنی به هر کس هر آنچه از هدایت و دادن نصیحت بر تو لازم بود دادیم. یا «وفیت ربک ما کلفک» یعنی آنچه خداوند تو را بدان مکلف ساخته بود، به طور کامل انجام دادی، چنان که خداوند میفرماید: «و ابراهیم الذی وفّی» و شرح قولش در زیارات امیرالمؤمنین علیه السلام گذشت که: وفا کردم به آنچه برآن بودم.

گفته آن حضرت علیه السلام: «و ثبات القدم فی الهجره الیک» یعنی در هجرت به سوی تو و به جا آوردن زیارتت، ثبات قدم و مداومت میطلبم. محتمل است «فی» تعلیلیه باشد، یعنی ثبات قدم در دین به خاطر هجرتم به سوی تو.

گفته آن حضرت علیه السلام: «و السبیل الذی لایختلج دونک» اختلاج یعنی پریشانی و «اضطرب و اختلجه» یعنی آن را گرفت و جدا کرد. در النهایه گفته: از همین است حدیث: «لیردنّ علی الحوض اقوام ثم لیختلجنّ دونی» یعنی آنان را میگیرند و از من جدا میکنند. پایان سخن وی. پس میتوان معلوم یا مجهول خواند: یَختلج و یُختلج و مجهول بهتر است. به هر دو تقدیر، سبیل یا معطوف بر «هجره» است یا بر «اثبات القدم»، که دومی بهتر است. به هر روی، حاصل کلام این است که من راه مستقیم غیر مضطرب را از تو میخواهم یا راهی که پریشان و متزلزل نگردد و از رسیدن به شما در دنیا و آخرت جلوگیری نکند.

کلمه «مِن» در روایت، یعنی «من الدخول»، یا تعلیلیه است یا بیانیه، پس بیانی است برای «سبیل»، یا صله «اختلاج» است بنا بر معنای دوم. «اُمرت» مجهول است و «کفاله» حفظ و رعایت و شفاعتی است که خداوند شیعه ایشان را بدانها امر فرموده است. گفته میشود: «کلَبَ الدهر علی اهله»: وقتی بر آنان اصرار ورزد و شدت گیرد.

گفته آن حضرت علیه السلام: «و بکم فتح الله» یعنی ایجاد یا علم یا خلافت و امامت، مانند گفته آن حضرت علیه السلام: من نبی بودم در حالی که آدم در میان آب و گِل بود. این گفته: «و بکم یدرک الله تره کل مؤمن یطلب»: یعنی آنچه از قتل و غارت و ضرب و شتم و سایر ضررهای دینی و دنیایی که بر شیعه وارد میآید، شما در رجعت خونخواهی میکنید و انتقام آن را میگیرید. برخی آن را تصحیف کرده و «بطلت» خواندند یعنی خونخواهی و جنایتی که باطل شد و صاحب آن و اولیای دم دنبالش نرفتند، که این با مفاد نسخههای معتبر مخالف است.

گفته آن حضرت علیه السلام: «و بکم تسبح الأرض»: منظور از زمین یا همه آن است یا جاهایی که آنان استقرار دارند، زنده یا مرده، و تسبیح زمین به همان گونهای است که خدا میفرماید: «و ان من شیء الا یسبح بحمده» یا منظور تسبیح ساکنان زمین است از فرشتگان و جنیان بلکه آدمیان. زیرا به برکت آنهاست که خدا در باغها و خانههایشان پرستیده میشود. ممکن است مجهول خوانده شود یعنی پاک و منزه گردانده میشود و نامش به خیر برده میشود در خانههایتان و محل آثار شما، چنان که خدا میفرماید: «فی بیوت اذن الله أن ترفع» که روایات تفسیری آن در کتاب امامت آمد. در برخی نسخههای کتاب و تهذیب و اکثر نسخههای کافی «تسیخ» آمده یعنی ثابت و مستقر است، که این بهتر است.

گفته آن حضرت علیه السلام: «تستقل جبالها»: ضمیر به ارض بازمیگردد. «مراسیها» یعنی اماکن و محل استقرار آنان. در الکافی «تستقر» به جای «تستقل» است. این گفته: «اراده الرب» مبتداست و «تهبط الیکم» که هم معلوم و هم مجهول میتوانیم بخوانیم، خبر آن است؛ یعنی تقدیرات خداوند در شب قدر بر شما نازل میشود. «تصدر من بیوتکم» یعنی خلق آنها را میگیرد و از شما میآموزد. در

برخی نسخههای کتاب و عموم نسخههای کافی و تهذیب و غیره «الصادر» است که مبتداست و خبرش مقدر است به قرینه ما سبق، یعنی از خانههای شما صادر میشود. در برخی نسخههای کتاب «الصادق» آمده که تقدیر عوض نمیشود. ممکن است «فصّل» خوانده شود، چه معلوم و چه مجهول و چه باب تفعیل و چه مجرد.

نتیجه این که احکام بندگان و آنچه تبیین شده یا آنچه در مسائل آنان فصل ایجاد میکند یا بین حق و باطل را فرق مینهد یا آنچه از وحی خارج شده، از شما گرفته میشود، همانا صادر از آب همان است که وارد آب میشود و نیازش از آب را برآورده میسازد و بازمیگردد. پس اگر علم به احکام بندگان در خانه ایشان سامان میگیرد، پس صادر از این علم نیز ناگزیر از خانه ایشان صادر میشود و بعید نیست واو در «والصادر» افزوده کاتبان باشد، پس فاعل یصدر میباشد و نیازی به تقدیر گرفتن نیست.

گفته آن حضرت علیه السلام: «و لم تستشهد» به صورت مجهول، یعنی امتی که نزد تو حاضر شد و مجاهدت نکرد تا این که در مقابل تو کشته شود، از کسانی که مأمور به جهاد بودند. برخی معلوم خواندند، یعنی تو شهود وحضور وی را طلب نکردی؛ که بعید بودن این وجه، پوشیده نیست.

گفته آن حضرت علیه السلام: «و بئس الوِرد» یعنی آبی که وارد آن میشوی و «مورود» تأکید آن است مانند قول خدا: «قدرا مقدورا»؛ یعنی بد آبی است برای کسی که وارد آن میشود. این بر سبیل تمسخر است مثل این گفته خدا: «نزل من حمیم» یعنی آتش بدلی است برایشان به جای نهر و چشمه و انواع نعمتی که بهشتیان دارند و تأکیدی است بر بند سابق. گفته آن حضرت علیه السلام: «یاابن الحسن» بر سبیل مجاز است زیرا عربها عمو را «اب» میگویند چنان که در قرآن آمده: «لأبیه آذر».

5. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون به زیارت قبر حسین علیه السلام آمدی، به کنار فرات بیا و در برابر مزار او غسل نما و به حال آرامش و وقار به سوی او روانه شو تا آنکه از جانب شرقی حرم وارد شوی و چون وارد می شوی بگو: سلام بر فرشتگان مقرب خدا، سلام بر فرشتگان نازل شده خدا، سلام بر

فرشتگان پشت هم فرود آینده خدا، سلام بر فرشتگان خدا که به اذن خدا در این حرم مقیم هستند. و چون در برابر قبر حسین علیه السلام آمدی بگو: سلام بر رسول خدا و صلوات خدا بر امین خدا بر فرستادگانش و مهمترین امورش، همان خاتم پیشینیان و آغازگر آیندگان و صاحب هیمنه بر تمام این امور و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد. سپس میگویی: سلام بر امیر المومنین بنده ات و برادر رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد. خداوندا بر حسن بن علی بنده ات و فرزند رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی؛ صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

سپس نظیر همین سلام و صلوات بر حسن بن علی را بر حسین و دیگر امامان علیهم السلام میفرستی و آنگاه به کنار قبر حسین علیه السلام میآیی و میگویی: سلام بر تو ای ابا عبد الل-ه، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، صلوات خدا بر تو باد ای ابا عبد الله، خداوند بر تو رحمت فرستد ای ابا عبد الله، گواهی میدهم که آنچه خداوند تو را بدان امر فرموده بود، از جانب او ابلاغ نمودی و از احدی جز او ترسی به دل راه ندادی و در راه او جانفشانی کردی و خالصانه او را تا آن گاه که جان سپردی، پرستیدی. گواهی میدهم که شما واژه پرهیزکاری و دروازه هدایت و تنها دستاویز استوار و برهان بر زندگان و در خاک خفتگان هستید. شهادت میدهم که این در گذشته ها موجب برتری شما بود و در آینده راهگشای شما خواهد بود. شهادت میدهم که روح شما و سرشت شما از گلی پاک آفریده شده که نیکو بوده و پاکیزه و مطهر، و بعضی از بعض دیگر است به خاطر لطف و رحمتی از سوی خدا.

پس خدا را شاهد و شما را گواه میگیرم که من به شما ایمان دارم و درباره وجود خودم و دستورات دینم و عاقبت عملم و بازگشتگاهم و اقامتگاه همیشگی ام، پیرو شما هستم. پس از خداوند احسانگر مهربان مسألت دارم که این امر را برایم محقق کند و شهادت میدهم که شما آنچه را که خداوند به شما فرموده بود، به گوش مردمان رساندید و از احدی جز او نترسیدید و در راه او جانفشانی نمودید و او را تا آن گاه که جان سپردید، پرستیدید. پس خدا لعنت کند آنکه شما را شهید کرد و خدا لعنت کند آنکه به این امر دستور داد و خدا لعنت کند آنکه این خبر به او رسید و از آن خرسند گشت. شهادت میدهم که اینان که حرمت تو را زیر پای نهاده و خونت را ریختند، به گفته نبیّ امّی، ملعون هستند.

سپس میگویی: خداوندا، لعن و نفرین فرست بر کسانی که نعمت تو را دگرگون نمودند و با دین تو سر ناسازگاری گذاشتند و از فرمان تو سر برتافتند و رسول تو را (در تعیین امیر المومنین) متهم کرده و از راه تو بازداشتند. خداوندا قبرهایشان را پر کن از آتش و دلهاشان را پر کن از آتش و ایشان و پیروانشان را زار و کبود، به دوزخ فروفرست. خداوندا ایشان را چنان لعنت کن که به واسطه آن همه فرشتگان مقربت و همه پیامبران فروفرستاده و همه بندگان مومن که قلبشان را به ایمان آزمودی، آنان را لعن و نفرین نمایند و خداوندا، ایشان را در خلوتکده راز و در آشکارای بی پرده، لعنت فرست. خداوندا، مدعی خدایی کنندگان از این امت را لعنت فرست و طاغوتهای ایشان را لعنت فرست و قاتلان امیر المومنین را نفرین کن و قاتلان حسین را نفرین کن و ایشان را چنان عذابی کن که احدی از جهانیان را به آن عذاب ننموده ای. خداوندا ما را از کسانی قرار ده که یاریشان میکنی و به واسطه ایشان انتقام میگیری و در دنیا و آخرت بر ایشان با یاری دینت منت داری.

سپس کنار سر حضرت صلوات الل-ه علیه بنشین و بگو: صلی الل-ه علیک، شهادت میدهم که تو بنده خدا و امین او هستی و خیرخواهانه ابلاغ نمودی و امانتدار، رسالتت را ادا نمودی و راستین منش کشته شدی و با یقین ره سپردی، گمگشتگی را بر رهیافتگی برنگزیدی و از حق به سوی باطل گرایش نیافتی. شهادت میدهم که تو نماز را بر پا داشتی و زکات را پرداخت نمودی و امر به

معروف کردی و نهی از منکر نمودی و از رسول پیروی کردی و کتاب خدا را چنان که شاید، تلاوت نمودی و به حکمت و اندرز نیکو به راه خدا فراخواندی، صلوات خدا بر تو باد و سلام بی پایان او. گواهی میدهم که تو از سوی پروردگارت بر بیّنه و حقیقتی روشنگر، آگاهی داشتی و آنچه که به تو فرموده بود، به انجام رساندی و حق آن را ادا نمودی و پیشینیان خود را نه سست و نه سستی ورزنده، تایید نمودی، صلوات خدا بر تو باد و سلام بی پایان او. و خدا تو را ای صدّیق راستینروش، از سوی پیروانت، خیر عاید نماید. شهادت میدهم که جهاد همراه تو، جهاد واقعی است و حق با توست و به سوی توست و تو اهل و معدن آن هستی و میراث نبوت نزد تو و نزد اهل بیتت است، صلوات خدا بر او و خاندانش باد و سلام بی پایانش. شهادت میدهم که تو نزد خداوند بس راستگویی و حجت خدا بر خلقش هستی و شهادت میدهم که دعوت تو حق و هر که جز تو به دعوتی فرا ایستاده، باطل است و پسافکنده. و شهادت میدهم که این فقط خداست که حق روشنی بخش است.

سپس به کنار پاهای حضرت برو و هر دعایی خواهی برگزین و برای خود دعا کن و سپس به کنار سر علی بن حسین علیه السلام برو و چنین بگو: سلام خدا و درود فرشتگان مقرب و پیامبران فروفرستاده بر تو باد ای مولای من و پسر مولای من و رحمت خدا و برکات او. صلوات خدا بر تو و بر اهل بیتت و عترت پدران نیکوکارِ برگزیده ات که خداوند پلیدی را از ایشان بزدود و ایشان را بس پاک و مطهر گرداند. سپس به کنار قبور شهیدان میآیی و بر ایشان سلام میدهی و میگویی: سلام بر شما ای ربانیون، شما ما را پیشتازان و پیشینیان هستید و ما شما را پیروان و یاران. شهادت میدهم که شما یاوران خدایید همان سان که خدای تبارک و تعالی در کتابش فرموده : «وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِی سَبِیلِ الل-ه وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَکانُوا»(1) {و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند، شکیبایان را دوست

1- . آل عمران / 146

دارد.} و شما نیز سست نگشتید و ضعف نشان ندادید و خوار و ذلیل نگشتید تا آنکه خداوند را در راه حق و یاری دین، بی کاستی دیدار نمودید. خداوند بر روان و پیکر شما صلوات فرستد و سلام بی پایان دهد. شما را مژده به وعده الهی که در آن خلف وعده ای نیست، هان که او پیمانش را نمیشکند و خداوند انتقام آنچه را که به شما وعده داد، درخواهد یافت. شما سروران شهیدان در دنیا و آخرت هستید و شما پیشگامان و مهاجران و انصار هستید و شهادت میدهم که شما در راه خدا مجاهدت نمودید و بر سیره رسول خدا کشته شدید که صلوات و سلام بی پایان خدا بر او باد. حمد و ثنا از آن خدایی است که وعده اش به شما را وفا نمود و برای شما آنچه آرزو داشتید، پیش راه آورد. سپس میگویی: به نزد تو آمده ام ای حبیب رسول خدا و پسر رسول خدا و من تو را به راستی می شناسم و به حق تو اقرار دارم و به خوبی از فضل تو آگاهم و بر گمراهی مخالفانت یقین دارم و به هدایتی که تو بر آنی، آگاهم. پدر و مادرم به فدای تو و جان خودم. خداوندا، من بر او چنان که تو بر او و پیامبرانت و امیر المومنین صلوات فرستادی، صلوات میفرستم، صلواتی پیوسته و پیاپی که یکی در پس دیگری آید و هرگز پایان نیابد و نهایت و غایتی نداشته باشد و در حضور ما و چون غایب گشتیم یا حاضر بودیم، پاره و منفک نگردد. و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. (1)

6. الکافی: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

توضیح: در روایت کافی آمده است که چون بر حضرت وارد می شوی میگویی: سلام بر فرشتگان نازل شده خدا، سلام بر فرشتگان پیاپی فرودآینده، سلام بر فرشتگان نشان دار خداوند، سلام بر فرشتگانی که در این حرم مقیم گشته اند. این جملات اشاره به آیه شریفه «أَ لَنْ یَکْفِیَکُمْ أَنْ یُمِدَّکُمْ رَبُّکُمْ بِثَلاثَهِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِکَهِ مُنْزَلِینَ بَلی إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ یَأْتُوکُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هذا یُمْدِدْکُمْ رَبُّکُمْ بِخَمْسَهِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِکَهِ مُسَوِّمِینَ»(3) {آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار

1- . کامل الزیارات : 204- 205
2- . الکافی 4 : 572
3- . آل عمران / 124-125

فرشته فرودآمده، یاری کند؟ آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد.} و نیز این آیه شریفه: «اَسْتَجابَ لَکُمْ أَنِّی مُمِدُّکُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلائِکَهِ مُرْدِفِینَ»(1)پس دعای شما را اجابت کرد که من شما را به هزار فرشته پیاپی یاری می کنم.} و بیضاوی(2) درباره «مسومین» گفته است: یعنی علامت دارد و تسویم به معنی مشخص نمودن سیمای چیزی است و پیامبر به یارانش فرمود: برای خود نشانه بگذارید که فرشتگان نشانه نهاده اند یا «مسوّمین» از تسویم، یعنی نشانه نهادن است. او در باره «مردفین» گفته: یعنی پیاپی مؤمنان، یا به دنبال یکدیگر، از «أردفتُه انا» است، وقتی تو به دنبال او بیایی یا به به دنبال یکدیگر یا خودشان که مؤمنند و از ماده: «أردفتُه إیاه فردفه» است. نافع و یعقوب مردَفین خواندند، یعنی ایشان متبوع هستند یا تابع، به این معنا که یا در مقدمه لشکر بودهاند یا در مؤخره لشکر. پایان سخن وی.

مؤلف: ممکن است مراد در این مقام، سلام بر آن دسته از فرشتگانی باشد که پیامبر صلی الله علیه و آله را در غزوات یاری دادند، قبل از کسانی که سبط شهید ایشان علیه السلام و زائرانش را یاری کردند. احتمال دارد این فرشتگان از کسانی باشند که در مشهد شریف ایشان حاضرند، چنان که از برخی اخبار برمیآید. ممکن است مراد توصیف فرشتگان مقیم در این مشهد باشد که نشانه دارند یا برای کمک به زائران ارسال شدهاند و برای زیارت وی پشت سرهم پایین میآیند و به دنبال زائران میروند و آنان را تا وطنشان مشایعت میکنند، که وجه اول بهتر است.

سپس بدان که مسومین ممکن است به کسر واو مشدد یا فتح آن باشد چنان که در آیه خوانده شده و به تفسیر آن اشاره شد. گفته آن حضرت علیه السلام: «من تحت الثری» یعنی مردگان، زیرا آنان مسئول امامت ایشان در قبر و بعد از حشر هستند. گفته آن حضرت علیه السلام: «سابق فیما مضی» یعنی آن احوال و فضیلتها در گذشته برای امامان حاصل بوده و سبب فتح درهای امامت و خلافت و علوم

1- . انفال / 9
2- . تفسیر البیضاوی 1 : 231 چاپ آستانه به سال 1285

و معارف بقیه ائمه بوده است. پس «ما» به معنای «من» است یا این که آن احوال در کتابهای پیشین برای شما ثابت شده است و قرآن جاودان در طول اعصار، آن فضیلتها و احوال را برایتان میگشاید.

برخی اصحاب «فائح» خواندند از «فوح» یعنی انتشار بوی خوش؛ یعنی از قرآن جاودان، فضیلتهای ایشان به مشام میرسد. گفته آن حضرت علیه السلام: «فی ذات نفسی» یعنی خودم را براین امر ثابت میکنم که پیرو ایشان باشم، در امور مربوط به نفس خودم و در سایر شرایع دینم و خاتمه عملم و به هنگام مرگ و در قبر و در بهشت. از آنجا که برخی از این امور به اختیار بنده نیست جز به توفیق الهی، گفت: پس از خداوند احسانگر مهربان مسألت دارم که این امر را برایم محقق کند و آنچه را اراده کردهام برایم عملی سازد.

محتمل است مراد از ذات، حقیقت باشد و بندهای متعلق به گفته وی: مؤمن و تابع با هم، بنابر تنازع یا لف و نشر باشد، یعنی ایمانی دارم برخاسته از حقیقت نفسم، یعنی درون دلم و اثر آن در اعمالم ظاهر میشود و در پایان عملم و هنگام مرگ و در قبر نیز با من ثابت است. یا این که من ایمان دارم به شما و پیرو شما هستم در آنچه اعتقاد داشتید و بیان کردید: در حقیقت نفس من و خالق آن و احوال آن در شرایع دینم و آنچه که باید پایان عملم باشد و آنچه ذکر کردید از مرگ و قبر و بهشت و جهنم. اما لف و نشر از آنچه ذکر شد ظاهر میشود. گفته آن حضرت علیه السلام: «الذین بدلو نعمتک» یعنی امام منصوب شده از سوی خدا، چنان که در کتاب امامت گذشت، در این آیه:«ألم تر إلی الذین بدلوا نعمه الله کفرا». گفته آن: «واتهموا رسولک» یعنی در تعیین امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان وصی ایشان و این که او این کار را برای هوای نفس خود انجام داد.

فیروزآبادی گفت: در این گفته وی: «زرقا» یعنی نابینا؛ و سایر تفاسیر در کتاب معاد گذشت.

گفته آن حضرت علیه السلام: «امتحنت قلبه» یعنی با آفات و مصائب و فتنهها و سختیها، تا آنکه برای پذیرش ایمان خالص شد همان طور که طلا با آتش امتحان میشود و ذوب میشود تا ناخالصیاش برود و خالص گردد. «ربّانی»

منسوب به ربّ است و الف و نون از زیادت نسبت است، یعنی عالمی که در دین و علم راسخ است یا کسی که با علمش وجه الله را میطلبد؛ یا از رب است به معنی تربیت، یعنی کسانی که دانشآموختگان را تربیت میکنند. «ربیون» با کسره نیز منسوب به رب است با فتحه و کسره، از تغییرات نسب، یعنی کسانی که به عبادت خدا متمسک هستند. گفته شده: منسوب به «الربه» است یعنی جماعت زیاد.

«و ما استکانوا» یعنی برای دشمنشان خضوع نکردند. شرح بسیاری از این بندها در زیارت امیر المؤمنین علیه السلام گذشت.

7. کامل الزیارات: معاویه بن عمار روایت کند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم، چون به زیارت حسین علیه السلام بروم، چه بگویم؟ فرمود: بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الل-ه، صلوات خدا بر تو ای ابا عبد الل-ه، خدا بر تو رحمت فرستد ای ای ابا عبد الل-ه، و خدا کسی را که تو را کشت لعنت کند و هر آنکه در خون تو شریک بود را نفرین نماید و لعنت کند هر آن کس را که خبر شهادتت شنید و خرسند گشت. من از این جنایت نزد خداوند، برائت میجویم. (1)

8. کامل الزیارات: جابر جعفی گوید: امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود که فاصله میان خانهات تا مزار حسین علیه السلام چقدر است؟ گوید عرض کرد: پدر و مادرم فدایت، یک روز و اندی از روز دیگر. فرمود: آیا به زیارتش میآیی؟ گفت: آری. گوید پس فرمود: آیا میخواهی تو را مژده دهم، میخواهی با بیان بخشی از ثواب آن شادمانت کنم؟ گفتم: آری فدایت شوم. فرمود: هر مردی از شما چون رخت سفرش را آماده میسازد و برای زیارت او آماده می شود، اهل آسمان به وی یکدیگر را مژده میدهند و چون از در خانه اش پیاده یا سواره بیرون آید، خداوند چهار هزار فرشته را مامور وی میکند تا آن زمانی که به بارگاه حسین علیه السلام میرسد، بر وی صلوات میفرستند. ای مفضل! چون به زیارت مقبره حسین علیه السلام آمدی، پس جلوی در بایست و این کلمات را به زبان آور، چرا که به هر کلمه آن بهره وافری از رحمت خدا نصیب گردد. گفتم: چیست آن سخنان، فدایت گردم؟ فرمود: میگویی: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام

1- . كامل الزيارات : 205

بر تو ای وارث نوح نبیّ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی وصی رسول خدا، سلام بر تو ای وارث حسن پسندیده کردار، سلام بر تو ای وارث فاطمه دخت رسول خدا، سلام بر تو ای شهید راستین، سلام بر تو ای وصیّ نیکوکار پرهیزکار، سلام بر همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و در خیمه گاه تو رخت اقامت افکندند. سلام بر فرشتگان خدا که گرد تو حلقه زده اند، گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و خدای را خالصانه پرستیدی تا آنکه جان سپردی. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

سپس شتابان پیش میروی و تو به هر گامی که برمیداری و میگذاری، ثوابی چون ثواب درغلتیدگان در خون خود در راه خدا خواهی داشت. و چون بر مقبره سلام نمایی، آن را با دستانت لمس میکنی و میگویی: سلام بر تو ای حجت خدا در آسمان و زمینش. و سپس به سراغ اقامه نمازت میروی و تو را به هر رکعت آن که نزد وی برپاداری، ثواب کسی که هزار بار حج و عمره به جا آورده و هزار اسیر را آزاد کرده و گویی که در راه خدا همراه با پیامبری مرسل، هزار بار در صف جنگ ایستاده باشد، خواهی داشت. و چون از قبر حسین علیه السلام کنار روی، منادی تو را ندا در میدهد - اگر صدایش را بشنوی - که بیشک همه عمرت را در کنار قبر حسین علیه السلام مقیم گشتی و میگوید: خوشا به حال تو ای بنده، که غنیمت بردی و سلامت یافتی، که کردار گذشته ات همگی بخشیده شد، پس اکنون عمل از سرگیر. و اگر او در همان سال یا همان شب یا روز جان سپرد، کسی جز خدا قبض روح او را به دست نگیرد و فرشتگان همراه او روی آورده و برای او استغفار مینمایند و بر او صلوات میفرستند تا آنکه به خانه اش رسد و فرشتگان گویند که خدایا، این بنده ات به زیارت قبر پسر پیامبرت صلی الله علیه و آله آمد و او اکنون به خانه اش رسیده است، حال ما کجا رویم؟ پس از آسمان ایشان را ندا در رسد که ای فرشتگانم، بر در منزل این بنده من بایستید و همچنان تسبیح و تقدیس نمایید و ثواب آن را تا روزی که جان سپارد، در حساب حسنات وی بنویسید.

فرمود: همچنان تا روزی که جان سپرد بر در خانه او هستند و تسبیح و تقدیس الهی میگویند و آن را در حسنات وی مینویسند و چون جان سپارد، در غسل و کفن نمودن و نماز بر او حاضر خواهند گشت و میگویند: پروردگارا ما را بر در این بنده ات مامور نمودی و او اکنون درگذشته است، حال کجا رویم؟ پس ایشان را ندا میدهد که ای فرشتگان من، بر کنار مقبره این بنده ام بمانید و همچنان تسبیح و تقدیس گویید و آن را تا روز قیامت در حسنات وی بنویسید. (1)

9. کامل الزیارات: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

توضیح: آنچه در سند خبر است پوشیده نیست، زیرا یا به جای مفضل کس دیگری است یا به جای «عن» در قول وی از جابر «واو» است و گرنه جز با تکلف بعید درست نمیشود و آن این است که گفته شود: مفضل خبر را فراموش کرد، سپس جابر به او خبر داد.

10. البلد الامین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (3)

11. المزار الکبیر: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده، با این تفاوت که ذکری از مفضل به میان نمیآید و متن زیارت شبیه روایت سید ابن طاووس است که در پی خواهد آمد.(4)

12. کامل الزیارات: ابراهیم بن ابی بلاد روایت کند که به ابی الحسن علیه السلام عرض کردم که درباره زیارت قبر حسین علیه السلام چه میفرمایید؟ پس فرمود: شما چه میدانید؟ گفتم برخی از ما معتقد است که برابر با یک حج است و برخی گویند که برابر یک عمره است. فرمود: هنگامی که به زیارت او میروی چه میگویی؟ گفتم: میگویم سلام بر تو ای ابا عبد الل-ه، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، شهادت میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات را ادا نمودی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و با حکمت و اندرز نیک، به راه پروردگارت فراخواندی و

1- . کامل الزیارات : 205
2- . کامل الزیارات : 208

3- . البلد الأمين : 280 بتفاوت
4- . المزار الكبير : 144- 145

گواهی میدهم آنان که خون تو را ریختند و حرمت تو را زیر پا نهادند، به گفته داود و عیسی بن مریم ملعون و معذّب هستند: «ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُونَ»(1) {این کیفر به خاطر آن بود که عصیان کرده و از فرمان خدا تجاوز می کردند.}(2)

13. کامل الزیارات: ابی بلاد روایت کند که ابا الحسن علیه السلام از من پرسید که چگونه بر ابا عبد الل-ه علیه السلام سلام میدهید؟ گفتم: میگویم سلام بر تو ای ابا عبد الل-ه و نظیر روایت قبلی را ذکر کرده و در پایان میافزاید، فرمود: آری، این چنین است. (3)

14. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون به زیارت حسین علیه السلام آمدی، بگو حمد و ثنا از آن خداست و صلوات خدا بر محمد و آل او باد و سلام و رحمت خدا و برکات او بر او و بر ایشان باد. صلوات خدا بر تو باد ای ابا عبد الله، لعنت خدا بر آنان که تو را کشتند و هر آن که در خون تو با ایشان همکاری کرد و هر آنکه خبر به او رسید و از آن خرسند گشت. من نزد خداوند از ایشان برائت میجویم. (4)

15. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون به قبر وی علیه السلام رسیدی میگویی: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، سلام بر تو ای ابا عبد الل-ه، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای سرور جوانان اهل بهشت، ای آنکه خشنودی اش از خشنودی خدای رحمان است و ناخشنودی اش از ناخشنودی خدای رحمان است. سلام بر تو ای امین خدا و حجت خدا و دروازه گشوده به سوی خدا و رهنما به سوی خدا و فراخواننده به خدا. گواهی میدهم که تو حلال خدا را حلال شمردی و حرام خدا را حرام دانستی و نماز را بر پا داشتی و زکات را پرداخت نمودی و امر به معروف کردی و نهی از منکر نمودی و به حکمت و اندرز نیکو به راه خدا فراخواندی، و گواهی میدهم که تو و یارانت که

1- . بقره / 61
2- . کامل الزیارات : 208
3- . کامل الزیارات : 209
4- . کامل الزیارات : 211

با تو کشته شدند، شهید هستند و زنده و نزد پروردگار تو روزی میخورند و گواهی میدهم آن که تو را به قتل رساند، در آتش دوزخ است و خدا را با برائت از آنکه تو را کشت و آنکه با تو در جنگ شد و علیه تو با دشمنانت همراه گشت و علیه تو سپاه گرد آورد و هر آن که صدای تو را شنید و تو را یاری نکرد، به بندگی سر مینهم. ای کاش که با شما بودم تا به فوز عظیم نائل گردم. (1)

16. بلد الامین: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده است. (2)

17. کامل الزیارات: ابی سعید مدائنی گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و عرض کردم: فدایت گردم، آیا به زیارت قبر حسین علیه السلام بروم؟ فرمود: آری ای ابا سعید، به زیارت قبر حسین علیه السلام ، پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله، نیکترین نیکان و پاکترین پاکان و نیکوکارترین نیکوکاران برو و چون به زیارت او رفتی ای ابا سعید، پس در کنار سر او هزار مرتبه تسبیح امیر المومنین علیه السلام را بگو و در کنار پاهای او هزار مرتبه تسبیح فاطمه علیها السلام را بگو و دو رکعت نزد او بخوان که در آن یاسین و الرحمن بخوانی و چون این کار را کردی، خداوند برایت ثواب این کار را ان شاء الل-ه خواهد نوشت. گوید: عرض کردم فدایت گردم، تسبیح علی و فاطمه صلوات الل-ه علیهما را به من بیاموز. گفت: آری ای ابا سعید، تسبیح علی علیه السلام آن است که بگویی: منزه است آنکه خزانه هایش پایان نیابد، منزه است آنکه جلوه های آثارش فنا نپذیرد، منزه است آنکه آنچه نزد اوست از میان نرود، منزه است آنکه احدی را در حکومتش شریک نگرداند، منزه است آنکه شکوه او پایان گیرنده نیست، منزه است آنکه مدت دوام و بقای او را انقطاعی نیست، منزه است آنکه پروردگاری جز او نیست. و تسبیح فاطمه چنین است که منزه است آن صاحب شکوه فاخر هنگفت، منزه است آن صاحب عزت والای پرفراز، منزه است آن صاحب فرمانروایی شکوهمند پاینده، منزه است

1- . کامل الزیارات : 212
2- . البلد الأمین : 281

آن صاحب زیبایی و نیکویی، منزه است آنکه پوشش از نور و وقار دارد، منزه است آنکه جای پای مورچه بر سنگ سخت و اثر بال زدن پرندگان بر هوا را بیند. (1)

توضیح: «الباذخ» یعنی برتر و «بهجت» یعنی زیبایی. گفته آن حضرت علیه السلام: «وقع الطیر فی الهواء»: وقوع پرنده، سقوط آن است و مراد، افتادن آن روی درختان و لانههای واقع در هواست. ممکن است «فی» به معنای «مِن» باشد و این دو تسبیح به گونه دیگر با شرح آنها در خبر ثمالی خواهد آمد.

18. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون به زیارت حسین علیه السلام آمدی بگو: حمد و ثنا از آن خداست و صلوات خدا بر محمد و اهل بیت او و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او و بر ایشان. بر تو سلام ای ابا عبد الل-ه و رحمت خدا ای ابا عبد الله. صلوات خدا بر تو باد ای ابا عبد الل-ه، خدا لعنت کند آنکه تو را کشت و آن که در ریختن خونت مشارکت نمود و آنکه خبر آن به وی رسید و از آن خرسند گشت، هان که من از ایشان نزد خداوند برائت میجویم. (2)

19. کامل الزیارات: عامر بن جذاعه گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام فرمود: چون به نزد حسین علیه السلام که صلوات خدا بر او باد، آمدی - و منظورش قبر او بود - پس بگو: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند آنکه تو را کشت و آن کس که این خبر به او رسید و خشنود گشت. من نزد خداوند از ایشان برائت میجویم. (3)

20. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون به زیارت مقبره آمدی و به ستایش خدای عز و جل آغاز نمودی و بر نبی خدا صلی الله علیه و آله سلام و صلوات فرستادی و نهایت تلاش خود را در این امر به خواست خدا، به خرج دادی، میگویی: سلام خدا و سلام فرشتگان در رفت و آمدهاشان بر تو باد و وارسته (درود)های نیک از آن تو باد. و سلام فرشتگان مقرب و تایید کنندگان تو با دلهاشان و سخن گویان به فضل تو و سلام شهیدان بر تو باد که تو راستگوی راستینمنش

1- . کامل الزیارات : 113

2- . كامل الزيارات : 211
3- . كامل الزيارات : 215

هستی؛ و در آنچه کردی، خیرخواهی پیشه نمودی و تو انتقام خدا هستی در زمین و آن خونی که انتقامش را کسی از اهل زمین نتواند بگیرد و فقط خدا به تنهایی به خونخواهی آن بر خواهد خاست. ای پسر رسول خدا، رهپویان کوی تو به سوی تو آمدم و در همه حاجاتم از امر دنیا و آخرتم به آبروی تو نزد خداوند توسل میجویم و همه متوسلین در حاجاتشان به آبروی تو نزد خدا توسل میجویند و همه خونخواهان از میان بندگان خدا، خواسته خود را به لطف وجود تو درمی یابند. سپس اندکی پیش برو و روبروی قبر بایست و بگو: حمد و ثنا از آن خدای یگانه که در همه امور یگانگی جسته، است. آفریدگار جهانیان که ذره ای از امر ایشان از بینش وی پنهان نمانده است و دانای به هر چیز بدون آنکه آموخته باشد. خون تو و انتقام تو را در دل زمین و هر آنکه بر آن است، برنهاد. ای پسر رسول خدا، شهادت میدهم هر آن وعده نصر و فتحی که خداوند به تو داد، در خواهی یافت و گواهی میدهم که تو را از سوی خدا وعده ای حقیقی در هلاک نمودن دشمنانت و تکمیل پیمانش با تو هست. شهادت میدهم که خداپرستان بسیاری همراه با تو نبرد نمودند، آنسان که خدای تعالی فرماید: «وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ»(1) {و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند.} سپس هفت بار تکبیر بگو و اندکی جلوتر برو و در برابر قبر بایست و بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ خَلَقَ کُلَّ شَیْ ءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِیراً»(2) { حمد و ثنا خدایی راست که همسری و نه فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نبوده است و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اند اندازه گیری کرده است.} شهادت میدهم که تو آنچه را که دستور گرفتی، ابلاغ نمودی و به عهد خدا وفا نمودی و شریعتهای الهی به واسطه تو تکمیل گشت و تو در در راه او جانفشانیها نمودی تا آنکه لحظه شهادتت در رسید. و خدا لعنت کند

1- . آل عمران / 146
2- . فرقان / 2

امتی را که تو را کشتند و لعنت کند امتی را که به تو ستم روا داشتند و خدا لعنت کند امتی را که تو را تنها و بی یاور گذاشتند. خداوندا من به ولایت آن کس که تو با او موالات نمودی، و فرستادگانت با او موالات نمودند، شهادت میدهم و شهادت میدهم به برائت از کسانی که از ایشان برائت جستی و پیامبرانت از آنان برائت جستند. خدایا لعنت فرست بر آنان که رسول تو را تکذیب کردند و کعبه ات را ویران نمودند و کتابت را به آتش کشیدند و خون اهل بیت پیامبرت را ریختند و بندگانت را به تباهی کشیدند و آنان را به خواری و ذلت انداختند. خداوندا، لعنت ایشان را در آنچه سنت تو در خشکی و دریایت بر آن جاری است، دو چندان نما. خداوندا ایشان را در آسمانت و در زمینت لعنت فرست. خداوندا «وَ اجْعَلْ لِی لِسانَ صِدْقٍ»، {و مرا زبان سخنی راستین عطا فرما} درباره این دوستدارانت. و زیارتگاه ایشان را محبوب دلم گردان تا آنکه مرا نیز به ایشان ملحق گردانی و ایشان را پیشروان الگوی من قرار ده و مرا در دنیا و آخرت پیرو آنان گردان.

سپس اندکی جلوتر برو و هفت بار الل-ه اکبر و هفت بار لا اله الا الل-ه بگو و هفت بار الحمد لله بگو و هفت بار سبحان الل-ه و هفت بار به او پاسخ گو، اینسان که بگویی: لبیک ای منادی خدا، اگر پیکرم پاسخت نداد، براستی که دل و احساس و انسانیت و اندیشه و عشقم، به تسلیم برای این جانشین پیامبر مرسل و این نوه برگزیده پیامبر و این راهنمای دانا و امین رازدار خدا و وصیت گر شیوا سخن و ستمدیده حقباخته به تو پاسخ گفت. از همه بریده به سوی تو آمدم و به سوی فرزندت و فرزند فرزندت که به برکت حق، خلف پس از توست و قلبم تاییدکننده توست و کارم همه پیروی توست و آماده یاری تو هستم «حَتَّی یَحْکُمَ الل-ه وَ هُوَ خَیْرُ الْحاکِمِینَ»(1) {تا آنکه خداوند فرمان دهد و او بهترین فرماندهندگان است} برای دینش و شما را برانگیزد. پس با شما خواهم بود، با شما، و نه با دشمن شما. من از مومنان به بازگشت شما هستم و هیچ توانی را از خدا انکار نمیکنم و هیچ

1- . یونس / 109

مشیت و خواستی از او را تکذیب نمیکنم و هرگز مدعی نمیشوم که آنچه او خواهد، رخ نخواهد داد. (1)

سپس پیش برو تا به قبر برسی و در حالی که ایستاده ای بگو: سبحان الله خدای را، آن صاحب ملک و ملکوت را همه آفریدگانش تسبیح میکنند و نامهای پاکش را تقدیس میکنند، منزه است خدای فرماندار بس پاکنهاد، پروردگار فرشتگان و روح القدس. خداوندا مرا در میان گروه راهیانت به سوی بهترین سرزمینهایت و بهترین آفریدگانت قرار ده. خداوندا، بتهای انسانی و سرکشان طاغوت را لعنت کن. سپس دستانت را بالا ببر تا آنکه آنها را همانسان کشیده، بر قبر نهی و سپس بگو: شهادت میدهم که تو پاک پاکیزه هستی، از پاکی پاکیزه و این سرزمین به تو پیراسته گشت و پاک گشت زمینی که تو در آنی. و شهادت میدهم که تو انتقام خدایی در زمین، تا آنکه برای تو از همه آفریدگانش خونخواهی کند. سپس دستانت و دو طرف صورتت را بروی قبر بگذار و سپس بر کنار سر او بنشین و خدا را به هر آنچه خواهی نیایش کن و دلت را روانه سوی او نما و از او هر چه خواهی بخواه. سپس دستانت را و دو طرف صورتت را بر پاهای او بگذار و بگو: صلوات خدا بر روان و پیکر تو باد که بس شکیبایی نمودی، حال آنکه تو بودی راستگوی راستین شمرده. خدا بکشد آنان که تو را با دست و زبان خود کشتند. سپس برخیز و به طرف قبر فرزندش برو و بر ایشان به آنچه خواهی، سلام و صلوات میفرستی و خواسته ات و هر آنچه بر دلت گذرد را از خدایت می طلبی. سپس روبروی قبور شهیدان میایستی و میگویی: سلام بر شما ای خداپرستان. شما ما را پیشگامانید و ما شما را پیروان و یارانیم. هان شما را مژده به وعده خدا که هیچ خلف وعده ای در آن نیست و خداوند به دستان شما انتقام شما را خواهد گرفت و شما سروران شهیدان در دینا و آخرت هستید.

آنگاه قبر را پیش روی خود قرار داده و آنقدر که خواهی نماز بگزار و هر گاه که وارد حرم شدی سلام بده و پیش برو تا آنکه دستانت و گونه هایت را بر قبر نهی، و چون خواستی بازگردی، مانند همین رفتار کن؛ و در نزد او، تا وقتی که می

1- . کامل الزیارات : 216

مانی، در صلوات کوتاهی مکن و چون از نزد وی باز گشتی، پس با او وداع نما و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش و پیامبران فروفرستاده اش و بندگان درستکارش بر تو باد ای پسر رسول خدا و بر روان و پیکر تو و بر سلاله تو و بر هر آن کس از دوستدارانت که بر مزارت حاضر گشت. (1)

توضیح: گفته آن حضرت علیه السلام: «ضمن الأرض و من علیها دمک»: تضمین الأرض یا برای مبالغه و مجاز است و کنایه از بزرگ داشتن و عظمت دادن به موضوع، یا مراد این است که خدا به زمین در قبر امر میکند تا قاتلان وی را شکنجه دهد و در رجعت، (قیور)آنان را ویران کند. شاید مراد اهل زمین است یعنی فرشتگان و جنیان که مراد، کسانی است که روی زمینند یا اعم از این دو است که تعمیم بعد از تخصیص است. و احتمال میرود که منظور از تضمین خون تو به زمین و هر کس که روی زمین است این باشد که خداوند تنهای قاتلان حضرت را در زمین قرار میدهد تا از آنان در رجعت و قیامت انتقام گیرد؛ و یا اینکه خدای متعال چون پس از شهادت امام زمین را خراب کرد و خونها در زمین ریخته شد و خداوند قاتلان امام و امثال آنان را به دست کسانی که پس از امام قیام کردند، کشت، پس گویا خون امام تضمین زمین را کرده، چون انتقام وی نیز بر روی زمین جریان گرفته است. گفته حضرت «علی برکه الحق»، بیانش در شرح زیارت امیر مؤمنان علیه السلام گذشت. «المهتضم» به صیغه مجهول، یعنی مظلومی که حقش غصب شده. «جمیع خلقه» تسبیح و تقدیس بر آن تنازع کردهاند (این دو فعل در عمل بر «جمیع خلقه» با هم تنازع میکنند. «و توجه الیه» یعنی به خدا یا به امام حسین علیه السلام توجه کن، و احتمال اول روشنتر است.

21. کامل الزیارات: از امام صادق علیه السلام نظیر همین روایت را به سندی دیگر روایت میکند و در آخر آن میافزاید: و چون لحظه باز رفتن رسید، این سخنان را از آغاز تا پایانش بازگو کن، همچنان که به هنگام ورود به حرم گفتی و چون به منزلت رسیدی، بگو: حمد و ثنا خدایی راست که مرا سالم بازآورد و آزار مرا از دیگران دور داشت. حمد و ثنا خدای راست در همه کارها و بر همه حال ها،

1- . کامل الزیارات : 216

حمد و ثنا خدای راست پروردگار جهانیان. سپس بیست و یک بار پشت سر هم الل-ه اکبر بگو و درنگ نما و شتاب مکن ان شاء الله. و باقی سخن نظیر همان روایت است. (1)

توضیح: گفته وی: «و سلّم منی» یعنی آزار مرا از دیگران دور داشت. گفته آن حضرت علیه السلام: «و سهّل» یعنی با تأنی بخوان. یا به معنای برو از این گفته ایشان است وقتی گویند: «أسهل» یعنی«أتی السهل» و «السهل» ضد حزن است. به هر روی از تکلف خالی نیست و شاید تصحیف «تَرسّلَ» از ترسُل باشد یعنی تأنی.

22. کامل الزیارات: ابی باب بیاع سابری گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر که به زیارت قبر حسین علیه السلام برود، خداوند برای او یک حج و یک عمره - و یا - یک عمره و یک حج مینویسد. گوید عرض کردم: فدایت گردم، چون به زیارتش آمدم چه بگویم؟ فرمود: میگویی سلام بر تو ای ابا عبد الل-ه، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو آن روز که زاده شدی و آن روز که جان میسپاری و آنروز که زنده رستاخیز میبابی. شهادت میدهم که تو زنده هستی و شهید و نزد پروردگارت روزی میخوری. با دوستدار تو موالات میکنم و از دشمنت، برائت میجویم و شهادت میدهم، کسانی که با تو در جنگ شدند و حرمت خیمه نشینانت را زیر پا نهادند، به زبان نبیّ امّی، همگی ملعون هستند. شهادت میدهم که تو نماز را بر پای داشتی و زکات را ادا نمودی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و به سخن حکمت آمیز و اندرز نیکو، در راه خدایت تلاش نمودی. و از خدا، یاور تو و یاور ما میخواهم که هدیه ما از زیارت تو را صلوات بر پیامبرمان و بخشایش گناهانمان قرار دهد. ای پسر رسول خدا، نزد پروردگارت مرا شفیع باش. (2)

23. کامل الزیارات: ابی صامت گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: هر که پیاده به زیارت حسین علیه السلام بیاید، خداوند به هر گامش برای او هزار حسنه نویسد و هزار سیئه از وی پاک نماید و مرتبه اش را هزار درجه بالا

1- . کامل الزیارات : 219
2- . کامل الزیارات : 220

ببرد. و چون به فرات رسیدی غسل نما و کفشهایت را آویزان کن و پیاده راه برو و همچون بنده ای ذلیل راه برو و چون به دروازه حرم رسیدی، چهار بار الل-ه اکبر بگو و نزد امام نماز بگزار و حاجتت را مسألت کن. (1)

24. کامل الزیارات: ابی بصیر روایت کند: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: سلام بر حسین بن علی علیهما السلام چگونه است؟ فرمود: میگویی سلام بر تو ای ابا عبد الل-ه، سلام بر تو ای پسر رسول خدا. خدا لعنت کند آنکه تو را کشت و خدا لعنت کند هر آن کس که در قتل تو یاری نمود و هر آن کس که این خبر به او رسید و به آن خشنود گشت، من نزد خدا از ایشان بریء و برکنار هستم.(2)

25. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون به زیارت مقبره حسین علیه السلام آمدی، بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الل-ه، خدا لعنت کند آن که تو را کشت و خدا لعنت کند هر آن کس که در ریختن خونت همکاری نمود و هر آن کس که این خبر به او رسید و خشنود گشت، من نزد خدا از ایشان بریء و برکنار هستم.(3)

26. کامل الزیارات: سلیمان بن حفص مروزی از مبارک نقل کند که گفت: امام فرمود: در کنار مقبره حسین علیه السلام میگویی: سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش و گواه او بر خلقش. سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر علی مرتضی، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، شهادت میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات را ادا نمودی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و در راه خدا جانفشانی نمودی تا آنکه جان سپردی. پس صلوات خدا بر تو باد، چه زنده و چه مرده.

سپس طرف راست گونه ات را بر قبر بنه و بگو: گواهی میدهم که تو بر بیّنه و حقیقت روشنگر از سوی پروردگارت بودی. معترف به گناهانم به نزد تو آمده ام

1- . کامل الزیارات : 221
2- . کامل الزیارات : 221
3- . کامل الزیارات : 222 و در آن است: و خدا لعنت کند هر آنکه در ریختن خون تو شریک گشت

تا مرا نزد پروردگارت شفاعت نمایی ای پسر رسول خدا، سپس ائمه را یک یک به نامهایشان بخوان و بگو: شهادت میدهم که شما حجتهای خدا هستید. سپس بگو: نزد خود برای من میثاق و پیمانی بنویس که من به نزد تو آمدم و از نو پیمانم بستم، پس نزد پروردگارت برای من گواه باش که به راستی که تو شاهدی. (1)

27. کامل الزیارات: نظیر همین روایت را به سندی دیگر روایت میکند. (2)

28. التهذیب و الکافی: نظیر همین روایت را به سندی دیگر روایت میکنند. (3)

29. الکافی: نظیر همین روایت را به سندی دیگر روایت میکند. (4)

30. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون خواستی به زیارت حسین بن علی علیه السلام روانه گردی، پس روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه را روزه بگیر و چون خواستی رهسپار گردی، خانواده و فرزندانت را گرد آور و دعای سفر بخوان و پیش از بیرون رفتن غسل نما و هنگام غسل بگو: خداوندا مرا پاکیزه دار و قلبم را پاک کن و سینه ام را فراخی بخش و ذکر و ثنا و ستایش خود را بر زبانم جاری سازی، که جز به تو توانی نیست و دریافتم که قوام دینم تنها با تسلیم به امر توست و پیروی از سنت پیامبرت و شهادت بر (حقانیت) پیامبران و فرستادگانت به سوی همه آفریدگانت. خداوندا آن را نور و پاکیزگی و پناه و شفاء از هر بیماری و درد و آفت و نقص و از شر هر آنچه از آن بیم دارم و گریزانم، قرار ده.

چون بیرون آمدی بگو: خداوندا رو به سوی تو نهاده ام و امر خود به تو واگذارده ام و جانم را به دست تو سپرده ام و تکیه ام را بر یاریگری تو داده ام و بر تو توکل نموده ام. هیچ نجاتگاه و پناهگاهی جز به سوی تو نیست، ای که سراسر برکت هستی و والایی محض. پناهنده تو عزت یابد و حمد و ثنای تو بسیار باشد. سپس میگویی: به نام خدا و به کمک خدا و از سمت خدا و به سوی خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله، تنها بر خدا توکل دارم و بازگشتم

1- . کامل الزیارات : 210

2- . كامل الزيارات : 209
3- . التهذيب 6 : 114 الكافى 4 : 577
4- . الكافى 4 : 578

تنها به سوی اوست. آن آفریننده هفت آسمان و هفت زمین و پروردگار عرش سترگ. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در سفرم در امان دار و در نبودم جای مرا در خانواده ام به نیکی پر کن. خداوندا به سوی تو روی کرده ام و به سوی تو روانه گشته ام و رهپوی کوی توام و خیر و برکت تو را خواهانم و به زیارت محبوب حبیب تو، تقرب میجویم. خداوندا مرا به خاطر شر آنچه نزد من است، از آنچه نزد خود داری، محروم مدار. خداوندا گناهانم را ببخش و زشتکاریهایم را از من بزدا و اشتباهاتم را از نامه عملم فرو ریزان و نیکوکاریهایم را بپذیر. و سه بار میگویی: خداوندا مرا در سایه سپر استوار محافظتت که هر کس را خواهی در پناه آن جای دهی، قرار ده. خداوندا بر تو پناه میآورم از اینکه بگویم هیچ قوت و توانی دارم. و سپس فاتحه الکتاب و سوره فلق و سوره ناس و سوره توحید و انا انزلناه و آیه الکرسی و یاسین و این آیات آخر سوره حشر را بخوان: «لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَهِ الل-ه وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ هُوَ الل-ه الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ هُوَ الل-ه الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحانَ الل-ه عَمَّا یُشْرِکُونَ هُوَ الل-ه الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی یُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»، {اگر این قرآن را بر کوهی فرومی فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی. و این مَثَلها را برای مردم می زنیم، باشد که آنان بیندیشند. اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست، داننده غیب و آشکار است، اوست رحمتگر مهربان. اوست خدایی که جز او معبودی نیست، همان فرمانروای پاک سلامت[بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقه خود که] نگهبان، عزیز، جبّار [و] متکبّر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند. اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نامها [و صفات] از آنِ اوست. آنچه در آسمانها و زمین است [جمله] تسبیح او می گویند و او عزیز حکیم است.}

روغنی به سرت نمال و سرمه نکش تا آنکه به کنار فرات برسی و کمتر سخن بگو و مزاح مکن و بیشتر خدای را یاد کن و مبادا که شوخی و ستیزه نمایی و

اگر سواره یا پیاده بودی، بگو: خداوندا به تو پناه میبرم از آسیب گوشمالی و پیامدهای سرانجام ناخوشایند و فتنهگری و آزمایش گمراهی و از اینکه با امری ناپسند رویارو گردیم و به تو پناه میبرم از زندانی شدن و سرگشتگی و از وسوسه اهریمن و پیشامدهای بدشگون و از شر هر شرآفرین و از شر شیاطین جن و انس و از شر هر آن کس که با دوستداران خدا دشمنی پیش گرفته و از اینکه شتابان به شکنجه ام برخیزند یا طغیان و سرکشی نمایند؛ و به تو پناه میبرم از شر جاسوسان ستم پیشگان گردنکش و از شر شر و از دام ابلیس و هر آن کس که با دست و زبانش از خیر باز میدارد. و چون از چیزی ترسیدی بگو: هیچ چاره و توانی نیست مگر به دست خدا، در پرده حفاظت او در آمدم و به او پناهنده گشتم. خدایا مرا از شر آفریدگانت نگاه دار که من به یاری تو پاینده ام و من بنده توام. و چون به کنار فرات آمدی، پیش از آنکه از آن بگذری بگو: خداوندا تو بهترین مقصودی هستی که مردان بر در وی فرود آیند و تو ای سرورم، بهترین کسی هستی که به نزدش آیند و گرامیترین کسی که زیارتش کنند و چنان باشی که هر زائری را اکرامی حاصل نموده و هر فرود آمده بر درت را، هدیه و پیشکشی فراهم کرده ای و من اکنون به زیارت قبر پسر پیامبرت که سلام و صلوات تو بر او باد، به نزد تو آمده ام، پس هدیه ات به من را این قرار ده که مرا از آتش رهایی بخشی و اعمالم را بپذیری و سعی و پویشم را مشکور قرار دهی و بر این ره سپردنم به سوی تو، رحم آوری؛ بی آنکه هیچ منتی بگذارم بلکه لطف و منّت همه تو راست که راه زیارت او را برای من گشودی و فضل و درجه او را به من فهماندی و مرا که امید لطف تو داشتم در حفظ خود نگاه داشتی تا به قبر پسر ولیّ خود رساندی، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و رشته امیدم را مگسل و اکنون به نزد تو آمده ام، پس امیدم را نومید نساز و این زیارت را کفاره همه گناهانم پیش از این ساز و مرا از یاران او قرار ده، ای مهربانترین مهربانان. سپس از فرات بگذر و بگو بار الها! بر محمد و آل محمد صلوات فرست و این سعی و پویش مرا سپاس نادیده مگذار و گناهم را ببخش و عملم را بپذیر و مرا از گناهان و اشتباهاتم پاک نما و قلبم را از هر آفتی که دینم را بی برکت کند و عملم را باطل نماید، پاکیزه گردان، ای مهربانترین مهربانان.

سپس به نینوا درآی و در آنجا رخت اقامت افکن و روغن بر سر و موی نمال و سرمه نکش و تا در آنجا مقیمی، گوشت نخور و سپس به کنار شط در برابر نخلهای زیارتگاه بیا و ازار بر تن، غسل نما و در حال غسل بگو: خداوندا مرا پاکیزه و قلبم را پاک گردان و سینه ام را فراخی بخش و محبت و مدح و ستایش خود را بر زبانم جاری نما، چه اینکه جز به قدرت تو، هیچ جنبش و توانی نباشد و اکنون دانسته ام که قوام دینم در تسلیم شدن به فرمان تو و گواهی دادن بر الفت و محبت میان همه پیامبران و فرستادگانت است، گواهی میدهم که ایشان پیغامبران و فرستادگان به سوی همه آفریدگان تو هستند. خداوندا این عملم را نور و پاکی و ایمنی و شفای از هر بیماری و ناخوشی و از هر آفت و نقص و از شر هر آنچه از آن ترسان و گریزانم قرار ده. خداوندا اندام و استخوانها و گوشت و خون و پوست و مویم و مغز و اعصابم را و هر آنچه که از من بر زمین است را به واسطه آن، مطهر و پاک گردان و آن را در روز تهیدستی و نداریام شاهد من گردان.

سپس پاکیزه ترین جامه ات را بر تن کن و چون پوشیدی، سی مرتبه بگو: الل-ه اکبر الل-ه اکبر و میگویی: حمد و ثنا از آن خدایی است که ره به سوی او گرفتم و او خود مرا رساند و هم او را به دل داشتم، پس پذیرایم گشت و مرا باز نداشت و رحمت او را جستم و آن را به من عطا نمود. خداوندا تو پناهگاه و کهف نگاهداشت و ایمنی و امید و دلخوشی من هستی، خدایی جز تو نیست ای پروردگار جهانیان. و چون خواستی به راه بیفتی بگو: خداوندا تو را قصد نموده ام، پس مرا قصد نما و روی به سوی تو نهاده ام پس از من روی گردان مشو و اگر از من دلخور و ناراحت هستی، توبه ام را بپذیر و بر این رهپویی ام به سوی فرزند حبیبت، رحم آور که به آن خشنودی تو را میجویم، پس از من راضی باش و نومیدم مساز ای مهربانترین مهربانان.

سپس پای برهنه پیش برو به حال آرامش و وقار و الله اکبر و لا اله الل-ه و الحمد لله و تمجید و بزرگداشت خدا و رسول خدا بگو و بر محمد و آل محمد صلوات نثار کن و بگو: حمد و ثنا خدای یکتای یگانگی جسته در همه امور راست، آن آفریدگار مخلوقات که کمتر ذره ای از امور ایشان از وی پنهان نمانده و همه چیز

را بدون هیچ آموختنی، بداند. صلوات خدا و سلام همه فرشتگان مقرب و پیامبران و فرستادگانش بر محمد و اهل بیتش که جانشینان پیامبرند. حمد و ثنا خدایی راست که بر من لطف نمود و فضل و ارج محمد و اهل بیتش صلوات الله علیهم را بر دلم آگاهی داد. سپس با گامهای کوتاه چند قدمی پیش میروی و چون بر تلّ ایستادی و روبروی قبر قرار گرفتی، بایست و سی بار الل-ه اکبر الل-ه اکبر بگو و بگو: خدایی جز الله نیست در علمش، نهایت دانشش و خدایی جز الله نیست پس از دانش او، نهایت دانش او، نهایت دانش او، و خدایی جز الله نیست با علمش، نهایت علم او و حمد و ثنا خدا راست در دانشش، نهایت دانشش و حمد و ثنا خدا راست پس از علمش، نهایت علمش و حمد و ثنا خدا راست با دانشش، نهایت دانشش و منزه است خداوند در دانشش، نهایت دانشش و منزه است خداوند بعد از دانشش، نهایت دانشش و منزه است خداوند با دانشش، نهایت دانشش و حمد و ثنا از آن خداست به همه احوال شایسته ستودنش به خاطر همه نعمتهایش، و خدایی جز این خدا نیست و خدا بزرگتر است و او را شاید. خدایی نیست جز خدای دوراندیش بخشنده، خدایی نیست جز خدای بلند مرتبه سترگ، خدایی نیست جز خدایی که نور هفت آسمان و هفت زمین است و نور عرش سترگ است، و حمد و ثنا خدای راست پروردگار جهانیان. سلام بر تو ای حجت خدا و ای پسر حجت خدا، سلام بر شما ای فرشتگان خدا و زیارت کنندگان قبر پسر رسول خدا.

سپس ده گام جلوتر برو و سی بار الله اکبر بگو و چون راه میروی لا اله الا الله بگو، تهلیلی که غیر از او، پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر کسی و به شمار کسان، آن را در شماره نکند و سبحان الله بگو، تسبیحی بگو که غیر از او، پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر کسی و به شمار کسان، آن را در شماره نکند و الله اکبر بگو، تکبیری بگو که غیر از او، پیش از هر کسی و بعد از هر کسی و با هر کسی و به شمار کسان، هرگز هرگز هرگز آن را در شماره نکند. خداوندا من تو را شاهد میگیرم و هم تو به گواهی من بسنده ای، پس شاهد باش بر من که شهادت میدهم: تو حقی و رسولت بر حق است و سخنت حق است و قضای تو حق است و تقدیر تو حق است و فعل تو حق است و بهشتت حق است و دوزخت

حق است و تو زندگان را میمیرانی و مردگان را زنده میکنی و تو از قبر برانگیزانی و مردمان را در روزی که هیچ شکی در آمدنش نیست، گرد آوری، و تو در پیمانت خلف وعده نمیکنی. سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت خدا، سلام بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائران قبر ابا عبد الله علیه السلام . سپس اندکی به حال آرامش و وقار با گامهای کوتاه و با گفتن الله اکبر و لا اله الا الله و الحمد لله و تمجید و بزرگداشت خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله پیش برو و چون به در شرقی رسیدی، در کنار در بایست و بگو: شهادت میدهم که خدایی جز الله نیست و یگانه است و بی انباز و شهادت میدهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و رسول و امین خدا بر بندگانش است و او سرور پیشینیان و پسینیان است و او سرور پیامبران و فروفرستادگان است. سلام بر رسول خدا، حمد و ثنا خدایی راست که ما را به این امر ره نمود و اگر او ما را ره نمینمود، ما به آن ره نمیبردیم. به راستی که فرستادگان پروردگارمان برای ما حق آوردند. خداوندا شهادت میدهم که این قبر فرزند حبیب و برگزیده تو از میان خلایق است و اوست که به کرامت و لطف تو فوز یافته و او را به کتاب خود اکرام نمودی و او را ویژه این کار نمودی و بر وحی خود امین دانستی و میراث پیامبران را به وی بخشیدی و او را حجتی بر آفریدگان قرار دادی و او هرگونه عذری را کنار زد و جانش را در راه تو در طبق اخلاص نهاد تا بندگانت را از گمراهی و نادانی و بی بینشی و دودلی و تردید به دروازه هدایت و ره به در بردن از چنگ نابودی، نجات بخشد و تو بیننده ای و دیدگان تو را نبینند و تو در بالاترین چشم انداز به نظاره نشسته ای تا آنکه از میان آفریدگانت، فریفتگان به دنیا، آخرت خود را به بی ارزشترین بها فروخته و بر وی شوریدند و تو را و رسولت را به خشم آوردند و از میان بندگانت، از افراد اهل نفاق و بارکشان گناه دیگران، کسانی سر به دستور ایشان نهادند که آتش دوزخ را بر خود واجب نمودند. خدا لعنت کند قاتلان فرزندان رسول تو را و عذاب دردناک را بر ایشان دوچندان نماید. سپس کمی جلوتر میروی و میگویی: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح نبیّ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا،

سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث امیر المومنین علی بن ابی طالب وصی رسول خدا، سلام بر تو ای وارث حسن پسندیده کردار، سلام بر تو ای وارث فاطمه دخت رسول خدا، سلام بر تو ای شهید راستین، سلام بر تو ای وصیّ پسندیده کردارِ نیکوکارِ پرهیزکار، گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و خدای را خالصانه پرستیدی تا آنکه جان سپردی. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای ابا عبد الله. سلام بر تو و همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و در خیمه گاه تو رحل اقامت افکندند. سلام بر فرشتگان خدا که گرد تو حلقه زده اند، سلام بر فرشتگان خدا و زائران قبر پسر نبی خدا. سپس وارد حرم می شوی و در این حال میگویی: سلام بر فرشتگان مقرب خدا، سلام بر فرشتگان فرونشانده خدا، سلام بر فرشتگان نشاننهاده خدا، سلام بر فرشتگان خدا که در این حرم هستند و مشغول کارشان هستند و به اذن خدا مشغول سلام دادن هستند. سلام بر تو ای پسر رسول خدا و پسر امین خدا و پسر خلوص یافته خدا. سلام بر تو ای ابا عبد الله، همانا ما از خداییم و ما به سوی خدا بازگردندگانیم. بس بزرگ مصیبتی است مصیبت تو نزد پدرت رسول خدا و بس بزرگ است مصیبت تو نزد کسی که خدای عز و جل را شناخت و بس جلیل و صاحب شأن است مصیبت تو نزد درنشستگان عالم بالا و نزد پیامبران خدا و رسولان او. سلام، تمام سلام، از من بر تو باد و تمام درود همراه با غم جانکاه از دست دادنت. تو نوری در تیره های فرازمند بودی و نوری در تیرگیهای زمین و نوری در هوا و نوری در آسمانهای بالادست. نوری بودی در آن فروزنده که خاموشی نیابد و تویی آن سخنگو به رهنمود. سپس اندکی پیش برو و هفت بار الله اکبر الله اکبر بگو و هفت بار لا اله الا الله و هفت بار الحمد لله و هفت بار سبحان الله بگو و هفت بار بگو: لبیک ای منادی خدا، اگر پیکرم پاسخت نداد براستی که دل و احساس و انسانیت و اندیشه و عشقم به تسلیم، تو را برای این جانشین پیامبر مرسل و این نوه برگزیده پیامبر و این راهنمای دانا و امین رازدار خدا و نیک اداگرِ رسالت و ستمدیده حقباخته پاسخ گفت. از همه بریده به سوی تو آمدم و به سوی جدّت و پدرت و فرزند جانشین پس از خودت و قلبم تاییدکننده توست و کارم همه پیروی

توست و آماده یاری تو هستم تا آنکه خداوند به دینش حکم نماید و شما را برانگیزد و شهادت میدهم که شما حجت خدایید و تنها با وجود شما امید به رحمت هست. پس با شما خواهم بود، با شما و نه با دشمن شما. من از مومنان به (بازگشت) شما هستم و هیچ توانی را از خدا انکار نمیکنم و هیچ مشیت و خواستی از او را تکذیب نمیکنم. سپس با گامهای کوتاه پیش برو تا به مقبره برسی و قبر را پیش رویت قرار ده و رو در روی آن بایست و بگو: سلام از سوی خدا و سلام بر محمد، امین خدا بر پیامبرانش و مهمترین امورش و خاتمه دهنده پیشینیانش و راهگشای آیندگان و صاحب هیمنه بر همه این امور و سلام بر تو و رحمت خدا و برکاتش. خداوندا بر محمد، آن پیماندار تو و خاتم فرستادگانت و سرور بندگانت و امینت در سرزمینت و بهترین آفریدگانت درود فرست، آنسان که کتابت را تلاوت نمود و در برابر دشمنانت جانفشانی نمود تا آنکه جان به جان آفرین سپرد. سلام بر امیر المومنین، بنده ات و برادر رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر هر آن کس از خلقت که خواستی، و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد. خداوندا شریعت خود را به او تمام گردان و وعده ات را به دست او عملی گردان و دشمنت را به دست او نابود گردان و ما را از دوستداران و یاران وی بنویس. خداوندا ما را پیرو او و یاور و همداستان وی در اطاعت از خودت و پیامبرت و در آنچه که به عهده وی سپردی و او را در آن خلیفه گرداندی، قرار ده، ای خداوندگار جهانیان. خداوندا بر فاطمه دخت پیامبرت و همسر ولی ات و مادر پاک و مطهر و بس راستگوی پاکنژادِ سبطین، حسن و حسین، و سرور همه زنان اهل بهشت، درود و صلواتی فرست که جز تو را یارای شمارش آن نباشد. خداوندا بر حسن بن علی بنده ات و فرزند برادر رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی

درود فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد. خداوندا بر حسین بن علی بنده ات و فرزند رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، درود فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد. و این چنین بر همه ائمه، چنان که بر حسن و حسین علیهما السلام درود فرستادی، سلام و صلوات میفرستی و میگویی: خداوندا شریعت خود را به ایشان تمام گردان و وعده ات را به دست ایشان عملی گردان و دشمنت و دشمن ایشان از جن و انس، همگان را به دست آنان نابود گردان. خداوندا ایشان را از ما به بهترین شکلی که بیم دهنده ای را از قومش نصیب دادی، بهره کافی ببخش. خداوندا ما را پیرو ایشان و یاور و همداستان آنان در اطاعت از خودت و پیامبرت قرار ده. خداوندا ما را از کسانی قرار ده که راه نوری که با ایشان نازل گشته را پی میگیرند و ما را حیاتی چون حیات ایشان و مماتی چون ممات ایشان ببخش و ما را در آمدگاه هایی که ایشان در دنیا و آخرت به آن درآمدند، حاضر گردان. خداوندا این جایگاهی است که مرا به آن اکرام نمودی و شرافت بخشیدی و مرا بر حقیقت ایمانم به تو و پیامبرت، به آرزویم رساندی.

سپس اندکی نزدیکتر می شوی و میگویی: سلام بر تو ای پسر رسول خدا و سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش و پیامبران فرو فرستاده اش، هر زمان که درودهای پاکیزه فرامیرسند، از آنِ تو باد و سلام آنان که به دلهاشان به تو ایمان دارند و با زبانهاشان سخن از فضل تو میگویند. گواهی میدهم که تو راستگوی بس راستینسخن هستی و در آنچه بدان فراخواندی راست گفتی و در آنچه کردی، راستی پیشه نمودی. تو انتقام خدا هستی در زمین. خداوندا مرا در شمار دوستدارانت آور و شهادت ایشان و شهادتگاه های ایشان را در دنیا و آخرت محبوب دلم قرار ده که تو بر هر کار توانایی.

و میگویی: سلام بر تو ای ابا عبد الله، رحمت خدا بر تو باد ای ابا عبد الله و صلوات خدا بر تو باد ای ابا عبد الله. سلام بر تو ای امام رهیافتگی، سلام بر تو ای

عَلَم پرهیزکاری، سلام بر تو ای حجت خدا بر اهل دنیا، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا، سلام بر تو ای آنکه خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد، سلام بر تو ای کشته تبار کشته ای که خونخواهی کشتگانت بر کفت مانده است. گواهی میدهم که تو مظلوم کشته شدی و قاتلت در دوزخ خواهد بود و شهادت میدهم که تو در راه خدا ، چنان که شاید، جانفشانی کردی و در راه خدا بر سرزنش هیچ نکوهنده ای وقعی ننهادی و خدا را پرستیدی تا آنکه وقت جان باختنت رسید. شهادت میدهم که شما کلمه تقوا و دروازه هدایت و حجت بر خلق هستید. شهادت میدهم که این امر در گذشته، پیش از هر کس از آن شما بود و راه فتح شما در آینده است و شهادت میدهم که روان و سرشت شما از طینتی (گِلی) پاک آفریده شده که نیکو بوده و پاکیزه و مطهر و بعضی از آن از بعضی دیگر است. از سوی خدا و رحمت خدا، پس خدای تبارک و تعالی را شاهد میگیرم و گواهی او بسنده باشد و شما را گواه میگیرم که من به شما ایمان دارم و درباره وجود خودم و دستورات دینم و عاقبت عملم و بازگشتگاهم و اقامتگاه همیشگی ام، پیرو شما هستم. پس از خداوند احسانگر مهربان مسألت دارم که این امر را برایم به کمال رساند و شهادت میدهم که شما آنچه را که خداوند به شما فرموده بود، به گوش مردمان رساندید و خیرخواهی کردید و شکیبایی نمودیم و کشته شدید و جان و مالتان غصب گردید و به شما بی احترامی شد ولی شکیبایی نمودید. پس خدا لعنت کند امتی را که با شما به مخالفت برخاست و خدا لعنت کند امتی که ولایت شما را انکار نمود و امتی را که علیه شما به پشتیبانی برخاست و امتی که شاهد نبرد بود ولی تن به شهادت در کنار شما نداد. حمد و ثنا از آن خدایی است که ایشان را در دوزخ ماندگار نمود و بس بد آبشخوریست که به آن درآیند و بس بد عطیه ایست که به ایشان دهند.

و میگویی: صلوات خدا بر تو ای ابا عبد الله، صلوات خدا بر تو ای ابا عبد الله، صلوات خدا بر تو ای ابا عبد الله و بر روانت و پیکرت. خداوند قاتلان تو را لعنت کند و خداوند چپاولگران تو را لعنت کند و خداوند بییاور رهاکنندگان تو را لعنت کند و خدا لعنت کند آن که بر قتل تو همداستان گشت و آن که به آن دستور داد و در خون تو شریک گشت. و خدا لعنت کند هر آن کس که این خبر شنید و به

آن خشنود گشت یا خاطرش به آن آسوده گشت. من نزد خداوند از سرسپردگی به ایشان برائت میجویم و سرسپرده خدایم و رسول خدا و خاندان رسول خدا و شهادت میدهم، آنان که به خیمه نشینانت بی حرمتی کردند و خونت را ریختند، به گفته نبیّ امّی ملعون هستند. خداوندا، لعن و نفرین فرست بر آنان که پیامبرانت را تکذیب کردند و خون اهل بیت پیامبرت که صلواتت بر ایشان باد را ریختند. خداوندا لعنت فرست بر قاتلان امیر المومنین و عذاب دردناک را بر ایشان دوچندان گردان. خداوندا لعنت فرست بر قاتلان حسین بن علی و قاتلان یاران حسین بن علی و ایشان را به دل حرارت آتشت درافکن و اوج توانمندیت را به ایشان بچشان و عذاب ایشان را دوچندان گردان و ایشان را لعنتی بنیان افکن فرست. خداوندا شکنجه خود را بر سر ایشان فرود آر و ایشان را از جایی که نمیپندارند، ریشه کن گردان و به آن حال که خود نیز نفهمند، گلویشان را بگیر و ایشان را عذابی ناخوشایند کن. و دشمنان پیامبرت و دشمنان خاندان پیامبرت را لعنتی بنیان افکن فرست. خداوندا بتهای انسانی و طاغوتها و فرعونها را لعنت نما که تو بر هر کاری توانایی.

و میگویی: پدر و مادرم به فدای تو ای ابا عبد الله، این سفرم با وجود دوری راهم، به سوی تو بود و اشکهام به خاطر تو لبریز گشت و تاسف و شیون و زاری و گریه های بی صدا و هق هق من همه بر تو بود و به سوی تو روی آوردم و گنهکاری بسیارم را در پرده پوشی تو مینهم. زیارتگر و فرود آمده بر کوی تو، به سوی تو آمدم، حال آنکه پشتم از بار سنگین بود. پدر و مادرم به فدایت ای سرورم! بر تو گریستم ای برگزیده خدا و پسر برگزیده خدا و سزد که من بر تو گریم، در حالی که آسمانها و زمینها و کوهها و دریاها برتو گریستند، پس مرا چه عذری است اگر نگریم، حال آن که حبیب پروردگارم بر تو گریست و ائمه صلوات الله علیهم بر تو گریستند و همه درنشستگان از زیر سدره المنتهی تا به روی خاک زمین، از بیقراری بر تو شیون و زاری کردند.

آنگاه به قبر دست بکش و بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الله، ای حسین بن علی، ای پسر رسول خدا. سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت او، شهادت می

دهم که تو بنده خدا و امین اویی و خیرخواهانه ابلاغ نمودی و امانتداری به جای آوردی و راستین سخن بر زبان راندی و راستین منش شهید گشتی و با یقین ره سپردی و گمگشتگی را بر رهیافتگی برنگزیدی و از راه حق به باطل نگراییدی و جز خدای یگانه را دوست نداشتی و گواهی میدهم که تو بر بیّنه و حقیقت روشنگری از سوی خدایت بودی و آنچه به تو فرموده بود را ابلاغ نمودی و حق آن را ادا نمودی و پیشینیان خود را نه با سستی و نه با تضعیف، تایید نمودی. صلوات خدا بر تو باد و سلام بیپایان او، و خدا تو را ای صدّیق راستین روش، خیر عاید نماید. شهادت میدهم که جهاد به همراه تو جهاد واقعی است و حق با توست و به سوی توست و تو اهل و معدن آن هستی و میراث نبوت نزد تو و نزد اهل بیتت است، که صلوات خدا بر او و خاندانش باد و سلام بی پایانش. و شهادت میدهم که تو ابلاغ نمودی و اندرز دادی و وفا نموده و به حکمت و اندرز نیک در راه پروردگارت مجاهدت نمودی و بر آن راه و رسالتی که داشتی ره سپردی، در حالی که شهید شدی و [خود به آن] آگاه بودی و نیز شاهد [آنچه از این امت صادر شد] بوده و [توسط خدا و رسولش و فرشتگان و اهل ایمان] برای تو شهادت داده میشود[که تو بر حق و طریق مستقیم بودی]. پس صلوات خدا بر تو و درود بی پایان او. شهادت میدهم که تو پاکی پاک پاکگشته ای هستی از یک پاکی پاک پاکگشته که مطهر گشته و زمینی که تو در آن هستی پاک گشت و حرم تو پاک باشد. شهادت میدهم که تو به دادگری امر نمودی و به آن فراخواندی و گواهی میدهم امتی که تو را شهید کردند، اشرار خلق خدایند و کافران ایشان و من به تو نزد پروردگارت و پروردگارم، برای همه گناهانم شفاعت میجویم و در حاجات و آرزوهایم در امر دنیا و آخرتم به آبروی تو به سوی خدایم روی میکنم. سپس گونه راستت را بر قبر بنه و بگو: خداوند به حق این قبر و آن آرمیده در قبر و به حق این قبرها و آرمیدگان در آن، از تو مسألت دارم که نام مرا نزد خود در میان نامهای ایشان بنویسی تا آنکه مرا به همان راهی که به آن درآمدند و همان سرنوشتی ببری که ایشان را هدایت فرمودی، که تو بر هر کار توانایی.

و میگویی: خداوندا گناهان مرا از پای درآورده و زبان گفتنم را کوتاه داشته و اکنون حجتی در کف ندارم و عذری هم ندارم و این منم که به گناهانم اعتراف دارم و اسیر محنت و بلیّه ام هستم و پایبسته اعمالم هستم و اشتباهکاری ام را بس نمیکنم و در یافتن راهم سرگشته ام و از ادامه راه باز مانده ام. خدایا خود را در جایگاه کوردلان پست گنهکار که با جسارت بر هشدار تو، بر تو جسارت ورزیده اند، قرار داده ام. ای سبحان خدای پاک، این چه جرأت و جسارتی است که بر تو به خرج داده ام و چه سان خود را اینگونه غرّه و فریفته نموده ام و این چه سکرت و بیهوشی است که هلاکم گردانده و چه غفلتی است که مرا تباه و تلف نموده است؟ چه زشت و ناپسند بود آن نگاه نادرستم و چه ناهنجار بود آن کردارم. ای سرورم، پس به کرامت این رویم و بر خاک مالیدن گونه ام و پشیمانی ام از رفتاری که از دستم به در رفت، از این لغزش پایم و لغزشم درگذر و دستم را از این زمین خوردگی بگیر و بر این زاری و اشکم رحم آور و پوزشم بپذیر و جهل مرا با حلم و دانایی ات بپوشان و اشتباهکاریهایم را با لطف و احسانت و با عفوت در حق من پاسخ گو. خدایا از سنگینی دلم و ناچیزی عملم به حضرتت شکوه آورده ام، پس این درخواست مرا با نرمی بپذیر که من به گناهم اقرار کرده و به اشتباهاتم اعتراف کرده ام و هان! این دست و پیشانی من است و با تقاص گرفتن از خود، در برابر تو ره فروتنی گرفته ام، پس توبه ام بپذیر و مرا از اندوهم رها گردان و بر خشوع و خضوعم و سرتاپا روی نمودنم به تو و اسف خوردنم بر آنچه از من سر زده رحم آور ای سرورم، و بر این بر خاک افتادن و چهره بر خاک قبر پسر پیامبرت در پیش روی تو رحم آور که تویی امیدواری من و تکیه گاه و پشتیبان و دلخوشی من و خدایی جز تو نیست. سپس سی و پنج بار الله اکبر بگو و دستت را بالا ببر و بگو: خداوندا از سرزمینم به راه افتاده و به سوی پسر پیامبرت سرزمینها را درنوردیده ام به امید بخشودگی، پس ای سرورم، اُنسم ببخش و شفیعم باش و بر من رحمت آور و در روزی که شفاعتی نزد خدا افاقه نکند مگر برای آنکه از وی خشنود باشد، نجاتبخش من باش؛ همان روزی که شفاعت شفاعت کنندگان فایده ای ندارد و گمراهان گویند که ما را شفاعتگرانی نیست و نه هیچ دوست دستگیر. پس در این

روز در هنگام ایستادنم در پیشگاه پروردگارم، مرا نجات ده که گناهم بس عظیم است، آنگاه که عضلات زیر بغلم به لرزش افتد و (خداوند) گوش مرا که با کردارهایی که از من سرزده، سر به زیر افکنده ام، گرفته و من، چون روزی که از مادر زاده شدم، برهنه (و بی چیز) ام و خدایم از من سؤال میکند. پس در این روز شفاعتم کن و نجاتم بخش که برای روز حاجتم و روز تهیدستی و نداری ام، بر (لطف) تو حساب کرده ام. سپس گونه سمت راستت را بر قبر بگذار و بگو: خداوندا بر این لابه من بر تربت قبر پسر پیامبرت رحم آور که من اکنون در موضع رحمت هستم ای خدای من. و میگویی: پدر و مادرم به فدای تو ای پسر رسول خدا، من نزد خداوند از قاتلان و چپاولگران تو برائت میجویم و ای کاش که با تو بودم تا به فوز عظیم نائل گردم و قلبم را در راه تو میدادم و با جانم از تو پاسداری میکردم و از جمله یاران جانسپرکردهات بودم تا آنکه خونم با تو میریخت، تا به همراه تو به سعادت و دستیابی به بهشت خدا، نائل میآمدم.

و میگویی: لعنت خدا بر آنکه تو را با تیر زد، لعنت خدا بر آنکه بر پیکرت نیزه زد، لعنت خدا بر آنکه سرت را برید، لعنت خدا بر آنکه سر تو را بر دست برد، لعنت خدا بر آنکه با چوب دستی اش بر دندانهای تو کوبید، لعنت خدا بر آنکه زنان خاندان تو را به گریه انداخت، لعنت خدا بر آنکه فرزندانت را یتیم کرد، لعنت خدا بر آنکه علیه تو به یاری برخاست، لعنت خدا بر آنکه به سوی تو لشکر کشید، لعنت خدا بر آنکه تو را از آب فرات بازداشت، لعنت خدا بر آنکه با تو نیرنگ باخت و تنهایت گذاشت، لعنت خدا بر آنکه صدای تو را شنید و لبیکت نگفت، لعنت خدا بر پسر هند جگرخوار، و لعنت خدا بر پسر او و یاران و پیروان و طرفدارانش ابن سمیّه، و لعنت خدا بر همه قاتلان تو و قاتلان پدرت و هر آنکه بر قتل شما یاری نمود و خداوند دلها و سینه ها و قبرهایشان را از آتش پر کند و ایشان را عذابی دردناک فروفرستد.

سپس بر کنار سر حضرت، هزار ذکر از ذکر امیر المومنین علیه السلام بگو و اگر دوست داشتی به کنار پاهای حضرت برو و دعا کن به آنچه به تفصیل گفتیم و سپس از کنار پاها به کنار سر حضرت بازمی گردی و چون از نماز فارغ گشتی

تسبیح میگویی و تسبیحت آن است که بگویی: پاک و منزه است آنکه جلوه هایش فنا نپذیرد، منزه است آنکه خزانه هایش پایان نیابد، منزه است آنکه مدت دوام و بقای او را انقطاعی نیست، منزه است آنکه آنچه نزد اوست از میان نرود، منزه است آنکه شکوه او پایان گیرنده نیست، منزه است آنکه احدی را در امرش شریک نگرداند، منزه است آنکه پروردگاری جز او نیست، سپس به کنار پاهای حضرت برو و دستهایت را بر قبر بگذار و سه بار بگو: صلوات خدا بر تو ای ابا عبد الله، تو صبر نمودی و تویی راستگوی راستینشمرده، خداوند هر آنکه شما را به دست و زبانش به کشتن داد، نابود گرداند. و میگویی: خداوندا ای پروردگار همگان، ای فریادرس برگزیدگان، هان که به تو پناه آورده ام، پس بند اسارت دوزخ از گردنم بردار. ای پسر رسول خدا، رهسپار کوی تو آمده ام و بر همه حاجاتم از امر دنیا و آخرتم نزد خداوند، به تو توسل میجویم و توسل کنندگان در همه حاجاتشان، به آبروی تو نزد خداوند توسل میکنند و پاداش جویان از میان بندگان خدا، درخواست خود را به لطف تو درمی یابند. از ولیّ تو و ولیّ ما مسألت دارم که بهره من از زیارتت را صلوات بر محمد و آل محمد و بخشودگی گناهانم قرار دهد. خداوندا ما را از جمله کسانی قرار ده که ایشان را یاری میکنی و ایشان را در دنیا و آخرت به یاری دینت میگیری. سپس گونه ات را بر آن مینهی و میگویی: خداوندا ای پروردگار حسین، بر سینه حسین مرهم نه، خداوندا ای پروردگار حسین، به خونخواهی حسین برخیز، خداوندا ای پروردگار حسین، از کسانی که به قتل حسین راضی گشتند، انتقام بگیر، خداوندا ای پروردگار حسین، از کسانی که به مخالفت با حسین برخاستند، انتقام بگیر، خداوندا ای پروردگار حسین، از هر که از کشته شدن حسین خشنودگشت، انتقام بگیر. و همچنان در لعنت فرستادن بر قاتلان حسین و امیر المومنین خالصانه و به جدّ، خدای را میخوانی و در کنار پاهای حضرت، هزار مرتبه یکی از تسبیح های حضرت زهرا که سلام خدا بر او باد، را میگویی و اگر نتوانستی، صد ذکر و چنین است که میگویی: منزه است آن صاحب شکوهِ فاخرِ هنگفت. منزه است آن صاحب فرمانروایی شکوهمند پاینده. منزه است آن صاحب فرمانروایی شکوهمند هنگفت. منزه است آنکه ردای سرفرازی و زیبایی بر تن دارد. منزه است آنکه

پوشش از نور و وقار دارد. منزه است آنکه جای پای مورچه بر سنگ سخت و اثر بال زدن پرندگان بر هوا را بیند. منزه است آنکه چنین است و غیر او اینچنین نیست.(1)

سپس به سمت قبر علی بن حسین برو که او زیر پای حسین بن علی علیه السلام آرمیده است و چون بر کنار او ایستادی بگو: سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای پسر رسول خدا و پسر جانشین رسول خدا و پسر دخت رسول خدا و رحمت و برکات دوچندان خدا تا هر گاه که خورشید بردمد و فرونشیند. سلام بر تو و بر روان و پیکرت. پدر و مادرم فدای تو که بی هیچ جرمی سرت بریده شد و کشته شدی. پدر و مادرم به فدای آن خونی که به نزد حبیب خدا بالا بردند. پدر و مادرم به فدای تو که به پیشگاه پدر برده شدی و او با شکیبایی بر تو اجر الهی را محفوظ داشت و بر تو گریست و دلش بر تو گداخت و خونت را با دستش به سینه آسمان پاشید و قطره ای از آن باز نمیگشت و زاریهای پدرت بر تو فرو نمینشست و برای جدایی با تو وداع نمود، پس جایگاه شما دو تن به همراه پدران و مادران گذشته ات، نزد خداوند در بهشت است و در آن متنعمید. برائت میجویم از هر آنکه تو را به قتل رساند و سر برید. سپس بر کنار قبر بمان و دستت را روی آن بگذار و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش و پیامبران فروفرستاده اش و بندگان درستکارش بر تو ای مولا و فرزند مولای من و رحمت و برکات خداوند. صلوات خدا بر تو و بر عترتت و اهل بیت و پدران و فرزندان و مادران برگزیده نیکوکارت که خداوند پلیدی را از ایشان بزدوده و پاک و پاکیزه شان گردانده است. سلام بر تو ای پسر رسول خدا و پسر امیر المومنین و پسر حسین بن علی و رحمت و برکات خدا. خدا لعنت کند قاتل تو را و لعنت فرستد بر هر آنکه حق شما را نادیده گرفت و شما را کشت. خدا لعنت فرستد بر هر زنده و مرده ای از ایشان. جانم به فدای شما و این آرامگهتان. صلوات خداوند بر شما باد و سلام بی پایان خدا.

سپس گونه ات را بر قبر بنه و سه بار بگو: صلوات خدا بر تو ای ابا الحسن، پدر و مادرم به فدایت، رهسپار کوی تو و فرود آمده بر در تو، به زیارتت آمده ام و

1- . کامل الزیارات : 237- 239

از جنایتی که بر خود روا داشته و هیزمی که بر پشت خود بار برداشته ام، به تو پناه آورده ام و از ولی تو و ولی خود مسألت دارم که نصیب من از زیارتت را رهایی ام از آتش دوزخ قرار دهد. و سپس هر دعایی خواستی میخوانی و به کنار قبر حسین علیه السلام باز میگردی و از پشت قبر به کنار رأس الحسین علیه السلام میآیی و در کنار سر حضرت دو رکعت نماز میگزاری که در اولی حمد و یاسین و در دومی حمد و الرحمن میخوانی، و اگر خواهی، پشت قبر نماز میگزاری و کنار سر حضرت بهتر است و چون فارغ گشتی، هر چه خواستی صلوات فرست، ولی دو رکعت نماز زیارت را بایستی کنار هر قبر به جای آورد و چون از نماز فارغ گشتی دستانت را بالا ببر و بگو: خداوندا، ما با ایمان به وی، به زیارتش آمدیم، با تایید او و چنگزنان به رشته او و آگاه از حقش و معترف به فضل و ارجش و با بینش تمام به گمراهی مخالفان او و آگاه به رهیافتگی که وی بر آن است. خداوندا من تو را شاهد میگیرم و هر فرشته ات که اکنون بر من حاضر است را گواه میگیرم که من به ایشان ایمان قلبی دارم و از قاتلان ایشان برائت میجویم. خداوندا، آنچه را که از سر ایمان میگویم، حقیقتی در دلم و شریعتی در عملم قرار ده. خداوندا مرا از جمله کسانی قرار ده که با حسین بن علی علیه السلام استوار، همگامند و نام مرا در میان شهیدان همراه وی درج نما. خداوندا لعنت فرست کسانی را که نعمت تو را از سر کفر، دیگرگون نمودند. منزهی تو ای شکیبا، از آنچه که ستمگران در زمین مرتکب می شوند. وجودت سراسر برکت و هستی ات همه والایی است، ای بزرگی که جنایت فجیع را از بندگانت میبینی و بر ایشان شتاب نمیکنی. وجودت همه والایی است ای بخشنده. تو شاهدی هستی که غایب نبوده و آگاهی از هر آنچه بر برگزیدگان و محبوبانت، از اموری که نه آسمان و نه زمین تاب بر دوش کشیدن آن را دارند، رفته است و اگر خواهی، از ایشان انتقام ستانی، ولی تو بردباری و به راستی که بر جسارت کردگان بر ذات مقدست و بر رسولت و حبیبت مهلت داده ای و ایشان را در زمینت ساکن گردانده و همچنان به نعمتت ایشان را تا سررسیدی که به آن درخواهند آمد و تا وقتی که به سوی آن در حرکتند، روزی داده ای تا عملی که تو در تقدیر نوشته ای، تکمیل نمایند و مهلتی که نهاده ای، سر رسد، تا ایشان را

در افکنگاهی و بسته به یوغهایی و در میان آتش و آبِ جوشان و چرک تنهای به گدازش افتاده (به عنوان نوشیدنیشان) و خارهای لب و دهان گزا (غذایشان) و اخگرها و غل و زنجیرها و بندها و میان قیح و چرک زخمهای تفتیده شان و زقّوم جگرسوزشان، همراه با ماندگار گشتن طولانی در روزهای سوزاننده و در دل جهنمی که هیچ چیز را اثری باقی نمیگذارد و در حمیم و جحیم، جاودان گردانی.

سپس سر و روی بر قبر خم میکنی و میگویی: ای سرورم، رهسپار کوی تو و فرود آمده بر در تو به زیارتت آمدهام و پشتم از بار گناهان سنگین است و با درنشستنم به کوی تو و با گریه و شیون و حسرت و تاسف و زاریام بر تو، نزد خدایم تقرب میجویم و بر خود به این امید که فرداروز تو مرا (از عذاب) بپوشی و پشتیبان و کهف امان و پناه و شفیع و نگاهدار من از آتش دوزخ باشی، بیمی ندارم. و من از دوستداران شمایم که با دشمنانتان سر جنگ دارم و با دوستانتان دوستی میورزم و بر این سیره زندگی میکنم و هم بر آن جان خواهم باخت و به خواست خدا به همان رستاخیز یابم، حال آنکه این تنم را به راه سفر انداخته و خانواده ام را پشت سر گذاشته ام و مسافتی دور را پیموده ام و در قرب شما امید نجات دارم و امید بازگشتن دوباره به نزد شما را دارم و فرداروز مشتاق نظر نمودن به روی شما و جایگاه شما در بهشت پروردگارم به همراه نیاکانتان هستم. و میگویی: ای ابا عبد الله، ای حسین پسر رسول خدا، آمده ام تا شفاعت تو را به نزد پروردگارم برگیرم. خداوندا من نزد تو به آبروی فرزند حبیبت و به فرشتگانی شفاعت میجویم که بر او ضجه میزنند و میگریند و بی خستگی و بی دل آزردگی همچنان بر وی زاری میکنند، در حالی که از خشیت در برابر تو دلنگرانند و از عذاب تو هشدارزنانند، و روزگار ایشان را دگرگون نسازد و فرتوت و ناتوان نگردند و در گوشه و کنار حرم هق هق جانسوز سر داده اند و سرور ایشان بیند که بر چه حالند و چه میکنند، اشک چشمهاشان سیل آسا ریزان است و خشک شدنی نیست و اندوه ایشان به گدازشی سوزان است که خامشی نیابد. سپس دستت را فراز کرده و میگویی: خداوندا، من به حال مسکینی فروافتاده و خوارگشتهام که جز تو، بی نوایی او را چاره نسازد و گر رحمت تو او را درنیابد، تباه گردد؛ از تو مسألت دارم که با لطفی

از خود، توشه ام دهی که تویی که گدایت را نومید نسازی و مغفرت عطا گردانی و گناهان را ببخشایی. پس ای سرورم، مباد که من ناچیزترین بندگانت باشم و مباد که ناچیزترین کسی که به بارگاه فرزند حبیبت درنشست، باشم که من امیدها بستم و به خود دلخوشیها دادم و طمع (به بخششت) کردم و به زیارت آمده و از اهل و عیال دور گشتم، به این امید که تو مرا جزا دهی، آنگاه که مرا از خانه ام روانه ساختی و از سر رحمت و تفضلت بر من، اجازه سفر به سوی این دیار به من دادی، ای مهربان بخشاینده. (1) و تا توانی در دعایت کوشش به خرج ده و به خواست خدا، بسیار نیایش کن. سپس از بارگاه خارج شو و در کنار قبور شهیدان بایست و با اشاره به همه ایشان بگو: سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد، سلام بر شما ای آرمیدگان در قبرها از اهل سرزمین مومنین. سلام بر شما با آن شکیبایی که پیشه کردید و بس نیک است عاقبت منزلگه شما. سلام بر شما ای دوستداران خدا، سلام بر شما ای یاران خدا و رسول خدا و یاران امیر المومنین و یاران پسر رسول خدا و یاران دین خدا. شهادت میدهم که شما یاران خدایید چنان که فرمود: «وَ کَأَیِّنْ مِنْ نَبِیٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّیُّونَ کَثِیرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَکانُوا»، و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند، شکیبایان را دوست دارد.» و شما سست نگشته و سر تسلیم بر دشمن فرونهادید تا آنکه در راه حق با خدایتان دیدار نمودید، صلوات خدا بر شما باد و بر روانها و پیکرهایتان. هان مژده باد شما را به پیمان الهی که آن را خلف وعده و دگرگونی نباشد و خداوند وعده اش را زیر پای نمینهد و خداوند به واسطه شما، انتقام آنچه که به شما وعده داده، در خواهد یافت. شما جمع مخصوص خدایید که خداوند شما را به ابا عبد الله امام حسین علیه السلام اختصاص داده است، شمایید شهیدان و شمایید نیکبختان که نزد خداوند بخت خوش یافتید و همراه آنانکه یاریشان نمودید به درجاتی از بهشت دست یافتید که ساکنان آن سالخورده نگردند و به اقامت در آن جایگاه سلامت راضی شدند. ای یاوران،

1- . کامل الزیارات : 241- 242

خداوند خیرتان دهد، در پاداش آن پایداریتان با رسول خدا صلی الله علیه و آله. خداوند آنچه از گرامیداشت در کنار خود و در خانه اش همراه با پیامبران و فرستادگان و امیر المومنین و فرمانده آن نورانی دست و رویان (از اثر وضو) وعده تان داد، عطایتان گرداند. از خدایی که مرا به سوی شما آورد تا آنکه قتلگاه شما را دیدم، مسألت دارم که شما را بر حوض کوثر سیراب و سیر نوشانده نشانم دهد و دشمنانتان را در اسفل السافلین دوزخ نشان دهد، چرا که آنان شما را به ستم به قتل رساندند و قصد کردند که حق را بگیرند و شما را به خاطر پسر سمیه و پسر جگرخوار چپاول نمودند، پس از خدا میخواهم که ایشان را تشنه و عطشناک، بسته در غل و زنجیرها و در حالی که به سوی دوزخ رانده می شوند، نشانم دهد. سلام من بر شما ای یاران پسر رسول خدا، تا آن روز که زنده باشم و سلام همیشگی بر شما چون نابود گشتم و پوسیدم. ای سوز و حسرت دلم بر شما، چه مصیبتی بود که بر جان همه دوستداران محمد و آل محمد نشست! به حق که مصیبتی بس بزرگ و جلیل است و بر تک تک ایشان فرود آمد و فراگیر همگان گشت. هان که من از داغ شما بیقرارم و دلم از آن به درد آمده و اندوهگینم و به مصیبت شما داغدار و حسرت کشم. هان گوارا باد شما را، آنچه خداوند شما را عطا نمود و گورایتان باد درودی که در پاداش بر شما فرستاد. به راستی که فرشتگان بر شما گریستند و گرد شما حلقه زدند و بر اردوگاهتان رخت افکندند و بر قتلگاهتان درنشستند و به تقدیس برنشسته و بالهایشان را بر شما گسترانده اند و از شما تا روز قیامت و روز محشر و روز رستاخیز مردمان از قبرها، جدا نگردند و رحمتی از خدا بر گرد حرم شما در طواف باشد که به واسطه آن به شرف آخرت دست یابید. مشتاقانه به زیارت شما آمدم و بیمناک زیارتتان کردم. از خدا خواهم که شما را بر حوض کوثر و در بهشت با پیامبران و فرستادگان و شهیدان و صالحان که بس نیک رفیقانی هستند، به چشم خود ببینم.

سپس در حرم بگرد و چنین بگو: ای آنکه به سویش روانه گشتم و به لطفش اجر یافتم و به دل قصد او نمودم و به آبروی پسر پیغمبرش به او تقرب جستم، بر محمد و آل محمد درود فرست و با روزی کردن بهشت، بر من منت نِه و از بند

اسارت دوزخم برهان. خداوندا بر غربتم و دوری ام از خانه ام و بر ره سپردنم به سوی تو و پسر حبیبت، بر من رحم نما و مرا رستگار و نتیجه یافته بازگردان، آنسان که پوزشم را و فروتنی و خاکساری ام را نزد امام و سرور و مولایم پذیرفته باشی و بر فریاد و دلپریشی و اندوه و بیقراری و گریه ام و آن بی تابی که بر قلبم نشست، رحم آور که به نعمت و لطفت بر من و با نیرویی که تو بخشیدی، به سوی او رهسپار شدم و اینکه هر امر ناخوشایندی را از من بازداشتی و با شب و روز نگاهبانی ات بر من و با حفظ و گرامیداشت من و بر هر دریایی که سوار شدم و بر هر بیابانی که پای کشاندم و در هر منزلگهی که فرود آمدم، تو بودی که مرا در دریا و بیابان همراه خود بردی و تو بودی که مرا رساندی و توفیقم بخشیدی و کفایتم نمودی و با فضل و احسان تو و نگاهداشت تو بود که رسیدم و در همه این امور، این تویی که بر من منت داری و رد پایم و نیز نامم و حضورم نزد تو مکتوب است، پس تو را سپاس به خاطر پیروزی که مرا بخشیدی و لطفی که در حق من نمودی. خداوندا، پس بر دلهره ام از تو و ایستادنم در پیشگاه تو و بر این سخن نرم و ملتمسانه ام رحم آور و توسلم به فرزند حبیب و برگزیده و سرآمد آفریدگانت، به نزد تو و روی نمودنم به تو را بپذیر و از لغزشم درگذر و خطایای بسیاری که از من سر زده را ببخش و آنچه از عیبها و گناهان و اسرافکاری من در حق خودم میدانی، تو را از لطف باز ندارد و اگر از من بس خشمگین هستی، از من خشنود گرد و اگر از من ناراحتی، پس بر من ببخش که تو بر هر کاری توانایی. خداوندا من و پدر و مادرم را ببخشای و بر آن دو رحمت فرست همانسان که در کودکی مرا پرورش دادند. و ایشان را از سوی من خیر عطا کن. خداوندا، احسان ایشان را با احسان پاداش ده و بدیهایشان را با بخشایش. خداوندا ایشان را به لطف و رحمت به بهشتت ببر و عذابت را بر چهره ایشان حرام گردان و آرامگاه هایشان را از آتش دور گردان و قبر را بر ایشان گسترده و بی فشار دار و ایشان را در جایگاهی از رحمتت و مجاورت با حبیبت محمد صلی الله علیه و آله نشانم ده. (1)

1- . کامل الزیارات : 242- 245

توضیح: «من سطوات النکال»: «سطوه»، حمله و سرکوب است و «نکال»، مجازاتی است که مردم را از انجام کاری که این عقوبت مجازات آن است، بازمیدارد؛ یعنی از خشمهای خدا که موجب عبرت کسی میشود که از آن آگاهی یافت. ممکن است مراد، سطوات ستمکاران در دنیا باشد. «وبال» یعنی سنگینی، و مکروه و عذاب یعنی مجازاتهایی که به وبال منتهی میشود. «و فتنه الضلال» یعنی امتحانی که موجب گمرامی از راه حق است. میتوان ضُلّال خواند به صورت جمع مکسر. «لَبس» یعنی اختلاط و اشتباه شدن حق و باطل. «لُبس» یعنی شبهه.

گفته شده: «فرط علیه یفرُط» هنگامی که در سخن افراط ورزد. فیروزآبادی آن را گفته است. و طبرسی در این سخن خدای تعالی گفته است: «قالا انا نخاف أن یفرط علینا» یعنی میترسیم که در عذاب ما تعجیل و شتاب کند. «أو أن یطغی» یعنی در بدی به ما از حد درگذرد. گفته وی: «فانما انا بک» یعنی به تو متوسل میشوم، یا آن که وجودم و سایر امورم فقط با توست.

«و ما اقلت الأرض منی» یعنی زمین از من حمل میکند، یعنی همه اعضای من را، زیرا همه روی زمین است. «تمجید» یعنی یاد خدا با مجد و عظمت و ستایش او. ویژهترین ذکر در این زمینه «لاحول ولا قوه الا بالله» است. «لم یعزب» یعنی غایب نشد.

«فی علمه منتهی علمه» یعنی او را تهلیل میکنم آنچنان که در علمش بوده است و خدا میدانسته و سزاوار اوست، به عدد منتهای علمش یعنی بینهایت. «بعد علمه» یعنی تهلیلی محقق و ثابت که بعد علمش میشود با صدور آن از من. «مع علمه» یعنی تهلیلی که با علمش در ازل و ابد باقی باشد و در هر آن، به عدد منتهای علمش باشد و نیز بقیه آنها. «و انت بالمنظر الأعلی» یعنی تو از همه چیز خلق آگاهی مثل کسی که بر منظری رفیع نشسته باشد و بر همه پایینتر از خودش مشرف باشد، یا نگاه خلق و افکارشان به تو نمیرسد. «وکس» یعنی نقص. «الزکی» پاک و طاهر از گناه و عیب، یا رشد کننده در فضائل و کمالات.

«حتی أتاک الیقین» یعنی مرگ که در آن شکی نیست. «رزیئه» یعنی مصیبت و گاهی بدون همزه و با یای مشدد خواند میشود و متعدی شدنش به علی،

دربردارنده معنای حزن و درد است. «شامخه» یعنی رفیع. «علی التسلیم» ممکن است خبر باشد برای «و رأیی و هوای» شاید هم حال باشد، یعنی در حالی که من در تسلیم ثابت هستم؛ و ممکن است صله برای اجابت باشد که علی در مقام فی باشد یعنی «اجابک فی التسلیم لک». «مضطهد» بر وزن اسم مفعول یعنی ستمدیده. «علی رسله» یعنی علوم و تصدیق آنان یا خود آنان، زیرا امام پیامبران است و روشنتر این است که «علی رسالاته» به جای «علی رسله» باشد چنان که بارها گذشت. «و أتمم به کلماتک» یعنی وعدههایت در یاری دین و برتر کردن حق و به شکست کشاندن باطل، یا شرایع و احکامت یا آیات کلام تو، که وجه اول بهتر است.

«و اعطیتنی فیه رغبتی» یعنی خواستههای مورد نظر من به اندازه ایمانم به تو و به رسول تو. زیرا برطرف کردن حوائج و رسیدن به خواستهها، به اندازه ایمان و یقین به اجابت و نیز به شرافت مکان و صاحب آن است. ممکن است علی تعلیلیه باشد یعنی این تشریف و اکرام و عطاء از آن روست که من به تو و رسولت، بر اساس قابلیتم و به طور حقیقی ایمان آوردم. ممکن است متعلق به رغبت باشد یعنی آن ثوابهایی که من به آنها رغبت داشتم و از تو انتظار داشتم، به سبب ایمانم به تو و به ثواب توست و نیز به آنچه رسول تو و خاندان او خبر دادند که ثواب زیارت آن حضرت چنان و چنین است و از این رو به زیارت آمدم.

«وسلام الله»: متبدا و «لک» خبر آن است، یا خبرش مقدر است و لک متعلق به «تروح» است. «و علیک» خبر «سلام المؤمنین» است. «و حبّب الی شهادتهم» یعنی مثل آنان یا در راه آنان شهید شوم. ممکن است مراد از شهادت، حضور باشد یعنی حضور و ظهورشان را دوست دارم و مشاهد آنان، جای حضور و ظهورشان، مرده یا زنده میباشد. «و بئس الرفد»: «رِفد» هدیه است. گفته میشود: «رفده یرفده» به او هدیه داد. «مرفود» تأکید رفد است، یعنی بد هدیهای است هدیه ایشان که برای تمسخر است. «وبیل» یعنی شدید و «نُکر» یعنی منکر و امر شدید. «من عظیم جرمی» یعنی از عذابت به خاطر بزرگی جرم من؛ پس من تعلیلیه است یا به تقدیر مضاف، یعنی «من عذاب عظیم جرمی» یا معنا این است که از جرم خویش پنهان میشوم تا از من دوری کند و اثرش با من نباشد و بعداً دیگر چنین نکنم.

«نجیب»، شدیدترین گریه است و «صراخ» مثل «غراب»، صدای زیاد و «صارخه» صدای استغاثه است.

گفته میشود: زفر یزفر زفرا و زفیرا، وقتی که بعد از کشیدن نفس، آن را خارج گرداند. «زفره» تنفس است و «شهیق»، تکرار گریه در سینه است. «المتجلد فی خطیئتی» یعنی با نهایت سعی برای آن تلاش میکنم. «عن قصدی» یعنی از مقصودم یا از طریق مستقیم. گفته میشود: «انقطع به» به صیغه مجهول، یعنی از سفرش عاجز ماند. «کبوه» زمین خوردن با صورت است. «حُر الوجه» یعنی آنچه به تو روی آورد و از او در نظرت آمد. گفته میشود: «ارتاح الله له برحمته» یعنی او را از بلا نجات داد و «ارتیاح» یعنی نشاط و رحمت.

«صمدت» یعنی قصد کردم و در برخی نسخهها «عمدت» است به همان معنا. «فکن لی یا سیدی سکنا»: خطاب را از خدا به امام برگرداند و سَکَن یعنی آنچه با آن به آرامش میرسند یعنی رحمت و برکت. «نکت» آن است که شاخهای را در زمین بزنی و در آن تأثیر بگذارد. «ابن سمیه» یعنی او و افراد شبیه به او و شاید لعن قبل از ابن سمیه، از سوی کاتبان افتاده باشد. «فان اخببت تحولت»، ظاهراً مراد این است که تو مخیر هستی که در این وقت تسبیح به جای آوری یا آن را تأخیر بیندازی تا وقتی که به زیر پای حضرت بروی و اعمال آن دو را انجام بدهی و نمازی را بخوانی که ذکر آن خواهد آمد. سپس تسبیح را یا بعد از نماز بلافاصله انجام میدهی یا بعد از به جای آوردن اعمال مابعد آن و نیز زیارت شهدا، که هر دو محتمل است. تأخیر از زیارت شهدا نیز بعید است و بعید نیست این تخییر در تسبیح آینده نیز جاری باشد. به هر روی، مراد از آنچه برایت تفسیر کردم، آنچه برایت تفسیر خواهم کرد است. محتمل است مراد آن باشد که آن ادعیه و اعمال سابق، بار دیگر در زیر پای حضرت تکرار شود سپس تسبیح به جا آورده شود که وجه اول بهتر است.

«من لا تبید معالمه» یعنی استدلال بر وجود وی و سایر صفات کمالی یا اسباب علمش از بین نمیرود و منهدم نمیشود که وجه اول بهتر است. «صریخ» یاری کننده و «انتصار»، انتقام و «شامخ» مرتفع است. معنای دیگر شامخ کسی است

که بینیاش را از روی عزت بالا میبرد. «منیف» یعنی بسیار بالا و وقار مثل سحاب یعنی متانت و خفقان پرنده، همان پرواز و برهم زدن بالهاست.

مؤلف: در کیفیت دو تسبیح، بین این خبر و خبر ابوسعید که مقدم شد، اختلاف است که به هر کدام عمل کند صواب است و عمل به هردو بالاتر از صواب است. «یابن رسول الله و رحمه الله و برکاته» ظاهرا و رحمه الله و برکاته از سوی کاتبان افزوده شده است

گفته حضرت: «یحتسبک»، جزری گفته احتساب در اعمال صالح است و در مکروهات، اقدام به طلب اجر است و تحصیل آن با تسلیم و صبر و به کار گیری انواع نیکی و انجام دادن آنها به نحو مرسوم برای رسیدن به ثواب مورد نظر است. از آن است حدیث: «من مات له ولدا فاحتسبه» یعنی با صبرش بر مصیبت اجر گرفت. گفته میشود: «فلان احتسب ابنا له اذا مات کبیرا و افترط اذا مات صغیرا» یعنی واژه «احتساب» در مرگ فرزندی که بزرگ باشد و واژه «افتراط» در مرگ فرزند خردسال به کار میرود. پایان. در برخی نسخهها «یحقبک» از «احقبه» است، یعنی پشت سرش ردیف کرد. «اعنان السماء» یعنی اطراف آن و «محطّ» یعنی محل فرود آمدن به پایین است. «وَثاق» چیزی است که با آن میبندند. «غسّاق» با تشدید و تخفیف سین، یعنی آنچه از جراحت اهل آتش میریزد و گفته شده: آنچه از اشکهایشان میریزد. گفته شده یعنی زمهریر. «ضریع» نوعی خار است که به آن شبرق گویند و اهل حجاز آن را «ضریع» نامند که بدترین و زشتترین غذاست که چهارپایان آن را نمیخورند.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده که چیزی درون آتش است که به آن خار گفته میشود که از صبر تلختر و از مردار بدبوتر و از آتش داغتر است که خدا آن را ضریع نامیده است. گفته شده سم است. گفته شده سنگ است. «احراق» جمع حرَق زبانه آتش است. «غسلین»، گوشت و پوست اهل آتش و جراحت آنهاست. «زقوم» آن است که خدا در کتابش توصیف کرده است: «اِنَّها شَجَرَهٌ تَخْرُجُ فِی أَصْلِ

الْجَحِيمِ طَلْعُها كَأَنَّهُ رُؤُسُ الشَّياطِينِ»(1) {آن درختی است که در کف دوزخ روید و شکوفه هایش بسان سرهای شیاطین است.} و بر وزن فعول که همان لقم شدید و نوشیدن افراطی است. «لظی» یکی از نامهای جهنم یا طبقهای از آن است. «سقر» نیز چنین است که هر چیزی که در آن بیفتد هلاک میشود. تفسیر این کلمات در کتاب معاد به تفصیل بیان شد

«عویل» بالا بردن صدای گریه است. ذکر دوباره کلمه «بکاء»، یا افزوده کاتبان است یا تأکید است، یا این که مراد از بکاء اول، گریه بر آن حضرت است و بکاء دوم، گریه بر خودش. گفته حضرت علیه السلام: ا«لذین أعادی»: در آن التفات است از غیبت به تکلم و بعید نیست که در اصل الذی بوده به صیغه مفرد. «شقه» به ضمه و کسره، ناحیه است و «سفر» یعنی دور. گفته وی: «و ارجو فی اتیانکم الکره» یعنی رجوع در رجعت یا به زیارت یا به خانوادهام که اولی بهتر است. در برخی نسخههای کتاب «الکثره» آمده، یعنی در خیرات و «المثوبات» که تصحیف است. «انهملت عینه» یعنی «فأضت و رقأ الدمع» یعنی خشک و ساکن شد. گفته وی: «قلیل» یعنی اندک و ناتوان. فیروزآبادی گفته: یعنی کوتاه و نحیف. «قوم قلیلون اقلاء وقلل و قللون» یعنی کمتعداد بودن و نازکاندام بودن. پایان. محتمل است متعلقش محذوف باشد برای تعمیم، یعنی اندک از نظر مال و علم و سائر کمالات. در برخی نسخههای کتاب «العلیل» آمده و دیگر نیازی به این تکلفها نیست. «اغتربت» یعنی غربت را اختیار کرد و وطن را ترک کرد. گفته وی: «ثار ما وعدکم» شاید اضافه بیانیه است یا معنی این است که خونخواهی کرد آن چه را که وعده خونخواهیاش را داده بود. در التهذیب آمده: «ثأرا وعدکم» که بهتر است.

گفته حضرت علیه السلام: «لا یطعن اهلها»: به صورت معلوم و ضمه عین، یعنی پیر نمیشوند و از این سخن است: «طعن فی السن» یعنی در آن فرو رفت (سن او زیاد شد) یا به صیغه مجهول، از زدن با نیزه و مانند آنف، یا از کلمه طاعون

1- . صافات / 64-65

باشد. در برخی نسخههای کتاب با ظاء آمده است «ظعن» یعنی حرکت، یعنی از آن خارج نمیشوند. گفته وی: «مع من نصرتم» شاید متعلق به «فزتم» باشد.

گفته حضرت علیه السلام: «مرویین» از رویتُ القوم أرویهم ریّا است یعنی آنان را سیراب کردم که تأکیدی است برای رِواء با کسره و مدّ از «رواء من الماء» یعنی ساقی کوثر علیه السلام آنان را سیراب کرد. «مظمئین» بر وزن اسم مفعول از باب افعال یا تفعیل، تأکید ظمأ است به معنای عطش و تشنگی، یعنی خدا آنان را تشنه کرد و به خاطر اعمال بدشان آب را از آنان منع کرد، یا مراد کثرت اسباب عطش آنان باشد از شدت گرما و حرکات خشونتآمیز و امثال آن.

فیروزآبادی گفته: «لهف» مانند «فرح» یعنی غمگین و متحسر شد مانند «تلهف» یا لهفه که کلمه تحسر است بر چیزی که از دست رفته است. گفته میشود: «یا لهفی علیک» و یا لهف و لهفا و غیره. «اصطناع» باب افتعال از «صنیعه» است یعنی هدیه و کرامت و احسان.

31. بشاره المصطفی: عطیّه عوفی روایت کند: با جابر بن عبد الله الانصاری رحمه الله به زیارت مقبره حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام رفتیم و چون وارد کربلا شدیم، جابر به ساحل فرات نزدیک شد و غسل نمود و پیشبندی به کمر بست و ازاری بر تن پوشید و سپس کیسه کوچکی را گشود که در آن سعد بود و آن را بر تن خود پراکند و سپس هر گامی که بر میداشت، خدا را ذکر میگفت، و چون به قبر نزدیک شد، به من گفت: دست بر آن بنه و من قبر را لمس نمودم و او بیهوش بروی قبر افتاد و من اندکی آب به رویش پاشیدم و او به هوش آمد و سه بار گفت: یا حسین، و سپس گفت: دوستی که دوستش را پاسخ نمیگوید. و سپس گفت: و کجا توانی پاسخ گویی، حال آنکه رگهای گردنت بر پشت کمرت، به خون آغشته افتاده است و سرت از تن جدا گشته است. پس شهادت میدهم که تو فرزند پیامبران و فرزند سرور مومنان و فرزند همپیمان تقوا و زاده هدایت و پنجمین تن از آل عباء و پسر سرور نقیبان و پسر فاطمه سرور زنان هستی و چرا چنین نباشی حال آنکه دست سرور رسولان، تو را غذا خورانده و در دامان پرهیزکاران پرورش یافته ای و از سینه ایمان شیر نوشیده ای و به اسلام از شیر گرفته شده ای؛ پس چه

زنده و چه در دامان مرگ، نیک و پاک بودی، ولی دلهای مومنان از دوری تو خوش نیست و هیچ تردیدی در سراسر خیر بودن تو ندارند. پس بر تو باد درود خدا و خشنودی او و شهادت میدهم که تو بر همان راهی رفتی که برادرت یحیی بن زکریا ره سپرد. سپس گرداگرد قبر چشم گرداند و گفت: سلام بر شما ای جانهایی که بر ساحت قبر حسین درنشستید و بر اردوگاه او رخت افکندید. هان گواهی میدهم که شما نماز را برپا داشتید و زکات مستحقان ادا نمودید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و با دینگریختگان به نبرد برخاستید و خدا را پرستیدید تا آنکه لحظه مرگتان دررسید. و سوگند به آنکه محمد را به حق به رسالت برانگیخت، به راستی که ما در آنچه که شما بدان پای نهادید، همپا گشتیم. عطیه گوید: پس به جابر گفتم: چگونه؟ حال آنکه ما بر هیچ دره ای پای ننهاده و بر کوهی فراز نگشتیم و شمشیری نزده ایم در حالی که این قوم سرهاشان از تن جدا گشته و فرزندانشان پراکنده گشته و زنانشان بیوه گشته اند. پس گفت: ای عطیه، شنیدم که رسول خدا صلی الله علیه و آله میفرمود: هر که قومی را دوست داشته باشد، با ایشان محشور گردد و هر که عمل قومی را بپسندد، در آن عمل با ایشان شریک باشد و سوگند به آنکه محمد را به حق رسالت بخشید، همانا که نیت من و یارانم بر آن چیزی است که حسین علیه السلام و یارانش بر آن ره سپردند. مرا به سوی خانه های کوفه ببرید و چون بخشی از راه را رفته بودیم، به من گفت ای عطیه، میخواهی سفارشت کنم، گمان نمیکنم که بعد از این سفر بار دیگر تو را ببینم. دوستداران آل محمد صلی الله علیه و آله را همان قدر که آنان را دوست دارند، دوست بدار و دشمنان ایشان را همان قدر که با آنان دشمنند، دشمن بدار، حتی اگر از روزه داران و نمازخوانان همیشگی باشد. و یاور دوستدار آل محمد باش، چرا که اگر یک گام ایشان به کثرت گناهان بلغزد، گام دیگرشان به محبت این خاندان بر پای ایستد و به راستی که دوستدار ایشان به بهشت رود و دشمن ایشان به دوزخ درافتد. (1)

توضیح: «سُعد» عطر مشهوری است. «قد شحِطت» به صورت ثلاثی مجرد به معنای تپیدن در خون است و اگر مجهول و از باب تفعیل باشد، یعنی او را در خون

1- . بشاره المصطفی : 74 چاپ نجف اشرف

غلتاند و به هر تقدیر، متعدیشدنش به علی برای دربرداشتن معنای ریختن است. بهتر آن است که «شخَب» بخوانیم که در برخی نسخهها آمده است و به معنای جاری شدن است و مانند آن در حدیث، زیاد است؛ مانند این گفته حضرت صلی االله علیه و آله: مقتول روز قیامت میآید و از شاهرگش خون جاری است. «اوداج» مجموعه رگهای گردن است که ذبحکننده میزند. گفته شده: «ودجان» دو رگ کلفتند در دو طرف شکاف نحر. «ثبج» یعنی وسط و مابین دو کتف تا پشت، و جمع آن به اعتبار اجزای آن است. «سلیل» فرزند است. گفته وی: «و فطمت بالاسلام» کنایه از سبقت در اسلام و استقرار در آن است، یعنی هنگام از شیر گرفته شدن، از ایمان و اسلام تغذیه شده بود.

32. المصباحین: صفوان روایت کند که برای زیارت مولایم حسین علیه السلام از امام صادق علیه السلام کسب اجازه نموده و از ایشان درخواست نمودم که به من آموزش دهد که در زیارت چه کنم. پس فرمود: ای صفوان، سه روز پیش از روانه شدنت روزه بگیر و در روز سوم غسل کن و خانواده ات را گردآور و بگو: خداوندا، من امروز جانم و خانواده و مالم و فرزندانم و هر کس که ارتباطی با من دارد، حاضر است یا غایب، را به تو میسپرم. خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات فرست و ما را به حفاظت ایمان در امان دار و نگاهبانمان باش. خداوندا ما را در پناه خود قرار ده و نعمتت را از ما دریغ مدار و عافیتی را که به ما بخشیده ای، بازپس مگیر و از فضلت بر ما بیشتر عطا کن که ما مشتاق روی توایم. خداوندا من از دشواری سفر و از اندوه بازگشتگاه و از دیدن منظره ناخوشایند در جان و مال و خانواده و فرزندانم به تو پناه میبرم. خداوندا شیرینی ایمان و خنکای بخشودگی را به ما بچشان و ما را از عذابت در امان دار که ما مشتاقان روی توایم و ما را در دنیا و آخرت حسنه ای عطا گردان و از عذاب آتش حفظ گردان و از نزد خود ما را رحمتی فروفرست که تو بر هر کاری توانایی. و چون به کنار فرات آمدی - و مقصودش شرعه صادق علیه السلام در العلقمی بود - بگو: خداوندا تو بهترین مقصودی هستی که مردان بر در وی فرود آیند و تو ای سرورم بهترین کسی هستی که به نزدش آیند و گرامیترین کسی که زیارتش کنند و چنان باشی که برای هر

زائری کرامتی قرار دادی و هر فرود آمده بر درت را، هدیه و پیشکشی فراهم کرده ای، پس از تو مسألت دارم که هدیه ات به من این باشد که مرا از آتش رهایی بخشی، چه به راستی که من رهسپار ولیّ تو و پسر نبیّ تو و صفیّ تو و پسر صفیّ تو و نجیب تو و پسر نجیب تو و حبیب تو و پسر حبیب تو گشتم. خداوندا، پس سعی و پویشم را مشکور قرار ده و بر این ره سپردنم به سوی تو، رحم آور بی آنکه هیچ منتی بگذارم، بلکه لطف و منّت همه تو راست که راه زیارت او را برای من گشودی و فضل و درجه او را به من فهماندی و مرا در حفظ خود نگاه داشتی تا به این مکان رساندی، خداوندا، پس حمد و ثنا تو را سزاست بر همه این نعمتهایت و سپاس تو راست بر همه این منت هایت. سپس در فرات غسل کن، چرا که پدرم از پدرانش علیهم السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این پسرم حسین، پس از من بر ساحل فرات کشته می شود و هر که او را زیارت نماید و از آب فرات غسل نماید، گناهانش چون روزی که از مادر زاده گشت، فرو ریزد. و چون غسل نمایی، در غسلت بگو: به نام خدا و به یاری خدا، خدایا این غسل را نور و پاکی و پناه و شفای از هر بیماری و ناخوشی و آفت و نقصی قرار ده. خداوندا دلم را به آن پاک گردان و سینه ام را گشادگی بخش و کارم به آن آسان گردان. و چون غسلت را به سر بردی، دو جامه پاکیزه بر تن کن و بیرون از نهر و آن جایی است که خداوند فرموده است: «وَ فِی الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِیلٌ صِنْوانٌ وَ غَیْرُ صِنْوانٍ یُسْقَی بِماءٍ واحِدٍ وَ نُفَضِّلُ بَعْضَها عَلی بَعْضٍ فِی الْأُکُلِ»(1) {و در زمین قطعاتی است کنار هم، و باغهایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه، که با یک آب سیراب می گردند، و [با این همه] برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه و نوع و کیفیت] بر برخی دیگر برتری می دهیم.} دو رکعت نماز بگزار. و چون از نماز فارغ گشتی، به حال آرامش و وقار به سمت حرم روانه شو و گامهایت را کوتاه بردار که خداوند تو را به هر گام، یک حج و یک عمره نصیب گرداند و فروتن و با چشم گریان راه برو و بسیار الله

1- . رعد / 4

اکبر و لا اله الا الله و الحمد الله عز و جل بگو و بر نبی او صلی الله علیه و آله صلوات فرست و بخصوص بر حسین صلوات بفرست و قاتل او را نفرین کن و از هر آنکه بنیان این جنایت را نهاد، برائت بجوی. و چون به دروازه حرم آمدی بایست و بگو: الله اکبر بر آن وجود بزرگ، الحمدلله پیاپی و سبحان الله در شام و صبح. حمد و ثنا خدایی راست که ما را به این راه ره نمود و اگر خدا هدایتمان نمیکرد، به آن ره نمیبردیم و به حق که فرستادگان خداوندمان حق را برای ما آوردند. سپس بگو: سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای نبی خدا، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو ای سرور فرو فرستادگان، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای امیر المومنین، سلام بر تو ای سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای فرمانروای نورانی دست و رویان، سلام بر تو ای پسر فاطمه سرور زنان جهان، سلام بر تو و بر امامان از نسل تو، سلام بر تو ای جانشین امیر المومنین، سلام بر تو ای شهید راستینمنش، سلام بر شما ای فرشتگان مقیم گشته به این جایگاه شریف، سلام بر شما ای فرشتگان حلقه زده بر گرد قبر حسین، سلام بر شما تا روزی که زنده ام و روز و شب پابرجاست. سپس میگویی: سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، غلام تو و فرزند غلام تو و فرزند کنیزت که به بردگی ات اعتراف دارد و دست از هر مخالفتی با شما شسته است و دوستدار دوست شما و دشمن دشمن شماست، قصد حرم تو نموده و به شهادتگاه تو پناه آورده است و با قصد تو نمودن، به تو تقرب جسته است. آیا اذن ورود میفرمایی ای سرور اوصیاء؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای فاطمه سرور زنان عالم؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای مولای من ای ابا عبد الله؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای مولای من ای پسر رسول خدا؟ و اگر قلبت خاشع گشته و چشمت گریان شود، این علامت اذن ورود است، پس وارد شو و بگو: حمد و ثنا خدای یگانه بی همتای یکتای بی نیاز راست که مرا به ولایت تو ره نمود و مرا برای زیارت تو برگزید و راه ره سپردن به سوی تو را آسان نمود. سپس به جلوی در بارگاه میآیی و در کنار سمت سر حضرت میایستی و میگویی: سلام بر تو ای وارث آدم، برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح نبیّ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر

تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی ولیّ خدا، سلام بر تو ای پسر محمد مصطفی، سلام بر تو ای پسر علی مرتضی، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سلام بر تو ای پسر خدیجه کبری، سلام بر تو ای آنکه خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد و ای کشته تبار کشتهای که خونخواهی کشتگانت بر کفت مانده است. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات مستحقان پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و خدا و رسول خدا را اطاعت نمودی تا آنکه لحظه جان باختنت رسید. پس خدا لعنت کند امتی را که تو را کشتند و خدا لعنت کند امتی را که به تو ستم روا داشتند و خدا لعنت کند امتی را که این خبر شنید و به آن خشنود گشت. ای مولای من، ای ابا عبد الله، گواهی میدهم که تو نوری بودی در تیره های فرازمند و زهدانهای بیآلایش که جاهلیت با پلشتیهایش تو را نیالود و تیرگی گمگشتگیها جامه ظلمانی بر تن تو نیفکند و شهادت میدهم که تو از ستونهای دین و پایه های اصلی جمع مومنان هستی و گواهی میدهم که تو امام نیکوکار پرهیزکار پسندیدهکردار وارسته رهنمای رهیافته هستی و گواهی میدهم که امامان از نسل تو واژه پرهیزکاری و پرچمهای رهیافتگی و دست آویزهای بس استوار و برهان بر اهل دنیا هستند و خداوند و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان خدا را به گواهی میگیرم که من در شریعتهای دینم و سرانجام عملم به شما ایمان دارم و به رجعت شما یقین دارم. دلم با دل شما ره صلح و آشتی میپوید و کارم همه پیروی از کردار شماست، صلوات خدا بر شما باد و بر جانها و پیکرهای شما و بر حاضر و غایب شما و بر آشکار و نهان شما. سپس بر قبر خم شده و بر آن بوسه زده و بگو: پدر و مادر به فدایت ای پسر رسول خدا، پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد الله، به حق که غم جانکاه از دست دادنت بس دشوار و مصیبت تو بر ما و بر همه اهل آسمانها و زمین بس کمرشکن بود، پس خدا لعنت کند امتی را که زین نهادند و لگام بستند و برای جنگ با تو آماده گشتند. ای مولای من ای ابا عبد الله، ره حرمت پوییدم و به شهادتگاهت آمدم، و خدا را به شأنی که نزد وی داری و منزلتی که نزد او داری، مسألت میکنم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و مرا در دنیا و آخرت همراه

شما قرار دهد. سپس برخیز و در کنار سر حضرت دو رکعت نماز بگزار و در آنها هر سوره ای خواستی بخوان و چون نمازت را به پایان بردی، بگو: خداوندا من تنها بر تو نماز گزاردم و رکوع کردم و سجده نمودم و تو را انبازی نیست، چرا که نماز و رکوع و سجده، تنها از آن تو باشد، چرا که تنها تو خدایی و خدایی جز تو نیست. خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات فرست و بهترین درودها و سلامها را از من به ایشان برسان و از ایشان مرا سلامی رسان. خداوندا این دو رکعت هدیه ایست از من به مولایم حسین بن علی علیه السلام، خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات فرست و آن را از من بپذیر و به واسطه آن مرا به بهترین امید و آرزویم در تو و در وجود ولیّات پاداش ده، ای ولی مؤمنین. سپس برخیز و به سمت پاهای حضرت برو و در کنار سر علی بن حسین علیه السلام بایست و بگو: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر نبی خدا، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، سلام بر تو ای پسر حسین شهید، سلام بر تو ای شهید و پسر شهید، سلام بر تو ای ستمدیده و پسر ستمدیده، خدا لعنت کند امتی را که تو را کشتند و خدا لعنت کند امتی را که به تو ستم روا داشتند و خدا لعنت کند امتی را که این خبر شنید و به آن خشنود گشت. آنگاه بر قبر خم شو و بر آن بوسه ده و بگو: سلام بر تو ای ولی خدا و پسر ولی خدا، به حق که غم جانگداز از دست دادنت بس دشوار و مصیبت تو بر ما و بر همه مسلمانان بس گران بود، پس خداوند لعنت کند امتی را که تو را کشتند و نزد خدا و نزد تو از ایشان برائت میجویم. سپس از دری که کنار پاهای علی بن حسین علیهما السلام است خارج شو و به سمت شهیدان برو و بگو: سلام بر شما ای دوستداران خدا و محبوبان او، سلام بر شما ای دوستان برگزیده خدا و رفیقان ناب خدا، سلام بر شما ای یاران دین خدا، سلام بر شما ای یاران رسول الله، سلام بر شما ای یاران امیر المومنین، سلام بر شما ای یاران فاطمه سرور زنان جهان، سلام بر شما ای یاران ابا محمد، حسن بن علی خیرخواه پسندیدهکردار، سلام بر شما ای یاران ابا عبد الله، پدر و مادرم به فدای شما، نیک و خوش بودید و زمینی که در آن دفن شدید، طیب و نیک باد و شما فوز عظیم یافتید و ای کاش که با شما بودم و با شما به فوز عظیم دست مییافتم. سپس به کنار سر حسین علیه السلام بازگرد و بسیار برای خود و

خانواده و والدین و خواهر و برادرانت دعا کن، چرا که در شهادتگاه او دعای هیچ دعاکننده ای و خواهش هیچ درخواست کننده ای رد نمیشود. و چون قصد خروج نمودی، سر و سینه بر قبر بگذار و بگو: سلام بر تو ای مولای من ، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای (بنده) خاص (نزد) خدا، سلام بر تو ای (بنده) خالص (برای) خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام وداع کننده و نه سلام پریشان خاطر و نه سلام آزرده دل. و اگر میروم از سر ملالت نیست و اگر میمانم از بدگمانی به آنچه خداوند به بردباران وعده داده، نمیباشد و خداوند این زیارت را ای مولای من، آخرین بار برای زیارت تو قرار ندهد و مرا بازگشت به شهادتگاه تو و نشستن در حرمت روزی نماید و هم از او درخواست مینمایم که مرا به (محبت) تو و امامان از نسل تو سعادتمند گرداند و در دنیا و آخرت با شما همراه دارد. سپس برخیز و بیرون رو و پشت مکن و این سخن بسیار گو که: ما از خداییم و به سوی خدا بازگردندگانیم. تا آنکه از مقبره دور گردی.

هر که حسین را به این شکل زیارت کند، خداوند عزوجل برایش به هر گام صد هزار حسنه نویسد و صد هزار سیئه پاک کند و مرتبه اش صد هزار درجه افزون گردد و صد هزار حاجتش برآورده شود و ساده ترین آن اینکه وی را از لبه دوزخ به کنار راند و همچون کسانی خواهد بود که همراه با حسین شهید شدند تا آنکه او را در درجاتشان با ایشان همپایه قرار دهد. (1)

مؤلف: شیخ مفید رحمه الله این زیارت را در کتاب مزار خویش با اختصار در ذکر برخی فضایل و نه در ذکرها و دعاها ذکر نموده و گویا روایت صفوان همین جا خاتمه مییابد و آنچه که دو شیخ بزرگوار پس از این اضافه میکنند، مأخوذ از زیارت جامعی که ابو حمزه ثمالی روایت کرده است میباشد، با اختصار و با اندکی تفاوت است، با مراجعه روشن میشود،

سپس شیخ گوید: زیارت شهیدان از روایت ابا حمزه ثمالی:

سلام من تا روزی که زنده ام، بر شما باد ای یاران دین رسول خدا و سلام همیشگی بر شما باد، آن زمان که مردهام و پوسیدهام. ای سوز و حسرت دلم بر شما،

1- . مصباح الطوسی : 499- 504

چه مصیبتی بود که بر جان همه دوستداران محمد و آل محمد نشست، به راستی که مصیبتی بس بزرگ و جلیل است و بر تک تک ایشان فرود آمد و فراگیر همگان گشت. هان که من از داغ شما بیقرارم و دلم از آن به درد آمده و اندوهگینم و به مصیبت شما داغدار و حسرت کشم. هان گوارا باد شما را آنچه خداوند شما را عطا نمود و گورایتان باد آنچه پاداش به شما داده شد. به راستی که فرشتگان بر شما گریستند و گرد شما حلقه زدند و بر اردوگاهتان رخت افکندند و بر قتلگاهتان درنشستند و به تقدیس شما نشستند و بالهایشان را بر شما گسترانده اند. و از شما تا روز قیامت و روز محشر و روز رستاخیز مردمان از قبرها، جدا نگردند و رحمتی از خدا بر گرد حرم شما در طواف باشد که به واسطه آن به شرف آخرت دست یابید. مشتاقانه به زیارت شما آمدم و بیمناک زیارتتان کردم. از خدا خواهم که شما را بر حوض کوثر و در بهشت با پیامبران و فرستادگان و شهیدان و صالحان که بس نیک رفیقانی هستند، به چشم خود بینم. (1)

سپس هر دو شیخ رحمهما الله گویند که سپس به سوی شهادتگاه عباس بن علی رحمه الله علیه برو و روایت را چنان که در جای خود، به روایت ثمالی خواهد آمد، ذکر میکنند.

سپس گویند: آنگاه برای وداع به مشهد حسین علیه السلام بازگرد و چون خواستی با وی خداحافظی نمایی، همچون آغاز زیارت، به نزد وی بایست و چهره ات به سوی او باشد و بگو: سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله، تو مرا سپری در برابر عذاب هستی و این لحظه بازگشتنم از نزد توست، حال آنکه از تو رویگردان نیستم و کسی دیگر را به جای تو نمیگیرم و دیگری را بر تو ترجیح نمیدهم و از نزدیک بودن به تو بیزار نیستم، چگونه (چنین باشم) حال آنکه جانم را در مقابل خطرات بر کف گرفته ام و خانواده و کاشانه ام را رها بنهاده ام، پس مرا در روز نیازمندی و تهیدستی و بیچارگی ام، آن روز که نه پدرم و نه فرزندم و نه رفیق و نه آشنایم به کارم نیاید، شفیع من باش. از خدایی که تقدیر نمود و خلق نمود، میخواهم که اندوهم را به واسطه شما زائل گرداند؛ و از خدایی که تقدیر نمود که از

1- . مصباح الطوسی : 504

مکان شما دور گردم، مسألت دارم که این را آخرین مرتبه زیارتم و بازگشتم به سوی شما قرار ندهد؛ و از خدایی که چشمانم را بر تو گریاند، درخواست دارم که این را برای من سندی قرار دهد؛ و از خدایی که مرا از نزد خانه و خانواده ام به سوی تو آورد، تقاضا دارم که این زیارت را ذخیره من قرار دهد؛ و از خدایی که جایگاه تو را به من نشان داد و مرا برای درود و سلام دادن بر تو و زیارتت، ره نمود، مسألت دارم که مرا به حوض کوثرت وارد سازد و همراهی با تو در بهشت به همراه پدران درستکارت را روزی نماید. سلام بر تو ای برگزیده خدا و سلام بر تو و بر محمد بن عبد الله، سلام بر محمد حبیب خدا و برگزیده او و امانتدار و فرستاده او و سرور پیامبران، سلام بر امیر مومنان و وصیّ رسول پروردگار جهانیان و فرمانده نورانی دست و رویان. سلام بر امامان رهیافته، سلام بر هر آنکه از شما در حرم است و رحمت و برکات خدا. سلام بر فرشتگان خدا که باقی مانده و اقامت نموده و تسبیح گویانند و به دستور خداوند رحل اقامت افکنده اند. سلام بر ما و بر بندگان درستکار خدا و حمد و ثنا خدای جهانیان راست. سپس با انگشت سبابه دست راست به سمت مقبره اشاره کن و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب و پیامبران فروفرستاده و بندگان درستکار بر تو باد ای پسر رسول خدا و بر روان و پیکرت و بر سلاله ات و هر آنکه از دوستدارانت در اینجا حاضرند. تو را به خدا میسپارم و از تو میخواهم که حافظ من باشی و به تو سلام میرسانم، به خدا و رسول خدا و بدانچه که او از سوی خداوند آورد، ایمان آوردیم. خداوندا ما را از جمله حاضران بنویس. سپس دستت را به سمت آسمان فراز کن و بگو: خداوندا، از تو درخواست دارم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و این زیارت را آخرین زیارتم از وی قرار ندهی و اگر چنین کردی خداوندا! پس مرا با او و پدران و دوستدارانش محشور گردان و اگر مرا زنده نگاه داشتی خداوندا! روزی ام کن که بار دیگر به نزد او باز گردم و بار دیگری نیز بازگردم، به لطف و رحمتت ای مهربانترین مهربانان. خداوندا مرا زبان گویای به راستی عطا کن در حق اولیایت. خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات فرست و مرا با زیاده روی در امر دنیا، از ذکر و یاد خود باز مدار، چنان که شگفتیهای جمال و رونق آن مرا سرگرم سازد و شکوفه های زیور و زینت

آن مرا بفریبد و نه با پرهیز زیادی از آن، تا سختی مبارزه بسیار با آن به عملم آسیب رساند و دغدغه آن سراسر دلم را پر کند. و مرا از آن [دنیا] بی نیازی از بندگان شرورت عطا کن و کفایتی که به آن به خشنودی تو دست یابم، ای بخشاینده خدا. درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائران قبر ابا عبد الله علیه السلام. سپس یک بار طرف راست صورتت و سپس طرف چپ صورتت را بر قبر بنه و بر دعا و درخواست پافشاری نما. (1) سپس چهره ات را به سوی قبر شهیدان بگردان و با ایشان وداع کن و بگو: سلام و رحمت وبرکات خداوند بر شما، خداوندا این را آخرین زیارت من از ایشان قرار مده و مرا با ایشان در عطای نیکی که به خاطر یاری پسر پیامبرت و حجتت بر خلایق و جهادشان با وی به ایشان دادی، هم سهم گردان. خداوندا ما را با ایشان در بهشتت با شهیدان و صالحان - و بس نیک رفیقانی هستند ایشان - گرد هم آور. شما را به خدا میسپارم و به شما سلام میرسانم. خداوندا، بازگشت به نزد ایشان را روزی ام گردان و مرا با ایشان محشور گردان ای مهربانترین مهربانان. سپس بیرون رو و چهره از قبر بازنگردان تا آنکه از نگاهت دور گردد و بر کنار در، رو به قبله بایست و بگو: خداوندا به حق محمد و آل محمد، از تو درخواست دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و عمل مرا پذیرا گردی و سعی و کوششم را مشکور گردانی و آن را هرگز تا وقتی که زنده ام، آخرین زیارت من قرار مده و مرا با نیکوکاری و پرهیزکاری به نزد وی بازگردان و مرا با او و زیارت او و قربتم به او آشنا گردان و برکتت را هر چه زودتر، چون باران ریزان، بدون هیچ دشواری و بدون منتی از سوی هیچ یک از بندگانت، به من بچشان و از سر فضلت آن را گسترده دار و به بخشندگی ات آن را از جود و بخشش گسترده و فزاینده و افزونگر و گوارایت، فراون نما. و مرا روزی گسترده بخش که تو خود گویی: و از فضل خداوند مسألت نمایید، پس فضل تو را درخواست میکنم و دهش های تو را مسألت مینمایم و فراوانی نزد تو را میجویم و از خزانه ات طلب میکنم و از دستان پر نعمتت تقاضا میکنم، پس مرا نومید بازمگردان که من ناتوانم، پس اجرم دوچندان گردان و مرا تا سررسید مدت عمرم، عافیت بخش و مرا از هر نعمتی

1- . مصباح الطوسی : 506

که به بندگانت بخشیدی، بهره ای فراوانتر بخش و مرا برتر از آنچه که برخوردارم، روزی نما و آیندهای را که بدان میگردم را برتر از گذشتهای که از من جدا میشود قرار ده و اندرون مرا بهتر از ظاهر حالم قرار ده و مرا در پناه خود دار، از اینکه خود را به مردم چنان نشان دهم که خیری در وجودم هست ولی اینگونه نباشد و از میان تجارتها، پر روزی ترین آنها و ارزشمندترین و پرعافیت ترین آنها را روزی من و خانواده و روزی خوران از دست من در دنیا و آخرت قرار ده. و ای سرور من، مرا و خانواده ام را روزی فراوانی بخش که ما را از بندگان فرومایه ات بی نیاز گرداند و در آن منتی از سوی هیچ بنده ای در آن قرار مده، و مرا از جمله کسانی قرار ده که به ندای تو پاسخ گفت و به وعده ات یقین نمود و از دستورت پیروی نمود و مرا ناکامترین گروه درنشسته بر در خانه ات و زائران پسر پیامبرت قرار مده و مرا از تهیدستی و اوضاع خواری در دنیا و آخرت در پناه دار و شر دنیا و آخرت را از من بازدار و مرا رستگار و پیروزمند و نتیجه یافته، به حال برترین وضعی که زائری از زائران اولیائت را بازمی گردانی، بازگردان و آن را آخرین زیارت ایشان قرار مده و اگر دعایم را استجابت ننموده و مرا نبخشوده ای و از من خشنود نگشته ای، از این لحظه، (التماس میکنم) دعایم را پاسخ گو و گناهم را ببخشای و از من خشنود گرد، پیش از آنکه منزلگهم از پسر پیامبرت دور گردد و اکنون لحظه بازگشتم است، اگر به من رخصت دهی، ولی نه روی گردان از تو و نه از اولیای تو و نه به گزینش دیگری بر تو و نه بر ایشان. خداوندا مرا از پیش رو و پشت سر و از چپ و راستم در دژ استوار خود قرار ده تا مرا به خانواده ام رسانی و چون مرا رساندی، دست از من مدار و من و ایشان را در حصن مستحکم خود محفوظ دار و مرا در روزی خانواده ام، و روزی همه بندگانت، تو بسنده باش و مرا باز دار از اینکه به من اهانتی به دست احدی از آفریدگانت برسد، که تو در همه این امور ولیّ امر من هستی و تنها توانمند بر آن. و همه آنچه که از تو مسألت نمودم را به من عطا کن و به بخشش آن بر من منت نه و مرا از فضلت فزونی ده، ای مهربانترین مهربانان. سپس راه

بازگشت بگیر، در حالی که حمد و تسبیح و تکبیر و تهلیل میگویی، ان شاء الله تعالی. (1)

توضیح: «شرعه الصادق بالعلقمی»، تفسیری است از مفید و شیخ رحمهما الله و «شِرعه» به معنای آبشخور و محل نزدیک شدن به رود و آب برداشتن است و اکنون نهر علقمی از میان رفته و آبشخور صادق علیه السلام اکنون شناخته شده نیست ولی منسوب به حضرت، مکانی است در آن جهت که شاید همان باشد. پس در هر موضعی از فرات و نهرهای منشعب از آن باشد، غسل کن و این اعمال را به جای آور که کفایت میکند.

«المحدقین» یعنی احاطه کنندگان به آن. فیروزآبادی گفته: «ادلهم الظلام» یعنی تاریکی زیاد و سیاه شد و «مدلهم» مبالغه است. «فلا عن سوء ظنی» یعنی اقامت من برای سوء ظن من به آنچه صابران را وعده دادهای نیست، بلکه میدانم که من وقتی از تو به خاطر مصلحتهایی که برایم پیش میآید جدا میشوم و بر دوری تو صبر میکنم، خداوند به من به خاطر آن اجر میدهد. محتمل است «عن» مجازا به معنای «مع» باشد چرا که ممکن است برای ظرفیت باشد یعنی با مجاورت؛ میدانم که خدا به من به خاطر ترک خانواده و وطن، اجر میدهد، ولی بعید بودن آن پوشیده نیست.

«السلام علی من فی الحایر منکم»، ظاهرا خطاب متوجه ائمه علیهم السلام است و مراد حسین علیه السلام میباشد و یا یعنی «از اهل بیت شما و اولاد شما». ممکن است مراد از آن امام زمان عج باشد، زیرا ممکن است حاضر باشد و تو او را نبینی یا او به علاوه ارواح سایر ائمه که در اخبار زیادی گذشت که آنان برای زیارت حاضر میشوند. جزری گفته: «زهره»، سفیدی درخشان است و «زهره الدنیا» یعنی زیبایی و تابش و زیادی خیر آن. گفته وی: «صبّا صبّا»، مصدر به معنای فاعل یا مفعول است از این گفته ایشان: «صبّ الماء» یعنی آن را خالی کرد، پس صب لازم و متعدی (دووجهی) است که کنایه از کثرت است.

1- . مصباح الطوسی : 507- 509

33. شیخ مفید و مولف المزار الکبیر رحمهما الله زیارت دیگری از حضرت صادق علیه السلام را به روایتی دیگر آورده اند که مربوط به زمان خاصی نمیباشد: چون به خواست خدا به سرزمین کربلا وارد شدی، بر ساحل علقمی فرود آی و لباس سفرت را به در آور و غسل مستحب زیارت به جای آور و در حال غسل بگو:

به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و قلب مرا پاکیزه گردان و عملم را وارسته گردان و دیده ام را نورانی فرما و این غسلم را پاکیزگی و پناه و شفای از هر بیماری و ناخوشی و آفت و نقصی و از شر هر چه از آن اندیشناکم قرار ده که تو بر هر کار توانایی. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از تمام گناهان و لغزشها و اشتباهات پاک گردان و جسمم را پاکیزه نما و قلبم را از هر آفتی که دینم را بر باد میدهد، پاک نما و عملم را خالصانه در راه خودت قرار ده، ای مهربان ترین مهربانان. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و این غسل را در روز نیازمندی و تهیدستی و بی نوایی، شاهدم قرار ده که تو بر هر کار توانایی. و انا انزلناه فی لیله القدر را بخوان و چون از غسل فارغ گشتی لباسی پاک و مطهر بپوش و به سمت شهادتگاه، که بر آرمیده در آن درود باد، به حال آرامش و متانت و در حالی که پابرهنه و فروتن و ذلیل هستی روانه شو و الله اکبر و الحمد لله و سبحان الله و استغفرالله بگو و بسیار بر محمد و خاندان پاکش صلوات فرست و چون به دروازه رسیدی، بایست و چهار بار الله اکبر بگو و بگو: خداوندا این جایگهی است که مرا به آن اکرام نمودی و شرافت بخشیدی. خداوندا، پس مرا به حقیقت ایمانم به تو و پیامبرت، به آرزویم برسان. پس با پای راست و سپس پای چپ وارد شو و بگو: به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله. خداوندا مرا به جایگه مبارکی فرود آور و تو برترین فرونشانندگانی. سپس اندکی پیش رو تا به درون صحن وارد شوی و چون داخل گشتی، چهار بار الله اکبر بگو و به سوی قبله بایست و دستت را بالا ببر و بگو: خداوندا من به سوی تو روی کرده و به سمت تو رهسپار گشته ام و روانه کوی تو گشته ام و چشمداشتم به لطف و برکت

توست و به زیارت حبیب حبیبت، قصد تقرب به تو را دارم. خداوندا، به خاطر شر آنچه در من است، خیر آنچه نزدت هست را از من باز مدار. خداوندا گناهانم را ببخشای و زشتکاریهایم را از من بزدای و اشتباهاتم را از من فرو ریزان و نیکیهایم را بپذیر. سپس سوره حمد و معوذتین (فلق و ناس) و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیله القدر و آیه الکرسی و آخر سوره حشر را بخوان که چنین است: «لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عالِمُ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَهِ هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِی لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزِیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ هُوَ اللَّهُ الْخالِقُ الْبارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی یُسَبِّحُ لَهُ ما فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ»(1) {اگر این قرآن را بر کوهی فرومی فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی. و این مَثَلها را برای مردم می زنیم، باشد که آنان بیندیشند. اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست، داننده غیب و آشکار است، اوست رحمتگر مهربان. اوست خدایی که جز او معبودی نیست، همان فرمانروای پاک سلامت[بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقه خود که] نگهبان، عزیز، جبّار [و] متکبّر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند. اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نامها [و صفات] از آنِ اوست. آنچه در آسمانها و زمین است [جمله] تسبیح او می گویند و او عزیز حکیم است.}(2)

سپس دو رکعت نماز تحیت و سلام به شهادتگاه به جای آور و چون از آن فارغ گشته و تسبیح گفتی، بگو: حمد و ثنا ویژه خدای یکتا در همه امور است، آن آفریدگار مخلوقات که کمتر ذره ای از امور ایشان از وی پنهان نمانده و همه چیز را بدون هیچ آموختنی، بداند. صلوات خدا و سلام همه فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و همه بندگانش بر محمد مصطفی و اهل بیتش. حمد و ثنا خدایی راست که کردارهای نیک با نعمت وی به تمام آید. حمد و ثنا خدایی راست که بر من لطف

1- . حشر / 21
2- . المزار الکبیر : 120- 122

نمود و فضل و ارج اهل بیت او که صلوات خدا بر او و بر ایشان باد و رحمتت و برکات او، را بر دلم آگاهی داد. خداوندا تو بهترین مقصودی هستی که مردان بر در وی فرود آیند و بهترین کسی هستی که جحازها را به سمت او بر شتران نهند و تو ای سرورم، گرامیترین کسی باشی که به نزدش آیند و گرامیترین کسی که زیارتش کنند و چنان باشی که هر فرودآمده بر درت را، هدیه و پیشکشی فراهم کرده ای، پس هدیه مرا در زیارت قبر پسر پیامبرت و حجتت بر بندگانت، رهایی از آتشم قرار ده.

خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و اعمالم را بپذیر و سعی و پویشم را مشکور قرار ده و بر این ره سپردنم از کنار خانواده ام، رحم آور؛ بی آنکه خداوندا، هیچ منتی بگذارم بلکه لطف و منّت همه تو راست که راه زیارت ولیّات را برای من گشودی و فضل و درجه او را به من فهماندی و مرا در حفظ خود نگاه داشتی تا به قبر پسر ولیّ خود رساندی. خداوندا اکنون به نزد تو آمده ام و به لطف تو دل بسته ام، پس امیدم را نومید نساز و رشته امیدم را مگسل و این زیارت را کفاره همه گناهانم پیش از این و مایه خشنودی که حسناتم را دوچندان سازد و دستمایه ای برای به نتیجه رسیدن درخواستهایم و راهی برای قضای حاجاتم قرار ده ای مهربانترین مهربانان. بار الها! بر محمد و آل محمد صلوات فرست و این سعی و پویش مرا سپاسنادیده مگذار و گناهم را ببخش و عملم را بپذیر و دعایم را برآورده ساز که تو بر هر کاری توانایی. خداوندا تو را قصد نموده ام، پس مرا قصد نما و روی به سوی تو نهاده ام پس از من روی گردان مشو و اگر از من دلخور و ناراحت هستی، پس از من خشنود گرد و بر زاری و لابه ام رحم آور و نومیدم مساز ای مهربانترین مهربانان. سپس پیش برو تا آنکه سنگ قبر را ببینی و چون آن را دیدی، چهار بار الله اکبر بگو و رو در روی آن بایست و قبله را پیش رویت قرار ده و بگو: خداوندا، سلام تویی و سلام از توست و به تو باز میگردد، سلام ای شکوهمند کرامت افزا. سلام بر رسول خدا، امین خدا بر وحی او و مهمترین امورش، همان خاتم بر پیشینیان و آغازگر آیندگان و صاحب هیمنه بر تمام این امور و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد. سلام بر امیر المومنین بنده خدا و برادر رسول

خدا، آن بزرگترین راستینسخن و بزرگترین جداکننده حق از باطل، سرور مسلمانان و پیشوای پرهیزکاران و رهبر نورانی دست و رویان. سلام بر حسن و حسین سروران جوانان اهل بهشت از میان همه آفریدگان، سلام بر امامان، هدایتگران رهیافتگان، سلام بر پاکیزه راستینمنش، فاطمه سرور زنان جهان، سلام بر فرشتگان نازل شده خدا، سلام بر فرشتگان پیاپی فرودآینده، سلام بر فرشتگان نشان دار خداوند، سلام بر فرشتگان به زیارت آمده خداوند، سلام بر فرشتگانی که به اذن الهی در این شهادتگاه مقیم گشته اند.

سپس چند گام پیش برو تا بر کنار آن بایستی و چون ایستادی و او را آنسان که به مانند همیشه در نگاه کردنت، پیش رو قرار دادی، بگو: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح نبیّ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث وصیّ رسول خدا، سلام بر تو ای وارث حسن پسندیدهکردار، سلام بر تو ای شهید راستینمنش، سلام بر تو ای وصیّ نیکوکار پرهیزکار، سلام بر همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و در خیمه گاه تو رحل اقامت افکندند. سلام بر فرشتگان خدا که گرد تو حلقه زده اند، گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و کتاب خدا را چنان که شاید تلاوت نمودی و در راه خدا چنان که باید جانفشانی نمودی و در سایه رحمت خدا بر هر آزاری شکیبایی نمودی، و خدای را خالصانه پرستیدی تا آنکه لحظه جان باختنت رسید. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. و خدا لعنت کند امتی را که به تو ستم روا داشتند و امتی که با تو در جنگ شدند و امتی که تو را کشتند و امتی که علیه تو به پشتیبانی برخاستند و امتی که تو را تنها و بی یاور گذاشتند و امتی که تو را فراخواندند و سپس پاسخت نگفتند و امتی را که این خبر به آنها رسید و به آن خشنود گشتند و ایشان را به اسفل السافلین دوزخ درافکن. خدایا لعنت فرست بر آنان که رسول تو را تکذیب کردند و کعبه ات را ویران نمودند و بی حرمتی به حرم امن تو را جایز شمردند و در بیت الحرام از دین بازگشتند و کتابت را تحریف نمودند

و خون اهل بیت پیامبرت را ریختند و در زمین تو تباهی افکندند و بندگانت را به خواری و ذلت انداختند. خداوندا لعنت ایشان را دو چندان نما «وَ اجْعَلْ لِی لِسانَ صِدْقٍ»(1) {و مرا زبان سخنی راستین عطا فرما} درباره این اولیای برگزیده ات، و شهادتگاه ایشان را محبوب دلم گردان و مرا نیز به ایشان ملحق گردان و مرا در دنیا و آخرت همراه آنان ساز، ای مهربانترین مهربانان. سپس دست چپت را بر قبر بگذار و با دست راستت به آن اشاره کن و بگو: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، اگر مرا نرسید که به دست خود به یاری تو بشتابم، هان کنون به نصر و یاری ام رهسپار کوی تو گشتم و بر در تو برنشسته ام. گوش و چشم و بدن و اندیشه و عشقم، با تسلیم و سرسپاری به تو و جانشین باقی ات پس از تو و هدایتگران به خدای تعالی از میان فرزندانت، تو را پاسخ گفت و یاری من بر شما فراهم است «حَتَّی یَحْکُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَیْرُ الْحاکِمِینَ»(2) {تا آنکه خداوند فرمان دهد و او بهترین فرمان دهندگان است.} سپس دستت را به سمت آسمان فراز کن و بگو: خداوندا شهادت میدهم که این قبر حبیب و برگزیده تو از میان خلایق است، همان که به کرامت و لطف تو فوز یافته و او را به شهادت اکرام نمودی و میراث پیامبران را به وی بخشیدی و او را حجتی بر آفریدگان قرار دادی و او هرگونه عذری را کنار زد و جانش را در راه تو در طبق اخلاص نهاد تا بندگانت را از گمراهی و نادانی و بی بینشی و دودلی و تردید، به دروازه هدایت و رهیافتگی نجات بخشد. و تو ای سرورم، در در بالاترین چشم انداز به نظاره نشسته ای و بیننده ای و دیدگان تو را نبینند، و در این حال، فریفتگانِ به دنیای آخرت فروخته به بی ارزشترین بها از میان آفریدگانت، بر وی که ره اطاعت تو میپویید، شوریدند و تو را و رسولت را به خشم آوردند و از میان بندگانت، کسانی از افراد اهل نفاق و بارکشان گناه دیگران، که آتش دوزخ را بر خود واجب نمودند، سر به دستور ایشان نهادند. خدایا ایشان را نفرینی بنیانکن و عذابی دردناک فروفرست. (3)

1- . شعراء / 84
2- . یونس / 109
3- . المزار الکبیر : 122- 123

سپس دست چپت را پایین بیاور و با دست راست به قبر اشاره کن و بگو: سلام بر تو ای وارث پیامبران، سلام بر تو ای جانشین جانشینان پیامبران، سلام بر تو و بر خاندان و تبار تو که خداوند ایشان را برهانهای بنیانشکن و نور و صراط مستقیم عطا فرموده است. پدر و مادرم به فدای تو باد، چه بزرگ و جلیل است مصیبت تو نزد خدا و چه بزرگ و جلیل است نزد رسول خدا و چه بزرگ و صاحب شأن است مصیبت تو نزد بزرگدرنشستگانِ عالم بالا و چه بزرگ و صاحب شأن است مصیبت تو بخصوص نزد شیعیانت. پدر و مادرم به فدای تو باد ای پسر رسول خدا، شهادت میدهم که تو نوری بودی در تیرگیها، و شهادت میدهم که تو امین خدا و حجت او و خزانه دانش خدا و وصیّ پیامبر او بودی، و شهادت میدهم که تو ابلاغ نمودی و خیرخواهی کردی و در سایه خداوند، بر آزارها شکیبایی نمودی، و شهادت میدهم که تو کشته شدی و محروم گشتی و چپاول گشتی و ستم دیدی، و شهادت میدهم که تو را انکار نمودند و حقت را پایمال نمودند و تو به خاطر خدا صبر پیشه کردی، و گواهی میدهم که تو تکذیب گشتی و از حقت پس رانده شدی و به تو بی احترامی شد و تو تحمل نمودی، و شهادت میدهم که تو امام رهیافته رهنمایی و حق را برپا داشتی و به آن عمل نمودی، و شهادت میدهم که سرنهادن به امرت واجب و سخن تو راستین است و تو به حق فراخواندی و با حکمت و اندرز نیک به راه خدایت فراخواندی و پاسخت ندادند و به اطاعت امر الهی فرمان دادی ولی به امرت سر ننهادند، و شهادت میدهم که تو از ستونهای دینی و رکن آن هستی و رکن زمین و ستون آن هستی، و شهادت میدهم که تو و امامان از اهل بیت تو، واژه پرهیزکاری و دروازه رهیافتگی و دستگیره کنده ناشدنی و حجت بر اهل دنیا هستی و خدا و فرشتگان و پیامبران و فرستادگانش را و شما را به گواهی میگیرم که من به شما ایمان دارم و درباره وجود خودم و دستورات دینم و عاقبت عملم و بازگشتگاهم و اقامتگاه همیشگی ام، پیرو شما هستم. و شهادت میدهم که از جانب خدا و رسول خدا، صادقانه رسالتت را ادا نمودی و امانتدار سخن گفتی و در راه خدا و رسولش، کوشا به اندرزدهی برخاستی و با یقین ره سپردی، در حالی که گمگشتگی را بر رهیافتگی برنگزیدی و از حق به سوی باطل گرایش نیافتی، پس

خداوند تو را از بندگانش خیر عطا کند و خداوند بر تو سلام و صلواتی دردهد که جز او آن را در شمار نتوان کرد و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو. خداوندا، من آنسان که تو بر او صلوات فرستادی و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و امیر المومنین و همه امامان بر او صلوات فرستادند، بر او صلوات میفرستم، صلواتی فراوان و پیاپی و پشت سر هم، که هر یک در پس دیگری آید، در این حضورمان و چون غایب گردیم و بر هر حالی، صلواتی که پایان و نیستی نداشته باشد. خداوندا در این ساعت و هر ساعتی، بر روان و پیکر او از سوی من، درود و زندهباد فراوان بر وی رسان. تنها خدای را ایمان آوردیم و از رسول پیروی نمودیم، پس ما را با شهادت دهندگان بنویس. سلام بر تو ای پسر رسول خدا، پدر و مادرم به فدایت، رهسپار روی تو و درنشسته به کوی تو، به نزدت آمده و به آبروی تو، روی به سوی خدای تو و خدای خود نهاده ام تا به آبروی تو حاجات مرا برآورد و خواسته ام را به من ببخشد، پس مرا نزد او شفیع باش و نزد او شفاعتم کن که گریزان از گناهانم و رهاییجویان از کردار ناپسندم در محضر پروردگارم، به نزد تو آمده ام و در این جایگاهم، امیدوار رهایی از عقوبت پروردگارم هستم و چشم آن دارم که خدایم به لطف تو مرا از نابودی نجات بخشد. ای مولای من، آنگاه که خلق جهان از زیارت روی گردانند، من ره کوی تو گرفتم و سفرم به سوی تو بود و اشکم و فریادم به خاطر تو و تأسفم بر تو بود و شیون و گریه های در سینه شکسته ام بر تو، و سلام و زندهبادم بر تو بود. در ساحت تو رحل اقامت افکندم و به آبروی تو و آرامگهت از آن گناهان عظیمی که هراسانم کرده، پناه میجویم. و به زیارت نزد تو آمدم و التماس ثبات قدم در هجرت به سوی تو دارم و اکنون یقین نموده ام که خداوند، بلند باد ثناء و ستایش او، به یمن وجود شما دلپریشی را برطرف سازد و به یمن وجود شما اندوه دل را بزداید و به یمن وجود شما مصائب روزگار وانفسا را دور نماید و به یمن وجود شما فتح و گشایش حاصل کند و به یمن وجود شما خاتمه بخشد و به یمن وجود شما باران رحمت فروفرستد و به یمن وجود شما رحمت را فرومیباراند و به یمن وجود شما زمین را باز میدارد از آنکه ساکنانش را فروبلعد، و به یمن وجود شماست که خداوند کوهها را بر تکیه گاه هایش استوار نگاه دارد. ای سرورم،

در برآورده شدن خواهشهایم و بخشودگی گناهانم، به آبروی تو روی سوی پروردگارم نهاده ام، پس مباد که مرا از میان زائرانت ناکام بگذرای که از این امر بس هراسانم، اگر که شفاعتم نکنی و مباد ای مولای من که زائرانت با عطایا و بخششها و خیر و پاداش و بخشودگی و خشنودی بروند و من چنان برگردم که مهر گناهانم بر پیشانی ام خورده و عملم به من باز پس گردانده شده و به خاطر کردار گذشته ام، ناکام مانده باشم و اگر حال من چنین باشد، پس واویلای من که چه سیه روزم و ناکامم در این تلاشم. و در خوشگمانیام به پروردگارم و به پیامبر و به تو ای مولای من و به امامان از نسل تو، ای سرورانم این است که ناکام نگردم، پس مرا نزد پروردگارم شفاعت نما تا بهترین عطیهای که به زائری از زائرانت و درنشستگان به کویت میبخشد، به من عطا نماید و مرا از فضل بی حسابش ببخشد و اکرامم نماید و مرا گزیدهنعمتی از برترین چیزی که به آن بر زائری از زائران تو و درنشستگان به کویت منت مینهد، دهد.

سپس دستت را به آسمان فراز کن و بگو: خداوندا مرا در اینجا که ایستاده ام میبینی و سخنم را می شنوی و درنشستنم به این مکان و لابه و فروتنی و پناه آوردنم به قبر ولیّات و حجتت و پسر پیامبرت را میبینی و تو خود ای سرورم، حوائج مرا میدانی و حالم بر تو پنهان نیست، که به راستی روی سوی پسر پیامبرت و حجت و امین تو نهاده ام و به نزد او آمدم تا به آبروی او به تو و رسول تو تقرب جویم، پس مرا به آبروی او نزد خود «وَجِیهاً فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَهِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِینَ»، در دنیا وآخرت آبرومند قرار ده و از نزدیکشمردگان. و به واسطه زیارت او مرا به آرزویم برسان و خواسته ام را فرادست آور و رغبت و خواهشم را به لطف عطا گردان و حاجاتم را برآورده ساز و مرا دست خالی باز مگردان و امیدم را نومید مکن و دعایم را ناکام مگذار و در همه اموری که از امر دین و دنیا و آخرت از تو به دعا خواستم، مرا با اجابتت آشنایی ده و از بندگانی قرارم ده که بلاها و بیماریها و فتنه ها و رخدادها را از ایشان دور داشته ای، همانان که حیاتی در عافیت و مماتی در عافیت عطایشان میکنی و به عافیت به بهشتشان وارد میکنی و در عافیت ایشان را از آتش در پناه خود میداری. و به منت خود مرا به صلاح و درستی آنچه درباره

خود و خانواده و فرزندان و خواهران و برادران و اموال و همه آنچه بدان بر من نعمت بخشیده ای، توفیق بخش، ای مهربانترین مهربانان.(1)

آنگاه بر قبر خم شو و بگو: سلام بر تو ای خجت خدا و پسر حجت خدا، گواهی میدهم که تو حجت خدا و امین او و جانشین او در میان بندگان و خزانه دار دانش و امانتگاه رازهای اویی و هر آنچه از سوی خدا به تو فرمان رسید، ابلاغ نمودی و وفا کرده و به کمال انجام دادی و با یقین شهید و شاهد و شهادت داده شده (به راستی ات) ره سپردی. صلوات خدا و رحمت او بر تو باد. من ای مولایم، دوستدار پناه جسته به تو با پیروی از تو هستم و خواهش دلم، استوارگامی در هجرت به سوی تو و جایگاهی بالنده در آخرت به آبروی توست. ای که پدر و مادرم و خودم و مال و فرزندم همه فدایت گردند، به زیارت، نزد تو آمده و آگاه به حق تو و رهرو هدایتی هستم که تو بر آنی و پیروی از تو را واجب دانسته و به فضل و برتری تو یقین و به گمراهی مخالفانت یقین دارم و خوب آن را میدانم و چنگ در رشته ولایت تو و پدرانت و سلاله پاک تو زده ام. هان که لعنت خدا بر امتی که تو را به قتل رساندند و با شما به مخالفت برخاستند و بر صحنه نبرد شما حاضر بودند ولی همراه با شما به مجاهدت برنخاسته و حق شما را چپاول نمودند. ای پسر رسول خدا، مصیبت زده به نزد تو آمدم و اندوهگین آمدم و نیازمند به شفاعتت روی آورده ام و هر زائری را بر کسی که به نزدش آمده حقی است و من زائر توام و غلام تو و میهمانی که به نزدت آمده و بر ساحت تو نشسته، و مرا خواسته هایی از حوایج دنیا و آخرت هست که در برآورده شدن و عملی شدن آن، به واسطه آبروی تو، روی سوی خدا نهاده ام، پس مرا نزد پروردگارت و پروردگارم در قضای همه حاجاتم و آن بزرگترین خواسته ام شفیع باش که اگر خداوند آن را به من عطا کند، آنچه از من باز دارد، مرا باکی نباشد و اگر آن را از من باز دارد، آنچه عطا کند، سودی نداشته باشد. [آن خواستهام] رهایی ام از آتش و [رسیدن به] درجات عالی و مرحمت نمودن بر بخشیدن همه خواسته ها و آرزوها و حاجات و خواهشهای دل و تمایلاتم و دور نمودن هر ناپسند و ناخوشایندی از من و خانواده

1- . المزار الکبیر : 123- 125

و فرزندان و خواهر و برادران و اموال و هر آن چیز دیگری که به من عطا فرموده است. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

سپس سرت را بالا بگیر و بگو: حمد و ثنا خدایی راست که مرا از زائران پسر پیامبرش قرار داد و شناخت فضل او و اقرار به حق او و گواهی دادن به طاعت وی را روزی ام نمود. پروردگارا بدانچه نازل نمودی ایمان آوردیم و از رسولت پیروی نمودیم، پس ما را همراه با شاهدان بنویس. سلام بر تو ای پسر رسول خدا، لعنت خدا بر قاتلانت و لعنت خدا بر بییاور رها کنندگانت و لعنت خدا بر چپاولگران تو و لعنت خدا بر هر که به سویت تیری افکند و لعنت خدا به هر که بر تو نیزه ای زد و لعنت خدا بر هر که علیه تو به یاری برخاست و لعنت خدا بر لشکرکشندگان به سوی تو و لعنت خدا بر آن که نوشیدن آب فرات را از تو بازداشت و لعنت خدا بر آن که تو را فراخواند و نیرنگبازی پیشه کرد و تنها رهایت کرد و لعنت خدا بر هند جگرخوار و لعنت خدا بر پسر او که بر تو ستمی کرد که انتقامش ستانده نشد و لعنت خدا بر یاران و پیروان و دستیاران و طرفداران ایشان و هر آن که برای ایشان زمینه ای فراهم کرد. خداوند قبرهایشان را از آتش لبریز کند. سلام بر تو که پدر و مادرم به فدایت شوند و رحمت و برکات خداوند. (1) سپس از پیش قبر به کناری برو و به سوی قبله روی کن و دستانت را به آسمان بلند کن و بگو: خداوندا، هر که برای رسیدن به خدمت بنده ای، به هدف جود و بخشش و عطا و پاداش و کمکش آماده و مهیا و مجهز گشته و توشه سفر برگیرد؛ هان که مرا آماده گشتن و مهیا شدن و توشه برداشتن و حاضر شدن برای سفر، به سوی تو بوده و رهپوی کوی ولی تو بوده ام و با زیارت او به تو تقرب جسته ام، به امید کمک و بخشش و نوال و عطیه و پاداش تو. خداوندا، اکنون که عفو کریمانه و مغفرت گسترده ات را چشم امید بسته ام، پس مرا نومید بازمگردان که قصد تو نمودم و آنچه نزد توست را اراده نمودم و قبر امامم را که طاعت او را بر من واجب نمودی زیارت نمودم، پس مرا به آبروی او نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند گردان و به آبروی او همه درخواستهایم را برآور و همه حاجاتم را برآورده ساز و امیدم را قطع

1- . المزار الکبیر : 125

مکن و دعایم را بی نتیجه مگذار و بر ضعفم و بر بیچارگی ام رحم آور و مرا به خود و به احدی از خلقت وامگذار ای مولای من، که گناهانم مرا از پای درآورده و حجتم را قطع کرده و مبتلای خطاکاریهایم هستم و در بند عملم افتاده و خود را هلاک گردانده و آن را به جایگه خوارگشتگان گنهکار جسارتجسته بر تو که از فرمان تو دست شسته و فریفته [به رحمت] تو شده اند و وعده تو را نادیده گرفته اند، افکنده ام و اکنون آن جرمهای زشت و رفتار نادرستم در حق خودم مرا به هلاکت افکنده است، پس بر پشیمانی و فروتنی ام به لابه و زاری رحم آور و مرا در میان این لغزش دست گیر و به اشکم رحم کن و پوزشم پذیر و جهل مرا با حلم و دریادلی خود و بی ادبی مرا با لطف و احسانت و جنایتپیشگی ام را با عفو و بخشایشت پاسخ گو و من از عمل ناچیزم به نزد تو گلایه میکنم، پس بر من رحم نما ای مهربانترین مهربانان. خداوندا غفرانت را عطایم کن که من به گناهم اعتراف دارم و به اشتباهکاریام اقرار، و این دست و پیشانی من است و از سر بیچیزی ام به دست و پای تو افتاده ام ای سرورم، پس توبه ام بپذیر و داغ دلم را آرام کن و بر خضوع و خشوعم و بر تأسفم بر آنچه از من سر زده است و بر این درنشستنم به کنار قبر ولیّات و خواری ام پیش روی تو، بر من رحم آور که تو امید منی و تکیه گاه و پشتیبان و کمک حال منی، پس مرا دست خالی باز مگردان و عملم بپذیر و بی آبرویی ام را بپوشان و ناکامم مگذار و از میان همه خلایق، امیدم را قطع مکن ای سرورم. خداوندا، ای آنکه در کتاب به وحی فرستاده ات به پیامبر فروفرستاده ات صلی الله علیه و آله فرمودی: «ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ داخِرِینَ»(1) {در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی آیند.} پروردگارا، در حالی که این سخنت حق است و تویی که خلف وعده نکنی، پس دعای مرا استجابت فرما ای خدای من که درخواست کنندگان از تو مسألت کردند و من هم از تو درخواست نموده ام و خواهشگران از تو تقاضا نموده اند و من نیز از تو خواهش نموده ام و مشتاقان به تو

1- . غافر / 60

رغبت نموده اند و من نیز به سوی تو رغبت و گرایش آورده ام و تو سزاوار آنی که مرا ناکام مگذاری و امیدم را نومید مسازی، پس مرا با اجابت خود روبرو کن ای سرور من و حوایج دنیا و آخرتم را برآورده ساز ای ارحم الراحمین. (1) سپس به سمت سر حضرت برو و دو رکعت نماز بخوان که در اولی سوره حمد و سوره یاسین و در دومی سوره حمد و سوره الرحمن را میخوانی و چون سلام دادی و تسبیحات گفتی و تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها را ادا نمودی، خداوند را بسیار به بزرگی یاد کن و برای گناهانت طلب مغفرت کن و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله درودها فرست و سپس دستهایت را فراز کن و بگو: خداوندا، ما با ایمان به وی و با اذعان بر حقانیت او و چنگزنان به رشته محبت او و آگاه به حق او و معترف به فضل او و با بینش به گمراهی مخالفانش و آگاه به رهیافتگی وی در رفتارش به زیارت او آمدیم. خداوندا من تو را و فرشتگانت را که در اینجا حاضرند به گواهی میگیرم که من به ایشان ایمان و اعتقاد دارم و از دشمنانشان بیزاری میجویم، خداوندا آنچه را که از سر ایمان میگویم، حقیقتی در دلم و شریعتی در عملم قرار ده. خداوندا مرا از جمله کسانی قرار ده که با حسین بن علی علیه السلام استوار، همگامند و نام مرا در میان شهیدان همراه وی درج نما. خداوندا لعنت فرست کسانی را که نعمت تو را از سر کفر، دیگرگون نمودند. منزهی تو ای بردبار از کرده ستمکاران در زمین و ای بزرگواری که جرم عظیم بندگانت را میبینی و در شکنجه آنان شتاب نمیکنی، پس بس متعالی و والاتری از یاوه هایی که ستم پیشگان میبافند. ای بخشنده، تو حاضری و غایب نیستی از آنچه که بر سر اهل درودهایت و آن محبوبانت، از آن اتفاق هولناک که آسمان و زمین تاب تحمل آن را ندارند، چه آمد و اگر میخواستی، به راحتی از ایشان انتقام میکشیدی ولی تو صبر بسیار داری و بر کسانی که بر تو و رسول و حبیبت جسارت ورزیدند، مهلت داده و ایشان را در زمینت ساکن گردانده و همچنان به نعمتت، ایشان را تا سررسیدی که به آن درخواهند آمد و تا وقتی که به سوی آن در حرکتند، روزی داده ای تا عملی را که تو در تقدیر نوشته ای، تکمیل نمایند و مهلتی که نهادهای، سر رسد، (جاودان) در

1- . المزار الکبیر : 125- 126

میان شکنجه و بسته به یوغهایی و در میان آبِ جوشان و چرک تنهای به گدازش افتاده (به عنوان نوشیدنیشان) و خارهای لب و دهان گزا (غذایشان) و اخگرها و غل و زنجیرها و بندها و میان و چرک زخمهای تفتیده شان و زقّوم جگرسوزشان، همراه با ماندگار گشتن طولانی در روزهای سوزاننده و در دل جهنمی که هیچ چیز را اثری باقی نمیگذارد، در دل حمیم و جحیم. و حمد و ثنا خدایی راست که پروردگار جهانیان است. (1) آنگاه برای گناهت طلب مغفرت کن و هر آنچه خواستی دعا کن و چون نیایشهایت را به سر آوردی، به سجده برو و در سجده ات بگو: خداوندا من تو را شاهد میگیرم و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و همه آفریدگانت را شاهد میگیرم که خدایا، تنها تویی و جز تو هیچ خدایی نیست. تو پروردگار منی و اسلام دین من است و محمد پیامبر من و علی و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و جانشین باقی آنان، که بهترین صلوات خداوند بر ایشان باد، پیشوایان من هستند و دل به دوستی ایشان مینهم و از دشمنشان بیزاری میجویم. و سه مرتبه میگویی: خداوندا به حقت، که انتقام خون مظلوم را از تو میخواهم. خداوندا من به همان وعده پناهدهی ات به اولیایت که ایشان را بی کم و کاستی، بر دشمنانت و دشمنان ایشان پیروز و ظفرمند گردانی، از تو خواهش میکنم که بر محمد و ایمنی داده شدگان از آل محمد، سلام و صلوات فرستی. و سه مرتبه میگویی: خداوندا من آسانی پس از دشواری را از تو مسألت دارم.

سپس سمت راست صورتت را بر زمین بگذار و بگو: ای پناه من، آنگاه که راههای رفتن مرا درمانده میگذارند و زمین با تمام گستردگی اش بر من تنگ میآید و ای آن که از سر رحمت به من، مرا از هیچ آفرید، حال آنکه از آفرینش من بی نیاز بود، بر محمد و ایمنی داده شدگان از آل محمد، سلام و صلوات فرست. این را سه مرتبه میگویی و سپس سمت چپ صورتت را بر زمین میگذاری و میگویی: ای فروافکنِ هر گردنکش و ای سرفراز کننده هر فروافتاده ای، بر محمد و آل محمد

1- . المزار الکبیر : 126- 127

درود فرست و گره از کار من بگشا. سپس سه بار بگو: ای بس مهرورزنده و ای بس منت نهنده و ای زداینده اندوه های ژرف. سپس به سجده ات بازگرد و صد بار بگو: خدایا شکر، خدایا شکر. و حاجتت را درخواست کن(1) و سپس به کنار پاهای حضرت برو و کنار علی بن حسین علیه السلام بایست و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب و پیامبران فروفرستاده و بندگان درستکار بر تو باد ای مولای من، و پسر مولای من و رحمت و برکات خداوند. صلوات خدا بر تو و بر اهل بیتت و عترت پدران نیکوکارِ برگزیده ات که خداوند پلیدی را از ایشان بزدود و ایشان را بس پاک و مطهر گرداند. و خداوند قاتل تو را به هر گونه عذابی شکنجه کناد و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. (2)

سپس با اشاره به سمت پاهای حضرت به شهیدان سلام بده که ایشان در آن سو هستند و بگو: سلام و درود بر شما ای ربانیون، شما پیشتازان ما نزد خدایید و ما در پی شما روانه و یاران شمایم. گواهی میدهم که شما یاران خدا - بزرگ باد نام او - هستید و سروران شهیدان در دنیا و آخرت هستید. صبر پیشه کردید و فداکارانه بر مصیبتها بردباری کردید و سست نگشتید و از خود ناتوانی نشان ندادید و به خواری و درماندگی نیفتادید تا آنکه خداوند را در راه حق و یاری دین و برپایی کلمه کامل خدا دیدار نمودید. خداوند بر روان و پیکر شما صلوات فرستد و سلام بی پایان دهد. شما را مژده به وعده الهی که در آن خلف وعده ای نیست، و خداوند انتقام آنچه را که به شما وعده داد، درخواهد یافت؛ هان که او پیمانش را نمیشکند. شهادت میدهم که شما در راه خدا مجاهدت نمودید و بر سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله کشته شدید و خداوند شما را از طرف حضرت رسول و پسرش و سلاله پاک او، بهترین پاداشها نصیب گرداند. حمد و ثنا از آن خدایی است که وعده اش به شما را وفا نمود و برای شما آنچه آرزو داشتید، پیش راه آورد. (3) سپس پیش رو تا به شهادتگاه عباس بن علی علیه السلام

1- . المزار الکبیر : 127
2- . المزار الکبیر : 127
3- . المزار الکبیر : 127- 128

برسی و چون رسیدی، در کنار در بارگاه بایست و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش و پیامبران فروفرستاده اش و بندگان درستکارش و همه شهیدان و راستینمنشان و درودهای وارسته (از پلیدی) و نیکآیند (که همراه مرحمت خدا و بندگان صالح) در رفت و آمد است، بر تو باد ای پسر امیر المومنین. گواهی میدهم تو را به فرمانبری و تایید و وفاداری و خیرخواهی برای جانشین پیامبر مرسل صلی الله علیه و آله و سبط برگزیده و رهنمای دانا و وصیّ نیکرسالترسان و ستمدیده حقباخته، پس خداوند تو را به خاطر آن شکیبایی و فداکاری و یاریگری، از نزد رسولش و از فاطمه و امیرالمومنین و از حسن و حسین بهترین پاداشها دهد «فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» و بهترین سرانجام این دنیا را به دست آوردی. خداوند لعنت کند آن که تو را کشت و خدا لعنت کند آن که حق تو را نشناخت و حرمتت را هیچ شمرد و خدا لعنت کند آن که از رسیدن تو به آب فرات جلوگیری کرد. شهادت میدهم که تو مظلوم کشته شده و خداوند آنچه را که به شما وعده داده، عملی خواهد کرد. ای پسر امیر المومنین، سر به کوی تو نهاده ام و دلم تاییدگر شماست و من پیرو شمایم و آماده یاری شما هستم ح«حَتَّى يَحْكُمَ الل-ه وَ هُوَ خَيْرُ الْحاكِمِينَ»، {تا آنکه خداوند فرمان دهد و او بهترین فرماندهندگان است.} پس با شما خواهم بود، با شما و نه با دشمن شما. من از مومنان به شما و به بازگشت شما هستم و از بیزاری جویندگان مخالفان و قاتلان شمایم. خداوند لعنت کند امتی را که شما را به دست و زبانشان به قتل رساندند. سپس داخل شو و بر روی قبر خم شو و بگو: سلام بر تو ای بنده درستکار فرمانبردار خدا و رسول خدا و امیر المومنین و حسن و حسین که سلام و صلوات خدا بر ایشان باد، و سلام و رحمت و برکات خدا و مغفرت او بر تو و بر روان و پیکر تو. گواهی میدهم که تو بر همان راهی هستی که جنگجویان بدر و جانفشانان در راه خدا و پاکبازان در راه او در جهاد با دشمنانش و سختکوشان در یاری اولیای خدا و بازدارندگان دشمنان از محبوبان خداوند ره سپردند، گام زدی؛ پس خداوند تو را بهترین پاداش و بیکاست ترین پاداشی که کسی در وفا نمودن به بیعت او و پاسخ گویی به فراخوانی او و فرمانبری از سرکردگان امر الهی گرفته، نصیبت گرداند. گواهی میدهم که تو در خیرخواهی سخت کوشیدی و تمام توان خود را به

کار گرفتی، پس خداوند تو را در میان شهیدان محشور نماید و روحت را با روح نیکبختان همراه گردانده و از بهشتهایش، بهشتی که پهناورترین منزلگاه ها و زیباترین اتاقها را دارد به تو عطا نماید و یاد تو را در میان علیین فراز گرداند و تو را با پیامبران و راسیتنمنشان و شهیدان و درستکارانی که بس نیک رفیقانند، محشور گرداند. شهادت میدهم که تو سستی ننمودی و از دشمن نگریختی و تو با بینش از کار خود، رهپوی راه درستکاران و پیرو پیامبران، در این راه پیش رفتی، پس ای کاش که خداوند ما را با تو و رسولش و اولیایش در منزلگه سرنهادگان به آرامش وجود الهی گرد آورد، که او ارحم الراحمین است.

سپس به کنار سر حضرت برو و دو رکعت نماز بگزار و پس از آن هر چه خواستی نماز کن و خدای را بسیار نیایش کن و پس از این رکعتها بگو: خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و در این جایگه گرامی و شهادتگاه ارجمند، گناهی از مرا نابخشوده و هیچ دلپریشی و اندوهی را نازدوده و هیچ ناخوشی را بهبودنیافته و هیچ عیب و کاستی را ناپوشانده و هیچ روزی و رزقی را فزوناکرده و هیچ نگرانی را ایمنینداده و هیچ جمعی را گردنیاورده و هیچ رهسپرده ای را بی نگهبان و نابازگشته و هیچ درخواستی از حوائج دنیا و آخرت که تو آن را میپسندی و صلاح من در آن است را برنیاورده مگذار، ای مهربانترین مهربانان. سپس به سمت ضریح بازگرد و در کنار پاهای حضرت بایست و بگو: سلام بر تو ای اباالفضل العباس بن امیر المومنین، سلام بر تو ای پسر سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای پسر نخستین اسلام آورده این قوم و کهنایمان ترین ایشان و برپادارنده ترین دین خدا از میان ایشان و آگاه ترین آنان به اسلام، گواهی میدهم که تو برای خدا و رسول خدا و برای برادرت خیرخواهی نمودی، و چه نیکو برادر غمخواری هستی تو! پس خدا لعنت کند امتی را که تو را کشتند و خدا لعنت کند امتی را که بر تو ستم نمودند و خدا لعنت کند امتی را که حرمت محارم تو را زیر پای نهاد و حرمت اسلام را لکه دار نمود. و بس نیک شکیبای جانفشان پشتیبان یاور و برادر بازدارنده دشمن از برادرش و پذیرنده سرنهی به پروردگارش و بس روی آورنده به ثواب فراوان و حمد و ثنای شاینده ای که دیگران از آن روی برتافتند، پس خداوند تو را به درجه

پدرانت در بهشت نعمت، ملحق نماید. خداوندا، من از شوق ثواب تو و به امید مغفرت تو و مهرورزی شاینده ات، به زیارت اولیایت روی آورده ام و از تو خواهش دارم که بر محمد و خاندان پاک او درود فرستی و روزی مرا به آبروی ایشان فروباران و زندگی ام را شادمان کن و زیارتم را به یمن وجودشان پذیرفته و زندگی ام را به یمن وجودشان خوشایند گردان و مرا چون گرامیداشتگان در مراتب عالی بنشان و از جمله بازگردندگان از زیارت شهادتگاه محبوبانت، آنسان که شایسته بخشودگی گناهان و پرده پوشی بر کاستیها و زدودن اندوه ها باشم، قرار ده. به راستی که تو «أَهْلُ التَّقْوی وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَهِ» سزاوار پرهیزکاری هستی و بخشودن تو را سزد. (1)

چون خواستی برای بازگشتن با او وداع کنی، بر کنار قبر او بایست و بگو: تو را به خدا میسپارم و از تو میخواهم که حافظ من باشی و به تو سلام میرسانم، به خدا و رسول خدا و بدانچه که او از سوی خداوند آورد، ایمان آوردیم. خداوندا ما را با شاهدان بنویس. خداوندا این را آخرین زیارت من از قبر پسر برادر رسولت صلی الله علیه و آله قرار مده و مادام که زنده ام داشته ای، مرا زیارت او روزی کن و مرا با او و پدرانش در بهشت، محشور نما و مرا با او و رسولت و اولیایت آشنایی ده. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا بر ایمان به تو و تایید رسولت و ولایت علی بن ابیطالب و امامان علیهم السلام و بیزاری از دشمنان ایشان بمیران که من بدان خشنودم. درود خدا بر محمد و آل محمد. سپس برای خودت و پدر و مادرت و مردان و زنان مومنین دعا کن و هر دعایی خواهی بر زبان آور و سپس به سوی شهادتگاه حسین علیه السلام بازگرد و در آن بسیار نماز بخوان و زیارت نما و دعا کن و باید که به نینوا و غاضریه رخت افکنی و بستر خوابت و محل آب و غذا خوردنت هم آنجا باشد. (2) و چون قصد سفر بازگشت نمودی، با حسین علیه السلام

1- . المزار الکبیر : 128- 129
2- . المزار الکبیر : 129

وداع کن، این گونه که به کنار قبر شریفش رفته و بسان ابتدای زیارتت کنار او میایستی و رو در روی او قرار میگیری و میگویی: سلام بر تو ای ولی خدا. (1)

مؤلف: بیان زیارت وداع و دعاهای وابسته به آن، درست نظیر آنچه که در زیارت پیشین آمد، است.

توضیح: گفته وی: «فی الامور کلها» متعلق به «الواحد» است یعنی «المتوحّد فی خلق الأشیاء» و تربیت و تدبیر آنها. ممکن است متعلق به حمد باشد. آنچه در زیارت ثمالی است یعنی «الواحد المتوحد بالأمور» بهتر است و «جَدَث» یعنی قبر.

گفته حضرت علیه السلام: «أنت السلام» یعنی از معایب و کاستیها سالم هستی و از توست که خلق از این نقائص برکنارند و تو عامل سلامتشان هستی. چون به علتها نگریسته شود، او علت هر علت و بالاترین علت است بر حسب نظر. یا معنا این است که تو سزاوار سلام و تحیت و ثنا هستی و به توفیق توست اگر خلق، سلام و تحیتی میگویند و سلام ایشان یکایک به تو بازمیگردد و پس هر ثنا و تحیت، بر کمال و شرف است و تو علت آنها همه هستی. جزری گفته: «ملأ»، بزرگان و رؤساء و پیشاهنگان ایشانند که همه به سخن آنان مینگرند. از همین معناست این حدیث: «هل تدری فیم یختصم الملاء الأعلی»؟ مراد فرشتگان مقرب است. گفته حضرت علیه السلام: «و اهتضمت» به صورت مجهول یعنی حق تو غصب شد. گفته میشود: «تنصل الیه من الجنایه» یعنی خارج شد و پاک شد. «أن تسیخ بأهلها» یعنی با اهلش در آب فرو رود. گفته میشود: «ساخت ید فرسی» یعنی دست اسبم در زمین فرو رفت. گفته میشود: «جبهه مثل منعه» یعنی به پیشانیاش زد و او را برگرداند یا با آنچه کراهت داشت روبرو شد.

گفته حضرت علیه السلام: «تعبّأ» یعنی آماده شد و «أعد» یعنی آنچه برای سفرش لازم بود مهیا کرد. «فقد افحمتنی» یعنی مرا ساکت کردی و عذری و جوابی برایم باقی نگذاشتی. گفته میشود: «أوبقه» یعنی او را حبس و هلاک کرد. وقف دو وجهی است، لازم و متعدی. «سبحانک یا حلیم» یعنی تو را از اینکه به تو اعمالی را که ستمگران انجام میدهند و یا تو به آنها راضی باشی، نسبت دهند، مبرا میکنم

1- . المزار الكبير : 129- 131

بلکه به خاطر مصالحی که میدانی، نسبت به آنان حلم میورزی و از این باب است این گفته: پس تو متعالی هستی از آنچه ستمگران میگویند و تو را به جبر منسوب میکنند، یعنی این که تو اعمال ظالمان را به دست آنان انجام میدهی و تو فاعل فعل آنانی.

«إلی أهل صلواتک» یعنی کسانی که بر آنان درود میفرستی و به همه خلق خود امر کردی که بر آنان درود بفرستند، یا اهل رحمتهای ویژه خودت که کسی غیر از ایشان سزاوار آنها نیست. در روایت ثمالی «اهل صفوتک» آمده که شاید بهتر باشد. گفته حضرت علیه السلام: «اللهم إنی أنشدک»، «انشد» از باب افعال است و مجرد یا مزید آن به معنای طلب کردن است، یعنی از خودت به حق خودت میطلبم که از مظلوم یعنی حسین علیه السلام خونخواهی کنی و از قاتلانش انتقام بگیری و از دوتای اولی نیز که اساس ظلم بر او و بر مادر و پدر و برادرش صلوات الله علیهم اجمعین را برپانهادند.

گفته حضرت علیه السلام: «بإیوائک»، «وأی» یعنی وعدهای که مرد آن را بر خودش میبندد و متعهد به وفای به آن میشود و به «علی» متعدی شده تا معنای «جعل» را دربرداشته باشد. گفته وی: «لتظفرنّهم» متعلق به «ایواء» است یعنی از تو میخواهم و قسمَت میدهم به خاطر وعده یا به حق وعدهای که آن را بر خود لازم الوفاء کردی، که آنان را بر دشمن خودت و دشمن آنان پیروز گردانی. «مستحفظین» بر وزن اسم فاعل و مفعول خوانده میشود، یعنی شریعت و علوم و حکمتها و معارف را حقظ کردند، یا خداوند متعال از آنها خواست تا آنها را حفظ کنند. گفته حضرت علیه السلام: «حین تعیینی»، در برخی نسخهها «تعنینی» یعنی ای پناه من، آنگاه که رفت و آمد من به سوی خلق مرا خسته میکند. گفته وی: «بما رحبت»، «ما» مصدریه است یعنی با همه گستردگی آن.

گفته حضرت علیه السلام: «أنتم لنا فرَط». در حدیث آمده: «أنا فرطکم علی الحوض» یعنی متقدم بر شمایم. گفته میشود: فرط یفرط فارط هنگامی که کسی بر قوم سبقت میگیرد تا برایشان آب بیاورد و برایشان سطل و طناب تهیه کند. دعای برای کودک نیز از همین باب است: «اللهم اجعله لنا فرطا» یعنی پاداشی که پیش از

ما برود. و نیز این حدیث: «أنا و النبیون فراط» یعنی برای شفاعت متقدم هستیم و گفته شده، برای رسیدن به حوض. پایان. گفته وی. «رضوان الله علیکم» جمله معترضه دعائیه است. گفته وی: «بموعد الله» متعلق به «بشاره» است.

گفته وی: «الزاکیات الطیبات» یعنی تحیتهای پاک از من به تو به همراه تحیاتی که از سوی خدا و فرشتگان و پیامبران و بندگان صالحش از آغاز تا انجام روز به تو میرسد. گفته حضرت علیه السلام: «و بإیابکم» یعنی به رجعت شما. در برخی نسخهها «بآبائکم» آمده که تصحیف است. جوهری گفته: «جمع الله شملهم» یعنی امور آنان. گفته وی: «المواسی»، «مؤاساه» یعنی مشارکت و سهیم شدن در معاش و روزی و غیره. اصل آن با همزه بوده که برای تخفیف قلب و به واو شده. مراد این است که جانش را برای برادرش داد و دریغ نکرد. گفته وی: «داراً» یعنی زیاد که به تدریج، تجدید میشود، برگرفته از این سخن ایشان که «درّ اللبن» یعنی زیاد شد و جریانش از پستان افزایش یافت. گفته وی: «و عیشی قارا» یعنی با استقرار و دائم و بدون انقطاع، یا ادامه دهنده به حال استقرارم در سرزمینم که برای تحصیل آن به سفر نیازی نداشته باشم. یا «قارّ العین» در سرور و ابتهاج که از «قره العین» گرفته شده است. گفته

آن حضرت علیه السلام: «و ادرجنی» یعنی مرا بمیران که از «درج» به معنای «مات» گرفته شده است.

مؤلف: سید ابن طاووس رحمه الله در کتاب خود، زیارتی طولانی را که بیشتر آن مطابق این زیارت است درج نموده و بخشهایی از زیارتهای پیشین و پسین را به آن پیوست نموده و به منظور جلوگیری از تکرار و طولانی شدن کلام، از ذکر آن خودداری میکنیم.(1)

34. زیارتی دیگر که سید رحمه الله آن را درج نموده است: بر در بارگاه شریفش میایستی و میگویی: خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و در این جایگاه، خواسته دل مرا بر حقیقت ایمانی که به تو و به رسولت و به سرکردگان امر ولایتت دارم، برآور. این حرم، حرم الهی و حرم رسول خدا و حرم توست. ای سرورم، آیا مرا اذن ورود به حرمت میدهی؟ و اگر شایسته این نیستم، این کار تو را

1- . مصباح الزائر : 103- 116

سزد. به اذن تو وارد می شوم ای مولای من، به حرم خدا و حرم تو. و سپس وارد می شود و ضریح را جلوی خود قرار داده و رو در روی آن میایستی و میگویی: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح نبیّ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی امیر المومنین، سلام بر تو ای وارث حسن شهید، نوه رسول خدا، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر مژدهآور بیم دهنده، و پسر سرور جانشینان پیامبران. سلام بر تو ای وارث فاطمه سرور زنان جهان، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای انتخاب گشته خدا و پسر انتخاب گشته خدا، سلام بر تو ای آنکه انتقام تو و پدرت را خدا گیرد، سلام بر تو ای کشته تبار کشتهای که خونخواهی کشتگانت بر کفت مانده، سلام بر تو ای پیشوای رهنمای پاکدامن و سلام بر همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و در سایه لطف تو رحل اقامت افکندند و با زائرانت سر به کویت نهاده اند. سلام بر تو تا آنگاه که من زنده ام و تا هرگاه که آسمانها و زمین برجایند، که به حق، غم جانگداز از دست دادنت بس دشوار و مصیبت تو بر مومنان و مسلمانان و نزد همه اهل آسمانها و ساکنان زمینها، بس گران بود. به راستی که ما از خداییم و به سوی او بازگردندگانیم و سلام و درودها و برکات خداوند بر تو باد و بر پدران پاکسیرت برگزیده ات و بر فرزندان رهنمای رهیافته ایشان. سلام بر تو ای مولای من و بر ایشان و بر روح تو و ارواح ایشان و بر تربت تو و تربت آنان. خداوندا ایشان را به رحمت و خشنودی و آرامش و خرّمی خویش درآور. سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبد الله، ای پسر خاتم پیامبران و پسر سرور جانشینان پیامبران و پسر سرور زنان جهان. سلام بر تو ای شهید و فرزند شهید و برادر شهید. ای پدر شهیدان. خداوندا از سوی من او را در این لحظه و این روز و این وقت و هر زمانی، تحیّت و درود فراوان و سلام پایان ناپذیر فرست. سلام خدا و رحمت و برکات او بر تو باد ای سرور جهانیان و سلامی بی پایان، تا آنگاه که روز و شب باقی است، بر شهادت یافتگان همراه تو. سلام بر حسین بن علی شهید، سلام بر علی بن حسین شهید، سلام بر عباس بن امیر المومنین شهید، سلام بر

شهیدان از تبار امیر المومنین، سلام بر شهیدان از تبار حسن، سلام بر شهیدان از تبار حسین، سلام بر شهیدان از تبار جعفر و عقیل، سلام بر همه شهیدان به همراه ایشان از میان مومنین. خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات فرست و ایشان را از سوی من تحیت و درود فراوان برسان. سلام بر تو ای رسول خدا، خداوند بر عزایت بر فرزندت حسین اجر دهاد. سلام بر تو ای فاطمه، خداوند بر عزایت بر فرزندت حسین اجر دهاد. سلام بر تو ای امیر المومنین، خداوند بر عزایت بر فرزندت حسین اجر دهاد. سلام بر تو ای ابا محمد حسن مجتبی، خداوند بر عزایت بر برادرت حسین اجر دهاد. ای مولای من ای ابا عبد الله، من میهمان خدایم و میهمان تو و پناه جسته به خدا و پناه آورده به تو؛ و هر میهمان و پناه آورده ای را هبه و بخششی است و هبه من در این وقت آن که، از خدای سبحان و تعالی مسألت نمایی که مرا برات رهایی از آتش دهد که او شنونده دعاست و نزدیک و پاسخگوست. (1)

سپس ضریح را ببوس و به کنار سر حضرت برو و نزد او بایست و بگو: سلام بر تو ای بر خاک غلتیده ای که اشکها بر او ریزان است، سلام بر تو ای همنشین مصیبتهایی که سنت خدا بر آن رفته است، گواهی میدهم که به حق، خداوند خاک را به برکت وجود تو پاک گرداند و اجر مصیبت را به وجود تو دوچندان نمود و کتاب خدا را با سیره تو روشن گرداند و تو را و جد و پدر و مادر و برادر و فرزندانت را عبرتی و آموزه ای برای خردمندان قرار داد. گواهی میدهم که تو این خطاب را می شنوی و جواب میگویی، پس صلوات خدا بر تو باد ای فرزند مبارکان و نیکان. و بنگر که من اکنون به سوی تو آمده و به ساحت تو پناه جسته ام و اینگونه امید نزدیکی به تو دارم و به جدت و پدرت؛ پس صلوات خدا بر تو باد ای پیشوای من و پسر پیشوای من. گویی که تو را در پهنه های زمین کربلا میبینم ای مولای من، که ندا در میدهی و کس پاسخت نمیگوید و کمک میجویی و کمک کننده ای نیست و کسی را به پناه میخوانی و پناهت نمیدهند و ای کاش که با تو بودم تا به فوز عظیم دست یابم. خداوندا بر روان و پیکر او درود فرست و بر او از طرف من تحیت بسیار و سلام و رحمت و برکت و خشنودی و خیر جاودان و

1- . مصباح الزائر : 130- 131

بخشودگی ات را فرو فرست، به راستی که تو شنونده دعاء و نزدیک و پاسخگو هستی. سپس بر قبر خم شو و بر آن بوسه ده و بگو: پدر و مادرم به فدایت ای پسر رسول خدا، پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد الله، به حق که غم جانکاه از دست دادنت بس دشوار و مصیبت تو بر ما و بر همه اهل آسمانها و زمین بس کمرشکن بود، پس خدا لعنت کند امتی را که زین نهادند و لگام بستند و برای جنگ با تو آماده گشتند. ای مولای من ای ابا عبد الله، راه حرمت پوییدم و به شهادتگاهت آمدم، و خدا را به شأنی که نزد وی داری و منزلتی که نزد او داری، مسألت میکنم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و مرا در دنیا و آخرت همراه شما قرار دهد. سپس در کنار سر حضرت دو رکعت نماز میخوانی و در آن هر سوره ای خواهی، بخوان و هر چه خواهی خدا را دعا کن. سپس برخیز و برو و به علی بن حسین و بر شهیدان اصحاب حسین همان گونه که در ابتدا گفتیم، سلام بده و سپس سرت را بالا بگیر و این صلوات را بر او که صلوات خدا بر او باد، فرست: خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و بر حسین مظلوم شهید، کشته اشکها و اسیر اندوهها، صلواتی فزاینده و دوچندان شونده و پر برکت فرست که آغاز آن بر آسمان فراز گردد و انجام آن پایان نگیرد، برتر از هر صلواتی که بر احدی از فرزندان پیامبران و رسولان فرستاده ای، ای خدای جهانیان. خداوندا بر پیشوای شهید، این کشته شده ستم دیده تنها رها شده و این سرور فرمانده پرستشگر پارسا و این جانشین پیامبر و خلیفه، این امام راستینمنش پاکنهاد پاک نیکآیند مبارک و پسندیدهکردار پذیرفتهرفتار و پرهیزکار رهنمای رهیافته دنیاگریخته و بر جبهه نشسته جانفشان دانا، این امام رهیافتگی و نوه پیامبر و نور چشم زهرای بتول صلوات الله علیهم، درود فرست. خداوندا، بر سرور و مولای من، همانسان که به فرمانبری از تو سر نهاد و از سرکشی در برابر تو بازداشت و برای خشنودی تو سخت کوشید و به ایمان به تو روی آورد و هیچ عذری را نه پنهان و نه پیدا (در کار خود) نپذیرفت، بندگان را به سوی تو فراخواند و راه تو را نشانشان داد و پیش روی تو بر پای خاست و ستمگری را به راستی و حق از بنیان افکند و سنت را با کتاب خدا زنده داشت و ستمکش، در (کسب) خشنودی تو زندگی به سر برد و همچنان سختی به جان خریده، در

سرسپردگی به تو و ولایتپذیری تو ره سپرد و (خویشان و یاران) از دست بداده، رهسپار کوی تو شد، هیچ شبی و هیچ روزی از امر تو روی نتافت، بلکه در راه تو با منافقان و کفّار به مجاهدت برخاست. خداوندا پس او را بهترین پاداش راستینمنشان نیکوکار نصیب گردان و عذاب ایشان و عقاب قاتلانش را دوچندان کن، چرا که او کریم و ارجمند به میدان نبرد آمد و مظلوم و ستمدیده کشته شده و مرحوم و نعمت زدوده جان باخت، حال آنکه میگفت: من پسر رسول خدا محمد و فرزند آنکه نفس خود از آلایش پاک نگاه داشت و (خدا را) پرستش نمود، هستم؛ ولی ایشان او را به عمد و از سر قصد، به خاطر ایمانش کشتند و در قتل او به امر شیطان سر نهادند و در کار او به خدای رحمان نظر نکردند. خداوندا، پس بر سرور و مولای من صلواتی نثار کن که ذکر و یاد او به واسطه آن فزونی یابد و حقیقت امر او نورافشان گردد و یاری نمودن او شتابان و زودهنگام دررسد و او را در روز قیامت به بهترین سهم از فضایل اختصاص ده و او را در اعلی علیین شرافتمندتر گردان و او را به والاترین شرافت گرامیداشتگان برسان و او را به والایی رحمتت، به اوج بلندی و شرف مقربین در بلندنای برین، فراز گردان. و او را درجه بالا و جایگاه والا و فضل و فضیلت و کرامت فراوان عطا گردان. خداوندا، او را به بهترین وجهی که پیشوایی را از جانب مردمش پاداش داده ای، (به جبران) پاداش ده و بر سرور و مولای من، هر گاه که نامی از او رفت یا نرفت، درود فرست. ای سرور و مولای من، مرا به حزب و حلقه خود وارد گردان و از خدایت و خدایم مرا هبه ای درخواست کن که تو را نزد او جایگاه و شأن و منزلتی بلند است که اگر مسألت نمایی، عطایت گرداند و اگر شفاعت نمایی، خداوند شفیعت گرداند. خدا را خدا را در حق بنده و نوکرت که مرا به گاه سختیها و دشواریها به دست کردار ناپسند و رفتار ناشایست و گنهکاری بسیارم رها مکن که تویی امید و پناه و تکیهگاه و پشتگرمی و راه تقرب من به خدایم و خدایت. توسل کنندگان به درگاه الهی به هیچ وسیله ای که نزد او حقی عظیمتر و حرمتی واجب تر و قدر و منزلتی والاتر از وجود شما اهل بیت داشته باشد، توسل نجسته اند. خداوند مرا به خاطر گناهانم از شما بازپس ندارد و باشد که مرا با شما در بهشت عدنی که آن را برای شما و

دوستدارانتان آماده داشته است، گرد آورد که او بهترین بخشندگان است و مهربانترین مهربانان است. خداوندا، سرور و مولای مرا سلام و درود فراوان رسان و از سوی او ما را سلام و درود بازرسان که او بخشنده و بزرگوار است و هر گاه نامی درود و سلام رفت یا نرفت، بر او صلوات فرست ای پروردگار جهانیان. سپس دو رکعت نماز زیارت بخوان و پس از آن دعایی که پس از نماز زیارت پیشین بیان کرده و به تفصیل ذکر کردیم، بخوان و پس از آن علی بن حسین و شهیدان را نیز همانسان که در آن زیارت گفتیم و به تدقیق بیان کردیم زیارت کن و همچنین درباره وداع و دیگر سخنان از این دست. (1)

توضیح: گفته وی: «وفدت مع زوارک» ممکن است اشاره به حرکت ارواح آنان به هنگام شب به سوی دارالسلام باشد، یا مطلقاً به هر آنجا که بخواهند؛ یا معنا این باشد که آنان ابتدا نزد تو آمدند، پس ایشان هر روز با زائران تواند؛ یا مراد از آن، ارواح پیامبران و اوصیا و اولیایی باشد که برای زیارتش میآیند؛ بنابراین اوصاف برای تقسیم است.

گفته وی: «مکدودا» یعنی خسته. میگویی «کددتُ الشیء» یعنی خستهاش کردم. گفته وی: «مکدوحا» یعنی مجروح. گفته میشود: «أصابه شیء فکدح وجهه»: یعنی خدشهدار کرد و گفته شده: «کدح» از خدشه بیشتر است و محتمل است مفعول به معنای فاعل باشد، یعنی عامل کمککننده در عبادت خدا مثل این آیه: «إنک کادح إلی ربک کدحا». در «مکدود» نیز این احتمال هست.

گفته وی: «و فی اولیائک» یعنی همراه با اولیائت؛ و در بعضی نسخهها آمده: «ولائک» و این روشنتر است. گفته وی: «و قضی الیک» یعنی مرد و رفت. فرّاء در آیه «ثم اقضوا الیّ» گوید: یعنی به سوی من بیایید و در بعضی نسخهها آمده «و مضی». گفته وی: «بالعمد المتعمد» تاکید است، یعنی بر کارشان تکیه میکنند.

جوهری گوید: «راقب الله فی امره» یعنی از خدا در باره خود ترسید. «الله الله» با نصب، یعنی خدا را یاد کن، و یا حرف جر در تقدیر است که در نتیجه احتمال جر نیز جاری است.

1- . مصباح الزائر : 131- 133

مؤلف: در برخی نسخههای قدیمی از تألیفات اصحاب ما، پس از این گفته «معکم فی الدنیا و الاخره» آمده: «ثمّ صلّی رکعتین عند الرّأس... تا پایان آنچه در متن گذشت.

35. زیارت مطلقه دیگری که سید قدس الله روحه آن را روایت کرده و گوید: روایت شده است که مردی به زیارت حسین علیه السلام آمد و شترش را در کنار سایبانها فرونشاند و به زیر آمد و لباس بادیه نشینان بر تن داشت. سپس به حال آرامش و وقار به سمت ضریح حرکت نمود تا آنکه در کنار در سراپرده ها قرار گرفت و سپس با دستش به سمت ضریح اشاره نمود و گفت: سلام بر تو ای ولی خدا و حجت او، سلام تاییدگر تو نزد خداوند، و سلام کسی که به خدا و تو میسپارد و رعایت این حق را میکند که خداوند خلقش را و حقش را به تو سپرده است؛ که تو بزرگترین برهان و عظیمترین واژه خدا و آرمانی ترین شیوه و حجت او بر اهل دنیا و جانشین او در زمین و آسمانهای برین هستی. هان که به زیارت نزد تو آمده و نعمتهای پروردگار را جویایم و گناهانم بس افزون گشته و تو از آن آگاهی، پس تو در فروریزاندن آن (از گرده ام) کفیل باش، خدا بر تو صلوات دهد و سلام بی پایان نثار نماید. سپس گونه اش را بر ضریح نهاد و گفت: گناه آلوده به نزدت آمده ام، پس نزد خداوند مرا شفیع باش و هان! که اکنون برای برکندن آن از خود آمده ام و از آن به خدا پناه میبرم و به آخرین شما و اولین شما ای آل محمد توسل میجویم که خداوند بر شما صلوات دهد و سلام بی پایان و اکرام و عطای فراوان و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد. سپس برپا ایستاد و ضریح در برابر قبله اش بود و نماز خواند و بسیار خواند که نتوانستم رکعات وی بشمرم و سپس دعا کرد و استغفار نمود و به سجده رفت و روی بر خاک نهاد و به او نزدیک شدم و شنیدم که در سجده اش میگفت: خداوندا تو را قصد نموده ام و به کوی ولی تو و فرزند ولیّ تو سر نهاده و در نشسته ام و گرفتار عقوبت تو هستم و از مجازات تو به عفو و بخششت پناه جویانم، پس بر غربتم رحم آور و دستم از لغزشها برگیر و توبه ام را بپذیر و بازگشتی نیکو عطایم نما و این بینش یافتگی ام را بی پاداش مگذار و آشکار و نهان از هر گناه کبیره و صغیره ام را ببخش. خداوندا بر تضرّع و خاکساری

ام به نزدت رحم نما و شفاعت آوردنم به آبروی او به نزدت را بپذیر و حاجتم را و وسیله خواهی ام به آبروی وی را برآورده گردان و این زیارت را موجب نجاتم از دوزخ و پلیدی این دنیا و مایه فروریختن گناهان و بار سنگین نابکاریها بدان، ای دانای به آشکار و نهان. خدایا رهسپار کوی تو بر مرکبِ خواریها درنشستم و جان به سر شده از کندی و سختی حرکتم در صبح و شام به سوی پیشوایان و اولیای خود، این کانون رهیابی را جوشن نجات خود گرفتم. پس مرا در میان این خانواده رستاخیز ده و با این گروه محشور گردان، آنگاه که از دل خاک برای ایستادن بر روی خاک و در جایگه حسابرسی و قیامت فراخوانده شوم. سپس چهره بر خاک نهاد و بس خاکساری و لابه نمود و گفت: ای شکوهمند کرامت افزا، ای چاره بر دستِ برازنده بازو، ای توانمند ترفند افزون! مرا از نا به راهی در کردار و گفتارم رهایی بخش و در روز بیتابی و هراس، ایمن گردان. سپس نشست و زیر لب چیزهایی زمزمه کرد که نفهمیدم و سپس برخاست و کنار سر حضرت علیه السلام ایستاد و گفت: سلام بر تو و بر آنان که از تو پیروی کردند و با تو در نبرد حاضر شدند و [همراه تو]به قتلگاه تو آمدند، ای کاش با شما بودم تا به فوز عظیم نائل میآمدم. به زیارت نزد تو آمدم ای ولی خدا و پسر ولی خدا و جانشین پیامبر خدا، و نه آزرده خاطر و نه چرکین دل به وداع، ره بازگشت گرفتم، پس مرا به یاد داشته باش. سپس به سمت شترش رفت و سوار شد و روانه شد و من با او سخنی نگفتم و او نیز با من حرفی نزد. (1)

توضیح: گفته وی: «حق ما استرعاک الله»، ما مصدریه است و «زعیم» یعنی ضمانت کننده. گفته میشود: «تنصل فلان من ذنبه» برائت جست و عذرخواهی کرد. «عقوه» یعنی حیاط و آنچه اطراف خانه است. «ضراعه» خضوع و فروتنی بسیار. «اجعلها» حاجتم یا زیارتم را. «و الاصار» گناهان. گفته وی: «انی امتطیت الیک المهانه» یعنی حقارت و مذلت را سوار شدم و به سوی تو آمدم که استعاره است. «مهانت» به معنای حقارت، ذلت و ضعف است و یا از «مهنه» است به معنی خدمت.

1- . مصباح الزائر : 133- 134

گفته وی: «وادرعت المثابه»، رفتن به سوی اولیای خودم را به مثابه زرهی گرفتم تا مرا از هلاکتها و هراسها نگهدارد. «لأی» یعنی تأخیر کردن و «احتباس و شده» یعنی رجوع گهگاه من با شدت و تلاش و تأخیر. «اسره الرجل» کسان زیردستش. مراد از «حافره» در اینجا زمین کنده شده است یعنی قبر، پس اسم فاعل به معنای مفعول است. آنچه در این گفته خدا مشهور است: «انا لمردودون فی الحافره» یعنی امر اول ما که زندگی است. گفته میشود: «رجع علی حافرته» یعنی همان راهی که آمده بود. «ساهره»، روی زمین است و «هینمه» یعنی صدای پنهان. گفته وی: «فاجعلنی منک ببال»،مرا در قلبت و خاطرت قرار بده و آن شخص (خواننده این زیارت) شاید خضر یا یکی از ائمه علیهم السلام بوده باشد.

36. زیارتی دیگر که سید رحمه الله آن را نقل کرده و پیش از این آن را از کامل الزیارات به سند از مفضل از جابر جعفی نقل کردیم و در اینجا اصل زیارت را به خاطر اندک تفاوتی در متن نقل میکنیم و فضل آن را بر زیارتی که قبلاً گذشت، احاله میدهیم.

جابر جعفی از امام صادق علیه السلام روایت میکند: چون به زیارت مقبره حسین علیه السلام آیی و جلوی در بایستی و این کلمات را به زبان آوری، تو را در برابر این سخنان بهره وافری از رحمت خدا نصیب گردد. گفتم: چیست آن سخنان فدایت گردم؟ فرمود: میگویی: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح نبیّ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد سرور فرستادگان خدا، سلام بر تو ای وارث امیر المومنین و برترین جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای وارث حسنِ پسندیده کردار پاکِ خشنود و خشنودی یافته، سلام بر تو ای بزرگترین راستینمنش، سلام بر تو ای وصیّ نیکوکار پرهیزکار، سلام بر تو و بر همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و در خیمه گاه تو رحل اقامت افکندند. سلام بر تو و بر فرشتگان حلقه زده بر گرد تو. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات مستحقان پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و با برگشتگان از دین مجاهدت نمودی و خدای را خالصانه پرستیدی

تا آنکه لحظه جان باختنت رسید. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سپس به سوی او پیش میروی و به هر گامی که برمیداری و میگذاری، ثوابی چون ثواب درغلتیدگان در خون خود در راه خدا خواهی داشت؛ و چون پیش رفتی و بر کنار قبر ایستادی، آن را به دست خود لمس کن و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا در آسمان و زمینش؛ و سپس به سراغ اقامه نماز برو و به هر رکعت آن که نزد وی برپا داری، ثوابی به اندازه کسی که هزار بار حج و عمره به جا آورده و هزار اسیر را آزاد کرده و گویی که در راه خدا همراه با پیامبری فروفرستاده، هزار بار در صف جنگ ایستاده باشد، خواهی داشت... و تا پایان این روایت که گذشت. و سپس سید رحمه الله گوید: هر گاه انسان به زیارت حسین علیه السلام رفت و قصد بازگشتن از نزد وی داشت، مستحب است که با سر و دستش بر قبر بیفتد و آن را ببوسد و بگوید: سلام بر تو ای مولای من، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای خالص گشته برای خدا، سلام بر تو ای کشته تشنگی، سلام بر تو ای غریب غریبان، سلام بر تو سلام وداع کنندهای که نه آزرده دل است و نه دشمن. و اگر میروم از سر ملالت نیست و اگر میمانم از بدگمانی به آنچه خداوند به بردباران وعده داده، نمیباشد و خداوند این زیارت را آخرین زیارت من از تو قرار ندهد و مرا بازگشت به شهادتگاه تو و درنشستن بر ساحتت و برپا ایستادن (به نماز) در حرمت روزی نماید، و هم از او درخواست مینمایم که مرا به (محبت) شما سعادتمند گرداند و در دنیا و آخرت با شما همراه دارد. (1)

37. در زیارت دیگری که کفعمی در البلد الامین از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، میفرماید: چون به فرات رسیدی غسل کن و پاکیزه ترین لباسی که در دسترس است بپوش و سپس برهنهپای و با حالت آرامش و وقار به سمت مقبره حرکت کن و در کنار در بایست و سی و چهار بار الله اکبر بگو و بگو: سلام بر تو ای وارث آدم سرشت خدا، سلام بر تو ای وارث نوح برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای

1- . مصباح الزائر : 134- 135

حسین بن علی، ای پسندیده کردار پاکدامن، سلام بر تو ای نیکوکار پرهیزکار، سلام بر تو ای شهید راستینمنش، سلام بر فرشتگان مقرب خدا که گرد تو حلقه زده اند. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات مستحقان پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و خدای را پرستیدی تا آنکه لحظه جان باختنت رسید. سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سپس در کنار قبر بمان و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و آسمانش. سپس بر قبر خم شو و بگو: خدایا ای پرورگار حسین، سینه حسین را آرام ده و به خونخواهی او برخیز. خداوندا از آنان که او را کشتند و در کشتن او یاری نمودند، انتقام بگیر. سپس سرت را و دستانت را به سوی آسمان فراز کن و بگو: سلام خدا و فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و بندگان درستکار و همه آفریدگان او و رحمت و برکات خداوند بر محمد و اهل بیت او و بر تو ای مولای شهید مظلوم من. خدا لعنت کند قاتل تو و بییاور رهاکننده تو را. نزد خدای عز و جل از ایشان و از کردارشان و از هر آنکه آنان را همراهی نمود و از قتل او خشنود گشت، بیزاری میجویم و شهادت میدهم که آنان کفار و مشرک بودند و خدا و رسول او از ایشان بیزار هستند.

و گوید: و سپس علی بن حسین و شهیدان و عباس را به ذکری که به خواست خدا، در زیارت عرفه بیان خواهیم کرد، زیارت کن و رکعتهای زیارت را که هشت رکعت است و پس از هر دو رکعت دعایی که در زیارت عاشورا ذکر کردیم میخوانی، به جای آور. (1)

توضیح: ظاهرا این گفته وی: سپس علی بن حسین و شهیدان و .. کلام مؤلف است.

38. زیارت دیگری از حضرت صلوات الله علیه که سید و دیگران آن را نقل کرده اند و گویی که سید مرتضی رضی الله عنه آن را تالیف نموده است. در مصباح الزائر زیارتی با واژگانی بسنده وارد کرده که برخی مصیبتهای روز طفّ را بیان میکند و حسین صلوات الله و سلامه علیه را به آن زیارت میکنند و مرتضی علم الهدی

1- . البلد الأمین : 280

رضوان الله علیه آن را در زیارتش خوانده و این زیارت را به وصفی که وی به آن اشاره میکند، درج میکنم.

گوید: چون خواستی از خانه ات بیرون شوی بگو: خداوندا روی سوی تو نهاده و بر تو توکل نموده ام و از تو یاری میخواهم و روی تو را میجویم و به قصد زیارت پسر پیامبرت روانه شدم و سر آن دارم که خشنودی تو بر کف آرم. خداوندا مرا در سفر و سکونتم و از پیش روی و پشت سر و از چپ و راست و از بالای سر و زیر پایم در حفظ خود نگاه دار و از شر هر شر رسانی، به عظمت تو پناه میجویم. مرا به همان لطفی که کتاب نازل شده بر پیامبر مرسلت را حفظ نموده، نگاه دار، ای آنکه گفتی و تو راستگوترین گویندگانی: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّکْرَ وَ إِنَّا لَهُ لَحافِظُونَ»(1) {به راستی که ماییم که این ذکر را نازل نمودیم و هم ماییم که نگاهدارنده آنیم.}

و چون به سرمنزلت رسیدی، میگویی: «رَبِّ أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصِیراً»(2) {خداوندا مرا به جایی پربرکت فرود آر که تو برترین مهمان نوازانی. پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده.} الله اکبر الله اکبر الله اکبر. خداوندا من از تو خیر این منطقه مبارک و خیر اهلش را مسألت دارم و از شر آن و شر اهلش به تو پناه میجویم. خداوندا مرا نزد مردمانت محبوب گردان و مرا از فراوانی روزی ات، سهم سرشار ده و مرا به رحمت و رضوان و منّ و نعمت بخشی و نیکورزی ات، به قیام به ادای حقت توفیق ده، ای بخشنده!

و چون گنبد را دید، میگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ سَلامٌ عَلی عِبادِهِ الَّذِینَ اصْطَفی آللَّهُ خَیْرٌ أَمَّا یُشْرِکُونَ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ»، {حمد و ثنا خدای راست و سلام بر بندگانی که برگزید، آیا خداوند برتر است یا آنچه که به

1- . حجر / 9
2- . اسراء / 80

انبازی میگیرند و سلام بر فرستادگان و حمد و ثنا خدای جهانیان راست.} و سلام بر آل یاسین، به راستی که ما نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم. و سلام بر نیکان پاکان و جانشینان پیامبر و راستگویان و برپاخاستگان به امر دین خدا و حجتهای وی که به راه خدا فراخوانند و جانفشانانی که در راه خدا چنان که شاید، جانفشانی کنند و خیرخواهان برای همه بندگان او و خلافت یافتگان در سرزمین او و رهنمایان به رهیافتگی و رهنمایی او که او ستوده والا شکوه است.

و چون به شهادتگاه نزدیک شد، میگوید: خداوندا، رهآوران ره به سوی تو آورند و مشتاقان به فضل تو چشم دوخته اند و سلامت جستگان به وجود تو برکناری (از گناه و خطا) جسته اند و توکل کنندگان بر تو توکل کرده اند و اکنون من سر به کوی تو نهاده ام و بر نوه پیامبرت وارد گشته ام، چشم دوخته به رحمت تو و خاکسار سرفرازی تو و فرمانبردار والیان امر تو و پیرو دستور ایشان و پناه جسته تو و منت تو و تمسک جسته به قبر ولی تو و چنگزده به ریسمان بندگی توام. خداوندا مرا در محبت اولیایت پایداری بخش و پای مرا از زیارت ایشان مبُر و مرا در جمع ایشان محشور گردان و به شفاعت آنان به بهشت وارد گردان. و چون به قتلگاه رسید میگوید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَ إِنَّ اللَّهَ عَلى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ(1) وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ وَ أَنَّ اللَّهَ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ (2) قُلِ اللَّهُمَّ فاطِرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ فِي ما كانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (3) وَ لا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّما يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصارُ مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُسِهِمْ لا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَ أَفْئِدَتُهُمْ هَواءٌ وَ أَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنا أَخِّرْنا إِلى أَجَلٍ قَرِيبٍ نُجِبْ

1- . حج / 39
2- . آل عمران / 169-171
3- . زمر / 46

دَعْوَتَکَ وَ نَتَّبِعِ الرُّسُلَ أَ وَ لَمْ تَکُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِنْ قَبْلُ ما لَکُمْ مِنْ زَوالٍ وَ سَکَنْتُمْ فِی مَساکِنِ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ وَ تَبَیَّنَ لَکُمْ کَیْفَ فَعَلْنا بِهِمْ وَ ضَرَبْنا لَکُمُ الْأَمْثالَ وَ قَدْ مَکَرُوا مَکْرَهُمْ وَ عِنْدَ اللَّهِ مَکْرُهُمْ وَ إِنْ کانَ مَکْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبالُ فَلا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِیزٌ ذُو انتِقام (1) وَ سَیَعْلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا أَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ (2) مِنَ الْمُؤْمِنِینَ رِجالٌ صَدَقُوا ما عاهَدُوا اللَّهَ عَلَیْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدِیلًا»(3) {به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده اند، مرده مپندار، بلکه زنده اند که نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند شادی می کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند. بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی گرداند، شادی می کنند. بگو: بار الها، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، [ای] دانای نهان و آشکار، تو خود در میان بندگانت بر سر آنچه اختلاف می کردند، داوری می کنی. و خدا را از آنچه ستمکاران می کنند غافل مپندار. جز این نیست که [کیفر] آنان را برای روزی به تأخیر می اندازد که چشمها در آن خیره می شود. شتابان سر برداشته و چشم بر هم نمی زنند و [از وحشت] دلهایشان تهی است. و مردم را از روزی که عذاب بر آنان می آید بترسان. پس آنان که ستم کرده اند می گویند: «پروردگارا، ما را تا چندی مهلت بخش تا دعوت تو را پاسخ گوییم و از فرستادگان [تو] پیروی کنیم.» [به آنان گفته می شود:] «مگر شما پیش از این سوگند نمی خوردید که شما را فنایی نیست؟ و در سراهای کسانی که بر خود ستم روا داشتند سکونت گزیدید، و برای شما آشکار گردید که با آنان چگونه معامله کردیم، و مَثَلها برای شما زدیم. و به یقین آنان نیرنگ خود را به

1- . ابراهیم / 42- 47
2- . شعراء / 227
3- . احزاب / 23

کار بردند، و [جزای] مکرشان با خداست، هر چند از مکرشان کوهها از جای کنده می شد. پس مپندار که خدا وعده خود را به پیامبرانش خلاف می کند، که خدا شکست ناپذیرِ انتقام گیرنده است. کسانی که ستم کرده اند به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت. از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند. }

با شکیبایی بر مصیبت نوه پیامبرمان و سرور و پیشوایمان نزد خدا طلب اجر میکنیم. یا ابا عبدالله، این به خون غلتیدنت، تنها و غریب از خانه و کاشانه و به دور از اهل و خویشان، بردریده جامه و به خاک درآغشته، با گلوی بریده و سینه فرو رفته، در حالی که به حریم تو دستدرازی کردند و نوزادت را گردن بریدند و خانواده ات را به اسارت گرفتند و بار و بن سفرت را چپاول کردند و به چپ و راست درغلتیدی و غصه و اندوه هایی هولناک جرعه جرعه کامت را زهرآگین کردند، بس بر ما دشوار و جانسوز است. ای سوز و حسرت دلم بر تو، در آن حال که آه و حسرت میبردی در حالی که تنت پاره پاره بر شن سوزان افتاده بود و تشنه لب، تاب خطاب کردن یا پاسخ گفتن (به خانواده ات) نداشتی. زنان و فرزندانت به فاجعه قتل تو مبتلا گشته و سرت از تن جدا گردید و با بر زمین خوردن تو، اسلام به زمین خورد و حدود و احکام الهی تعطیل گشت و روزگار سیاه در رسید و خورشید بی نور گشت و ماه تیره شد و آسمان قطره بارانی فرو نفرستاد و عرش و آسمان به لرزه آمد و زمین و بیابان (مکه) به زلزله افتاد و بلا همهگیر شد و دودستگی ها افتاد و رسول خدا به مصیبت تو گرفتار آمد و زهرای بتول خونیندل گشت و خردها بر باد رفت. پس لعنت خدا بر هر آن که بر تو ستم روا داشت و ظلم نمود و آب را بر تو بست و حقت را پایمال کرد و به تو خیانت نمود و بی یاورت گذاشت و کسان را بر تو شوراند و تو را به قتل رساند و بیعت و پیمانت را زیر پا نهاد و عهد و وعده اش با تو را وفا ننمود و دشمن تو را علیه تو یاری نمود و به کردارش، جدت را به خشم آورد. و سلام خدا و رضوان و برکات و تحیّات او بر تو

بر پاکدامنان از سلاله تو و نجیبان از عترتت. هان که خداوند ستوده و والاشکوه است. (1)

سپس به بارگاه وارد شده و بر کنار قبر میایستی و میگویی: سلام بر آدم برگزیده خدا در میان آفریدگانش، سلام بر شیث ولی خدا و انتخابگشته خدا، سلام بر ادریس برپای خاسته در راه خدا به حجت خدا، سلام بر نوح اجابت یافته شده در دعایش، سلام بر هود یاریگشته از سوی خدا به مساعدتش، سلام بر صالح که به کرامت خداوند به سوی او روی نهاد، سلام بر ابراهیم که خداوند رفاقت و دوستی اش را به او بخشید، سلام بر اسماعیل که خداوند او را به ذبحی عظیم از بهشتش فدا داد، سلام بر اسحاق که خداوند نبوت را در سلاله وی نهاد، سلام بر یعقوب که خداوند به رحمتش بینایی اش را به او بازگرداند، سلام بر یوسف که خداوند به عظمتش او را از عمق چاه نجات بخشید، سلام بر موسی که خداوند دریا را به قدرتش برای او شکافت، سلام بر هارون که خداوند وی را مخصوص نبوتش گرداند، سلام بر شعیب که خداوند او را در برابر امتش یاری نمود، سلام بر داود که خداوند پس از خطایش او را به توبه بخشید، سلام بر سلیمان که به عزت الهی، جنیان اسیر دست وی گشتند، سلام بر ایوب که خداوند او را از بیماری اش شفاء بخشید، سلام بر یونس که خداوند مضمون وعده اش به او را عملی نمود، سلام بر زکریای شکیبا بر محنت و دشواری اش، سلام بر عُزیز که خداوند او را پس از مرگش زنده نمود، سلام بر یحیی که خداوند او را با شهادتش به خود نزدیک گرداند، سلام بر عیسی که روح خداست و کلمه خدا، سلام بر محمد حبیب خدا و زلالگشته خدا، سلام بر امیر المومنین علی بن ابی طالب که به کرامت و اخوّت پیامبر مخصوص گشت، سلام بر فاطمه زهرا دختر او، سلام بر ابا محمد، حسن وصیّ و جانشین پدرش، سلام بر حسین که نفس پاکش، جانش را در طبق اخلاص فدا نمود، سلام بر آنکه خدا را در آشکار و نهان سر نهاد، سلام بر آنکه خداوند شفاء را در تربت او قرار داد، سلام بر آنکه استجابت زیر گنبد او باشد، سلام بر آنکه پیشوایان از نسل اویند، سلام بر پسر خاتم پیامبران، سلام بر پسر سرور جانشینان

1- . مصباح الزائر : 117- 118

پیامبران، سلام بر پسر فاطمه زهرا، سلام بر پسر خدیجه کبری، سلام بر زاده از پسر سدره المنتهی، سلام بر پسر بهشت امن خدا، سلام بر پسر زمزم و صفا، سلام بر آن در خاک و خون غلتیده، سلام بر آن که خیمههایش دریده شد، سلام بر پنجمین تن از آل عباء، سلام بر غریب الغرباء، سلام بر شهید الشهداء، سلام بر کشته به دست نسلهای شبههناک، سلام بر فرونشسته بر کربلا، سلام بر آنکه آسمانها بر او گریست، سلام بر آنکه تبارش پاکدامنانند، سلام بر شیرمرد دین، سلام بر محل نزول برهانها، سلام بر پیشوایان سرور و آقا، سلام بر گریبانهای به خون آغشته، سلام بر لبهای خشکیده، سلام بر جانهای از تن برکنده شده، سلام بر روانهای به قهر ربوده گشته، سلام بر پیکرهای برهنه افتاده، سلام بر تنهای تکیده، سلام بر خونهای روانگشته، سلام بر اندامهای تکهتکه شده، سلام بر سرهای (بر نیزه) فرازگشته، سلام بر زنان حجاب از سر دریده، سلام بر حجت پروردگار جهانیان، سلام بر تو و بر پدران پاکت، سلام بر تو و بر فرزندان شهیدگشته ات و سلام بر تو بر فرزندان یاریگرت، سلام بر تو و بر فرشتگان همنشین تو، سلام بر کشته ستمدیده، سلام بر برادر زهر خوراندهاش، سلام بر علی جوانمرد، سلام بر علی شیرخوار کودک، سلام بر بدنهای اندام غارت شده، سلام بر عترت غریبافتاده، سلام بر پیشوایان سرور، سلام بر فرو افتادگان در بیابانهای سوزان، سلام بر کوچیدگان از خانه و کاشانه، سلام بر بی کفن به خاک سپردگان، سلام بر سرهای جدا افتاده از پیکر، سلام بر شکیبایی که با خدا معامله کرده، سلام بر بی یاور ستمدیده ، سلام بر ساکن خاک پاک گشته، سلام بر صاحب بارگاه بلند، سلام بر آنکه خداوند جلیل پاکش گرداند، سلام بر آنکه جبرئیل به او بالید، سلام بر آنکه میکائیل در گهواره او را به ملاطفت بازی داد و خنداند، سلام بر آنکه پیمانش و پیمان اهل خیمهگاهش زیر پا نهاده شد، سلام بر آنکه حرمت اسلام با ریختن خونش پایمال شد، سلام بر آن غسل داده شده به خون زخمهایش، سلام بر آنکه جامهای تلخ نیزه ها پیاپی به کامش ریخته شد، سلام بر آنکه بر او ستم رفته و جانش (به اباحه کوردلان) به چپاول رفت، سلام بر آنکه مردمان او را ترک گفتند، سلام بر تکمانده در بیابان بیکران، سلام بر آن به خاک سپرده به دست اهل روستاها و بادیه ها، سلام بر آن بریده شاهرگ، سلام بر آن

حمایتگر یکه و تنها، سلام بر سپید موهای (به خون) خضاب شده، سلام بر گونه به خاک و گل آغشته، سلام بر پیکر غارت شده، سلام بر آنکه با نیزه ها بر سرش کوبیدند، سلام بر رگ بریده گردن، سلام بر سر فراز گشته بر نیزه، سلام بر جنازه بر جای گذاشته، سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو باد.

سپس به کنار سر حضرت برو و بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای پسر برگزیده پروردگار جهانیان، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا سرور زنان جهان، سلام بر تو ای پسر خدیجه کبری ام المومنین، سلام بر تو ای آنکه آسمانهای برین در مصیبتش گریستند، سلام بر تو ای آنکه بر غم از دست رفتنش، زمینهای زیرین گریستند، سلام بر تو ای حجت خدا بر اهل دنیا، سلام بر تو ای کشته اشکهای ریزان، سلام بر تو ای سوزاننده جگرهای داغدیده، سلام بر تو ای پسر شیرمرد دین، سلام بر تو ای بی گناهی پرهیزکاران، سلام بر تو ای علَم بلند رهجویان، سلام بر تو ای حجت کبرای خدا، سلام بر پیشوای برگرفته از لغزش و برکنار از هر عیب و خطاکاری، سلام بر پسر رسول و روشنی چشم بتول، سلام بر آنکه جبرئیل در گهواره او را ناز میکرد و میخنداند و میکائیل بازی اش میداد، سلام بر سوره تین و زیتون، سلام بر آن دو کفه ترازو که در سوره الرحمن از آن یاد شده و به نام مروارید و مرجان از آن تعبیر شده است، سلام بر امینان خداوند مهیمن منتدار، سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، سلام بر کشته شده ستمدیده، سلام بر بازداشته از آب فرات، سلام بر سرور سروران، سلام بر رهبر رهبران، سلام بر رشته مستحکم الهی، سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت خدا و پدر حجتهای خدا، گواهی میدهم که خداوند خاک را به وجود تو پاک گرداند و در کتاب خود به وجود تو روشنگری افکند و اجر مصیبت تو را بس عظیم نمود و تو و جدت و پدرت و مادرت و برادرت و فرزندانت را عبرتی برای خردمندان قرار داد. ای فرزند وجودهای مبارک و نیکآیندِ قرآنخوان، سلام خود را روانه روی تو کردم و در برآورده شدن حاجاتم پس از خدا بر تو اعتماد نمودم. کسی که به تو تمسّک جست و به تو پناه آورد، نومید نماند، خداوند بر تو درود و صلوات فرستد و دلهای

مردمانی را به شما مشتاق گرداند و سلام و رحمت خدا بر شما باد. سلام بر تو ای فرزند نیکترین نیکان، سلام بر تو ای پسر سرمنشأ همه نیکوکاران، سلام بر تو ای پسر تقسیم کننده بهشت و دوزخ، سلام بر تو ای پسر بازمانده پیامبران، سلام بر تو ای پسر صالحترین مومنان، سلام بر تو ای پسر آن پیغام بزرگ، سلام بر تو ای پسر صراط مستقیم، شهادت میدهم که تو حجت خدا در زمینش هستی و شهادت میدهم آنان که با تو به مخالفت برخاستند و آنان که که تو را کشتند و آنان که تو را بی یاور گذاشتند و آنان که حق تو را انکار کرده و از ارثت محرومت نمودند، به گفته پیامبر امّی ملعون هستند و «وَ قَدْ خابَ مَنِ افْتَری»(1) {و چنان است که هر که افتراء بندد، شکست خواهد خورد.} خداوند ستمگران اینان (نابکاران) را از نخستین گروه تا به امروزیان، لعنت فرستد و عذاب دردناکشان را که احدی از عالمیان را به آن عذاب نکند، دوچندان سازد. سپس بر ضریح خم شو و بر تربت حضرت بوسه زن و بگو: سلام بر تو ای نخست مظلومی که خونش را پایمال کردند و حرمت اسلام به قتل او تباه گشت، پس خداوند بر امتی که پایه ظلم و ستم بر شما اهل بیت را نهاد، لعنت کند. گواهی میدهم که من با هر آنکه دوستی نمودی، دوست و با هر که به جنگش رفتی، دشمنم و هر چه را باطل نمودی، باطل مینمایم و هر آنچه را که تحقق بخشیده و ثابت نمودی، محقق مینمایم، پس نزد پروردگارم و پروردگارت بر رهایی ام از بند آتش دوزخ و برآورده شدن حوایج دنیا و آخرتم شفاعت نما، صلوات و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. (2)

سپس به طرف قبر برو و روبروی قبله بایست و دستانت را بالا بگیر و بگو: خداوندا، به راستی که مغفرتطلبی ام تنها از توست، و اینکه من بر انجام آنچه که تو نهی کردهای اصرار میورزم، از کم حیایی من است. و استغفار نکردن با وجود آگاهی ام از بردباری بی پایان تو، تباه نمودن حق امیدواری به توست. خداوندا گناهانم مرا از امید بستن به تو نومید میکند و آگاهی ام از رحمت گسترده ات، به دلم ایمان میبخشد که خشیّت ورزم، پس خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و

1- . طه / 61
2- . مصباح الزائر : 120- 121

امیدی که به تو بستم را محقق گردان و هراسم از وجود پاکت را زائل گردان و برای من، بسان آن نیکترین گمانی که به تو دارم باش، ای گرامیترین گرامیان و مرا به عصمت پشتیبان گرد، و زبانم را به حکمت بگشا و مرا از کسانی قرار ده که بر کردار دیروز خود پشیمانی میورزند. خداوندا، بی نیاز آن است که به لطف تو از خلقت بی نیاز گردد، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از خلقت بی نیاز گردان ای خدای من، و مرا از کسانی قرار ده که دست کمکجویی تنها به سوی تو دراز میکنند. خداوندا، به راستی که بیچاره آن است که نومید گشت، حال آنکه در توبه پیش رویش باز است و از پشت سرش رحمت، و اگر عملم ناچیز و هیچ بوده، پس به حق که من به رحمت تو بس شدید امید بسته ام، پس ضعف عمل مرا به قوت امیدم ببخش. خداوندا فرمان دادی و سرکشی نمودیم و نهی فرمودی و سر ننهادیم و بس به یادمان آوردی و خود را به فراموشکاری زدیم و بینشها بخشیدی و خود را به کوری زدیم و هشدار دادی و دستدرازی نمودیم و این، پاسخ احسان تو به ما نبود و تو خود بهتر میدانی که آشکارا و در نهان چه کرداری داشته ایم و خود آگاه تری از رفتاری که میکنیم و کرده ایم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را به خاطر خطاکاریها و فراموشکاریمان مواخذه مفرما و حقوقی که نزد ما داری، بر ما ببخش و احسانت به ما را کامل عطا گردان و رحمتت را بر ما سرازیر گردان. هان که ما به آبروی این امام راستینمنش به تو توسل جسته ایم و از تو به آن حقی که برای او و برای جدش، فرستاده ات، و برای پدر و مادرش علی و فاطمه اهل بیت رحمت، برشمرده ای؛ مسألت دارم که رزقی که قوام زندگیمان و صلاح احوال زن و فرزندمان به آن است، بر ما فرو ریزی، که تنها تویی آن بخشنده ای که دارا، میبخشی و قدرتمندانه، بخششت را (اگر خواهی) باز میداری و ما خیری از تو طلب میکنیم که صلاح کار دنیایمان در آن باشد و کفایت ما برای آخرتمان باشد و «وَ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ»(1) {پروردگارا! در این دنیا

1- . بقره / 201

به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار . }(1)

سپس در کنار پاهای حضرت بنشین و بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الله و بر فرشتگان پرکشیده پیرامون گنبد تو و دربرگرفته تربت تو و طوافگر به گرد ساحت بارگاهت و از ره رسندگان برای زیارت تو. سلام بر تو که به سوی تو روانه شده و چشم به فوز یافتن در نزد تو دوخته ام. سلام بر تو، سلام آشنا به حرمت تو و مخلص و بی شیله در ولایتپذیری از تو و تقرب جوینده به خدا به واسطه محبت تو و بیزاریجسته از دشمنانت، سلام آن که قلبش از مصیبتت خونین است و اشکش از یاد تو ریزان است، سلام مصیبت دیده اندوهگین شیداسرِ بینوا، سلام آن که اگر در دشت طفّ با تو بود، براستی که با جانش تو را از تیغ شمشیرها پاسداری مینمود و باقیمانده روحش را در دفاع از تو به مرگها میسپرد و پیش روی تو جانفشانی مینمود و در برابر ستمگران بر تو، یاری ات مینمود و جان و تن و مال و خانوادهاش را فدای تو میکرد و روحش فدای روح تو بود و فرزندانش سپر بلای خانواده تو میگشتند. و اگر که زمانه مرا بس دور افکند و و امکان یاری تو را از من بازداشت و نتوانستم از جنگجویان پیش روی دشمنانت باشم و به کمین آن که به نیرنگبازی به دشمنی تو نشست، بنشینم، به حق که صبح و شام تو را ندبه میگویم و به جای اشکها در حسرت و تاسف بر تو و تحسّر از آنچه بر سر تو آمد و با آه و واویلا، بر تو خون میگریم تا آنکه از گدازش این مصیبت و غصّه این افسردهحالی بمیرم. شهادت میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر و از ستیزگری نمودی و خدا را سر نهادی و سرکشی نکردی و بر رشته بندگی او چنگ زدی و او را به رهبری خود گرفتی و خشیت نموده و همواره در نظر گرفتی و شرم و حیای او داشتی و سنتها را جاری نمودی و فتنه ها را فرونشاندی و به راه رهیافتگی فراخواندی و راههای پایداری را روشن نمودی و در راه خدا چنان که شاید جانفشانی نمودی و فرمانبردار خدا بودی و پیرو جدت محمد صلی الله علیه و آله و به گوش گیرنده سخن پدرت و شتابنده به پذیرش

1- . مصباح الزائر : 121

وصیت برادرت و برپادارنده ستون دین و ریشه کن کننده سرکشی و سرکوبگر سرکشان و خیرخواه امت و دلزده به دریاهای مرگ و رزمجوی گریختگان از حدود دین و برپا دارنده حجتهای خدا و نجاتبخش اسلام و رحمآورنده بر مسلمانان و یاریگر حق و شکیبا بر بلا و پاسدار دین و مبارزهگر در دفاع از حوزه دین و حمایت کننده شریعت. هدایت را سرپرستی نموده و یاری اش مینمایی و دادگری را گسترش داده و میپراکنی و دین را یاری و پشتیبانی میکنی و به بازی گیرندگان دین را بازداشته و پس میرانی و حق فرودستان را از بلندمرتبگان میستانی و در حکم میان قوی و ضعیف یکسان رفتار میکنی، تو بهار دل یتیمان و عصمت و نگاهداشت مردمان و سرفرازی اسلام و معدن احکام و هم پیمان جود و بخشش و رهرو راه جدت و پدرت بودی و در سفارشها و در رعایت عهد و پیمانها، بسان برادرت گشتی. پسندیدهخوی و سر تا به پا بخشندگی بودی، و در پرستش در دل تاریکی شب، بس کوشا بودی. بر راههای درست و استوار و بس با سابقه و دارای نسب شریف و بس بلندمرتبه و صاحب شأن و با منقبتهای بسیار و بیافریده از ریشه های بس ستوده و بسیار با موهبت و داشته های درونی، بردبار و باجربزه و دانا و رهبرده و پیشوا و شهید و بس کرنشگر و لابهگر نزد خدا و اهل انابه و بازگشت به سوی خدا، بخشنده و پاداشبخشِ نیکیها، دوست داشته شده و پر هیبت بودی و فرزند رسول خدا و پشتیبانَ قرآن و بازوی قدرت امت بودی و در طاعت الهی کوشا و رعایتگر عهد و میثاق و دوری جوینده از راه دینگریختگان، و بسان کسی که به نفس نفس انداخته شده، (از غصه هایت) آه و افسوس میکنی، بسیار رکوع و سجود میکنی و چون زهد پایکشندگان از دنیا، دنیاگریخته ای و به چشم دلزدگان از آن به آن نگاه میکنی. آرزو از آن بریده ای و همّت از آرایه های آن برداشته ای و چشم بر زیبایی و بهجت آن بربسته ای و شوقت به آخرت نزد همه شناخته شده است، چنان که چون ستم دست دراز کرد و ظلم نقاب از چهره کشید و گمراهی پیروانش را صدا زد و تو در حرم جدت ساکن بودی و از ستمگران جدایی جسته و همنشین کعبه و محراب مسجد بودی و عزلتگرفته از لذتها و محبوبان دل، تقبیح کننده امور ناپسند به دست و زبانت، تا جایی که توانی و امکان داشتی، و

سپس آگاهی ات تو را بر آن داشت که به انکار برخیزی و بر تو الزام نمود که با کافران به جهاد برخیزی، پس با فرزندان و اهل خانه و پیروان و دوستدارانت رهسپار گشتی و با حقیقت و بیّنه آشکار روشنگری نمودی و با حکمت و اندرز نیک به سوی خدا فراخواندی و به جاری نمودن حدود و سر نهادن به امر معبود امر نمودی و از خیانت و سرکشی بازداشتی و ایشان با دشمنی و ستمگری با تو روبرو گشتند و تو پس از هشدار دادن به ایشان و بیان موکد حجتها بر آنان، با ایشان به مبارزه برخاستی و ایشان بیعت و حرمت تو را زیر پا نهادند و خدایت را به خشم آوردند و جدت را آزرده خاطر کردند و تو را به جنگی بیم دادند، و تو برای نیزه زدن و شمشیر کشیدن پایمردی نمودی و نیروهای کفار را در هم شکستی و سپاهیان اشرار را تاراندی و ضربه زنان، با شمشیر ذوالفقار به دل ابر غبار رفتی و گویی که علی مختار بودی و چون تو را قویدل و دلاور و نترس دیدند، به غائله نیرنگبازیشان پناه جستند و با حیله گری و شرارت به جنگ تو آمدند و آن لعین، سپاهیانش را به سوی تو راند و آب را بر تو بستند و از ورود به آبشخور باز داشتند و به جنگ تو آمدند و شتابان بر تو حمله بردند و پیکانها بر سرت ریختند و دستهاشان را برای نبرد و برخورد به سوی تو دراز کردند و حق و حرمت تو را رعایت نکردند و در حق تو و در کشتار دوستدارانت و چپاول بار و بنِ سفرت، رعایت حال دل مردمان نکردند؛ حال آنکه تو در یورش به دل غَبارهای برخاسته از میدان نبرد، پیشگام بودی و آزار و اذیت دشمن را به جان میخریدی و فرشتگان آسمانها از شکیبایی تو به شگفت آمده بودند. و ایشان از همه سو تو را دوره نمودند و تا توانستند تو را به زخم آلودند و دیوار بین تو و آب فرات شدند و یاوری برای تو نماند و تو فداکارانه ثواب الهی را جسته و صبر پیشه نمودی و از زنان خانواده ات و از فرزندانت دفاع مینمودی و بی جان فروافتاده، تشنه لب و خونینبدن، نقش بر زمین شدی و سم اسبان تو را لگدمال میکرد و طغیانگران به شمشیرهای برنده بر سر و روی تو میزدند و از پیشانی ات خون مرگ میتراوید و دست چپ و راستت گاه باز و گاه بسته می شد و چشم درشکسته ات را به خیمهگاهت دوخته و از نگرانی فرزندان و خانوادهات، خود را فراموش کرده بودی، و اسبت رمیده گریخت و روی

سوی خیمه هایت نهاد و با صدا در گلو گرداندن، ناله میکرد و چون زنان اسبت را بس ضربه خورده و آسیب دیده یافتند و زین آن را کجشده دیدند، از خیمه ها برون دویده و موهای خود کشیدند و بر صورتهاشان سیلی زدند و چهره هاشان از حجاب به در شد و شیون کنان تو را فرا میخواندند و پس از عزتمندی، فروافتاده و خوار گشتند و بیخود از خود، به سوی محل بر زمین افتادنت دویدند، حال آنکه شمر بر سینه ات نشسته بود و چون سگی که پوزه و زبان دراز کرده، شمشیرش را بر گلوی تو فرو میکرد و موی و ریش سفیدت را در مشت گرفته بود و به شمشیر آخته اش گلویت میبرید و تو مشاعرت به خموشی افتاده و نفسهایت فرو افتاده بود و سرت بر سر نیزه گشت و خانواده ات چون بردگان اسیر گشتند و به روی زینهای خشک شتران، به غل و زنجیر کشیده شدند و حرارت داغ آفتاب نیمروزها، چهره هاشان را میگداخت و در میان بیابانهای خشک پیش رانده می شدند و دستانشان به گردنهاشان زنجیر شده بود و ایشان را (چون بردگان و بدکاران) در بازارها میچرخاندند، پس واویلا بر آن گستاخانِ از دین گریخته که به قتل تو اسلام را به قتل رساندند و نماز و روزه را بی بنیاد کردند و سنتها و احکام را نقض نمودند و پایه های ایمان را ویران کردند و آیات قرآن را تحریف کردند و تیزتک در حدگذرانی و ستیزگری بر اسبهاشان سرمستانه شتاب کردند. به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با کشته شدنت به مصیبتی انتقام ناگرفته گرفتار آمد و کتاب خدا بار دیگر مهجور افتاد و حق ترک گفته شد، آنگاه که چنین مقهور، تو را به خشم درشکستند؛ و با از دست رفتنت، الله اکبر و لا اله الا الله و حرام و حلال شمردن و تنزیل الهی و تاویل آیات از میان رفت و پس از تو، دگرگون سازی و وارونه نمایی و بی خدایی و تعطیل دین و میل و هوسها و گمراهیها و فتنهها و اباطیل رواج گرفت و خبر جان باختنت را در کنار قبر جدت رسول صلی الله علیه و آله بازگفتند و خبررسان با اشکهای ریزان خبرت را به رسول رساند و میگفت: ای رسول خدا، نوه ات و جوان شادابت کشته شد و به اهل و خانواده تحت حمایتت دستدرازی شد و سلاله ات پس از تو به اسارت رفتند و آنچه نباید، در حق عترتت و فرزندانت رفت، پس رسول خدا ردای کفن از چهره برگرفت و فرشتگان و پیامبران او را به مصیبت تو

تسلیت گفتند و مادرت فاطمه زهرا به داغ تو نشست فرشتگان مقرب خدا در رفت و آمد شدند و پدرت امیر المومنین را تعزیت و تسلیت میدادند و در اعلی علیین بر سوگ تو ماتمکده ها بر پا شد و حوریان بهشت از غمت سیلی بر چهره ها میزدند و آسمانها و اهل آن بر تو میگریستند و کوهها و خزانه های آن و ابرها و هر گوشه و کنار آن و زمین و عرصه های فرودست آن و دریاها و ماهیانش و مکه و بنیانش و بهشتها و نازجوانانش و کعبه و مقام ابراهیم و مشعر الحرام و حطیم و زمزم و منبر پیامبر و ستارگان برفروزنده و آذرخشهای تابنده و رعدهای برکوبنده و بادهای توفنده و فلکهای فرازنده همه گریان بودند، پس لعنت خدا بر آنکه تو را کشت و چپاول کرد و حقت را پایمال کرد و به غصب زورستانی کرد و پس از بیعت با تو، بی یاورت گذاشت و به جنگ تو درآمد و تو را به سویی کشاند و سپاهیان به سوی تو آراست و ستم سیرتان را به جان تو انداخت. از کرده هر دستور دهنده و مرتکب شونده و جنایتگر و خیانتگر از میان ایشان به خدای سبحان بیزاری میجویم. خداوندا مرا بر پاکدلی و سرنهادگی و چنگزنی به رشته آل عباء پایدار دار و مرا به محبت ایشان بهرمند گردان و در میان ایشان محشور کن و به شفاعت ایشان به بهشت راه بده که تو ولیّ و صاحب این امری ای مهربانترین مهربانان. (1)

و اما ذکر زیارت علی بن حسین علیه السلام : سپس به کنار پاهای حضرت برو و بر کنار قبر علی بن حسین علیه السلام بایست و بگو: سلام بر تو ای راستینمنش نیکآیند پاکسرشت و پاکدامن محبوب مقربگشته و پسر ریحانه رسول خدا صلی الله علیه و آله ، سلام بر تو ای شهید اجرجو به شکیبایی بر مصیبت و رحمت و برکات خدا بر تو، چه گرامی است مقام و جایگه تو و چه شریف است بازگشتگاه تو، به راستی که خداوند سعی و پویه تو را سپاس گفت و ثوابت را بس نیکو بخشید و تو را به اوج برین، آنجا که شرف، تمام شرف گرد آمده، در اتاقهای بالادست در بهشت بر روی اتاقهای دیگران برنشاند، همانسان که پیش از این بر تو منت نهاد و از اهل بیتی قرارت داد که خداوند پلشتی از ایشان ببُرد و ایشان را بس پاک و مطهر گرداند. به خدا که این قوم با جنایتی که بر تو و بر پدر پاکت صلوات خدا بر شما،

1- . مصباح الزائر : 121- 124

کردند، ذره ای تو را زیان نرساندند، و به جایگاه شما نسبت به خانه مقدس خللی نرساندند و شما با وجود دچار شدن به بلاهایی در راه خدا، سست نگشتید و به لذت بردن از زندگی دنیا گرایش نیافتید و از رویارو شدن با مرگها با ناخشنودی، رویگردان نشدید، چرا که جایگاه های خود در بهشت را پیش از آنکه به سوی آن روانه شوید دیده بودید، پس آن را پیش از آنکه بدان رخت بربندید، برگزیدید و شاد گشتید و شادمان شدید؛ پس گوارایتان باد ای فرزندان عبد المطلب که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به سرور پیشکسوت حمزه بن عبدالمطلب تمسک جستید و به سوی او روی آوردید، حال آنکه به استوارترین دستآویز و محکمترین دستگیره ملحق گشته اید. صلوات خدا بر تو باد ای راستینمنش شهید گرامیداشته و ای سرور پیشداشته که خوشبخت زیستی و شهادتیافته جان باختی و از دست رفته و فقید رخت بربستی و از دنیا لذتی جز عمل صالح برنچیدی و خود را جز به سودایی سودمند سرگرم نکردی، شهادت میدهم که تو از شادمانانی«بِما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ یَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِینَ لَمْ یَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ»(1) به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته اند، شادی می کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می شوند. } و این منزلت هر شهیدی است و چه سان خواهد بود منزلت حبیب دل خدا و غریب آشنای رسول خدا صلی الله علیه و آله، ای که خداوند از فضلش در هر تکواژه و تکنگاه و در هر جنبش و درنگی، فضلی دوچندان عطا کند که اهل علیین به آن غبطه خورند و شادمان گردند، ای نیکجان، ای بزرگوار پدر و ای بزرگوار پدربزرگ و ای بزرگوار پدران تا ریشه نسلت، خداوند شما را بالاتر از آن دارد که کسی گوید: خدایتان بیامرزد و غیر شما از همه آفریدگان خدا به آن نیازمند باشند.

سپس میگویی: صلوات و رضوان و رحمت خدا و برکاتش بر شما باد، پس ای سرور پاکنهاد ! مرا نزد خداوند برای فرو ریزاندن بار گناهان از گرده ام و کاستن آن از من شفاعت نما و بر خواری و خاکساری ام نزد تو و سرورم، پدرت که صلوات خدا بر شما باد، رحم آور.

1- . آل عمران / 170

سپس بر قبر خم شده و بگو: خداوند شرف شما را در آخرت، آنسان که دنیا شرافتمند نمود، دوچندان گرداند و شما را چنان که به واسطه شما نیکبخت گرداند، سعادتمند گرداند و شهادت میدهم که شما پرچمهای افراشته دین و ستارگان جهانها هستید.(1)

زیارت شهیدان رضوان الله علیهم: سپس به سمت اتاقی که کنار پاهای علی بن حسین علیه السلام است میروی و میگویی: سلام بر تو ای ابا عبد الله حسین، سلامی که در زمان پایانی نداشته و در توان بریده نگردد، سلامی که به حق تلاشگری ات مستوجب آنی و به جهادت مستحق آن. ستوده زیستی و از دست رفته، رفتی. حب شهوات تو را منحرف نگرداند و طمع به خوشیها تو را آلوده نکرد تا آنکه دنیا زشتیهایش را به تو نشان داد و عاقبت ناخوشایند و بی ارزشی سرانجام آن را دیدی و آن را در برابر جهان آخرت فروختی و خود را به سوداگری سودمندی خریدی و بس نیک سودی عاید خود کردی و ملحق به این سود نمودی «الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً ذلِکَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَ کَفی بِاللَّهِ عَلِیماً»(2) {کسانی را که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند. این تفضّل از جانب خداست، و خدا بس داناست.}

سلام بر قاسم بن حسن بن علی و رحمت و برکات خدا، سلام بر پسر حبیب خدا، سلام بر پسر ریحانه رسول خدا، سلام بر حبیبی که از دنیا کامی برنگرفت و دلش از دشمنان خدا خنک نگشت و اجل او را دررسید و آرزویش از دست برفت.

پس گوارا باد بر تو ای محبوب حبیب رسول خدا، چه نیکبخت است جدت و چه شکوهمند است فخر و شرف تو و چه نیک است بازگشتگاه تو. سلام بر تو ای عون بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، سلام بر تو ای پسر آن بزرگ شده در دامان رسول خدا و اقتداکرده به اخلاق رسول خدا و از کودکی به دفاع از حریم رسول خدا برخاسته و ای پس راننده دشمنان از خاندان رسول خدا به حال مبارزه جویی

1- . مصباح الزائر : 124- 125
2- . نساء / 69

با مرگها و مجاهدت گری با شمشیرها، پیش از آنکه پیکرت ستبر گردد و استخوانت استوار شود و به بالندگی جوانی رسی، و همچنان از آن روز که نوجوان گشتی، در بزرگمردی شأنی داشتی و از آنگاه که رشد یافتی، چنان بودی که حد نهایی خیر را می طلبیدی، تا آنکه چنان دیدی که برترین بهره از آخرت را با جان باختن در راه رسول خدا و کارزار با دشمنان خدا دریابی، پس پیش رفتی و سایه های مرگ نزدیک بودند و پیش تاختی، با قلبی مطمئن و خشنود، در حالی که سر و روی تو با تیرهای از چله در رفته رویارو میگشت و با قلب تپنده ات مستقیم به جنگ تیغه شمشیرها رفتی تا آنکه با نیکترین عمل و رهبرده ترین پویش به سوی گرامیترین بازگشتگاه، بر در کوی خدای تعالی برنشستی و آنچه از نعمت جاودانی که فزوده گردد و کاستی نیابد و خیری که نو به نو دوچندان شود و پایان نیابد، به پیشواز تو آمد، پس صلوات پیوسته خداوند که یکی پس از دیگری دررسد، بر تو باد.

سلام بر تو ای عبدالرحمن بن عقیل بن ابی طالب، ای شاخه دیگر وصی، امیر المومنین که صلوات خدا بر او باد، سلام بر تو و بر پدرت تا گاه که شب تاریک باشد و روز روشن و تا هنگام که هلالی سر زند و آخر برج، پنهان گردد. و خداوند تو را از پسر عمویت و از اسلام به بهترین پاداش نیکوکاران برتر که آشکارا به جنگ فاجران و مجاهدت با کافران رفتند، جزا دهد. و صلوات خدا بر تو ای بهترین پسر عمو، خداوند آنچه به تو عطا کرده را دوچندان گرداند تا آنکه خشنود گردی همانسان که به نهایت خشنودی او رسیدی و بیش از بهترین آرزوهایی که از وی درخواست میکردی، عطایت نماید. سلام بر تو ای جعفر بن عقیل بن ابی طالب، سلامی که شایان حق تو باشد در نسب و نزدیکی ات و قدر و اندازه تو در منزلتت و عملت در همیاری و دستگیری از پسر عمویت، با جانت و جانفشانی ات در همیاری او تا آنجا که جام مرگ او (از دستش گرفتی و) سرکشیدی و به جای او در قبر آرمیدی و ثواب آنکه بر سر جانش با خداوند بیعت نمود و از فروش جانی که با آن

با خدا بیعت نمود، شادمان گشت، بر تو واجب گشت «وَ ذلِکَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیمُ»(1) {و به راستی که این است فوز عظیم.}

پس آن نعمت جاودانی که به حق مبایعه خداوند به تو وعده داده بود، با آنچه که خداوند عز و جل به حق همخونی و همکاری بر تو واجب داشته بود، گرد آمد و به دو فوز نائل آمدی که کسی جز آنکه در نزدیکی و کرامتجویی و بذل مال و جانش در راه یاری امامش و پسر عمویش، چون تو باشد، به آن دست نیابد. پس خداوند بر محبت و کرامت تو بیفزاید تا آنکه به اعلی علیین در سایه پروردگار جهانیان در آیی.

سلام بر تو ای عبد الله بن مسلم بن عقیل که چه گرامی است مقام تو در یاری پسر عمویت و چه نیک است فوز تو در نزد پروردگارت که به راستی کردار تو را تقدیر نمود و امر تو را بزرگ داشت و سهم تو از اسلام را افزون نمود. رهسپاری به سوی پروردگار جهانیان را برتر از همنشینی کافران دیدی و برای این رهسپاری، هیچ راهی را بزرگوارانه تر از جهاد و کارزار ندیدی، پس با سرکشان از دستور دین، با روحی که به هنگام درگیری بزدلانه پس نمینشیند و دستی که هنگام چنگدراندازی بیتوان نمیافتد، به نبرد برخاستی تا آنکه دشمنان پس از آنکه شمشیر و نیزه ات را از فرزندان احزاب و طلقاء (رها کرده شدگان، وانهادگان از اسلام) سیراب نمودی، تو را کشتند، حال آنکه سلاحها تنت را پرخراش کرده و جراحت، زخم کاری ات زده بود، پس بی سازشکاری و بدون تسلیم خود، بر اندرون وجودت چیره گشتی و آنچه که آرزو داشتی را دریافتی و از آنچه میخواستی و میلش داشتی، درگذشتی و خداوند تو را به حالی که بر آن شدی، تهنیت گفت و در آنچه زیادت می طلبیدی، فزونی ات بخشید.

سلام بر تو ای عبد الله بن علی بن ابی طالب و رحمت و برکات خدا، که تو روشنی آشکار و تابش رخشنده ای. خشنودی خداوند از تو دوچندان باد و ثواب

1- . دخان / 57

آنچه از خود بذل نمودی را نیکو گرداند، که به حق با برادرت همدردی کرده و جانت را در راه خشنودی پروردگارت بخشیدی.

سلام بر تو ای عبدالرحمن بن عقیل(1) بن ابیطالب و رحمت و برکات خدا، سلامی که خانهای که تو در آن چراغ برافروختی و نوری که در آن روشن نمودی و شرافتی که در آن سرلوحه خود نمودی، آن را آرزو کند و خداوند تو را به فوزی که بر آن دست یافتی و ثوابی که ذخیره نمودی، تهنیت گفت. به راستی که همدلی تو با فدا کردن جان و بذل خونت در راه رضای خدا و پیامبر و پدر و برادرت بس بزرگ کاری بود و به حق که قرعه ات برنده بود و سودت دوچندان گشت تا آنکه شهید ره سپردی و با خدایت، خوشبخت و سعید ملاقات نمودی. صلوات خدا بر تو و بر برادر و بر برادرانت که خداوند پلشتی را از ایشان بزدود و ایشان را بس پاک و مطهر گرداند.

سلام بر تو ای ابابکر بن علی بن ابی طالب علیه السلام و رحمت و برکات خداوند. چه نیک عملکرد و چه بیآلایش پویشی داشتی و سعادتمند از شرفی که به دست آوردی و شهادتی که بدان فوز یافتی، پس برادرت و امامت را همیاری نمودی و با دل پر یقینت پیش رفتی تا با خدایت دیدار نمودی، صلوات خدا بر تو باد و خداوند آنچه را که بدان بر تو احسان نمود، دوچندان سازد.

سلام بر تو ای عثمان بن علی بن ابی طالب و رحمت و برکات خداوند، که چه باشکوه است قدر و منزلت تو و چه نیک است یاد تو و چه روشن است اثر تو و چه معروف است خیر و صلاح تو و چه والاست ستایش تو و چه عظیم است مجد و بلندمرتبگی تو.

گوارا باد بر شما ای اهل بیت رحمت و محل آمد و شد فرشتگان و کلیدهای مخزن خیر، درود و سلام خداوند هر روز و هر لحظه و در هر چشم بر هم زدنی بر شما فرو میبارد و صلوات خدا بر شما ای یاران دین خدا و یاوران اهل بیت از میان ولایت پذیرفتگان و پیروان ایشان. به حق که شما در دنیا و آخرت به فوز دست

1- . گویی درباره عبدالرحمن بن علی و نه عقیل باشد، چرا که یک بار بر عبدالرحمن بن عقیل سلام داده است. مؤلف نیز در بخش توضیح، این موضوع را یادآور شده است.

یافتید و به شرف نائل گشتید، ای سرورانم، ای اهل بیت. این دوستدار به زیارت آمده شما، که شما را به اوصافتان ستود و شما شایسته آن اوصاف هستید، و به جز زبانش، همه وجودش اجابتگر شماست، شما را نزد پروردگار شما و خود، برای زنده نمودن دلش و پیراستن کردارش و برآوردن دعایش و پذیرش آنچه بدان تقرب جسته و کمکنمودن در امر دنیا و آخرتش، به شفاعت میجوید. هان که او این را از خدا خواسته است و به نزد او به شما توسل جسته و او بس نیک درخواستپذیری است و «نِعْمَ الْمَوْلی وَ نِعْمَ النَّصِیرُ»(1) {بس نیک مولا و بس نیک یاوری است.}(2)

سپس بر شهیدان از یاران حسین که بر او و بر ایشان درود، سلام میدهی. رو به روی ایشان ایستاده و میگویی: سلام بر شما ای یاران خدا و یاران فرستاده او و یاران علی بن ابی طالب و یاران فاطمه زهرا و یاران حسن و حسین و یاران اسلام. شهادت میدهم که شما برای خدا خیرخواهی کرده و در راه او جانفشانی نمودید، پس خداوند شما را از اسلام و اهل اسلام بهترین پاداشها دهاد، به خدا که به فوزی عظیم نائل گشتید و ای کاش با شما بودم تا با شما به فوز عظیم نائل میآمدم. گواهی میدهم که شما زنده اید و نزد پروردگارتان روزی میخورید و گواهی میدهم که شمایید شهیدان و شمایید نیکبختان و شما در درجات عالی هستید. و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. سپس به محل سر حسین صلوات الله علیه بازگرد و رو به قبله بایست و دو رکعت نماز زیارت بگزار که در اولی حمد و سوره انبیاء و در دومی حمد و سوره حشر یا هر سوره دیگری که توانستی از قرآن میخوانی و چون از نماز فارغ گشتی، بگو: پاک و منزه است خدای صاحب قدرت و جبروت، پاک و منزه است خدای صاحب عزت و ملکوت، پاک و منزه است خدایی که به هر زبانی تسبیح و تنزیهش گفته شود. پاک و منزه است آن پرستیده شده در هر لحظه، خدایی که «الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّاهِرُ وَ الْباطِنُ وَ هُوَ بِکُلِّ شَیْ ءٍ عَلِیمٌ ذلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ فَتَبارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعالَمِینَ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ فَتَعالَی اللَّهُ عَمَّا یُشْرِکُونَ»(3) {اوست

1- . انفال / 40
2- . مصباح الزائر : 125- 128
3- . غافر / 64

اول و آخر و اوست آشکار و نهان و او به هر چیز آگاه است. این است خدا پروردگار شما، بلند مرتبه و بزرگ است خدا، پروردگار جهانیان. خدایی جز او نیست و خدا از آنچه که شریک وی برمی شمرند، برتر است. } خداوندا مرا بر اعتراف به وجودت پایدار گردان و مرا بر این حال محشور گردان و به گروه باور دارندگان به آن ملحق نما که هیچ شکی درباره تو به دلشان ره نیابد و تردید با وجودشان درنیامیخته، هم آنان که از پیامبرت فرمانبری کرده و یاری و پشتیبانی اش کردند و «وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِی أُنْزِلَ مَعَهُ»(1) {و او را یاری کردند و از نوری که با وی فرو فرستاده گشت، پیروی نمودند. } و پیروی ایشان نه از برای دنیای فانی و نه به خاطر دوری جستن از آخرت باقی و نه از سر حب ریاست و امارت و نه به جهت ثروتطلبی، که ایشان با جان و مال خویش تجارت نموده و آنگاه که بخلورزیدگان زیانکار شدند، بس سودها بردند و آنگاه که باطلشماران ناکام ماندند، فوز یافتند و حدود آن مودت و دوستی با ذوی القربی و نزدیکان را که تو به آن امر نمودی و آن را اجر رسول خدا صلی الله علیه و آله به خاطر تلاشی که در هدایت ما به سوی تو و ره نمودن ما به بندگی کردن در برابر تو، به خرج داد، قرار دادی، برپا داشتند و همچنان در سر نهادن به امر ایشان پایداری کردند و به سوی غیر ایشان گرایش ننمودند. خداوندا من شهادت میدهم که با ایشان و در میان ایشان و پاینده به ایشانم و از آنان رویگردان نمیشوم و به سوی غیر ایشان نمیگرایم و درباره مخالفان ایشان نمیگویم: «هؤُلاءِ أَهْدی مِنَ الَّذِینَ آمَنُوا سَبِیلاً»(2) {اینان رهیافته تر از کسانی که ایمان آورده اند، هستند. } خداوندا بر محمد و آل محمد و عترت او صلوات فرست، صلواتی که او را خشنود و بهرمند گردانده و به اوج خرسندی و خواسته هایش رساند و هم بر پسر عمویش و برادر رهیافته به هدایت او و بینشیافته به چراغ نورانی او و برپایخاسته به جای او در میان امتش و بر امامان از سلاله او، حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن

1- . اعراف / 157
2- . نساء / 51

محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجه بن الحسن. خداوندا این جایگهی است که ایستاده در آن، اگر به (خشنودی) اهل آن دست یابد، از پیروزمندان است و اگر ایشان را از دست دهد، از نابودشدگان است. خداوند در این جایگه، من چیزی را که مرا به خرسندی تو نزدیک کند نمیشناسم مگر توبه از سرکشیهایم از تو و مغفرت طلبی از گناهان و توسل به این امام راستینسخن، فرزند رسول خدا و من اکنون در جایی هستم که رحمت بر آن فرو میبارد و فرشتگان در آن به پروازند و پیامبران و جانشینانشان به آن آیند. پس اگر با وجود کرمت و با این وسیله و چاره به پیشگاه تو، اگر بیم آن دارم که عذابم نمایی، به راستی که سعی و پویشم به هدر رفته و عملم سودی نبخشیده است. پس ای وای و حسرت بر جانم اگر که مرا نیامرزی و رحمم نیاوری که تو مهربانترین مهربانانی. (1)

سپس ضریح را ببوس و بگو: سلام بر تو ای پیشوای بخشنده و ای پسر رسول خدا، به نزدت آمده ام، چون زیارت بنده ای که نزد مولایش آمده و امید فضل و کرمش را دارد؛ زیارت امیدوار به قضای حقی که خداوند آن را برای تو آشکار نمود و چگونه حق تو را ادا نمایم، با این ناتوانی و بی بهرگی ام و عظمت امر و شأن والای تو و آیا چاره دیگری دارم مگر صلوات بر تو و بر پدرت و جدت و پیروی از تو و بیزاری جستن از دشمنانت و کجرفتگان از راه تو، خدا لعنت کند هر آن که تو را در آشکار و پنهانش مخالفت نمود و هر آن که سواران و پیاده نظام خود را به سوی تو گسیل داشت و هر آن که به زور جان و مالش دشمنان تو را افزون نمود و هر آن که از آنچه تو را آزرد، خوشحال شد و هر آن که از آنچه تو را غضبناک کرد، خشنود گشت و هر آن که برای جنگ با تو شمشیر آخت و هر آن که خود را وقف ستیزه جویی با تو کرد و در هر محفلی به نکوهش تو برخاست و هر آن که در هر مجلسی، پنهان و آشکار به سرزنش تو زبان گشود. خداوندا همانسان که صلواتی پیاپی بر ایشان فرستادی، بر اینان لعنتی پیوسته فرست. خداوندا ایشان را هیچ ستونی باقی مگذار مگر در همش شکنی و هیچ اتحادی باقی مدار مگر آنکه

1- . مصباح الزائر : 128- 129

پراکنده اش گردانی. خداوندا، از سوی حق، دستی برکننده فرست که قامت ایشان را بر زمین کوبد و ساقهایشان را خرد کند و بینیشان را در هم شکند. خداوندا بر محمد و خاندان محمد و عترت پاکش که به ذکر نام ایشان پرده تاریکی بردرد و ابرها فروبارند، و بر پیروان و دوستداران و یاران ایشان صلوات فرست و مرا با ایشان و زیر پرچم آنان محشور گردان. ای امام بخشنده، به حرمت جدت که مرا نزد پروردگارت یاد کن، چنان که مرا بر دست یازندگان بر من و ستیزگران با من درباره تو و دشمنشدگان بر من به خاطر تو یاری نماید. پس نزد پروردگارت برای تمام نمودن نعمت بر من و فرو ریزاندن عافیت بر من و سوق دادن روزی به سمت من و فراوان بخشیدنش به من شفاعت جوی، تا فضل او را به جویندگانش باز رسانم و من با وجود کفاف چیزی نمی طلبم مگر آنچه بدان ثوابی حاصل نمایم که ثوابی نیست برای آن کس که در مالش با تو شریک نمیشود و مرا نیازی نیست به گنجهایی که در زمین انباشته شده و در عبادت مستحب یا واجبی خرج نمیگردد. خداوندا از تو مسألت میکنم و این خواسته ام را از نزد تو حلال و پاک میجویم و مرا بر آن یاری نما و بر آن توانمند گردان و به حاجتها مبتلا مگردان تا برای روزی، روی به سوی طرفهایی کنم که امری ناپسند دارند و بار گناهشان بر گرده ام مینشیند. خداوندا، تا آنگاه که زندگی به طاعت تو سر می شود و به پرستش تو میسپَرد، عمر مرا طولانی گردان و اگر زندگی چراگاه شیطان گشت، پس جانم را به نزد خود گیر، پیش از آنکه خشم تو بر من پیشدستی کند و غضبت بر من چیره آید. خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات فرست و بازگشت هر ساله من بلکه هر ماه و بلکه هر هفته من به این شهادتگاه را که حرمتی بس بزرگ دارد، آسان گردان که زیارت او در هر سال، در صورت پذیرش تو، برکتی فراگیر است، چه رسد که این مدت فاصله کمتر شود و توان بر آن پیاپی فراهم آید. خداوندا مرا از درنگ از زیارت وی و بهانهگیری از آن با وجود نزدیکی راه عذری نیست، مگر ترس و هراسهایی که میان من و او فاصله اندازد و اگر چنین نبود، به راستی که جانم حسرتکشان از دل بریدن از او، به خاطر تاسف بر از دست دادن برکت زیارت او، بر لب میآمد. خداوندا اتمام زیارتهایم را آسان گردان و مرا در به جای آوردن آنچه

در دل دارم و او را شایسته و مستحق آن میدانم یاری نما که تویی که به نعمتت ما را به سوی او هدایت میکنی و یاری مینمایی. خداوندا، پس هر واجب و مستحب و زیارتم را بپذیر و آن را زیارتی همیشگی و عادتی دائمی قرار ده و بند پیوستگی آن را مقطوع مگردان، ای بخشنده. (1)

و چون قصد وداع نمودی، دو رکعت نماز بخوان و بگو: سلام بر تو ای بهترین مردمان از بهترین امام و بهترین رسول، دوستدار تو از تو وداع میکند، وداع کسی نه آزرده خاطر از نزدیکی به تو و نه دل آزرده از ماندن در کنار تو و نه برگزیننده دیگری بر تو و نه رویگردان به سوی آنچه از تو برایش سودمندتر باشد، بلکه وداع نمودن آن که از فراق تو اسف خورد و مشتاق به دوباره دیدن توست. وداع آن کس که برای زیارتت روزها را می شمرد و صبح و شام به سوی تو آمدن را ترجیح میدهد و برای نزدیکی به تو و حضور برای نجوا و نیایش با تو، آه و حسرت میکشد. صلوات خدا بر تو باد تا آنگاه که شب و روز در رفت و آمدند و دوره ها یکی پس از دیگری آیند و روزگاران در پی هم گذرند. (2)

سپس به روی قبر خم شو و بگو: ای مولای من، جانم از نیایش با تو سیراب نمیگردد و دلم جز به همنشینی تو راضی نمیگردد و اگر وضعی که پشت سر دارم را عذری مینهادی، آن را رها میکردم و همسایگی تو را با آن عوض نمیکردم، و چه نیکبخت است آن که در آغاز و انتهای روز به نزد تو میآید و چه زندگی خوشی دارد آن که صبح و شام به زیارتت میآید. خداوندا، این آثار بر جای مانده را از نابودی حفظ فرما و این انس مردمان و برکات و خوشبگونی و استمرار تکریم آن به زائران پیامبران و فرشتگان و سرنهادگان به این کوی در هر روز و ساعت را پاینده دار و راه زائران آن را آباد گردان و راههای منتهی به آن را ایمن گردان. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و این را آخرین بار زیارت ایشان و درنشستن به شهادتگاه ایشان قرار مده که تویی صاحب اجابت، ای بخشنده. (3)

1- . مصباح الزائر : 129- 130
2- . مصباح الزائر : 130
3- . مصباح الزائر : 130

توضیح: «اعزز علینا» به صیغه امر، برای تعجب است، یعنی چقدر سخت است برای ما؛ مانند کلام خداوند: «أسمع بهم و أبصر». «لهفان» یعنی ای لهفان، ای مظلوم مضطری که فریادرس میخواهد و در حسرت است. «و الب علیک» یعنی به پا داشت. «المضرجات»، آغشتههای به خون. «ذابلات»، خشکشدهها از عطش. «اصطلمه» یعنی از ریشه درآورد. «شحب لونه»، از لاغری یا گرسنگی یا سفر، رنگش تغییر کرد. «اشال الشیء»، آن را بلند کرد. «فلوات»، صحراهای خالی یا آنکه آب ندارد. «نازح» یعنی دور. گفته میشود: «ناغت الام صبیها» یعنی با او ملاطفت و صحبت و بازی کرد. «نکث» شکستن پیمان است. «ذمه»، عهد و امان. «مستظام» یعنی مظلومی که حقش را گرفتهاند. «عرا»، فضایی که چیزی در آن پنهان نمیتوان شد. به اقتضای سجع، مقصور (عراء) نیامده است. «شِلو»، عضو یا حسد. موضوع ضد مرفوع است یا مراد از آن، رها شده و دفن نشده است. «رفرف الطائر» یعنی بالهایش را گشود.

جزری گوید: «طفوف» جمع طف است که ساحل دریا و کرانه بیابان و خشکی است. از همان است این حدیث مقتل حسین علی السلام «أنه یُقتل بالطف». چنین نامیده شده، چون کناره بیابان است و پهلوی فرات، و در آن روزگار فرات به آن نزدیک بوده است. «حُشاشه»، باقیمانده روح در بدن مریض یا زخمی است. «حتوف» جمع «حتف» است یعنی مرگ. «لوعه»، سوز جگر است.

فیروزآبادی گوید: «کفحه» مثل «مَنَعه»، کنار زدن پرده یا زدن با عصا یا گرفتن لگام چهارپاست، «أکفحه» نیز به همین معناست. پایان.

«ربیع الأیتام» یعنی تو برایشان مانند بهار یتیمان بودی، یعنی همه خیرات را برایشان میآورد و دوستش داشتند. «حلیف الإنعام» با کسره، از نعمت است و با فتحه، جمع آنهاست. «ضرائب» جمع ضرّیبه یعنی طبیعت. «صدع بالحق»، آن را آشکار کرد و فریاد زد. «أوعز الیه» جلو رفت و امر کرد. «طحطح» یعنی شکست و به قصد هلاکت، منهدم و ویران کرد. «قسطل» یعنی غبار، و اضافه برای تأکید است. «جأش»، آسودگی قلب وقتی هنگام ترس دچار اضطراب میشود و یا نفس انسان.

بدون همزه نیز میآید. «غوائل»، مصیبتها. «مناجزه»، رویارویی در نبرد. «هبوات» جمع هبوه یعنی گرد و غبار.

گفته وی: «للأذیات» در برخی نسخهها «للأسلات» است یعنی نیزهها یا تیرها. «باتر» شمشیر بران است. «حمحمه» صدای اسب است. «محرنا» در اکثر نسخهها با راء است، یعنی چهارپایی که چون سرعت گیرد، بایستد. بهتر «محزنا» است یعنی بر او آثار غم دیدند. در زیارت مفید «مخزیا و أبصرن سرجک ملویا» است که از خزی به معنای خواری و مذلت است. «ملوی» از «لواه» است یعنی آن را تا کرد و پیچید. در برخی نسخههای قدیمی «جوادک ملویا منکوبا و أبصرت سرجک مکبوبا» است.

گفته وی: «مولغ» از ولوغ سگ یعنی لیسیدن است به طور استعاری. در اکثر نسخهها با عین است یعنی «مولع» از «أولع» یعنی آن را تحریک میکرد، که اولی بهتر است. «تهنید» شمشیر یعنی تیز کردن آن. «هملجه» نوعی دویدن چهارپاست. «هطول» یعنی جاری. «قعاقع» پی درپی آمدن صدای رعد است. «ریح زعزع» یعنی اشیاء را تکان میدهد. «غشم» یعنی ظلم. «ثلم» یعنی شکستن و ویران کردن. «یفع الغلام و یافع» یعنی به بیست سالگی نزدیک شد.

«ترعرع الصبی» یعنی بچه تحرک و رشد و نمو یافت. «زحف» یعنی رفتن. «بوادر السهام»، اوائل یا تیزی آن. «حُسام» یعنی شمشیر تیز. «سَرار الشمس» یعنی آخر شب که هلال، نور خورشید را پنهان میکند. «منابذه»، جنگ و نبرد. «رَمس» یعنی قبر. گفته وی: «لایخیم عند البأس»، «خام یخیم» یعنی شکست خورد و ترسید. «بأس»، شدت و قدرت در جنگ. «مِراس»، شدت. «قِدحک» یعنی بهره تو که از تیرهای قمار گرفته شده است.

گفته وی: «و لأبیک و أخیک»، ظاهر این بندها این است که عبد الرحمن بن علی بن ابی طالب است نه عبدالرحمن بن عقیل بن ابی طالب چنان که در اکثر نسخهها هست و نیز ظاهرا به جای برادرانت، باید دو برادرت باشد که کاف اشاره به حسین علیهما السلام یا فرزندان برادرت دارد. «تحظیه» از «حظوه» است و به معنی مقام و منزلت. «هشم»، شکستن استخوانهاست. «جدع» یعنی بریدن بینی. گفته وی:

«برکه شامله» ظاهراً کلمهای را کاتبان جا انداختهاند. «تناوخ»، تقابل. «عصران» یعنی روز و شب که گاهی بر صبح و شام هم گفته میشود. ظاهراً این زیارت از مؤلفات سید و مفید رحمهما الله است و شاید روایتی در باب کیفیت نماز به آنها رسیده باشد زیرا اختراع اینها جایز نیست.

39. العتیق غروی: زیارت مشهدِ سرورمان ابا عبد الله حسین صلوات الله علیه و دعا نزد وی. چون از منزلت خارج شدی بگو: به نام خدا و به یاری خدا و به سوی خدا و به خواست خدا، توکل نمودم بر خدا، و روی نمودم به خدا و هیچ چاره و حیله و جنبشی نیست جز به وجود خدای بلندمرتبه بزرگ. خداوندا، روی سوی تو نموده و تو را میجویم و روی تو را خواهانم و به کوی پیامبرت و مولا و امامم در نشسته ام و تو را سزد که میهمان و زائر او را ناکام مگذاری. خداوندا مرا یاری ده و سلامت دار و کسان را از شر من دور دار و به مقصدم رسان و جان و عیال مرا و آنچه که به لطفت به من واگذاردی، نگهدار باش و من جان و دین و امانت و خانواده و فرزندان و تبار و عیال خود و هر آنچه به من واگذاردی را به تو میسپارم که تو بهترین امانتدار و نگاهدار هستی.

سپس حمد و معوذتین را بخوان و قل هو الله احد و آیه الکرسی و انتهای سوره حشر. سپس به برکت خدا و قوت و توفیق نیکوی او روانه شو و چون رسیدی، به کنار فرات آمده و غسل کن و بگو: خداوندا مرا پاکیزه دار و قلبم را پاک کن و سینه ام را فراخی بخش و محبت و ثنای خود را بر زبانم جاری ساز، که جز به تو توانی نیست و دریافته ام که قوام دینم تنها با تسلیم به امر توست و پیروی از سنت پیامبرت و شهادت بر دوستی و برادری میان پیامبران و فرستادگانت است. شهادت میدهم که ایشان پیامبران و فرستادگان تو به سوی همه آفریدگانت هستند. سپس به کنار قبر آمده و روبروی آن قرار میگیری و یازده بار الله اکبر میگویی و سپس میگویی: حمد و ثنا خدای آفریننده آفریدگان و پروردگار آفریدگان است و بازگشت به سوی اوست. خداوندا این تربتی است مبارک و نیکآیند که آن را پاک گردانده و برتری بخشیده و آن را برای فرزند پیامبرت برگزیده ای. پس خداوندا به حق پیامبرت و فرستادگانت، هر آن که از ایشان شناختم یا نشناختم، و به حق

فرشتگانت از تو مسألت دارم که مرا از برترین نشستگان به کویت که رسیدن به خدمت پیامبرت را روزی ایشان نمودی، قرار دهی و مبارک بودن آنچه را که برای آن آمدهام، همان که بدان امید بستهام یعنی فروریختن گناهانم را از تو مسألت مینمایم. خداوندا، این جایگه پناه جوینده به تو از آتش دوزخ است.

سپس هفت بار تکبیر میگویی و اندکی پیش میروی و به سمتی نگاه نمیکنی و چشم از قبر برنمی گیری، چرا که این قبر طیّب نیکآیندی است که خداوند او را به دانش خود برگزیده و او را به همان گزینشی که به آن اولیایش را پیش از او انتخاب کرده بود، برگزیده است. سپس میگویی: ایمان آوردم به خدا و کفر ورزیدم به بتهای آدمی و طاغوتها و شهادت میدهم که وعده خداوندمان حق است و دیدار او حقیقت است. «وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لا رَيْبَ فِيها»(1) {و لحظه قیامت درخواهد رسید، شکی در آن نیست.} و گواهی میدهم که خداوند «يُحْيِي وَ يُمِيتُ»، {زنده میکند و میمیراند} و میمیراند و زنده میکند و گواهی میدهم که ما را از دل قبر رستاخیز میدهد و دانای به راز درون دلهاست.

سپس نزدیک شده و هفت بار تکبیر میگویی و میگویی: حمد و ثنا خدایی راست که امرش نافذ و وعدش صادق است، «لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»(2) {کلمات او را دگرگونگری نیست و اوست که شنوای داناست.} سپس میگویی: خدا لعنت کند امتی را که تو را به قتل رساند و بر قتلت یاری نمود و ولیّ و سرپرستی جز تو برگرفت و شهادت میدهم که تو و پدرانت پیش از تو، و فرزندانت پس از تو، مولای من و اولیای من هستند و شهادت میدهم که شما برگزیدگان و انتخاب شدگان از میان آفریدگانش و سفیران او به سوی همه آفریدگان هستید. سپس بسیار سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله میگویی و میگویی: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ»، {همانا ما از خداییم و ما به سوی او بازگردانده میشویم.} خداوندا قاتلان برگزیدگان و پیامبران و فرزندان پیامبران را لعن و نفرینی بنیانکن فرست و

1- . حج / 7
2- . انعام / 115

نقمت و خشم خود را بر سر ایشان فرو افکن و ایشان را همانسان که کلمات تو را دگرگون کردند و کتابت را تحریف نمودند و حرامت را حلال شمردند و در سرزمینت فساد افکندند و بر علیه بندگانت که پلشتی از ایشان زدودی و بس پاکشان گرداندی همدست شدند، از آنجا که گمانش را نمیبرند، عذاب فرست.

سپس سه بار تکبیر بگو و نگاه از قبر بر مدار و بگو: «سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً»(1) {منزه است پروردگار ما، به راستی که وعده پروردگارمان محقق خواهد گشت.} سپس بر پیامبر و بر امیر المومنین و سلاله ایشان صلوات میفرستی و میگویی: خدوندا بر محمد، پیماندار تو و بر خاتم فرستادگانت و سرور بندگانت و امین تو در زمینت درود فرست، همان که کتابت را تلاوت نمود و با دشمنانت کارزار نمود و رسالتهای تو را ابلاغ کرد و تو را پرستید تا آنکه لحظه رحلتش دررسید. خداوندا بر امیر المومنین درود فرست، خداوندا جایگاهش را گرامی گردان و وعده اش را محقق نما. خداوندا بر فاطمه دخت پیامبرت و بر سلاله او درود فرست. خداوندا بر حسن و حسین و بر سلاله آن دو درود فرست. خداوندا بر پیشوایان ما نخستین و آخرین ایشان، درود فرست و ایشان را در زمین خلیفه خود گردان چنان که کسان پیش از ایشان را خلیفه گرداندی و ایشان را بر دینشان که آن را برای خود پسندیدی، امکان و چیرگی بخش تا تنها به پاسخ این لطف با تو معامله نمایند و تا بسیار تو را تسبیح گوییم و بسیار یاد نماییم. سپس او را صدا میزنی و میگویی: پدر و مادرم به فدای فرزندان رسول خدا، پدر و مادرم به فدای آن کس که آسمان و زمین و فرشتگان خدا به خاطر رحلت نیکش بر او گریستند. پدر و مادرم به فدای آن کس که جگرم از محبتش سوخت و پیکرم از طول مدت ناگرفته ماندن انتقامش زار و تکیده گشت. شهادت میدهم که تو از فرستادگان گرانقدر نیکوکار هستی و در این جایگاه و درنشستگاه و خوابگاهم، به این امر برای تو گواهی میدهم.

1- . اسرء / 108

سپس در حالی که دست و روی بر قبر میمالی، میگویی: خداوندا ای خدای خداوندگاران، ای فریادرس برگزیدگان، هان که به تو پناه آورده ام، پس مرا از آتش دوزخ رهایی بخش؛ و این را سه مرتبه تکرار میکنی و در کنار سر حضرت مینشینی و دعاهایی را در حق خود برمی گزینی و میگویی: به خدا و به آنچه بر شما نازل گشت، ایمان دارم و آخرین امام از شما را چنان که نخستین شما را ولایت پذیرفتم، به دوستی و ولایت خود میگیرم و به بتهای آدمی و طاغوتها و لات و عزی، این دو بتی که نعمت تو را دیگرگون نموده و با کتابت مخالفت نموده و پیامبرت را متهم کردند و از راه تو باز داشتند، کافر گشتم. خداوندا قبرهای ایشان را از آتش و دلهاشان را از آتش پر کن و ایشان را لعنتی فرست که هر پیامبر فروفرستاده و هر فرشته مقرب و هر بنده ای که قلبش را به ایمان آزموده ای، همراه با آن نفرینشان نماید. سپس به کنار قبرهای شهیدان میآیی و بر آنان سلام میدهی و میگویی: شما پیشروان مایید و ما پیروان شماییم، گواهی میدهم که شما «مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفِیقاً»(1) {با کسانی هستید که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدمانند.}

سپس میگویی: سلام بر رسول خدا، سلام بر امین خدا بر فرستادگان و مهمترین امورش، بازگشاینده هر بسته شده و خاتمه بخش گذشتگان و صاحب هیمنه بر همه این امور. سلام بر همه فرشتگان خدا و هیچ توانی نیست مگر به وجود خدا و حمد و ثنا تنها خداوند جهانیان راست. سلام بر تو ای ابا عبد الله و رحمت و برکات خدا. سلام بر زائران تو از جن و انس، و گوارا باد بر شما کرامت الهی و حمد و ثنا خدایی راست که وعده اش به شما را وفا نمود و آنچه را پسندیدید به شما نشان داد. شما پیشتازان، الگوی مایید و ما پیروان شماییم و ما به شما خواهیم پیوست و ما به سوی او بازگردندگانیم. سپس از کنار سر حضرت به قبر نزدیک شده و میگویی: ما از آن خداییم و ما به سوی او بازگردندگانیم. سلام بر تو آن روز که

1- . نساء / 69

زاده شدی ای فرزند رسول خدا و رحمت و برکات خدا. سلام بر تو آن روز که زاده شدی و آنروز که جان باختی و آن روز که زنده رستاخیز خواهی یافت. گواهی میدهم که تو زنده هستی و نزد پروردگار روزی میگیری و من با دوستدار تو دوستی میورزم و از دشمنت به نزد خدا بیزاری میجویم و شهادت میدهم، هر که پیرو تو گشت، بر حق و هدایت است و هر که با تو جنگید و حقت را انکار نمود، بر گمراهی است و از ایشان به خدا بیزاری میجویم و به این وسیله به خدا تقرب میجویم و به آن، سمت خدا را و جهان آخرت را طلب میکنم.

سپس گونه بر قبر مینهی و میگویی: خداوندا ای پروردگار حسین، سینه حسین را شفا بخش و به خونخواهی او برخیز و برای او انتقام بستان. خداوندا، هر که در قتل او همکاری نمود و به قتل او خشنود گشت، پس لعنتش فرما، ای اله حق، ای مهربانترین مهربانان و ای اله جهانیان. سپس بر سرورم سلام میرسانی و میگویی: خداوندا گناهان ما را بیامرز و اسرافمان در کارمان را و توبه ما را بپذیر و از ما درگذر که تو بر هر کاری توانایی و مهربانترین مهربانانی. خداوندا، من و پدر و مادرم را بیامرز و برادرانم و خانواده و فرزندانم را و مرا و ایشان را در دین و دنیا و آخرتمان در پوشش خود قرار ده و محمد و خاندانش را در گناهانمان، به شفاعت ما برخیزان. سلام بر سرورم رسول خدا در جهانها و هیچ چاره و جنبشی نیست جز به خدای بلند مرتبه بزرگ، و صلوات خدا بر سرورمان محمد نبی و بر آل او باد و سلام بی پایانش و «حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ»(1) {و خدا ما را بسنده است و بس نیک وکیل است.}

وداع: و چون قصد وداع وی نمودی پس بگو: حمد و ثنا خدای یگانه بلند مرتبه راست و سلام بر امام درستکار پاکدامن. شهادتی از خود به نزدت مینهم که مرا در روز شفاعتت به تو نزدیک گرداند، بلکه به امید زندگی یافتنت، دلهای شیعیان تو زنده شد و رهجویان به پرتوهای نور تو به سوی تو راه یافتند. ای سرورم، گواهی میدهم که تو نور خدایی که خاموش نگشت و هرگز خامشی نیابد و شهادت

1- . آل عمران / 173

میدهم که این تربت، تربت تو و این حرم، حرم تو و این قتلگاه، قتلگاه توست ای مولای من، به خدا سوگند، کسی را که تو عزت و سرافرازی دهی، ذلیل نیست و به خدا سوگند، یاور تو مغلوب نیست. این شهادت من نزد توست تا زمان قبض روح من در حضور تو. سلام بر تو ای اشک هر زن و مرد مومن و رحمت خدا و برکات او و سلام بر یارانت از اهل بیتت و اهل شهادت تو و بر فرشتگان حلقه زده بر گرد تو و بر زائران آگاه به حق تو و بر شیعیان بینشیافته به حق تو، سلامی از سوی من و از گوشت و خون من و از سوی والدین و خانواده و فرزندان و برادران و خواهرانم و هر کس که پیامی به همراه من به تو فرستاد و رحمت و برکات خدا، که او ستوده و والا شکوه است. تو را به خدا میسپارم و به تو سلام میرسانم، به خدا و رسول و به پیامی که تو آوردی و به آن ره نمودی، ایمان آوردیم و از رسول خدا پیروی کردیم، پس ما را از حاضران بنویس. خداوندا، این را آخرین زیارت ما از پسر رسولت قرار مده و همواره تا زنده ام، زیارتش را نصیبم گردان. خداوندا از تو درخواست داریم که ما را به محبت وی بهرمند گردانی. خداوندا او را در جایگاهی ستایششده قرار ده که به واسطه او دینت را یاری نمایی و دشمنت را نابود گردانی و هر آن که را علیه خاندان محمد صلی الله علیه و آله جنگ و خصومتی به پا نموده، از میان برداری، که تو خود این را وعده دادی و تو خلف وعده نمیکنی. سلام بر تو و رحمت و برکات خداوند. شهادت میدهم که شما در راه خدا مجاهدت نمودید و بر سیره رسول خدا که صلوات خدا بر او و بر همه شما باد، شهید شدید و شما «السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ»، {پیشیجستگان نخستین} هستید و مهاجران و انصار هستید و شهادت میدهم که شما یاران فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله هستید و حمد و ثنا خدایی راست که وعده اش را برای شما محقق گرداند و وعده زندگی به روح شما را وفا نمود و صلوات خدا بر محمد سرور اولینها و آخرینها و بر همه اهل خاندان نیکنهاد پاکش و سلام بی پایان خدا. خداوندا بیامرز و رحم نما و از آنچه که میدانی درگذر که تویی سرفرازترین و گرامیترین؛ و خداوند ما را بسنده است و بس نیک وکیلی است و هیچ چاره و جنبشی نیست جز به وجود خدای بلند مرتبه بزرگ.

40. مولف المزار الکبیر زیارت دیگری از حضرت صلوات الله علیه آورده که مختصر است و میتوان در هر روز و هر ماه به آن زیارت نمود و نزد ستون الغَرِیّ(1) نیز زیارت می شود و در آثار آمده است: سر حسین علیه السلام در آنجاست و امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام وی را در آنجا به این زیارت، زیارت نمود و در کنار او چهار رکعت نماز گزارد. پس از غسل نمودن و پوشیدن پاکترین لباسهایت، به شهادتگاه حضرت صلوات الله علیه میآیی و چون بر کنار قبر ایستادی و روبروی او قرار گرفتی و قبله را در برابر شانه هایت نهادی، بگو: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، سلام بر تو ای پسر صدیقه طاهره، سرور زنان جهان، سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبد الله و رحمت و برکات خدا. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و کتاب خدا را چنان که شاید تلاوت نمودی و در راه خدا چنان که باید جانفشانی نمودی و در سایه رحمت خدا، اجرجویانه بر هر آزاری شکیبایی نمودی، و خدای را خالصانه پرستیدی تا آنکه لحظه جان باختنت رسید. شهادت میدهم، آنان که به مخالفت تو برخاستند و به جنگ تو آمدند و آنان که تو را تنها گذاشتند و آنان که تو را به قتل رساندند، به گفته رسول امّی ملعون هستند. «وَ قَدْ خابَ مَنِ افْتَری»(2) {و به حق که هر که افترا بندد، شکست خورد. خداوند ستمگران به شما از اولین و آخرین ایشان را لعنت فرستد و عذاب دردناک را بر ایشان دوچندان کند. ای مولای من ای پسر رسول خدا، آگاه به حق تو و دوستدار دوستدارانت و دشمن دشمنانت و بینش یافته به هدایتی که تو بر آن بودی و آگاه به گمراهی مخالفانت، به زیارت، به نزد تو آمده ام، پس مرا نزد پروردگارت شفاعت جوی. سپس بر قبر خم شو و صورتت را بر آن بنه و به کنار سر حضرت برو و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا در آسمان و زمینش، صلوات خدا بر روح نیکنهاد و پیکر پاک تو باد. بر تو سلام ای مولای من و رحمت و برکات خدا. سپس به کنار پاهای حضرت برو و

1- .در مسجد حنانه که به هنگام بردن سرحضرت به سوی زیاد لعنه الله علیه، آن را در این مکان نهادند.
2- . طه / 61

علی بن حسین علیه السلام را زیارت کن و بگو: سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من و رحمت و برکات خدا. خدا لعنت کند آن که به تو ستم روا داشت و خدا لعنت کند آنکه تو را کشت و خدا عذاب دردناک را بر ایشان دوچندان گرداند. سپس به هر آنچه خواستی دعا کن و با بازگشتن از کنار پاها به سمت قبله، شهیدان را زیارت کن و بگو: سلام بر شما ای راستینمنشان. سلام بر شما ای شهیدان شکیبا. شهادت میدهم که شما در راه خدا جانفشانی کردید و در راه حفظ دین خدا، بر هر آزاری صبر پیشه کردید و برای خدا و رسول خدا و فرزند رسولش ره خیرخواهی پوییدید، تا آنکه لحظه جان باختنتان رسید. شهادت میدهم که شما زنده اید و نزد پروردگارتان روزی میگیرید. خداوند شما را از اسلام و اهل اسلام بهترین جزای نیکوکاران را به پاداش دهد و ما و شما را در کانون نعمتفزایش گرد آورد. سپس به سمت قبر عباس بن امیر المومنین علیه السلام برو و چون به نزدش رسیدی، بر کنار قبرش بایست و بگو: سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، سلام بر تو ای بنده نیکوکار فرمانبر از خدا و رسول خدا. شهادت میدهم که تو جانفشانی کردی و خیرخواهی نمودی و شکیبایی کردی تا آنکه لحظه جان باختنت فرارسید. خداوند ستم روا کردگان به شما از اولینها و آخرینهاشان را لعنت فرستد و ایشان را به درک دوزخ درافکند. سپس هر قدر خواستی در مسجد او نماز مستحب بخوان و برو. و چون خواستی با سرورمان ابا عبد الله علیه السلام وداع کنی، پس به هنگام بازگشتن از شهادتگاه او، بر کنار قبرش همان گونه که در آغاز ایستادی، بایست و بگو: سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبد الله، اکنون لحظه بازگشت من است، نه روی گردان از تو و نه برگزیننده دیگری به جای تو. تو را به خدا میسپارم و به تو سلام میرسانم. به خدا و رسول خدا و آن پیامی که آوردی و به آن ره نمودی، ایمان آوردیم. خداوندا نام ما را همراه با شاهدان بنویس. خداوندا این زیارات را آخرین مرتبه زیارت او قرار نده و بازگشت به نزد او را همواره تا آنگاه که زنده ام، نصیبم گردان و چون جانم گرفتی، مرا با او محشور گردان و مرا با او در بهشت نعمت گرد آور. (1)

1- . المزار الکبیر : 172- 173

توضیح: شاید در اصل این بوده که رأس الحسین علیه السلام در آنجا نهاده شده است. بارها گفته شد که «قائم غریّ» مسجد حنّانه است و همان موضعی است که سر آن حضرت را هنگام رفتن به سوی ابن زیاد لعنه الله علیه، در آنجا نهادند.

41. سپس زیارت دیگری را برای حضرت صلوات الله علیه از قول صفوان شتربان روایت میکند که گفت: مولایم جعفر بن محمد، امام صادق علیه السلام مرا فرمود: چون خواستی به زیارت حسین بن علی که صلوات خدا بر او باد بروی، سه روز پیش از حرکت روزه بگیر و در روز چهارم غسل کن و اهل خانه و فرزندانت را گرد آورد و پیش از روانه شدن بگو: خداوندا، من امروز خود و خانواده و مال و فرزندانم و هر آنچه متعلق به من است، حاضر و غایب آن را به تو میسپارم. خداوندا ما را از فوز یافتگان قرار ده و به حفاظت ایمان، در امان دار و نگاهدارمان باش. خداوندا ما را در جوار خود و در پناه و نگاهداشت خود قرار ده و نعمتی که به ما عطا کرده ای را از ما دگرگون مفرما و از فضلت بر ما بیشتر ارزانی دار که ما مشتاقان روی توییم. خداوندا از دشواری سفر و از اندوه بازگشتگاه و از دیدن منظر ناخوشایند در جان و مال و خانواده و فرزندانم به تو پناه میبرم. خداوندا شیرینی ایمان و خنکای بخشودگی را به ما بچشان و و ما را از عذابت در امان دار و از نزد خود ما را رحمتی فروفرست که جز تو توانی بر این امر ندارد. (1)

و چون به کنار فرات آمدی، صد بار الله اکبر بگو و صد بار لا اله الا الله بگو و صد بار بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات بفرست و پس از آن بگو: خداوندا، تو برترین کسی هستی که مردمان سر به کوی وی نهند و تو ای سرورم، بهترین مقصود هستی و چنانی که برای هر زائری اکرامی قرار دادهای و هر فرود آمده بر درت را، هدیه و پیشکشی فراهم کردهای؛ پس از تو مسألت دارم که هدیه ات به من آن باشد که مرا از آتش رهایی بخشی، و سعی و پویشم را مشکور قرار دهی و بر این ره سپردنم به سوی تو بی هیچ منتی، رحم آور، بلکه لطف و منّت همه تو راست که راه زیارت او را برای من گشودی و فضل و درجه او را به من فهماندی. پس مرا شب و روز در حفظ خود نگاه دار تا به این مکانم رسانی، و به راستی که چشم امید

1- . المزار الكبير : 141- 142

به تو دوخته ام، پس امیدم را قطع مکن و دل به تو بسته ام، پس خواهش دلم را ناکام مگذار و و این زیارت را کفاره گناهانم قرار ده ای پروردگار جهانیان.

و چون قصد غسل مستحب نمودی، بگو: به نام خدا و به یاری خدا و هیچ چاره و جنبشی نیست مگر به وجود خدا و بر آیین رسول خدا صلی الله علیه و آله و همه امامان راستین. خداوندا قلبم را به آن مطهر گردان و سینه ام را به آن گشادگی بخش و چشمانم را به آن منوّر گردان. خداوندا، آن را نور و پاکیزگی و خیر و شفای از هر بیماری و ناخوشی قرار ده و از شر هر آنچه از آن بیم دارم و گریزانم، برکنار دار. خداوندا آن را در روز نیازمندی و تهیدستی و بی چیزی ام شاهدی نزد خود قرار ده، ای خدای جهانیان، که تو بر هر کار توانایی.

و چون از غسل فارغ گشتی، دو یا یک جامه پاک بپوش و دو رکعت نماز مستحب بیرون از ورودی نهر به جای آور، و این مکانی است که خدای عز و جل درباره آن فرموده است: «وَ فِی الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِیلٌ صِنْوانٌ وَ غَیْرُ صِنْوانٍ یُسْقَی بِماءٍ واحِدٍ وَ نُفَضِّلُ بَعْضَها عَلی بَعْضٍ فِی الْأُکُلِ»، {و در زمین قطعاتی است کنار هم، و باغهایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه، که با یک آب سیراب می گردند، و [با این همه] برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه و نوع و کیفیت] بر برخی دیگر برتری می دهیم.} و در رکعت اول آن فاتحه الکتاب و قل هو الله احد و در رکعت دوم فاتحه الکتاب و قل یا ایها الکافرون را بخوان و چون سلام دادی، تا آنجا که توانی الله اکبر بگو و بگو: حمد و ثنا خدای یکتای یگانگیجسته در همه امور است، آن بخشاینده افزونمهر «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِ»(1) {حمد و ثنا خدایی راست که ما را به این امر ره نمود و اگر او ما را ره نمینمود، ما به آن ره نمیبردیم، به راستی که فرستادگان پروردگارمان برای ما حق آوردند.} خداوندا حمد و ثنا تو راست، حمدی فراوان و همیشگی و جاودان و بی پایان و نیستناشدنی، حمد و ثنایی که به واسطه آن از ما

1- . اعراف / 43

خرسند گردی، حمدی که آغاز آن پیاپی باشد و آخر آن بی انتها، حمدی که فزون گردد و نابودی نیابد و صلوات خدا بر محمد و آل محمد و درود بی پایان او. و چون به سوی حرم روانه گشتی بگو: خداوندا، ره به سوی تو آورده و در خانه تو را زده ام و بر ساحت تو درنشسته و به ریسمان تو چنگ زده و به رحمت تو چشم دوخته ام و به ولیّ تو حسین علیه السلام توسل جسته ام. خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات فرست و زیارتم را پذیرفته و دعایم را مقبول دار.

و چون به کنار دروازه آمدی، بیرون از بارگاه بایست و با چشمانت به قبر اشاره کن و بگو: ای مولای من، ای ابا عبد الله، ای پسر رسول خدا، نوکر تو و پسر نوکر تو و پسر کنیز تو، این خاکسار پیش روی تو و فرو افتاده در برابر والایی شأن تو و این اقرار کرده به حق تو، پناه جو به نگاهداشت تو و رهسپار حرم تو و روی نهاده به مقام تو و توسل جسته به درگاه خدای تبارک و تعالی به آبروی تو، (به نزد تو آمده)، آیا رخصت ورود میدهی ای مولای من، ای حجت خدا؟ آیا اجازه ورود میفرمایی ای امیر المومنین؟ آیا وارد شوم ای ولی خدا؟ آیا وارد شوم ای دروازه (شهر علمِ) خدا؟ آیا وارد شوم ای فرشتگان خدا؟ آیا وارد شوم ای فرشتگان حلقه زَده بر گرد این حرم و درنشسته بر این شهادتگاه؟

سپس پای راستت را وارد بارگاه کن و پای چپ را بیرون نگاه دار و بگو: خداوند بس بزرگ و بلند مرتبه است و خداوند پاک و منزه است در سپیده دم صبح و در هنگامه سرخی پیش از غروب و حمد و ثنا از آن خدای یگانه یکتای بی نیاز بی همتای تفضل گر و غنیبخش سترگی است که به دارندگی خود بر من منت نهاد و زیارت مولایم را آسان گرداند و مرا از رسیدن باز نداشت و از دریافت دینش پس نزد، بلکه زیارت مولایم و دینش را بر من ارزانی نمود و عطا کرد، پس او راست حمد و ثناء. سپس به درون حرم داخل شو و فروتنانه در کنار او بایست و بگو: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح نبیّ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی حجت خدا، سلام بر تو ای وارث حسن فراخواننده به خدا، سلام بر

تو ای وارث نبیّ خدا، سلام بر تو ای شهید راستین، سلام بر تو ای وصیّ ِ نیکوکار، سلام بر تو ای آنکه خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد، و ای کشته تبارکشتهای که خونخواهی کشتگانت بر کفت مانده است. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و خدای را خالصانه پرستیدی تا آنکه لحظه جان باختنت دررسید.

سپس وارد شو و کنار قبر برو و با دلی فروتن به کنار سر حضرت بایست و بگو: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای خزانه دار مشهور کتاب خدا، سلام بر تو ای پایه اسلام و یاریگر دین خدا، سلام بر تو ای نظم و نظام مسلمانان، ای مولای من، شهادت میدهم که تو نوری بودی در تیره های فرازمند و زهدانهای بیآلایش که جاهلیت با پلشتیهایش تو را نیالود و شهادت میدهم که تو از ستونهای دین و پایههای استوار مسلمانان و دژ استوار مومنان هستی و گواهی میدهم که تو امام نیکوکار پاکِ پسندیدهکردار وارسته رهنمای رهیافته هستی و گواهی میدهم که امامان از نسل تو واژه پرهیزکاری و پرچمهای رهیافتگی و دست آویزهای بس استوار و برهان بر اهل دنیا از میان اولیای تو هستند.

سپس بر قبر خم شو و بگو: به راستی که ما از آن خداییم و به سوی او بازگردندگانیم. ای مولایم، من دوستدار دوستدار شما و دشمن دشمنتان هستم و من به واسطه شما به شریعتهای دینم و سرانجام عملم یقین دارم و دلم با دل شما دوستی ورزیده و کارم همه پیروی از شماست. ای مولای من، به آشکار و پنهان شما و به ظاهر و باطن و اول و آخر شما ایمان آوردم. ای مولای من، ترسان و لرزان به سوی حرمت آمدم، پس مرا ایمنی بخش و پناهجوی به نزدت آمدم، پس مرا در سایه پناه خود قرار ده. ای سرور من، تو ولیّ امر و مولای من و حجت خدا بر همه بندگان هستی. به سرّ و آشکار شما و به ظاهر و باطن شما ایمان آوردم. ای مولای من، تو سفیر میان ما و خدا هستی و به حکمت و اندرز نیک فراخواننده به سوی خدایی، خدا لعنت کند امتی که خبر تو را شنید و به آن خشنود گشت.

سپس کنار سر حضرت دو رکعت مستحب زیارت را بخوان و چون سلام دادی، پس از آن بگو: خدایا من فقط برای تو نماز گزاردم و رکوع نمودم و سجده کردم و یگانه ای و شریکی نداری. خداوندا بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست و سلام بسیار و بهترین تحیت و درودها را از من به ایشان رسان و سلام ایشان را بسیار به من برسان.

سپس میگویی: خداوندا، این دو رکعت هدیه از طرف من و در تکریم سرور و مولایم ابا عبد الله حسین بن علی امیر المومنین که صلوات تو بر آن دو باد، است. خداوندا بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست و از من قبول کن و اجرم ده و بهترین امید و چشمداشتم در تو و در ولیّ تو امیر المومنین را به من ارزانی دار. (1)

سپس بار دیگر بر قبر خم شو و بگو: ای مولای من، شهادت میدهم که خدای عز و جل، وعده اش به تو را محقق و قاتل تو را که تا روز قیامت بر او لعنت باد، شکنجه ای سخت خواهد کرد. سپس به کنار قبر علی بن حسین علیه السلام میآیی و بر آن بوسه میدهی و میگویی: سلام بر تو ای ولی خدا و فرزند ولی خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا و فرزند حبیب خدا، سلام بر تو ای رفیق و دوست خدا و فرزند رفیق خدا، خوشبخت زیستی و از دست رفته، جان باختی و ستمدیده کشته شدی، ای شهید فرزند شهید، تو را از سوی خدا درود. سپس دو رکعت میخوانی و پس از آن بسیار بر محمد و خاندانش صلوات میفرستی و حاجتت را می طلبی.

سپس به کنار قبر عباس بن علی علیه السلام میآیی و میگویی: سلام بر تو ای ولیّ نیکوکار خیرخواه راستینمنش، شهادت میدهم که تو به خدا ایمان آوردی و و پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله را یاری نمودی و به راه خدا فراخواندی و با بذل جانت همدردی نمودی و روح نابت را در طبق اخلاص نهادی، پس، از خداوند تو را سلامی بی کاستی. سپس بر قبر میافتی و بر آن بوسه میدهی و میگویی: پدر و مادرم به فدای تو ای یاور دین خدا. سلام بر تو ای امیر المومنین، سلام بر تو ای یاریگر راستین حسین، سلام بر تو ای شهید فرزند شهید، هماره از من تو را تا آنگاه که زنده ام سلام. و صلوات خدا بر محمد و خاندان محمد و سلام بی پایان. و از نزد

1- . المزار الكبير : 143- 144

او برون آمده و به قبر حسین علیه السلام باز میگردی و تا هر گاه خواهی، نزد وی مقیم میگردی و نمیپسندم که آنجا را محل بیتوته ات نمایی و چون قصد وداع نمودی، گریان در کنار سر حضرت بایست و بگو: ای مولای من، سلام بر تو سلام وداع کنندهای، نه آزرده دل و نه پریشان خاطر. و اگر میروم از سر ملالت نیست و اگر میمانم از بدگمانی به آنچه خداوند به بردباران وعده داده، نمیباشد. و خداوند این زیارت را آخرین بار در زیارت تو قرار ندهد و باشد که از من بپذیرد و مرا بازگشت به شهادتگاه تو و اقامت در حرمت و بودن در شهادتگاهت روزی نماید. چنین باد ای پروردگار جهانیان. سپس بر آن بوسه میدهی و سر و دست و صورتت را بر قبر میکشی که این قبر امان است و پناه است از هر آنچه که از آن بیم داری و گریزان باشی، به اذن الهی. و عقب عقب میروی و میگویی: سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای دروازه جایگاه و مقام برین، سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر شما ای فرشتگان مقیم گشته پروردگارم در این حرم، سلام بر تو ای مولای من و بر فرشتگان حلقه زده پیرامون تو، سلام بر تو و بر همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند، از من تو را هماره تا آنگاه که باقی مانم و شب و روز باقی باشد، سلام. و میگویی: همانا ما از خداییم و ما به سوی خدا بازگردندگانیم و هیچ چاره و جنبشی نیست جز به وجود خدای بلندمرتبه بزرگ و صلوات خدا بر سرورمان محمد نبی و بر آل او باد و سلام بی پایان و درود بی کرانش.(1)

42. در نسخه ای قدیمی از مؤلفات اصحاب شیعه، زیارتی دیگر برای حضرت صلوات الله علیه یافتم که گوید: چون به در بارگاه رسیدی، اذن و اجازه بخواه و بگو: خداوند بس بزرگ است و حمد و ثناء بسیار از آن خداست و خداوند منزه است، هر سپیده دمان و شامگاهان. «و الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِ»، {حمد و ثنا خدایی راست که ما را به این امر ره نمود و اگر او ما را ره نمینمود، ما به آن ره نمیبردیم. به راستی که فرستادگان پروردگارمان برای ما حق آوردند. سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای نبی خدا، سلام بر تو ای خاتم پیامبران، سلام بر تو ای سرور

1- . المزار الکبیر : 144

فرستادگان خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا، سلام بر تو ای سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای امیرالمومنین، سلام بر تو ای فرمانده تابان دست و رویان، سلام بر تو ای فاطمه سرور بانوان جهان، سلام بر مولایمان ابا محمد، حسن پسندیدهکردار فرزند علی امیر المومنین، سلام بر تو ای ابا عبد الله و بر امامان از نسل تو، سلام بر تو ای وصیّ وصیّ امیر المومنین، سلام بر تو ای راستینمنش شهید، سلام بر شما ای فرشتگان حلقه زده بر گرد قبر حسین، سلام بر شما ای فرشتگان مقیم گشته خدا به این شهادتگاه، هماره از من شما را تا آنگاه که زنده ام و شب و روز بر جاست، سلام. سلام بر تو ای پسر رسول خدا، نوکر تو و کنیز زاده ات که به بردگی ات اعتراف دارد و دست از هر مخالفتی با شما شسته و دوستدار دوست شما و دشمن دشمن شماست، قصد حرم تو نموده و به شهادتگاه تو پناه آورده است و با ره سپردن به سوی تو، به خداوند و به تو تقرب جسته است. آیا اذن ورود میفرمایی ای رسول خدا؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای نبی خدا؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای امیر المومنین؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای سرور اوصیاء؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای فاطمه سرور زنان عالم؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای مولای من ای ابا محمد، حسن مجتبی؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای مولای من ای ابا عبد الله؟ آیا اذن ورود میفرمایی ای مولای من ای پسر رسول خدا؟ حمد و ثنا خدای یگانه بیهمتای یکتای بی نیاز راست که مرا به ولایت تو ره نمود و مرا برای زیارت تو برگزید و راه ره سپردن به سوی تو را آسان نمود. سلام بر رسول خدا، امین خدا بر وحی او و مهمترین امورش، همان خاتم بر پیشینیان و آغازگر آیندگان و صاحب هیمنه بر تمام این امور، و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر امیر المومنین بنده ات و برادر رسولت که او را به دانش خود گزینش نمودی، و او را هدایتگر رهیافته هر کس از آفریدگانت که خواستی، و رهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتت برانگیختی، و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد. خداوندا بر فاطمه نیکآیند پاکنهاد پاکسرشته که او را برگزیدی و پاکش داشتی و بر زنان جهان برتری بخشیدی و پیشوایان رهیافتگی را که حق را بر پا دارند و به آن دادگری نمایند، در سلاله وی

نهادی، صلوات فرست، صلوات خدا بر او و بر پدرش و شوهرش و فرزندانش و درود بر او و رحمت و برکات خداوند.

خداوندا بر حسن بن علی بنده ات و فرزند رسولت و پسر جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر حسین بن علی بنده ات و فرزند رسولت و پسر جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر علی بن حسین بنده ات و فرزند رسولت و فرزند جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر محمد بن علی بنده ات و فرزند رسولت و فرزند جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر جعفر بن محمد بنده ات و فرزند رسولت و فرزند جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب

ص: 298

هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر موسی بن جعفر بنده ات و فرزند رسولت و فرزند جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر علی بن موسی بنده ات و فرزند رسولت و فرزند جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر محمد بن علی بنده ات و فرزند رسولت و فرزند جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر علی بن محمد بنده ات و فرزند رسولت و فرزند جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر حسن بن علی بنده ات و فرزند رسولت و فرزند جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین

به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

خداوندا بر قائم بر حق، حجه بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بنده ات و فرزند رسولت و فرزند جانشین رسولت که او را به دانش خود برگزیدی و او را هدایتگر رهیافته هر آن کس از خلقت که خواستی و راهنما به سوی پیامبرانی که به رسالتهایت برانگیختی و برقرار کننده دین به واسطه عدالتت و حد غایی قضاوتگری ات در میان مردم و صاحب هیمنه بر تمام این امور قرار دادی، صلوات فرست و سلام و رحمت و برکات خداوند بر او باد. سلام بر تو ای بقیّه باقیه خداوند بر زمینش و حجت او بر خلقش و ای امر خدا به عهده ات سپرده و امین دانسته بر راز خدا، سلام بر مهدی که خداوند همه امتها را وعده نمود که به وجود او وحدت افکند و چنددستگیها را به یگانگی آورد و زمین را همانسان که از جور و ستم پر گشته، از عدل و دادگری پر کند و به او و به واسطه او، امکان و توانایی دهد و وعده اش به مومنین را محقق سازد، مومنانی که خداوند ایشان را در زمین جایگزین (زورمندانِ جهانگیر) سازد، تا او را پس از هراس، در ایمنی و آرامش و پس از امید بستنها، اکنون یقینیافته و با دل قرص، او را پرستش کنند، آن سان که چیزی را انباز او نخوانند. و سلام و رحمت و برکات خدا بر هر آن که میان او و نخستین آفریده خدا و آخرین ایشان از فرستادگان و حجتهای خدا و دانایان از خلق و فرشتگان خدا و بندگان برگزیده او قرار دارد. سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، گواهی میدهم که آنچه خداوند تو را بدان امر فرموده بود، از جانب او ابلاغ نمودی و از احدی جز او ترسی به دل راه ندادی و در راه او جانفشانی کردی و خالصانه او را تا آن گاه که جان باختی، پرستیدی. گواهی میدهم که شما واژه پرهیزکاری و دروازه هدایت و تنها دستاویز استوار و حجت بر زندگان و در خاک خفتگان هستید. شهادت میدهم که این، در گذشته ها موجب برتری شما بود و در آینده راهگشا و پیروزیبخش شما خواهد بود. شهادت میدهم که روح شما و سرشت شما یکی است و پاک و نیکو بوده و پاکیزه و مطهر گشته و تمام ذرات آن از جنس هم هستند، از سر منت الهی و رحمت او، پس خدا شاهد باشد و شما را گواه میگیرم که من به شما ایمان دارم و درباره وجود خودم و دستورات دینم و

عاقبت عملم و بازگشتگاهم و اقامتگاه همیشگی ام، پیرو شما هستم. از خداوند نکوییورزِ افزون مهر مسألت دارم که این نعمت را به من به تمامی ارزانی دارد. خدا لعنت کند امتی را که شما را به قتل رساند و خدا لعنت کند امتی را که این خبر شنید و به آن خشنود گشت. گواهی میدهم آنان که حرمت تو را زیر پا نهادند و خونت را ریختند، به گفته رسول امی، معلونند. خداوندا لعنت فرست آنانی را که نعمتت را قدر ندانسته، دگرگون نمودند و با دین تو مخالفت جستند و از جاده فرمان تو منحرف گشتند و رسولت را آزار رساندند و از راه هدایت تو گم گشتند. خداوندا ایشان را چنان لعن و نفرین کن که هر فرشته مقرب و هر بنده مومنی که خداوند دلش را به ایمان آزموده، وی را همراه آن لعنت فرستند. خداوندا ایشان را در پنهانگاه رازها و در آشکارای بی پرده لعنت فرست. خداوندا قاتلان امیر المومنین و قاتلان حسین و یاران حسین را لعنت فرست و ایشان را عذابی فرست که احدی از جهانیان به آن عذاب نگردد. خداوندا ما را از کسانی قرار ده که یاریشان میکنی و به واسطه ایشان انتقام میگیرند و بر وی به یاری ات در دنیا و آخرت منتدار باش، ای مهربانترین مهربانان. سپس ضریح را ببوس و به سمت سر حضرت روی کن و بگو: سلام بر تو ای آن که خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد، سلام بر تو ای انتقام خدا که در آسمانها و زمین به انتظار گرفتن انتقامش نشسته اند. شهادت میدهم که خون تو در بهشت جاودانگی برنشست و سرادقها و طبقات عرش به خاطر آن به لرزه افتاد و همه آفریدگان به گریه افتادند و آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه در آن و میان آن است و هر آن که از خلق پروردگارمان میان بهشت و جهنم در نوسان است و هر آنچه دیدنی است و نادیدنی، برای تو گریست. شهادت میدهم که تو حجت خدا و پسر حجت خدایی. و شهادت میدهم که تو ابلاغ نمودی و اندرز دادی و وفا نموده و (به وعده گاه) آمدی و در راه پروردگارت مجاهدت نمودی و بر آن راه و رسالتی که داشتی، شهید و شاهد و شهادت داده شده به تو، ره سپردی. من بنده خدا و نوکر سرنهاده تو و سر سپرده کوی توام و نزد خداوند التماس جایگاه بالنده دارم و استواری گامم در هجرت به سوی تو و نیز آن راهی که در نبود تو، برای درآمدن به سایه کفالت تو که به آن امر شده ام، آشفته و نااستوار نگردد. سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت او و شاهد وگواه او بر خلقش. سلام بر تو ای پسر

رسول خدا، شهادت میدهم که تو بنده خدا و امین او هستی و خیرخواهانه ابلاغ نمودی و امانتدار رسالتت ادا نمودی و ستمدیده کشته شدی و با یقین ره سپردی، گمگشتگی را بر رهیافتگی برنگزیدی و از حق به سوی باطل گرایش نیافتی و شهادت میدهم که تو نماز را بر پا داشتی و زکات را پرداخت نمودی و امر به معروف کردی و نهی از منکر نمودی و از رسول صلی الله علیه و آله پیروی کردی و کتاب خدا را چنان که شاید، تلاوت نمودی و به حکمت و اندرز نیکو به راه خدا فراخواندی، صلوات خدا بر تو باد و سلام بی پایان او، و خداوند از سوی رعیّتت ، پاداش یک راستگوی راستین را به تو عطا نماید. شهادت میدهم که جهاد با تو جهاد واقعی است و حق با توست و در پویش به سوی توست و تو اهل و معدن آن هستی و نزد خداوند بس راستگویی و دعوت تو حق است و هر که جز تو به دعوتی فرا ایستاده، باطل است و پسافکنده. به نزد تو آمده ام ای حبیب رسول خدا و پسر رسول خدا و من تو را به راستی می شناسم و به حق تو اقرار دارم و به خوبی از فضل تو آگاهم و بر گمراهی مخالفانت یقین دارم و به هدایتی که تو بر آنی، آگاهم. پدر و مادرم به فدای تو و جان و مال خودم. خداوندا، من بر او، چنان که تو بر او و پیامبرانت و امیر المومنین صلوات فرستادی، صلوات میفرستم، صلواتی پیوسته و پیاپی که یکی در پس دیگری آید و هرگز پایان نیابد و اکنون در این حضورمان، و چون غایب گشتیم و در هر حالی، صلواتی که هرگز پاره و بردریده نگردد و بی پایان و بی کران باشد. و سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. سپس گونه راستت را بر قبر بگذار و بگو: به راستی که ما از آن خداییم و به سوی او بازگردندگانیم. ای مولای من ای ابا عبد الله، من دوستدار دوستدار شما و دشمن دشمنتان هستم و من به شما ایمان و در شریعتهای دینم و سرانجام عملم به بازگشتتان یقین دارم و دلم با دل شما دوستی ورزیده و کارم همه پیروی شماست. ای مولای من، آگاه به حق تو و ترسان و لرزان به سوی حرمت آمدم، پس مرا ایمنی بخش؛ و پناه جوی به نزدت آمدم، پس مرا در سایه پناه خود قرار ده. ای سرور و مولای من، ای حجت خدا بر جهانیان، شهادت میدهم که تو از سوی پروردگارت بر بیّنه و حقیقت روشن هستی، ای مولای من، پس برای من نزد خود عهد و میثاقی بنویس که من نزد تو آمدم و عهد و میثاقی گرفتم، پس برای من نزد پروردگارت گواه باش، که تو ولیّ من در دنیا

و آخرت هستی. سپس سر بردار و بگو: خداوندا، بر حسین امانتدار و این نور روشنگر و شهید پرهیزکار پسندیدهکردار پاکدامن رهنمای هدایت یافته، امام تقوا پیشگان و برترین نوه های فرو فرستادگان صلوات فرست. خداوندا شهادت میدهم که او دوستدار تو و پسر پیامبر تو و برگزیده تو و پسر برگزیده تو و حبیب تو و پسر حبیب تو و نیایشگر رازگوی تو که دادگری ات را برپای داشته و به حکمت و اندرز نیک به دین تو فراخوانده، است تا آن که امت پیامبرت او را تنها و بی کس گذاشته و حق وی را انکار نمودند. خداوندا بر وی درود و صلواتی فرست که به آن یادش را فراز گردانی و درجه اش را والا نشانی و به آن، چهره دوستداران و پیروانش را نورانی گردانی و هر آن که علیه او جنگی به راه انداخت و حقش را انکار نمود را لعنت نمایی، ای ال-ه جهانیان! تو بر هر چیزی توانایی. سپس قبر را ببوس و به طرف قبله روی گردان و نماز زیارت و هر نمازی که خواهی را بخوان و خدا را بسیار به دعا بخوان و برای گناهانت و برای برادران مومنت دعا کن.

سپس برخیز و روانه گرد و بر علی بن حسین و بر شهیدان یاور حسین علیه السلام، سلام بفرست و هر گاه که به زیارت حسین علیه السلام رفتی و خواستی از نزد حضرت مرخص شوی، بر قبر خم شو و آن را بوسه ده و بگو: سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای بنده خاص خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای خالص گشته برای خدا، سلام بر تو ای کشته ستمپیشگان، سلام بر تو ای غریب غریبان، سلام بر تو، سلام وداع کننده ای نه آزرده دل و نه پریشان خاطر و نه به شتاب گریزان. و اگر میروم از سر ملالت نیست و اگر میمانم از بدگمانی به آنچه خداوند به بردباران وعده داده، نمیباشد و خداوند این زیارت را آخرین زیارت تو قرار ندهد و مرا بازگشت به شهادتگاه تو و درنشستن بر ساحتت و برپا ایستادن (به نماز) در حرمت روزی نماید، و هم از او درخواست مینمایم که مرا به (محبت) شما سعادتمند گرداند و در دنیا و آخرت با شما همراه دارد. السلام علیک و رحمه الله و برکاته.

باب نوزدهم : زیارتی برای شهیدان که مشتمل بر نامهای شریف ایشان است

روایات:

1. اقبال الاعمال: شیخ صالح ابو منصور بن عبدالمنعم بن نعمان بغدادی روایت نمود: در سال دویست و پنجاه و دو از سوی شیخ محمد بن غالب اصفهانی به هنگام وفات پدرم رحمه الله از جانب ناحیه مقدسه، نوشته ای صادر شد و من نوجوانی بودم و در نامه ای، اذن زیارت مولایم ابا عبد الله علیه السلام و شهیدان رضوان الله علیهم را خواستم و از وی این نامه به دست من رسید:

به نام خداوند بخشاینده افزونمهر، چون خواستی به زیارت شهیدان که رضوان الهی بر ایشان باد بروی، پس کنار پاهای امام حسین علیه السلام بایست که قبر علی بن حسین صلوات خدا بر آن دو باد، باشد و رویت را به سمت قبله بگردان که قتلگاه بیشتر شهیدان در آن سمت است و با دستت به علی بن حسین علیه السلام اشاره کن و بگو: سلام بر تو ای نخست کشته از نسل برترین نژاد از تبار ابراهیم خلیل، صلوات خدا بر تو و بر پدرت باد آنگاه که درباره تو فرمود: خدا بکشد قومی که تو را کشند ای فرزندم، چه جسارت پیشه اند بر خدای رحمن و بر زیر پا نهادن حرمت رسول خدا، دنیا پس از تو نابود گردد، هان که گویی تو را چنین میبینم که پیش روی او ایستاده ای و به کافران چنین میگویی:(1)

من علی بن حسین بن علی هستم، ما و بیت الله به پیامبر اولی هستیم.

1- . أَنَا عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِی . نَحْنُ وَ بَیْتِ اللَّهِ أَوْلَی بِالنَّبِی أَطْعَنُکُمْ بِالرُّمْحِ حَتَّی یَنْثَنِیَ . أَضْرِبُکُمْ بِالسَّیْفِ أَحْمِی عَنْ أَبِی ضَرْبَ غُلَامٍ هَاشِمِیٍ عَرَبِیٍ . وَ اللَّهِ لَا یَحْکُمُ فِینَا ابْنُ الدَّعِیِ

شما را با نیزه ام آنقدر ضربه میزنم تا نیزه ام خم گردد و شما را با شمشیر میزنم و از پدرم دفاع میکنم.

ضربه زدن جوان هاشمیتبار عرب؛ و به خدا که فرزندان یک حرامزاده را نرسد که بر ما حکم نماید.

تا آنکه وقت جان سپردنت رسید و به دیدار پروردگارت رفتی. شهادت میدهم که تو به خدا و رسول خدا اولی تر هستی و تو پسر رسول خدا و پسر حجت و امین خدایی. خداوند بر قاتل تو مُره بن منقذ بن نعمان عبدی، که خدا او را نفرین و ننگ فرستد، و هر آن که با او در قتل تو شریک گشت و علیه تو از وی پشتیبانی کردند، به سود تو حکم نماید و ایشان را به دوزخ درافکند و بد سرنوشتی دارند و ما را از دیدار کنندگان تو و همراهان تو و همراهان جدت و پدرت و عمویت و برادر و مادر مظلومت قرار دهد و نزد خداوند از قاتلان تو برائت میجویم و از خدای، همراهی با تو در بهشت جاودان را مسألت مینمایم و نزد او از دشمنانت و انکارکنندگانت بیزاری میجویم. سلام خدا و رحمت و برکات او بر تو باد. (1)

سلام بر تو ای عبد الله بن حسین، کودک شیرخوار تیرخورده نقشزمینگشته درغلتیده در خونش، خونی که به آسمان پاشیده شد و در آغوش پدر به تیر جفا ذبح گردید. خداوند آن تیرافکن به گلوی او، حرمله بن کاهل اسدی و یارانش را لعن و نفرین کند.

سلام بر عبد الله بن امیر المومنین که بس جوانمردانه جنگید و در پهنه کربلا ندای یاری زد و در هر یورش و بازگشتش، ضرب شمشیر خورد، خداوند قاتل او هانی بن ثُبیت حضرمی را لعن و نفرین کند.

سلام بر عباس بن امیر المومنین، همیار برادرش به بذل جان که فردای قیامت خود را به جانفشانی امروزش ساخت، به فدا دهنده جانش برای برادر و نگاهبان او که با مشک آبش به سوی وی شتاب نمود و دستانش بریده گشت. خداوند دو قاتل او یزید بن وقاد و حکیم بن طفیل طائی را لعن و نفرین فرستد.

1- . اقبال الاعمال: 64

سلام بر جعفر بن امیر المومنین که جانش به طلب اجر الهی، شکیبایی پیشه نمود و از خانه و کاشانه، غربت جسته، دور گشت، آن سپرده خود به میدان نبرد و پیشی جوینده برای کارزار که شمار جنگآوران پیش رویش چندان و چند گشت. خدا لعنت کند قاتل او هانی بن ثبیت حضرمی را.

سلام بر عثمان بن امیر المومنین، آن همنام عثمان بن مظعون، خداوند آن تیر افکننده بر وی، خولی بن یزید اصبحی ایادی و ابانی دارمی را لعنت فرستد.

سلام بر محمد بن امیر المومنین، کشته به دست ابانی دارمی که لعنت خدا بر او باد و عذاب دردناکش دو چندان باد. صلوات خدا بر تو ای محمد و بر اهل بیت شکیبای تو.

سلام بر ابی بکر پسر حسن پسندیدهکردار، دوستدار تیرخورده به تیر مرگ. لعنت خدا بر قاتل او عبد الله بن عقبه غنوی.

سلام بر عبدالله بن حسن بن علی پاکدامن، خداوند قاتل و تیرافکن به سوی او حرمله بن کاهل اسدی را لعنت کند.

سلام بر قاسم بن حسن بن علی که سرش کوفته گشت و جوشنش به چپاول رفت، آنگاه که عمویش حسین را به فریاد خواند و عمویش چون عقابی با کنار زدن دشمنان بر بالین وی حاضر گشت، حال آنکه او جانکنان پاشنه در خاک میکشید و حسین میگفت: نابود باد قومی که تو را کشتند و در روز قیامت دشمنشان، جد تو و پدر تو هستند. سپس فرمود: به خدا سوگند که بر عمویت دشوار آید که او را بخوانی و تو را پاسخ نگوید یا پاسخ گوید در حالی که تو نقش زمین گشته و جان میبازی و او نتواند تو را کمکی کند. به خدا که این روزی است که ستمگران انتقامگریخته اش بسیارند و یاریگرانش اندکند. خداوند مرا با شما در آن روز که گرد همتان آورد، همراه نماید و مرا همانجا که شما نشینید، نشاند و خداوند قاتل تو عمرو بن سعد بن نفیل ازدی را نابود گرداند و او را به دوزخ افکند و برایش عذابی دردناک آماده کند.

سلام بر عون بن عبد الله بن جعفر، آن پروازگر در بهشتها و همپیمان ایمان و همآورد جنگاوران، خیرخواه خدای رحمن و تلاوتگر مثانی و قرآن، خدا لعنت کند قاتل او عبد الله بن قطبه نبهانی را.

ص: 306

سلام بر محمد بن عبد الله بن جعفر که جای پدرش را پر نمود و پشت سر برادرش حرکت میکرد و با پیکرش از وی نگاهبانی داد. خدا لعنت کند قاتل او عامر بن نهشل تمیمی را.

سلام بر جعفر بن عقیل، خدا لعنت کند قاتل او و تیرافکن به سوی او بشر بن خوط همْدانی را.

سلام بر عبد الرحمن بن عقیل، خدا لعنت کند قاتل او و تیرافکن به سوی او عمر بن خالد بن اسد جُهنی را.

سلام بر شهید شهید زاده، عبد الله بن مسلم بن عقیل و خدا لعنت کند قاتل او عامر بن صعصعه را (و یا گفته اند اسد بن مالک).

سلام بر ابا عبد الله بن مسلم بن عقیل و خدا لعنت کند قاتل او و تیرافکن به سوی او عمرو بن صبیح صیداوی را.

سلام بر محمد بن ابی سعید بن عقیل و خدا لعنت کند قاتل او لقیط بن ناشر جهنی را.

سلام بر سلیمان غلامِ حسین بن امیر المومنین و خدا لعنت کند قاتل او سلیمان بن عوف حضرمی را.

سلام بر قارب، غلامِ حسین بن علی، سلام بر منجح غلامِ حسین بن علی. (1)

سلام بر مسلم بن عوسجه اسدی که چون امام به وی اذن بازگشت داد، به وی گفت: آیا ما از تو دست بکشیم؟ آنگاه نزد خداوند چه عذری در برابر ادای حق تو بیاوریم؟ نه به خدا، تا آنکه این نیزه ام را در سینه ایشان خرد کنم و به این شمشیرم، تا آنگاه که دسته اش در کفم است، بر ایشان کوبم و از تو جدا نگردم و حتی اگر سلاحی در دست نداشته باشم که با آن به جنگ ایشان شوم، بر ایشان سنگ میاندازم و سپس از تو جدا نگردم تا آنکه همراه تو بمیرم و تو نخستین کسی بودی که جان خود را به سودای خداوند برد و نخستین شهید از شهیدان خدا که جان باخت بودی و به خدای کعبه سوگند که پیروزمند گشتی. خداوند آن پیشی جستنت را بی سپاس مگذارد و و آن همیاری نمودن امامت را، آنگاه که تو بر خاک افتاده

1- . اقبال الاعمال: 44- 45

بودی و او به سوی تو گام زد و گفت: خدا بر تو رحمت آورد ای مسلم بن عوسجه و خواند: «فَمِنْهُمْ مَنْ قَضی نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ ما بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»، {برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند.} خداوند آن همدستان در قتل تو عبد الله ضبابی و عبد الله بن خشکاره بجلی را لعنت نماید.

سلام بر سعد بن عبد الله حنفی که چون حسین به وی اذن بازگشت داد، گفت: تو را رها نکنیم تا آنکه خداوند بداند که ما نبود رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار تو را مراعات نمودیم و به خدا سوگند که اگر بدانم که کشته می شوم و دوباره زنده ام میکنند و میسوزانندم و خاکسترم را بر باد میدهند و هفتاد بار با من چنین کنند، از تو جدا نگردم تا آنکه در راه تو با مرگم رویارو گردم و چگونه چنین نکنم، حال آنکه میدانم که این تنها یک مرگ یا یک کشته شدن است و سپس کرامتی است که ابدا آن را پایانی نیست. به راستی که با مرگت رویارو گشتی و امامت را همیاری نمودی و از سوی خداوند، کرامت را در جهان جاودان آخرت دریافتی. خداوند ما را با شما در میان شهادت یافتگان محشور گرداند و ما را همراهی با شما در اعلی علیین روزی نماید.

سلام بر بشر بن عمر حضرمی، خداوند این سخن تو به حسین را آنگاه که به تو اذن بازگشت داد، مشکور دارد که گفتی: الهی که درندگان مرا زنده زنده بردرند، اگر بخواهم از تو جدا گردم و بعد، از سواران درباره تو خبر بگیرم و اینجا تو را با وجود اندکی یاران تنها گذارم، هرگز چنین نشود.

سلام بر یزید بن حصین همدانی مشرقی، قاری درافکنده بر زمین. سلام بر عمران بن کعب انصاری، سلام بر نعیم بن عجلان انصاری، سلام بر زهیر بن قین بجلی که چون حسین علیه السلام به او اذن بازگشت داد، گفت: نه به خدا سوگند که هرگز چنین نشود، آیا پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسیر دست دشمنان بگذارم و خود جان به در برم. خداوند آن روز را نشانم ندهد.

سلام بر عمرو بن قرظه انصاری، سلام بر حبیب بن مظاهر اسدی، سلام بر حر بن یزید ریاحی، سلام بر عبد الله بن عمیر کلبی. سلام بر نافع بن هلال بجلی

مرادی. سلام بر أنس بن کاهل اسدی. سلام بر قیس بن مسهر صیداوی. سلام بر عبد الله و عبدالرحمن پسران عروه بن حراق غفاری. سلام بر جون غلام اباذر غفاری. سلام بر شبیب بن عبد الله نهشلی. سلام بر حجاج بن یزید سعدی. سلام بر قاسط و کرش پسران زهیر تغلبی. سلام بر کنانه بن عتیق. سلام بر ضرغامه بن مالک. سلام بر جُوَین بن مالک ضبعی. سلام بر عمر بن ضبیعه ضبعی. سلام بر زید بن ثبیت قیسی. سلام بر عبد الله و عبید الله پسران یزید بن ثبیت قیسی. سلام بر عامر بن مسلم. سلام بر قعنب بن عمر نمری. سلام بر سالم غلام عامر بن مسلم. سلام بر سیف بن مالک. سلام بر زهیر بن بشر خثعمی. سلام بر بدر بن معقل جعفی. سلام بر حجاج بن مسروق جعفی. سلام بر مسعود بن حجاج و پسرش. سلام بر مُجمّع بن عبد الله عائذی. سلام بر عمار بن حسان بن شریح طائی. سلام بر حیان حارث سلمانی ازدی. سلام بر جندب بن حُجر خولانی. سلام بر عمر بن خالد صیداوی. سلام بر سعید غلام وی. سلام بر یزید بن زیاد بن مظاهر کندی. سلام بر زاهر غلام عمرو بن حَمِق خزاعی. سلام بر جبله بن علی شیبانی. سلام بر سالم غلام بنی مدینه کلبی. سلام بر اسلم بن کثیر زدی. سلام بر قاسم بن حبیب ازدی. سلام بر عمر بن احدوث حضرمی. سلام بر ابی ثمامه عمر بن عبد الله صائدی. سلام بر حنظله بن اسعد شبامی. سلام بر عبدالرحمن بن عبد الله بن کدن ارحبی. سلام بر عمار بن ابی سلامه همدانی. سلام بر عابس بن شبیب شاکری. سلام بر شوذب غلام شاکر. سلام بر شبیب بن حارث بن سریع. سلام بر مالک بن عبد الله بن سریع. سلام بر مجروح به اسارت گرفته سوّار بن أبی حمیر فهمی همدانی. سلام بر عمرو بن عبد الله جندعی که پس از برون کشیده شدن از میدان نبرد، جان باخت. (مجروح به همراه سوّار که از میدان بیرون آورده شد.) سلام بر شما ای بهترین یاوران. سلام بر شما بر صبری که کردید و بس نیک جهان آخرتی شما راست و خداوند شما را در جایگه نیکوکاران نشاند. شهادت میدهم که خداوند برای شما پرده برگرفت و زیراندازهای نرم را برای آسایشتان فراهم آورد و بخشش و عطای بی پایان نمود و شما هرگز از

حق به کندی درننشستید و شما ما را پیشروانید و ما در دار بقاء همنشینان شماییم و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد. (1)

توضیح: شیخ مفید و سید طاووس(2) و دیگران این زیارت را در کتابهای مزار خود بدون ذکر سند، در زیارتهای روز عاشورا آورده اند و مولف المزار الکبیر(3) گفته است: زیارت شهداء رضوان الله تعالی علیهم در روز عاشورا. آنگاه سند خود را ذکر کرده است. ما این زیارت را در باب زیارات مطلقه آوردیم چون روایتی مبنی بر اختصاص آن به وقت خاصی وجود نداشت.

بدان که در تاریخ مذکور در این خبر، به خاطر چهار سال مقدم بودنش بر ولادت حضرت قائم علیه السلام مشکلی هست و شاید دویست و شصت و دو بوده است و احتمالا این خبر از امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده باشد.

توضیح: «حومه الشهداء» یعنی بیشتر آنان به دلیل خروج عباس و حر از آنان. سلیل و سلاله یعنی فرزند. مراد از «خیر سلیل»، حسین علیه السلام است زیرا در زمان خود، شریفترین فرزندان ابراهیم بود. علی بن حسین علیه السلام اولین مقتول از اولاد حسین علیه السلام بود. اگر مراد از خیر سلیل حضرت رسول صلی الله علیه و آله باشد، چنان که ظاهر همین است، مخالف با مشهور خواهد بود که گویند اولاد حسن علیه السلام در شهادت مقدمند، ولی با آنچه ابن ادریس در السرائر ذکر کرده موافق است که گفته: او اولین کسی بود که در یوم الطف شهید شد.

در النهایه گوید: «عفی الشیء» یعنی کهنه شد و اثری از آن نماند و حدیث صفوان بن محرز از آن است که: وقتی وارد خانه شدم و گردهای نان خوردم و مقداری آب روی آن نوشیدم، بر دنیا «عفا» باشد یعنی از بین برود. گفته شده: «عفا» یعنی خاک. پایان. گفته میشود: «انثنی»، پیچید و برخی را بر برخی دیگر زد. «دعی»، ولد الزنا. «فلان قضی نحبه» یعنی درگذشت، جوهری گفت. جزری گوید: در حدیث است که «طلحه ممن قضی نحبه»، نحب مانند نذر است، گویی

1- . الإقبال: 47- 48

2- . مصباح الزائر : 148- 151
3- . المزار الكبير : 162- 164

خود را ملزم میکند که سرش را در جنگ صدقه بدهد پس به آن وفا میکند. گفته شده: نحب همان مرگ است، گویی خود را ملزم میکند بجنگد تا بمیرد.

گفته آن حضرت علیه السلام: «و امک المظلومه» یعنی فاطمه علیها السلام. «مُبلی البلاء»، اسم مفعول از باب افعال است یعنی امتحان شده با بلاها و کسی که با بلا به او نعمت داد. بلا غالباً در خیر استفاده میشود. محتمل است از ریشه «بلوته البلا» بر وزن «مرمیّ» باشد خداوند فرمود: «و نبلوکم بالشر و الخیر فتنه». «بالولاء»، به ولایت برادرش و اهل بیتش و محبت و طاعت آنان. «المضروب مقبلا و مدبرا»، کسی که دشمن از هر سو او را محاصره کرده بود و از پیش رو و پشت سر با او میجنگید. در برخی نسخههاست: «الضروب»، به صیغه مبالغه. پس محتمل است مقبلاً و مدبراً مفعول آن باشد.

«من أمسه» یعنی همان روزش، زیرا به نسبت فردا، دیروز است یا مراد، دیروز به نسبت روز خطاب و زیارت است. گفته وی علیه السلام: «المستقدم»، متقدم در جنگ و «نِزال» یعنی جنگ. فیروزآبادی گوید: نِزال آن است که دو لشگر از شتر پایین آیند و بر روی اسبانشان بجنگند. «مکثور»، مغلوبی که مردم بر سرش ریخته باشند و او را به شکست بکشانند. جزری گوید: «لأمه» نیزه و گفته شده: به معنی اسلحه است و «لأمه الحرب» یعنی ادوات جنگی و گاهی همزه برای تخفیف حذف میشود. «فجلی علیه عمه» یعنی رفت و مردم را از دور او کنار زد تا او را دید؛ یا بر وزن تفعیل است، یعنی به او نگاه کرد. جوهری گوید: «اجلو عن القتیل» یعنی راه را باز کنید. «جلوت»، روشن ساختم و کنار زدم. «جلی ببصره تجلیه» یعنی آن را پرتاب کند، مانند نگاه شاهین به صید. نیز گفته میشود: «جلی الشیء» آن را ظاهر کرد. فیروزآبادی گوید: «جلا علا جلی البازی تجلیه و تجلا» یعنی سرش را بلند کرد سپس نگاه کرد؛ و «أجلی یعدو» یعنی شتاب کرد. پایان

«الفحص» جستجو و کشف. گفته میشود: «عزّ علیّ ان اراک بحال سیئه» یعنی شدید و سخت میشود بر من. این را جو هری گفت. «واتر» یعنی جانی و بارها آمده است.

گفته آن حضرت علیه السلام: «وقیل اسد بن مالک»، ظاهراً از افزودههای سید است که بین روایت آورده است. در مزار مفید، قاتل وی سند بن مالک است و در مزار سید، اسد بن مالک. گفته آن حضرت علیه السلام: «علی ابی عبدالله بن مسلم» در نسخهها اختلاف است: در اقبال، علی ابی عبدالله بن مسلم بن عقیل است در مصباح الزائر، علی ابی عبدالله بن مسلم است و در مزار مفید، علی عبدالله بن عقیل است و نیز در مزار مفید، علی سلیمان مولی حسن بن امیرالمؤمنین است و در سایر کتابها مولی حسین.

گفته وی: «قائمه» یعنی جای دست گرفتن شمشیر و «حِمام» یعنی مرگ یا قضاء و قدر آن. «مجدّل»، به خاک افتاده. «مرتّث» بر وزن اسم مفعول است؛ گفته میشود: «ارتث» به صیغه مجهول، وقتی از میدان جنگ یک زخمی را حمل کند که هنوز رمق داشته باشد.

باب بیستم : زیارت حضرت عباس علیه السلام چنان که از ائمه علیهم السلام روایت شده است

روایات:

1. کامل الزیارات: ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام روایت کند: چون خواستی به زیارت عباس بن علی که بر ساحل فرات و در کنار حرم است بروی، بر کنار در بارگاه بایست و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش و پیامبران مرسلش و بندگان درستکارش و همه شهیدان و راستینمنشان و درودهای وارسته (از پلیدی) و نیکآیند (که همراه مرحمت خدا و بندگان صالح) در رفت و آمد است، بر تو باد ای پسر امیر المومنین. گواهی میدهم تو را به فرمانبری و تایید و وفاداری و خیرخواهی برای جانشین پیامبر مرسل صلی الله علیه و آله و سبط برگزیده و رهنمای دانا و وصیّ نیکرسالترسان و ستمدیده حقباخته؛ پس خداوند تو را به خاطر آن شکیبایی و فداکاری و یاریگری، از نزد رسولش و از امیرالمومنین و از حسن و حسین که درود خدا بر ایشان باد، بهترین پاداشها دهد «فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»، و بهترین سرانجام این دنیا را به دست آوردی. خداوند لعنت کند آن که تو را کشت و خدا لعنت کند آن که حق تو را نشناخت و حرمتت را هیچ شمرد و خدا لعنت کند آن که از رسیدن تو به آب فرات جلوگیری کرد. شهادت میدهم که تو مظلوم کشته شدی و خداوند آنچه را که به شما وعده داده، عملی خواهد کرد. ای پسر امیر المومنین، سر به کوی تو نهاده ام و دلم تاییدگر شماست و من پیرو شمایم و آماده یاری شما هستم «حَتَّى يَحْكُمَ الل-ه وَ هُوَ خَيْرُ الْحاكِمِينَ»(1) {تا آنکه خداوند

1- . یونس / 109

فرمان دهد و او بهترین فرماندهندگان است.} پس با شما خواهم بود، با شما و نه با دشمن شما. من از مومنان به شما و به بازگشت شما هستم و از بیزاری جویندگان مخالفان و قاتلان شمایم. خداوند لعنت کند امتی را که شما را به دست و زبانشان به قتل رساندند. سپس داخل شو و به روی قبر خم شو و بگو: سلام بر تو ای بنده درستکار فرمانبردار خدا و رسول خدا و امیر المومنین و حسن و حسین که سلام و صلوات خدا بر ایشان باد، و سلام و رحمت و برکات خدا و مغفرت او بر تو و بر روان و پیکر تو. گواهی میدهم و خدا را گواه میگیرم که تو بر همان راهی که جنگجویان بدر و جانفشانان در راه خدا و پاکبازان در راه او در جهاد با دشمنانش و سختکوشان در یاری اولیای خدا و بازدارندگان دشمنان از محبوبان خداوند ره سپردند، گام زدی؛ پس خداوند تو را بهترین پاداش و فراوان ترین و بیکاست ترین پاداشی که کسی در وفا نمودن به بیعت او و پاسخ گویی به فراخوانی او و فرمانبری از سرکردگان امر الهی گرفته، نصیبت گرداند. گواهی میدهم که تو در خیرخواهی سخت کوشیدی و تمام توان خود را به کار گرفتی، پس خداوند تو را در میان شهیدان محشور نماید و روحت را با روح نیکبختان همراه گردانده و از بهشتهایش، بهشتی که پهناورترین منزلگاه ها و زیباترین اتاقها را دارد به تو عطا نماید و یاد تو را در میان علیین فراز گرداند و تو را با پیامبران و راستینمنشان و شهیدان و درستکاران که بس نیک رفیقانند ایشان، محشور گرداند. شهادت میدهم که تو سستی ننمودی و از دشمن نگریختی و تو با بینش از کار خود، رهپوی راه درستکاران و پیرو پیامبران، در این راه پیش رفتی؛ پس ای کاش که خداوند ما را با تو و رسولش و اولیایش در منزلگه سرنهادگان به آرامش وجود الهی گرد آورد، که او ارحم الراحمین است.

وداع:

2. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: و چون خواستی با عباس وداع نمایی، به نزد او و بگو: تو را به خدا میسپارم و از تو میخواهم که حافظ من باشی و به تو سلام میرسانم، به خدا و رسول خدا و کتاب او و آنچه که او از سوی خداوند آورد، ایمان آوردیم. خداوندا، پس ما را از جمله حاضران بنویس. خداوندا

این را آخرین زیارت من از قبر پسر برادر رسولت صلی الله علیه و آله قرار مده و مادام که زندهام داشتهای، زیارت او را روزیام کن و مرا با او و پدرانش در بهشت، محشور نما و مرا با او و رسولت و اولیایت آشنایی ده. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا بر ایمان به تو و تایید رسولت و ولایت علی بن ابیطالب و امامان از نسل او و بیزاری از دشمنان ایشان بمیران که من بدان خشنودم، ای خدای بزرگ. و سپس برای خود و پدر و مادرت و مومنین و مسلمانان دعا میکنی و هر دعایی خواستی برمی گزینی. (1)

توضیح: مؤلف: ذکر زیارت عباس علیه السلام در زیارت کبیره منقول از مفید، به نحو مبسوطتری ذکر شد. اصحاب در زیارت وی نماز را نیز آوردهاند ولی روایت از آن خالی است لذا برخی معاصرین از نماز برای غیر معصوم ممانعت میکنند زیرا در متون، تصریحی بر نماز به هنگام زیارتشان نیست. ولی اگر انسان نه به قصد این که روایت است بلکه برای عموم امرهایی که برای اهدای نماز و صدقه و روزه و سایر اعمال خیر برای انبیا و ائمه و مؤمنین و مؤمنات است، میتواند بخواند و نیک است، زیرا آمده است که این اعمال بر مؤمنین در قبر وارد میشود و برایشان نافع است. به علاوه مفید و دیگران رحمهم الله در کتابهایشان آوردهاند و شاید روایتی دیدهاند که ما ندیدهایم و به ما نرسیده است. زیارت جابر رضی الله عنه برای آن حضرت علیه السلام در باب زیارت اربعین خواهد آمد که شامل نماز هم هست.

سپس بدان که ظاهر این روایت، مشتمل است بر جواز ایستادن به طرف قبر او رضی الله عنه به هر طرف که باشد، و اگربنای قبرش در زمان سابق مانند بنای زمان ما بوده باشد، ظاهر خبر اقتضا میکند هنگام زیارت، روبروی آن بایستد، اما ظاهر کلام اصحاب و عملشان این است که در زیارت غیر معصوم نباید روبرو ایستاد بلکه سزاوار است رو به قبله کرد و پشت سر ایشان ایستاد. من در اکثر زیارتهای وارد شده تصریحی بر این مطلب ندیدم.

بله، در زیارت مؤمنین به طور مطلق، استحباب استقبال قبله آمده است چنان که بعداً خواهد آمد، اما بعید نیست که گفته شود، همان طور که ایشان از دیگر

1- . كامل الزيارات : 258

مؤمنان به خاطر این زیارتهای مشتمل بر خطاب قرار دادنشان متمایزند، شاید در مورد قبله قرار دادن ایشان نیز متمایز باشند، چنان که معمول مکالمه و محاوره چنین است. ولی در برخی زیارتهای منقول، امر به استقبال قبله به هنگام زیارت برخی از ایشان وارد شده است مانند زیارت علی بن حسین از ناحیه مقدسه که در باب سابق گذشت. تخییر در موردی که چیزی در خصوص آن نیامده باشد، بهتر و ظاهرتر است. و خدا داناتر است.

ص: 316

باب بیست و یکم : زیارتهای مخصوص وداع

روایات:

1. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون پس از زیارتها قصد وداع نمودی، تا میتوانی زیارت کن - و باید که منزلگاهت در نینوا یا غاضریه باشد - و چون خواستی زیارت کنی، غسل کن و زیارت وداع را به جای آور و چون از آن فارغ گشتی، رو در روی حضرت بایست و قبر را ملتمسانه بجوی و بگو: سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله، تو مرا سپری در برابر عذاب هستی و این لحظه بازگشتم از نزد توست، حال آنکه از تو رویگردان نیستم و کسی دیگر را به جای تو نمیگیرم و دیگری را بر تو ترجیح نمیدهم و از نزدیک بودن به تو بیزار نیستم، چگونه (چنین باشد)، حال آنکه جانم را در مقابله خطرات بر کف گرفته ام و خانواده و کاشانه ام را رها بنهاده ام؛ پس مرا در روز نیازمندی و تهیدستی و بیچارگی ام، آن روز که نه پدرم و نه فرزندم و نه رفیق و نه آشنایم به کارم نیاید، شفیع من باش. از خدایی که به تقدیرش جهان آفرید، میخواهم که اندوهم را به واسطه شما زائل گرداند و از خدایی که تقدیر نمود که از مکان شما دور گردم، مسألت دارم که این را آخرین مرتبه زیارتم و بازگشتم به سوی شما قرار ندهد، و از خدایی که چشمانم را بر تو گریاند، درخواست دارم که این را برای من سند و پشتوانه قرار دهد، و از خدایی که مرا از نزد خانه و خانواده ام به سوی تو آورد، تقاضا دارم که این زیارت را ذخیره من قرار دهد، و از خدایی که جایگاه تو را به من نشان داد و مرا برای درود و سلام در دادن بر تو و زیارتت ره نمود، مسألت دارم که مرا به حوض کوثرت وارد سازد و همراهی با تو در بهشت به همراه پدران درستکارت را روزی نماید.

سلام بر تو ای برگزیده خدا و سلام بر محمد بن عبدالله حبیب خدا و برگزیده او و امانتدار و فرستاده او و سرور پیامبران، سلام بر امیر مومنان و وصیّ رسول پروردگار جهانیان و فرمانده نورانی دست و رویان. سلام بر امامان رهیافته هدایت گشته، سلام بر هر آن که از شما در حرم است. سلام بر فرشتگان خدا که باقی مانده و اقامت کرده و تسبیح گویانند و به دستور خداوند رحل اقامت افکنده اند. سلام بر ما و بر بندگان درستکار خدا و حمد و ثنا خدای جهانیان راست. سپس بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقرب و پیامبران فروفرستاده و بندگان درستکار بر تو باد ای پسر رسول خدا، و بر روان و پیکرت و بر سلاله ات و هر آن که از دوستدارانت در اینجا حاضرند. تو را به خدا میسپارم و از تو میخواهم که حافظ من باشی و به تو سلام میرسانم. به خدا و رسول خدا و بدانچه که او از سوی خداوند آورد، ایمان آوردیم. خداوندا ما را از جمله شاهدان بنویس. و میگویی: خداوندا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و این زیارت را آخرین زیارت من قرار نده و تا آنگاه که زنده ام داشته ای، زیارت او را روزی ام گردان و مرا به محبت او بهرمند گردان، ای پروردگار جهانیان. خداوندا او را در جایگهی ستوده و والا رستاخیز ده که تو بر هر کار توانمندی. خداوندا پس از صلوات و سلام فرستادن، از تو درخواست دارم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و این زیارت را آخرین زیارتم از وی قرار ندهی و اگر چنین کردی خداوندا! پس مرا با او و پدران و دوستدارانش محشور گردان و اگر مرا زنده نگاه داشتی خداوندا! روزی ام کن که بار دیگر به نزد او بازگردم و پس از آن هم باری دیگر بازگردم، به لطف و رحمتت ای مهربانترین مهربانان. خداوندا مرا زبان گویای به راستی در حق اولیایت عطا کن. خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات فرست و مرا با زیاده روی ام در امر دنیا، از ذکر و یاد خود باز مدار، چنان که شگفتیهای جمال و رونق آن مرا سرگرم سازد و شکوفه های زیور و زینت آن مرا بفریبد؛ و نه با پرهیز زیادی از آن، تا سختی مبارزه بسیار با آن، به عملم آسیب رساند و دغدغه آن سراسر دلم را پر کند. و مرا از آن، بی نیازی از بندگان شرورت عطا کن و کفایتی که به آن، به خشنودی تو دست یابم ای بخشاینده خدا. درود بر شما ای فرشتگان خدا و ای زائران قبر ابا عبد الله علیه السلام. سپس یک بار طرف راست صورتت و سپس طرف چپ صورتت را

بر قبر بنه و بر دعا و درخواست پافشاری نما و چون خواستی بیرون روی، روی از قبر باز مگردان تا خارج گردی. (1)

2. کامل الزیارات: وداع قبور شهیدان علیهم السلام. میگویی: خداوندا این را آخرین زیارت من از ایشان قرار مده و مرا در آن پاداش شایسته ای که ایشان را به خاطر یاری پسر پیامبرت و حجتت بر مردمانت و جهادشان در راه خودت عطا فرمودی، شریک گردان. خداوندا ما را با ایشان در بهشتت به همراه شهیدان و درستکاران که بس نیک رفیقانی هستند ایشان، گرد آور. شما را به خدا میسپارم و به شما سلام میرسانم. خداوندا بازگشت به نزد ایشان را روزی ام گردان و مرا با ایشان محشور فرما، ای مهربانترین مهربانان. (2)

توضیح: میگویم: از قرائن آشکار میشود که وداع شهیدان نیز از تتمّه روایت ابوحمزه ثمالی است و هم تتمّه رویایت مفصلی است که قبلاً آن را از ابو حمزه ثمالی نقل کردیم.

3. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون خواستی با حسین بن علی علیه السلام وداع نمایی، بگو: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد، تو را به خدا میسپارم و بر تو سلام میرسانم. به خدا و رسول خدا و بدانچه که از سوی خداوند آوردی و بدان راه نمودی، ایمان آوردیم و از رسول پیروی نمودیم، پس ما را از جمله شاهدان بنویس. خداوندا این را آخرین دیدار ما با او قرار مده. خداوندا از تو درخواست داریم که ما را به محبت وی بهرمند گردانی. خداوندا او را در جایگاهی ستایششده قرار ده که به واسطه او دینت را یاری نمایی و دشمنت را نابود گردانی و هر آن که را علیه خاندان محمد صلی الله علیه و آله جنگ و خصومتی به پا نموده، از میان برداری، که تو خود این را به او وعده دادی و تو خلف وعده نمیکنی. سلام بر تو و رحمت و برکات خداوند. شهادت میدهم که شما شهیدانی نیکنژاد هستید و در راه خدا مجاهدت نمودید و بر سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و فرزند رسول خدا، شهید شدید. شما پیشتازان و مهاجران و انصار هستید و شهادت میدهم که شما یاران خدا و یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله

1- . کامل الزیارات : 253

2- . كامل الزيارات : 258- 259

هستید، پس حمد و ثنا خدایی راست که وعده اش را برای شما محقق گرداند و آنچه دوست داشتید پیش رویتان نهاد و صلوات و رحمت و برکات خدا بر محمد و خاندان محمد. خداوندا مرا در دنیا از ذکر و یاد خود باز مدار، نه با زیاده روی که شگفتیهای جمال و رونق دنیا مرا سرگرم سازد و شکوفه های زیور و زینت آن مرا بفریبد و نه با پرهیز زیادی از آن، تا سختی مبارزه بسیار با آن به عملم آسیب رساند و دغدغه آن سراسر دلم را پر کند؛ و مرا از آن، بی نیازی از بندگان شرورت عطا کن و کفایتی که به آن، به خشنودی تو دست یابم ای بخشاینده خدا. و صلوات خدا بر رسولش محمد بن عبد الله و بر اهل بیت نیکآیند برگزیده او و رحمت و برکات خدا. (1)

مؤلف: سید بن طاووس پس از زیارت وداعی که در آغاز این باب به روایت از ثمالی در زیارت حضرت علیه السلام و شهیدان ذکر نمودیم، دعایی را نقل کرده که در برخی عباراتش با روایت مفید متفاوت است و آن را در اینجا ذکر میکنیم: سید بن طاووس رحمه الله، پس از این سخن که: و مرا با ایشان محشور گردان ای مهربانترین مهربانان، میآورد: سپس بیرون رو و چهره از قبر بازنگردان تا آنکه از نگاهت دور گردد و بر کنار در رو به قبله بایست و بگو: خداوندا به حق محمد و آل محمد و به حرمت محمد و آل محمد، به جایگاهی که محمد و آل محمد را بدان مخصوص نمودی، از تو درخواست دارم که بر محمد و آل محمد درود فرست و عمل مرا پذیرا باش و سعی و پویه ام را مشکور گردان و هر دعای مرا برآورده ساز و این پویشم را بی نتیجه مگذار و آن را هرگز، تا وقتی که زنده ام، آخرین زیارت من قرار مده و مرا نیکوکار و پرهیزکار به نزد وی بازگردان و مرا به برکت زیارت او در دنیا و آخرت آشنایی ده و بخشش گسترده و فزاینده و افزونگر و گوارایت را بر من فراون گردان و مرا روزی فراوان گسترده حلال بیدرنگ، چون باران ریزان، بدون هیچ دشواری و بدون منتی از سوی هیچ یک از بندگانت، عطا فرما و از سر فضلت آن را گسترده دار و به بخشندگی ات آن را فراوان گردان که تو خود گویی: {و از فضل خداوند مسألت نمایید.} پس فضل تو را درخواست میکنم و از دستان پر نعمتت تقاضا میکنم؛ پس مرا نومید بازمگردان که من ناتوانم، پس اجرم دوچندان

1- . کامل الزیارات : 252

گردان و مرا تا سررسید مدت عمرم، عافیت بخش و مرا از هر نعمتی که به بندگانت بخشیدی، فراوانترین بهره را ببخش و مرا برتر از آنچه که از آن برخوردارم، روزی نما و آنچه که بر آن روزگار میگذرانم را برتر از آنچه به دستم نمیرسد قرار ده و اندرون مرا بهتر از ظاهر حالم قرار ده و مرا در پناه خود دار، از اینکه مردم مرا چنان بینند که خیری در وجودم هست ولی اینگونه نباشد؛ و از میان تجارتها، پر روزی ترین آنها و ارزشمندترین آنها را قسمت من کن و مرا ای سرورم، و خانواده ام را روزی فراوانی بخش که ما را از بندگان فرومایه ات بی نیاز گرداند و در آن منتی از سوی هیچ بنده ای در آن قرار مده، و مرا از جمله کسانی قرار ده که به ندای تو پاسخ گفتند و به وعده تو یقین نمودند و از دستورت پیروی نمودند و مرا ناکامترین گروه درنشسته بر در خانه ات و زائران پسر پیامبرت قرار مده و مرا از تهیدستی و اوضاع خوارکننده در دنیا و آخرت در پناه دار و مرا رستگار و پیروزمند و نتیجه یافته، به حال برترین وضعی که زائری از زائران اولیائت را بازمی گردانی، بازگردان و آن را آخرین زیارتم از ایشان قرار مده و اگر دعایم را استجابت ننموده و مرا نبخشوده ای و از من خشنود نگشته ای، از این لحظه، دعایم را پاسخ گو و گناهم را ببخشای و از من خشنود گرد، پیش از آنکه منزلگهم از پسر پیامبرت دور گردد؛ و اکنون لحظه بازگشتم است، اگر به من رخصت دهی، ولی نه رویگردان از تو و نه از اولیای تو و نه به گزینش دیگری بر تو و نه بر ایشان. خداوندا مرا از پیش رو و پشت سر و از چپ و راستم در دژ استوار خود قرار ده تا مرا به خانواده ام رسانی، و چون مرا رساندی، دست از من مدار و من و ایشان را در حصن مستحکم خود محفوظ دار و سختی همه خلقت را برای من کفایت کن و از من بازدار که احدی از خلقت به من بدی برساند، که تو صاحب اختیار این کار هستی و تنها توانمند بر آن. و همه آنچه که از تو مسألت نمودم را به من عطا کن و به بخشش آن بر من منت نه و مرا از فضلت، دوچندان ده، ای مهربانترین مهربانان. سپس راه بازگشت بگیر در حالی که حمد و تسبیح و تکبیر و تهلیل میگویی، ان شاء الله تعالی. (1)

1- . مصباح الزائر : 115

باب بیست و دوم : زیارت در تقیّه و تجویز انشای متن زیارت

روایات:

1. کامل الزیارات: ابن ظبیان گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم! زیارت قبر حسین علیه السلام به حال تقیه، چه سان باشد؟ فرمود: چون به کنار فرات آمدی غسل نما و دو جامه پاک را بر تن کن و سپس از کنار قبر حرکت میکنی و سه بار میگویی: صلوات خدا بر تو ای ابا عبد الله و این گونه زیارتت کامل است. (1)

2. التهذیب: نظیر همین روایت به سندی دیگر روایت شده، با این تفاوت که در آن آمده: در برابر حسین علیه السلام بایست و سه بار هم در آن نیست. (2)

3. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: در کنار قبر حسین، هر چه دلت خواست میگویی. (3)

1- . کامل الزیارات 126
2- . التهذیب 6 : 115
3- . کامل الزیارات : 213

باب بیست و سوم : آنچه که از استخاره و نماز و غیر آن در کنار قبر امام حسین علیه السلام مستحب است

اشاره

شیخ در المصباح به هنگام سخن از اعمال روز جمعه گوید: و مستحب است که دعای مظلوم نزد قبر ابا عبد الله علیه السلام را بخواند که چنین است: خداوندا، من به دین تو میبالم و به هدایت تو گرانقدر میگردم و فلان کس مرا به شرش خوار میگرداند و با آزارش به من اهانت روا میدارد و به خاطر ولایت پذیری اولیای تو از من عیبجویی مینماید و به ادعای خود، به دروغ بر من افترا میبندد و اکنون به مکان دعا و ضمانت اجابت تو آمده ام. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا همین اکنون و الساعه در برابر او یاری فرما. سپس بر قبر خم شده و میگویی: مولای من، پیشوای من، مظلومی بر ستمگرش طلب یاری کرده است، یاری و یاری و یاری ... تا آنکه نفس به پایان آید. (1)

توضیح: گفته میشود: «أعدی فلانا علیه» یعنی او را یاری کرد و تقویت نمود و «استعداه» یعنی از او کمک و یاری خواست.

روایات:

1. قرب الإسناد: امام صادق علیه السلام: هرگز هیچ بنده ای که کنار سر حسین علیه السلام بایستد و خداوند را حمد و ثنا گوید و لا اله الا الله و سبحان الله گوید به آنچه که شایسته آن است تمجید و بزرگداشت نماید (صد مرتبه) و خداوند عز و جل را به طلب خیری نخواند، مگر آنکه خداوند تبارک و تعالی از میان دو امر خیر، خیر بهتر را بر وی افکند. (2)

1- . مصباح الطوسی : 195
2- . قرب الإسناد : 28

2. مصباح الزائر: بیان نحوه نمازی در زیارت حسین بن علی صلوات خدا بر او باد، و آن چهار رکعت است با حمد و قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون، و پس از آن دعا میکنی و میگویی:

خداوندا، من تو را گواه میگیرم و اهل طاعت از میان همه آفریدگانت را، که من گواهی میدهم به همراه هر شاهدی که بدانچه من شهادت دادم، در زمان زندگی من و پس از مرگم گواهی میدهد، تا آنکه در روز تهیدستی ام با آن روبروی تو بایستم و شهادت میدهم که « اللهِ وَلِیُّ الَّذِینَ آمَنُوا یُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُماتِ إِلَی النُّورِ وَ الَّذِینَ کَفَرُوا أَوْلِیاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ یُخْرِجُونَهُمْ مِنَ النُّورِ إِلَی الظُّلُماتِ أُولئِکَ أَصْحابُ النَّارِ هُمْ فِیها خالِدُونَ»(1) {خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده اند. آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می برد. و[لی] کسانی که کفر ورزیده اند، سرورانشان [همان عصیانگران=] طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند.} و شهادت میدهم که پیامبر «أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ أَزْواجُهُ أُمَّهاتُهُمْ وَ أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ فِی کِتابِ اللَّهِ»(2) {پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است و همسرانش مادران ایشانند، و خویشاوندان [طبق] کتاب خدا، بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند.} و شهادت میدهم که ولیّ ما «اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِینَ آمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکاةَ وَ هُمْ راکِعُونَ»(3) {تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند، همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند.} و اینکه سلاله و تبار این دو «أُولُوا الْأَرْحامِ بَعْضُهُمْ أَوْلی بِبَعْضٍ»(4) «ذُرِّیَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِیعٌ عَلِیمٌ»(5) {و خویشاوندان (نسبت به دیگران) به یکدیگر

1- . بقره / 257
2- . انفال / 75
3- . مائده / 55
4- . احزاب / 6
5- . آل عمران / 34

سزاوارترند. } {فرزندانی که بعضی از آنها از نسل بعضی دیگرند و خداوند شنوای داناست. }

و شهادت میدهم که ایشان بلند پرچمهای دین و خویشاوندان هستند بر مردمان و حجت هستند بر اهل دنیا که ایشان را برگزیدی و گزینش نمودی و اختصاصشان بخشیدی و ایشان را بر رازهای خود آگاهی دادی؛ پس امر دین تو را بر پای داشتند و امر به معروف و نهی از منکر نمودند و مردمان را به فهم تأویل و متن تنزیل فراخواندند و هرگاه که هر یک از این فراخوانندگان از میان مردم رخت بر بست، دعوتگر دیگری را در میان ایشان جانشین نمود. فرمانبری از ایشان را واجب نموده و به دوستی با ایشان دستور فرمودی و برای احدی از خلقت عذری در ترک و کناره گیری از ایشان و گرایش به دیگران باقی نگذاشتی و ایشان را اهل بیت نبوت و بهترین مردمان و معدن رسالت و محل آمد و شد فرشتگان و محل فرود آمدن وحی و کرامت و فرزندان برگزیدگان و نوادگان پیامبران و همتایان قرآن و دروازه های هدایت و دستآویزهای سختبنیان قرار دادی و در راه تو از سرزنش هیچ سرزنشگری بیمی به دل راه ندهند و کسی جز مومنان، حق ایشان را ادا نتوان کرد و کسی جز گزینشگشتگان به هدایت ایشان دست نیابد.

خداوندا، پس برترین صلوات خود را بر ایشان فرست و کریمانهترین برکات خود را بر ایشان فرود آر و ایشان را از سر بخشندگی ات، به گرانقدرترین کرامتهای خود در دنیا و آخرت برنشان. خداوندا، دوستداشتنیترین و نیکترین و مهمترین امور نزد مرا، محبت خود و محبت رسولت و محبت اهل بیت نیکآیند وی و محبت هر آن کس از میان همه آفریدگانت که ایشان را دوست دارد، قرار ده و نیز محبت هر آن که، کسانی را محب و دوستدار تو و ایشان گرداند و نیز نفرت و بیزاری از هر کسی از میان همه آفریدگانت که از تو و از ایشان نفرت جوید و نفرت و بیزاری از هر آن که، زنده یا مرده، کسانی را به نفرت و بیزاری از تو و ایشان وادارد. و مرا صبری زیبا و دینی سالم و گشایشی شتابان دررسنده و پاداشی هنگفت و روزی گوارا و زندگی پرآسایش و پیکری دردآزاد و چشمی اشکریز و دلی خاکسار و یقینی همیشگی و عمری بلند و خردی بی کاست و پرستشی دائمی بخش.

و از تو درخواست پایداری در رهیافتگی و توانایی در آنچه تو دوست داری و میپسندی، دارم. خداوندا محبتت را محبوبترین امور و خداترسی را بیشترین ترس نزد من قرار ده و محبتت را و محبت هر آن که دوستی با او مرا نزد تو بهرهای بخشد، روزیام گردان و هر آنچه که دوست دارم و روزی ام نمودی و مینمایی، آن را فراغ و آسایشی در آنچه خود میپسندی قرار ده و حاجتمندی دنیوی ام را با شوق به دیدارت، پایان بخش و اگر دل اهل دنیا را به دنیایشان خنک کرده ای، به رحمتت، دلخوشی و شادمانی مرا در فرمانبری از تو و خرسندی و رضایتمندی ات از من قرار ده که رحمت تو به نیکوکاران نزدیک است. (1)

سپس مولف رحمه الله میافزاید: نحوه نمازی دیگر در کنار سر حسین صلوات الله علیه چنان است که دو رکعت است با سوره های الرحمن و تبارک و هر که آن را به جای آورد، برایش بیست و پنج حج مقبول پذیرفته بی کاستی، همراه با رسول خدا صلی الله علیه و آله نوشته شود.

سپس مولف قدس سره میگوید: نحوه نماز حسین علیه السلام که از اموری است که شایسته است در کنار قبر مطهرش خوانده شود، چنان است که چهار رکعت است با چهارصد بار سوره حمد و چهارصد بار سوره قل هو الله احد و چون به قیام ایستادی، پنجاه حمد و پنجاه سوره میخوانی سپس به رکوع میروی و هر یک از این دو سوره را ده مرتبه میخوانی و سپس سر برداشته و هر یک را ده بار میخوانی و سپس به سجده میروی و هر یک را ده بار میخوانی، سپس سر برداشته و هر یک را ده بار میخوانی و سپس به سجده میروی و هر یک را ده بار میخوانی و به این ترتیب در هر رکعت صد بار می شود و چون سلام دادی بگو: خداوندا تویی که به آدم و حواء علیهما السلام پاسخ گفتی آنگاه که گفتند: «رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ»(2) {خداوندا به خود ستم کرده ایم و اگر تو بر ما نیامرزی و بر ما رحم نیاوری، بی شک که از زیانکاران خواهیم بود.} و نوح علیه السلام تو را ندا درداد و تو پاسخش گفتی و او را «وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ

1- . مصباح الزائر : 269- 270
2- . اعراف / 23

الْعَظِیمِ»(1) {به همراه خاندانش از اندوه بزرگ، نجات بخشیدی.} و آتش نمرود را بر خلیلت ابراهیم خاموش کردی و آن را بر او خنکا و سلامتی قرار دادی و تویی که ایوب را پاسخ گفتی، آنگاه که ندایت درداد: «أَنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ»(2) {به من آسیب رسیده و تویی مهربانترین مهربانان.} و تو زیانی که به وی رسیده بود را برطرف کردی و او را و خاندانش را و هم گروهی نظیر ایشان را همراه با آنان رحمتی از جانب نزد خود و برای یادآوری خردمندان عطا نمودی. و تویی که ندای ذی النون را اجابت نمودی آنگاه که ندا درداد: «فِی الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ»(3) {در دل تاریکیها، که هان خدایی جز تو نیست، پاک و منزهی، من از ستمکاران بودم.} و او را از اندوه نجات بخشیدی.

و تویی که دعای موسی و هارون را پاسخ گفتی آنگاه که فرمودی: «قَدْ أُجِیبَتْ دَعْوَتُکُما فَاسْتَقِیما»(4) {دعای شما را اجابت نمودم، پس ایستادگی کنید.} و فرعون و پیروانش غرقه گشتند. و خطای داود را بخشیدی و دلش را بیدار نمودی و از سر رحمتت، دشمنش را از وی بازداشتی. و اسماعیل ذبیح را به ذبحی عظیم، فدا دادی پس از آنکه «أَسْلَما وَ تَلَّهُ لِلْجَبِینِ»(5) {هر دو تن دردادند و پسر را به پیشانی بر خاک افکند.} و به فرج و روح ندا سردادی. و تویی که زکریا علیه السلام تو را ندا زد: « نِداءً خَفِیًّا قالَ رَبِّ إِنِّی وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّی وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَیْباً وَ لَمْ أَکُنْ بِدُعائِکَ رَبِّ شَقِیًّا»(6) {به صدایی آهسته و گفت: پروردگارا، من استخوانم سست گردیده و [موی] سرم از پیری سپید گشته، و - ای پروردگار من - هرگز در دعای تو ناامید

1- . صافات / 76
2- . انبیاء / 83
3- . انبیاء / 87
4- . یونس / 89
5- . صافات / 103
6- . مریم / 4

نبوده ام. } و فرمودی: «وَ یَدْعُونَنا رَغَباً وَ رَهَباً وَ کانُوا لَنا خاشِعِینَ»(1) {و ما را از روی رغبت و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن بودند. }

و تویی که دعای کسانی که ایمان آورده و عمل نیک انجام میدهند را اجابت میفرمایی تا از فضلت بیش از پیش بر ایشان ارزانی نمایی؛ پس خدای من، مرا ناچیزترین فراخوانندگان و مشتاقانت قرار مده و دعای مرا چنان که ایشان را اجابت نمودی، به حق ایشان اجابت نما و مرا به پاکی خود، پاک گردان و نماز و نیکوکاریهایم را به نیکی بپذیر و باقی زندگیام را و مرگم را نیک و خوشایند گردان و کسانی را که پشت سر به جای مینهم، نگاهدار باش و ایشان را ای خدای من، به دعایم حفظ نما و نسل مرا نسلی نیکآیند قرار ده که به احاطهگری خود، ایشان را به هر آنچه که سلاله اولیای خود و اهل اطاعتت را در پوشش قرار دادی، در سایه احاطه ات بنشانی، به لطف و رحمتت ای مهربانترین مهربانان. ای آن که بر هر چیزی ناظر است و به هر درخواست کننده ای نزدیک است و هر دعاکننده ای را از پیاش پاسخگوست، تویی آن خدایی که خدایی جز تو نیست، زنده بس بر پای خیزنده (به امور) یگانه بی نیاز که «لَمْ یَلِدْ وَ لَمْ یُولَدْ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُواً أَحَدٌ»، {نزاده و زاده نشده است و هیچ کس او را همتا نیست. } و به قدرتت که بدان بر عرشت درآمدی و آسمانهایت را بدان برافراشتی و زمینت را بدان گستردی و کوههایت را بدان استوار گرداندی و دریاها را بدان جاری نمودی و ابر و خورشید و ماه و ستارگان و شب و روز را مسخّر نمودی و همه آفریدگانت را بدان آفریدی. به عظمت و شکوهمندی رویت ای بخشنده، که آسمانها به نور آن درخشان شده و تیرگیها به درخشش آن نورانی گشته، از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و خود امر معاد و معاش مرا بسنده باشی و همه امورم را به صلاح آوری و چشم بر هم زدنی مرا به خود وامگذاری و امر مرا و امر خانواده ام را اصلاح نمایی و مرا در امر ایشان، تو بسنده باشی و من و ایشان را از گنجهایت و گنجینه هایت و گستردگی بخششت توانگر سازی و باشد که قلبم از چشمه های

1- . انبیاء / 90

حکمتت که مرا و هر کس از بندگانت را که خواهی به آن بهرمند گردانی، آب خورد و در آخرتم از میان پرهیزکاران، کسی را چنان که ابراهیم را پیشوا قرار دادی، پیشوای من گردانی که فقط به توفیق توست که پیروزمندان فوز مییابند و توبهگران توبه میکنند و پرستندگان به پرستشت میافتند و درستکاران و فروتنانِ خداجوی و ترسندگان از (جبروت) تو، به رهآوری توست که نیکبخت میگردند و نجات یافتگان، به رهنمایی توست که از آتش قهرت میرهند و بیمداران از میان خلقت بدان بر خود بیم دارند؛ و به بی یاور وانهادن توست که خطاکاران زیانکار گشته و ستمگران نابود شدند و غافلان در غفلت ماندند. خداوندا، جان مرا آرزوهایش نصیب گردان که تویی ولیّ آن و مولای آن و تویی برتر کسی که آن را از گناه پاک گرداند. خداوندا رهیافتگی اش را پیش راهش قرار ده و پلیدکاری و پرهیزکاریاش را به او الهام نما و از بهشتت، والایی اش را بر او نازل گردان و مرگ و زندگی اش را نیکو گردان و بازگشتگاه و قرارگاه و اقامتگاه و پناهگاه او را گرانمایه ساز، و تویی پروردگار و سرور آن. و سپس به خواست خدا، هر آنچه خواهی دعا نما. (1)

توضیح: «انحاز عنه» یعنی از آن عدول کرد. «من عمل المحَب» بر وزن اسم مفعول است و چنین میآید، هر چند اکثراً وزن اسم مفعولش بر خلاف قیاس، محبوب ساخته میشود. «مبغض» هم اسم مفعول است و میتوان آن را محِب، بر وزن اسم فاعل خواند پس «من» به معنای «ما» خواهد بود که وجه اول بهتر است.

فیروزآبادی گوید: «نبط الماء» یعنی جوشید و «نبط البئر» یعنی آب آن را استخراج کرد. «نبط الرکیه و أنبطها و استنبطها و تنبطها أماهها»، آن را آب دار کرد و هر چیزی که پس از پوشیدگی ظهور یابد. گفته میشود «اُنبط و اُستنبط» و به صورت مجهول است.

1- . مصباح الزائر : 270- 272

باب بیست و چهارم : چگونگی زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

روایات:

1. کامل الزیارات: مالک جهنی از امام باقر علیه السلام روایت کند: هر که در روز عاشورا به زیارت حسین علیه السلام رود تا آنکه نزد وی گریان شود. خداوند را در روز قیامت با ثواب دوهزار حج و دوهزار عمره و دوهزار غزوه دیدار خواهد نمود و ثواب هر حج و عمره و غزوه، همچون ثواب کسی باشد که حج گزارده و عمره رفته و با رسول خدا صلی الله علیه و آله و با امامان رهیافته که صلوات خدا بر ایشان باد، در غزوه ای شرکت جسته باشد. گوید عرض کردم: فدایت شوم! حال آنکه در سرزمینهای دورافتاده باشد، و نتواند در این روز به سوی وی رهسپار شود چیست؟ فرمود: چون این روز فرارسد به صحرایی برون شده و یا به بام بلندی در خانه اش رود و با اشاره به سوی او، به وی سلام فرستد و در نفرین و لعن فرستادن بر قاتل او سخت بکوشد و پس از آن دو رکعت نماز گزارد و این کار را میانه روز و پیش از زوال خورشید انجام دهد و سپس بر حسین علیه السلام ندبه و نوحه گری کند و بر او بگرید و اهل خانه اش را بگوید تا بر او بگریند و در خانه اش با آشکار نمودن شیون و بی قراری بر وی عزاداری بر پا کند و با گریه بر مصیبت حسین علیه السلام با یکدیگر دیدار نمایند، من ایشان را ضمانت نمایم که اگر چنین کنند، خداوند همه این ثواب را برای او به عهده گیرد. عرض کردم فدایت گردم، آیا شما ایشان را، اگر چنین کنند، کفیل این امر و ضامن آن هستید؟ فرمود: من آن را برای ایشان ضمانت میکنم و برای هر که چنین کند، کفیل آن هستم. عرض کردم: چگونه یکدیگر را تعزیت گویند؟ فرمود: میگویند، خداوند اجر ما را به داغمان در مصیبت حسین علیه السلام افزون کند و ما و شما را همراه با ولیّ او و امام هدایت یافته (مهدیّ) از آل محمد صلی الله علیه و آله، از خونخواهان وی قرار دهد. و اگر توانستی آن روز را به دنبال هیچ نیازی روانه نگردی، چنین کن که این روزی نحس است که هیچ نیازی از نیازهای روزمره مومن در آن برآورده نشود و اگر انجام شود

هم برکتی در آن نخواهد بود و ره به جایی نخواهد برد و چیزی برای منزلت ذخیره مکن که هر کس در آن روز چیزی برای خرج خانه اش انباشته سازد، برکتی در آنچه انباشته است نخواهد بود و خانواده اش نیز از آن برکتی برنمی گیرند. و کسی که چنین کند، ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار غزوه، همگی به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله برایش نوشته می شود و ثواب عزاداری برای همه پیامبران و فرستادگان و راستینمنشان و شهیدانی را که از آغاز آفرینش دنیا تا لحظه برپاشدن قیامت، مرده یا کشته شده، خواهد برد. صالح بن عقبه جهنی و سیف بن عمیره گویند: علقمه بن محمد حضرمی گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم، مرا دعایی بیاموز که در آن روز چون از نزدیک زیارتش کردم، وی را به آن به دعا خوانم و دعایی دیگر که چون از نزدیک زیارتش نکردم و از سرزمینی دور و از درون خانه ام به وی اشاره نمودم، وی را به آن به دعا خوانم. گوید: پس فرمود: ای علقمه، چون دو رکعت نماز را پس از آنکه به سلام به سمت وی اشاره نمودی، به جای آوردی و پس از اشاره به او و بعد از آن دو رکعت، این سخن را بگویی، به آن چیزی که فرشتگان زائر او به آن وی را دعا خوانند، دعا کرده ای و خداوند در عوض آن برایت هزار هزار حسنه نویسد و هزار هزار سیئه را بزداید و درجه ات را هزار هزار درجه افزون گرداند و چون کسی باشی که همراه با حسین بن علی علیه السلام شهید گشت تا آنکه با ایشان در درجاتشان سهیم گردی و تنها از شهیدانی به شمار آیی که با وی شهید گشتند و برایت ثواب همه پیامبران و رسولان و ثواب زیارت همه کسانی که از روز قتل حسین بن علی علیه السلام وی را زیارت کرده اند، نوشته خواهد شد. (1)

می گویی: سلام بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر المومنین و فرزند سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای پسر فاطمه سرور بانوان جهان، سلام بر تو ای آنکه خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد، سلام بر تو ای کشته تبار کشتهای که خونخواهی کشتگانت بر کفت مانده است، سلام بر تو و بر همه جانهایی

1- . کامل الزیارات : 174- 176

که بر ساحت تو درنشستند و در خیمهگاه تو رخت اقامت افکندند، بر شما باد سلام خدا از سوی من تا هر آنگاه که زنده ام و تا هرگاه که شب و روز بر جایند، ای ابا عبد الله، به حق که مصیبت تو بر ما بس دشوار و نزد همه اهل آسمانها بس گران بود؛ پس خداوند امتی را که اساس و پایه ظلم و ستم بر شما اهل بیت را بنا نهاد لعنت کند، و امتی را که شما را از مقام و منزلتتان بازداشتند و شما را از درجه ای که خداوند شما را در آن بنشانده بود پس زدند، لعنت فرماید. و خدا لعنت کند امتی را که تو را کشتند و لعنت کند آنان را که با فراهم کردن امکان جنگیدن با شما، زمینه را برای ایشان فراهم کردند. ای ابا عبد الله، من با هر که با شما از در صلح درآمده، صلح و دوستی میجویم و با هر که به جنگ با شما درآمده، تا روز قیامت در جنگ خواهم بود. پس خدا لعنت کند دودمان زیاد و دودمان مروان را و لعنت کند تمام بنی امیّه را و لعنت کند فرزند مرجانه را و لعنت کند عمر بن سعد را و لعنت نماید شمر را و لعنت کند امتی را که اسبها را زین کرده و لگام زده و خود را برای کارزار با تو آماده نمودند. پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد اللّه، به راستی که مصیبت تو بر من گران و دشوار آمد و از خدایی که مقام کرامت به تو داده درخواست می کنم، به واسطه شما مرا مورد کرامتش قرار دهد و روزی من نماید که همراه امام یاری شده از آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به خونخواهی تو برخیزم. خداوندا مرا به آبروی حسین علیه السّلام در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند نما، ای سرور من، ای ابا عبد اللّه، من به دوستی نمودن با تو و بیزاری جستن از هر آن که با تو در جنگ شد و برای جنگ به پا کردن با تو، نقشه کشید و بیزاری از همه دشمنانتان و برائت جستن از هر آن که پایه ستم را ریخت و بنیان آن را بر آن بر پا نمود و ظلم و ستمش را بر شما و پیروانتان روا داشت، به خدای تعالی و رسولش و به امیر المومنین و به فاطمه و به حسن و به تو که سلام و صلوات خدا بر تو باد، تقرب میجویم. به نزد خدا و شما از ایشان برائت جسته و با دوستی با شما و دوستی نمودن با دوستدار شما و بیزاری جستن از دشمنانتان و آنان که جنگ با شما را بر پا داشتند و بیزاری از پیروان و دنبالهروندگان ایشان، به سوی خدا و سپس به سوی شما تقرب میجویم. من با هر که با شما از در صلح درآمده، صلح و دوستی می

جویم و با هر که به جنگ با شما درآمده، در جنگ خواهم بود، با مهرورزنده به شما، مهر و دوستی میورزم و با هر که به دشمنیتان برخیزد، دشمن هستم. پس از خدایی که با شناخت شما و شناخت دوستدارانتان مرا اکرام نمود و بیزاری از دشمنانتان قسمت نمود، درخواست میکنم که مرا در دنیا و آخرت همراه شما قرار دهد و از او تقاضا میکنم که مرا به مقام و جایگه ستوده شما نزد خدا دررساند و خونخواهی شما همراه با پیشوایی هدایت یافته را که سخن حق شما را بر لب دارد، روزی من نماید و به حق شما و منزلتی که شما نزد وی دارید، از او مسألت دارم که به واسطه داغدار بودن دلم بر شما، برترین اجری را که به خاطر مصیبتی به مصیبتدیده ای داده، به من عطا فرماید. در مقام اظهار مصیبت میگویم: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ»، {هان که ما از خداییم و به سوی او بازگردندگانیم.} وای از این مصیبت، چقدر بزرگ است و چه قدر عزای آن در اسلام و بین جمیع اهل آسمانها و زمینها گران و دشوار است. خداوندا مرا در این جایگاه از کسانی قرار ده که از سوی تو درودها و رحمت و آمرزشی به وی میرسد. خداوندا زیستن مرا همچون زیستن محمد و آل محمد و جان سپردنم را همچون جان باختن محمد و آل محمد قرار ده. خداوندا به درستی که امروز روزی است که بر دودمان زیاد و امیّه و پسر هند جگرخوار، آن ملعون بن ملعون؛ به زبان پیامبرت در هر سرزمین و جایگاهی که پیامبرت صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در آن وقوف و درنگ نموده، لعن و نفرین فرو میبارد. خداوندا بر ابا سفیان و معاویه و بر یزید بن معاویه، تا ابد الاباد لعنت فرست. خداوندا، لعنت ابدی خود بر ایشان را دوچندان نما که ایشان حسین را کشتند. خداوندا من امروز و در این جایگهم و در تمام زندگیام به برائت جستن از ایشان و با لعن و ننگ فرستادن بر ایشان و دوستی نمودن با پیامبرت و اهل بیت پیامبرت صلی الله علیه و آله به سوی تو تقرب میجویم. سپس صدمرتبه میگویی: بار خدایا لعنت فرست بر نخست ستمگری که بر حق محمد و آل محمد ستم روا داشت و هم تا آخرین پیرو او در این جنایت. خداوندا لعنت فرست بر این گروهی که با حسین علیه السلام در جنگ شدند و با دشمنان همرهی نمودند و در قتل او و یارانش با ایشان همقسم شدند. خداوندا همه ایشان را لعنت فروفرست. سپس صد

مرتبه بگو: سلام بر تو و بر همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و در خیمهگاه تو رحل اقامت افکندند. بر شما باد سلام خدا از سوی من تا هر آنگاه که زنده ام و تا هرگاه که شب و روز بر جایند، و خداوند این را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد. سلام بر حسین و بر علی بن حسین و بر یاران حسین، درود و صلوات خداوند بر همگی ایشان باد. سپس یک بار میگویی: خداوندا نخستین ستمگری که بر خاندان پیامبرت ستم روا داشت را به لعن و نفرین مختصّ گردان و سپس دشمنان خاندان محمد را از نخستینهای ایشان تا آخرینهایشان لعنت فرست. خدایا یزید و پدرش را لعنت فرما و عبید اللّه بن زیاد و دودمان مروان و همه بنی امیّه را تا روز قیامت لعن و نفرین کن. سپس به سجده برو و در سجده ات بگو: بار خدایا، حمد و ثنا، ثنای سپاسگزاران، تو راست بر مصیبتی که بر آنان وارد گشت، حمد و ثنا خدای راست بر غم جانگداز من از مصیبت گران ایشان، خدایا شفاعت حسین را در روز ورود به محشر نصیبم نما و مرا در نزد خود گام راستینمنشی و صدق همراه حسین و اصحاب حسین ثابت بگردان، آن اصحابی که جانشان را در راه حسین علیه السّلام نثار نمودند. حضرت فرمود: ای علقمه، اگر توانستی که هر روز عمرت، این زیارت را بخوانی چنین کن که تو را به خواست خدای تعالی، ثواب همه آنچه گفته شد، نوشته خواهد شد. (1)

2. شیخ رحمه الله در المصباح به سندی از امام باقر علیه السلام روایت میکند: هر که حسین بن علی علیه السلام را در روز عاشورا محرم زیارت کند... و روایت را شبیه آنچه گذشت پیش میبرد تا به جایی که پس از آن میگویی: سلام بر تو ای ابا عبد اللّه، سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر المومنین و فرزند سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای پسر فاطمه سرور بانوان جهان، سلام بر تو ای آن که خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد، سلام بر تو ای کشته تبار کشته شدهای که خونخواهی کشتگانت بر کفت مانده است، سلام بر تو و بر همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و در خیمهگاه تو رحل اقامت افکندند، بر شما باد سلام خدا از سوی من تا هر آنگاه که زنده ام و تا هرگاه که شب و روز

1- . کامل الزیارات : 176- 179

بر جایند، ای ابا عبد الله، به حق که غم جانگداز از دست دادن تو بر ما و بر همه اهل اسلام بس دشوار بود و مصیبت تو نزد همه اهل آسمانها بس گران و دشوار افتاد، پس خداوند امتی را که اساس و پایه ظلم و ستم بر شما اهل بیت را گذاشت لعنت کند، و امتی را که شما را از مقام و منزلتتان بازداشتند و شما را از درجه ای که خداوند شما را در آن بنشانده بود پس زدند، لعنت فرماید. و خدا لعنت کند امتی را که شما را کشتند و لعنت کند آنان را که با فراهم کردن امکان جنگیدن با شما، زمینه را برای ایشان فراهم کردند. به پیشگاه خداوند و نزد شما از ایشان و از پیروان و دوستداران و دنباله روان آنها بیزاری میجویم. ای ابا عبد الله، من با هر که با شما از در صلح درآمده، صلح و دوستی میجویم و با هر که به جنگ با شما درآمده، تا روز قیامت در جنگ خواهم بود. پس خدا لعنت کند دودمان زیاد و دودمان مروان را و لعنت کند تمام بنی امیّه را و لعنت کند فرزند مرجانه را و لعنت کند عمر بن سعد را و لعنت نماید شمر را و لعنت کند امتی را که اسبها را زین کرده و لگام زده و نقاب بر روی زدند و خود را برای کارزار با تو آماده نمودند. پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد اللّه، به راستی که مصیبت تو بر من گران و دشوار آمد و از خدایی که مقام کرامت به تو داده درخواست میکنم، به آبروی شما مرا مورد کرامتش قرار دهد و روزی من نماید که همراه امام یاری شده از آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم به خونخواهی تو برخیزم. خداوندا مرا به یمن وجود حسین علیه السّلام در دنیا و آخرت نزد خودت آبرومند نما، ای سرور من، ای ابا عبد اللّه، من به دوستی نمودن با تو و بیزاری جستن از هر آن که با تو در جنگ شد و برای جنگ به پا کردن با تو، نقشه کشید و بیزاری از هر آن که پایه ظلم و ستم را برنهاد، به خدای تعالی و رسولش و به امیر المومنین و به فاطمه و به حسن و به تو که سلام و صلوات خدا بر تو باد، تقرب میجویم و از هر آن که بنیان آن را گذاشت و بنیانش را بر آن بر پا نمود و ظلم و ستمش را بر شما و پیروانتان روا داشت، به پیشگاه خدا و رسولش برائت میجویم. به پیشگاه خداوند و نزد شما از ایشان برائت میجویم و با دوستی با شما و دوستی نمودن با دوستدار شما و بیزاری جستن از دشمنانتان و آنان که جنگ با شما را بر پا داشتند و بیزاری از پیروان و دنبالهروندگان ایشان، به سوی

خدا و سپس به سوی شما تقرب میجویم. من با هر که با شما از در صلح درآمده، صلح و دوستی میجویم و با هر که به جنگ با شما درآمده، در جنگ خواهم بود. با مهرورزنده به شما، مهر و دوستی میورزم و با هر که به دشمنیتان برخیزد، دشمن هستم. پس از خدایی که با شناخت شما و شناخت دوستدارانتان مرا اکرام نمود و بیزاری از دشمنانتان قسمت نمود، درخواست میکنم که مرا در دنیا و آخرت همراه شما قرار دهد و مرا در نزد شما در دنیا و آخرت، گام راستینمنشی و صدق ثابت گرداند و از او تقاضا میکنم که مرا به مقام و جایگه ستوده شما نزد خدا دررساند و خونخواهی شما همراه با پیشوایی هدایت یافته یاریگری را که سخن حق شما را بر لب دارد، روزی من نماید و به حق شما و منزلتی که شما نزد وی دارید، از او مسألت دارم که به واسطه داغدار بودن دلم بر شما، برترین اجری را که به خاطر مصیبتی به مصیبتدیده ای داده، به من عطا فرماید. مصیبتی که چقدر بزرگ است و چقدر بزرگ است غم جانگداز آن در اسلام و در میان همه اهل آسمانها و زمین. خداوندا مرا در این جایگاه از کسانی قرار ده که از سوی تو درودها و رحمت و آمرزشی به وی میرسد. خداوندا زیستن مرا همچون زیستن محمد و آل محمد و جان سپردنم را همچون جان باختن محمد و آل محمد قرار ده. خداوندا این روزی است که بنی امیّه و پسر هند جگرخوار، آن ملعون بن ملعون؛ به زبان پیامبرت در هر سرزمین و جایگاهی که پیامبرت صلّی اللّه علیه و آله و سلّم در آن وقوف و درنگ نمود، آن را مایه برکت و میمنت برای خود برشمردند. خداوندا بر اباسفیان و معاویه و بر یزید بن معاویه، تا ابد الاباد لعنت فرست. و این روزی است که دودمان زیاد و مروان به خاطر کشتن حسین صلوات الله علیه، در آن شادمانی کردند. خداوندا پس لعنت و عذابت بر ایشان را دوچندان نما. خداوندا من امروز و در این جایگهم و در تمام زندگیام به برائت جستن از ایشان و با لعن و ننگ فرستادن بر ایشان و دوستی نمودن با پیامبرت و اهل بیت پیامبرت علیهم السلام به سوی تو تقرب میجویم. سپس میگویی: بار خدایا لعنت فرست بر نخست ستمگری که بر حق محمد و آل محمد ستم روا داشت و هم تا آخرین پیرو او در این جنایت. خداوندا لعنت فرست بر این گروهی که با حسین علیه السلام در جنگ شدند و در قتل او با دشمنان

همرهی نمودند و با ایشان همقسم شدند. خداوندا همه ایشان را لعنت فروفرست و این را صد مرتبه میگویی. سپس میگویی: سلام بر تو و بر همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و در خیمهگاه تو رحل اقامت افکندند، بر شما باد سلام خدا از سوی من تا هر آنگاه که زنده ام و تا هرگاه که شب و روز بر جایند، و خداوند این را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد. سلام بر حسین و بر علی بن حسین و بر یاران حسین، درود و صلوات خداوند بر همگی ایشان باد. و این را صد مرتبه میگویی. سپس میگویی: خداوندا نخستین ستمگری که بر خاندان پیامبرت ستم روا داشت را تو به لعن و نفرین از سوی من مختصّ گردان و نخست از او آغاز نما و سپس دومی و سومی و چهارمی. خداوندا یزید بن معاویه را در مقام پنجمین لعنت فرست و بر عبید اللّه بن زیاد و پسر مرجانه و عمر بن سعد و شمر و دودمان ابی سفیان و دودمان زیاد و دودمان مروان تا روز قیامت لعن و نفرین فرست. سپس به سجده برو و در سجده ات بگو: بار خدایا حمد و ثنا تو راست، چون ثنایِ شکرگزارانِ تو بر مصیبتی که بر آنان وارد گشته است. حمد و ثنا خدای راست بر غم این داغ جانگداز نشسته بر دلم. خدایا شفاعت حسین را در روز ورود به محشر نصیبم نما و مرا در نزد خود گام راستینمنشی و صدق همراه حسین و اصحاب حسین که جانشان را در راه حسین علیه السّلام نثار نمودند؛ ثابت بگردان.

علقمه گوید که امام باقر علیه السلام فرمود: ای علقمه، اگر توانستی که هر روز عمرت، این زیارت را بخوانی چنین کن و تو را به خواست خدای تعالی، ثواب همه آنچه گفته شد، نوشته خواهد شد. (1)

3. محمد بن خالد طیالسی از سیف بن عمیره روایت کند که گفت: با صفوان بن مهران شتربان و گروهی از یارانمان، پس از آنکه امام صادق علیه السلام (برای این سفر)، رفته بودند، به غریّ رفتیم و از حیره به سمت مدینه روان شدیم و چون از زیارت امیر المؤمنین علیه السلام فارغ گشتیم، صفوان چهره به سمت ابا عبد الله علیه السلام گرداند و گفت: از این مکان از کنار سر امیر المومنین صلوات الله علیه، از همین جا حسین علیه السلام را زیارت میکنید و (قبلاً) امام صادق علیه السلام (از

1- . مصباح الطوسی : 538- 542

همین جا) به امام حسین علیه السلام توجه کرد و اشاره نمود و من همراه ایشان بودم. گوید: پس صفوان با زیارتی که علقمه بن محمد حضرمی از امام باقر علیه السلام در اعمال روز عاشورا روایت کرده بود، به دعا نشست و سپس دو رکعت نماز در کنار سر امیر المومنین علیه السلام خواند و پس از آن دو رکعت با امیر المومنین علیه السلام وداع نمود و به حالت تعظیم، رویش را به سمت امام حسین علیه السلام کرد و به وی سلام نمود و سپس وداع نمود؛ و از دعاهایی که پس از نمازش خواند این بود: خداوندا خداوندا خداوندا! ای پاسخگوی دعای چارهبریدگان، ای زداینده اندوه های دلغمینگشتگان، ای نجاتبخش یاریجویان، ای فریادرس فریادخواهان، ای آن که از رگ گردن به من نزدیک تری و ای آن که میان انسان و دلش درنشینی، ای آن که در چشم انداز برترینی و در افق مبینی و ای آن که اوست بخشاینده افزون مهر که بر عرش استوار نشست و ای آن که خیانتگری چشمها را دریابد و آنچه سینه ها درون خود پنهان کنند. و ای آن که هیچ پنهانی از نگاه او دور نماند و هیچ صدایی بر او مشتبه نگردد و آن که درخواستها او را به اشتباه نیفکند و ای آن که پایفشاری پایفشاران او را به ستوه نیاورد، ای دریابنده هر از دست رفتنی و ای گرد آورنده هر جمعی و ای آفرینشگر جانها پس از مرگ، ای آن که هر روز در امری عظیم است، ای برآورنده حاجات، ای برونکننده اندوه از دلها، ای هبهکننده خواهشها، ای همهکاره نیک پردازنده آرزوها، ای تو بسنده همه بزرگترین خواسته ها و نیازها، ای آن که همه چیز را بسنده است و هیچ چیزی در آسمانها و زمین در جایگزینی او بسنده نیست، به حق محمد و علی و به حق فاطمه دخت نبی تو و به حق حسن و حسین؛ که من به آبروی ایشان در این جایگهم به تو روی نموده و به آبروی ایشان توسل جسته و به ایشان نزد تو شفاعت جسته ام و به حق اینان از تو درخواست میکنم و سوگند یاد کرده و قسم میخورم و به منزلتی که ایشان نزد تو دارند و جایگهی که نزد تو از آن برخوردارند و به آنچه ایشان را بدان بر جهانیان برتری بخشیدی و به نامت که آن را نزد ایشان نهادی و ایشان را، برکنار از همه جهانیان، به آن اختصاص دادی و بدین وسیله ایشان را به ظهور رسانده و فضل ایشان را بر فضل جهانیان آشکار گرداندی تا آنکه فضل ایشان بر فضل

جهانیان برتری یافت؛ از تو مسألت مینمایم که بر محمد و آل محمد درود و صلوات فرستی و اندوه و دلنگرانی و دلپریشی ام را از دلم بیرون کنی و در امور حیاتی و مهمم بسنده من باشی و دین و بدهکاری ام را از گرده ام سبک نمایی و مرا از تهیدستی نجات بخشی و از نداری رهایی بخشی و مرا از گدایی و درخواست از مردمان بینیاز گردانی و مرا در برابر دلنگرانی آن که از دلنگرانی از جانب او هراسانم، و از سختی و تنگنای آنچه از تنگنا و سختی اش ترسانم، و از سرسختی و نفوذناپذیری آنکه از سرسختی اش نگرانم و شر آن که از شرش گریزانم و نیرنگ آن که از نیرنگش هراسانم و درازدستی آن که از درازدستی اش بیم خورم و ستم آن که از ستمش ترسانم و چیرگی آن که از چیرگی و سلطنت یافتنش ترسانم و کینه آن که از کینه اش نگرانم و توانمندی آن که از بلای توانمندی اش ترسانم، بسنده باشی و کینه کینهتوزان و نیرنگ نیرنگبازان را به خودشان بازگردانی.

خداوندا، هر که قصد مرا کرده (به بدی)، تو قصد او کن و هر که به بدخواهی بر من نیرنگ زد، پس تو همانسان او را نیرنگ کن و کینه و نیرنگ و زورگویی و آرزوهای او را از من دور دار و او را هر گونه که پسندی، از من باز دار. خداوندا او را از من به بینوایی ای که چاره اش نکنی و به بلایی که بر او نپوشانی و به تنگدستی ای که برطرف نسازی و به ناخوشی ای که سلامتی اش نبخشی و خواری ای که سرفرازی اش ندهی و بیچارگی ای که به صلاحش نیاوری، گرفتار نما. خداوندا خواری اش را همیشه پیش چشمش نِه و تنگدستی را به درون خانه اش بنشان و درد و ناخوشی را بر پیکرش افکن تا او را به بلایی همیشگی که از آن رهایی نیابد، از من بازداری و یاد مرا از ذهن او دور دار، همانسان که نام خودت را از دلش پاک کردی و گوش و چشم و زبان و دست و پا و دل و همه اندام او را از آزار به من دور کن و در همه این اعضایش بر او ناخوشی سرازیر کن و او را شفا مبخش تا آن که آن را درگیری همیشگی اش کنی که من و یاد مرا به آن فراموش نماید و ای کفایتکننده مرا در آنچه جز توئی بسنده نباشد، بسنده باش که تنها تویی بسنده کافی و بسنده ای جز تو نیست و تنها تویی رهایی بخش که جز تو رهایی بخشی نیست و تنها تویی کمکرسان که جز تو کمکرسانی نیست و تنها تویی پناهدهنده که جز تو

پناهدهنده ای نیست، و نومید ماند هر آن که پناهدهنده اش جز تو باشد و یاریگرش جز تو و پناهش جز تو و گریزگاه و امانخانه اش به نزد دیگری باشد و محل نجاتش نزد مخلوق و غیر تو باشد، که تویی مایه اعتماد و امید و پناهگاه و گریزگاه و تکیه گاه و امانخانه و خانه نجات من، و تنها از تو خواهش یاری دارم و فقط به لطف تو در پی پیروزی روانه ام و به آبروی محمد و آل محمد به تو روی آورده و توسل میکنم و شفاعت میجویم، پس ای خدا، ای خدا، ای خدا، از تو مسألت مینمایم که تو راست حمد و ثنا و تو را سزد سپاس و شکایت و گلایه تنها به نزد تو رواست و تویی دستگیر، پس از تو مسألت میکنم ای خدا، ای خدا، ای خدا، به حق محمد و آل محمد که بر محمد و آل محمد درود فرستی و اندوه و دلنگرانی و پریشانحالی ام را در این جایگهم از دلم بزدایی، همان سان که دلنگرانی و اندوه و پریشانحالی پیامبرت را از دلش زدودی و او را در هول و هراس از دشمنش بسنده بودی، پس همانسان که از وی زدودی از من نیز بزدا و بر من گشایش حاصل آور چنان که وی را گشایش بخشیدی و مرا کفایت نما همانسان که او را کفایت نمودی و هراس آنچه از هولش ترسانم و سختی آنچه از سختی اش نگرانم و دلنگرانی آنچه از دلنگرانی اش بیم دارم را بی هیچ گرانی و شدتی بر جان من از سوی این امور، از من بازدار و مرا با برآوردن حاجاتم و کفایت نمودن آنچه از امر دنیا و آخرتم که دلنگرانی اش مرا نگران کرده، بازگردان. ای امیر المومنین، بر تو سلام از سوی من تا آنگاه که شب و روز پا بر جایند و خداوند این زیارت را آخرین فیض من از زیارت شما دو تن قرار ندهد و میان من و شما جدایی نیفکند. خداوندا مرا زیستنی بسان زیستن محمد و سلاله اش و جان باختنی چون جان باختن ایشان عطا فرما و مرا بر کیش ایشان بمیران و در میان آنان محشور گردان و چشم بر هم زدنی مرا از ایشان در دنیا و آخرت هرگز جدا مگردان.

ای امیر المومنین و ای ابا عبد الله، به زیارت نزد شما آمده و به خداوند، پروردگارم و پروردگار شما توسل جسته و به آبروی شما روی سوی وی نهاده و به آبروی شما درباره حاجتم نزد خداوند شما را به شفاعت خوانده ام، پس مرا نزد او شفاعت جویید که شما را به پیشگاه خدا جایگاه ستوده و شأن آبرومند و منزلت بلند

و وسیله هست. من از نزد شما میروم و منتظر عملی شدن وعده برآورده شدن حاجتم و محقق گشتن و نتیجه یافتن آن نزد خداوند به شفاعت جستن شما برای من به پیشگاه الهی درباره آن مینشینم، پس مباد که ناکام مانم و بازگشتم بازگشتی زیانکارانه و بی نتیجه نباشد، بلکه بازگشتم بازگشتی پیروزمند و رستگاری یافته و با حاجت قضا شده در همه درخواستهایم باشد و مرا نزد خداوند شفاعت جویید. بدانچه خدا خواهد بازمی گردم و هیچ چاره و جنبشی جز به توان الهی نیست، بدین حال که امر خود به خدا واگذارده و به پشتیبانی خداوند اعتماد جسته و بر او توکل نموده و میگویم: «حَسْبِیَ اللَّهُ»، {خداوند مرا بسنده است و کفایت کننده.} خداوند دعای نیایشگرش را بشنود و پس از خدا و شما ای سرورانم، مرا مقصودی نیست، هر آنچه خدا خواهد همان شود و آنچه خدا نخواهد، رخ ندهد و هیچ چاره و جنبشی جز به توان الهی نیست. شما را به خدا میسپارم و خداوند این را آخرین دیدار من با شما قرار ندهد. ای امیر المومنین و ای مولای من و تو ای ابا عبد الله، ای سرورم، ره بازگشت گرفته ام و سلام و درودم تا آنگاه که شب و روز پیوسته اند، پیوسته بر شماست و به شما میرسد و از رسیدن به شما در حجاب نمانده است، به خواست خدا و از خدا میخواهم که به حق شما این امر را بخواهد و به انجام رساند که او ستوده و والاشکوه است. ای سرورانم، از نزد شما باز میگردم، توبه گر و ستایشگر خداوند و سپاسگزار و امیدوار به اجابت، و نه نومید و نه بیچاره پندار خود به خشم، و هم به قصد بازگشت و رجوع به زیارت شما و نه رویگردانده از شما و نه از زیارت شما بلکه بازگردنده و رجوع کننده به خواست خدا و هیچ چاره و جنبشی جز به توان الهی نیست. ای سروران من، مشتاق شما و زیارت شما بوده ام پس از آنکه اهل دنیا از شما و زیارت شما دوری جستند، پس خداوند مرا در آنچه با زیارت شما بدان دل بسته و چشم داشته ام، ناکام مگذارد که او نزدیک است و پاسخگو.

سیف گوید: پس از صفوان پرسیدم و گفتم، علقمه بن محمد چنین خبری را از امام باقر علیه السلام به ما نرساند و فقط دعای زیارت را برایمان گفت. صفوان پاسخ داد: با سرورم امام صادق علیه السلام به این مکان آمدم و ایشان نظیر آنچه که

اکنون ما در زیارتمان انجام دادیم رفتار نمود و پس از نمازی شبیه آنچه اکنون خواندیم، به هنگام وداع این دعا را خواند و همان سان که ما حضرت را وداع نمودیم، وداع کرد. سپس صفوان به من گفت: امام صادق علیه السلام مرا فرمود: همواره به این دعا خوی بگیر و آن را بخوان و به آن زیارت نما و من در پیشگاه خدای تعالی برای هر که به این زیارت، زیارت نماید و به این دعا، از دور یا نزدیک دعا بخواند، ضامن هستم که زیارتش پذیرفته و پویشش سپاسنهاده و درودش دررسیده و نه در پرده مانده و حاجتش از سوی خداوند، هر چه باشد، برآورده خواهد بود و او را نومید مگذارد. ای صفوان، این زیارت را به همین ضمانت از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن حسین علیه السلام آن را ضمانت شده به همین تضمین از حسین، و حسین از برادرش حسن با همین تضمین و حسن از پدرش امیر المومنین علیه السلام به همین تضمین و امیر المومنین از رسول خدا ضمانت شده به همین تضمین و رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمانت شده به همین تضمین از جبرئیل و جبرئیل از خدای عز و جل به همین تضمین شنید و خداوند بر ذات اقدسش عز و جل سوگند یاد کرده که هر که حسین علیه السلام را به این زیارت از دور یا نزدیک زیارت نماید و این دعا را بخواند، زیارتش را میپذیرم و حاجت او را، هر چه خواهد باشد، شفیع میگردم و خواسته اش را به وی عطا میکنم و سپس از نزد من دست خالی باز نمیگردد و او را شادماندل و خوشحال از برآورده شدن حاجتش و فوز یافتن به بهشت و رهایی از آتش باز میگردانم و شفاعت او را در حق هر کسی که برایش شفاعت جوید، مگر ستیزه جوی با ما اهل بیت، میپذیرم. خداوند به این سخن بر ذات اقدسش سوگند یاد نموده و ما را بر آنچه که فرشتگان ملکوتش بر آن گواهی دادند، به شهادت گرفته است. سپس جبرئیل گفت: ای رسول خدا، خداوند مرا به شادمانی و مژده به تو و شادمانی و مژده به علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از سلاله تو تا روز قیامت، فرو فرستاد، پس ای محمد، سرور و شادمانی تو و شادمانی علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان و شیعیان شما تا روز رستاخیز ادامه یابد. سپس صفوان به من گفت: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای صفوان، اگر حاجتمند گشتی، به این زیارت، هر کجا که بودی، زیارت

کن و این دعا را بخوان و حاجتت را از خدایت درخواست کن که آن را از حضرتش درخواهی یافت و خداوند وعده اش به پیامبرش در منت نهادن بر او را زیر پای نمینهد و حمد و ثناء خدای راست. (1)

توضیح: گفته آن حضرت علیه السلام: «إذا انت صلیت الرکعتین»، میگویم: در عبارت اشکال و اجمالی هست که چند وجه را در بر دارد:

اول: مراد انجام دادن آن اعمال و ادعیه قبل از نماز و بعد آن به طور مکرر باشد.

دوم: مراد اشاره به سلام دیگر باشد به هر لفظی که اراده کرد، سپس نماز و سپس خواندن این دعاهای مخصوص.

سوم: مراد از سلام، السلام علیک باشد تا به ذکرهای مکرر برسد سپس نماز بخواند و هر یک از دو دعا را صد بار بعد از نماز تکرار کند و سپس مابعد آنها را انجام دهد.

چهارم: نماز بعد از تکرار دو ذکر صد تا صد تا باشد سپس بعد از نماز بگوید: «اللهم خصّ انت اول ظالم ...» تا آخر دعاها.

پنجم: نماز بین این دو ذکر باشد زیرا حضرت علیه السلام فرمود: برای نفرین بر قاتلش تلاش کند و سپس نماز بخواند.

ششم: نماز متصل به سجده باشد که شاید این بهتر باشد، به خاطر مناسبتی که نماز با سجده دارد و چون ظاهر روایت این است که نماز بعد از هر سلام و لعن باشد و احتمال بودن نماز بعد از ذکرها بدون تکرار بعد آنها، بسیار بعید است.

سپس بدان که در مصباح و مزار سید، به جای بعد از رکعتین، بعد از تکبیر آمده است که شاید مراد از تکبیر، مجازا همان نماز باشد. به هر حال، عبارت در نهایت تشویش است و شاید احتیاط، خواندن نماز در همه این مواضع احتمالی باشد. کفعمی رحمه الله آن را به معنای دوم حمل کرده و تکبیر را تکبیر مستحب قبل از زیارت گرفته وگفته است: به آن حضرت علیه السلام اشاره میشود و سپس برای نفرین بر قاتلانش تلاش میکند، سپس دو رکعت نماز میخواند سپس ندبه و تعزیه

1- . مصباح الطوسی : 542- 546

را چنان که گذشت انجام میدهد. سپس گفته است: وقتی دو رکعت ذکر شده را خواندی، صد بار تکبیر بگو و سپس به آن حضرت اشاره کن و بگو: السلام علیک یا اباعبدالله ... تا آخر زیارت.

«رزیئه» یعنی مصیبت. در برخی نسخهها بدون همزه و با تشدید آمده که برای تخفیف همزه به یاء قلب است. ابن مرجانه همان ابن زیاد است و اینکه بعد از بنی امیه ذکر شده، به خاطر شدت کفر و عناد وی یا به خاطر ولد الزنا بودن اوست. گفته آن حضرت علیه السلام: «و تنقبت» شاید نقاب بین آنها هنگام رفتن به جنگ متعارف بوده، بلکه در همه سفرها برای پرهیز از دشمنانشان تا شناخته نشوند و این اشاره به آن است. کفعمی گفته: ممکن است مأخوذ از نقاب زنان باشد یعنی شامل آلات جنگ بوده، همان طور که زن، نقاب را نیز شامل میشود پس نقاب استعاره است؛ یا مأخوذ از «نقبه» باشد که لباسی در برگیرنده اوست مانند ازار یا معنای تنقبت «در راههای زمین حرکت کرد» باشد و از همین است کلام خدا: «فنقّبوا فی البلاد» یعنی بچرخید و به راههای آن بروید. (شعر)

بیتردید در آفاق چرخیدهام تا این که از غنیمت، به همان بازگشت راضی شدهام

گفته آن حضرت علیه السلام: «أن یبلغنی المقام المحمود» یعنی مقام شفاعت؛ مرا سزاوار شفاعت شما یا ظهور امام حق و برتر ساختن دین و سرکوب کافران گرداند. گفته وی: «مصیبه» منصوب به فعل مقدر «اذکر» یا «أعنی» است. گفته آن حضرت علیه السلام: این که هر روز او را زیارت کنی، میگویم: این رخصت مستلزم رخصت در تغییر عبارت زیارت نیز هست مثل این که بگوید: «اللهم إن یوم قتل الحسین علیه السلام یوم تبرکت به» عبارت کامل الزیاره نیازی به تغییر ندارد.

«من حبل الورید»، حبل رگ است و اضافه بیانیه است و «وریدان» دو رگ کنار هم بر روی گردن در ابتدای آن و متصل به رگ وتین هستند ، و اینکه نزدیکی را به آن نسبت میدهند، اشاره به جهت نزدیکی دارد که همان علّیّت است. گفته وی: «یا من یحول بین المرء وقلبه» یعنی دلها را به آنچه که انسان نمیخواهد برمیگرداند چنان که حضرت امیر علیه السلام فرمود: خدا را با فسخ ارادهها شناختم، یا او به

آنچه که در دل انسان نسبت به او وجود دارد آگاهتر است، یا آنچه در قلبش هست را بر او میپوشاند و برای منافعی آنها را میفراموشاند. بودن او در منظر اعلی و افق مبین، کنایه از علو مرتبه و آشکاری امر اوست.

«خائنه الأعین» یعنی خیانت آن، یعنی دزدیدن نگاه به چیزهایی که نباید به آنها نگاه کند. گفته شده که رمز به چشم است. و گفته شده: آن گفتار انسان است که میگوید: دیدم و ندیده و میگوید: ندیدم و دیده است. گفته آن حضرت علیه السلام: «یا من تغلطه الحاجات» یعنی زیادی عرضه نیازها بر او در یک لحظه باعث نمیشود اشتباه کند، چنان که مخلوق اشتباه میکند. «یا من لایبرمه»، از باب افعال است و به معنی، اصرار اصرار کنندگان باعث خستگیاش نمیشود. «یا مدرک کل فوت»، از بین رفته و فوت یعنی سبقت. «فاته» از او پیشی گرفت. «شمل»، جمع و اجتماع امور. «حزونه»، خشونت. «انقلب علی ما شاء الله»، برمیگردم در حالی که بر این گفته و این عقیده هستم (که ماشاء الله، یعنی هر چه خدا بخواهد) و خبر موصول، محذوف است یعنی «ما شاء الله کان». «شفعته» از باب تفعیل یعنی شفاعت او را پذیرفتم.

مؤلف: سید رضی الله عنه در مصباح الزائر بعد از ذکر آن روایت و زیارت و دعا میگوید: این روایت را خودمان با سند خودمان از مصباح الکبیر نقل کردهایم و با خط مصنف آن رحمه الله مقابله شده و در الفاظ زیارت، آن دو فصلی که صد با تکرار میشود موجود نبود بلکه آن را از مصباح الصغیر نقل کردیم. سپس گفت: چون از زیارت فارغ شدی، شهیدان را با این زیارت، زیارت کن و سپس زیارتی را که در باب جداگانه به روایت ابو منصور از ناحیه مقدسه آوردیم، آورده است و مفید و دیگران نیز آن زیارت را اینجا ذکر کردهاند

4. شیخ رحمه الله در المصباح زیارت دیگری مخصوص روز عاشورا به روایت از عبد الله بن سنان نقل میکند که گفت: در روز عاشورا به خدمت سرورم امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم و او را گرفته و اندوهگین دیدم و اشکهایش چون مرواریدهای غلتان فرو میافتاد. گفتم ای پسر رسول خدا، خدا چشمانتان را گریان نسازد، از چه روی میگریی؟ حضرت مرا گفت: آیا تو غافلی، و آیا خود خبر

نداری که حسین بن علی علیه السلام در چنین روزی به شهادت رسید؟ گفتم درباره روزه در این روز چه میفرمایید؟ فرمود: بدون نیت کردن از شب قبل در این روز روزه بگیر و بدون شماتت و شادمانی افطار کن(1)

و آن را روزه کامل قرار مده و ساعتی پس از نماز عصر با نوشیدن آبی افطار کن، زیرا که در مثل این وقت از این روز، سایه سیاه جنگ از سر خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله کم گشت و غوغای نبرد از ایشان دور گشت، حال آنکه سی تن از ایشان در کنار غلامان و موالی ایشان نقش بر زمین گشته بودند که درغلتیدن ایشان بر خاک، بر پیامبر صلی الله علیه و آله دشوار بود و اگر در این روز در این دنیا و زنده بود، بی شک که او صلوات الله علیه و آله صاحب عزای ایشان بود. گوید و امام صادق علیه السلام همچنان گریست تا آنکه محاسن مبارکش به اشکهایش خیس گشت، سپس فرمود: خدای عز و جل آنگاه که نور را آفرید، آن را به تقدیر خود در روز جمعه ای در اول ماه رمضان آفرید و تاریکی را به تقدیر خود در روز چهارشنبه مطابق عاشورا در مثل چنین روزی یعنی دهم ماه محرم آفرید و هر یک را مشرب و روشی نهاد.

ای عبد الله بن سنان، به راستی که برترین کاری که در این روز انجام دهی آن است که لباسی نو برگیری و بپوشی و تسلّب کنی. گفت: تسلب یعنی چه؟ فرمود: یعنی اینکه تکمه هایت را برکنی و بازوانت را همچون عزاداران از لباس بیرون اندازی. سپس به سوی زمینی خشک و بیابانی که کسی تو را در آن نبیند بیرون شو و یا وقتی که خورشید اوج میگیرد، در اتاقی خالی در منزلت و یا در خلوتی بمان و چهار رکعت نماز بگزار و در رکوع و سجدهاش تا توانی ذکر و نیایش کن و میان هر دو رکعت سلام میدهی و در رکعت اول سوره حمد و قل یا ایها الکافرون و در دوم حمد و قل هو الله احد میخوانی و سپس دو رکعت دیگر میخوانی و در اولی حمد و سوره احزاب و در دومی حمد و سوره اذا جاءک المنافقون و یا هر چه که از قرآن توانستی میخوانی و سپس سلام داده و روی سوی قبر حسین علیه السلام و قتلگاه او میگردانی و بر زمین افکنده شدن او و هر آن کس از فرزندان و خانواده اش که با وی بود را تجسّم میکنی و بر او سلام داده و صلوات میفرستی و قاتلش

1- . در مخالفت با آنانکه در این روز به تبرک و شماتت روزه میگیرند.

را لعن و نفرین میفرستی و از کردار ایشان بیزاری میجویی و خداوند عز و جل به این عمل، درجات تو را در بهشت والا گرداند و گناهان را از تو فرو میریزاند و سپس در مکانی که هستی، بیابان باشد یا هر فضای باز یا هر جا که باشد، چند گامی میروی و در این هنگام میگویی: إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ: به راستی که ما از خداییم و به سوی خدا بازگردندگانیم. راضی ام به قضای خدا و تسلیمم به امر خدا و در این حال بایسته است که بر تو حالت حزن و اندوه باشد و بسیار ذکر خدای سبحان و انا لله و انا الیه راجعون بگو و چون از این پویه و کردار فارغ گشتی، پس در محلی که نماز خواندی بر پای ایست و بگو: خداوندا، فاجران گنه پیشه ای را که با رسولت سر ناسازگاری گذاردند و با اولیای تو به دشمنی برخاستند و غیر تو را به پرستش گرفتند و آنچه را حرام شمرده بودی را برای خود حلال کردند و سرکردگان و دنباله روان را و هر کس در میان ایشان بود و با آنان فساد و تباهی سرگرفت یا به کرده ایشان خشنود بود را لعنت بی پایان کن. خداوندا، گشایش آل محمد را زودتر دررسان و صلواتت را بر ایشان فرو فرست و ایشان را از ستم منافقین و گمراه کنندگان و کافران انکارپیشه رهایی بخش و آنان را فتح و گشایشی آسان نصیب کن و برایشان مدد و فرجی زودرس فراهم نما و از نزد خود بر دشمنت و دشمن ایشان چیرگیِ یاریبخشی قرار ده.

سپس دستانت را بالا بگیر و به این دعا قنوت بگیر و در

حالی که به دشمنان خاندان محمد صلوات الله علیه اشاره میکنی، بگو: خداوندا، بسیاری از این امت با امامان به حفاظت سپرده به دشمنی برخاستند و به کلمه الهی کفر ورزیده و سر به پیروی از سرکردگان ستمگران نهادند و کتاب و سنت را کنار نهادند و از دو رشته ای که دستور به فرمانبری از آن و چنگ زدن به آن نمودی، عدول نمودند و حق را میراندند و از راه میانه، کجروی نمودند و به یاری گروه ها و احزاب برخاسته و کتاب خدا را تحریف نموده و چون حق به سویشان آمد، به آن کفر ورزیدند و باطل را چون از پیش رویشان گذشت، سخت چسبیدند و حق تو را تباه داشتند و بندگانت را گمراه نمودند و فرزندان پیامبرت و برترین بندگانت و حاملان دانشت و وارثان حکمت و وحی ات را کشتند. خداوندا، پس پاهای دشمنانت و دشمنان

پیامبرت و اهل بیت پیامبرت را به لرزه افکن، خداوندا، دیار ایشان را ویران گردان و سلاحشان را کند و ناکار کن و در یکدستگی شان اختلاف افکن و بازوانشان را بی توان گردان و کید و دشمنی پنهان ایشان را سست گردان و ایشان را به شمشیر برنده ات ضربت زن و به سنگ سرشکنت بر سرشان کوب و ایشان را غرق بلایی چون شن روان گردان و کوهی بلند از عذاب بر سرشان خراب کن و ایشان را عذابی ناخوشایند نما و ایشان را به عذاب قحطیها و شکنجه ها که دشمنانت را به آن نابود گرداندی، منکوب نما که تویی شکنجهکش از جنایتپیشگان. خداوندا ایشان سنت تو را تباه نموده اند و احکامت را اجرا ناشده گذارده اند و عترت پیامبرت را در پهنه زمین سرگردان نموده اند. خداوند پس حق و اهلش را یاری کن و باطل و اهلش را سرکوب گردان و به نجاتت بر ما منت نه و به ایمان رهنمایمان باش و فرج و گشایش ما را زود رسان و آن را به فرجیابی اولیایت ملحق نما و ایشان را دوستان ما قرار ده و ما را درنشسته به کویشان نما و هر که روز قتل پسر پیامبرت و برترینت را عید گرفت و چهره اش از شوق و ذوق آن شادمان و شکفته گشت، هلاک گردان و آخرین ایشان را چنان که اولین ایشان را منکوب نمودی، نابود گردان و پروردگارا عذاب ایشان را و شکنجه های ستمبردگان بر اهل بیت پیامبرت دوچندان نما و دنبالهروان و سرکردگان ایشان را هلاک کن و پشتیبانان و گردآمدگان ایشان را آزار نما. خداوند صلوات و رحمت و برکاتت را بر عترت پاکِ تباهگشته بیمخورده تحقیرگشته که باقیماندگان از تبار نیکآیند پاکدامن برکتیافته اند، فرو فرست و سخن حقیقت ایشان را فراز گردان و حجت ایشان را از پرده برون کن و بلا و سختی و تاریکی اباطیل و رهنیافتگی را از ایشان برکنار دار و دلهای شیعیان ایشان و حزبت را بر فرمانبری از تو و ولایتپذیری ایشان و یاری و دوستی نمودن با آنان قرص و استوار گردان و یاریشان نما و در برابر آزار دیدن در راهت شکیبایشان کن و ایشان را ایّام شکوهمند که همگان به فضلش اعتراف نمایند و روزگارانی ستوده نصیب گردان که فرج و گشایش در امرشان در آن نزدیک گردد و قدرت دادن و یاری را برایشان، چنان که آن را در کتابت برای دوستدارانت تضمین نمودی، واجب گردانی. چرا که تو خود فرموده ای و فرموده ات حق است که «وَعَدَ

اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً يَعْبُدُونَنِي لا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئاً»(1) {خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتما آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [به حالی که] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.} خداوندا اندوه ایشان را از دلشان بزدا، ای آن که جز او کسی توان رفع زیان و آسیب ندارد، ای یگانه، ای یکتا، ای زنده، ای برخیزنده به اتمام همه کارها، و من ای خدای من، بنده پر خشیت تو و بازگردنده به تو و درخواست کننده از تو و روی آورنده به تو و پناه آورده به ساحت تو هستم و دانای به اینکه پناهی از تو جز به سوی تو نیست، پس دعایم را بپذیر ای خدای من، سخن آشکار و نیایش نجواگرانه ام را بشنو ای خدای من و مرا از کسانی قرار ده که از عملشان راضی گشته و آیینهای پرستشگری او را پذیرفته و او را به رحمتت نجات بخشیده ای. هان که تویی سرفراز بخشنده. خداوندا، در اول و آخر بر محمد و آل محمد درود فرست و بر محمد و آل محمد برکت افزون گردان و بر محمد و آل محمد رحمت آور، به بیکاستترین و برترین آنچه که بر پیامبران و فرستادگان و فرشتگان و حاملان عرشت صلوات در داده و برکت افزون کرده و رحمت آورده ای، رحمت آور به لا اله الا انت: خدایی نیست جز تو. خداوندا، میان من و محمد و خاندان محمد که صلوات تو بر او و ایشان بود، جدایی میفکن و مرا ای سرورم، از پیروان محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و سلاله پاک برگزیده ایشان قرار ده و نعمت چنگ درزدن به رشته ایشان و خرسندی به رفتن به راه ایشان و سر نهادن به شیوه و طریقه ایشان عطا فرما که تو دستودلباز و بخشنده ای.

1- . نور / 55

سپس چهره ات را بر زمین بمال و بگو: ای آن که هر چه خواهد حکم کند و هر چه خواهد کند، تو حکم نمودی و حمد و ثنا تو راست، پسندیده و سپاسگفته، پس ای مولای من، فرج ایشان را و فرج ما به ایشان را زود رسان، که تو سرفراز کردن ایشان پس از خوار گشتن و بسیار شدن پس از اندک بودن و به منصه ظهور رساندن پس از گمنامی را خود برایشان ضمانت نموده ای، ای راستگوترین راستگویان و ای مهربانترین مهربانان. پس از تو ای خدای من و سرور من، به حق بخشندگی و بزرگواریات به لابه و خاکساری درخواست میکنم که آرزویم را به نتیجه رسانی و از من درگذری و کم و زیاد عملم را بپذیری و روزهای زندگی ام را افزون کنی و مرا به آن شهادتگاه رسانی و مرا از کسانی قرار دهی که فراخوانده می شود و به فرمانبری و دوستی نمودن و یاری ایشان پاسخ میگوید و این را به زودی و به شتاب و با سلامتی به من ارزانی داری که تو بر هر کاری توانمندی. سپس سرت را به سمت سمت آسمان بالا بگیر و بگو: پناه میبرم به تو از آنکه از کسانی باشم که امیدی به روزهای حساب تو ندارند، پس مرا از این امر در سایه پناهت قرار ده، ای خدای من.

بدان ای ابن سنان، که این (عمل) برتر است از فلان تعداد حج گزاردن و فلان قدر عمره مستحب رفتن و هزینه کردن اموالت و خسته کردن بدنت و جدا افتادن از زن و فرزندت و بدان که خدای تعالی هر که را در این روز این نماز را خالصانه بخواند و این دعا را سر کند و با یقین و تصدیق این عمل را انجام دهد، ده خوی نیک عطا گرداند که از جمله او را از مرگ بد در امان دارد و از امور ناخوشایند و تهیدستی حفظ نماید و تا زمان مرگش دشمنی را علیه وی یاری نکند و خداوند او را از جنون و جذام و پیسی در خودش و فرزندانش تا چهار نسل او دور نگاه دارد و برای شیطان و یاوران آن راهی بر او و بر نسلش تا چهار پشت، باز نگذارد. ابن سنان گوید: بازگشتم در حالی که میگفتم حمد و ثنا خدایی راست که به شناخت شما و دوستی تان بر من منت نهاد و از خدا میخواهم که به منّت و رحمتش مرا در فرمانبری و اطاعت واجب گشته از شما یاری کند. (1)

1- . مصباح الطوسیّ : 547

توضیح: فیروزآبادی گفته: «رجل کاسف البال» یعنی بد حال و «کاسف الوجه» یعنی عبوس. گفته آن حضرت علیه السلام: «من غیر تبییت» یعنی بدون این که با نیت روزه، در شب بیتوته کنی و افطار کن، نه بر وجه شماتت و شادمانی بلکه برای مخالفت با کسی که برای تبرک به آن، چنین وقتی را روزه میگیرد.

گفته وی: «اخضلت» از باب افعال و افعلال یعنی مبتلا شد. «مقفره» یعنی خالی و «فخبّ» یعنی شتاب کن و «ایضاع»، چهارپا را مجبور به سرعت کردن. گفته میشود: «أتاح الله لفلان کذا» یعنی آن را مقدر کرد و نازل فرمود. و «مالأت» یعنی یاری و مساعدت کرد. «هائمه»، سرگردان. «واجعلهم لنا ودا»، مصدر به معنای فاعل یا مفعول است یعنی ایشان ما را دوست دارند یا ما ایشان را دوست داریم که وجه اول بهتر است و اشاره به کلام خداست که: «سیجعل لهم الرحمن ودا» که در کتاب امامت و کتاب امیر المؤمنین علیه السلام گذشت که مراد از آن، دوستی ائمه است. در مصباح الزائر «ردءا» با کسره آمده به معنی کمک.

جزری گوید: «تهلل وجهه» یعنی روشن شد و نشانههای شادی در آن ظاهر گشت. پایان سخن وی. «مرح»، سرخوشی و بیدردی و تکبر. «اباره» هلاک کردن و گفته میشود: «استذله»، ذلّله و استذله یعنی او را ذلیل دید. فیروزآبادی آن را ذکر کرده و گفته: «أفلج برهانه» یعنی آن را تقویت و آشکار کرد. «لأواء»، شدت. «حنادس» جمع حندس یعنی تاریکی و شب تاریک؛ یعنی فتنهها و بلایای ناشی از کارهای باطل مردم و کوری آنان را از ایشان دفع کن. «اباطیل» جمع باطل است یا «ابطوله» به همان معنا. گفته وی: «یوشِک فیها فرجهم» یعنی نزدیک است.

گفته آن حضرت علیه السلام: «بسط عملی» یعنی امید مرا پراکنده کرد و وسعت و گستردگی به آن دادن، یا برآورده کردن نیازهای بسیار من، تا آرزوهای من از تو زیاد شود. « ایامک» یعنی روزهایی که به دوستانت وعده یاری آنها را دادی تا بر دشمنانشان پیروز شوند و کلمه آنان برتر گردد. پس نیازی به حمل رجاء بر خوف نیست چنان که مفسران آوردهاند.

مؤلف: سید - قدس الله روحه - این روایت را عینا در مصباح الزائر آورده است و آن را در کتاب الاقبال به شکل دیگری و با تفاوت بسیار آورده و آن را

درج نمودیم تا اهل عمل، هر یک را که خواستند برگزینند، یا به جهت احتیاط به هر دو عمل کنند. (1)

5 . سید رحمه الله به سندی از عبدالله بن سنان روایت میکند که گفت: در روز عاشورا به خدمت سرورم امام صادق جعفر بن محمد صلی الله علیه و آله رفتم و او را رنگپریده و گرفته دیدم و اشکهایش چون مروارید از گونه هایش فرو میافتاد. گفتم ای مولای من، خدا گریه ات را به کس نشان ندهد! از چه روی میگریی؟ حضرت مرا گفت: آیا خبر نداری که حسین علیه السلام در چنین روزی به شهادت رسید؟ گفتم آری ای سرورم و اکنون برای برگرفتن دانشی از شما در باره همین موضوع و بهرمند گشتن از وجود شما آمده ام تا مرا بهره ای بخشید. فرمود: درباره هر چه خواهی و هر چه در دل داری بپرس. گفتم: درباره روزه در این روز چه میفرمایید؟ فرمود: بدون نیت کردن از شب قبل در این روز روزه بگیر و بدون شماتت و شادمانی افطار کن و آن را روزه کامل قرار مده و ساعتی پس از نماز عصر، حتی شده با نوشیدن آبی افطار کن، زیرا که در مثل چنین وقتی از این روز بود که سایه سیاه جنگ از سر خاندان رسول الله که درود خدا بر او و ایشان باد، کم گشت و غوغای نبرد از ایشان دور گشت، حال آن که سی تن از ایشان که درغلتیدن ایشان بر خاک، بر پیامبر صلی الله علیه و آله دشوار بود، نقش بر زمین گشته بودند. گوید: سپس حضرت گریه ای شدید نمود تا آنکه محاسن مبارکش به اشکهایش خیس گشت، سپس فرمود: آیا میدانی که این روز چه روزی بود؟ عرض کردم، شما بهتر از من میدانید ای مولای من. فرمود: خداوند عز و جل نور را در روز جمعه ای در اول ماه رمضان آفرید و تاریکی را در روز چهارشنبه مطابق عاشورا آفرید و هر یک را آیین و روشی نهاد. ای عبد الله بن سنان، به راستی که برترین کاری که در این روز انجام دهی آن است که لباسی پاکیزه برگیری و بپوشی و تکمه هایت را برکَنی و بازوانت و ساق پایت را همچون عزاداران از لباس بیرون اندازی. سپس به سوی زمینی خشک و بیابانی که کسی تو را در آن نبیند بیرون شو و یا در وقتی که خورشید اوج میگیرد، در منزلت بمان و چهار رکعت نماز بگزار و میان هر دو

1- . مصباح الزائر : 138

رکعت سلام بده و در رکعت اول، سوره حمد و قل یا ایها الکافرون و در دومی حمد و قل هو الله احد میخوانی و در سومی حمد و سوره احزاب و در چهارمی حمد و سوره المنافقون میخوانی و سپس سلام داده و روی سوی قبر حسین علیه السلام و قتلگاه او میگردانی و قتلگاه او را تجسّم میکنی و تمام ذهنت و همه پیکرت را محض تمرکز بر او کرده و حواست را به این کار میدهی و سپس قاتلش را هزار بار لعن و نفرین میفرستی که به هر لعنت برایت هزار حسنه نوشته شود و هزار سیئه از تو زدوده شود و درجاتت در بهشت هزار درجه والا گردد و سپس در مکانی که نماز گزاردی، هفت بار میدوی و در هر دویدنت هفت بار میگویی: إِنَّا لِلّٰهِ وَ إِنَّا إِلَیْهِ راجِعُونَ، به راستی که ما از خداییم و به سوی خدا بازگردندگانیم. راضی ام به قضای خدا و تسلیمم به امر خدا و در این حال باید که بر تو حالت حزن و اندوه باشد و بسیار غمزده باشی و تاسف خوری. و چون از این کار فارغ گشتی، در محلی که نماز خواندی بر پای ایست و هفتاد بار بگو: خداوندا کسانی را که با رسولت سر دشمنی گذاردند و با تو سر ناسازگاری گذاشتند و غیر تو را پرستیدند و محرّمات تو را برای خود حلال کردند، عذابی سخت کن و سرکردگان و دنبالهروان و هر کس در میان ایشان بود یا از کرده ایشان خشنود بود را لعنت بی پایان فرست. سپس میگویی: خداوندا، گشایش آل محمد که صلوات خدا بر او و بر ایشان باد را دررسان و ایشان را از ستم منافقین و کافران و کافران انکارپیشه رهایی بخش و بر آنان منت نه و فتح و گشایشی آسان نصیبشان گردان و برایشان از نزد خود بر دشمنت و دشمن ایشان چیرگیِ یاریبخشی قرار ده. پس از این دعا دستانت را به قنوت بالا بگیر و در قنوتت بگو: خداوندا، این امت با امامان به دشمنی برخاستند و به کلمه الهی کفر ورزیده و بر گمراهی و کفر و هلاکت و نادانی و کوردلی پاییدند و کتاب را که به شناختش امر فرموده بودی، به کنار انداختند و آن جانشین پیامبر را که به طاعت از او فرمان داده بودی رها نمودند و حق را میراندند و از راه دادگری، روی کج نمودند و مردمان را از حق گمراه ساختند و با سنت به مخالفت برخاستند و کتاب خدا را تحریف کردند و گروه ها و احزاب را فرمانروا نمودند و چون حق به سویشان آمد، به آن کفر ورزیدند و باطل را سخت چسبیدند و حق را تباه داشتند و بندگانت را

گمراه نمودند و فرزندان پیامبرت صلی الله علیه و آله و برترین بندگانت و برگزیدگانت و حاملان دانشت و خزانهداران رازهایت، همان کسان که ایشان را حاکمان در آسمانها و زمینت قرار دادی، کشتند. خداوند پس پاهایشان را به لرزه افکن، و دیارشان را ویران گردان و دست و سلاحشان را ناکار کن و بازدار و میانشان اختلاف افکن و دشمنی پنهان ایشان را سست گردان و ایشان را به شمشیر برنده ات ضربت زن و به سنگ سرشکنت بر سرشان کوب و ایشان را غرق بلایی چون شن روان گردان و تیر بلا را بر قلبشان زن و عذابی ناخوشایند بر سرشان ریز و ایشان را به گرانی اسیر کن و به عذاب قحطیها که دشمنانت را به آن نابود گرداندی، منکوب نما و ایشان را همانسان که آنان را هلاک گرداندی، هلاک نما و ایشان را چون اِهل شهرهای نابود شده، در چنگ قدرتت بگیر «وَ هِیَ ظالِمَهٌ إِنَّ أَخْذَهُ أَلِیمٌ شَدِیدٌ»(1) {در حالی که ستم پیشه بودند، به راستی که مجازات خداوند دردناک و شدید است.} خداوندا، سیره های تو را تباه نموده اند و احکامت را اجرا ناشده گذارده اند و عترت پیامبرت را در پهنه زمین چون حیوانات وحشی بی خانمان، سرگردان نموده اند. خداوند پس حق را یاری کن و خلق را نجات بخش و به نجاتت بر ما منت نه و رهنمایمان به ایمان باش و فرج و گشایش ما به وجود حضرت قائم علیه السلام را زود رسان و او را یاور ما قرار ده و ما را یاریگر او. خداوندا هر آن که روز قتل اهل بیت پیامبرت را عید گرفت و چهره اش از شوق و ذوق آن شادمان و شکفته گشت، هلاک گردان و آخرین ایشان را چنان که اولین ایشان را منکوب نمودی، نابود گردان و پروردگارا عذاب ایشان را دوچندان نما و شکنجه های ستمگران از اولینها تا آخرین های ایشان را و شکنجه ستمبردگان بر اهل بیت پیامبرت صلی الله علیه و آله را به لعنت و مجازات سخت دوچندان کن. و دنبالهروان و سرکردگان و همه گروه ایشان را هلاک کن. خداوند بر عترت پاکِ جانباخته تحقیرگشته که باقیماندگان از تبار نیکآیند برکتیافته اند، رحمت فرست. خداوندا سخن حقیقت ایشان را فراز گردان و حجت ایشان را از پرده برون کن و

1- . هود / 102

دلهای ایشان را استوار گردان و دلهای شیعیان ایشان را بر دوستی نمودن با آنان قرص و استوار گردان و یاریشان نما و در سایه خود، در برابر آزار دیدن در راهت شکیبایشان کن و ایشان را ایّام شکوهمند که همگان به فضلش اعتراف نمایند و روزگارانی شناخته شده نصیب گردان، چنان که آن را در کتابت برای دوستدارانت تضمین نمودی، واجب گردانی. چرا که تو خود فرموده ای «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً»(1) {خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [به حالی که] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.} خداوندا سخن حق ایشان را فراز گردان. ای آن که خدایی نیست جز تو، ای آن که خدایی نیست جز تو، ای مهربانترین مهربانان، ای زنده، ای برخیزنده به اتمام همه کارها، که من بنده پر خشیّت از تو و بازگردنده به تو و درخواست کننده از تو و توکل کننده به تو و پناه آورده به ساحت تو هستم، پس دعایم را بپذیر و نیایش نجواگرانه ام را بشنو و مرا از کسانی قرار ده که از عملشان راضی گشته و رهش نموده ای و آیینهای پرستشگری او را پذیرفته و او را به رحمتت اهل نجوا و نیایش خود کرده ای. هان که تویی سرفراز عطاکننده. خدایا به حق لا اله الا الله از تو درخواست میکنم که مرا از محمد و آل محمد که صلوات و درود تو بر ایشان باد، جدا مگردانی و مرا از شیعیان محمد و آل محمد قرار ده. و سپس ایشان را یکی پس از دیگری به نامشان میخوانی تا حضرت قائم علیه السلام و میگویی: و مرا به همان راهی که ایشان را به آن وارد نمودی، ورود بده و از هر آنچه ایشان را از آن به در آوردی، بیرون گردان. سپس صورتت را بر زمین بگذار و بگو: ای آن که هر چه خواهد حکم

1- . نور / 55

کند و هر چه خواهد کند، تو در حق اهل بیت محمد به هر آنچه خواستی حکم نمودی، پس حمد و ثنا تو راست پسندیده و سپاسگفته، و فرج ایشان را و فرج ما به ایشان را زود رسان، که تو سرفراز کردن ایشان پس از خوار گشتن و بسیار شدن پس از اندک بودن و به منصه ظهور رساندن پس از گمنامی را خود برایشان ضمانت نموده ای، ای مهربانترین مهربانان. ای خدای من و سرور من، به حق بخشندگی و بزرگواریات از تو درخواست میکنم که مرا به آرزویم برسانی و عمل اندکم را بپذیری و روزهای زندگی ام را افزون کنی و مرا به آن شهادتگاه رسانی و مرا از کسانی قرار دهی که فراخوانده شد و به فرمانبری و دوستی نمودن و یاری ایشان پاسخ گفت و این را به زودی و به شتاب به من ارزانی داری که تو بر هر کاری توانمندی. سپس سرت را به سمت آسمان بالا بگیر که این برتر است از حج گزاردن و عمره رفتن و بدان که خدای تعالی هر که را در این روز این نماز را خالصانه بخواند و این دعا را بگوید و با یقین و تصدیق این عمل را انجام دهد، ده خوی نیک عطا گرداند که از جمله او را از مرگ بد در امان دارد و از امور ناخوشایند و تهیدستی حفظ نماید و تا زمان مرگش، دشمنی را علیه وی یاری نکند و خداوند او را از جنون و جذام در خودش و فرزندانش تا چهار نسل دور نگاه دارد و برای شیطان و یاوران وی راهی بر او باز نگذارد. گوید: گفتم حمد و ثنا خدایی راست که به شناخت شما و دوستیتان و به جای آوردن آنچه که به لطف و منت خود برای شما واجب گرداند، بر من منت نهاد و او مرا بسنده است و بس نیک وکیلی است. (1)

توضیح: «رفَدا» جمع رافد از رفده یرفده یعنی یاری کرد او را، یا به کسره که مصدر به معنای اسم فاعل است. «یا لا اله الا انت»، موصول محذوف است چون قرینه مقامیه بر آن دلالت دارد یعنی «یا من لا اله الا انت».

6 . مؤلف: مولف المزار الکبیر به سندی که ذکر میکند، نظیر همین روایت را بسان نقل شیخ در المصباح درج نموده است. (2)

1- . الإقبال: 38
2- . المزار الکبیر : 158- 161

7 . اقبال الاعمال، زیارتی مخصوص روز عاشورا از کتاب المختصر المنتخب: سپس برای زیارت آماده می شوی و غسل میکنی و دو جامه پاک بر تن میکنی و با پای برهنه به روی بام خانه و یا به فضایی باز میروی و رو به قبله ایستاده و میگویی: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح امین خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد رسول خدا، سلام بر تو ای وارث پیامبران و وارث امیر المومنین و سرور جانشینان پیامبران و برترین پیشگامان و نوه آخرین فرستادگان و چگونه تو چنین نباشی ای سرور من، حال آنکه تو پیشوای رهیافتگی و همپیمان پرهیزکاری و پنجمین تن از اصحاب کساء هستی و در دامان اسلام پرورش یافتی و از سینه اسلام شیر نوشیده ای و زنده و مرده طیّب و نیکو گشته ای. سلام بر تو ای حسن پسندیدهکردار، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای شهید راستینمنش، سلام بر تو ای جانشین پیامبر ای نیکوکار پرهیزکار پسندیده کردار پاکدامن، سلام بر تو و بر همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و بر خیمهگاه تو رخت اقامت افکندند و همپای تو در راه خدا جانفشانی نمودند و جان خود را برای کسب خشنودی خداوند، در راه تو بفروختند. سلام بر فرشتگانی که پیرامون تو گرد آمده اند. شهادت میدهم که خدایی نیست جز خدای یگانه و او را انبازی نباشد و شهادت میدهم که محمد که صلوات خدا بر او و خاندانش باد و سلام بی پایان، بنده و رسول خداست و شهادت میدهم که پدرت علی بن ابی طالب امیر المومنین علیه السلام و سرور جانشینان پیامبران و فرمانده نورانی دست و رویان و امامی است که خداوند فرمانبری از او را بر آفریدگانش واجب نمود و چنین است برادرت حسن بن علی و چنین هستی تو و همه امامان از نسل تو چنینند. گواهی میدهم که شما نماز را بر پا داشتید و زکات مستحقان پرداخت نمودید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و در راه خدا چنان که سزد، جانفشانی نمودید تا آنکه لحظه جان باختنتان و یقین به وعده او رسید. پس خدا را شاهد گرفته و شما را شاهد میگیرم که من به خدا ایمان دارم و محمد را تصدیق میکنم و آگاه و معترف به حق شما هستم و شهادت میدهم که شما از سوی خداوند

عز و جل آنچه را که فرموده بود، ابلاغ نمودید و او را پرستیدید تا آنکه لحظه جان باختنتان رسید. پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد الله، خدا لعنت کند آن که تو را کشت، خدا لعنت کند آن که به کشتن تو دستور داد، خدا لعنت کند آن که در این کار همراهی نمود، خدا لعنت کند آن که این خبر به او رسید و خرسند گشت. شهادت میدهم که آنان که خون تو را ریختند و حرمتت را زیر پای نهاده و از یاری تو درنشستند، همان کسانی که تو را فراخواندند و ندایشان را پاسخ گفتی، به گفته پیامبر امی صلی الله علیه و آله ملعون هستند. ای سرور و مولای من، اگر که پیکرم آنگاه که ندای یاریجویی سر دادی، اجابت ننمود، به راستی که اندیشه و میل قلبی ام تو را پاسخ گفت. شهادت میدهم که تو بر حقی و هر آن که با تو مخالفت نمود بر باطل است و ای کاش که با شما بودم تا به فوز عظیم دست یابم. پس از تو ای سرورم، درخواست میکنم که خداوند را در بخشش گناهان من بخوانی و مرا به جمع شما و شیعیانتان ملحق گرداند و شما را اذن شفاعت جستن دهد و شفاعت شما در گناهان من را بپذیرد که او خود جلّ ذکره میفرماید: «مَنْ ذَا الَّذِی یَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»»(1) {کیست که نزد وی شفاعت جوید مگر به اذن هم او.} صلوات خدا بر تو و بر پدران و فرزندانت و بر فرشتگان درنشسته بر ساحت حرمت باد، صلوات خدا بر تو و بر همه ایشان و بر شهیدانی که همراه با تو و پیش روی تو شهید شدند. صلوات خدا بر تو و بر ایشان و بر فرزندت علی اصغر که به مصیبت او نشستی. سپس میگویی: خداوندا به بزرگواری تو به تو روی آورده و در سایهسار حریم محمد و عترت او و به آبروی ایشان به تو روی آورده و ایشان را به شفاعت جستن از تو خوانده ام و به محمد و آل محمد توسل جسته ام تا آنچه بر من واجب است و بدهکاری ام را از گرده من سبک نمایی و اندوهم را بزدایی و فرج و گشایش مرا به فرج در امر ایشان ملحق گردانی، سپس دستانت را به حدی که سپیدی زیر بغل آشکار گردد، فراز کن و بگو: خدایی جز تو نیست، راز مرا برملا مدار و زشتیهایم را آشکار مگردان و دلهره ام را فرونشان و از لغزشم درگذر. خداوندا مرا پیروزمند و

1- . بقره / 255

نتیجه یافته بازگردان در حالی که از عملم خشنود باشی و دعایم را پاسخ گفته باشی، ای خداوند بخشنده. سپس میگویی: سلام بر تو و رحمت و برکات خدا. و سپس آغاز کرده و میگویی: سلام بر امیر المومنین، سلام بر فاطمه زهرا، سلام بر حسن پسندیدهکردار، سلام بر حسین شهید راستینمنش، سلام بر علی بن حسین، سلام بر محمد بن علی، سلام بر جعفر بن محمد، سلام بر موسی بن جعفر، سلام بر رضا، علی بن موسی، سلام بر محمد بن علی، سلام بر علی محمد، سلام بر حسن بن علی، سلام بر امام بر پا دارنده حق خدا و حجت خدا در زمینش صلوات خدا بر او و بر پدران هدایت یافته نیکآیند پاکسرشت و سلام بی پایان و بیکران او. سپس شش رکعت نماز به صورت دو رکعت دو رکعت میخوانی و در هر رکعت یک فاتحه الکتاب و صدبار قل هو الله احد میخوانی و پس از فراغت از این نماز، میگویی: خداوندا ای بخشاینده، ای افزونمهر، ای بلندمرتبه، ای بزرگوار، ای یگانه، ای بی نیاز، ای یکتا، ای بیهمتا، ای شنوا، ای آگاه، ای دانا، ای بزرگ، ای صاحب کبریاء، ای والا، ای زیبا، ای بردبار، ای قدرتمند، ای سرفراز، ای فراز جُسته، ای سترگتوان، ای امانبخش، ای سرپرست صاحب هیمنه، ای فراز جسته، ای بلندمرتبه، ای یاریگر، ای مهرورز، ای منّت دار، ای توبهپذیر، ای برانگیزنده، ای میراثدار، ای ستوده، ای والاشکوه، ای پرستیده شده، ای هست، ای آشکار، ای نهان، ای نخستین، ای پایانی، ای زنده، ای برخیزنده به همه امور، ای شکوهمند و گرامیدارنده، ای صاحب سرفرازی و سلطهدار، به حق این نامها و به حق همه نامهایت از تو درخواست میکنم ای خدا که بر محمد و آل محمد درود فرستی و هر گونه دلنگرانی و اندوه و دلپریشی و آسیب و تنگنایی که در آنم را از من بزدایی و دین و بدهکاری مرا از گرده ام سبک گردانی و مرا به آرزویم برسانی و محبتم را آسان سازی و ارادتم را سهل گردانی و مرا بی درنگ و شتابان به آرزویم رسانی و خواهشم را و درخواستم را به من عطا گردانی و افزون بر آرزویم به من ارزانی داری و خیر دنیا و آخرت را برای من گرد آوری. (1)

1- . اقبال الاعمال: 41

توضیح: «و أناخت بساحتک» یعنی در درگاه تو خوابید. کنایه از اقامت کردن ایشان نزد تو و در آنچه گذشت از «رحل» تو یعنی مسکن تو. «علی الأصغر هذا» بر این دلالت دارد که مقتول علی اصغر بوده، چنان که اکثر اصحاب معتقدند. کفعمی قدس سره گوید که درستتر آن است که وی علی اکبر است چنان که شیخ شهید قدس الله روحه در دروس(1) میگوید. گویم و این سخن را بیان شیخ محمد بن ادریس قدس سره در سرائر تایید میکند که گوید: و مستحب است هر که به زیارت حسین علیه السلام میرود، همراه با او فرزندش علی اکبر و مادرش لیلی بنت ابی مره بن عروه بن مسعود ثقفی را نیز زیارت کند و این پسر نخستین کسی بود که در واقعه یوم الطفّ شهید شد و این علی بن حسین در دوره عثمان زاده شد و برخی به ابیاتی او را ستایش نمودند که از جمله این ابیات است:

هیچ چشمی که نگاه انداخت، همتای او را ندید، کودک چهار دست و پا رونده و یا طفلی که بر پایش راه رود.

مقصودم پسر لیلی است که صاحب بخشندگی و نیکی است، همان پسر دخت نیکتباری و فضیلتمندی.

دنیا را بر دین خود برنمی گزیند و حق را به باطل نمیفروشد.

و شیخ مفید ره در ارشاد(2) بر این باور است که مقتول علی اصغر است و او پسر مادر ثقفی است و علی اکبر همان زین العابدین علیه السلام است که مادرش ام ولد که شاهزنان دختر پادشاه یزدگرد بود. محمد بن ادریس گوید. و بهتر است که به اهل این فن که نسب شناسان و سیره نویسان و اهل اخبار و مورخین باشند، نظیر زبیر بن بکار در کتاب انساب قریش و ابوفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین(3) و بلاذری و مزنی صاحب لباب اخبار الخلف و عمری نسب شناس مراجعه نماییم که عمری گفته است: برخی کسان که آشنایی ندارند ادعا کرده اند که علی اصغر است که در طف کشته شده و این اشتباه و گمان صرف است و صاحب کتاب الرد و

1- . الدروس : 154
2- . الإرشاد : 269 چاپ ایران سال 1408

3- . مصباح الكفعمى : 503

المواعظ و ابن قتیبه در المعارف و محمد بن جریر طبری و ازهری در تاریخش و ابو حنیفه دینوری صاحب کتاب المفاخر از نویسندگان امامیه و ابو علی بن عمام در کتاب الانوار فی تواریخ اهل البیت علیه السلام و موالیدهم، این سخن را تایید میکنند و ایشان بر آنچه که ذکر کردیم اجماع دارند و البته ایشان به این امر آگاه ترند. پایان سخن وی اعلی الله مقامه.

فیروز آبادی گوید: «فجعه» مانند «منعه» یعنی او را به درد آورد و «فجع» آن است که انسان به چیزی که برای او ارزشمند است بازگردد و آن را از بین رفته ببیند.. گویند به مالش مفجوع شد. و گوید: «تحرّمَ منه بحرمه» یعنی با پیمانی از آن منع و حمایت شد. «مفترض» به صیغه اسم مفعول یعنی آنچه از حقوق مالی تو و غیر از آن بر من فرض است. مراد از دین، حقوق خلق است.

شیخ مفید قدس الله روحه در کتاب المزار بعد از وارد کردن زیارتی که از مصباح نقل کردیم، چنین گفته است:

8 ، زیارتی دیگر برای روز عاشورا به سندی دیگر:

چون خواستی در این روز وی را به این زیارت، زیارت نمایی، پس کنار حضرت علیه السلام بایست و بگو: سلام بر آدم برگزیده خدا در میان آفریدگانش، سلام بر شیث ولی خدا و انتخابگشته خدا، سلام بر ادریس برپای خاسته در راه خدا به حجت خدا، سلام بر نوح اجابت شده در دعایش، سلام بر هود یاریگشته از سوی خدا به مساعدتش، سلام بر صالح که به کرامت خداوند به سوی او روی نهاد، سلام بر ابراهیم که خداوند رفاقت و دوستی اش را به او بخشید، سلام بر اسماعیل که خداوند او را به ذبحی عظیم از بهشتش فدا داد، سلام بر اسحاق که خداوند نبوت را در سلاله وی نهاد، سلام بر یعقوب که خداوند به رحمتش بینایی اش را به او بازگرداند، سلام بر یوسف که خداوند به عظمتش او را از عمق چاه نجات بخشید، سلام بر موسی که خداوند دریا را به قدرتش برای او شکافت، سلام بر هارون که خداوند وی را مخصوص نبوتش گرداند، سلام بر شعیب که خداوند او را در برابر امتش یاری نمود، سلام بر داود که خداوند پس از خطایش او را به توبه بخشید، سلام بر سلیمان که به عزت الهی، جنیان اسیر دست وی گشتند، سلام بر ایوب که

خداوند او را از بیماری اش شفاء بخشید، سلام بر یونس که خداوند مضمون وعده اش به او را عملی نمود، سلام بر عُزیر که خداوند او را پس از مرگش زنده نمود، سلام بر زکریای شکیبا بر محنت و دشواری اش، سلام بر یحیی که خداوند او را با شهادتش، به خود نزدیک گرداند، سلام بر عیسی که روح خداست و کلمه خدا.

سلام بر محمد حبیب خدا و برگزیده او، سلام بر امیر المومنین علی بن ابی طالب که به اخوّت پیامبر مخصوص گشت، سلام بر فاطمه زهرا دختر او، سلام بر ابا محمد، حسن وصیّ و جانشین پدرش، سلام بر حسین که نفس پاکش، جانش را در طبق اخلاص فدا نمود، سلام بر آن که خدا را در آشکار و نهان سر نهاد، سلام بر آن که خداوند شفاء را در تربت او قرار داد، سلام بر آن که اجابت زیر گنبد او باشد، سلام بر آن که پیشوایان از نسل اویند، سلام بر پسر خاتم پیامبران، سلام بر پسر سرور جانشینان پیامبران، سلام بر پسر فاطمه زهرا، سلام بر پسر خدیجه کبری، سلام بر زاده از جنس سدره المنتهی، سلام بر زاده از بهشت امن خدا، سلام بر زاده از جنس زمزم و صفا، سلام بر آن در خاک و خون غلتیده، سلام بر آن خیمههای دریده، سلام بر پنجمین تن از آل عباء، سلام بر غریب الغرباء، سلام بر شهید الشهداء، سلام بر کشته به دست نسلهای شبههناک، سلام بر فرونشسته بر کربلا، سلام بر آن که فرشتگان آسمانها بر او گریستند، سلام بر آن که تبارش پاکدامنانند، سلام بر شیرمرد دین، سلام بر محل نزول برهانها، سلام بر پیشوایان سرور و آقا، سلام بر گریبانهای به خون آغشته، سلام بر لبهای خشکیده، سلام بر جانهای از تن برکنده شده، سلام بر روانهای به قهر ربوده گشته، سلام بر پیکرهای برهنه افتاده، سلام بر تنهای تکیده، سلام بر خونهای روانگشته، سلام بر اندامهای تکهتکه شده، سلام بر سرهای (بر نیزه) فرازگشته، سلام بر زنان حجاب از سر دریده، سلام بر حجت پروردگار جهانیان، سلام بر تو و بر پدران پاکت، سلام بر تو و بر فرزندان شهیدگشته ات، سلام بر تو و بر فرزندان یاریگرت، سلام بر تو و بر فرشتگان همنشین تو، سلام بر کشته ستمدیده، سلام بر برادر زهر خورانده اش، سلام بر علی بزرگ، سلام بر علی شیرخوار کودک، سلام بر بدنهای اندامربوده، سلام بر عترت غریبافتاده، سلام بر فرو افتادگان در بیابانهای سوزان، سلام بر کوچیدگان از خانه و کاشانه، سلام بر

بی کفن به خاک سپردگان، سلام بر سرهای جدا افتاده از پیکر، سلام بر شکیباىِ کشتگانْ به قربان دهنده به درگاه خدا، سلام بر بی یاور ستمدیده، سلام بر پاکگشته درنشسته به خاک، سلام بر صاحب بارگاه بلند، سلام بر آنکه خداوند شوکتمند پاکش گرداند، سلام بر آنکه جبرئیل به او بالید، سلام بر آنکه میکائیل در گهواره او را به ملاطفت بازی داد و خنداند، سلام بر آنکه پیمانش زیر پا نهاده شد، سلام بر آنکه حرمتش پایمال شد، سلام بر آنکه خونش به ستم ریخته شد، سلام بر آن غسل داده شده به خون زخمهایش، سلام بر آنکه جامهای تلخ نیزه ها پیاپی به کامش ریخته شد، سلام بر آنکه بر او ستم رفته و جانش (به اباحه کوردلان) به چپاول رفت، سلام بر آنکه پیش چشم مردمان گلویش بریده شد، سلام بر آن به خاک سپرده به دست اهل روستاها و بادیه ها.

سلام بر آن بریده شاهرگ، سلام بر آن حمایتگر یکه و تنها، سلام بر سپید موهای (به خون) خضاب شده، سلام بر گونه به خاک و گل آغشته، سلام بر پیکر اندامربوده، سلام بر دهانی که با نیزه ها بر آن کوبیدند، سلام بر سر فرازگشته بر نیزه، سلام بر جنازه های برهنه افتاده در بیابانها که گرگان خونخوار آن را بردریدند و ددان وحشی خونآشام گاه و بیگاه برای دریدنشان بازآمدند.

سلام بر تو ای مولای من و بر فرشتگانی که به گرد گنبدت در پروازند و تربت قبرت را فراگرفته اند و در ساحت تو در گردش و طوافند و برای زیارتت، به کوی تو برمی نشینند. سلام بر تو که به سوی تو رهسپار شدم و امید به فوز نزد تو بستم. سلام بر تو، سلام آگاه به حرمت تو، مخلص و بی شیله در ولایتپذیری از تو و تقرب جوینده به خدا به واسطه محبت تو و بیزاریجسته از دشمنانت، سلام آن که قلبش از مصیبتت خونین است و اشکش از یاد تو ریزان است، سلام مصیبتدیده اندوهگین شیداسرِ بینوا، سلام آن که اگر در دشت طفّ با تو بود، براستی که به جانش تو راَ از تیغ شمشیرها پاسداری مینمود و باقیمانده روحش را در دفاع از تو به مرگها میسپرد و پیش روی تو جانفشانی مینمود و در برابر ستمگران بر تو، یاری ات مینمود و جان و تن و مال و فرزندش را به فدای تو میداد و روحش فدای روح تو بود و فرزندانش سپر بلای خانواده تو میگشتند. و اگر که زمانه مرا

بس دور افکند و امکان یاری تو را از من بازداشت و نتوانستم از جنگجویان پیش روی دشمنانت باشم و به کمین آن که به نیرنگبازی به دشمنی تو نشست، بنشینم، به حق که صبح و شام تو را ندبه میگویم و به جای اشکها در حسرت و تاسف بر تو و تحسّر از آنچه بر سر تو آمد و با آه و واویلا، بر تو خون میگریم تا آنکه از گدازش این مصیبت و غصّه این افسردهحالی بمیرم.

شهادت میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر و از ستیزگری نمودی و خدا را سر نهادی و سرکشی نکردی و بر رشته او و بندگی او چنگ زدی و او را خشنود کرده و خشیت نموده و همواره در نظر گرفتی و به فرمانش پاسخ گفتی و سنتها را جاری نمودی و فتنه ها را فرونشاندی و به راه رهیافتگی فراخواندی و راههای پایداری را روشن و آشکار نمودی و در راه خدا چنان که شاید جانفشانی نمودی و فرمانبردار خدا بودی و پیرو جدت محمد صلی الله علیه و آله و به گوش گیرنده سخن پدرت و شتابنده به پذیرش وصیت برادرت و برپادارنده ستون دین و ریشه کن کننده سرکشی و سرکوبگر سرکشان و خیرخواه امت و دلزده به دریاهای مرگ و رزمجوی گریختگان از حدود دین و برپا دارنده حجتهای خدا و رحمآورنده بر اسلام و مسلمانان و یاریگر حق و شکیبا بر بلا و پاسدار دین و مبارزهگر در دفاع از حوزه دین. هدایت را سرپرستی نموده و یاری اش مینمایی و دادگری را گسترش داده و میپراکنی و دین را یاری و پشتیبانی میکنی و به بازی گیرندگان دین را بازداشته و پس میرانی و حق فرودستان را از بلندمرتبگان میستانی و در حکم میان توانمند و ناتوان یکسان رفتار میکنی. تو بهار دل یتیمان و عصمت و نگاهداشت مردمان و سرفرازی اسلام و معدن احکام و همپیمان جود و بخشش و رهرو راه جدت و پدرت بودی و در سفارشها و رعایت پیمانها بسان برادرت گشتی، پسندیدهخوی و سر تا به پا بخشندگی و در پرستش در دل تاریکیها، بس کوشا بودی. بر راههای درست و استوار و بس خوش خوی و بس با سابقه و والا تبار و بس سرآمد و بلند مرتبه و با منقبتهای بسیار و بیافریده از ریشه های بس ستوده و بسیار با موهبت و داشته های درونی، بردبار و رهبرده و اهل انابه و بازگشت به سوی خدا و بخشنده و دانا و باجربزه و پیشوا و

شهید و بس کرنشگر و لابهگر نزد خدا و پاداشبخشِ نیکیها، دوست داشته شده و پر هیبت بودی.

و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و نجات بخش قرآن و بازوی قدرت امت بودی و در طاعت الهی کوشا و رعایتگر عهد و میثاق و دوری جوینده از راه دینگریختگان، به کار گیرنده تمام توان، با رکوع و سجود طولانی، و چون زهدِ فرد پایکشنده از دنیا، دنیاگریخته ای و به چشم دلزدگان از آن به آن نگاه میکنی، آرزو از آن بریده ای و همّت از آرایه های آن برداشته ای و نگاه بر زیبایی و بهجت آن بربسته ای و شوقت به آخرت نزد همه شناخته شده است.

چنان که چون ستم دست دراز کرد و ظلم نقاب از چهره کشید و گمراهی پیروانش را فراخواند، در آن حال که تو در حرم جدت ساکن بودی و از ستمگران جدایی جسته و همنشین کعبه و محراب مسجد بودی و عزلتگرفته از لذتها و خواهشهای دل، تقبیح کننده امور ناپسند به دست و زبانت تا جایی که توانی و امکان یابی؛ آنگاه بود که آگاهی ات تو را بر آن داشت که به انکار برخیزی و بر تو الزام نمود که با کافران به جهاد برخیزی، پس با فرزندان و اهل خانه و پیروان و دوستدارانت رهسپار گشتی و با حقیقت و بیّنه آشکار روشنگری نمودی و با حکمت و اندرز نیک به سوی خدا فراخواندی و به جاری نمودن حدود و سر نهادن به امر معبود امر نمودی و از خیانت و سرکشی بازداشتی و ایشان با دشمنی و ستمگری، با تو روبرو گشتند و تو پس از هشدار دادن به ایشان و بیان موکد حجتها بر آنان، با ایشان به مبارزه برخاستی و ایشان حرمت و بیعت تو را زیر پا نهادند و خدایت را و جدّت را به خشم آوردند و بیمحابا جنگی علیه تو به راه انداختند. و تو بر نیزه زدن و شمشیر کشیدن پایمردی نمودی و سپاهیان بدکارگان را در هم شکستی و ضربه زنان با شمشیر ذوالفقار به دل ابر غبار رفتی و گویی که علی مختار بودی.

و چون تو را قویدل و دلاور و نترس دیدند، به غائله نیرنگبازیشان پناه جستند و با حیلهگری و شرارت به جنگ تو آمدند و آن لعین سپاهیانش را دستور داد آب را بر تو بستند و از ورود به آبشخور باز داشتند و به جنگ تو آمدند و شتابان بر تو حمله بردند و پیکانها بر سرت ریختند و دستهاشان برای نبرد و برخورد

به سوی تو دراز کردند و حق و حرمت تو را رعایت نکردند و در حق تو، در کشتار ولایتدارانت و چپاول خیمهگاهت، از عذاب و شکنجه سخت خدا نترسیدند، حال آنکه تو در یورش به دل غبارهای برخاسته از میدان نبرد، پیشگام بودی و آزار و اذیت دشمن را به جان میخریدی و فرشتگان آسمانها از شکیبایی تو به شگفت آمده بودند.

و ایشان از همه سو تو را دوره نمودند و تا توانستند تو را به زخم آلودند و میان تو و رفتن فاصله شدند و یاوری برای تو نماند و تو فداکارانه ثواب الهی را جسته و صبر پیشه نمودی و از زنان خانواده ات و از فرزندانت دفاع مینمودی تا آنکه تو را از اسب به زیر کشیدند و تو خونینبدن، نقش بر زمین شدی و سم اسبان تو را لگدمال میکرد و طغیانگران به شمشیرهای برنده بر سر و روی تو میزدند و از پیشانی ات خون مرگ میتراوید و دست چپ و راستت گاه باز و گاه بسته می شد و چشم درشکستهات را به خیمهگاهت گرداندی و از فرزندان و خانوادهات به خود پرداختی، و اسبت رمیده گریخت و روی سوی خیمه هایت نهاد و با صدا در گلو گرداندن، ناله میکرد و چون زنان اسبت را بس ضربه خورده و آسیب دیده یافتند و زین آن را کجشده دیدند، از خیمه ها برون دویده و موهای خود کشیدند و بر صورتهاشان سیلی زدند و چهره هاشان از حجاب به در افتاد و شیون کنان تو را فرا میخوانند و پس از عزتمندی، خوار گشتند و بیخود از خود به سوی درافکنگاهت دویدند.

حال آنکه شمر بر سینهات نشسته بود و چون سگی که پوزه و زبان دراز کرده، شمشیرش را به گلوی تو فرو میکرد و موی و ریش سفیدت را در مشت گرفته بود و به شمشیر آختهاش گلویت میبرید و تو مشاعرت به خموشی افتاده و نفسهایت فرو افتاده بود و سرت بر سر نیزه گشت و خانواده ات چون بردگان اسیر گشتند و به روی زینهای خشک شتران، به غل و زنجیر کشیده شدند و حرارت داغ آفتاب نیمروزها، چهره هاشان را میگداخت و در میان کویرها و بیابانهای خشک پیش رانده می شدند و دستانشان به گردنهاشان زنجیر شده بود و ایشان را در بازارها میچرخاندند. پس واویلا بر آن گستاخانِ از دین گریخته که به قتل تو اسلام

را به قتل رساندند و نماز و روزه را بی بنیاد کردند و سنتها و احکام را زیر پا نهادند و پایه های ایمان را ویران کردند و آیات قرآن را تحریف کردند و در حدگذرانی و ستیزگری، تیزتک بر اسبهاشان سرمستانه شتاب کردند. به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله با کشته شدنت به مصیبتی انتقام ناگرفته گرفتار آمد و کتاب خدا بار دیگر مهجور افتاد و حق ترک گفته شد، آنگاه که چنین مقهور، به خشم درشکستندت و با از دست رفتنت، الله اکبر و لا اله الا الله و حرام و حلال شمردن و تنزیل الهی و تاویل آیات از میان رفت و پس از تو دگرگونسازی و وارونهنمایی و بی خدایی و تعطیل دین و میل و هوسها و گمراهیها و فتنهها و اباطیل رواج گرفت.

خبر جان باختنت را در کنار قبر جدت رسول صلی الله علیه و آله بازگفتند و خبررسان با اشکهای ریزان خبرت را به رسول رساند و میگفت: ای رسول خدا، نوه ات و جوان شادابت کشته شد و به اهل و خانواده تحت حمایتت دستدرازی شد و سلاله ات پس از تو به اسارت رفتند و آنچه نباید، در حق عترتت و فرزندانت رفت. پس رسول خدا پریشانحال گشت و قلب هراسیدهاش گریستن گرفت و فرشتگان و پیامبران او را به مصیبت تو تسلیت گفتند و مادرت فاطمه زهرا به داغ تو نشست و سپاه فرشتگان مقرب خدا در رفت و آمد شدند و پدرت امیر المومنین را تعزیت و تسلیت دادند و در اعلی علیین بر سوگ تو ماتمکده ها بر پا شد و حوریان بهشت از غمت سیلی بر چهره ها زدند و آسمانها و اهل آن و کوهها و خزانه های آن و تپه های بلند و هر گوشه و کنار آن و دریاها و ماهیانش و بهشتها و نازجوانانش و کعبه و مقام ابراهیم و مشعر الحرام و حطیم و سرزمینهای احرام و غیر آن بر تو گریستند. خداوندا به حرمت این مکان والا که بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در میان ایشان محشور کن و به شفاعت ایشان به بهشت راه بده. خداوندا به تو توسل میجویم ای بی درنگ محاسبهگرترین، ای گرامیترین گرامیان، ای حکمرانترین حکمرانان، به آبروی محمد خاتم پیامبران و فرستاده ات به سوی همه جهانیان و به آبروی برادر و پسر عمویش، آن گرایشکننده ترین و شناسنده ژرفای امور و دانای والا مقام، علی امیر المومنین و به حق فاطمه سرور بانوان جهانیان و به حسن پاکدامن، آن عصمت و پاکی پرهیزکاران و به ابا عبد الله حسین

گرامیترین شهیدان و به فرزندان کشته شده اش و به عترت ستمدیده اش، و به علی بن حسین زین العابدین و به محمد بن علی قبله کرنشگران، و جعفر بن محمد راستگوترین راستگویان و موسی بن جعفر آشکارکننده برهانها و علی بن موسی یاور دین و محمد بن علی الگوی رهجویان و علی بن محمد پارساترین پارسایان و حسن بن علی وارث خلیفه گشتگان و حجتت بر تمام آفریدگان از تو مسالت دارم که بر محمد و خاندان راستینمنش نیکوکار او، آل طه و یاسین درود فرستی و مرا در قیامت از ایمنی یافتگان آسودهخاطران پیروزمندان شادمانگشتگان نویدیافتگان قرار ده. خداوند نام مرا در میان مسلمانان بنویس و مرا به صالحان ملحق کن و برای من نام و یادی نیک در میان آیندگان قرار ده. و مرا بر ستمپیشگان یاری بخش و مرا از دشمنی پنهان رشکورزان بسنده باش و نیرنگ نیرنگبازان را از من باز دار و دست تعدی ستمگران را از من برگیر و مرا با سروران برکتیافته در اعلی علیین به همراه کسانی که بر ایشان نعمت فرستادی، از پیامبران و راستینمنشان و شهیدان و درستکاران، گرد آور، به لطف و مرحمتت ای مهربانترین مهربانان. خداوندا به پیامبر معصومت و به حکم حتمیات و به نهی پنهانت و به این مقبره در میان گرفته که امام معصوم مقتول مظلوم در سایه آن آرمیده است، بر تو سوگند یاد میکنم که غم و اندوهی که در دلم است را بزدایی و شر سرنوشت حتمی را از من برکنار داری و مرا از آتش بسیار گدازنده دوزخ نجات بخشی. خداوندا ردای نعمتت را بر تنم کن و مرا به قسمتت خشنود گردان و مرا در پوشش بخشایش و دست و دل بازی ات قرار ده و مرا از ترفند و شکنجه ات دور نگاه دار. خداوندا مرا از لغزشها حفظ نما و در گفتار و کردار بر راه راست دار و مهلت سررسید مرگ مرا افزون گردان و مرا از دردها و بیماریها برکنار دار و به آبروی سرورانم و به فضل خود، بهترین آرزوها را به من ارزانی دار. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و توبه ام بپذیر و بر اشکم رحم آور و از لغزشم درگذر و خطایم را بیامرز و «وَ أَصْلِحْ لِی فِی ذُرِّیَّتِی»، {و نسل مرا شایسته گردان. } خداوندا در این شهادتگاه ارجمند و جایگاه گرانقدر، هیچ گناهی از مرا رها مکن مگر به آمرزشش و نه هیچ عیبی را مگر به پنهان داشتنش و نه هیچ اندوهی را مگر به زدودنش و نه هیچ رزقی را مگر به فزونی اش

و نه هیچ جاه و مقامی را مگر به آبادانی اش و نه هیچ فسادی را مگر به اصلاحش و نه هیچ آرزویی را مگر به رساندنش و نه هیچ دعایی را مگر به اجابتش و نه هیچ تنگنایی را مگر به گشایشش و نه هیچ گروهی را مگر به گردآوردنش و نه هیچ امری را مگر به اتمامش و نه هیچ مالی را مگر به افزودنش و نه هیچ خویی را مگر به نیکو کردنش و نه هیچ هزینه ای را مگر به جایگزین کردنش و نه هیچ حالی را مگر به بهبود دادنش و نه هیچ حسودی را مگر به سرکوب کردنش و نه هیچ دشمنی را مگر به نابود کردنش و نه هیچ شری را مگر به کم کردن سایه اش و نه هیچ بیماری و مرضی را مگر به مداوایش و نه هیچ دورگشته ای را مگر به بازآوردنش و نه هیچ پراکندگی را مگر به گردآوردنش و نه هیچ خواهشی را مگر به بخشیدنش. خداوندا من از تو خیر این دنیای گذرا و ثواب دنیای مانا را خواهم. خداوندا به حلالت مرا از حرام و به فضلت مرا از همه مردمان بی نیاز گردان. خداوندا از تو دانشی سودمند و دلی کرنشگر و یقینی چارهگر و کرداری بیآلایش و شکیبایی بسزا و پاداش فراوان درخواست میکنم. خداوندا سپاسگزاری از نعمتت را روزی من کن و بر احسان و کرمت بر من بیفزا و سخنم را در میان مردم پذیرفته و کردارم را نزد خودت فرازگشته و راهم را در نیکوکاری و خیر پررهرو و دشمنم را سرکوب شده گردان. خداوندا بر محمد و خاندان برگزیده محمد در لحظات شب و گاه و بیگاه روز، درود فرست و مرا از شر شروران بسنده باش و از گناهان و بار بدکاریها پاک گردان و از آتش دوزخ پناه بخش و در منزلگه آرامش و قرار فرونشان و مرا و همه برادران و خواهران خدایی و زنان و مردان مومن را بیامرز، به لطف و رحمتت ای مهربانترین مهربانان.

سپس روی به سوی قبله کن و دو رکعت نماز بگزار که در اولی سوره انبیاء و در دومی سوره حشر را میخوانی و قنوت بگیر و بگو: خدایی نیست جز خدای بردبار بخشنده، خدایی نیست جز خدای بلندمرتبه بزرگ، خدایی نیست جز خدای یکتا پروردگار آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و هر آنچه در آنها و در میان آنهاست - و اینها را به خلاف دشمنانش و در تکذیب هر آن کس که برای او همتایی قائل گشت و در اعتراف به مقام پروردگاری او و خاکساری در برابر سرفرازی او

میگویم -. او که اولی است که او را آغازی نیست و آخری است که او را پایانی نباشد و به قدرتش بر هر چیز احاطه و فرازمندی دارد و به دانش و لطفش به ژرفای هر چیز راه یابد. خردها را نشاید که ژرفای عظمت او را دریابند و گمانها را نسزد که حقیقت چیستی او را فهم کنند و جانها را یارای آن نیست که معانی چگونگی او را به ذهن آورند و چنان باشد که از درونها آگاهی دارد و بر رازها شناخت کامل دارد و خیانت دیدگان و هر آنچه در سینه ها پنهان است را به خوبی ببیند.

خداوندا تو را بر تصدیق رسولت صلی الله علیه و آله به دلم و ایمان به او و شناختم از جایگاه او گواه میگیرم و شهادت میدهم که او پیامبری است که حکمت سخن از فضل او به زبان آرد و پیامبران مژده آمدنش را دادند و به اعتراف و پذیرش رهآورد وی فراخواندند و با این سخنش به باور و تایید وی فراخواند که: «الَّذِی یَجِدُونَهُ مَکْتُوباً عِنْدَهُمْ فِی التَّوْراهِ وَ الْإِنْجِیلِ یَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهاهُمْ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّباتِ وَ یُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبائِثَ وَ یَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلالَ الَّتِی کانَتْ عَلَیْهِمْ»(1) {که [نام] او (پیامبر درس نخوانده) را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می یابند، پیروی می کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد، و از کار ناپسند باز می دارد، و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی دارد.}

پس بر محمد فرستاده ات به سوی جن و انس و سرور پیامبران برگزیده و بر برادرش و پسر عمویش که هر دو ایشان، هرگز چشم به هم زدنی به تو شرک نورزیدند و بر فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان و بر سروران جوانان بهشتی حسن و حسین، صلوات و درودی جاویدان به شمار قطرات ریز باران و همسنگ کوهها و قله ها و مادام که درخت سلام برگ بر سر شاخ آورد و روشنی و تیرگی پشت هم آیند و هم بر خاندان پاکسرشتش، امامان رهیافته پشتیبان دین، علی و محمد و

1- . اعراف / 157

جعفر و موسی و علی و محمد و علی و حسن و حجتِ بس برخیزنده به دادگری و آخرین از میان نوادگان این تبار، فرو فرست. خداوندا به حق این امام از تو گشایشی زودرس و شکیبایی بسزا و یاری شیرمردانه و بی نیازی از مردمان و پایداری در رهیافتگی و توفیق بدانچه خود پسندی و پذیری و روزی فراوان و حلال و نیکو و گوارا و فروریزان و نوشین و فزونتر و فزونگرتر و پیاپی در جریان، بدون هیچ سختی و تلخکامی و هیچ منتی از سوی کسی و همراه با عافیت از بلا و ناخوشی و بیماری و با سپاس بر سلامتی و برخورداری درخواست میکنم و چون لحظه مرگم در رسید، جان ما را به خاطر فرمانبری در هر آنچه که فرمودی و پایداریمان در آن، به بهترین حالت ممکن، به نزد خود گیر تا آنکه ما را در بهشت نعمتت برنهی، به لطف و مهرورزی ات، ای مهربانترین مهربانان. خداوندا بر محمد و آل محمد صلوات فرست و هراس از دنیا را در دلم قرار ده و شوق به آخرت را به دلم افکن که به راستی جز بیم تو، کس را از دنیا هراسناک نمیکند و جز امید به تو، کس را به آخرت انس و الفت ندهد. خداوندا حجت با توست نه بر تو و گلایه گذاریمان به پیشگاه توست و نه از تو، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا بر نفس ستمپیشه سرکشم و بر شهوت چیره شده ام یاری کن و عاقبت به خیرم کن. خداوند آمرزش خواهی ام از تو، حال آنکه بر آنچه نهی فرموده ای پافشاری نموده ام، بی حیایی است و آمرزش نطلبیدنم با وجود آگاهی از بردباری بسیار تو، تباه نمودن حق امیدواری به توست. خداوندا گناهانم مرا از امید بستن به تو نومید میکند و آگاهی ام از رحمت گسترده ات، مرا از بیهوده ترسیدن باز میدارد، پس خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و امیدی که به تو بستم را محقق گردان و هراسانی ام از وجود پاکت را زائل گردان و بسان آن نیکترین گمانی که به تو دارم باش، ای گرامیترین گرامیان؛ و مرا به عصمت پشتیبان گرد و زبانم را به حکمت بگشا و مرا از کسانی قرار ده که بر کردار دیروز خود پشیمانی میورزند و در بهره امروزش زیانکار نمیگردد و نگران روزی فردایش نیست. خداوندا بی نیاز آن است که با تو به بی نیازی رسد و به تو نیازمند باشد و تهیدست آن است که به خلق تو از تو بی نیازی جوید، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا به لطفت از خلقت بی نیاز

گردان و مرا از کسانی قرار ده که جز به پیش تو دست دریوزه دراز نمیکند. خداوندا به راستی که بیچاره آن است که نومید گشت، حال آنکه در توبه پیش رویش باز است و از پشت سرش رحمت؛ و اگر عملم ناچیز وهیچ بوده، پس به حق که من به رحمت تو بس شدید امید بسته ام، پس ضعف عمل مرا به قوت امیدم ببخش. خداوندا، اگر میدانی که در میان بندگانت کسی هست که از من سنگیندلتر و گناهکارتر است، به راستی که من میدانم که مرا مولایی توانگرتر از تو و مهرورزتر و درگذرنده تر از تو ندارم، پس ای آن که در رحمتش بی همتاست، ببخشای آن کس را که در گناهانش بی همتا نیست.

خداوندا فرمان دادی و سرکشی نمودیم و نهی فرمودی و سر ننهادیم و بس به یادمان آوردی و خود را به فراموشکاری زدیم و بینش بخشیدی و خود را به کوری زدیم و هشدار دادی و دستدرازی نمودیم و این پاسخ احسان تو به ما نبود و تو خود بهتر میدانی که آشکارا و در نهان چه کرداری داشته ایم و خود آگاهتری از رفتاری که میکنیم و کرده ایم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و ما را به خاطر خطاکاریها و فراموشکاریمان مواخذه مفرما و حقوقی که نزد ما داری، بر ما ببخش و احسانت به ما را کامل عطا گردان و رحمتت را بر ما سرازیر گردان. خداوندا، ما به آبروی این امام راستینمنش به تو توسل جسته ایم و از تو به آن حقی که برای او و برای جدش، فرستاده ات، و برای پدر و مادرش علی و فاطمه اهل بیت رحمت، برشمرده ای؛ مسألت دارم آن رزقی که قوام زندگیمان و صلاح احوال زن و فرزندمان به آن است، بر ما فرو ریزی، که تنها تویی آن بخشنده ای که دارا، میبخشی و قدرتمندانه، بخششت را (اگر خواهی) باز میداری و ما رزقی از تو طلب میکنیم که صلاح کار دنیایمان در آن باشد و کفایت ما برای آخرتمان باشد. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و ما و پدر و مادرمان و همه زنان و مردان مومن و مسلمان، زندگان و مردگان ایشان را بیامرز و «وَ آتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً

وَ فِی الْآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنا عَذابَ النَّارِ»(1) پروردگارا! {در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.}

سپس به رکوع و سجده رفته و مینشینی و تشهد و سلام میگویی و چون تسبیح خدا گفتی، گونه ات را بر زمین بگذار و چهل بار بگو: منزه است خداوند و حمد و ثنا او راست و خدایی جز خدای یگانه نیست و خدا بزرگتر است. و از خداوند پاکی از گناه و نجاتیافتگی و آمرزش و توفیق کردار نیک و پذیرش هر آنچه بدان به او تقرب جویی و با آن روی او را بخواهی، تقاضا کن و در کنار سر حضرت بایست و سپس دو رکعت نماز بسان آنچه گفته شد، بگزار و سپس به روی قبر خم شو و آن را ببوس و بگو: خداوند بر شرافتتان بیفزاید و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد. و سپس برای خود و پدر و مادرت و هر که خواهی دعا کن.

توضیح: «بهذا القبر الملموم» یعنی آن که مردم برای زیارت به آن هجوم میآورند. «خلافا» یعنی من بر خلاف آنان کلمه توحید را میگویم. «الذین لم یشرکا» یعنی عمو و پسرش یا محمد و علی. «رهام» مانند جبال، جمع رِهمه بارانِ ریز و دائمی است. «سلام» با فتحه و با کسره درخت است. «فیا من هو أوحد فی رحمته» در بعضی نسخهها با جیم آمده که از وجدان است: ای کسی که هر چه را بخواهد به رحمتش، بیشتر از دیگران پیدا میکند، ببخش کسی را که از دیگران پرگناهتر نیست. ممکن است در دومی کلمه «فی» تعلیلیه باشد، یعنی ببخش کسی را که به خاطر گناهش چیزی را نمییابد. در برخی نسخهها با «حاء» است، یعنی تو در رحمت یکتایی و من در گناه، تنها نیستم و این وجه بهتر است. «و اسبل»، «اسبال» یعنی انداختن پرده که استعاره مکنیه در آن است.

9. مولف المزار الکبیر زیارت دیگری برای روز عاشورا که از ناحیه مقدسه ائمه علیهم السلام به دست یکی از نمایندگان امام علیه السلام رسیده است را نقل میکند که گوید: بر کنار حضرت میایستی و میگویی: سلام بر آدم برگزیده خدا از

1- . بقره / 201

میان آفریدگانش... و زیارت را درست نظیر آنچه گذشت پیش میبرد. (1) و روشن می شود که این زیارت از ائمه نقل گشته و روایت شده است و احتمال دارد که مخصوص روز عاشورا نباشد چنان که سید مرتضی ره بیان داشته است. و اما تفاوت میان این زیارت و آنچه به سید مرتضی منسوب است، شاید به دلیل اختلاف روایات باشد و درست تر آنکه، سید این زیارت را برگرفته و از نزد خود بخشهایی را به آن اضافه نموده است.

در دو روایت مفید و المزار الکبیر، بعد از این گفته: «المخصوص بأخوته» آمده است: «السلام علی صاحب القبه السامیه». ظاهراً از کاتبان است که (این بخش) در زیارتی که از روایت سید رحمه الله آوردیم، افتاده است.

1- . المزار الکبیر : 165- 171

باب بیست و پنجم : زیارت اربعین

روایات:

1. سید رضی الله عنه گوید: از امام حسن عسکری علیه السلام روایت میکند که فرمود: نشانه مومن پنج چیز است: نماز پنجاه و یک رکعت، زیارت چهلم امام، انگشتری بر دست راست، بر خاک ساییدن پیشانی، و بلند بر زبان راندن بسم الله الرحمن الرحیم. (1)

و عطاء گوید: در روز بیستم صفر با جابر بن عبدالله بودم و چون به غاضریه رسیدیم، وی در نهر آن غسل نمود و لباس پاکیزهای که با خود داشت را پوشید و سپس به من گفت، آیا عطری با خود داری؟ گفتم سُعد (مشک زمین، کولان) دارم و او از آن بر روی سرش و دیگر قسمتهای بدنش مالید و سپس با پای برهنه پیاده رفت تا آنکه در کنار سر حضرت حسین علیه السلام ایستاد و سه بار الله اکبر گفت و سپس بیهوش افتاد و چون به هوش آمد شنیدم که میگفت: سلام بر شما ای خاندان خدا، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا، سلام بر شما ای نیکترین های خدا در میان آفریدگانش، سلام بر شما ای سرور سروران، سلام بر شما ای شیران بیشه، سلام بر شما ای کشتی نجات، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران، سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح نبیّ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای پسر محمد مصطفی، سلام بر تو ای پسر علی مرتضی، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سلام بر تو ای شهید شهید زاده، سلام بر تو ای کشته کشته زاده، سلام بر تو ای ولی خدا و پسر ولیّ او، سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت او بر آفریدگانش. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و

1- . مصباح الزائر ص- 151

زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و به پدر و مادرت نیکی ورزیدی و با دشمنانت مجاهدت نمودی، شهادت میدهم که تو سخن را می شنوی و پاسخ میگویی و گواهی میدهم که تو حبیب خدا و خلیل او و نیکزاد او و برگزیده او و فرزند برگزیده او هستی. مشتاقانه به زیارتت آمده ام پس مرا نزد خدا شفاعت کن ای سرور من. به آبروی جدت سرور پیامبران و پدرت سرور جانشینان پیامبران و مادرت سرور بانوان جهانیان، به پیشگاه خدا شفاعت میجویم. خدا قاتلان تو و ستمکنندگان بر تو و خوارکنندگان و کینهتوزان علیه تو از نخستینها تا آخرینهای ایشان را لعنت کند.

سپس بر قبر خم شد و دو طرف صورتش را بر آن مالید و چهار رکعت نماز گزارد و به کنار قبر علی بن حسین علیه السلام آمد و گفت: سلام بر تو ای مولای من و فرزند مولای من، خداوند قاتل تو را لعنت کند، خداوند ستمروا کرده بر تو را لعنت کند، به محبت شما به خدا تقرب جسته و از دشمنتان به پیشگاه خدا بیزاری میجویم؛ و سپس قبر را بوسه داد و دو رکعت نماز گزارد و به سمت قبرهای شهیدان رفت و گفت: سلام بر جانهای زانو زده بر کنار قبر ابا عبد الله، سلام بر پیروان خدا و پیروان رسول خدا و پیروان امیر المومنین و حسن و حسین، سلام بر شما ای پاکسرشتان، سلام بر شما ای هدایت یافتگان، سلام بر شما ای نیکوکاران، سلام بر شما و بر فرشتگان خدا که به گرد مقبره شما حلقه زده اند، امید که خداوند مرا با شما در جایگاه امن رحمتش به زیر سایه عرشش گرد آورد.

سپس به کنار قبر عباس بن امیر المومنین علیه السلام آمد و بر کنار آن ایستاد و گفت: سلام بر تو ای ابا القاسم، سلام بر تو ای عباس بن علی، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، گواهی میدهم که تو در خیرخواهی سختکوشی نمودی و امانت را به اهلش رساندی و در برابر دشمنت و دشمن برادرت جانفشانی نمودی، پس صلوات خدا بر روان نیکآیند تو، و خداوند چون تو برادری را پاداش خیر عطا فرماید. سپس دو رکعت نماز خواند و خداوند را به دعا خواند و رهسپار خانه اش شد. (1)

1- . مصباح الزائر : 151- 152

توضیح: این روایت بر این دلالت دارد که جابر - که خداوند از او خشنود باد- معطر بودن را برای زیارت آن حضرت علیه السلام، نیکو میشمرده است. در برخی از روایات منع آن گذشت و بعید نیست روایات منع به وقتی حمل شود که قصد لذتبردن در میان باشد نه احترام به روضه مقدسه و گرامیداشت آن و معطر ساختن آن. فیروز آبادی گوید: «شیعه الرجل» یعنی پیروان و یاوران او.

2. التهذیب: صفوان بن مهران جمال روایت نمود: مولایم صادق صلوات الله علیه در باب زیارت چهلم، مرا فرمود که به هنگام ظهر زیارت میکنی و میگویی: سلام بر ولیّ خدا و حبیب او، سلام بر دوست پاکباز خدا و نیایشگر او، سلام بر جانشین پیامبر خدا و پسر جانشین پیامبرش، سلام بر حسین ستمدیده شهید، سلام بر اسیرِ دلپریشیها و کشته اشکها. خداوندا شهادت میدهم که او ولیّ تو و پسر ولیّ توست و نیکگزیده تو و پسر نیکگزیده توست که به کرامتت نائل گشته و او را به شهادت گرامیداشته ای و سعادت را پاداش وی نمودی و او را به ولادتی نیک، برگزیده خود نمودی و او را سروری از سروران و رهبری از رهبران و مدافعی از مدافعان دین قرار دادی و میراث پیامبران را به وی بخشیدی و او را از میان جانشینان پیامبران، حجتی بر آفریدگانت قرار دادی و او در فراخواندنش، ره هر بهانه ای را بربست و خیرخواهی صادقانه اش را پیشکش نمود و جانش را در راه تو در طبق اخلاص نهاد تا بندگانت را از نادانی و سرگشتگیِ گمراهی نجات بخشد حال آنکه دنیا فریفتگانِ بهره فروختگان به پوچترین هیچها و آخرت فروختگان به بی ارزشترین بها و آن سرکشان خودپسند که در هوا و هوسشان سرنگون گشتند و تو را و پیامبرت را به خشم آوردند و از میان بندگانت سر به دستورات اهل دورویی و دودستگی و بارکشان گناه دیگران که آتش دوزخ را بر خود واجب نمودند، نهادند، با یکدیگر علیه وی همداستان گشتند و او شکیبا و فداکارانه و بی چشمداشت دنیوی در راه خشنودی تو در برابر ایشان جانفشانی نمود تا آنکه در راه فرمانبری از تو خونش ریخته شد و به حریم وی بی حرمتی شد. خداوندا، پس ایشان را لعنتی کمرشکن فرست و عذابی جانگیر و سخت نما.

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر سرور جانشینان پیامبران، شهادت میدهم که امین خدا و فرزند امین خدایی و نیکبخت زیستی و ستوده جان باختی و از دست رفته و ستمدیده و شهادت یافته رخت بربستی و از دنیا لذتی جز عمل صالح برنچیدی و خود را جز به سودایی سودمند سرگرم نکردی. شهادت میدهم که خداوند هر آنچه به تو وعده فرموده، انجام خواهد کرد و هر آن که تو را بی یاور گذاشت، نابود خواهد کرد و آن که تو را کشت را شکنجه سخت خواهد نمود و گواهی میدهم که تو به عهد خدا وفا نمودی و در راه خدا جانفشانی کردی تا آنکه لحظه جان باختنت رسید، پس خدا لعنت کند آن که تو را کشت و خدا لعنت کند آن که به تو ستم روا داشت و لعنت کند امتی را که این خبر شنید و به آن خشنود گشت. خداوندا تو را شاهد میگیرم که من دوستدار دوستداران اویم و دشمن دشمنان او، پدر و مادرم به فدایت ای پسر رسول خدا، شهادت میدهم که تو نوری بودی در تیره های فرازمند و زهدانهای بیآلایش که جاهلیت با پلشتیهایش تو را نیالود و رخت تیرگیهایش را بر تن تو نیفکند و شهادت میدهم که تو از ستونهای دین و پایههای استوار جمع مسلمانان و دژ استوار مومنان هستی و گواهی میدهم که تو امام نیکوکار پرهیزکار پسندیدهکردار وارسته رهنمای رهیافته هستی و گواهی میدهم که امامان از نسل تو واژه پرهیزکاری و پرچمهای رهیافتگی و دست آویزهای بس استوار و حجت خدا بر اهل دنیا هستند. و شهادت میدهم که من به شما ایمان دارم و به رجعت و بازگشت شما همراه با شریعتهای دینم و سرانجام عملم یقین دارم. دلم با دل شما ره صلح و آشتی میپوید و کارم همه پیروی از کردار شماست و یاری ام برای شما آماده است تا آنکه خداوند به شما اذن فرماید و آنگاه با شما، با شمایم و نه با دشمن شما، صلوات خدا بر شما باد و بر جانها و پیکرهای شما و بر حاضر و غایب شما و بر آشکار و نهان شما باد ای پروردگار جهانیان مستجاب فرما. سپس دو رکعت نماز میخوانی و هر آنچه خواستی در دعا می طلبی و بازمی گردی. (1)

1- . التهذیب 6 : 113

مؤلف: شیخ مفید و سید بن طاووس(1) و شهید(2) و غیر ایشان رحمهم الله این زیارت را در کتابهاشان به طور مرسل آورده اند و سید در الاقبال(3) به اسناد از تلعکبری با سند و متن روایت درج شده، نقل کرده و میگوید: در مصباح الزائر(4) برای این زیارت وداعی مخصوص یافتم و آن چنین است که در برابر ضریح بایستی و بگویی:

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر علی مرتضی، جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای وارث حسن پسندیده کردار، سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش و شاهد او بر آفریدگانش، سلام بر تو ای ابا عبد الله شهید، سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من، گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات مستحقان پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و در راه خدا جهاد کردی تا آنکه لحظه جان باختنت رسید. و شهادت میدهم که تو بر بیّنه و حقیقت روشن از سوی پروردگارت بودی. ای مولای من، سر نهاده به کوی تو، به زیارتت آمده و مشتاق روی تو و معترف به گناهانم و گریخته از گناهان به تو پناه آورده ام تا مرا نزد پروردگارت شفاعت جویی ای پسر رسول خدا، صلوات خدا بر تو باد زنده یا مرده، که تو را نزد خدا جایگاهی شناخته شده و شفاعتی پذیرفته هست. خداوند لعنت کند آن که بر تو ستم روا داشت و خدا لعنت کند آن که تو را محروم نمود و حقت را چپاول کرد، خدا لعنت کند آن که تو را کشت و خدا لعنت کند آن که تو را تنها بی یاور گذاشت و خدا لعنت کند آن که تو را فراخواند و سپس پاسخت نگفت و تو را یاری ننمود و خدا لعنت کند آن که تو را از حرم الهی و حرم رسول خدا و حرم پدر و برادرت باز داشت و خدا لعنت بی پایان و پیاپی کند آن که تو را از نوشیدن آب فرات بازداشت.

1- . مصباح الزائر : 152- 154
2- . مزار الشهید : 57- 58 و صاحب المزار الکبیر در : 171- 172 سند زیارت را صحیح دانسته است
3- . الإقبال: 61- 63
4- . مصباح الزائر : 153- 154

بار الها، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، ای دانای نهان و آشکار، تو خود در میان بندگانت بر سر آنچه اختلاف می کردند، داوری می کنی. کسانی که ستم کرده اند به زودی خواهند دانست که به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت. خداوندا این را آخرین زیارت من از وی قرار مده و آن را همواره تا آنگه که زنده و باقی هستم روزیام گردان، ای خدای من. و چون رخت از این جهان کشیدم مرا در جمع ایشان محشور گردان، ای مهربانترین مهربانان.

سپس سید رحمه الله گوید: و اما در چنین روزی زیارت عباس بن مولا امیر المومنین علیه السلام و زیارت شهیدان به همراه مولایمان حسین علیه السلام را همانند آنچه که در زیارت ایشان در روز عاشورا گذشت میخواند و اگر خواهد، از دیگر زیارتهای منقول از ائمه برگزیده علیهم السلام بخواند.

توضیح: «الذود» یعنی راندن و طرد کردن و هل دادن، یعنی آنچه موجب فساد است از اسلام و مسلمین طرد کند. «وکس» یعنی کاستی و «غطرسه» خودبزرگبینی و سرکشی بر همسالان و تکبر است و «تغطرس» یعنی خشم گرفت و در راه رفتنش تکبر کرد و از راه تجاوز کرد. فیروز آبادی آن را گوید. «تردّی فی البئر» در چاه سقوط کرد.

«بشرائع دینی» شاید معنا این باشد که شرایع دین و سرانجام عملم به آن شهادت میدهند، از باب مبالغه و مجاز، یعنی آنها موافقند با آنچه به من امر کردید و شاهدند که من به شما ایمان دارم. ممکن است عطف در «بایابکم» از قبیل عطف مفرد باشد یعنی «مؤمن» به ایابکم هستم و «موقن»، خبر بعد از خبر برای انّ باشد و بشرایع متعلق به موقن باشد یعنی به حق بودن شرایع دینم یقین دارم و به حق بودن سرانجام کارم از بهشت و جهنم و ثواب و عقاب. در برخی از نسخههای التهذیب «و بشرایع» با عطف است پس به معنای اخیر برمیگردد و شاید چیزی افتاده باشد چنان که از برخی بندهای مشابه واقع در سایر زیارتها برمیآید.

نکته:

بدان در اخبار، دلیل و علت استحباب زیارت آن حضرت علیه السلام در چنین روزی نیامده است و مشهور بین اصحاب این است که علت آن، بازگشت

ص: 380

خانواده و حرم امام حسین علیه السلام در چنین روزی از شام به کربلاست و قرار دادن امام سجاد علیه السلام سرها را بر روی بدنها. گفته شده: در چنین روزی به مدینه بازگشتند که هر دو وجه بعید است، زیرا زمان اجازه نمیداده، چنان که از اخبار و آثار برمیآید و این که در سال دیگر بوده باشد نیز بعید است.

شاید علت استحباب زیارت در چنین روزی این باشد که جابر انصاری در چنین روزی از مدینه به قبر شریف آن حضرت رسیده و با همان زیارتی که گفتیم زیارت کرده است. پس او ظاهرا اولین کسی است که زیارت کرده است و لذا مستحب است به او تأسی شود؛ یا آزاد کردن اهل بیت علیهم السلام از بند و زندان شام در چنین روزی بوده است، یا علت دیگری که ما نمیدانیم.

کفعمی رحمه الله گوید: زیارت اربعین نامیده شده چون وقت آن، روز بیستم ماه صفر است و چهل روز از شهادت حسین علیه السلام گذشته است و آن روزی است که جابر دوست پیامبر صلی الله علیه و آله برای زیارت قبر حسین علیه السلام از مدینه به کربلا آمده است. پس اولین کسی بوده که زیارت کرده است. در چنین روزی حرم حسین علیه السلام از شام به مدینه بازگشتند.

سید رحمه الله در کتاب الاقبال گوید: اگر گفته شود چرا روز بیستم صفر روز اربعین نامیده شده در حالی که مقتل آن حضرت روز دهم بوده و و روز دهم نیز محاسبه میشود و چهل و یک روز میگردد، گفته میشود: شاید ماهی که آن حضرت شهید شد ناقص بوده و روز بیستم، چهل روز تمام میشده است.

به هر حال روز بیستم صفر اربعین است و حالا یا ماه ناقص بوده و یا تامه بوده و روز قتل آن حضرت محاسبه نشده است زیرا قتل در پایان روز بوده و کامل نبوده تا شمرده شود و این تأویل برای دانایان کافی است و ایشان به اسرار پروردگار عالمیان در تعیین اوقات زیارت ائمه طاهرین آگاهترند.

سپس سید افزود: در المصباح دیدم که حرم حسین علیه السلام همراه مولانا علی بن حسین علیه السلام روز بیستم صفر به مدینه رسیدند. در غیر المصباح آمده است که آنان روز بیستم صفر در بازگشت از شام به کربلا رسیدند که هر دو بعید است زیرا عبید الله بن زیاد لعنه الله علیه به یزید نامه نوشت و ماجرا را توضیح داد و

ص: 381

اجازه خواست آنان را حمل کند و تا جواب نیامد، این کار را نکرد و این به بیست روز یا بیشتر زمان نیاز داشته است؛ و نیز چون وقتی به شام رسیدند، در جایی اقامت کردند که باز بوده و محافظتی از سرما و گرما نبوده است. ظاهر حال اقتضا میکند آنان از زمان قتل حسین علیه السلام بیش از چهل روز تأخیر داشته باشند تا به عراق یا مدینه برسند.

ممکن است به کربلا رفته باشند ولی رسیدن آنان روز بیستم صفر نبوده، زیرا آنان طبق آنچه روایت شده، به همراه جابر بن عبدالله انصاری بودند، پس اگر جابر به عنوان زائر از حجاز آمده باشد، وصول خبر و حرکت وی تا کربلا بیش از چهل روز به طول میانجامد و حتی اگر از کوفه یا جای دیگر آمده باشد نیز همین گونه است.

مؤلف: در بابهای تاریخ آن حضرت در این زمینه سخن گفتیم.

ص: 382

باب بیست و ششم : زیارت امام حسین علیه السلام در روز و شب اول رجب و نیمه شعبان

روایات:

1. شیخ مفید و سید بن طاووس رحمهما الله و دیگران گفته اند: در زیارت نخستین روز از رجب و شب آن و شب نیمه شعبان، اگر خواستی حضرت علیه السلام را در وقتهای مذکور زیارت کنی، غسل کن و پاکترین لباست را بپوش و بر کنار دروازه بارگاهش رو به قبله بایست و بر سرورمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و بر امیر المومنین و فاطمه و حسن و حسین و امامان که صلوات خدا بر همه ایشان باد، سلام بده. سپس به کنار ضریح حضرت برو و صد بار خدا را به بزرگی یاد کن و بگو: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر خاتم پیامبران، سلام بر تو ای پسر سرور فرو فرستادگان، سلام بر تو ای پسر سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای حسین بن علی، سلام بر تو ای پسر فاطمه سرور زنان جهان، سلام بر تو ای ولی خدا و پسر ولی خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا و پسر برگزیده خدا، سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت خدا، سلام بر تو ای حبیب خدا و پسر حبیب خدا، سلام بر تو ای سفیر خدا و پسر سفیر خدا، سلام بر تو ای نگاهبان کتاب به خط نوشته خدا، سلام بر تو ای وارث تورات و انجیل و زبور، سلام بر تو ای امین خدای رحمان، سلام بر تو ای شریک قرآن، سلام بر تو ای ستون دین، سلام بر تو ای دروازه حکمت خداوندگار جهانیان، سلام بر تو ای دروازه غفران و گنهریزی که هر که بدان وارد شود از ایمنی یافتگان است، سلام بر تو ای همیان دانش خدا، سلام بر تو ای جایگاه اسرار خدا، سلام بر تو ای آن که خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد و ای کُشته تبارکُشتهای که

خونخواهی کشتگانت بر کفت مانده است. سلام بر تو و همه جانهایی که بر ساحت تو درنشستند و در سایه لطف تو رحل اقامت افکندند. پدر و مادرم و جان خودم به فدای تو ای ابا عبد الله، به حق، غم جانگداز از دست دادنت بس دشوار و مصیبت تو بر ما و بر همه مسلمانان، بس گران بود. پس خداوند امتی را که اساس و پایه ظلم و ستم بر شما اهل بیت را بنا نهاد لعنت کند، و امتی را که شما را از مقام و منزلتتان بازداشتند و شما را از درجه ای که خداوند شما را در آن بنشانده بود پس زدند، لعنت فرماید. پدر و مادرم و جانم به فدای تو ای ابا عبد الله، گواهی میدهم که به ریختن خون شما، سرادقها و طبقات عرش به همراه سقف بالای سر همه بندگان به لرزه افتاد و آسمان و زمین و اهالی بهشتها و زمین و دریا بر تو گریستند. صلوات خدا به شمار آنچه خدا داند، بر تو باد. لبیک ای منادی خدا که اگر این جسم من به هنگام کمکخواهی ات و زبانم به هنگام یاریجویی ات اجابتت ننمود، به راستی که دل و گوش و چشمم پاسخت گفت. «سُبْحانَ رَبِّنا إِنْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً»(1) {منزه است پروردگار ما، به راستی که وعده پروردگارمان محقق خواهد گشت.} گواهی میدهم که تو پاک پاکیزه پاکگشته ای هستی از پاکی پاکیزه پاکگشته و تو پاک هستی و این سرزمینها با تو پاک گشت و زمینی که تو در آن هستی، پاک گشت و پاک گشت حرم تو. شهادت میدهم که تو به عدل و دادگری دستور داده و به آن فراخواندی و شهادت میدهم که تو راستگوی راستینسخنی در آنچه که بدان خواندی و شهادت میدهم که تو انتقام خدایی در زمین و شهادت میدهم که تو از سوی خدا و از جدت رسول خدا و از پدرت امیر المومنین و از برادرت حسن ابلاغ نمودی و خیرخواهی کرده و در راه خدا جانفشانی نمودی و او را خالصانه پرستیدی تا آنکه لحظه جان باختنت دررسید. پس خداوند تو را بهترین پاداش پیشگامان عطا نماید و بر تو صلوات فرستد و درود بی پایان دهد. خداوندا بر محمد و آل محمد درود فرست و بر حسین ستمدید شهید رهبرده کشته اشکها و اسیر دلپریشیها، صلوات فرست، صلواتی فزاینده و بیآلایش و پر برکت که آغاز آن فراز گردد و آخر آن پایان نیابد و برتر از هر صلواتی که بر کسی از فرزندان

1- . اسراء / 108

پیامبرانت فرستاده ای، ای خداوندگار جهانیان. سپس بر ضریح بوسه بزن و گونه راست و چپت را بر آن بنه و گرد ضریح بچرخ و از هر چهارگوشه بر آن بوسه بزن.

شیخ مفید رحمه الله گوید: سپس به ضریح علی بن حسین علیه السلام برو و بر کنار آن بایست و بگو: سلام بر تو ای راستینسخن نیکآیند وارسته دوستداشتنی نزدیک گشته به خدا و پسر ریحانه رسول خدا، سلام بر تو ای شهید فداکارِ بی چشمداشت دنیوی و رحمت و برکات خدا. چه جایگاه گرامی و چه بازگشتگاه شرافتمندی داری. گواهی میدهم که خداوند پویش و کوششت را بیسپاس نگزارد و پاداش تو را فراوان بخشد و تو را به اوج برین و در اتاقها، آنجا که شرف، تمام شرف گردآمده، برنشاند، همانسان که پیش از این بر تو منت نهاد و از اهل بیتی قرارت داد که خداوند پلشتی از ایشان ببُرد و ایشان را بس پاک و مطهر گرداند. صلوات خدا بر تو باد و رحمت خدا و برکات و رضوان او، پس ای سرور پاکسرشت به نزد خداوند برای برانداختن بار گناهان از پشت من و سبک کردن آن از گرده ام، نزد خدایت شفاعت جوی و به خاکساری و کرنش من نزد تو و نزد سرورم، پدرت که صلوات خدا بر شما باد، رحم آور و سپس بر قبر خم شو و بگو: خداوند شرف شما را در آخرت، چنان که در دنیا فزون داشت، افزون گرداند و شما را نیکبخت نماید، چنان که به یمن وجودتان نیکبخت نمود و شهادت میدهم که شما پرچمهای بلند دین و ستارگان جهانها هستید. سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد.

سپس به سوی شهیدان رضوان الله علیهم روی کن و بگو: سلام بر شما ای یاران خدا و یاران فرستاده او و یاران علی بن ابی طالب و یاران فاطمه و یاران حسن و حسین و یاران اسلام. شهادت میدهم که شما برای خدا خیرخواهی کرده و در راه او جانفشانی نمودید، پس خداوند شما را از اسلام و اهل اسلام بهترین پاداشها دهاد، به خدا که به فوزی عظیم نائل گشتید و ای کاش با شما بودم تا به فوز عظیم نائل میآمدم. گواهی میدهم که شما زنده اید و نزد پروردگارتان روزی میخورید و گواهی میدهم که شمایید شهیدان و شمایید نیکبختان و شما فوز یافتگان در درجات عالی هستید. و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما. سپس به کنار

سر حضرت بیا و نماز زیارت را به جای آور و برای خودت و پدر و مادرت و برادرانت دعا کن.

سید قدس الله روحه گوید: و پیش برو و بر کنار ضریح علی بن حسین علیه السلام رو به قبله بایست و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش و پیامبران فروفرستاده اش و بندگان درستکارش و همه فرمانبرداران خدا در آسمانها و زمینها بر ابا عبد الله حسین بن علی و رحمت و برکات خدا. سلام بر تو ای نخست کشته از نسل برترین نژاد از تبار ابراهیم خلیل، صلوات خدا بر تو و بر پدرت باد، آنگاه که درباره تو فرمود: خدا بکشد قومی که تو را کشند ای فرزندم، چه جسارت پیشه اند بر خدای رحمن و بر زیر پا نهادن حرمت رسول خدا، دنیا پس از تو نابود گردد. شهادت میدهم که تو پسر حجت خدا و پسر امین اویی، خداوند علیه قاتلانت برای تو حکم نماید و ایشان را به جهنم درافکند و بد سرنوشتی دارند. و ما را در روز قیامت از دیدار کنندگان و همراهان تو و همراهان جدت و پدرت و عمویت و برادرت و مادر زجرکشیده پاکسرشت مطهّرت قرار دهد و به پیشگاه خدا از هر آن که تو را به قتل رساند، بیزاری میجویم و از خداوند خواهان همراهی با شما در بهشت جاوید هستم و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. سلام بر عباس بن امیر المومنین، سلام بر جعفر بن امیر المومنین، سلام بر عبید الله بن امیر المومنین، سلام بر ابابکر بن حسن، سلام بر عبدالله بن حسن، سلام بر عبد الله بن حسین، سلام بر محمد بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب، سلام بر جعفر بن عقیل، سلام بر عبد الرحمن بن عقیل، سلام بر عبد الله بن مسلم بن عقیل، سلام بر محمد ابا سعید بن عقیل، سلام بر عون بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب، سلام بر شما اهل بیت مصطفی، سلام بر شما اهل سپاس و خرسندی، سلام بر شما ای یاوران خدا و مردان اهل حق و تحمل دشواریها و جانفشانان در راه او با بینشمندی. شهادت میدهم که شما آنچنان که خداوند عز و جل فرمود: «وَ كَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ فَما وَهَنُوا لِما أَصابَهُمْ فِی سَبِيلِ اللَّهِ وَ ما ضَعُفُوا وَ مَا اسْتَكانُوا وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»(1) {و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه

1- . آل عمران / 146

خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند، شکیبایان را دوست دارد.} و شما سست نگشتید و سستی نورزیدید تا آنکه بر سبیل حق و یاری خدا و کلمه تامّه خدا، با وی دیدار کردید، صلوات خدا بر شما و بر جانها و پیکرهای شما و سلام بی پایان خدا. به خدا سوگند رستگار شدید. من دوست داشتم که همراه شما بودم تا به رستگاری بزرگی دست یابم. هان مژده باد شما را به پیمان الهی که آن را خلف وعده و دگرگونی نباشد و خداوند وعده اش را زیر پای نمینهد. شهادت میدهم که شما والاتبارانید و سروران شهیدان در دنیا و آخرت هستید و شهادت میدهم که شما در راه خدا مجاهدت نموده و بر سیره رسول خدا شهید گشتید و شمایید پیشگامان جانفشان و شهادت میدهم که شما یاران خدا و یاران رسول خدایید و حمد و ثنا خدایی راست که وعده اش به شما را محقق نمود و آنچه را میپسندیدید پیش راهتان نهاد و سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد. (1)

سپس به سوی شهیدان روی کن و بگو: سلام بر سعید بن عبد الله حنفی، سلام بر جریر بن یزید ریاحی، سلام بر زهیر بن قین، سلام بر حبیب بن مظهّر، سلام بر مسلم بن عوسجه، سلام بر عقبه بن سمعان، سلام بر بریر بن خضیر، سلام بر عبد الله بن عمیر، سلام بر نافع بن هلال، سلام بر منذر بن مفضل جعفی، سلام بر عمرو بن قرظه انصاری، سلام بر ابا ثمامه صائدی، سلام بر جون غلام اباذر غفاری، سلام بر عبدالرحمن بن عبد الله ازدی، سلام بر عبد الرحمن و عبد الله پسران عروه، سلام بر سیف بن حارث، سلام بر مالک بن عبد الله حائری، سلام بر حنظله بن اسعد شبامی، سلام بر قاسم بن حارث کاهلی، سلام بر بشیر بن عمر حضرمی، سلام بر بر عابس بن شبیب شاکری، سلام بر حجاج بن مسروق جعفی، سلام بر عمرو بن خلف و سعید غلام او، سلام بر حیان بن حارث، سلام بر مجمع بن عبد الله عائذی، سلام بر نعیم بن عجلان، سلام بر عبد الرحمن بن یزید، سلام بر عمر بن ابی کعب، سلام بر سلیمان بن عون حضرمی، سلام بر قیس بن مسهر صیداوی، سلام بر عثمان بن فروه، سلام بر غیلان بن عبد الرحمن، سلام بر قیس بن عبد الله همدانی، سلام بر عمر بن کنّاد، سلام

1- . مصباح الزائر : 155- 156

بر جبله بن عبد الله، سلام بر مسلم بن کناد، سلام برسلیمان بن سلیمان ازدی، سلام بر حماد بن حماد خزاعی مرادی، سلام بر عامر بن مسلم و غلامش مسلم، سلام بر بدر بن رقیط و دو پسرش عبد الله و عبید الله، سلام بر رمیث بن عمرو، سلام بر سفیان بن مالک، سلام بر زهیر بن سائب، سلام بر قاسط و کرش پسران زهیر، سلام بر کنانه بن عتیق، سلام بر عامر بن مالک، سلام بر منیع بن زیاد، سلام بر نعمان بن عمرو، سلام بر جلاس بن عمرو، سلام بر عامر بن جلیده، سلام بر زائده بن مهاجر، سلام بر شبیب بن عبد الله نهشلی، سلام بر حجاج بن یزید، سلام بر جویر بن مالک، سلام بر ضبیعه بن عمر، سلام بر زهیر بن بشیر، سلام بر مسعود بن حجاج، سلام بر عمار بن حسان، سلام بر جندب بن حُجیر، سلام بر سلیمان بن کثیر، سلام بر زهیر بن سلمان، سلام بر قاسم بن حبیب، سلام بر أنس بن کاهل اسدی، سلام بر حرّ بن یزید ریاحی، سلام بر ضرغامه بن مالک، سلام بر زاهر غلام عمرو بن حَمِق، سلام بر عبد الله بن یقطر، برادر رضاعی امام حسین علیه السلام، سلام بر منجع غلام حسین علیه السلام، سلام بر سُوید غلام شاکر.

سلام بر شما ای ربانیون، شما برگزیدگانی هستید که خداوند شما را برای ابا عبد الله علیه السلام برگزید و شما خواصی هستید که خداوند شما را مخصوص حسین گرداند. شهادت میدهم که شما در راه فراخواندن به حق کشته شدید و همچنان یاری نمودید و وفا کردید و جانهایتان را به همراه پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله بخشش نمودید و شمایید نیکبختان و نیکبخت گشتید و به درجات والا دست یافتید، پس خداوند بهترین پاداش کسانی که با پیامیر خدا صلی الله علیه و آله پایمردی نمود را به شما یاران و برادران عطا فرماید. گوارایتان باد آنچه به شما پیشکش گشت و گوارایتان باد آنچه که خداوند به شما پاداش بخشید و رحمت از سوی خداوند بر سر شما سایه افکند و به یمن آن به شرف آخرت دست یافتید. (1)

سید رحمه الله گوید: شمار شهیدان در زیارت عاشورایی به روایتی دیگر، متفاوت از آنچه در اینجا درج گشت، ذکر گردید و نامها و نیز افزون و کاست آن تفاوت دارد و باید بدانید که در این امر، آنچه درست دیدیم و از دیگران روایت

1- . مصباح الزائر : 156- 157

نموده را سرمشق قرار دادیم و آن را در هر جایگاه چنان که یافتیم، درج نموده ایم. و اما چون از آنچه ذکر شد فراغت یافتی، به کنار سر حضرت حسین علیه السلام بازگرد و نماز زیارت و هر نماز دیگری که خواستی بخوان و برای خودت و پدر و مادرت و برادرانت بسیار دعا بخوان که به خواست خدای بزرگ مستجاب گردد و چون قصد وداع حضرت صلوات الله علیه نمودی، به برخی از وداعهای مذکور در پایان زیارتهایی که پیش از این بیان گشت، با او وداع نما. (1)

2. بلد الامین: از امام صادق علیه السلام روایت شده که در زیارت حسین علیه السلام فرمود: کنار قبر میایستی و می گویی: حمد و ثنا خدای بلندمرتبه عظیم راست. سلام بر تو ای بنده درستکار وارسته، شهادتی به نزد تو میسپارم که مرا در روز شفاعتت به تو نزدیک گرداند. شهادت میدهم که تو کشته شدی و نمردی، بلکه به امید زنده گشتنت، دلهای شیعیانت زنده گشت و رهجویان تو به پرتو نور هدایت تو راه یافتند و شهادت میدهم که تو نور خدایی که خاموش نگشت و هرگز خموشی نیابد و شهادت میدهم که تو سمت و جهت خدایی که هرگز فنا نگشت و هرگز نابودی نگیرد و شهادت میدهم که این تربت تربت توست و این حرم حرم توست و این درافکنگاه محل بر زمین افتادن پیکر توست نه به خواری، حال آنکه خدا عزتبخش توست و نه مغلوب و شکست خورده، حال آنکه خداوند یاریگر توست. این گواهی من است نزد تو تا روز قبض روح شدنم در محضر تو و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. (2)

مؤلف: ظاهراً این زیارت مطلقه است، اما کفعمی در کتاب مصباح آن را در زیارت نیمه شعبان آورده است.

3. اقبال الاعمال و کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: هر که شب نیمه شعبان را در سرزمین کربلا تا صبح سر کند و هزار مرتبه قل هو الله احد بخواند و هزار مرتبه از خدا آمرزش طلبد و هزار مرتبه او را حمد و ثنا گوید و سپس برخاسته و چهار رکعت نماز گزارد که در هر رکعت هزار مرتبه آیه الکرسی را بخواند، خداوند دو فرشته را مامور وی گرداند که او را از هر امر ناپسند و از شر هر

1- . مصباح الزائر : 157- 158

2- . البلد الأمين : 284

شیطان و سلطانی حفظ نمایند و حسنات او را مینویسند و سیئه ای بر وی نمینویسند و مادام که با او هستند، برای او طلب آمرزش میکنند.

مؤلف: و از امور مناسب شب نیمه شعبان، زیارت سرورمان صاحب الزمان صلوات الله علیه است که این شب ولادت او که بر وی و پدرانش سلام باد، است و در باب زیارتهای حضرت ذکر خواهد شد.

4. اقبال الاعمال: منقول از دست خط محمد بن علی طرازی به نقل از خط شیخ ابی الحسن محمد بن هارون، که سند زیارت در کتاب وی محذوف بوده است: و از جمله نمازهای نیمه شعبان در کنار مزار سرورمان ابا عبد الله حسین بن علی صلوات الله علیه، نمازی است چهار رکعتی که در هر رکعت پنجاه بار فاتحه الکتاب میخوانی، به این صورت که در رکوع ده بار، و چون از رکوع برخاستی به همین اندازه و نیز در دو سجده و میان آنها نیز همینطور، بسان آنچه در نماز تسبیح انجام میدهی و پس از آن دعا میکنی و میگویی: خداوندا، تویی که به آدم و حواء علیهما السلام پاسخ گفتی آنگاه که گفتند: «رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَ إِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ»(1) {خداوندا به خود ستم کرده ایم و اگر تو بر ما نیامرزی و بر ما رحم نیاوری، بی شک که از زیانکاران خواهیم بود.} و نوح علیه السلام تو را ندا درداد و تو پاسخش گفتی و او و خاندانش را از اندوه بزرگ نجات بخشیدی. و آتش نمرود را بر خلیلت ابراهیم خاموش کردی و آن را بر او خنکا و سلامتی قرار دادی و تویی که ایوب را پاسخ گفتی آنگاه که ندایت درداد: «أَنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ»، {به من آسیب رسیده و تویی مهربانترین مهربانان.} و زیانی که به وی رسیده بود را برطرف کردی و به او «أَهْلَهُ وَ مِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً»، {خاندانش را و هم گروهی نظیر ایشان را همراه با آنان رحمتی از نزد خود و یادآوری خردمندان عطا نمودی.} و تویی که ندای ذی النون را اجابت نمودی، آنگاه که ندا درداد: «فِی الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِینَ»، {در دل تاریکیها، که هان خدایی جز تو نیست، پاک و منزهی، من از ستمکاران بودم.} و او را از اندوه نجات بخشیدی و تویی که دعای موسی و هارون

1- . اعراف / 23

را پاسخ گفتی آنگاه که فرمودی: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُما فَاسْتَقِيما»، {دعای شما را اجابت نمودم، پس ایستادگی کنید.} و فرعون و پیروانش را غرق کردی و خطای داود را بخشیدی و دلش را بیدار نمودی و از سر رحمتت دشمنش را از وی بازداشتی و اسماعیل ذبیح را به ذبحی عظیم، فدا دادی پس از آنکه «أَسْلَما وَ تَلَّهُ لِلْجَبِينِ»، {هر دو تن دردادند} و پسر را به پیشانی بر خاک افکند، و او را به فَرج و روح ندا سردادی و تویی که زکریا علیه السلام تو را ندا زد: «نِداءً خَفِيًّا قالَ رَبِّ إِنِّی وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّی وَ اشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْباً وَ لَمْ أَكُنْ بِدُعائِکَ رَبِّ شَقِيًّا»، {به صدایی آهسته و گفت: پروردگارا، من استخوانم سست گردیده و [موی] سرم از پیری سپید گشته، و - ای پروردگار من - هرگز در دعای تو ناامید نبوده ام. و فرمودی: «وَ يَدْعُونَنا رَغَباً وَ رَهَباً وَ كانُوا لَنا خاشِعِينَ»، {ما را از روی رغبت و بیم می خواندند و در برابر ما فروتن بودند.} و تویی که دعای کسانی که ایمان آورده و عمل نیک انجام میدهند را اجابت میفرمایی تا از فضلت بیش از پیش بر ایشان ارزانی نمایی. پس خدای من، مرا ناچیزترین مشتاقانت قرار مده و دعای مرا چنان که دعای ایشان را اجابت نمودی، اجابت نما و مرا به حق ایشان در پیشگاهت، پاک گردان و نماز و نیکوکاریهایم را به نیکی بپذیر و باقی زندگی ام را و مرگم را نیک و خوشایند گردان و کسانی را که پشت سر به جای مینهم، نگاهدار باش و ایشان را ای خدای من، به دعایم حفظ نما و نسل مرا نسلی نیکآیند قرار ده که به احاطهگری خود، ایشان را به هر آنچه که سلاله اولیای خود و اهل اطاعتت را در پوشش قرار دادی، در سایه احاطه ات بنشانی، به لطف و رحمتت ای مهربانترین مهربانان. ای آن که بر هر کار توانمند است و بر هر چیزی ناظر است و به هر درخواست کننده ای نزدیک است و هر دعاکننده ای را از پیاش پاسخگوست، تویی خداوند و خدایی جز تو نیست، تویی زنده پس بر پای خیزنده (به امور) یگانه بی نیاز که «لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُواً أَحَدٌ»، {نزاده و زاده نشده است و هیچکس او را همتا نیست.} و تویی صاحب قدرتی که بدان بر عرشت درآمدی و آسمانهایت را بدان برافراشتی و کوههایت را بدان استوار گرداندی و زمینت را بدان گستردی و رودها را بدان روان نمودی و ابر و خورشید و ماه و شب و روز را مسخّر نمودی و همه آفریدگانت را بدان آفریدی. به عظمت و شکوهمندی رویت ای بخشنده که آسمانها به نور آن

درخشان گشت و تیرگیها به درخشش آن نورانی شد. از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا در رویارویی با هر آن که با من دشمنی میورزد، کفایت نمایی و خود امر معاد و معاش مرا بسنده باشی و همه امورم را به صلاح آور ای پروردگار من، و چشم بر هم زدنی مرا به خود وامگذار و امر فرزندان و خانواده ام را اصلاح نما و من و ایشان را از گنجینه هایت و گستردگی بخششت و دست دهِشات، توانگر ساز و مرا خودداری و عفاف در دینت روزی نما و مرا بدانچه که بندگان مورد خشنودی و رضایتت را بهرمند گرداندی، بهرهای بخش و مرا بسان ابراهیم، پیشوای پرهیزکاران قرار ده که فقط به توفیق توست که پرهیزکاران فوز مییابند و توبهگران توبه میکنند و پرستندگان به پرستشت میافتند و درستکاران، به رهآوری و رهنمایی توست که از آتش قهرت میرهند. خداوندا جان مرا پرهیزکاری اش نصیب گردان که تویی ولیّ و مولای آن و تویی برتر کسی که آن را از گناه پاک گرداند. خداوندا رهیافتگی و پرهیزکاری اش را پیش راهش نِه و از بهشتت او را بر والاترین جایگهش بنشان و مرگ و زندگی اش را نیکو گردان و بازگشتگاه و قرارگاه و اقامتگاه و پناهگاه او را گرانمایه ساز. تویی پروردگار و سرور آن. خداوندا دعایم را شنوا باش و از سر رحمتت، به آبروی محمد و علی و فاطمه و حسین و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت قائم که صلوات خدا بر او و بر ایشان باد، در پیشگاهت و به منزلت ایشان در نزدت، آن را اجابت فرما، ای مهروزترین مهرورزان. (1)

مؤلف: این دعا را با وجود تقدم ذکر آن، به خاطر اختلاف زیادی که در دو نسخه بود، تکرار کردم.

1- . الإقبال: 212

باب بیست و هفتم : زیارت امام حسین علیه السلام شب نیمه رجب و روز آن که فضیلت آن پیش از این بیان گشت

روایات:

1. شیخ مفید نوّر الله ضریحه گوید: از زیارتهای مخصوص، زیارت نیمه رجب است که به غفیله معروف است. و چون قصد این زیارت نمودی و به داخل صحن حضرت آمدی، سه بار خداوند را به بزرگی یاد کن و بر کنار قبر بایست و بگو: سلام بر شما ای خاندان خدا، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا، سلام بر شما ای سرور سروران، سلام بر شما ای شیران بیشه، سلام بر شما ای کشتیهای نجات، سلام بر تو ای ابا عبد الله حسین، سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران و رحمت و برکات خدا بر تو، سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای پسر محمد مصطفی، سلام بر تو ای پسر علی مرتضی، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سلام بر تو ای پسر خدیجه کبری، سلام بر تو ای شهید شهید زاده، سلام بر تو ای کشته کشته زاده، سلام بر تو ای ولی خدا و پسر ولیّ او، سلام بر تو ای حجت خدا و پسر حجت او بر آفریدگانش. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و به سوگ غم جانگداز پدر و مادرت نشستی و با دشمنانت مجاهدت نمودی، شهادت میدهم که تو سخن را می شنوی و پاسخ میگویی و گواهی میدهم که تو حبیب خدا و رفیق پاکباز او و نیایشگر با او و جانشین پیامبر او و فرزند برگزیده او هستی. مشتاقانه به زیارتت آمده ام، پس مرا نزد خدا شفاعت جو ای سرور من. به آبروی جدّت سرور پیامبران و پدرت سرور برگزیده او و به مادرت فاطمه سرور بانوان

جهانیان، به پیشگاه خدا شفاعت میجویم. هان که خدا لعنت کند قاتلان تو را و لعنت کند ستمکنندگان بر تو را و چپاولگران و کینهتوزان علیه تو از نخستینها تا آخرینهای ایشان را. صلوات خدا بر سرورمان محمد و خاندان نیکآیند پاکسرشت او.

سپس ضریح را ببوس و به سوی علی بن حسین علیه السلام روانه شو و او را زیارت کن و بگو: سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من، خدا لعنت کند قاتلان تو را و لعنت کند ستمروا کنندگان بر تو را. من به زیارت شما و به محبت به شما، به خدا تقرب میجویم و به پیشگاه خداوند، از دشمنانتان بیزاری میجویم. سلام بر تو ای مولای من و رحمت و برکات خدا. سپس چند گامی پیش برو تا به کنار قبر شهیدان برسی و بایست و بگو: سلام بر جانهای زانو زده بر کنار قبر ابا عبد الله، سلام بر شما ای پاکشدگان از پلیدی، سلام بر شما ای هدایت یافتگان، سلام بر شما ای نیکوکاران خدا، سلام بر شما و بر فرشتگان خدا که به گرد مقبره همه شما حلقه زده اند، امید که خداوند ما را با شما در جایگاه امن رحمتش به زیر سایه عرشش گرد آورد که او مهربانترین مهربانان است. سلام و رحمت و برکات خدا بر شما باد. سپس به سوی شهادتگاه عباس بن امیرالمومنین علیه السلام برو و چون به قتلگاه وی رسیدی، بایست و بگو: سلام خدا و سلام فرشتگان مقربش .. . و نظیر همان چه را که در زیارت حضرت عباس رضی الله عنه آمد، ذکر میکند.

توضیح: گفته وی علیه السلام: «تسمی بالغفیله»، چون عموم مردم از فضیلت آن غافلند و از آن محرومند، غفیله نامیده شده است. «یا آل الله» یعنی پیروان و دوستانش و کسانی که امورشان به خدا برمیگردد. «لیث»، شیر و «غابات» جنگلها، گویی نبردها را به خاطر وجود نیزهها و تیرها به بیشه و جنگل تشبیه کرده است. گفته وی: «رزئت بوالدیک» به صورت مجهول و مهموز، یعنی با شهادت و مظلومیت آنان به تو مصیبت وارد شد. «رزء»، مصیبت از دست دادن عزیزان.

مؤلف: این زیارتی است که جابر که خداوند از او خشنود باد از آن حضرت علیه السلام در روز اربعین انجام داد و پیشتر آن را آوردیم.

سید رضی الله عنه درباره زیارت نیمه رجب گوید: از ابن ابی نصر روایت شده که گفت: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که در چه ماهی به زیارت حسین علیه السلام برویم؟ فرمود: در نیمه رجب یا نیمه شعبان. و سپس میافزاید: درباره کیفیت زیارت حضرت در این وقت، بایستی که به زیارت جامعه در ایام رجب زیارت شود که در زیارتهای جامعه خواهد آمد و یا به زیارتهای نقل شده برای دیگر ماهها زیارت شود، زیرا که من زیارتی مخصوص به این وقت را نیافتم. (1)

1- . مصباح الزائر : 160

باب بیست و هشتم : زیارت امام حسین علیه السلام در روز میلادش

اشاره

بنا به قول معروف، در سوم شعبان است و به قولی دیگر در پنجم است. و اما درباره کیفیت آن، متنی ویژه آن نیافیتم و میتوان حضرت علیه السلام را به زیارتهای مطلقه زیارت کند و پس از نماز زیارت، این دعا را بخواند که از متن آن مشخص است که تلاوتش در کنار قبر حضرت علیه السلام شایسته تر و مناسب تر است.

روایات:

1. شیخ در المصباح(1) و سید بن طاووس در الاقبال(2) گویند: به قاسم بن علاء همدانی، نماینده ابا محمد علیه السلام خبر رسید که مولایمان حسین علیه السلام در روز پنج شنبه، سوم شعبان به دنیا آمد، پس آن روز را روزه بگیر و در آن این دعا را بخوان: خداوندا، خواهشم را به حق زاده این روز به پیشگاهت آورده ام که پیش از به دنیا آمدنش و دیده شدن روی ماهش، به شهادتش وعده داده شده و آسمان و اهل آن و زمین و اهالی آن بر وی گریستهاند، حال آنکه او هنوز پایش به زمین نرسیده بود، آن کشته اشکها و سرور خاندان، امداد گشته به یاری خدا در روز بازگشت و عوض گرفته قتلش، به این نعمت که امامان از نسل اویند و شفا در تربت اوست و فوز و پیروزمندی با اوست، در بازگشتش و بازگشت جانشینان از عترتش پس از قائم ایشان و غیبت وی تا آنکه انتقامهای ناگرفته را تلافی کنند و به خونخواهی کشتگان برخیزند و خداوند سترگتوان را خشنود کنند و بهترین یاوران باشند. خداوندا، ایشان را همراه با آمد و شد شب و روز، صلوات همیشگی فرست.

1- . مصباح الطوسی : 574
2- . کتاب الاقبال: 185

خداوندا به حق ایشان به تو توسل جسته ام و از تو چون گنهپیشهای معترف به گناه و بدکرده در حق خود به خطاهایی که در امروز و دیروزش از دستش به در رفته و خواستار عصمت و پاکدامنی تا لحظه درافتادن به قبر است، از تو خواهش میکنم. خداوندا بر محمد و عترت او صلوات فرست و ما را در گروه وی محشور گردان و ما را همراه با او در منزل کرامت و جایگاه اقامت همیشگی، درنشان. خداوند، همانسان که ما را به شناخت او گرامی داشتی، ما را به نزدیکی به او گرامی دار و همراهی با او و الگوگیری از سیره و سابقه اش را روزیمان فرما و ما را از کسانی قرار ده که سر به فرمان وی مینهد و به هنگام ذکر نامش، بسیار بر او و بر همه جانشینانش و اهل برگزیدگانش که از سوی تو به عدد دوازده، یاری یافته اند، آن ستارگان رخشان و برهانها بر همه آدمیان، صلوات و درود میفرستد. خداوندا، ما را در این روز بهترین هبه و دهش ها عطا کن و در این روز هر خواسته ما را چنان که حسین را به محمد، جدش بخشیدی، به ما ببخش و چنان که فُطرس به گهواره او پناه جُست، ما پس از او به قبرش پناه میآوریم و بر تربتش حاضر گشته ایم و منتظر بازگشت اوییم، چنین باد ای پروردگار جهانیان. سپس دعای حسین علیه السلام را میخوانی که آخرین دعای حضرت علیه السلام است در آن روز که خیل بی شمار دشمنان بر او حملهور شدند: خداوندا ای فرازین جایگه، ای هنگفت درشکنندگی، ای سرسخت چارهگر، ای بینیاز به آفریدگان، ای بیکران فرازندگی، ای توانا بر هر چه خواهی، ای نزدیک مهر، ای راستین پیمان، ای پیشیگرفته نعمتت، ای نیک برآینده از پس هر کار، ای نزدیک به گاه هر فراخواندنی، ای فراگیر هر آن آفریده ات، نیازمند تو را فرا میخوانم و تهیدست به سوی تو روی میکنم و هراساندل به نزد تو میگریزم و دلپریشان به نزد تو شیون میکنم و ناتوان یاری تو را میجویم و به بسندگی بر تو توکل میکنم «بَیْنَنا وَ بَیْنَ قَوْمِنا بِالْحَق»، میان ما و قوممان به حق حکم نما، که ایشان ما را فریفتند و بر ما نیرنگ زدند و به ما خیانت کردند و ما را بکشتند، حال آنکه ما عترت پیامبرت و فرزندان حبیبت محمد بن عبد الله هستیم که او را به رسالت برگزیدی و وی را بر وحیت امین دانستی. پس ما را

در این امر گشایش و راه چاره ای بخش، به رحمت و مهرورزی ات، ای مهربانترین مهربانان.

ابن عیاش گوید: از حسین بن علی بن سفیان بزوفری شنیدم که میگوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در این روز به این سخنان، دعا مینمود و گفت که این از دعاهای روز سوم شعبان است و این روز میلاد حسین علیه السلام است.

توضیح: «لما یطأ لابتیها»، در النهایه گوید: «اللابه الحره» یعنی زمین سنگلاخ با سنگ سیاه که از زیادی سنگ، گویی آن را پوشیده است. مدینه بین دو حره بزرگ است. پایان سخن وی. پس ضمیر یا به مدینه برمیگردد چون به خاطر قرائن، ظاهر است هر چند پیشتر ذکر نشده است، یا به زمین برمیگردد و مراد در فرض برگشت به زمین نیز همان دو زمین سنگلاخی اطراف مدینه است. به هر حال، مراد پیش از راه رفتن بر روی زمین است. «اسره» یعنی خانواده و اهل بیت مرد.

«الأوصیاء» یعنی بازگشت اوصیاء یا به جرّ، بنا به مذهب کوفیان یا نصب آن بنا بر عطف بر محل، یا واو به معنای «مع» است. گفته وی علیه السلام: «و یثأروا الثأر» با همزه یعنی خون را طلب کردند. گاهی همزه برای تخفیف قلب میشود. این بندها بر رجعت ائمه علیهم السلام دلالت دارد. «یوم کوثر» به صورت مجهول، یعنی به خاطر کثرت دشمن مغلوب شد و ظاهرا دعای اخیر را دعاکننده میخواند تا این جمله: «بین ما و قوم ما حکم کن» و سپس حاجت خود را ذکر میکند.

باب بیست و نهم : زیارتهای شبهای ماه رمضان و اعمال مخصوص آن در این مکان

روایات:

1. اقبال الاعمال: به امام صادق علیه السلام عرض کردند که ثواب آن که در شب نیمه رمضان بر کنار قبر او یعنی حسین علیه السلام حاضر شود، چیست؟ فرمود: به به، هر که در شب نیمه رمضان در کنار قبر او پس از نماز عشاء، ده رکعت نماز به غیر از نماز شب بگزارد و در هر رکعت فاتحه الکتاب و یازده بار قل هو الله احد را بخواند و از آتش دوزخ به خدا پناه جوید، خداوند او را از آتش رها میدارد و نمیرد مگر آنکه فرشتگانی را در خواب ببیند که او را به بهشت مژده دهند و فرشتگانی را که او را از آتش در امان نگاه دارند. (1)

مؤلف: شرح فضل زیارت آن حضرت علیه السلام در اول ماه رمضان و وسط و آخر آن گذشت. پس باید در این ایام با برخی زیارتهای مطلقه زیارت کند، زیرا زیارت مخصوصی نرسیده است.

2. شیخ مفید و سید و شهید رحمهم الله گفته اند: از جمله زیارتهای مخصوص، زیارت شب قدر و دو روز عید است و چون قصد زیارت حضرت علیه السلام در وقتهای مذکور را نمودی، پس از آنکه غسل نمودی و پاکترین لباسهایت را پوشیدی، به شهادتگاه مقدس حضرت بیا و چون به کنار قبر حضرت رسیدی، رودرروی وی قرار گیر و قبله پیش رویت باشد و بگو:

1- . الإقبال: 387

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، سلام بر تو ای پسر صدیقه طاهره، فاطمه سرور زنان جهان، سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبد الله و رحمت و برکات خدا. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و کتاب خدا را چنان که شاید تلاوت نمودی و در راه خدا چنان که باید جانفشانی نمودی و در سایه رحمت خدا اجرجویانه بر هر آزاری شکیبایی نمودی، و خدای را خالصانه پرستیدی تا آنکه لحظه جان باختنت رسید. شهادت میدهم، آنان که به مخالفت تو برخاستند و به جنگ تو آمدند و آنان که تو را تنها گذاشتند و آنان که تو را به قتل رساندند، به گفته رسول امّی ملعون هستند. «وَ قَدْ خابَ مَنِ افْتَری»، {و به حق که هر که افترا بندد، شکست خورد.} خداوند ستمگران به شما از اولین و آخرین ایشان را لعنت فرستد و عذاب دردناک را بر ایشان دوچندان کند. ای مولای من ای پسر رسول خدا، آگاه به حق تو و دوستدار دوستدارانت و دشمن دشمنانت و بینش یافته به هدایتی که تو بر آن بودی و آگاه به گمراهی مخالفانت، به زیارت به نزد تو آمده ام، پس مرا نزد پروردگارت شفاعت جوی.

سپس بر قبر خم شو و صورتت را بر آن بنه و به کنار سر حضرت برو و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا در آسمان و زمینش، صلوات خدا بر روح نیکنهاد و پیکر پاک تو باد. بر تو سلام ای مولای من و رحمت و برکات خدا. سپس به روی قبر خم شو و قبر را ببوس و گونهات را بر آن بگذار و متمایل به سر حضرت شو و دو رکعت نماز زیارت بگذار و پس از این دو رکعت، هر چه فراهم شد، نماز بگذار. سپس به کنار پاهای حضرت برو و علی بن حسین علیه السلام را زیارت کن و بگو: سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من و رحمت و برکات خدا. خدا لعنت کند آن که به تو ستم روا داشت و خدا لعنت کند آن که تو را کشت و خدا عذاب دردناک را بر ایشان دوچندان گرداند. سپس به هر آنچه خواستی دعا کن و با بازگشتن از کنار پاهای حضرت به سمت قبله، شهیدان را زیارت کن و بگو: سلام بر شما ای راستینمنشان. سلام بر شما ای شهیدان شکیبا. شهادت میدهم که شما در راه خدا جانفشانی کردید و در راه حفظ دین خدا، بر هر آزاری صبر پیشه کردید و برای خدا

و رسول خدا و فرزند رسولش ره خیرخواهی پوییدید، تا آنکه لحظه جان باختنان رسید. شهادت میدهم که شما زنده اید و نزد پروردگارتان روزی میگیرید، خداوند شما را از اسلام و اهل اسلام، بهترین جزای نیکوکاران را پاداش دهد و ما و شما را در کانون نعمتفزایش گرد آورد.

سپس به سمت قبر عباس بن امیر المومنین علیه السلام برو و چون به نزدش رسیدی، بر کنار قبرش بایست و بگو: سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، سلام بر تو ای بنده نیکوکار فرمانبر از خدا و رسول خدا. شهادت میدهم که تو جانفشانی کردی و خیرخواهی نمودی و شکیبایی کردی تا آنکه لحظه جان باختنت فرارسید. خداوند ستم روا کردگان به شما از اولینها و آخرینهاشان را لعنت فرستد و ایشان را به درک دوزخ درافکند. (1)

توضیح: سید رحمه الله گوید: این زیارت مخصوص شب قدر است و در دو عید هم به آن زیارت کنند.

3. مولف المزار الکبیر گوید: زیارت مختصری هست که در شب قدر و دو عید، به آن حسین علیه السلام را زیارت کنند و به اسنادی از امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام روایت شده که فرمود: چون قصد زیارت امام حسین علیه السلام را نمودی، پس از آنکه غسل نمودی و پاکترین لباسهایت را به تن کردی، به شهادتگاه وی میآیی... و زیارتها را شبیه به آنچه که گذشت پیش برده است تا آنجا که گوید: به درک دوزخ درافکند و سپس میگوید: و سپس در مسجد آن، هر چه خواهد نماز مستحب میخواند و سپس بازمی گردد. (2)

مؤلف: از روایت معلوم میشود که آن از زیارات مطلقه است و اختصاص به زمان مخصوصی ندارد و اکنون برخی الفاظش را توضیح میدهیم: «فی جنبه»: طبرسی در کلام خداوند متعال گوید: «وا حسرتا علی ما فرطت فی جنب الله»،

حسرت و ندامت من بر ثوابهایی الهی که از دست دادم، به نقل از ابن عباس. گفته

1- . مصباح الزائر : 171- 172 و مزار الشهید : 51- 52

2- . المزار الكبير : 137

شده: در امر الهی کوتاهی کردم، به نقل از مجاهد و سدی. گفته شده: در طاعت الهی، به نقل از حسن.

فراء گفته: جنب، قرب الهی است و همسایگی اوست و گفته میشود: «فلان یعیش فی جنب فلان» یعنی در نزدیکی و همسایگیاش زندگی میکند. و از آن است کلام خدا: «والصاحب بالجنب»؛ پس میشود: برای آنچه از دست دادم در طلب نزدیکی و جوار خداوند یعنی بهشت. زجاج گفته: یعنی در راه خدا از دست دادم، پس جنب به معنای جانب میشود، یعنی کوتاهی کردم در جهت و جانبی که به رضایت خدا منتهی میشود. پایان

ص: 402

باب سی ام : زیارت امام حسین علیه السلام در دو شب عید فطر و عید قربان

روایات:

1. شیخ مفید و سید ابن طاووس و شهید رضی الله عنهم گویند: چون خواستی حضرت را در این دو شب مذکور زیارت کنی، پس بر کنار بارگاه حضرت بایست و اذنجویانه به سوی قبر نگاه بینداز و بگو: ای مولای من ای ابا عبد الله، ای پسر رسول خدا، غلام تو و پسر غلام تو و پسر کنیز تو، این خاکسار پیش روی تو و فرو افتاده در برابر والایی شأن تو و این اقرار کرده به حق تو، پناهجو به نگاهداشت تو و رهسپار حرم تو و روی نهاده به مقام تو و توسل جسته به درگاه خدای تبارک و تعالی به آبروی تو، (به نزد تو آمده)، آیا رخصت ورود میدهی ای مولای من؟ آیا اجازه ورود میفرمایی ای ولی خدا؟ آیا وارد شوم ای فرشتگان حلقه زده بر گرد این حرم و درنشسته بر این شهادتگاه؟ و سپس اگر دلت به کرنش افتاد و چشمانت گریان گشت، پای راستت را پیش از پای چپ به درون بارگاه بگذار و بگو: به نام خدا و به یاری خدا و در راه خدا و بر آیین رسول خدا، خداوندا «أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ»(1) {مرا به منزلگاهی پربرکت فرونشان و تو بهترین فرونشانندگانی.} سپس بگو: خداوند بس بزرگ و بلند مرتبه است و حمد و ثنای بسیار خدای راست و خداوند پاک و منزه است در سپیده دم صبح و در هنگامه تیرگی پس از غروب و حمد و ثنا از آن خدای یگانه بی نیاز شکوهمند بی همتای تفضلگر منتدارِ غنیبخش پرمهری است که نعمتبخشیاش بر من از سر احسانش،

1- . مومنون / 29

زیارت مولایم را برایم آسان نمود و مرا از زیارت وی باز نداشت و از پیمان بستن با وی پس نزد، بلکه ثروت و آسایشش را بر من ارزانی نمود و بخشید. سپس داخل شو و چون به میانه راه و به نزدیک قبر رسیدی، فروتنانه و با گریه و کرنش در کنار آن بایست و بگو:

سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح امین خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث علی حجت خدا، سلام بر تو ای وصیّ ِ نیکوکار پرهیزکار، سلام بر تو ای آن که خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد، و ای کُشته تبارکُشتهای که خونخواهی کشتگانت بر کفت مانده است. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و و در راه خدا چنان که شاید جانفشانی نمودی تا آن که به حریم تو دست درازی کردند و مظلوم کشته شدی. سپس کنار سر حضرت بایست و با دلی فروتن و چشمی اشکریز بگو: سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای دلیر مرد مسلمانان. ای مولای من، شهادت میدهم که تو نوری بودی در تیره های فرازمند و زهدانهای بیآلایش که جاهلیت با پلشتیهایش تو را نیالود و سیهجامههای تیرگیهایش را بر تو نیفکند و شهادت میدهم که تو از ستونهای دین و پایههای استوار مسلمانان و دژ استوار مومنان هستی و گواهی میدهم که تو امام نیکوکار پرهیزکار پسندیدهکردار وارسته رهنمای رهیافته هستی و گواهی میدهم که امامان از نسل تو واژه پرهیزکاری و پرچمهای رهیافتگی و دست آویزهای بس استوار و برهان بر اهل دنیا هستند.

سپس بر قبر خم شو و بگو: به راستی که ما از آن خداییم و به سوی او بازگردندگانیم. ای مولایم، من دوستدار دوستدار شما و دشمن دشمنتان هستم و من به شما ایمان دارم و با وجود بازگشت شما به شریعتهای دینم و سرانجام عملم یقین دارم و دلم با دل شما دوستی ورزیده و کارم همه پیروی از شماست. ای مولای من،

ترسان و لرزان به سوی حرمت آمدم، پس مرا ایمنی بخش و پناهجوی به نزدت آمدم، پس مرا در سایه پناه خود قرار ده و تهیدست به سویت روانه گشتم، پس بی نیازم گردان. ای سرور من، تو ولیّ امر و مولای من و حجت خدا بر همه بندگان هستی و به آشکار و پنهان شما و به ظاهر و باطن و اول و آخر شما ایمان آوردم. شهادت میدهم که تویی آن که کتاب خدای را خواند و تویی امین خدا که به حکمت و اندرز نیک فراخواننده به سوی خدایی. خدا لعنت کند امتی را که بر تو ستم روا داشت و خدا لعنت کند امتی را که خبر تو را شنید و به آن خشنود گشت. سپس کنار سر حضرت دو رکعت مستحب زیارت را بخوان و چون سلام دادی، بگو: خدایا من فقط برای تو نماز گزاردم و رکوع نمودم و سجده کردم و یگانه ای و تو را انبازی نباشد و نماز و رکوع و سجده جز برای تو جایز نباشد زیرا که تنها خدایی هستی که جز تو خدایی نیست. خداوندا بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست و سلام بسیار و بهترین تحیت و درودها را از من به ایشان رسان و سلام ایشان را به من رسان. خداوندا این دو رکعت، هدیه از طرف من و در تکریم سرور و مولایم حسین بن علی که صلوات تو بر آن دو باد، است. خداوندا بر محمد و بر او صلوات فرست و آن را از من قبول کن و اجرم ده و بهترین امید و چشمداشتم از تو و از ولیّ ات، ای ولیّ امر مومنان، را به من ارزانی دار. سپس بار دیگر بر قبر خم شو و بگو: سلام بر حسین بن علی شهید مظلوم، کشته اشکها و اسیر دلپریشیها. خداوندا شهادت میدهم که او ولیّ تو و فرزند ولیّ توست و برگزیده توست که به حق تو به خروشی انقلابی درآمد. او را به کرامتت گرامی داشتی و سرانجام کارش را به شهادت رساندی و او را سروری از سروران و رهبری از رهبران قرار دادی و به میلادی نیک گرامی اش داشتی و میراث پیامبران را به وی بخشیدی و او را حجتی بر آفریدگانت از میان جانشینان پیامبران قرار دادی و او راه هرگونه عذری را با دعوت بسیار خود بست و اندرز صادقانه داد و جانش را در راه تو در طبق اخلاص نهاد تا بندگانت را از نادانی و گمگشتگی گمراهی نجات بخشید تا آنکه دنیا فریفتگانِ بهره فروختگان از آخرت به ناچیزترین بها و سرنگون گشتگان در هوا و هوس که تو را و پیامبرت را به خشم آوردند و از میان بندگانت سر به دستورات

اهل دورویی و دودستگی و بارکشان گناه دیگران که آتش دوزخ را بر خود واجب نمودند، نهادند، با یکدیگر علیه وی همداستان گشتند و او شکیبا و فداکارانه و بی چشمداشت اجر دنیوی، در راه خشنودی تو در برابر ایشان، کرّار و نه فرّار، جانفشانی نمود و در راه خدا سرزنش هیچ سرزنشگری او را سست نمینمود، تا آنکه در راه فرمانبری از تو خونش ریخته شد و به حریم وی بی حرمتی شد. خداوندا پس ایشان را لعنتی کمرشکن فرست و عذابی جانگیر و سخت نما. سپس به کنار قبر علی بن حسین علیه السلام که کنار پای حسین علیه السلام است بیا و بگو: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر خاتم پیامبران، سلام بر تو ای پسر فاطمه سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، سلام بر تو ای مظلوم شهید، پدر و مادرم به فدایت باد که خوشبخت زیستی و ستمدیده و شهید، جان باختی. سپس به کنار قبر شهیدان برو و بگو: سلام بر شما ای مدافعان از توحید خدا، «سلام عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ»، پدر و مادرم به فدایتان، به فوز عظیم نائل گشتید. سپس به سوی شهادتگاه عباس بن علی علیه السلام برو و بر کنار ضریح شریفش بایست و بگو: سلام بر تو ای ولیّ نیکوکار و راستینمنش همیار، شهادت میدهم که تو به خدا ایمان آوردی و و پسر رسول خدا را یاری نمودی و به راه خدا فراخواندی و با بذل جانت همدردی نمودی، پس از خداوند تو را برترین سلامها و درودها.

سپس بر قبر خم شو و بگو: پدر و مادرم به فدای تو ای یاور دین خدا. سلام بر تو ای یاریگر راستین حسین، سلام بر تو ای یاور شهید حسین، هماره از من تو را تا آنگاه که زنده ام و تا آنگاه که شب و روز در جریان است سلام. و در کنار سر حضرت عباس دو رکعت نماز میگزاری و آنچه که در کنار سر حضرت حسین علیه السلام گفتی، میگویی. سپس به شهادتگاه حسین علیه السلام بازگرد و تا هر گاه خواهی نزد وی مقیم میگردی، ولی بهتر است که آنجا را محل بیتوته ات ننمایی و چون قصد وداع نمودی، گریان در کنار سر حضرت بایست و بگو: ای مولای من، سلام بر تو سلام وداع کنندهای نه آزرده دل و نه پریشان خاطر. و اگر میروم از سر ملالت نیست و اگر میمانم از بدگمانی به آنچه خداوند به بردباران وعده داده، نمی

باشد. ای مولای من! خداوند این زیارت را آخرین بار در زیارت تو قرار ندهد و مرا بازگشت به شهادتگاه تو و اقامت در حرمت و بودن در شهادتگاهت روزی نماید. چنین باد ای پروردگار جهانیان. سپس بر قبر بوسه بزن و دیگر قسمتهای بدنت را بر آن میکشی که این قبر امان و پناه است، و از نزد وی عقب عقب بیرون بیا و به وی پشت مکن و بگو: سلام بر تو ای دروازه جایگاه و مقام برین، سلام بر تو ای شریک قرآن، سلام بر تو ای حجت چیره به گاه نزاع، سلام بر تو ای کشتی نجات، سلام بر شما ای فرشتگان مقیمگشته پروردگارم در این حرم، از من تو را همواره تا آنگاه که باقی مانم و شب و روز باقی است، سلام. و بگو : إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ راجِعُونَ ، همانا ما از خداییم و ما به سوی خدا بازگردندگانیم. و هیچ چاره و جنبشی نیست جز به وجود خدای بلندمرتبه بزرگ. سپس در حالی که مشمول رحمت خداوند شدهای و عالمیان به حالت غبطه آورند، به خواست خدا بازگرد. سید رحمه الله گوید: و اگر چنین کنی، چون کسی باشی که خداوند را در عرشش زیارت نموده است. (1)

توضیح: «ولا عن ذمته مدفوعا»، ذِمه یعنی پیمان و امان و ضمان و حرمت و حق. جوهری آن را ذکر کرد. «بطَل» یعنی شجاع. «لم تنجّسک الجاهلیه بأنجاسها»، در پدران تو کافر و فاسقی نبود که موصوف به صفات جاهلیت باشد بلکه همه معصوم و پاک بودند. «مدلهمات الثیاب» نیز کنایه از همان است و ممکن است یکی اشاره به پاکی ولادت از او باشد و از پدران بزرگوارش تا حضرت آدم علیه السلام، یا عارض نشدن هر گونه شبهه برای او علیه السلام. «معقل» یعنی قلعه. ممکن است مرفوع خوانده شود به خاطر عطف به «جار». «کلمه التقوی»، مفرد آوردن برخی فقرات است برای حمل بر همه آنها یا اشاره به این است که آنان از یک نورند و مثل یک مرد؛ زیرا در علوم و فضائل و کمالات هماهنگ هستند.

1- . مصباح الزائر : 172- 175 و مزار الشهید : 48- 50 و در آن آمده: تا پایان زیارت شهیدان علیهم السلام

گفته وی: «قتیل العبرات»: «عَبره» اشک یا رفت و آمد گریه در سینه، یعنی کشتهای که بر او اشک ریخته میشود؛ چنان که آن حضرت علیه السلام فرمود: من کشته اشکم و مؤمنی مرا یاد نمیکند مگر آن که میگرید.

گفته وی: «الثائر بحقک» یعنی خونخواهی خودش و اهل بیتش را در رجعت به حق تو و به حکم تو میکند، یا در مرتبه نخست نیز خونخواهی پدرش را با حق میکند یا قتل مردم به حق. ممکن است «ثائر» به معنای مقتول باشد. فیروز آبادی گوید: «ثأر» یعنی خون و خونخواهی از او و قاتل دوست صمیمی تو. «ثائر» کسی است که بر چیزی نمیماند تا خونخواهی کند. پایان سخن. بعید نیست در مطلق طلب به کار رفته باشد یعنی طلبکننده حق تو. «فأعذر فی الدعاء» یعنی در آن مبالغه کند تا عذرش را نشان دهد. «مُهجه»، خون یا خون قلب و روح.

2. مؤلف: مولف المزار الکبیر نویسد: زیارت دیگری برای ابا عبد الله حسین صلوات الله علیه است که به آن نیز در دو عید فطر و قربان زیارت کنند. چون قصد زیارت وی علیه السلام را نمودی، سه روز روزه بگیر و در روز سوم غسل کن و همه خانواده و فرزندانت را گردآور و بگو:

خداوندا، من امروز جانم و خانواده و مالم و فرزندانم و هر کس که ارتباطی با من دارد، حاضر است یا غایب را به تو میسپرم. خداوندا ما را به حفاظت ایمان در امان دار و نگاهبانمان باش. خداوندا ما را در پناه خود قرار ده و نعمتت را از ما دریغ مدار و نعمت و عافیتی که به ما بخشیده ای را بازپسمگیر و از فضلت بر ما بیشتر عطا کن که ما مشتاق روی توایم. سپس فروتن از خانه ات بیرون بیا و بسیار لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله بگو و به حال آرامش و وقار رهسپار شو. (1)

3. و روایت شده است: خداوند از عرق زائران قبر حسین، از هر قطره ای، هفتاد هزار فرشته میآفریند که خداوند را تسبیح گویند و برای آن فرد و زائران حسین تا روز قیامت آمرزش می طلبند. (2) و چون چشمت به گنبد بلندش افتاد بگو:

1- . المزار الكبير : 138
2- . المزار الكبير : 138

حمد و ثنا خدای راست و سلام بر بندگانی که برگزید، آیا خداوند برتر است یا آنچه که به انبازی میگیرند و سلام بر فرستادگان و حمد و ثنا خدای جهانیان راست. و سلام بر آل یاسین، به راستی که ما نیکوکاران را چنین پاداش میدهیم. و سلام بر نیکآیندان و پاکان و جانشینان پیامبر و راستگویان و برپاخاستگان به امر دین خدا و حجتهای وی که به راه خدا فراخوانند و جانفشانانی که در راه خدا چنان که شاید، جانفشانی کنند و خیرخواهان برای همه بندگان او و خلافتیافتگان در سرزمین او و رهنمایان به رهیافتگی و رهنمایی او.

چون به پل علقمی رسیدی بگو: خداوندا، رهآوران ره به سوی تو آورند و مشتاقان به فضل تو چشم دوخته اند و سلامت جستگان به وجود تو از گناه برکناری جسته اند و توکل کنندگان بر تو توکل کرده اند و اکنون من سر به کوی تو نهاده ام، چشم دوخته به رحمت تو و خاکسار سرفرازی تو و فرمانبردار والیان امر تو و پیرو دستور ایشان. خداوندا مرا در محبت اولیایت پایداری بخش و پای مرا از زیارت ایشان مبُر و مرا در جمع ایشان محشور گردان و به شفاعت آنان به بهشت وارد گردان.

چون به کنار فرات آمدی، صد بار الله اکبر بگو و صد بار لا اله الا الله بگو و صد بار بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست و بگو: خداوندا، تو بهترین مقصودی هستی که مردان بر در وی فرود آیند و بهترین کسی هستی که رحل سفر به سویش بربندند و تو ای سرورم، گرامیترین کسی هستی که زیارتش کنند و به سویش روانه شوند و چنان باشی که هر زائری را اکرامی حاصل نموده و هر فرود آمده بر درت را، هدیه و پیشکشی فراهم کرده ای، پس از تو مسألت دارم که هدیه ات به من این باشد که مرا از آتش رهایی بخشی و سعی و پویشم را مشکور قرار دهی و بر این ره سپردنم، بی هیچ منتی، به سوی تو، رحم آوری، بلکه لطف و منّت همه تو راست که راه زیارت او را برای من گشودی و فضل و درجه او را به من فهماندی و مرا در حفظ خود نگاه داشتی تا به این مکان رساندی. و به راستی که چشم امید به تو دوخته ام، پس امیدم را قطع مکن و دل به تو بسته ام، پس خواهش دلم را ناکام مگذار و و این زیارت را کفاره گناهانم قرار ده، ای پروردگار جهانیان.

سپس فرود آی و غسل نما و بگو: به نام خدا و به یاری خدا و بر آیین رسول خدا و راستینسخنان در آوردن کلام خدای عز و جل. خداوندا دلم را به این غسل پاک گردان و سینه ام را گشادگی بخش و دلم را به آن نورانی گردان و کارم به آن آسان کن. خدایا آن را نور و پاکی و پناه و شفای از هر بیماری و ناخوشی و آفت و نقص و شر هر آنچه از آن نگران و گریزانم، قرار ده. خداوندا آن را در روز نیازمندی و تهیدستی و دریوزه گری ام نزد تو، گواه من گردان ای خداوندگار جهانیان، که تو بر هر کار توانمندی.

چون غسلت را به پایان بردی، دو جامه پاکیزه بر تن کن و بیرون از نهر و آن جایی است که خداوند فرموده است: «وَ فِی الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَ جَنَّاتٌ مِنْ أَعْنابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِیلٌ صِنْوانٌ وَ غَیْرُ صِنْوانٍ یُسْقی بِماءٍ واحِدٍ وَ نُفَضِّلُ بَعْضَها عَلی بَعْضٍ فِی الْأُکُلِ»، {و در زمین قطعاتی است کنار هم، و باغهایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه، که با یک آب سیراب می گردند، و [با این همه] برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه و نوع و کیفیت] بر برخی دیگر برتری می دهیم.} دو رکعت نماز بگزار که در اولی فاتحه الکتاب و قل یا ایها الکافرون و در دومی فاتحه الکتاب و قل هو الله احد را میخوانی. و چون سلام دادی، تسبیح بگو و سپس بگو: حمد و ثنای خدای یکتای یگانگی جسته در همه امور راست، آن بخشایشگر مهرورزنده که «الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِ»(1) {ما را به این راه ره نمود و اگر خدا هدایتمان نمیکرد، به آن ره نمیبردیم و به حق که فرستادگان خداوندمان برای ما حق را آوردند.} سپس بگو: خداوندا، حمد و ثنای بیکران و بی پایان تو راست تا همیشه که هرگز نیستی نگیرد، آغاز آن فراز گردد و پایان آن خاتمه نیابد، حمدی که فزاینده و فناناپذیر باشد و صلوات خدا بر محمد، مژده آور بیم دهنده و بر خاندان برترین و نیکوکار او و سلام بی پایان.

1- . اعراف / 43

چون به سوی حرم - که بر ساکنش سلام باد - رفتی، بگو: خداوندا، ره به سوی تو آورده و در خانه تو را زدهام و بر ساحت تو درنشسته و به ریسمان تو چنگ زده و به رحمت تو چشم دوختهام و به ولیّ تو توسل جستهام، پس بر محمد و آل محمد صلوات فرست و زیارتم را پذیرفته و دعایم را مقبول دار. سپس راه برو و گامهای کوتاه بردار و با آرامش و وقار و کرنش و با گفتن الله اکبر و لا اله الا الله و الحمد لله و بزگداشت و ثنا و ستایش خداوند عز و جل و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و بیزاری جستن از هر آن که بنای ظلم و ستم بر ایشان را نهاد و آنان را از جایگاهشان پس راند و از مرتبهشان بازداشت و به نیرنگ، جنگی علیه ایشان به راه انداخت یا حقی از ایشان را انکار نمود، پیش برو و چون قصد اجازه گرفتن نمودی، کنار در بارگاه بایست و چشمانت را به قبر بدوز و بگو: ای مولای من ای ابا عبد الله، ای پسر رسول خدا، غلام تو و پسر کنیز تو، این خاکسار پیش روی تو و فرو افتاده در برابر والایی شأن تو و این اقرار کرده به حق تو، پناه جو به نگاهداشت تو و رهسپار حرم تو و روی نهاده به مقام تو و توسل جسته به درگاه خدای تبارک و تعالی به آبروی تو، به نزد تو آمده است. آیا رخصت ورود میدهی ای مولای من؟ آیا وارد شوم ای فرشتگان حلقه زده بر گرد این حرم و درنشسته بر این شهادتگاه؟(1)

مؤلف زیارتها را نظیر آنچه که در روایت شیخ مفید آمد، پیش میبرد.

1- . المزار الکبیر : 138- 141

باب سی و یکم : زیارت امام حسین علیه السلام در شب عرفه و روز عرفه

روایات:

1. شیخ مفید و سید و شهید قدس الله ارواحهم گویند: چون در این روز قصد زیارت وی را نمودی، اگر توانستی در فرات وگرنه در هر جا که توانستی غسل کن و پاکترین لباسهایت را بپوش و به حال آرامش و وقار به سوی محضر شریف وی روانه گرد و چون به دروازه حرم رسیدی، خداوند بلند مرتبه را به بزرگی یاد کن و بگو: خداوند بس بزرگ و بلند مرتبه است و حمد و ثنای فراوان خدای راست و خداوند پاک و منزه است، در سپیده دم صبح و در هنگامه سرخی پیش از غروب و حمد و ثنا خدایی راست که ما را به این امر ره نمود و اگر او ما را ره نمینمود، ما به آن ره نمیبردیم، به راستی که فرستادگان پروردگارمان برای ما حق آوردند. سلام بر رسول خدا، سلام بر امیر المومنین، سلام بر فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان، سلام بر حسن و حسین، سلام بر علی بن حسین، سلام بر محمد بن علی، سلام بر جعفر بن محمد، سلام بر موسی بن جعفر، سلام بر علی بن موسی، سلام بر محمد بن علی، سلام بر علی بن محمد، سلام بر حسن بن علی، سلام بر جانشین شایسته که چشمانتظارش نشسته اند، سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، غلام تو و پسر غلام تو و پسر کنیز تو که دوستدار دوستان تو و دشمن دشمنان توست، به شهادتگاه تو پناه آورده و با ره سپردن به سوی تو به خدا تقرب جسته است. حمد و ثنا خدایی راست که ما را به ولایت تو ره نمود و مرا برای زیارت تو برگزید و ره سپردن به سویت را برایم ساده نمود. (1)

1- . مصباح الزائر : 182- 183 و مزار الشهید : 52- 53 با تفاوت اندکی که بین این دو است.

سپس وارد شو و در کنار سر حضرت بایست و بگو: سلام بر تو ای وارث آدم برگزیده خدا، سلام بر تو ای وارث نوح نبیّ خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم خلیل خدا، سلام بر تو ای وارث موسی همسخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا، سلام بر تو ای وارث امیر المومنین، سلام بر تو ای وارث فاطمه زهرا، سلام بر تو ای پسر محمد مصطفی، سلام بر تو ای پسر علی مرتضی، سلام بر تو ای پسر فاطمه زهرا، سلام بر تو ای پسر خدیجه کبری، سلام بر تو ای آن که خداوند به خونخواهی تو و پدرت برخیزد و ای کشته تبار کشتهای که خونخواهی کشتگانت بر کفت مانده است. گواهی میدهم که تو نماز را برپا داشتی و زکات پرداختی و امر به معروف و نهی از منکر نمودی و فرمانبردار خدا بودی تا آنکه لحظه جان باختنت رسید. پس خدا لعنت کند امتی را که تو را کشت و خدا لعنت کند امتی را که بر تو ستم روا داشت و خدا لعنت کند امتی را که خبر تو را شنید و به آن خشنود گشت. ای مولای من ای ابا عبد الله، خدا و فرشتگانش و پیامبران و فرستادگانش را گواه میگیرم که من به شما ایمان دارم و به وجود بازگشت شما به شریعتهای دینم و سرانجام عملم و بازگشتم به سوی پروردگارم یقین دارم. پس صلوات خدا بر شما باد و بر روانتان و بر پیکرهاتان و بر حاضر و غایب شما و بر پنهان و آشکار شما. سلام بر تو ای پسر پیامبر خاتم و ای پسر سرور جانشینان پیامبران و ای پسر پیشوای پرهیزکاران و پسر راهبر نورانی دست و رویان به سوی بهشت برین. و چگونه چنین نباشی حال آنکه تو دروازه رهیافتگی و پیشوای پرهیزکاری و دستآویز برناکندنی و حجت بر اهل دنیا و پنجمین آل عبا هستی و دست رحمت به تو غذا خورانده و از سینه ایمان شیر نوشیده ای و در دامان اسلام پرورش یافته ای. دلم از جدایی از تو خشنود نیست و در زنده بودن تو تردید ندارد، صلوات خدا بر تو و بر پدران و فرزندانت. سلام بر تو ای درافتاده اشکهای ریزان و همنشین مصیبت پیاپی، خدا لعنت کند امتی را که حرمتهای تو را شکستند و تو که صلوات خدا بر تو باد. به قهر دشمنان کشته شدی و رسول خدا صلی الله علیه و آله به داغ انتقام ناگرفتگی تو گرفتار آمد و کتاب خدا با نبود تو، کنار افکنده شد. سلام بر تو و بر جدت و بر پدرت و مادرت و برادرت و

بر امامان از نسل تو و بر شهید شدگان همراه تو و بر فرشتگان حلقه زده بر قبرت و گواهان بر زائرانت و آمین گویان بر استجابت دعای شیعیانت. و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. پدر و مادرم به فدای تو ای پس رسول خدا، پدر و مادرم به فدای تو ای ابا عبد الله، به حق که غم جانکاه از دست دادنت بس دشوار و مصیبت تو بر ما و بر همه اهل آسمانها و زمین بس کمرشکن بود، پس خدا لعنت کند امتی را که زین نهادند و لگام بستند و برای جنگ با تو آماده گشتند. ای مولای من ای ابا عبد الله، ره به سوی حرم تو آوردم و به شهادتگاه تو آمدم و به آن منزلتی که نزد خداوند داری و جایگه والایی که در پیشگاه وی از آن برخورداری، از او مسألت مینمایم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستد و مرا به منتنهی و بخشندگی و دست و دلبازی اش در دنیا و آخرت همراه شما گرداند. (1)

سپس ضریح را بوسه زن و کنار سر حضرت دو رکعت نماز بگزار و در آن هر سوره ای خواستی بخوان و چون فارغ گشتی بگو: خدایا من فقط برای تو نماز گزاردم و رکوع نمودم و سجده کردم و یگانه ای و تو را انبازی نباشد و نماز و رکوع و سجده جز برای تو جایز نباشد، زیرا که تنها خدایی هستی که جز تو خدایی نیست. خداوندا بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست و سلام بسیار و بهترین تحیت و درودها را از من به ایشان رسان و سلام ایشان را به من رسان. خداوندا این دو رکعت هدیه از طرف من به سرور و مولا و امامم ابا عبد الله حسین بن علی علیهما السلام است. خداوندا بر محمد و خاندان محمد صلوات فرست و آن را از من قبول کن و در برابر آن بهترین امید و چشمداشتم از تو و از ولیّ ات را به من ارزانی دار ای مهرورزترین مهرورزان. سپس به کنار پاهای حسین برو و علی بن حسین علیهما السلام را زیارت کن و بگو: سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر پیامبر خدا، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین، سلام بر تو ای پسر حسین شهید، سلام بر تو ای شهید زاده شهید، سلام بر تو ای ستمدیده، خدا لعنت کند امتی را که تو را کشت و خدا لعنت کند امتی را که به تو ستم روا داشت و لعنت کند امتی را که این خبر شنید و به آن خشنود گشت. سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولی خدا، به

1- . مصباح الزائر : 183- 184 و مزار الشهید : 53- 54

حق که غم جانگداز از دست دادنت بس دشوار و مصیبت تو بر ما و بر همه مومنان بس گران بود. پس خداوند لعنت کند امتی را که تو را کشتند و نزد خدا و نزد تو از ایشان در دنیا و آخرت بیزاری میجویم.

سپس از دری که کنار پاهای علی بن حسین علیهما السلام است خارج شو و از آنجا به سمت شهیدان برو و بگو: سلام بر شما ای دوستداران خدا و محبوبان او، سلام بر شما ای دوستان برگزیده خدا و رفیقان ناب خدا، سلام بر شما ای یاران دین خدا، سلام بر شما ای یاران رسول او و یاران امیر المومنین و یاران فاطمه سرور زنان جهان، سلام بر شما ای یاران ابا محمد، حسن صاحبولایت پسندیدهکردار، سلام بر شما ای یاران ابا عبد الله حسین شهید مظلوم، صلوات خدا بر همه شما باد. پدر و مادرم به فدای شما، نیک و خوش باشید و طیّب و نیک باد زمینی که در آن دفن شدید، و سوگند که شما فوزی عظیم یافتید و ای کاش که با شما بودم تا با شما در بهشت همراه با شهیدان و صالحان، و بس نیک رفیقانی هستند ایشان، به فوز عظیم دست مییافتم. و سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما باد. سپس به کنار سر حضرت حسین علیه السلام بیا و بسیار برای خود و خانواده و برادران مومنت دعا کن. (1)

شیخ مفید گوید: چون قصد بازگشتن داشتی، بر قبر خم شو و آن را ببوس و بگو: سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای برگزیده خدا، سلام بر تو ای خالص گشته برای خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام وداع کننده ای نه آزرده دل و نه پریشان خاطر. و اگر میروم از سر ملالت نیست و اگر میمانم از بدگمانی به آنچه خداوند به بردباران وعده داده، نمیباشد. خداوند این زیارت را آخرین زیارت من از تو قرار ندهد و مرا بازگشت به شهادتگاه تو و درنشستن بر ساحتت روزی نماید و در دنیا و آخرت با شما همراه دارد. سپس بیرون برو و پشت مکن و بسیار بگو: ما از خداییم و به سوی او بازگردندگانیم.

سپس به سوی شهادتگاه عباس بن علی علیه السلام برو و چون رسیدی، بر کنار وی بایست و بگو: سلام بر تو ای بنده درستکار فرمانبردار خدا و رسول خدا و

1- . مصباح الزائر : 184- 185 و مزار الشهید : 54

امیر المومنین و حسن و حسین که سلام و صلوات خدا بر ایشان باد، و سلام و رحمت و برکات خدا و مغفرت او بر تو و بر روان و پیکر تو. گواهی میدهم که تو بر همان راهی که جنگجویان بدر و جانفشانان در راه خدا و پاکبازان در راه او در جهاد با دشمنانش و سختکوشان در یاری اولیای خدا و بازدارندگان دشمنان از محبوبان خداوند ره سپردند، گام زدی؛ پس خداوند تو را بهترین پاداش و فراوان ترین پاداشی که کسی در وفا نمودن به بیعت او و پاسخ گویی به فراخوانی او گرفته، نصیبت گرداند و تو را با پیامبران و راستینمنشان و شهیدان و درستکاران که بس نیک رفیقانند ایشان، محشور گرداند.

سپس کنار سر حضرت دو رکعت نماز بگزار و پس از آن خدا را به هر دعایی که خواستی بخوان و چون قصد خارج شدن نمودی، با او وداع کن و بگو: تو را به خدا میسپارم و از تو میخواهم که حافظ من باشی و به تو سلام میرسانم، به خدا و رسول خدا و کتاب او و آنچه که او از سوی خداوند آورد، ایمان آوردیم. خداوندا ما را همراه با شاهدان بنویس. خداوندا این را آخرین زیارت من از قبر ولیّات و پسر برادر رسولت صلی الله علیه و آله قرار مده و مادام که زنده ام داشته ای، زیارت او را روزیام کن و مرا با او و پدرانش در بهشت، محشور نما و سپس برای خود و پدر و مادرت و برادران مومنت دعا کن. سپس برای وداع به شهادتگاه حسین علیه السلام بازگرد و چون قصد وداع با وی نمودی، همچون نخستین ایستادنت، بر کنار او بایست و بگو: سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای ابا عبد الله، تو مرا سپر بازدارنده از آتش دوزخی و اکنون لحظه بازگشتم است، نه رویگردان از تو و نه از سر برگزیدن دیگری بر تو و نه به ترجیح دیگری بر تو و نه دلآزرده از بودن در کنار تو. از خدای متعال درخواست میکنم که این را آخرین دیدار من و آخرین بازگشت من قرار ندهد و از خدایی که جایگه تو را به من نشان داد و مرا برای سلام دادن به تو و زیارت تو ره نمود، مسألت دارم که مرا به حوض وارد کند و همراهی با شما در کنار پدران نیکوکارتان در بهشت را روزی ام گرداند. سپس بر پیامبر و یکایک امامان درود فرست و هر آنچه خواستی به دعا بخوان و سپس روی سوی قبر شهیدان کن و با ایشان وداع کن و بگو: سلام بر شما و رحمت و

برکات خدا، خداوندا این را آخرین زیارت من از ایشان قرار مده و مرا در پاداش شایسته ای که ایشان را به خاطر یاری پسر پیامبرت و حجتت بر خلقت عطا فرمودی، شریک گردان. خدایا ما را با ایشان در بهشتت با شهیدان و صالحان که بس نیک رفیقانی اند، همراه گردان. شما را به خدا میسپارم و به شما سلام میرسانم. خداوندا بازگشت به سوی ایشان را روزی ام کن و مرا با ایشان رستاخیز ده ای مهرورزنده ترین مهرورزان. سپس بیرون شو و به مقبره حضرت پشت نکن تا آنکه از نگاهت دور شود و در کنار در روی به قبله بایست و هر آنچه که خواهی دعا کن و به خواست خدا، ره بازگشت گیر. (1)

گویم: این زیارت را در المزار الکبیر(2) روایت نموده است تا به اینجا که: و ظاهر شما و باطن شما. سپس گفت: سپس روی قبر خم شو و آن را ببوس و بگو: پدر و مادرم به فدایت ای ابا عبد الله، به تحقیق که غم جانگداز از دست دادنت بس دشوار و مصیبت تو بر ما بس گران بود و سپس آن را تا پایان آنچه که شیخ مفید رحمه الله روایت نمود، ذکر میکند.

توضیح: «صریع الدمعه الساکبه»، اضافه آن مانند «کریم البلد» است. «صریع» یعنی افتاده بر زمین و «مصارع الشهداء» محل شهادت آنهاست، موضعی که اشک فرشتگان و انبیا و اولیا بر آن میریزد. «الراتبه»، ثابت و مستمر. «موتور» یعنی کسی که کشتهای دارد و انتقامش را نگرفته است. «مستشهد» بر وزن اسم مفعول، مقتول در راه خدا. «تأمین» یعنی آمین گفتن بر دعای دیگران و آمین، یعنی خدایا استجابت کن.

مؤلف: سید و شهید رحمهما الله وداع را بر آنچه گذشت وانهاده و گفته اند: سپس به سوی شهادتگاه عباس بن علی علیه السلام برو و بر کنار ضریحش بایست و بگو: سلام بر تو ای اباالفضل عباس بن امیرالمومنین، سلام بر تو ای پسر سرور جانشینان پیامبران، سلام بر تو ای پسر پیشگامترین این قوم در اسلام و پیشکسوت ترین ایشان در ایمان و برترین ایشان در برپا داشتن دین خدا و آگاه ترین ایشان

1- . مصباح الزائر : 114 و 185 مزار الشهید : 54- 55
2- . المزار الکبیر : 154- 156

نسبت به اسلام، شهادت میدهم که تو برای خدا و رسول او و برای برادرت خیرخواهی نمودی و بس نیک برادر همیاری هستی و خدا لعنت کند امتی که تو را کشت و خدا لعنت کند امتی که به تو ستم روا داشت و خدا لعنت کند امتی که حرمتهای تو را شکست و با کشتن تو حرمت اسلام را زیر پا نهاد. و بس نیک برادر شکیبای جانفشان هستی و پشتیبان یاریگر و برادر بازدارنده دشمن از برادرش و سرنهنده به فرمانبری پروردگارش و رویآورنده به پاداش فراوان و ستایش سزاواری که دیگران از آن روی تافته اند. پس خداوند تو را در فردوس برین به مرتبه پدرانت درآورد که او ستوده و والا شکوه است.

سپس بر قبر خم شو و بگو: خداوندا من از شوق ثواب تو و به امید آمرزش تو و مهرورزی شاینده ات، روی سوی تو نهاده و رهسپار زیارت اولیایت شده ام و از تو خواهش دارم که بر محمد و خاندان محمد درود فرستی و روزی مرا به آبروی ایشان فروباران و زندگیام را شادمان و زیارتم را به یمن وجودشان پذیرفته و گناهم را به آبرویشان آمرزیده گردانی و رستگار و نجات یافته و دعا برآورده، به بهترین شکلی که کسی از زائران او و رهسپردگان به سوی کوی او باز میگردند، بازگردان، به مهرورزی ات ای مهرورزترین مهرورزان. سپس ضریح را ببوس و نزد وی نماز زیارت را بخوان و هر نماز و دعایی که خواهی.

سید رحمه الله گوید: چون قصد وداع حضرت علیه السلام را نمودی، پس او را به یکی از وداعهایی که پیش از این گفتیم، وداع نما و پیش از این زیارت عباس علیه السلام را نقل کردیم و در آن بخشی از این متن موجود بود و تکرار آن تنها به خاطر پیروی از متون منقوله است، پس این را بدان. (1)

1- . مصباح الزائر : 185 و مزار الشهید : 54- 55

روایات:

1. کامل الزیارات: چون کسی از شما با حرم حضرت فاصله بسیار داشت و خانه اش بسیار دور بود، بر بالاترین نقطه خانه اش بنشیند و دو رکعت نماز گزارد و به سلام به سوی مقبره های ما اشاره نماید که این به ما میرسد. (1)

2. کامل الزیارات: سدیر در روایتی طولانی گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: ای سدیر، وظیفه آن است که قبر حسین علیه السلام را هر جمعه پنج مرتبه و هر روز یک بار زیارت کنی. گفتم فدایت گردم، میان ما و او فاصله چندین فرسخی است. فرمود: بر بام خانه میروی و آنگاه به چپ و راست نگاه میکنی و سپس سرت را به سوی آسمان فراز میکنی و آنگاه به سمت قبر حسین میچرخی و میگویی: سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو. و برای تو یک زیارت نوشته می شود و یک زیارت برابر است با یک حج و یک عمره. سدیر گوید: و گاه باشد که من این کار را بیش از بیست بار در روز انجام میدهم. (2)

3. مولف المزار الکبیر همین روایت را به روایت از سدیر نقل میکند و در آن آمده است: سلام بر تو ای ابا عبد الله، سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد. (3)

1- . کامل الزیارات : 286
2- . کامل الزیارات : 287
3- . المزار الکبیر : 145- 146

4. کامل الزیارات: حنان از پدرش روایت میکند که امام صادق علیه السلام فرمود: ای سدیر،آیا هر روز قبر حسین را زیارت میکنی؟ عرض کردم خیر فدایت شوم. فرمود: چه بی مهرید! فرمود: هر ماه به زیارت او میروی؟ گفتم نه. فرمود: آیا هر سال یک بار به زیارت او میروی؟ گفتم گاهی چنین است. فرمود: ای سدیر، چقدر بر حسین علیه السلام جفاکارید و بی مهری میکنید! آیا نمیدانید که خداوند را هزار هزار فرشته است که غبارین روی و آشفته موی بر حسین میگریند و زیارتش میکنند و از زیارت او خسته نشده و دست نمیکشند. و بر توست ای سدیر که در هر جمعه قبر حسین علیه السلام را پنج بار زیارت کنی و نظیر حدیث اول را ذکر میکند. (1)

5. الکافی، التهذیب: نظیر همین روایت را به سندی دیگر بیان میکند. (2) توضیح: بعید نیست توجه به راست و چپ و بالا از روی تقیه باشد تا کسی مطلع نگردد.

6. کامل الزیارات: سلیمان بن عیسی از پدرش روایت کند که به امام صادق علیه السلام عرض کردم که اگر نتوانم به زیارت شما بیایم، چه کنم؟ گوید فرمود: اگر نتوانستی به نزد من بیایی ای عیسی، چون روز جمعه شد غسل نما یا وضو بگیر و بر بالای بام خانه ات درآی و دو رکعت نماز بخوان و به سوی من روی کن و به راستی که هر که مرا در زمان زندگی ام زیارت کند، چون کسی است که مرا پس از مرگم زیارت کند و هر که مرا پس از مرگم زیارت کند، چون کسی است که مرا در زمان زندگی ام زیارت کرده باشد. (3)

توضیح: این خبر بیانگر آن است که زیارت امام زنده نیز به این وجه جایز است. و این سندی است برای جواز زیارت حضرت قائم صلوات الله علیه در هر مکان که خواهی و باید که به سوی سرداب مقدس حضرت روی کرد.

1- . کامل الزیارات : 287
2- . الکافی 4 : 589 و التهذیب 6 : 116
3- . کامل الزیارات : 287

7. کامل الزیارات: حنان از سدیر روایت کند که امام صادق علیه السلام مرا گفت: ای سدیر، زیاد به زیارت قبر حسین بن علی علیه السلام میروی؟ عرض کردم که این کار همیشگی ام است. فرمود: آیا میخواهی چیزی به تو بیاموزم که چون آن را انجام دهی، به واسطه آن برایت همان مقدار زیارت نوشته شود؟ عرض کردم: آری فدایت گردم. فرمود: در خانه ات غسل کن و بر بام خانه ات نشین و به سلامدهی به حضرت اشاره کن و اینگونه ثواب همان زیارت برایت نوشته می شود.(1)

توضیح: گفته وی: «قلتُ إنّه...»: یعنی زیاد نرفتن به زیارت حضرت به دلیل اشتغال است و این معنی، از سکوت سدیر از جواب به امام فهمیده میشود.

8. کامل الزیارات: امام صادق علیه السلام: چون فاصله ات بسیار زیاد و خانه ات بسیار دور بود، پس به بالاترین جای خانه ات برو و دو رکعت نماز بگزار و به سلامدهی به سوی قبرهای ما اشاره کن که این گونه سلام به ما میرسد. (2)

9. الامالی صدوق: ابراهیم بن شعیب در روایتی بلند از امام صادق علیه السلام که در آن حکایت فُطرُس را بیان میکند که خداوند تعالی توبه او را با دست و رو مالیدن بر حسین علیه السلام (در گهواره) پذیرفت، گوید: پس فطرس گفت ای رسول خدا، هان که امت تو او را خواهند کشت و من این گونه برای او جبران میکنم که هیچ زائری به زیارت وی نیاید مگر آنکه من از سوی او به امام میرسانم و هیچ سلام دهنده ای سلامی نکند مگر آنکه من سلامش را به وی رسانم و صلوات دردهندهای صلواتی نفرستد مگر آنکه من سلامش (صلواتش) را به وی رسانم. (3)

10. کامل الزیارات: برقی از پدرش روایت میکند که حنان بن سدیر به نزد امام صادق علیه السلام رفت و گروهی از یاران حضرت نزد ایشان بودند. پس حضرت فرمود: ای حنان بن سدیر، آیا هر ماه به زیارت ابا عبد الله علیه السلام میروی؟ گفت نه. فرمود: در هر دو ماه؟ گفت نه. فرمود: پس در هر سال؟ گفت نه. فرمود: چه بی مهرید به سرورتان. گفت ای پسر رسول خدا، تهیدستی و بی توشگی

1- . كامل الزيارات : 288
2- . كامل الزيارات : 288
3- . أمالى الصدوق : 138 ذيل حديث

و دوری راه سبب آن است. فرمود: آیا شما را به زیارتی پذیرفته ره ننمایم، حتی اگر راه دورافتادگان بس دور باشد؟ گفت: چگونه او را زیارت کنم ای پسر رسول خدا؟ فرمود: در روز جمعه یا هر روزی که خواهی، غسل کن و پاکترین لباست را به تن کن و به بالاترین نقطه از خانه ات و یا به صحرایی برو و پس از آنکه دریابی که قبر در مسیر قبله است، روی به قبله بایست. و خدای تبارک و تعالی فرمود: «فَأَيْنَما تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ»(1) {و به هر سو که روی کنید، سمت خدا همانجاست. } سپس بگو:

سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من، سلام بر تو ای سرور من و پسر سرور من، سلام بر تو ای مولای من، ای کشته زاده کشته، شهید زاده شهید، سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. ای پسر رسول خدا، من به دل و زبان و همه اعضایم زائر تو هستم، هر چند که خود به زیارت و مشاهده شما نائل نگشتم. پس بر تو سلام ای وارث آدم برگزیده خدا، و وارث نوح نبیّ خدا، و وارث ابراهیم خلیل خدا، و وارث موسی همسخن خدا، و وارث عیسی روح خدا و کلمه حق او، و وارث محمد حبیب خدا و نبیّ و رسول او، و وارث علی امیر المومنین و وصیّ رسول خدا و جانشین او، سلام بر تو ای وارث حسن بن علی وصی امیر المومنین، خدا لعنت کند قاتل تو را و در این لحظه و هر لحظه بر سر ایشان عذابی نو فرو ریزد. ای سرورم، من به خدای عز و جل تقرب جسته ام و به جدت رسول خدا و به پدرت امیر المومنین و به برادرت حسن و به نزد تو ای مولای من. پس سلام خدا و رحمت او به این زیارت من، از قلب و زبان و همه اعضایم بر تو باد، پس ای سرورم، مرا در پذیرش آن از من، شفاعت جوی و من با بیزاری جستن از دشمنانت و لعنت کردن و فرستادن بر ایشان، به خدا و به جمع شما تقرب میجویم، پس صلوات و رضوان و رحمت الهی بر تو باد.

سپس اندکی به سمت چپ بگرد و چهره ات را به سوی قبر علی بن حسین علیه السلام که زیر پای پدرش مدفون است، بگردان و بر او همچون سلام بر پدرش،

1- . بقره / 115

سلام بده و سپس خدای را در هر آنچه خواهی، از امر دین و دنیایت به دعا بخوان و سپس چهار رکعت نماز بگزار، چرا که نماز زیارت هشت رکعت یا شش یا چهار یا دو رکعت است که بهترین آن هشت رکعت است. به طرف قبر ابا عبد الله علیه السلام روبروی قبله میایستی و میگویی: تو را وداع میگویم ای مولای من و پسر مولای من و ای سرورم و پسر سرورم و تو را ای علی بن حسین، ای سرورم و پسر سرورم، وداع میگویم و شما را ای سرورانم ای گروه شهیدان، وداع میگویم، پس سلام خدا و رحمت و رضوان او بر شما باد. (1)

11. مصباح الزائر به روایت از حنان نظیر همین روایت را ذکر کرده است.

12. مصباح الزائر: مستحب است زیارت ابا عبد الله علیه السلام، پس از آنکه غسل نماید و بر بالای بام خانه اش شود یا به پهنه باز بیابانی رود و به سلامدهی به وی اشاره نماید و بگوید: سلام بر تو ای مولای من و .. نظیر روایت قبلی را نقل میکند. (2)

توضیح: این سخن که روبروی قبله بایست، شاید آن را برای مناطقی گفته که میتوان همزمان روبروی قبر امام و قبله ایستاد و چون از کلامش ظاهر است که گوید: پس از آنکه دریافت، قبر در آن سمت است، معنی آن ضروری بودن ایستادن به سمت قبر است حتی اگر موافق با مسیر قبله نباشد و از این رو به آیه شریفه استناد میورزد که خداوند به هر سو روی کنید، همان جاست و نسبت خداوند به همه اماکن یکسان است. از این رو زائر چون روی به سوی قبر بایستد، گویی به سمت قبله هم ایستاده است و آن وجه الله است یعنی جهتی که مردم را امر کرده که در آن حالت به آن سمت رو کنند. قرینه آن کلام حضرت علیه السلام است: سپس به سمت چپ میگردی زیرا قبر علی بن حسین علیه السلام در سمت چپ کسی است که به قبر و قبله باهم رو میکند. ممکن است مراد از قبله در اینجا مجازاً همان جهت قبر باشد و ممکن است مراد، استقبال قبله به هر حال باشد. پس مراد از این گفته وی: «پس از آن که مشخص شد قبر آنجاست یعنی تخیّل شد که قبر در آن جهت

1- . کامل الزیارات : 288
2- . مصباح الطوسی : 200

است» و استشهاد به آیه برای این است که مراد از وجه الله همان ائمه علیهم السلام هستند و نسبت آنان به اماکن علی السویه است زیرا علم و نور آنان همه آفاق را احاطه کرده است. گردش به چپ برای آن است که در تخیل قبر برای استقبال کننده قبله، قبر علی بن حسین علیه السلام در سمت چپ او قرار دارد، چنان که اگر نزد قبر بود و رو به قبله میکرد چنین بود.

بعید نیست قبله تصحیف قبر باشد. قول صحیحتر همان وجه اول است چنان که شیخ و دیگران رحمهم الله دریافتهاند و حکم به قبله قرار دادن قبر به طور مطلق کردهاند که موافق با روایات دیگری است که در باب زیارت از راه دور وارد شده است. و خدا داناتر است.

13. التهذیب: امام صادق علیه السلام: چون کسی از شما (با حرم حضرت) فاصله بسیار داشت و خانه اش بسیار دور بود، پس بر فراز خانه اش رود و دو رکعت نماز گزارد و به سلام به سوی مقبره های ما اشاره نماید که این به ما میرسد.

و همان سان که از نزدیک به امامان سلام میدهد، از دور به ایشان سلام میکند ولی نمیتوانی بگویی که به زیارتت آمده ام بلکه به جای آن میگویی: با دلم روانه زیارت تو شده ام چون که از حضور در شهادتگاه تو بازماندم و سلامم را به سوی تو روانه نمودم چرا که میدانم به تو، صلوات خدا بر تو باد، میرسد، پس مرا نزد خداوند عز و جل شفاعت جوی و سپس به هر آنچه خواستی دعا میکنی. (1)

مؤلف: این گفته که: و همان سان که از نزدیک به امامان سلام میدهد ... تا پایان، از سخن شیخ است و نه تکمله روایت، چنان که از کافی و آنچه در ابتدای باب ذکر کردیم مشخص میشود.

14. التهذیب: الکافی: حسین بن ثویر بن ابی فاخته روایت کند: من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمه سراج نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودیم و یونس که به لحاظ عمر از ما بزرگتر بود، سخن میگفت و عرض کرد: فدایت گردم، من بسیار حسین صلوات الله علیه را یاد میکنم، چه ذکری بر زبان

1- . التهذيب 6 : 103

آورم؟ فرمود: بگو صلوات خدا بر تو باد ای ابا عبد الله و این را سه بار تکرار میکنی، چرا که سلام از دور یا نزدیک به وی میرسد. (1)

مؤلف: شهید رحمه الله در الذکری(2) گوید: ابن زهره ره گفته است: هر که در حال سکونت در شهر خودش امام را زیارت کند، باید که نخست نماز بگزارد و پس از آن زیارت نماید. و شهید(3) رحمه الله در الدروس گوید: زیارت پیامبر و امامان صلوات الله علیهم در هر جمعه حتی از راه دور مستحب است و اگر از فراز مکان بلندی باشد بهتر است.

مؤلف: مخیر نمودن زائر از راه دور، میان نخست نماز خواندن یا پس از زیارت خواندن نماز، بعید نیست چرا که روایاتی درباره هر دو، چنان که گذشت، آمده است. و آنچه که مؤلف دروس رحمه الله درباره جواز زیارت در هر مکانی گفته، به خاطر سخت گیری نکردن است و این سخن که اگر مکان بلندی هم نباشد ..، با توجه به عمومیت داشتن امرهای روایات و اخباری که گذشت، خالی از صحت نیست، هر چند که بهتر و احوط آن است که بر بامی بلند یا در بیابانی باشد.

سپس بدان که زیارت جامعه برای زائر از راه دور را که در باب زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله از راه دور نقل کردیم، تکرار نمیکنیم.

15. العتیق غروی: زیارتی برای حسین صلوات الله علیه از راه دور:

سلام بر تو ای ولی خدا، سلام بر تو ای حجت خدا، سلام بر تو ای نور خدا در تاریکیهای زمین، سلام بر تو ای امام مومنین و سلاله پیامبران و جانشینان پیامبران و گواه روز حساب، سلام بر جدت رسول خدا سرور فرستادگان و خاتم پیامبران، سلام بر پدرت امیر المومنین و وارث دانش پیامبران، سلام بر مادرت فاطمه دختر رسول پروردگار جهانیان، سلام بر برادرت و همتایت حسن امام مومنان و حجت پروردگار جهانیان، گواهی میدهم که تو و پدرانت پیش از تو و فرزندانت پس از تو، سروران و اولیای من هستند و شهادت میدهم که شما برگزیدگان و

1- . التهذیب 6 : 103 و الکافی 4 : 575 صدر حدیث
2- . الذکری در پایان مبحث: نفل الصلوات

3- . الدروس : 156

نیکترین بندگان خدا و برهان قاطع وی بر همه آفریدگان هستید که به دانش خود شما را به عنوان برگزیدگان برای دینش و برخیزندگان به فرمانش و خزانهداران دانشش و نگاهداران رازش و معادن واژگان حقش و بیانگران وحیاش و گواهان بر بندگانش گزینش نمود و گواهی میدهم که خدای شکوهینیاد، آفریدگانش را در حفظ و نگاهداشت شما قرار داد و شما را میراثدار کتابش نمود و به نابترین ایمان و والاترین تنزیل مخصوص گرداند و تاویل را بر کف شما نهاد و شما را گنجینه حکمتش و حلقه دستآویزهای سختپیوند او و مناره بلند او در سرزمینش قرار داد و پرتوی از نور خود را به شما نشان داد و از روحش در وجود شما جاری ساخت و شما را از لغزشها برکنار داشت و از هر آلودگی پالایش داد و از پلشتی پاک گرداند و از آسیب فتنه ها در امان داشت و به شما بود که نعمتها تکمیل گشت و پراکندگی به اتحاد آمد و وحدت کلمه حاصل گشت، پس شما راست بر ما که حق فرمانبری حتمگشته و دوستی واجبشده و شمایید دوستداران برجسته و بندگان گرامیداشته او. ای پسر رسول خدا که صلوات خدا بر او و بر تو باد، از فاصله ای دور و سرزمینی بعید به زیارت تو را صدا میزنم، با بینش به شأن تو و به دل، سرنهاده کوی تو و آگاه از حق تو و دوستدار دوستداران تو و دشمن دشمنان تو. و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد. تو را زیارتکنان و سرنهاده به کویت و پناه آورده به تو و امان جوینده از آنچه بر دل خود انباشته ام و بر پشت خود هیمه کرده ام، به فریاد میخوانم، پس مرا نزد پروردگارم و پروردگارت شفاعت جوی که مرا گناهان و بار بدکاریهایی است و تو را نزد خداوند جایگاهی معروف و منزلتی بسیار است. خداوندا ای خداوندگار خدایان، ای فریاد رس فریادخواهان، من به ولی تو و پسر پیامبر تو پناه آورده ام، پس مرا از آتش رهایی بخش.

به خدا و آنچه بر شما نازل گشت ایمان دارم و ولایت آخرین شما را همانند نخستین شما میپذیرم و در پیشگاه خداوند از هر دوستی جز شما بیزاری میجویم و به بتان آدمی و طاغوت و لات و عزی کافر هستم. خداوندا بر محمد و خاندان پاک محمد صلوات فرست. ای خدا ای پروردگار محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و امامان از نسل حسین، به آبروی ایشان به تو توسل جسته ام پس مرا از

آتش رهایی بخش و امیدم را نومید مساز ای مهربانترین مهربانان. و سلام بر فرشتگان فرودآمده خدا بر ساحت تو و بر شهیدان شهادت یافته با تو که پیرامون تو در خاک خفته اند و رحمت و برکات خدا.

خداوندا به حق پیامبرمان محمد مصطفی و به حق ولیاّت و وصی پیامبرت امیرالمومنین علی مرتضی و به حق زهرا، فاطمه کبری سرور زنان و به حق حسن و حسین نوه های پیامبر هدایت و شیرخوردگان از برکت جود و رحمت و به حق علی زین العابدین و نور چشم بینندگان و به حق محمد شکافنده دانش پیامبران و به حق فرزند خلف جعفر صادق صادقان و به حق موسی درستکار درستکاران و به حق علی رضای رضایتداران و به حق محمد خیرخواه خیرخواهان و به حق علی شکیبا، سپاسگزار شکیبایان و به حق حسن پرهیزکار پرهیزکاران و سجاد دیگر و سختیکشنده بلندترین شبها به شبزندهداری و به حق جان وارسته و روان نیکسرشت و جانشین راستین و حجتت و بیّنه روشنت بر خلقت و کسی که همه ستیزه جویان در روز قیامت به واسطه او محکوم میشوند، آن همنام پیامبرت و برآورنده دینت و یاریگر اولیایت و درهمشکننده دشمنانت از میان بندگانت و در سرزمینت، از تو درخواست میکنم.

خداوندا به حقت بر ایشان و حق ایشان بر تو و به شأنی که نزد تو دارند، چرا که ایشان را در پیشگاه تو شأن و منزلتی است، توبه ام را بپذیر ای توبهپذیر و در روزی حلال پاک خود را بر من و بر خانواده و فرزندان و برادران و همه بندگانت از برادران و خواهران مومن من، بگشا و مرا و خانواده و فرزندان و برادران و هر آن که در سرپرستی من است و برادران و خواهران مومنم را از تهیدستی در دنیا و آتش در آخرت در پناه خود دار و مرا چشم به هم زدنی و نه کمتر از آن و نه بیشتر، به خود و به احدی از آفریدگانت واگذار مفرما و همه احوال و امور من و خانواده و فرزندان و برادران و خواهرانم را به صلاح آور و من و ایشان را در امر دنیا و آخرت بسنده باش. از شر هر فتنه ای و از فتنه دجال به تو پناه میآورم ای پروردگار جهانیان و ای مهربانترین مهربانان و صلوات خدا بر سرورمان محمد پیامبر رحمت و بر خاندان نیکآیند و پاک او و سلام بی پایان خدا.

توضیح: «و عصائب عروته»، دستگیرههای دین و طاعتهایی که خلق بدان تمسک میجویند، به اینان بسته میشود. در جای دیگر «و عصا عزّه» آمده که شاید بهتر باشد. « و مکابد لیله التمام» به کسر تاء است. جوهری گفته: «لیل التِمام» - فقط با کسره - طولانیترین شب سال است و گفته:

طولانیترین شب سال را بیتوته کردم در حالی که رنج میکشیدم و دلم از ترس میلرزید.

16. مولف المزار الکبیر گوید: استغاثه و کمکجویی به پیشگاه امام زمان عجل الله تعالی فرجه: هر جا که هستی، دو رکعت نماز با حمد و سوره میخوانی و زیر سقف آسمان رو به قبله میایستی و میگویی: سلام کامل و بی کاستی و فراگیر و دربرگیرنده و صلوات و برکات جاری و بی کاستی او بر حجت خدا و ولیّ او در سرزمین و مملکت خدا و جانشین او بر آفریدگان و بندگانش و از تبار نبوت و باقی مانده عترت و برگزیده صاحب الزمان و آشکارکننده ایمان و بروز دهنده احکام قرآن و پالایش دهنده زمین و دادگستر در طول و عرض زمین و حجت بر پای ایستاده، رهنموده، پیشوایی که به انتظارش نشسته اند و خشنوددییافته، پاک فرزند امامان پاک، وصیّ زاده اوصیای خشنودگشته، هدایتگر هدایت یافته، زاده امامان عصمت یافته.

سلام بر تو ای وارث دانش پیامبران و امانتگاه حکمتهای جانشینان پیامبر. سلام بر تو ای عزتبخش خوارداشتگان، سلام بر تو ای خوارکننده کافران سرفرازنده ستمگر، سلام بر تو ای مولای من ای صاحب الزمان، ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر امیر المومنین و پسر فاطمه زهرا سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای فرزند حجتهای خدا بر همه آفریدگان، سلام بر تو ای مولای من، سلام مخلصی در ولایتپذیری. شهادت میدهم که تو امام هدایت یافته در کردار و گفتاری و تویی که زمین را از عدل و داد آکنده میسازی و خداوند تو را گشایش دهد و خروج از غیبتت را آسان گرداند و زمان تو را نزدیک و یاران و طرفداران تو را بسیار گرداند و آنچه به تو وعده داده را محقق گرداند که او راستگوترین سخنگویان است: «وَ

نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثِينَ»(1) {و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منّت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم. ای مولای من ای صاحب الزمان ای پسر رسول خدا، حاجتم چنین است و چنان .. پس مرا در نتیجه یافتنش شفاعت جوی که حاجتم را به نزد تو آورده ام، چرا که میدانم تو را نزد خداوند شفاعت پذیرفته و جایگاهی شایسته است و به حق آن که ویژگی ولایت امریش را به شما داد و شما را به رازداریاش پذیرفته و به شأنی و احترامی که میان شما و او هست، از خداوند تعالی درباره به نتیجه رساندن درخواست من و پاسخ گفتن به دعایم و زدودن دلپریشیام، مسألت نما. و سپس هر آن دعایی که خواستی بخوان که ان شاء الله تعالی برآورده می شود. (2)

مؤلف: در میان دعاهای روز عرفه از کتاب الاقبال(3)، زیارتی جامع برای زائر از راه دور به روایت از امام صادق علیه السلام یافتم که شایسته زیارت ایشان علیهم السلام در هر روز و بخصوص در روز عرفه است:

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو ای پیامبر خدا، سلام بر تو ای نیکترینِ خدا از میان آفریدگانش و امین وی بر وحیاش، سلام بر تو ای مولای من ای امیر المومنین، سلام بر تو ای مولای من، تو حجت خدا بر آفریدگانش و دروازه دانش او و وصیّ پیامبرش و جانشین پس از او در امتش هستی. خدا لعنت کند امتی که حق تو را به چپاول بردند و بر رهزنی تو برنشستند. من از ایشان و پیروانشان به نزد تو بیزاری میجویم.

سلام بر تو ای فاطمه بتول، سلام بر تو ای گل سرسبد زنان جهانیان، سلام بر تو ای دخت رسول پروردگار جهانیان که صلوات خدا بر تو و بر او باد، سلام بر تو ای مادر حسن و حسین. خداوند لعنت کند امتی را که حق تو را به چپاول گرفتند و

1- . قصص / 5
2- . المزار الکبیر : 220
3- . اقبال الاعمال: 595

تو را از آنچه خداوند بهره ات نمود، بازداشتند. من از ایشان و پیروانشان به نزد تو بیزاری میجویم.

سلام بر تو ای مولای من ای ابا محمد، ای حسن پسندیدهکردار، سلام بر تو ای مولای من، خداوند لعنت کند امتی که تو را کشت و در امر سرکشی بر تو با هم بیعت نموده و همراه گشتند. من از ایشان و پیروانشان به نزد تو بیزاری میجویم.

سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبد الله حسین بن علی که صلوات خدا بر تو و بر پدرت و بر جدت محمد صلی الله علیه، خدا لعنت کند امتی را که خون تو را حلال شمرد و خدا لعنت کند امتی را که تو را کشت و به حریم تو دستدرازی نمود و خدا پیروان ایشان را لعن فرستد و زمینهسازان برای فراهم کردن امکان نبرد با شما را لعنت نماید. من از ایشان و پیروانشان به پیشگاه خدا و به نزد تو بیزاری میجویم.

سلام بر تو ای مولای من ای ابا محمد، علی بن حسین، سلام بر تو ای مولای من ای ابا جعفر محمد بن علی، سلام بر تو ای مولای من ای ابا عبد الله جعفر بن محمد، سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن موسی بن جعفر، سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن علی بن موسی، سلام بر تو ای مولای من ای ابا جعفر محمد بن علی، سلام بر تو ای مولای من ای ابا الحسن علی بن محمد، سلام بر تو ای مولای من ای ابا محمد الحسن بن علی، سلام بر تو ای مولای من ای حجه بن الحسن صاحب الزمان، صلوات خدا بر تو و بر عترت پاک و نیکآیند تو.

ای سروران من، مرا در فروافکندن بار گناه و اشتباهات از گردهام شفاعت جویید. به خدا و هر آنچه بر شما نازل نمود ایمان دارم و آخرین شما را چنان که نخستین شما را، به ولایت میپذیرم و از بتان آدمی و طاغوت و لات و عزی بیزاری میجویم. ای سروران من، من با هر که با شما ره آشتی پوید، آشتی میورزم و با دشمن شما دشمنم و ستیزنده با ستیزگران با شما و دوستدار دوستدار شما هستم تا روز قیامت. خدا لعنت کند ظالمان و غاصبان شما را و لعنت کند دوستان و پیروان و طرفداران و اهل مذهب آنان را و از ایشان به پیشگاه خدا و به نزد شما بیزاری میجویم.

17. به خط کسی از علماء به نقل از خط شهید بن مکی که خدا روحشان را قرین رحمت کند، از وی از ابی الحسن فارسی این خبر را یافتم که گوید: بسیار به زیارت مولایمان ابا عبد الله علیه السلام میرفتم و مدتی بعد سرمایهام اندک و بنیهام از پیری سست گشت و از زیارت روی برتافتم و شبی رسول خدا صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم در حالی که حسن و حسین علیهما السلام نیز همراه وی بودند و من به نزدیک ایشان رسیدم و حسین علیه السلام گفت: ای رسول خدا! این مرد بسیار مرا زیارت میکرد و مدتی بعد از من دست کشید. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا از چون حسین هجران میجویی و زیارتش را ترک میگویی؟ عرض کردم ای رسول خدا، حاشا و کلّا که من بر مولایم هجران جویم، حقیقت آن بود که فرتوت و ناتوان گشتم و از این رو زیارت وی بر من دشوار گشت و به خاطر بیدستمایگی زیارت وی را ترک گفتم. پس حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: هر شب بر بام خانه ات برو و با انگشت سبابه به سوی او اشاره کن و بگو: سلام بر تو و بر جدت و بر پدرت، سلام بر تو و بر مادرت و بر برادرت، سلام بر تو و بر امامان از فرزندانت، سلام بر تو ای صاحب اشک ریزان، سلام بر تو ای صاحب مصیبت پیاپی، به راستی که کتاب خدا پس از تو به کناری افکنده شد و رسول خدا از داغ تو اندوهگین گشت و تو را سلام و رحمت و برکات خدا.

سلام بر یاران خدا و جانشینان او، سلام بر امانتداران و دلبندان او، سلام بر محلهای شناخت و معرفت خدا و معدنهای حکمت خدا و نگاهدارندگان راز خدا و حاملان کتاب خدا و جانشینان پیامبر خدا و سلاله رسول خدا صلی الله علیه و آله و رحمت و برکات خدا. سپس هر آنچه خواستی درخواست کن که زیارتت از دور یا نزدیک پذیرفته است.

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109